مقدمه

سال‌ها پیش وقتی برای اولین بار به امید پولدار شدن با تعدادی از دوستان کم تجربه خود جهت حفاری در بدست آوردن گنج دفینه به کوه و جنگل رفتم فکر میکردم که فردای آن روز بالاخره به تمام آرزوهای جوانی خود خواهم رسید!!؟ غافل از اینکه تازه شروع یک راه بسیار پرپیچ و خم و ناهموار بود.
در هر صورت عاقبت پس از سالها تلاش بیهوده و کورکورانه و از دست دادن میلیون‌ها تومان پول و سرمایه خود و همچنین مواجهه با ناجوانمردی‌های بسیار روزی از روزها با تلنگری کوچک به ناگاه به خود آمدم و با تحلیل و بررسی عملکرد آن سالها از دست رفته به این نتیجه رسیدم که اصلاً از ابتدا، راه را اشتباهی انتخاب نموده‌ام و به یکباره خانه نشین شدم. هر چند بدست آوردن مجدد آن همه روحیه و انرژی پیشین سخت بنظر می رسید ولی با کمی تمرکز و دقت بار دیگر آرام آرام به راه افتادم و نتوانستم روحیه از دست رفته خود را بار دیگر بدست آورم و از آن پس به جای اینکه بدون تفکر و تعقل دست بکار حفاری‌های آنچنانی و بی‌برنامه شوم، با خود عهد کردم که تا زمانی که توان در بدن دارم تمام هدف و زندگیم را بر روی تحقیقات علمی و هدفمند معطوف بنمایم و به جای عجله و رویاپرازی‌های پوچ و مبهم با لمس واقعیت‌ها به آرامی در این راه جدید گام برداشتم و با همت خود و همچنین تحمل و بردباری خانواده‌ام توانستم خود را مجدد احیا کرده و امروز نیز در خدمت شما سروران گرامی باشم.
سخن را کوتاه نموده و فقط به این نکته اشاره می‌نمایم که اصلی‌ترین دلیلی که بنده تصمیم به گردآوری و ترجمه و چاپ این مجموعه ارزشمند گرفته‌ام این بود که وقتی در جنگل و کوه و بیابان سردرگم به دور خود می‌گشتم با خود آرزو می‌کردم که ای کاش کسی یا چیزی می‌توانست با راهنمایی‌های درست و اصولی به من کمک کند تا لااقل آنقدر زجر و مشقت را به خود وارد نسازم و تکلیف کار نیز هر چه سریعتر برایم روشن شود تا بجای از دست دادن زمان و نیز سرمایه خود حتی‌الامکان به زندگی خود بیش از پیش لطمه وارد نسازم! چرا که اگر به طور مثال من می‌دانستم در سنگ خوک در داخل یا زیر آن چیزی نمی‌تواند باشد و اگر قرار باشد دفینه‌ای هم داشته باشد در مکانی دیگر و در عمق بسیار زیاد می‌باشد، هیچگاه چندین روز از عمر خود را صرف شکستن سنگهای بعضاً طبیعی و ... نمی‌کردم.
در پایان با بیان اینکه بخش اعظم مطالبی که در این کتاب توسط بنده و همکاران پرتلاشم گردآوری و آماده استفاده شما عزیزان قرار گرفته است مربوط به کتابی تحت عنوان به چشم طلائی بوده که در کشور ترکیه در گذشته به چاپ رسیده است و مابقی مطلب تکمیلی، ثمره تجاربی است که در این سالها و با سختی‌های بسیار شخصاً به دست آوردم.
و صد درصد نمی‌توان گفت که تمام مطالب این کتاب صحیح و بی‌نقص است و احتمال اینکه مواردی دیده شود که در این کتاب موجود نباشد بسیار نادر بوده و بنده هم به آنها اشاراتی ننموده باشم یا وجود نداشته یا بسیار نادر می باشد.
ضمناً مطالب این کتاب بر اساس دیدگاه‌ها و خواسته‌های اکثریت مشترکین عزیز تهیه و تنظیم گردیده است و من باب مثال بخشهایی همچون موکلین دفینه و دعاهای ذکر شده جهت رفع طلسم و ... مواردی می‌باشدکه بنده شخصاً به آنها اشراف کامل نداشته و با مشورت افراد خبره و اساتید فن تهیه گردیده و اینجانب در این کتاب هیچ نظر و دیدگاهی در باب این مقولات اظهار ننموده و تشخیص صحت و درستی این مطالب به عهده خود خوانندگان گرامی می‌باشد.
اکیداً توصیه می‌گردد به هیچ عنوان در مناطقی که به عنوان امامزاده، معصومزاده، اماکن متبرکه و مقدس و همچنین مناطقی که توسط سازمان میراث فرهنگی و جهانگردی علامت‌گذاری و ثبت گردیده است، اقدام به حفاری و هرگونه کاوش جهت بدست آوردن دفینه و گنج ننموده زیرا موارد ذکر شده نه تنها جرم سنگینی محسوب می‌گردند بلکه عواقب قانونی و مادی سنگینی نیز برای شما در پی خواهد داشت.

علی عزیزیان

فهرست مطالب:

گنج و گنج پژوه



گنج چیست؟

برای پاسخ گویی به این دو سوال، ابتدا آنها را تعریف می نماییم.
به اشیاء قیمتی و ارزشمندی مانند طلا و نقره که به منظور محافظت از بلایای طبیعی، جنگها و دزدان و راهزنان، در جاهایی مانند زیر خاک، داخل دیوارها، در پای درختان، چاه ها، قنات ها و این قبیل محل ها مدفون شده است دفینه یا گنج می گویند.

گنج پژوه چیست؟

و اما گنج پژوه کسی است که رد این گونه گنجینه ها و اشیاء قیمتی را بوسیله علایم و نشانه ها، و هرگونه معلومات و منابع اطلاعی موجود دنبال کرده و برای یافتن آنها همانند یک کارآگاه تلاش می کند.و حرفه ای تلاش کرده و برای رسیدن به این هدف از هرگونه سرنخ، نشانه، علامت، اطلاعات و ردی که بدست می آورد استفاده میکند.
گنج پژوه دوستدار محیط زیست، دوستدار طبیعت است. برای فرهنگ و میراث فرهنگی احترام و اهمیت قائل است. گنج پژوه تاجر است، معلم است، سیاستمدار است، دکتر است، دادستان و قاضی است، گنج پژوه مهندس است، محقق و تاریخدان است؛ گنج پژوه فردی است از افراد محترم و وطن دوست این کشور، شخصی است از اشخاص گزیدهٔ این سرزمین.



گنج پژوه چه چیزی را جستجو می کند؟

گنج پژوه، در جستجوی گنجینه ها، دفینه‌ها و ثروتهایی است که به دلایلی که در زیر به آن اشاره می شود، پنهان گشته است.



جنگها

حاکمان زورگو و مستبدی که خواستار حکمرانی به تمام دنیا بودند، جنگاوران و اقوام جنگجو، و یا مردمی که برای یافتن محل زندگی یا از میان برداشتن عناصری که زندگی آنها را تهدید می کرد مجبور به جنگ بودند؛ غنایم و ثروتهایی را که در نتیجه این جنگها بدست می آوردند در جاهایی مانند قلعه ها، پناهگاه ها، انبارها و دالان ها پنهان میکردند به امید اینکه روزی بازگشته و آنها را بردارند. در این قبیل جنگها که به مدتهای طولانی ادامه می یافت سربازان و جنگجویان بسیاری کشته می شدند و غنایمی که توسط این سربازان پنهان گشته بود همانند صاحبانشان در زیر خاک مدفون شده و مفقود می شد.

در زمان استیلاها و غارتها نیز، سربازان دور از چشم فرماندهان خود،گنجینه هاو اموالی که غارت می کردند را در آن محل پنهان میکردند تا هنگامی که بعدها دوباره گذرشان به آنجا افتاد آنها را بردارند.

همچنین اشیای قیمتی و اموالی که سربازانِ کشته شده در میدان جنگ همراه خود داشتند،

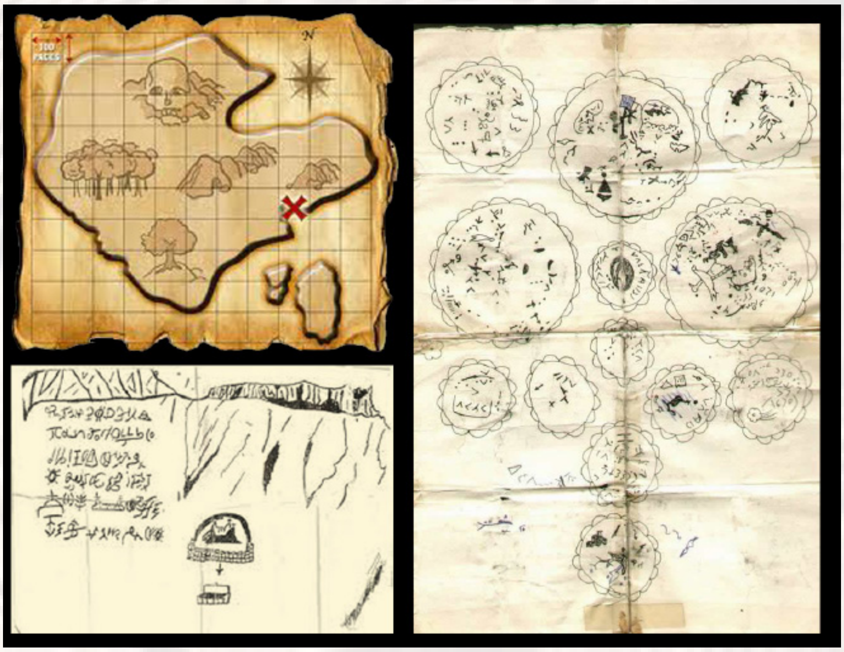


در سطح میادین جنگ پخش شده است.

گنج پژوه در سرزمین هایی که روزگاری جنگها در آن بوقوع پیوسته است، اموال و اشیائی را که در بالا به آن اشاره کردیم، به کمک ابزار آلاتی مانند فلزیابها جستجو می کند.

از مهم ترین و بارزترینِ این قبیل جنگها، جنگهای صلیبی است که در ظاهر به بهانه های دینی صورت می گرفت اما هدف اصلی آن غارت و به تاراج بردن اموال و ثروتهای شرق و انتقال آنها به غرب بود.

دزدان دریایی، راهزنان و غارتگران



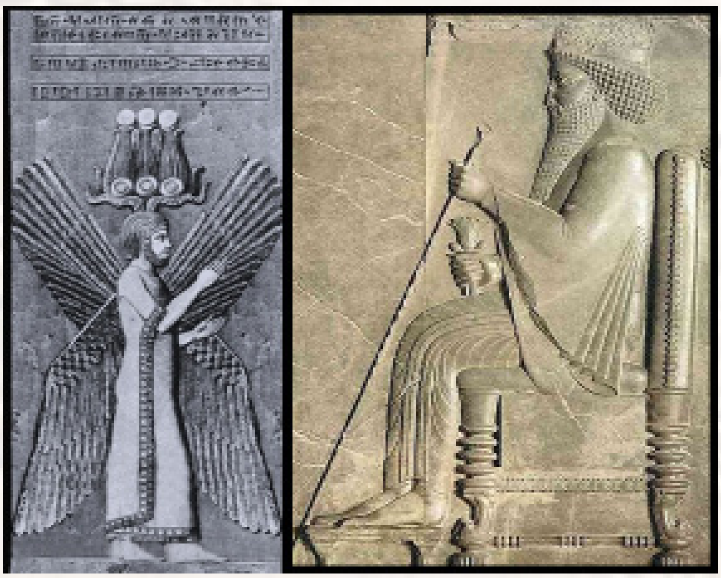
در دریاها، دزدان دریایی کشتی های تجاری را غارت میکردند، و در خشکی دزدان و راهزنان کاروانهای تجاری و اموال قبیله های کوچک کوچ نشین را غارت کرده و این گونه اموال غارت شده را در جاهایی که پیدا کردن آنها به سادگی ممکن نبود پنهان یا مدفون می کردند تا بدست دیگران نیفتد.

این افراد برای اینکه بعدها بتوانند اموال و گنجینه های پنهان شده خودشان را بیابند از علایم و نشانه هایی استفاده میکردند. همچنین میدانیم برای اینکه اشخاصی غیر از خودشان

نتوانند این گنجینه ها را بیابند، از علایم و نشانه های گمراه کننده و همچنین تله های مرگبار مختلف استفاده می شده است.
گنج پژوه با دنبال کردن علایم و نشانه ها، همچنین به کمک فلزیاب ها و ابزارهای دیگر برای پیدا کردن این گونه گنجینه ها تلاش میکند.

حاکمان زمانه

حاکمان برای اینکه اموال، گنجینه ها و ثروتهای خودشان را در مقابل اشغالگران، کودتاگران و دزدان و غارتگران حفظ کنند و به منظور اینکهدر صورت از دست دادن حکومت در آینده خودشان یا فرزندانشان بتوانند دوباره حکومت را بدست گیرند، اموال و ثروت های خود را در اماکن بسیار سری پنهان و نگهداری می کردند. این ثروتها سالیان درازی در محلهایی که کسی غیر از خودشان از آن اطلاع نداشت و نمی توانست به آن دست یابد پنهان می گشت.
بسیاری از این حاکمان در نتیجه ی سوء قصدها کشته شده، و ثروت ها و گنجینه های آنان به مدت صدها سال در محل هایی که پنهان کرده اند باقی مانده است.
مخفیگاه ثروتها و اموال شخصی سزار، امپراتور روم، پس از کشته شدنش هیچگاه پیدا نشد و سِر آن امروزه پس از گذشت قرنها هنوز باقی است.
به عنوان مثالی از زمانهای متاخر تر میتوان به ثروت کلان شاه مخلوع ایران که به دنبال انقلاب از قدرت ساقط شد اشاره کرد. این گنجینه در زمان حکومت جدید بطور تصادفی بوسیله ی چوپانی، در یک غار پیدا شد. مقدار این گنجینه آنقدر زیاد بود که برای حمل آن از ۱۲ تریلر استفاده شد.





گنجینه ها و اموال شخصی

انسانها مجبور می شدند ثروتها و اموالی که در تمام عمر برای بدست آوردنشان کار و تلاش کرده بودند را برای محافظت از دزدان و راهزنان، و یا حتی گاهی برای محافظت از افراد خانواده خودشان مخفی کنند. این مخفی کردن ها به دو صورت انجام می شد.

یا قسمت بزرگی از اموال برای مدت های طولانی در جایی پنهان میشد و یا قسمت کوچکی از اموال که گاه گاهی مورد استفاده قرار می گرفت در صندوقچه ها و داخل دیوارها و جاهایی که دسترسی به آن آسان بود مخفی می گشت. بدین ترتیب در مواقع نیاز قسمتی از این اموال برداشته شده و مصرف می شد.

این گونه روشها در زمانهای قدیم بخصوص از طرف کسانی که از طریق ربا خواری، با استفاده از پولپول در می آوردند استفاده می شد.

کوچ



اموال و ثروتهایی را که در نتیجه ی کوچ، ترک شده یا پنهان می گشتند را میتوان به دو گروه زیر تقسیم بندی کرد.

۱) در زمانهای گذشته اقوام و قبیله های بسیاری زندگی کوچ نشینی داشته اند. این اجتماعات کوچ نشین در جستجوی خاک حاصلخیز و آب و هوا و اقلیم مناسب برای زندگی، دائماً در حال کوچ و مهاجرت بودند و آن دسته اموال و دارایی هایشانراکه نمی توانستند با خود حمل کنند، در جایی مدفون یا پنهان می کردند. به این ترتیب بعدها در هنگام بازگشت میتوانستند از اموال پنهان شدهٔ خود استفاده نمایند.

۲) گاهی انسانها در نتیجهٔ جنگها مجبور به کوچ می شدند. برای دور ماندن از تاثیرات جنگ یا برای زندگی در مکانی که در آن احساس امنیت کنند بطور موقت به روستاها، شهرها، و سرزمینهای دیگر کوچ می کردند، و قبل از مهاجرت اشیاء قیمتی خود را در جایی پنهان می کردند.
تعداد انسانهایی که در طول تاریخ در نتیجه جنگها مجبور به مهاجرت شده اند بسیار است. گنج پژوه اینگونه وقایع را دنبال کرده و مناطقی که مهاجرت در آنها صورت گرفته است را شناسایی می کند. در این محلها، خانه ها، داخل دیوارها، حیاطها، چاههای آب، و زمینهای اطراف را جستجو می کند. اینگونه جستجو ها تنها با استفاده تکنولوژی امروزی و فلزیاب ها و ابزارآلات مخصوص امکان پذیر است.

روحانیون

در زمانهای قدیم بزرگترین موسسه های مالی عبادتگاه ها و کلیساها، و بزرگترین متخصصان امور مالی روحانیون بودند.
پایه و اساس این ثروتها و اموال را مالیاتهای مختلف و بخشش ها و نذورات تشکیل می داد. در آن زمانها صومعه ها و کلیساها در بخشهای مختلف جامعه تاثیرگذار و دارای قدرت و اختیار بودند. کلیسا به خرید



و فروش پول و رباخواری اشتغال داشت، همچنین کسانی که به جنگها اعزام می شدند مجبور بودند اموال و دارایی های خود را به کلیسا ببخشند.
هدف از این کار فراهم شدن این زمینه بود که سربازان به جای اموالی که به کلیسا بخشیده اند با غنائم جنگی بیشتری بازگردند و به غارت و یغمای بیشتری دست زنند.

از مردم مالیاتی به عنوان مالیات کلیسا جمع آوری می‌شد، همچنین کلیسا از دادن مالیات به دولت و حکومت معاف بود.
کلیسا، بخصوص در قرون وسطی سبب کشته شدن هزاران انسان به بهانه‌های مختلف، به اتهام جادوگری و فعالیت های مخالف دین شد، که بوسیله شکنجه یا سوزانده شدن اعدام شده و اموال و دارایی های آنان از طرف کلیسا مصادره می‌شد. به دلایلی از این قبیل،

کلیساها و روحانیونی که در زیر نقاب دین از کلیسا برای رسیدن به مقاصدشان استفاده می کردند،ثروت های کلانیدر ابعاد و مقادیر باور نکردنی بدست آورده اند.
در جاهای مختلف دنیا، اینگونه ثروتها، گاهاً بوسیله مدفون و پنهان شدن، از نسلی به نسل دیگر رسیده است، و امروزه، هنوز جنبه اسرارآمیز خود را حفظ کرده است.
در کشور خودمان و در خلال جنگهای زمان نزدیک، گروه های غیر مسلمان با حمایت و جهت دهی از طرف روحانیون منصوب به کلیسا،بصورت گروهی یا جمعی طلا و جواهرات، اموال،ظروف و اشیای قیمتی خود را در یک جا جمع کرده و در اماکن مختلفی همانند تونل ها و دالان هایی که حفر میکردند، و یا در اراضی جنگلی یا کوهها، غارها، شکاف صخره ها یا چاله هایی که حفر می کردند مدفون ساخته اند.
گنج پژوه برای یافتن این گونه گنج ها و کالاهای مورد بحث تلاش می کند. و به کمک ابزارآلات و فلزیابها به جستجوی این قبیل اماکن که احتمال وجود اینگونه اشیاء قیمتی در آن وجود دارد می پردازد.

معادن



خاک کشورمان همانگونه که میزبان تمدن های مختلفی در زمانهای گوناگون بوده و از این حیث ثروتمند به حساب می آید، از لحاظ معادن طبیعی بسیاری که در خود جای داده نیز ثروتمند محسوب می شود.
یکی از بزرگترین عوامل ثروتمندی دولت ها و جوامع قدیم، فلزات ارزشمندی بود که از معادن استخراج میکردند. به عنوان مثالی در این رابطه میتوان به لیدیه اشاره کرد. در عصر یونان قدیم و در غرب سرزمین آناتولی، مَرماتیان یعنی آخرین خاندان از سه دودمانی که تحت عنوان امپراتوری لیدیه حکومت کردند، به روایت هرودوت تاریخ نویس، ۱۴۱ سال بر این سرزمین حکمرانی نمودند.



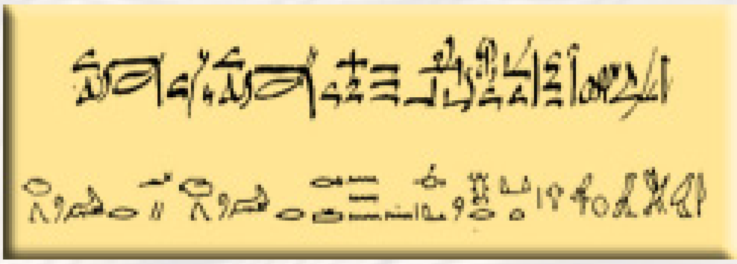
امپراتوری لیدیه که در اوایل قرن هفتم قبل از میلاد یکی از مهم ترین ابداعات تاریخ بشر یعنی پول را اختراع کرده است، ثروتمندترین کشور زمان خود بود. یکی از مهم ترین دلایل اینکه لیدیه ثروتمند ترین امپراتوری دوران خود بوده است، طلای داخل گل و لای و رسوبات دره سارد (Sart) (دره ای در نزدیکی شهر ساردیس قدیم در غرب ترکیه) بود که بوسیله رودخانه گِدیز (Gediz) از رشته کوههای بُز (Boz)آورده شده و در آن اراضی ته نشین می شد.

آخرین امپراتوری لیدیه کروئیسوس (Kroisos) که با بعضی دسیسه ها در سال ۵۶۰ پیش از میلاد حکومت را به دست گرفته بود، صاحب ثروت عظیمی مثال «گنج قارون» بوده است. در طی دوران های مختلف، از زمان تمدن ها و امپراتوری های قدیم تا بعضی از زمانهای معلوم امپراتوری صفوی، در کشورمان از معادن بسیار زیادی بهره برداری میشده است و این واقعیت در کتابها و منابع بسیاری نیز آمده است، اما امروزه تعداد این قبیل معادنی که میشناسیم بسیار اندک می باشد. بقیه این معادن در دوران خاصی یا تعطیل شده و یا پنهان گشته است.

گنج پژوه با استفاده از اطلاعات و ابزارهای مختلف، برای یافتن محل این معادن یا یافتن فلزات ارزشمند استخراج شده از این معادن مانند طلا، نقره، مس و سرب تلاش میکند.



زبان علامت ها



کتابی که در دست دارید در زمینه خود یکی از اولین ها در ایران می باشد و بر این باوریم که به همین دلیل جای خالی زیادی را پر می کند. در این بخش از کتاب به نکاتی پیرامون علامت ها و نشانه ها خواهیم پرداخت.

اولا، ما مدعی این موضوع نیستیم که اطلاعاتمان در این حیطه کامل است و همه چیز را می دانیم. دنیای سمبل ها فقط مختص به ما نیست، موضوع سمبل ها و علامت ها حیطهٔ وسیعی است که هیچکس در دنیا نمی تواند مدعی این شود که همه چیز را درباره آن می داند. بنابر این ما در اینجا قصد داریم فقط به منطق کلی موجود در این موضوع بپردازیم، و به بررسی موضوعاتی را که بر روی آن اتفاق نظر وجود دارد، و بعضی از سمبل ها و علایمی که تحلیل آنها در حد اطلاعاتمان برایمان ممکن است بنشینیم، تا برخی از موانع موجود در این رابطه را از پیش روی اندیشهٔ خواننده برداشته و راه را برای او باز نماییم.

ثانیا؛ یک تحقیق جدی در رابطه با اینکه سمبل کشف شدهٔ خاصی، چه معنا و مفهومی را می رساند، و این معلومات نتیجهٔ تحقیقات چه کسی یا کسانی است، برای خواننده ای که در حیطهٔ دفینه و گنج فعالیت دارد یا به آن علاقمند است، زمینهٔ مفید و بی زحمتی فراهم می کند و مانع اتلاف نیرو، هزینه و زمان او شده، و همچنین مانع از دست رفتن امیدهای او در این زمینه می گردد.

نکته ای که در این رابطه نباید فراموش کنیم این است که؛ در منطق علامت ها هیچ قانون قطعی وجود ندارد، اما در عین حال هر علامتی معنا و مفهوم خاصی را می رساند، خواه این معنا معنای دور باشد، خواه معنای نزدیک. هیچ علامت و سمبلی به خودی خود یا از روی بیکاری و سر رفتن حوصله ایجاد نشده است، و سعی در تعریف چیزهایی دارد.

در هر علامتی که بصورت برجسته کاری یا کنده کاری شده ایجاد شده است، کوچکترین برجستگی یا فرو رفتگی مفهوم خاص و مطلقی را می رساند. اشکال، نگاه ها، طرز ایستادن ها، و هر گونه حرکات و رفتارِ نقش داده شده در سمبل ها و علایم، هر کدام سعی در بیان مطلب خاصی دارند. نقوش روی علایم، خواه نقش یک انسان باشد، خواه نقش یک

حیوان، گیاه یا هر شی دیگر، اندازه های بکار گرفته شده در ترسیم اجزاء این اشکال، هر کدام به نوعی بیانگر مفهومی در رابطه با فاصله و جهتِ محل خاصی در محیط اطراف، مانند محلهای سکونت، گورستان، عبادتگاه و امثال این می باشد.

هر علامت در مناطق مختلف دنیا معنا و مفهوم یکسانی ندارد. همچنین باید توجه داشت که اگر در اینجا به مفهوم علامت خاصی می پردازیم، این مفهوم، مفهوم تقریبی و نسبی آن علامت است و نمی توان به آن بصورت قطعی نگاه کرد. سمبلی خاص در فرهنگهای مختلف معانی متفاوتی دارد.

تحلیل سمبل ها و حل معمای آنها همانند بازی شطرنج می باشد. در این بازی شطرنج مابین کسی که این علایم را کشیده و از خود بجا گذاشته و کسی که سعی در پیدا کردن مفهوم آن علامتها داردمجادله سختی در جریان است.

در بعضی از فرهنگ ها و در میان بعضی از اقلیت ها، برای نشان دادن محل گنجینهٔ پنهان شدهٔ خاصی، از بیش از یک علامت استفاده شده است، گاهی در سیستم علامت گذاری کمتر از سه علامت استفاده نمی شود. بنابراین جستجوی گنج بوسیله تنها یک سمبل یا علامت که در محل خاصی یافت شده است کار منطقی و عاقلانه ای نمی باشد.

در مورد هر علامت کشف شده، علامت مرتبطی قبل یا بعد از آن ممکن است وجود داشته باشد، فقط کسی که در این کار تخصص و تجربهٔ کافی دارد می تواند بگوید که سمبل و علامت کشف شده آخرین علامت راهنما است یا خیر.به همین دلیل نه تنها باید به معنا و مفهوم علامتها توجه کنیم بلکه یافتن منطق نهفته در ارتباط بین این علامت ها و چگونگی ترتیب آنها نیز بسیار مهم است، پس در محل کاوش میبایست تمامی اراضی اطراف را به خوبی مشاهده و بررسی کرد. در رسیدن به هدف، عواملی مانند برجستگی ها و فرو رفتگی های زمین، پوشش گیاهی و امثال این از اهمیت بسیاری برخوردار است.

در اینجا قصد داریم با استفاده از دانش و تجربیات دوستان متخصص خود در این زمینه، همچنین با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی و اقتصادی تمدن های مختلف، به بررسی علامتها و درست ترین معنایی را که ممکن است این علامت ها برسانند بپردازیم.

در رابطه با تعیین مسافت ها توسط سمبل ها، واحدهای اندازه گیری که هر تمدن از آن استفاده می کرده را نیز در نظر می گیریم. علاوه بر این در هنگام بررسی محل کاوش احتمال اینکه خطاهای کوچکی در هنگام علامت گذاری در اندازه گیری صورت گرفته باشد را نباید از نظر دور داشت.

قبل از شروع حفاری ها تثبیت محل دقیق حفاری و عمق حفاری با استفاده از افراد

متخصص و مجرب و به کمک فلزیابها و ابزارآلات اهمیت دارد. زیرا در اثر عواملی از قبیل فرسایش زمین در طول سالیان دراز، سیل، زلزله و امثال این، عمق مورد نظر ممکن است تغییر کرده باشد و عمقی که علایم آن را نشان می دهند با عمق واقعی اختلاف داشته باشد. در این زمینه استفاده از تجهیزات حساس به عمق از اهمیت بسیاری برخوردار است. علاوه بر تمام اینها، ما حضور یک باستان شناس را در کار تثبیت محل حفاری، بسیار مفید می دانیم. یک باستان شناس هرچند همانند یک جستجو گر دفینه به قضیه نگاه نمی کند اما علم باستان شناسی و دانش او می تواند مانع از تلاش در جهت اشتباه و بیهوده گردد.



سمبل چیست

ریشهٔ کلمهٔ سمبل، کلمه «Symbolon» است که در زبان قدیم مصری بکار می رفته و مفاهیمی همچون با هم بحث کردن، کنار هم قرار دادن، در یک جا جمع کردن و بستن را می رساند. این کلمه پس از آنکه به زبان یونانی قدیم راه یافته، به شکل کنونی درآمده است.

در بعضی از واژه نامه ها سمبل به معنای «یک چیز مشخص تری که در تعریف یک چیز مشکل تر مورد استفاده می گیرد» و یا «قانون عمومی، اصل و قاعده، تفکر اساس، دانش، علایمی که برای بیان فکر» نیز آمده است. سمبلیسم را به اختصار میتوان بصورت «دانش عمومی، بیان حقایق به روش ساده و قابل فهم» تعریف کرد. یک سمبل علامتی است که سعی دارد مفهومی را به قطعی ترین، مشخص ترین، ساده ترین و طبیعی ترین شکل ممکنه بیان کند.

سمبل ها در نتیجهٔ کدام نیاز به وجود آمده‌اند؟

انسان، به اقتضای فطرت و نوع خلقتش، تمامی اطلاعات و رازهای راجع به زندگی اش را نمیتواند با همگان به اشتراک گذارد. هر انسانی در دنیایی که در آن زندگی می کند،رازها

و اسرار سربسته زیادی در درون خودش دارد.

وجود اطلاعات سری در زندگی اجتماعی به دلایل مختلفی مانند دلایل نظامی، دفاعی، فرهنگی و غیره، یک امر طبیعی است. انسان تمامی ایده ها و افکار خود را به راحتی نمی تواند با دیگران در میان گذارد.

به دلایلی نظیر مواردی که به آن اشاره شد، انسان همیشه از فاش کردن افکار و دانش خود بصورت واضح و بی پردهدر میان همگان خودداری کرده است و به نوعی به بیان آنها بصورت سربسته فقط در میان کسانی که لازم است از آن اندیشه ها و حقایق اطلاع داشته باشند دست زده است. این گونه ارتباط با دیگران و بیان حقایق به این شیوه، در طول گذشت سالیان و قرون متمادی قسمتی از طبیعت وجود آدمی گشته است. سه دلیل اساسی بیان حقایق بصورت سربسته را می توانیم به شکل زیر بیان کنیم:

۱- در تمام زمانها و تمام جوامع، برای کسانی که درباره حقایق خاصی اطلاع داشته اند همیشه خطراتی وجود داشته است که باعث خودداری این عده از بیان حقایق بصورت آشکارا می شده است.

۲- تکامل انسان و تکامل دانش و آگاهی های او بصورت تدریجی صورت می گیرد، در جهان حقایقی وجود دارد که هنوز زمان آشکار شدن آن برای همگان فرا نرسیده است، عده زیادی از انسانها در زمانی خاص ظرفیت اطلاع داشتن از این گونه حقایق را نداشته اند. اطلاع داشتن از حقایقی خاص نه تنها برای آنها مفید نبوده بلکه می توانسته مضر باشد به همین دلیل بعضی از حقایق از کسانی که هنوز ظرفیت دانستن و درک آنها را نداشته‌اند مخفی مانده است.

۳- بعضی از حقایق همانند نوعی سلاح هستند و اطلاع داشتن دیگران از آنها، بخصوص کسانی که نیت های سو در سر دارند می تواند بسیار خطرناک باشد. به همین دلیل بعضی حقایق نباید به دست افراد نا اهل بیفتد.

شاید امروزه نگاه کردن به شی یا موجود خاصی در طبیعت معنا و مفهوم مستقیمی به ما نرساند اما در روزگاران قدیم که هنوز خط ابداع نشده بود یا در میان انسان ها عمومیت نداشت، انسان از اشکالِ اشیاء و موجودات مختلف موجود در طبیعت برای بیان منظور خود استفاده می کرده است. در آن دوران انسان از اشکال مختلف مانند نقش حیوانات و گیاهان مختلف استفاده می کرده و این اشکال را بر روی سنگها و درختان رسم می کرده است.



نشانه یا علامت چیست؟

انسان های قدیم برای انتقال افکار، اندیشه ها، خواسته ها و انتظارات خود از اشکال موجود در طبیعت استفاده می کردند. برای این منظور اشکالی را بکار می بردند که با افکار و اندیشه های آنان ارتباط داشته باشد و بتواند مفهوم چیزی که قصد بیانش را دارند را برساند. و این امر مستلزم این بوده است که طبیعت را به دقت زیر نظر بگیرند و پدیده های مختلف آن را بخوبی بشناسند. اشکالی که بوسیله این انسانها استفاده می شده است، نقش کوهها، دره ها، رودها، دریاچه ها، خورشید، ماه و غیره بوده است.

نکته مهم دیگری که در اینجا قصد داریم به آن اشاره کنیم این است که هر شکل و علامتی یک سمبل نیست و بین این دو تفاوت وجود دارد. سمبل ها اکثراً علامت ها و اشکالی هستند که در میان انسان ها بیشتر جنبه عمومی داشته و نشان دهنده افکار و اعتقادات مشترک بین خیلی از انسان ها و ملت ها می باشند.

به عنوان مثال داستان خلقت حضرت آدم (ع) و حوا، طوفان نوح، به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی (ع) و ... در طول سالیان دراز و متمادی و با بهره گرفتن از افسانه ها و

انتقال سینه به سینه، در بین انسان ها عمومیت یافته است و خود این افسانه ها هم بر روی آنها تاثیر گذاشته اند. می توان این وقایع و داستانها با استفاده از سمبلها بیان کرد. اینگونه موضوعات کاملا جنبه عمومی و جهانی به خود گرفته است. از جهتی، سمبل ها می توانند نشان دهندهٔ اعتقادات دینی، جغرافیای محل زندگی، و خصوصیات روحی ملت ها و جوامع مختلف نیز باشند.

در مقابل خصوصیت عمومیت سمبل ها، علامت ها و نشانه ها خواه با سمبل های خاصی در ارتباط باشند یا نباشند، بیشتر مختص یک شخص، یک گروه یا جوامع کوچک خاصی می باشند و نشان دهنده اندیشه ها، خواسته ها و احساسات آنها، گاه نیز مشخصه و تعریف کنندهٔ یک طرح و کار مربوط به آنها هستند.

این یک واقعیت است که هر سمبل، علامت و شکل اسرار آمیزی که همیشه و در همه جا نقش یکسانی داشته و به همان صورت خاص رسم می شود، اشکالِ خیالی و بی معنی نمی باشند. ممکن است زبان ملت ها و جوامعی که اینگونه اشکال و سمبلهایی را استفاده می کنند متفاوت باشد اما سمبل های استفاده شده در بین آنها یکسان است. این قبیل اشکال و نقوشِ خاص جنبهٔ عمومی و جهانی پیدا کرده اند.

تمامی سمبل ها جنبه اسرار آمیز و راز گونه ندارند. موضوعاتی وجود دارد که گاهاً بیان آنها بصورت مستقیم و آشکارا بعضی انسانها و گروه ها را ناراحت می کند و در دنیای امروز نیز مثال های زیادی میتوان از آن زد، در این شرایط، نشانه ها و سمبلها وارد عمل شده و برای بیان همان موضوعات اما بصورت سربسته و غیر مستقیم بکار گرفته می شود. گاهی نیز سمبل ها و علامت ها فقط به عنوان وسیله ای برای بیان موضوعات بصورت اختصاری و به منظور صرفه جویی در جا و زمان، و جلوگیری از نوشتن ها و توضیحات طولانی تر استفاده می شود.

یکی از موضوعات و اندیشه های تاثیر گذار در نوشتن این کتاب، موضوعات دینی و فلسفی می باشند که سمبل ها در داخل آنها به وفور استفاده شده اند. در اینجا سعی داریم اشاراتی به این موضاعات نیز داشته باشیم.

سمبل ها و نشانه هایی که در متون باستانی آمده است در بسیاری از موارد ریشه در باورها و اعتقادات و اندیشه های دینی دارد. مثال های مختلفی در این رابطه در قسمت سمبل ها آورده شده است.

بسیاری از این سمبل ها در متون مقدس نیز به نوعی استفاده شده اند، حتی منبع اصلی بسیاری از سمبل های عهد قدیم را همین متون مقدس تشکیل می دهند.

دلایل اصلی جای گرفتن سمبل ها در متون مقدس را اینگونه می توانیم توضیح دهیم:
تفاوت های ذهنی و فرهنگی انسانها: تمامی انسانها تفاوت های ذهنی با هم دارند و همچنین در جوامع و محیط های کاملا متفاوتی بزرگ شده و زندگی می کنند و خود این جوامع نیز دارای فرهنگ های متفاوتی چه از نظر کیفیتی و چه از نظر سطح کمیتی هستند، به همین دلایل ذهنیت، طرز فکر و ظرفیت درک و فهم آنها با هم متفاوت است. هر انسانی قدرت و ظرفیت فهم و درک هر دانشی را ندارد. بعضی از معلوماتِ عمیق و وسیع بجای اینکه باعث پیشرفت و تعالی بعضی از انسان ها شود ممکن است سد راه پیشرف آنان یا سبب به هم ریختگی ذهنی و یا حتی گمراهی آنان گردد. سطح درک و فهم انسانها با هم متفاوت است.
کتب مقدس دارای خصوصیت عمومی و جهانی بودن هستند و از طرف خدا برای تمامی انسانها با هرگونه خصوصیات فکری و سطح درک و فهم نازل شده اند و به همین دلیل در قالبی نازل شده اند که برای عموم انسانها قابل درک و فهم باشد. متون کتب مقدس باید طوری باشد که هر انسان با هرگونه ذهنیت و درک و فهمی که دارد بتواند از آن بهره مند گردد و در عین حال معلومات موجود در داخل کتاب باعث به هم ریختگی و مشکلات ذهنی برای او نشود و دانش هایی که خارج از ظرفیت درک و فهم اوست را در کتاب نیابد. بدین ترتیب هرچقدر که سطح دانش و درک و فهم یک انسان ارتقاء یافت و افق دید او وسیعتر شد، با خواندن همان کتاب می تواند به معلوماتی در سطوح بالاتر و مناسب سطح ذهنی خود دست یابد. تنها روشی که این امر را امکانپذیز می سازد سمبولیسم است. سیستم سمبولیسم سیستمی است که در تناسب با «اصل تدریج» (تکاملی که بصورت آنی صورت نگرفته و در طول زمان و بصورت پله به پله و مرحله به مرحله انجام می پذیرد) این امکان را به انسان ها می دهد تا حقایق را بصورت تدریجی یاد گرفته و درک نمایند. میتوان گفت که یکی از دلایل اینکه در کتب مقدس بعضی از حقایق بصورت روشن و واضح و بعضی دیگر بصورت سربسته بیان شده است همین امر می باشد.
شرایط زمانه و سطح تکامل: یکی از دلایل شکل گیری و استفاده از سمبلها در کتب مقدس، نامناسب بودن شرایط زمانه و ناکافی بودن سطح تکامل انسانها برای درک حقایق موجود در کتاب است، در زمانی که کتاب نازل شده. به عنوان مثال از سطح علمی ناکافی انسانها در زمانی که کتاب نازل شده می توان نام برد؛ با گذشت زمان و تکامل علمبشر، انسانها در آن متون متوجه حقایقی می شوند که در نگاه اول و اعصار گذشته به آن پی نبرده بودند. اینگونه کشف حقایق در کتب مقدس هنوز ادامه دارد و ادامه خواهد یافت.

منطق نهفته در علامت ها:

استفاده از اشکال و علایم توسط انسانهای اولیه، در ابتدا در جهت رفع مشکلات و سختی های زندگی بود، بعدها در امور اقتصادی (خرید و فروش کالا، ایجاد پول، حساب و امور نظیر این) مورد استفاده قرار گرفت، اما ما در اینجا سعی داریم بیشتر به جنبهٔ استفاده از علایم و نشانه ها در زمینهٔ گنجها و دفینه ها بپردازیم. بنابراین به نوعی وارد یکی از بخشهای «علم کتیبه خوانی» (Epigraphy) می شویم.



مطالبی که در این زمینه در کتاب خواهیم آورد ارتباطی به علم باستان شناسی نداشته و قسمتی از آن نمی باشد. در واقع باستان شناسان کار گنج پژوهان و جستجوی گنج و دفینه را بیشتر یک کار سینمایی به حساب می آورند نه یک کار علمی. از یک نظر اینطور فکر کردن آنان به نوعی درست است؛ ما نیز بوسیله تجربیات بسیاری که در طول سالیان دراز در این کار بدست آورده ایم به این نتیجه رسیده ایم که تقریبا تمامی کسانی که در ایران به کار گنج پژوهی مشغولند، کارشان را از روی هیچ علم خاصی انجام نمی دهند. اطلاعاتشان در این زمینه کاملا بی اصل و اساس بوده و آنها را از راه شنیدن از دیگران بدست آورده اند. همواره باید به این امر توجه داشته باشیم که علامت های هم شکل گاهی معانی متفاوتی را می رسانند.

علاوه بر اینکه از جنبه های مختلفی به بررسی علامتها خواهیم پرداخت، خواستار آنیم که موارد زیر را نیز به اطلاع خوانندگان برسانیم:

هر علامت با تمدنی که از آن علامت استفاده کرده، همچنین سطح علمی، بافت اجتماعی،

وضعیت اقتصادی، وضعیت سنی مردم آن تمدن و موارد دیگری از این قبیل ارتباط نزدیکی دارد.

هر علامت و سمبل با توجه به معیارهای زیر باید مورد بررسی قرار گیرد:

- رمزهای ارقامی
- رمزهای الفبایی
- رمزها و سمبل های دینی
- علایم اجتماعی
- اشکال حیوانات
- اشکال سکه ها و پولها
- موجودات طبیعت

در مورد هر علامتی که پیدا می کنیم قبل از هر چیز باید این نکته را بررسی و مشخص کنیم که آیا علامت مذکور مربوط به یک گنج است یا خیر. بدین ترتیب از تلاش های بیهوده در راستای کشف گنجی که وجود خارجی ندارد، و هدر دادن پول، زمان و امیدهایمان جلوگیری خواهد شد.

گنج پژوهی که امروزه در بسیاری از جاها به عنوان یک حرفه تلقی می شود، برای مردم ما تنها عبارت است از شنیدن یک سخن در این رابطه و به دنبال آن، به دست گرفتن بیل و کلنگ. در حالیکه گنج پژوهی عرصه ای است که از جهات بسیاری نیاز به تخصص دارد.

متداول ترین محرک در میان جستجوگران گنج در کشور ما شنیده ها و روایات است.

به محض اینکه علامت یا نقشی را بر روی سنگی در کوه یا مزرعه یا حیاط خانه می بینند، خیال پولدار شدن به سرشان زده و به محاسبۀ این امر می پردازند که چگونه و کجا را حفاری نمایند. اصلا به این موضوع فکر نمی کنند که علامتی که دیده اند نشان یک دفینه است یا نه. همچنین برای اینکه بفهمند چگونه گنج خیالی خود را پیدا کرده و از داخل زمین بیرون آورند، موضوع را به اطلاع اطرافیانشان رسانده و نظر آنها را جویا می شوند.

یکی از مواردی هم که ما زیاد به آن برخورده ایم، داستانهایی است که پدر بزرگ ها و مادر بزرگها درباره گنج هایی که در زمینهای اطراف مدفون است تعریف می کنند. شاید روزی شخصی را دیده باشند که شیئی یا مقدار پولی را در زمین چال می کند، شاید هم روزگاری خودشان مقداری پول در جایی خاک کرده اند و در بستر مرگ می خواهند جای آن را به فرزندانشان نشان دهند و ...

بسیاری از جستجوگران گنج در اغلب جستجوهای خود بدون اینکه چیزی پیدا کنند به

کار جستجو پایان می دهند؛ در صورتی که جستجوی گنج دقت بسیار و بررسی دقیق نیاز دارد. گاهی دو سنگ نوشتهٔ مشابه یا دو علامت مشابه بر روی دو سنگ قبر قدیمی می توانند علامت دهندهٔ گنج باشد و تفاوت اندک مابین این دو نشانهٔ مشابه ممکن است اشاره کننده به محل گنج باشد. گاهی شکستگی کوچک گوشهٔ تخته سنگی میتواند نشان دهندهٔ راستای گنج پنهان شده باشد. گاهی یک علامت فلش، نقش یک ماهی یا حیوانی که به سمت خاصی قرار گرفته همانطور که می تواند نشانگر جهت گنج باشد، در عین حال می تواند برای گمراه کردن، درست جهت خلاف را نشان دهد.

فرهنگ ها، اعتقادات، و طرز فکر کسانی که این علایم و نشانه ها را بکار برده اند خیلی مهم است. این کار مکتب و آموزشگاه خاصی ندارد، در این رابطه قوانین دقیقی که حتما باید رعایت می شده است هم وجود ندارد. اعتقادات، فرهنگ، طرز فکر و حتی شرایط روحی کسی که این علامت ها را باقی گذاشته است مهم ترین عامل مشخص کنندهٔ پیام این علامتها می باشد. و حل این قبیل معماها و کشف این قبیل رمزها به هیچ وجه کار آسانی نیست.

برای کسانی که می خواهند از این کتاب به منظور پیدا کردن گنج کمک بگیرند باید متذکر شویم که؛ هیچ پنهان کنندهٔ گنجی علامتی مبنی بر این که «**گنج من در فلان جا پنهان شده است، بروید و آن را بردارید**» از خود باقی نمی گذارد. این رفتار هم با طبیعت انسان مغایر است و هم با منطق این کار. کسی که ثروت و گنجینه ای را پنهان می کند این کار را به این منظور که دیگری از راه رسیده و به راحتی اموال او را بردارد و برود، انجام نمی دهد، و علایم و نشانه هایی که می گذارد برای راحت کردن کار جستجوگر گنج و به زحمت نینداختن او نیست.

علایم و نشانه ها به منظور گم نکردن محل اشیایی که پنهان می شود قرار داده می شوند. برای یافتم منطق نهفته در این علامت ها نیز به همان اندازه که دانش اهمیت دارد، تجربه هم لازم است.امروزه اغلب کسانی که به این کار مشغولند، بیشتر از آنکه به دنبال یافتن مفهوم علامت هایی که آنها را به گنج می رساند باشند، به کمک سمبل هایی که مفهوم کلی و عمومی دارند و نیازی به حل معمای آنها نیست، به دنبال کشف گورستانها و آثار باستان هستند. پس از کشف این گونه آثار قدیمی نیز به حفاری محوطه مشغول می شوند تا شاید بتوانند چیز ارزشمندی برای خودشان بیابند.

مفهوم علامت ها و مفهوم سمبلها دو مقولهٔ جدا از هم می باشند. سمبل ها بیشتر جنبه عمومی و جهانی دارند و در دنیا بصورت سیستم مشترکی در آمده‌اند که در همه جا از

آنها بصورت مشابه استفاده شده است. به همین دلیل برای فهمیدن یک سمبل باید دانش و معلومات خاصی داشته باشیم.
اما در مورد نشانه ها و علامت های گنج ها موضوع کمی متفاوت است، برای فهمیدن این علامت ها و حل معمای آنها بیشتر از دانش و معلومات، به هوش و درایت بالا نیاز است، در اینجا تجربه مهم تر از علم و دانش می باشد.
در این زمینه تنها کسی می تواند از شانس موفقیت بالایی برای رسیدن به هدف برخوردار باشد که در زمینه باستان شناسی تحصیلاتی داشته، تا اندازه ای به به علم کتیبه خوانیو کتیبه ها حاکم باشد، در زمینه سمبل ها معلومات و اطلاعاتی داشته باشد، با حروف و ارقام عبری، سریانی، ارمنی، رومی، بیزانس و ایرانی آشنایی داشته و در کنار تمام اینها از تجربیاتی در زمینه گنج یابی برخوردار باشد.
با این حال امروزه ارزش این کار تا حدی پایین آورده شده است که در قهوه خانه ها و محافل مختلف بحث آن می شود و انسانهای زیادی تنها بخاطر دیدن یک نشانه یا شنیدن یک روایت شروع به کندن زمین کرده و به دنبال گنج می گردند.
بدتر از این، سودجویان و متقلبانی هستند که ادعای تخصص در این کار و دانستن زبان علامت ها را می کنند، مردم را فریب داده و باعث می شوند تا انسانها به حفاری های بی اساس و تخریب آثار باستانی دست زنند.در ضمن، از رمالان و دعا نویسان و جن گیرهاو متقلبان دیگر هم میتوان نام بردکه دستی در اینگونه کارها دارند.
علاوه بر همهٔ اینها، کتاب هایی در این زمینه چاپ شده است که تمام متن آنها تشکیل شده است از مطالب بی اصل و اساس، مطالب ساختگی و نامربوط.
کار جستجوی گنج بیشتر از آنکه یک کار حفاری باشد، یک هنر است. هنر تحقیق و بررسی، هنر تقویت احتمالات وجود گنج، هنر کشف رمز علایم ونشانه ها. هر شکل و نشانه ای علامت یک گنج نمی باشد. اگر در سرزمین ایران هر شکل و نشانه ای که پیدا می شود علامت یک گنج بود، تمام مردم کشور ایران ثروتمند بودند. دولت می توانست به تمام افراد کشور در ازای انجام ندادن هیچ کاری حقوق هایی با مقادیر بالا پرداخت کند.
در زمینهٔ گنج پژوهی و یا تحقیقات باستان شناسی، ارقام از اهمیت زیادی برخوردارند. خیلی از حروف یک ارزش رقمی نیز دارند و این موضوع ممکن است چه در حیطهٔ باستان شناسی و چه در حیطهٔ گنج ها و دفینه ها مورد استفاده قرار گرفته شده باشد. بطور مثال حرف یا علامت (X) هم می تواند نشانگر یک گور یا علامت یک سوگند (تایید چیزی) باشد و در عین حال می تواند معادل ارزش رقمی آن در زبان رومی یعنی عدد ۱۰ مورد

استفاده قرار گرفته شده باشد.

به عنوان مثالی دیگر حرف (L) را می توان نام برد که اگر به عنوان رقم رومی در نظر گرفته شود نشانگر عدد ۵۰ می باشد اما در عین حال معانی مختلف دیگری را نیز می تواند برساند، مثلا اگر بصورت برجسته و در داخل یک مستطیل قرار داده شود به معنای یک قفل است و مفهوم شروع یا پایان پذیرفتن یک چیز را می رساند. (شکل ۱) همچنین می تواند علامت گنجینه ای از پول و جواهرات باشد، یا نشان قبر انسانی که در زمان حیات ثروتمند بوده است. نکته مهمی که باید به آن توجه شود این است که این علامت در کجا و به چه شکل و چه موقعیتی قرار گرفته و استفاده شده است. از حرف (L) در تمدن های مختلف و به گونه های مختلف مانند برجسته کاری یا کنده کاری شده استفاده شده است.

گاهی یک علامت علاوه بر این که وجود چیزی را نشان می دهد، خصوصیات آن علامت نیز می تواند اطلاعاتی در مورد آن چیز خاص به ما بدهد.



شکل: ۱
علامت (L) در وسط تصویر فوق مشهود می‌باشد

بطور مثال یک نشانِ کنده کاری شده بر روی یک صخره می تواند نشان وجود یک قبر باشد، در عین حال عمق این کنده کاری می تواند نشانگر عمق آن قبر، و یک نقطه یا خط بر روی آن شکل می تواند نشان دهندهٔ راستایی باشد که باید قبر را در آن سو جستجو کرد، اندازهٔ شکل کنده کاری شده هم می تواند در ارتباط با فاصلهٔ قبر از محل صخره اطلاعاتی به ما بدهد. (شکل ۲) بدین ترتیب یک علامت کوچک کنده کاری شده بر روی یک صخره می تواند ما را از وجود یک قبر، جهت، عمق و دوری و نزدیکی آن مطلع سازد.



شکل: ۲

گاهی برای فهمیدن اینکه یک علامت یا حرف یا رقم خاصی که در نوشته یا کتیبه ای بکار رفته چه مفهومی را می رساند، باید بدانیم که آن نوشته مربوط به کدام زمان می باشد. برای مثال علامت اولیه ای که برای بیان عدد ۵۰ استفاده می شده است در طول سالها دچار تحول شده و در هر دوره از زمان به شکل خاصی نشان داده شده است تا اینکه در قرن اول قبل از میلاد بصورت (L) در آمده است.

↓	→	↓	→	→	→	→	L

همانطور که در شکل مشاهده می کنید، تمام این علامت ها نشانگر عدد ۵۰ هستند اما اگر یک جستجوگر گنج اطلاعاتی دربارهٔ این موضوع نداشته باشد، با دیدن یکی از دو علامت اول بر روی یک صخره، آن را به عنوان یک فلش برداشت کرده و هدف خود را در راستای آن فلش جستجو خواهد کرد. و پیداست که اینگونه جستجوها هیچوقت به هدف نخواهند رسید.

همین علامت فلش در صورتی که سر آن رو به پایین ↓ باشد: در عهد یونان قدیم نشانگر زن یا اندام جنسی زن بوده است و به شکلی که سر فلش رو به بالا باشد: ↑مفهوم مرد را می رسانده است.

برای اینکه مفهوم یک سری علامت کشف شده را هر چه بهتر متوجه شویم باید بدانیم متعلق به چه کسانی و چه دوره ای از زمان می باشند.

ما در این کتاب به بررسی چندین علامت و سمبل و مفاهیمی که این سمبل ها و علایم می توانن برسانند خواهیم پرداخت؛ اما از آوردن بسیاری از علایم و اطلاعات بی اساسِ مربوط به آنها که در جاهای زیادی نیز آورده شده و در بین مردم دست به دست می گردد

اجتناب می کنیم. برخی از دلایل این کار از قرار زیر است.

به موارد زیادی از سنگ قبرهای قدیمی برخورده ایم که مطابق ذهنیت و فرهنگ مرسوم آن دوران و در میان آن مردم، بر روی آن بجای استفاده از نوشتار، از علایم و اشکال استفاده شده است. این علایم و اشکال، بیانگر اطلاعاتی در مورد انسانی است که در آنجا خاک شده، اطلاعاتی همانند شغل، مقدار ثروت و دارایی، کارهایی که در زمان حیات انجام داده است، علت مرگ، عناوین و القاب و غیره.

همچنین بعضی بعضی علامت ها وجود دارند که نظیر آن در هیچ جای دیگر یافت نمی شود و تنها مخصوص شخصی است که آن را از خود به جای گذاشته. درک مفهوم واقعی آن برای هیچ کس ممکن نمی باشد.

مشکل اصلی جستجوگران گنج پیدا کردن علایم نیست، مشکل اصلی خواندن و کشف رمز این علایم است. بسیار اتفاق می افتد که در نزدیکی یا درست در کنار یک گنج حفاری و جستجو انجام می شود، بر روی زمینی که گنج در زیر آن پنهان است قدم گذاشته می شود، اما در نهایت بی خبر از گنجی که آنقدر نزدیک بوده است، هیچ چیزی پیدا نمی شود. یکی از دلایل اصلی این امر این است که بسیاری از جستجوگران گنج خودشان هم نمی دانند که چه کار می کنند و چه کار باید بکنند، نمی دانند چه می خواهند و به دنبال چه چیز می گردند. به همین منظور برای کسانی که در جستجوی گنج و علایم گنج هستند توصیه هایی داریم.

• در اراضی در سطح وسیعی مشاهده و بررسی انجام دهید، و برای کارِ مشاهده از چشم غیر مسلح استفاده کنید.

• تپه های کوچک و بزرگ چیزهایی نیستند که در طول سالها از بین بروند، اینگونه تپه ها و دیگر عوارض طبیعی منطقه، مانند کوهها و دره ها را در اوقات مختلف روز و در شرایط مختلف نور خورشید مورد بررسی قرار دهید و به دنبال تشابه ها و ارتباط ها در میان آنها بگردید.

• کارِ بررسیِ عوارض طبیعی زمین را در سطح وسیعی انجام داده و بطور مداوم این سوال را از خودتان بپرسید که اگر من جای او بودم گنج را در کجا پنهان می کردم. بدین ترتیب سعی کنید تا مناسب ترین محل برای پنهان کردن گنج را بیابید.

• چشمه ها و محل های خروج آب از زمین، بخصوص در زمان های اخیر، از اهمیت بسیاری برخوردارند. ممکن است خشک شده یا بسته شده باشند؛ بر روی یافتن آنها تمرکز کنید.

• اگر در محل، علایم و نشانه هایی یافتید، حتما با یک شخص آگاه و متخصص در این زمینه مشورت کنید و نظر او را بپرسید و سعی نکنید خودتان آن علایم را بدون آگاهی تعبیر و تفسیر نمایید.

• اغلب اوقات علامتِ نشان دهندهٔ یک گنج تنها یکی نمی باشد؛ اگر علامت و نشانه ای یافتید، نواحی اطراف آنرا به دقت جستجو کرده و مورد مشاهده قرار دهید و از نبود علامت های دیگر مطمئن شوید. اگر علامت های دیگری بیابیدپی بردن به رمز این علایم، و در نهایت پیدا کردن گنجینهٔ پنهان شده برایتان آسان تر خواهد شد.

• گاهی بین علامت ها ممکن است ترتیب خاصی برقرار باشد؛ در اینصورت برای یافتن ارتباط بین آنها تلاش کنید و همیشه احتمال وجود علایم انحرافی و گمراه کننده را نیز در نظر داشته باشید. این قبیل دفینه ها معمولا گنجینه های بزرگی هستند؛ باز هم مشورت با یک متخصص را توصیه می کنیم؛ شاید کمک گرفتن از یک متخصص و شخص آگاه به معنای تقسیم گنجینه باشد، اما حریص بودن و کمک نگرفتن نیز خستگی و به نتیجه نرسیدن را به همراه دارد.

• پس از انجام مشاهدات در سطح وسیع، سعی کنید محوطهٔ جستجوی خود را کوچک تر کرده و به ۱۰۰ متر مربع کاهش دهید. محوطه جستجوی کوچکتر یعنی نزدیک تر شدن به هدف و بیشتر شدن احتمال موفقیت. و در آخر اینکه، اگر از هوش و استعداد خوبی برای خواندن علامت ها و کشف رمز آنها برخوردارید، بیشتر مسئله برای شما حل شده خواهد بود. از مراجع قانونی مجوزهای لازم را بگیرید، اگر مانع قانونی خاصی وجود ندارد می توانید کار حفاری را شروع کنید.



معانی مختلف علامت ها:



همانطور که قبلا نیز اشاره شد، ممکن است یک علامت در همه جا مفهوم یکسانی را نرساند، همچنین علایم و سمبل هایی نیز وجود دارند که در همهٔ جاهایی که استفاده شده اند تقریباً یک معنای مشترک و واحدی را می رسانند و نشان دهندهٔ افکاری کم و بیش یکسان هستند. علاوه بر اینها علامت ها و اشاراتی نیز وجود دارند که نظیر آن در هیچ جای دیگر نیست و مخصوص به شخصی است که از آن استفاده کرده است.

یکی از سختی های کارِ جستجویِ گنجینه ها خواندن علایم و نشانه ها و کشف رمز آنها است. نباید فراموش کنیم کسانی که گنجینه ای را پنهان می کنند و به امید اینکه روزی بازگشته و محل آن را پیدا کنند علایم و نشانه هایی قرار می دهند انسانهای با هوشی هستند. شاید آنها به منظور پیدا کردنِ مناسب ترین محل برای پنهان کردنِ گنجینهٔ خود و مناسب ترین روش های پیدا کردن آن گنجینهٔ پنهان شده، روزها و هفته ها اندیشیده باشند. این گونه طرز تفکر در بیشتر علامت ها و نشانه های گنج ها مشهود است. هیچ کس درست در بالای محلی که گنجینه اش را دفن کرده، تخته سنگی که بر روی آن «در اینجا گنج وجود دارد» نوشته شده باشد قرار نمی دهد.

در اینجا اولین کاری که باید انجام دهیم این است که برای فهمیدن اینکه گنجینه بوسیلهٔ چه کسانی و در چه دوره ای از تاریخ و پنهان گشته است تلاش کنیم.فهمیدن این موضوع نیز این مجبوریت را به دنبال دارد که اطلاعات و معلوماتی دربارهٔ طرز فکر آن مردم، سمبل ها و علایم دینی آنها، و مهم تر از همه خط و الفبایی که از آن استفاده می کرده اند داشته باشیم.

در این کتاب قسمتی از ارقام و حروفی که در سرزمین ایران زیاد به آنها بر می خوریم را بررسی خواهیم کرد. اما به یاد داشته باشید گاهی ممکن است علایمی که با آن سر و کار دارید و یا مفهوم و ارتباط بین آن علایم، نتیجهٔ طرز نگرش و طرز فکر شخصی پنهان کنندهٔ گنجینه باشد. در این گونه موارد برای یافتن مفهوم علایم و فهمیدن منطق نهفته در آنها تلاش ذهنی بسیاری لازم است، و در صورت امکان باید به شخص متخصص و مجرب این کار رجوع کرده و از او کمک گرفت. داشتن اطلاعات در زمینه تاریخ و باستان شناسی، آشنایی با علم کتیبه خوانی، داشتن معلومات در زمینه سمبل ها و علایم، در کنار تمام اینها داشتن هوش و درایت بالا و همچنین تجربیات در زمینه گنج یابی، احتمال رسیدن به هدف را بالا می برد.

انسان های عهد قدیم مانند ما از ارقام و حروف الفبا استفاده نمی کردند. اولین نمونه خط و الفبا در حدود قرن ۱۵ قبل از میلاد و توسط اقوام سامی (اقوامی ساکن در مناطقی مانند لبنان، فلسطین، اردن و مناطق صحرای سینای امروزی) ابداع شده است؛ یعنی در حدود ۳۵۰۰ سال پیش.

در ادوار اولیه ای که خط استفاده می شده، بیشتر از علامت ها و اشکال مختلف برای این کار استفاده می کرده اند. خط بعدها بوسیله الفبای یونانی به شکل پذیرفته شده ای در میان تقریبا تمام ملتها در آمد که بصورت مشترک از آن استفاده می کردند.

وقتی نگاهی کلی به تاریخ خط داشته باشیم، می توان به این نکته پی برد که تقریبا تمامی گونه های الفبایی که امروزه از آن استفاده می شود از نسل الفبای فنیقی هستند.

سرزمین ایران بخاطر شرایط جغرافیایی خاصی که دارد سیر تکاملی تقریبا تمامی انواع الفبا را به خود دیده است. تمدن های زیادی بر این سرزمین حکومت کرده و هر کدام نیز آثاری از خود بجا گذاشته اند. مواجه شدن با آثار این تمدن ها و به تبعِ آن مواجه شدن با انواع سمبل ها، علامت ها و حروف و ارقام الفبایی در شرق تا غرب این سرزمین امکانپذیر است.

در این قسمت از کتاب مثال هایی از انواع ارقام و حروفی را خواهیم آورد که زمانی در این سرزمین و در میان اقوام مختلف ساکن آن استفاده شده، و یا به نوعی به میان آنان راه یافته و شناخته شده است. این مثال ها کم و بیش منشاء همان علایم و نشانه هایی هستند که گنج پژوهان با آنها مواجه می شوند.

الفبای مصری:



در بعضی از مناطق کشورمان دیدن آثاری بجای مانده از فرهنگ و تمدن مصری امکانپذیر است. با در نظر گرفتن سیر تاریخی تکامل الفبا ها، در اینجا ابتدا به بررسی بعضی از حروف و ارقام الفبای تمدن فراعنه می پردازیم.

الفبای استفاده شده در تمدن مصرگونه ای از انواع الفبای تصویری است که امروزه با نام هیروگلیف (Hieroglyph) شناخته می شوند. مشخصه این الفبا این است که در آن بجای حروف از تصاویر و علایم و سمبل ها استفاده شده است.

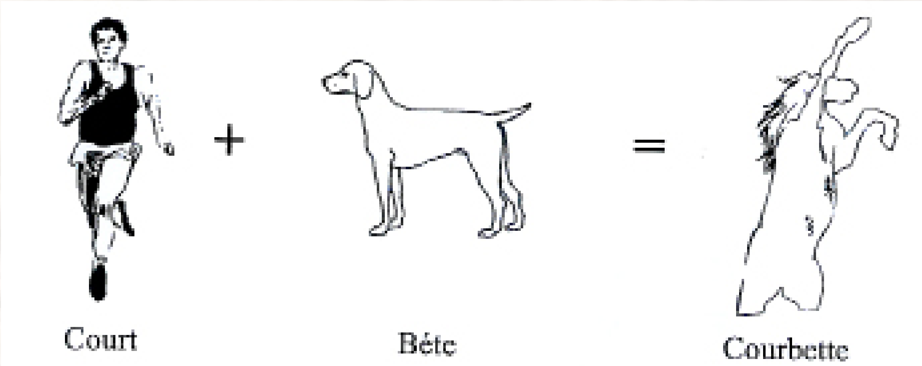
در اینجا می خواهیم به طرز نگرش کلی الفبای تمدن مصر اشاره ای داشته باشیم، سر و کار داشتن با تصاویر و سمبل ها در کار جستجوی گنج یک قاعده کلی می باشد، برای همین نگاه کردن به موضوع با این طرز نگرش می تواند برای جستجوگران گنج مفید واقع شود.

بطور مثال می خواهیم واژهٔ پرتقال را تعریف کنیم و بنویسیم؛ اولین چیزی که به فکر می رسد این است که تصویر این میوه را برای این منظور رسم کنیم، در این صورت توانسته ایم پرتقال را بدون اینکه با حروف نوشته باشیم بوسیله تصویر آن نشان دهیم.

اما در هیروگلیف به این طریق عمل نمی شود، روش پیچیده تری بکار گرفته می شود. بطور مثال از کنار هم قرار دادن اشکال طلا (Or) و فرشته (Ange) برای نوشتن واژه پرتقال (Orange) استفاده می شود. البته برای این مثال ما از واژگان فرانسوی استفاده کردیم امااساس کار به همین صورت است.



به عنوان مثالی دیگر، فرض کنید می خواستند بر روی دو پا ایستادن یک اسب (Courbette) را بنویسند، برای این کار ابتدا انسانی در حال دویدن (Court) و به دنبال آن تصویر یک حیوان (Bete) را رسم می کردند.



در این دو مثال می بینیم برای اینکه تصویر بلند شدن یک اسب بر روی دو پا و یا تصویر یک پرتقال بطور مستقیم کشیده نشود، از دو تصویر دیگر برای نشان دادن هر کدام از آنها استفاده شد. بدین ترتیب این کار به شکل پیچیده تر و اسرار آمیزتری در آمد که شاید خواستهٔ آن مردم نیز در همین راستا یعنی پیچدگی و اسرار آمیزی بیشتر و خط و الفبای کاملتر بوده است.

اگر با این طرز نگرش به خیلی از سنگ نوشته ها و کتیبه ها نگاه کنیم می توانیم موضوع را به خوبی درک کنیم در غیر اینصورت فهمیدن آنها برایمان ممکن نخواهد بود؛ مثلا شخصی با دیدن تصویر طلا که در مثال اول مطرح کردیم احتمالا تصور می کند که گنج یافته است و برای پیدا کردن آن شروع میکند به کندن زمین.

در اینجا نیز ارقام استفاده شده در تمدن مصر را می بینیم:



فرهنگ و تمدن کرت:

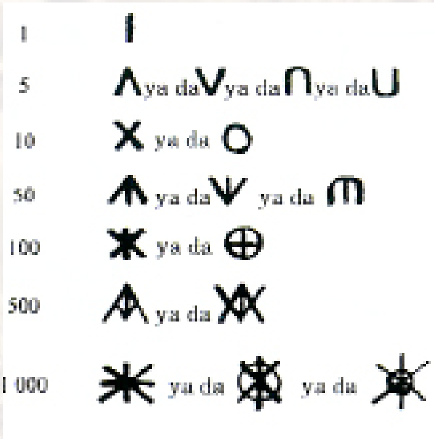
بعضی از حروف و ارقامی که در بعضی از مناطق کشورمان به آنها بر می خوریم می تواند مربوط به دوران تمدن کرت باشد. در زیر به عنوان نمونه به چند مورد از این علایم اشاره می کنیم.



ارقام یونانی، رومی و میخی:

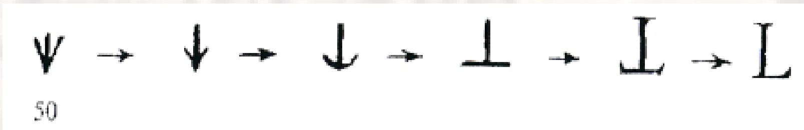
الفبا و ارقام رومی و یونانی هم در خود این تمدن ها و هم در تمدن های بعد از آنها استفاده شده اند. الفبای تمدنهای بعد به الفباهای رومی و یونانی شباهت داشته و به مدت طولانی در دنیااز آنها استفاده شده است. بیشترین ارقام و حروف استفاده شده در دنیا مربوط به تمدن یونان و روم می باشد.

در زیر سیستم رقمی مربوط به این تمدن ها را مشاهده می کنید. در بسیاری از علامت ها و نشانه های گنجینه ها از این ارقام و حروف استفاده شده است.

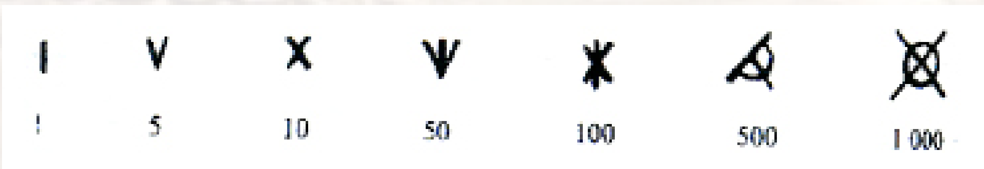


سیستم شمارش

تحول عدد ۵۰ در طول قرون متمادی:



چگونگی تحول و شکل گیری عدد ۱۰۰۰ :

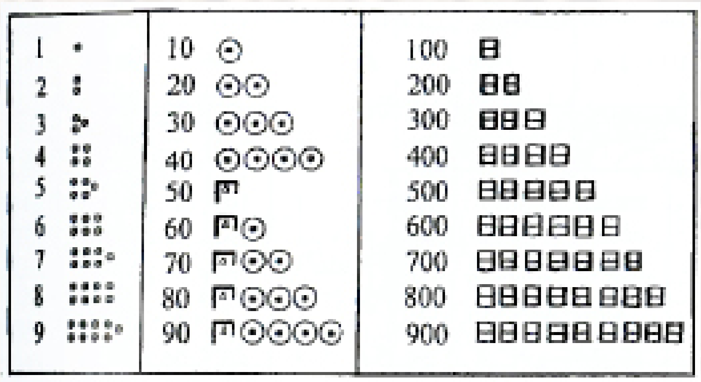


در خیلی از مواردی که به آن برخورد کردیم، حتی در میان کسانی که متخصص خواندن خط به حساب می آیند، کسانی بودند که از تحول و دگرگونی اشکال اینگونه ارقام و علایم خبر نداشتند. علم کتیبه خوانی (Epigraphy) علمی است که نیاز به تخصص بسیار بالایی دارد، این رشته در دانشگاه ها به عنوان یکی از علوم پایه تدریس می گردد.ما در این کتاب سعی کردیم مطالب را از جنبهٔ وسیع و پیچیدهٔ علمی و دانشگاهی مورد بررسی قرار نداده و بیشتر به مطالبی بپردازیم که برای خوانندگان آن بتواند مفید واقع شود. در عین حال

در تالیف مطالب این کتاب از نظرات و تجربیات استادان و متخصصان این رشته استفاده کرده و از آنها کمک گرفته ایم.

در این کتاب در حد مقدور سعی کردیم تغییرات و تحولات علایم و ارقام یونانی و رومی در طول گذشت دوران های مختلف این تمدنها را مورد بررسی قرار دهیم. در تاریخ کشورمان فرهنگ و تمدن های روم و یونان بسیار تاثیر گذار بوده اند و نیازِ داشتن معلومات و اطلاعات در مورد حروف و ارقام این تمدن ها برای کسانی که در این سرزمین به کار پژوهش گنج مشغولند مبرم و اجتناب ناپذیر است.

در بسیاری از کتیبه ها و سنگ نوشته ها تعیین تاریخ قدمت آن تنها با بررسی حروف و علایم نوشته شده بر روی آن امکان پذیر است. به همین دلیل تعیین قدمت (و خواندن) برخی از آثاری که نوشته های بر روی آنها کوتاه است یا هیچ چیز بر روی آنها نوشته نشده، بسیار مشکل است؛ همانند سنگ قبرهایی که تنها نام اشخاص بر روی آنها نوشته شده، یا تکه نوشته های کوتاهی که معنای خاصی را نمی رسانند، کتیبه های مربوط به نذورات و غیره.



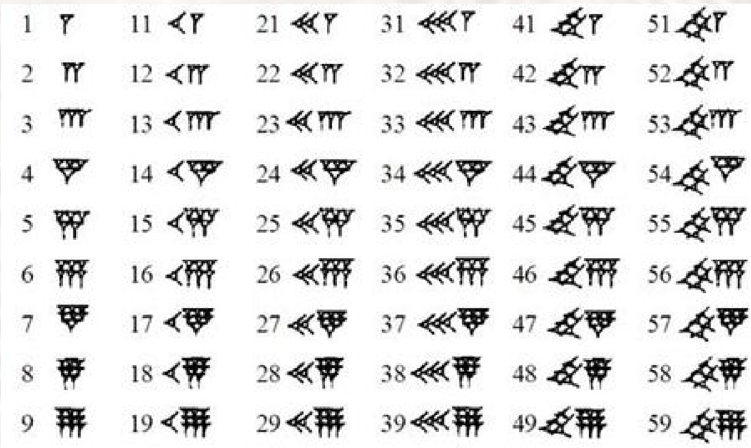
نباید هر متن رومی و یونانی را که بر روی تکه سنگی یا صخره ای دیدیم یک علامت گنج به حساب آوریم. این گونه نوشته ها می تواند معانی مختلفی داشته باشد، مثلا نشان دهنده یک گور باشد یا نشانگر آدرس و غیره. این نوشته ها حتما باید خوانده شود تا مفهومش مشخص گردد. نوشته هایی هم وجود دارند که بصورت رمزگونه می باشند و بطور مستقیم هیچ معنای خاصی را نمی رسانند.

گاهی از حروف برای نشان دادن ارقام استفاده شده است و گاهی نیز کاملا برعکس، برخی از کنده کاری ها یا ارقام ممکن است نشان دهندهٔ حروف و جملهٔ خاصی باشند. در زیر به چند مثال در رابطه با این موضوع اشاره خواهیم کرد.

در جدول زیر ارزش رقمی هر یک از حروف یونانی را مشاهده می کنید.

یکان				دهگان				صدگان			
Α	α	alpha	1	Ι	ι	iota	10	Ρ	ρ	rô	100
Β	β	bêta	2	Κ	κ	kappa	20	Σ	σ	sigma	200
Γ	γ	gamma	3	Λ	λ	lambda	30	Τ	τ	tau	300
Δ	δ	delta	4	Μ	μ	mu	40	Υ	υ	upsilon	400
Ε	ϵ	epsilon	5	Ν	ν	nu	50	Φ	ϕ	phi	500
Ϝ	ϛ	digamma *	6	Ξ	ξ	ksi	60	Χ	χ	khi	600
Ζ	ζ	dzêta	7	Ο	ο	omikron	70	Ψ	ψ	psi	700
Η	η	êta	8	Π	π	pi	80	Ω	ω	oméga	800
Θ	θ	thêta	9	Ϙ	ϙ	koppa	90	Ϡ	ϡ	san (sampi)	900

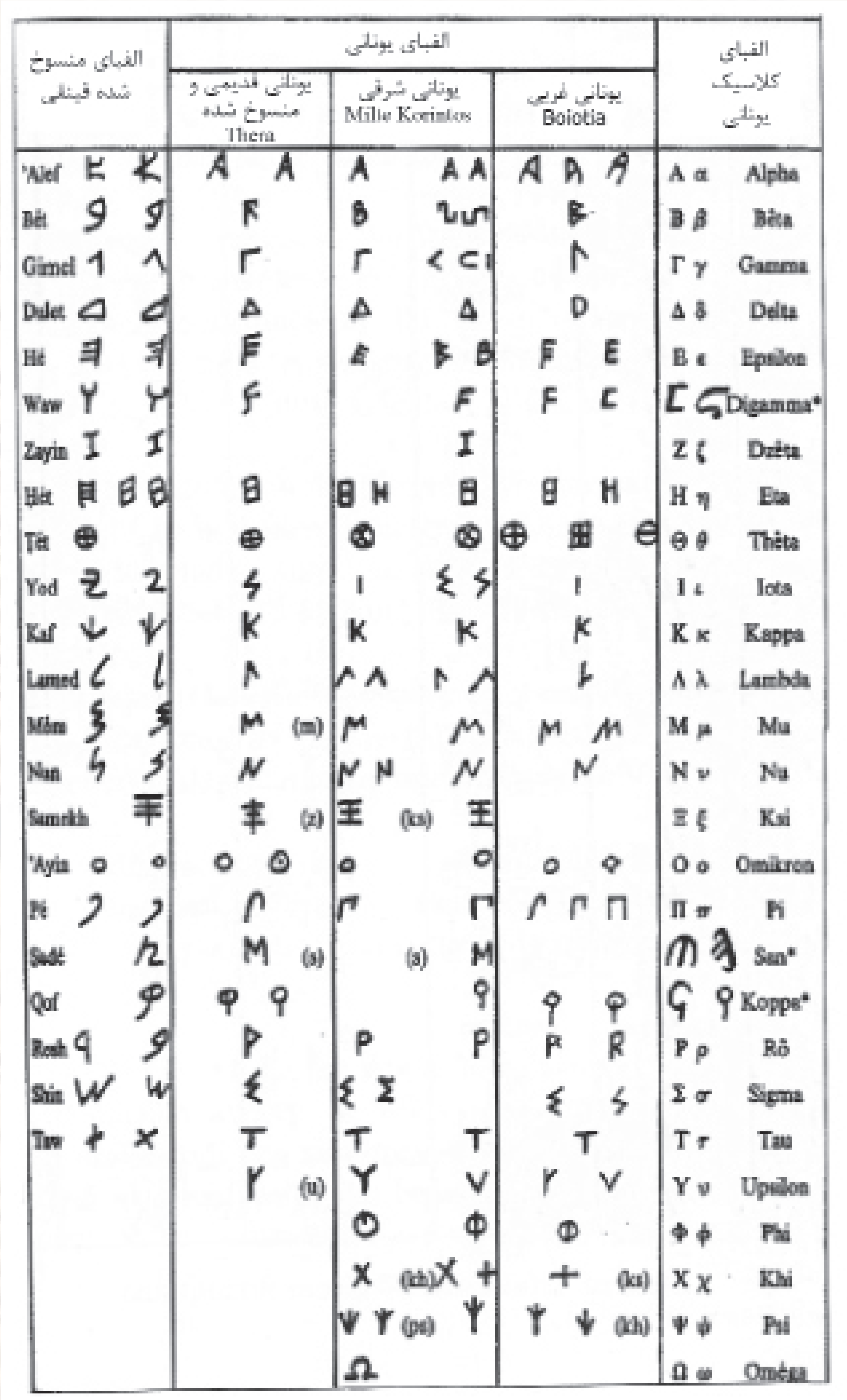
در جدول ارزش رقمی هر یک از حروف و اعداد خط میخی را مشاهده می‌نمایید. توضیح اینکه اعداد در بعضی نسخ سنگی و پوستی دوران اسلامی به عنوان رمز استفاده گردیده است.



ارقام و سمبل های الفبایی که در بخشهای مختلف این کتاب مشاهده می کنید، ممکن است با توجه به دورانی که نوشته می شوند معانی مختلفی برسانند، همچنین با توجه به زمینه ای که در آن مورد استفاده قرار گرفته شده است، ارزش و معانی مختلفی می تواند داشته باشد. نوشته هایی که از مردم و تمدن یونان برجای مانده است دارای موضوعات متنوعی می باشند؛ بطور مثال طرز ساختن بناهای بزرگ، امور آبیاری زمینها، قربانی کردن حیوانات، روایت پیروزی در جنگ ها، شمارش غنایم جنگی، نشانه گذاری دفینه ها و غیره. الفبایی که در این نوشته ها بکار رفته است از ۲۹ حرف تشکیل شده که اشکال هندسی دارند و تقریبا تمامی آنها در اندازه های یکسان نوشته می شوند. حروف الفبای یونانی شکلِ تغییر و تکامل یافتۀ الفبای فنیقی می باشد که زبان های سامی و نزدیک به عربی در قدیم بوسیله آن نوشته می شد.

گاهی هر یک از این حروف الفبا به تنهایی برای بیان مقیاس های مسافت یا وزن بکار گرفته می شده است که در شهر ها و محل های سکونت باستانی، بر روی صخره ها و

سنگها میتوان نمونه های آن را مشاهده کرد. گاهی حتی می توان از روی این گونه علایم نوعِ جنسِ (طلا، نقره، مس و غیره) سکه هایی که مدفون شده است را فهمید.



الفبای یونانی در زمانهای مختلف

ارزش رقمی	معادل صدایی		اسامی حروف	حروف ارمنی	
	صداهای ارمنی غربی	صداهای ارمنی شرقی		حروف کوچک	حروف بزرگ
1	a	a	ayp/ayb	ա	Ա
2	b	p	pén/bén	բ	Բ
3	g	k	kim/gim	գ	Գ
4	d	t	ta/da	դ	Դ
5	ye / e	é	yétch	ե	Ե
6	z	z	za	զ	Զ
7	é	é	é	է	Է
8	e	e	et	ը	Ը
9	t / th	t	to	թ	Թ
10	j	j	jé	ժ	Ժ
20	i	i	ini	ի	Ի
30	l	l	lyoun	լ	Լ
40	kh	kh	khé	խ	Խ
50	ts	dz	dza/tsa	ծ	Ծ
60	k	g	gen/ken	կ	Կ
70	h	h	ho	հ	Հ
80	dz	tz	tsa/dza	ձ	Ձ
90	gh	gh	ghad	ղ	Ղ

ردیف ارقام در الفبای ارمنی

ابجد

ابجد ترتیب قدیمی حروف الفبای عربی و سیستم محاسبه ای است بر مبنای ارزش رقمی هر یک از این حروف.

مطابق منابع علمی موجود در زمینه خط عربی، ترتیب ابجد اولین ترتیب حروف الفبای عربی می باشد و مطابق متون دینی قدمت حروف ابجد به زمان آفرینش حضرت آدم (ع) باز می گردد.

ابجد در اصل ترتیب و ترکیبی می باشد که در قدیم برای راحت تر حفظ کردن حروف الفبای عربی استفاده می شده است. با توجه به ترتیب حروف، هشت کلمۀ بی معنی تشکیل می شود که نخستین کلمۀ آن ابجد می باشد و به همین دلیل نیز این ترتیب به عنوان ابجد معروف شده است. کلمات تشکیل دهندۀاین مجموعه از این قرار است: اَبْجَدْ،هَوَّزْ،حُطّی، کَلَمَنْ، سَعْفَصْ، قَرَشَتْ، ثَخِّذْ، ضَظِغْ.

در زبان ترکی به آخرین کلمه از این ترتیب یک لا اضافه کرده و بصورت ضظغلا می خواندند، پس از خواندن تمام کلمات نیزجمله «فتبارک الله احسن الخالقین» که قسمتی از آیه ١٤ سوره مومنون است خوانده می شده.

گاهی در بعضی منابع حروف ابجد اینگونه نیز تعریف شده است: «ترتیب حروف الفبایی است که در ادبیات عرب، فارسی و ترکی برای ساختن تاریخ، طرح معما و علوم پنهانی استفاده می شده است.»

دربارۀ حروف ابجد حدیث هایی نیز وجود دارد اما بنابر نظر عالمان دینی این حدیث ها معتبر نبوده و قابل اطمینان نمی باشند.

در یک روایت منسوب به حضرت علی (ع)و ابن عباس، هشت کلمۀ حروف ابجد کلماتی است که حضرت آدم (ع) در مراحل مختلففاصله زمانی بیرون رانده شدن او از بهشت تا زمان توبه به زبان آورده است. در روایت دیگری هر کدام از حروف شش کلمۀ اول نشانگر یکی از اسماء حسنی می باشند یعنی این شش کلمۀ اول از ترکیب حروف اول زیباترین نامهای خداوند تشکیل شده اند. طبق یک نظریه هر یک از حروف ابجد با رعایت ترتیب خود اشاره دارند به چهار عنصر اصلی تشکیل دهندۀ کائنات یعنی آب و خاک و باد و آتش؛ در این زمینه آثار ادبی و کتابهای مختلفی نوشته شده است.

در طول تاریخ و در زمینه های مختلف بسیار پیش آمده است که وقتی چند چیز مختلف را بوسیله ارزش رقمی حروف ابجد با هم مقایسه کرده اند، به شباهت ها و نتایج عجیب

و غیر قابل توضیحی رسیده اند؛ همین امر باعث شده است که هم کسانی که در این کار مشغولند و هم مردم عادی به این باور رسند که حروف ابجد اسرار و خصوصیات فوق العاده ای در خود نهفته دارند.

گفته می شودکه ارزش عددی دو کلمه «الله» و «هلال» مطابق با حساب ابجد برابر با ٦٦ است،یعنی شکل هلال نماد «الله» است.

در توضیح جملهٔ «کار را به ٦٦ سپردن» که اصطلاحی رایجی است در میان مردم کشورمان، گفته می شود که به همان دلیلی که ذکر آن شد، این جمله مفهوم «کار را به خدا واگذار کردن» را می رساند.

می توان بوسیلهٔ این روش به کلمات هم از نظر معنایی و هم از نظر ارزش رقمی نگاه کرد، در نتیجه امکان هنرنمایی ها و طرح معما های مختلف را فراهم می کند، به همین دلیل حروف ابجد در نزد شاعران محبوبیت کسب کرده و بسیار مورد استفاده قرار گرفته است.

در دنیای اسلام حروف ابجد در زمینه های بسیاری همانند علم نجوم، ادبیات، معماری، تصوف و غیره مورد استفاده قرار گرفته شده است. همچنین در علوم مرتبط با اسرار غیبی، علم جَفر،علم وفق (اوفاق) و در زمینه های سحر و جادو هم بسیار استفاده شده است.

در میان عموم مردم نیز از حروف ابجد استفاده های مختلفی می شود؛ یکی از اینها این است که از حروفِ معادل تاریخ تولد در پیدا کردن اسامی فرزندان و نامگذاری آنها استفاده می کنند. اما بیشترین استفاده ای که از حروف ابجد در میان عموم رواج دارد زایچه، طالع بینی، طلسم، تعویذ و دعا نویسی، و امثال این می باشد.در زبان فارسی مطالب و آثار بسیاری در ارتباط با اینگونه موضوعات وجود دارد که در کل به آنها عنوان «ستاره نامه» اطلاق می شود. طلسم بدوح (یا مثلث غزالی) منسوب به امام محمد غزالی یکی از این نمونه ها می باشد که در میان مردم بسیار مورد توجه است.

کلمه	حرف	عدد	مرتبه
ابجد	ا	1	یکان
	ب	2	
	ج	3	
	د	4	
هوز	ه	5	
	و	6	
	ز	7	
حطی	ح	8	
	ط	9	
	ی	10	دهگان
کلمن	ک	20	
	ل	30	
	م	40	
	ن	50	
سعفص	س	60	
	ع	70	
	ف	80	
	ص	90	
قرشت	ق	100	صدگان
	ر	200	
	ش	300	
	ت	400	
ثخذ	ث	500	
	خ	600	
	ذ	700	
ضظغ	ض	800	
	ظ	900	
	غ	1000	

(جدول حروف ابجد)

غیر از مواردی که نام برده شد، از اساس کار حروف ابجد برای ایجاد و گسترش برخی سیستمها و «الفبا های رمز» که کاربرد های خاص دارند استفاده شده است.

در حروفیه و بکتاشیه (دو فرقه از تصوف) و در کل، در آثار ادبی مربوط به تمام شاخه ها و فرقه های تصوف، آثار منظوم و منثور بسیاری در ارتباط با بعضی از اسرار و خواص حروف ابجد می توان یافت.

تقریبا همه کسانی که با اموری مانند طلسم سر و کار دارند و کسانی که در جستجوی گنج به عنوان راهنما حضور می یابند، از آثار اشاره شده در بالا استفاده می کنند. پایه و اساس اغلب علوم خواص و معارف سری را حروف ابجد تشکیل می دهند. البته تنها آشنایی با حروف ابجد و ارزشهای رقمی آنها برای ساختن، فهمیدن یا شکستن طلسم کافی نیست.

یکی از اشخاص شناخته شده و متخصص و مسلط در این امور، بخصوص در زمینه جستجوی گنج، در طی دیدارهایی که با او داشتیم بصورت مختصر و مفید اینطور بیان کرد که اموری مانند عزائم، احضار ارواح (و جن ها)، علوم خواص، جفر و غیره کار هر کسی نیست. بخصوص کسانی که در انجام عباداتشان کوتاهی می کنند هیچ گاه نمی توانند در اینگونه امور موفق باشند.

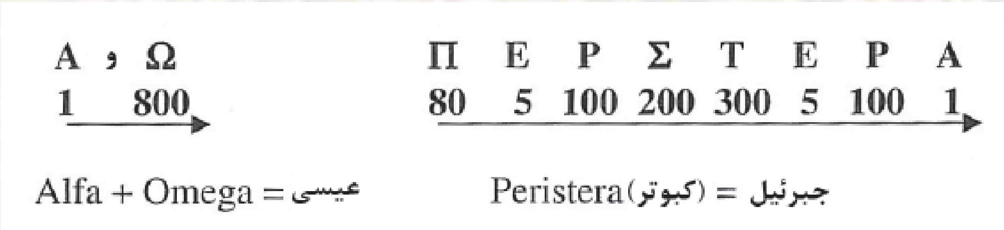
می گفت؛ بسیاری از کسانی که در احضار ارواح و امور نظیر آن مشغولند، بخاطر آگاهی نداشتن از علوم صرف و نحو که به نوعی پایه و اساس زبان عرب را تشکیل می دهد،

همیشه در کار خود ناموفق هستند.برای موفقیت در این زمینه غیر از علوم صرف و نحو، تسلط بر علم وفق نیز لازم است. اغلبِ کسانی که امروزه به این قبیل امور مشغولند، تنها کاری که انجام می دهند «تقلید کردن» است نه چیز دیگر.

در میان یهودیان و مسیحیان نیز از محاسبات رقمی نظیر حروف ابجد استفاده شده است. بخصوص بر روی سنگ قبرها به نمونه های زیادی از اینگونه کارها بر می خوریم.

یکی از نمونه های این قبیل محاسبات در مسیحیت، مسئلهٔ آلفا و امگا است. این دو حرف، حروف اول و آخر الفبای یونانی را تشکیل می دهند. آلفا و امگا در مسیحیت نماد کلید علم و کائنات می باشد. طبق بیان انجیل حضرت عیسی (ع) خود را آلفا و امگا، یعنی ابتدا و انتهای همه چیز نامیده است. با این بیان حضرت عیسی (ع) خودش را با «روح القدوس» یعنی وجود خداوند مترادف قرار داده است.

مسئلهٔ آلفا و امگا در مسیحیت اثباتی است بر مسئلهٔ تثلیث.مطابق با انجیل متی، در هنگام غسل تعمید حضرت عیسی (ع) جبرائیل در شکل یک کبوتر بر آن حضرت ظاهر شده است. در زبان یونان ارزش رقمی کلمهٔ کبوتر (Peristera) برابر با عدد ۸۰۱ است، یعنی مجموع ارزش رقمی دو حرف آلفا و امگا.



علامت های شکسته شده

برای کسانی که در امور جستجوی گنجینه ها فعالیت دارند، یکی از مهم ترین عوامل یا حتی گاهی مهم ترین عامل در رسیدن به گنج، علامت های موجود در طبیعت می باشند. این نشانه ها که در زیر خاک یا بر روی صخره ها قرار داده می شوند، یکی از راه های رسیدن به محل های سکونت قدیمی، مزارها، گنجینه ها و اشیای دفن شده در زیر زمین می باشند.

چیزهایی که در حیطه باستان شناسی به عنوان «سمبل»، در زبان انگلیسی «Symbol» و در اصطلاح میان گنج پژوهان «نشانه» یا «علامت» شناخته می شوند در واقع یک نوع الفبا هستند. نوشته هایی هستند که با خواندن آنها به خیلی از راه حل ها و نتایج می رسیم. علم کتیبه خوانی (Epigraphy) که یکی از شاخه های باستان شناسی است وجه علمی و دانشگاهی این کار می باشد.

در درس های رشتهٔ کتیبه شناسی و کتیبه خوانی، موضوعات مربوط به خط ها و سیستم های علامت گذاری قدیمی که وسیلهٔ بیان اندیشه های تمدن های گذشته بوده و با تکنیک های دفن گنجینه ها، فرهنگ و آیین های کفن و دفن مردگان و فرهنگ زندگی آنها در ارتباط هستند، در حد امکان مطرح می شود. با استفاده از این علم و این قبیل معلومات، باستان شناسان نیز در بسیاری از موارد موفق شده اند بوسیلهٔ علامت هایی که گذشتگان از خود بجا گذاشته اند مکان هایی که نسبت به وجود آنها شبهاتی وجود داشته، یا اماکنی که محل آنها جستجو می شده، یا اماکنی که فقط افسانه و صحبت آنها وجود داشته را کشف کنند. در نتیجه کسانی که در حیطهٔ علمی و آکادمیک این کار فعالیت دارند نیز از وجود این اشکال و علایم بهره می برند، برای رسیدن به نقاط مورد نظرشان از راهنمایی این نشانه ها استفاده می کنند.

کسانی که به دنبال گنجینه ها هستند نیز به نوعی از راهنمایی های این علایم و نشانه ها استفاده کرده و به کمک آنها در رسیدن به هدفشان تلاش می کنند. اما تمامی اطلاعات این گروه دوم در این زمینه از راه شنیدن بدست آمده است. به همین دلیل نیز بیشتر اوقات هنگامی که با یکی از نشانه هایی که در طبیعت گذاشته شده است روبرو می شوند شروع می کنند به کندن اطراف آن علامت.

در صورتی که، به احتمال زیاد پیدا کردن گنجینه در زیر هیچ «اولین علامت» کشف شده ای ممکن نمی باشد. اما در اینجا استثنا هم وجود دارد و آن هم مواردی هستند که شیء

دفن شده یک گنجینه نبوده و یک قبر یا مشابه آن می باشد که فقط جنبهٔ تاریخی دارد. اما اگر موضوع گنجینه در میان باشد گفتهٔ ما صادق است و انسان های قدیم که خیلی زرنگ تر از ما بوده اند هیچگاه درست در زیر علایمی که از خود بجا می گذاشتند پول قرار نداده اند.

هر گونه نشانهٔ موجود در طبیعت اگر اشاره به پول یعنی گنجینه ای ارزشمند داشته باشد به احتمال بسیار زیاد بین آن نشانه و گنجی که به آن اشاره دارد مسافت معلومی وجود دارد. متخصصانی که توانسته اند تمدن های گذشته و طرز تفکر انسانهایی که در زمان آن تمدن ها زندگی می کردند را تا اندازه ای تحلیل کرده و بفهمند، به کمک راهنمایی یک علامت، بدون استفاده از هرگونه ابزار و تجهیزات، و با خطای بسیار کم می توانند شیء پنهان شده را بیابند.

بطور مثال تصویر یک تپانچه یا یک مار یا تصویر مرغی در کنار جوجه هایش جای یک شیء دفن شده را نشان می دهد. یک فرد متخصص هنگامی که با اینگونه نشانه ها روبرو می شود با تخمینی بسیار نزدیک می داند که شیء پنهان شده در چه عمقی قرار دارد. در اینجا همانقدر که معلومات و تجربیات شخص متخصص اهمیت دارد، سالم بودن علامتی که می بایست بررسی شده و ما را به هدف برساند نیز اهمیت دارد.

به عنوان مثال، اگر در جایی از تصویر یک تپانچه صحبت شود احتمال وجود گنجینه ای مطرح است. کسی که در مورد نشانه خبر می دهد چیزی که دیده است یا می داند را تعریف می کند؛ اما در خیلی از موارد نیز با چنین سخنانی روبرو می شویم؛

- من قبلا دیده بودم اما در حال حاضر شکسته شده است.
- من ندیدم اما برادم و یا فلان شخص دیده بود، اما الآن شکسته است.
- من دیده بودم اما با وجود اینکه دوباره بارها رفتم و گشتم پیدایش نکردم.
- نشانه درست در همینجا بود، ما آنرا شکستیم.

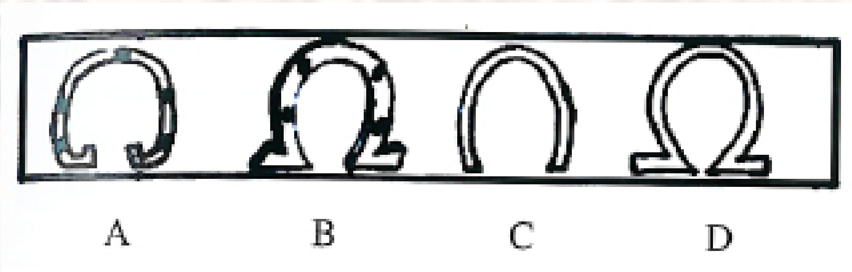
در مورد نشانه ها و علایمی که به این صورت تخریب یا نابود می شوند، حتی اگر شخص متخصص باشد هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت. در نتیجه پیدا کردن شیء یا اشیاء مورد نظر خیلی مشکل یا حتی غیر ممکن خواهد بود.

در اینگونه موارد تنها کاری که می توان انجام داد تکیه کردن به توضیحات و گفته های شخصی است که نشانه را دیده بوده. اما در اینجا این مشکل وجود دارد که کسی که از زبان علامت ها چیزی نمی داند در مورد علامتی که قبلا دیده است حرف زیادی برای گفتن نخواهد داشت.

با این مثال می توانیم این موضوع را بهتر توضیح دهیم؛ شخصی نزد ما آمده و از پیدا کردن تصویر یک «نعل» بر روی صخره ای خبر می دهد. این سمبل در زمینهٔ گنج پژوهی واقعا خیلی مهم است. لازم است که همان علامت در دو جای مختلف به تصویر کشیده شده باشد. یکی از آن نعل ها می بایست درست در اندازهٔ نعل یک اسب بوده و دیگری باید کمی کوچکتر باشد. علاوه بر این، جای میخ هایی که بر روی نعل به تصویر کشیده شده است و تعداد آنها دارای اهمیت می باشد.

هنگامی که از شخصی که نزد ما آمده دربارهٔ این موضوعات می پرسیم درباره چیزهایی که بخاطر می آورد تردید داشته و با قطعیت نمی تواند پاسخ گوید. بعلاوه، شاید هیچ خبری از علامت نعل دوم نداشته باشد. از اینکه جهتِ تصویر نعل به کدام طرف بوده است و اینکه آیا در کنار نعل کنده کاری یا برجستگی کوچکی به اندازهٔ نخود وجود داشته است یا نه هیچ اطلاعی ندارد. چیزهایی که بیان کردیم تنها یک بخش از موضوعاتی است که دربارهٔ علامت یک نعل باید به آن دقت شود.

این موضوع هم وجود دارد که آیا تصویر دیده شده واقعا تصویر یک نعل بوده است یا خیر. زیرا دو تصویر متفاوت دیگر بسیار شبیه به نعل وجود دارد که گنج پژوهان زیادی از آنها اطلاعی ندارند.



اشکال A و B تصویر یک نعل هستند.



نشانه نعل

تصویر C علامت یک غار یا یک تونل می باشد.



تصویر: C

تصویر D آخرین حرف از الفبای یونانی، یعنی امگا می باشد و در زمینهٔ گنج ها در بسیاری از موارد به طلا و یا ارزش بسیار بالایی اشاره می کند.



تصویر: D

در اینجاست که هنگامی که دربارهٔ تصویر شکسته شده ای سوالی می پرسیم، اگر کسی که آنرا دیده است معلوماتی دربارهٔ آن نداشته باشد، قادر به پاسخگویی نبوده و نمی تواند تصویر را تعریف نماید. در اینگونه موارد شخص متخصصی که از زبان علامت ها آگاه است کار زیادی از دستش بر نمی آید و حرف زیادی برای گفتن نخواهد داشت.

خیلی از مواقع انسانهایی که علامتی را پیدا می کنند برای اینکه دیگران آن را نبینند و دستشان به گنج نرسد، علامت را شکسته و از بین می برند. گاهی نیز صاحبان اراضی به دلیل خسته شدن از رفت و آمد گنج پژوهان دست به تخریب علایم می زنند. مورد قابل توجه دیگر این است که برخی از انسانها بخصوص کسانی که در روستاها زندگی می کنند گاهی سنگها و ستونهای سالمی را که در خرابه های یک منطقهٔ باستانیِ نزدیک محل سکونت خود پیدا می کنند از جای خود برداشته و به خانه می برند و در ساختن دیوار از آنها استفاده می کنند. اگر تکه سنگی که با خود برداشته اند شکل دلخواه آنها را نداشته باشد نیز آنرا در اندازه و شکلی که می خواهند تراش داده و می شکنند. در هر حالت انجام چنین کارهایی اصلا درست نمی باشد. این کار نه به کسی که نشانه ای را دیده و از بین برده و نه به دیگران فایده ای نمی رساند.

در این رابطه حقیقت دیگری وجود دارد که فکر می کنیم بیان آن در اینجا می تواند مفید واقع گردد؛ برخی از اقلیتهایی که اجدادشان در بسیاری از جاهای آناتولی اقامت داشته و پس از خیانت به مردم ایران از این سرزمین تبعید شده اند، برای اینکه مکان پولهای اجدادشان پیدا نشود دست به تخریب نشانه های موجود در خاک کشورمان می زنند. گاهی نیز این بیگانگان برای تخریب سمبل ها و نشانه های مربوط به دفینه ها و گنجینه ها

اشخاصی از میان هموطنان خودمان را اجیر می کنند.



علامت هایی که مفهومشان را نمی فهمید

نشانه هایی که در طبیعت پیدا می کنید را تخریب نکنید. علایمی که مفهوم آنها را نمی فهمید و برای حل معمای آنها کنجکاو هستید را در حد امکاناتی که دارید بوسیلهٔ دوربین عکاسی یا دوربین فیلم برداری ثبت کنید.

هرگونه اثر تاریخی که پیدا می کنید (همانند ستون های تاریخی، سر ستون، سنگ قبر و امثال این) و یا با هرگونه وضعیت مرتبط با حیطهٔ باستان شناسی که روبرو می شوید، وضعیت موجود را به هیچ عنوان تغییر ندهید و در کوتاه ترین مدت به مَراجع مرتبط تاریخی و فرهنگی یا مسئولین موزه ها اطلاع دهید. اینکه آیا از دست ما کمکی برای شما ساخته است یا نه موضوع دیگری است، اینگونه موارد احتمالا با موضوع گنجینه ها ارتباطی ندارند.

از علایم و نشانه هایی که پیدا می کنید تنها با دادن نام شهر یا منطقه ای که آنرا پیدا کرده اید ما را مطلع سازید، گروه های متخصص ما توضیحات لازم در ارتباط با نشانه ای که یافته اید را در کوتاه ترین زمان و از کوتاه ترین طریق ممکنه به اطلاع شما خواهند رساند. توجه داشته باشید که ما فقط برای فهمیدن نوع تمدن ها یا اقلیت هایی که در آن منطقه زندگی کرده اند نام منطقه ای که علامت در آن یافته اید را از شما درخواست می کنیم. نام روستا، محله، کوچه، آدرس اراضی و یا هیچگونه جزئیات دیگر در مورد محل علامت را به ما یا به هیچ کس دیگر ندهید.

هنگامی که می خواهید ما را از علامت ها و سمبل هایی که یافته اید مطلع سازید، می توانید با خیال راحت با استفاده از هر کدام از موارد پست، فکس و یا اینترنت این کار را انجام دهید. اگر جوابی خصوصی از ما می خواهید نوشتن آدرس یا شماره تلفنی که بتوانیم بوسیلهٔ آن با شما ارتباط برقرار کنیم را فراموش نکنید.

این مورد را نیز به یاد داشته باشید که بسیاری از علامت ها ممکن است به تنهایی هیچ مفهوم خاصی نداشته باشند؛ به همین دلیل با بررسی زمینهای اطراف علامتی که یافته اید از نبود علایم دیگر مطمئن شوید.کوچکترین جزئیات از اهمیت بالایی بر خوردارند. چاهها، تپه های کوچک، بلندی ها و فرو رفتگی ها، چاله ها، صخره هایی که دستکاری شده اند یا حالتی غیر معمولی دارند، درختان کهنسال، مخصوصا درختانی همچون سرو کوهی یا کاج، چشمه ها و نهر های جاری یا خشک شده، تپهٔ بلندی در منطقه، و جزئیات در مورد جهت ها را تا حد امکان برای ما شرح دهید. چیزهای کوچک و بی اهمیت در نظر شما، از نظر ما اهمیت زیادی خواهند داشت.

اگر در اطراف، در کنار یا بر روی علامتی که یافته اید بررسی هایی انجام داده اید، در اینصورت مطلع کردن ما از چیزهایی که یافته اید می تواند در پیدا کردن مفهوم علامت مفید واقع شود.

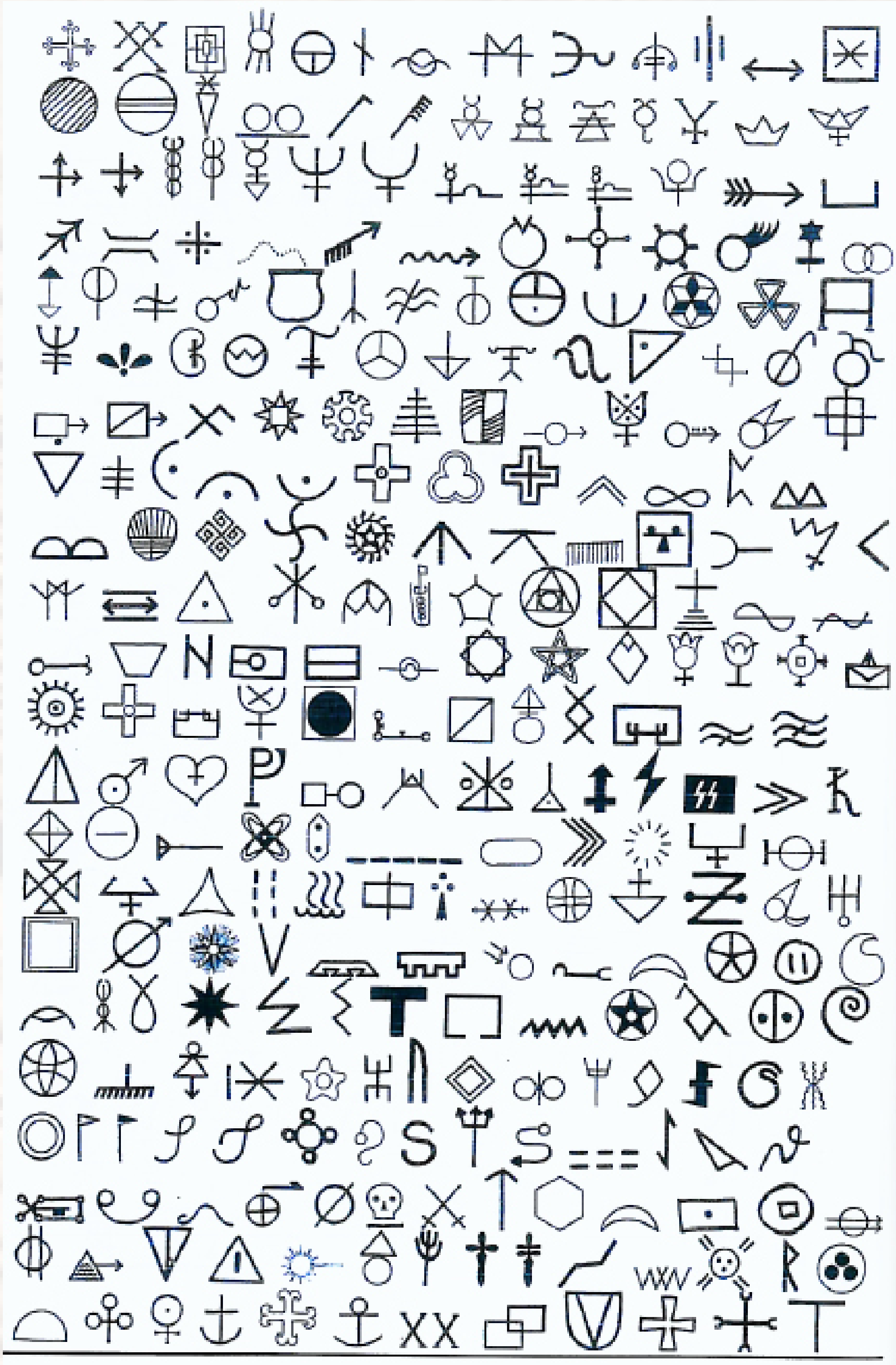
در اینجا موضوع مهم دیگر مسئلهٔ اندازه ها است. قرار دادن برخی اشیاء در کنار موضوعاتی که از آنها عکس می گیرید یک روش کلی است برای تخمین اندازه ها. گنج پژوهان اغلب برای این کار از اشیائی مانند پاکت سیگار یا گوشی تلفن همراه استفاده می کنند. اینگونه اندازه گیری های کلی تا زمانی که هنوز اندازه گیری های دقیق و میلیمتری در مورد ابعاد علامت مانند طول، عرض و عمق آن انجام نشده است، کفایت کرده و بسیار مهم است. در یک اندازه گیری نسبی، اندازه های کوچکی در حد ۲ سانتیمتر، در مورد مشخص کردن مکان هدف می تواند ۲ تا ٤ متر اختلاف ایجاد کند.

سمبل‌ها









سمبل:۱

= سمبلی است که گاهی در کار پنهان کردن گنج و دفینه استفاده شده است. اگر به همراه تصویر یک خانه یا تصویر هیروگلیفی دیگری مورد استفاده قرار گیرد مفهوم اتاق را می تواند در بر داشته باشد. از این سمبل و موارد مشابه آن در عهد یونان باستان بسیار استفاده شده است. سمبلی مشابه این سمبل در یکی از شهرها روی یک سنگ پیدا شده است.

این سمبل می تواند نشان یک پناهگاه زیر زمینی مخفی نیز باشد. در موارد زیادی به همراه تصویر و یا یک راه پله بکار برده شده است. این سمبل و موارد مشابه آن در بسیاری از موارد در جهت حرکت عقربه های ساعت رسم شده اند، با این حال گاهی نیز شکلی در جهت خلاف عقربه های ساعت دارند. استفاده از این شکل در هر دو جهت ذکر شده، در یونان باستان به عنوان یک شکل تزئینی رایج بوده است.



سمبل خانه

سمبل ۲





= این سمبل در بسیاری از جاهای دنیا دیده شده است. راز واقعی آن کشف نشده است اما به عنوان علامت منطقه مسکونی (یا خرابه ها و بقایای یک منطقه مسکونی) تفسیر می شود. یکی از قدیمی ترین سمبل های تاریخ است. بدون تردید مفهوم یک هزارتو (بنای پیچ در پیچ) را بیان می کند.

نمی دانیم از این سمبل برای اولین بار در چه دوره ای از تاریخ استفاده شده است اما در میان اشکال و سمبل هایی که در نواحی شمالی رشته کوههای آلپ و در منطقهٔ Val Camonica بر روی تخته سنگهایی پیدا شده اند می توان آن را دید. با اینکه در مورد

قدمت دقیق آن اطمینان نداریم اما حدودا به ۳۰۰۰ سال پیش باز می گردد، و بر روی سنگها و صخره های صاف و صیقلی استفاده شده است. این شکل بر روی یک گلدان اترووریایی (Etruria) باقی مانده از سال ۵۵۰ قبل از میلاد دیده می شود. بعدها در حدود سالهای ۳۰۰ قبل از میلاد از این سمبل بر روی سکه های تمدن کرت استفاده شده است.
هنگامی که از دید خودمان به موضوع نگاه کنیم، باید این را مد نظر داشته باشیم که این سمبل می تواند به عنوان علامت یک راه مخفی یا مسیرهای انحرافی و گمراه کننده زیر زمینی استفاده شده باشد.

سمبل ۳

 = یک علامت قدیمی می باشد. در دوران باستان و در خط چینی به مفهوم طلوع آفتاب یا به بیانی، به مفهوم یک روز جدید بکار می رفته است. در زمانهای بعد در غرب و در ستاره شناسی به همین مفهوم بکار رفته است. در عین حال برای نشان دادن قسمت پایین دایره خورشید نیز بکار رفته است.
خط افقی سمبل نشان دهنده سطح زمین است و  شکل دایروی سمبل نمادی است جهانی برای نشان دادن خورشید.
در باستان شناسی می تواند بیانگر این باشد که برای مشاهده بعضی از نوشته های موجود بر روی تخته سنگی خاص به نور خورشید نیاز است. در مناطق اطرافِ این گونه سمبل ها می بایست تحقیقات و بررسی هایی دقیقی انجام شود.

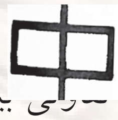
سمبل ٤

 = در اینجا با سمبلی که مفهوم «اخطار» یا «دقت کنید» را می رساند روبرو هستیم.
در اروپای شمالی این سمبل به مفهوم «مراقب باش ممکن است بازداشت شوی» بکار می رفته است؛ اما در آناتولی تا به امروز به موردی که این سمبل در آن استفاده شده باشد بر نخورده ایم.

سمبل ۵

 = به این سمبل چه در زمینه باستان شناسی و چه در گنج یابی ممکن است برخورد دنیم. این سمبل در بعضی از تقویم های قدیمی نشان دهندهٔ عدد ۱۵ می باشد.  این سمبل همانند سمبل مشابهی در خط چینی  به مفهوم وسط و میان نیز بکار رفته است.

سمبل ٦

 = این سمبل برای نشان دادن نقطه وسط دو چیز بکار رفته است. از نظر منطقی [illegible]رای بین این سمبل و سمبل بالا (سمبل ۵) وجود ندارد. سمبل بالا که شکل دایره در آن بکار رفته، ممکن است معنای کلی تقسیم شدن و تقسیم بندی را برساند یا نشانگر یک اتاق زیر زمینی تقسیم بندی شده باشد، و در این سمبل مستطیل می تواند نشانگر یک قبر باشد. شی پنهان شده هر چیزی که هست احتمالا در بخشی که دو قسمت را از هم جدا می کند پنهان شده است. در موردی مشابه، خط وسط نشان دهنده بهشت است که بین زندگی بر روی زمین (زندگی دنیوی) و زندگی در زیر زمین (آخرت) قرار گرفته است.

سمبل های حضرت عیسی (ع):

در زمینه فعالیت های جستجوی گنج اشتباهات بسیاری در خواندن و تفسیر علایم صورت می گیرد. کسانی که هیچ گونه معلومات و اطلاعاتی در این زمینه ندارند هنگامی که اغلب از شنیده های خود در این کار بهره می گیرند اشتباهات زیادی انجام می دهند. علاوه بر اینها متقلبانی که ادعای داشتن تخصص در این زمینه را دارند، این وضعیت را بدتر می کنند. در این میان این میراث تاریخی ما است که آسیب می بیند و همچنین تلاش، پول و زمان عده ای که به دنبال کشف گنجینه ها هستند هدر می رود.

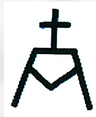
در زیر بعضی از اینگونه علایم را که به غلط تفسیر می شوند را می آوریم، این سمبل ها که همگی اشاره به حضرت عیسی (ع) یا موضوعاتی مرتبط با او دارند، سمبل های شماره ۷ تا سمبل شماره ١٦ را در بر می گیرند.

سمبل ۷

 = این سمبل در کار جستجوی گنج به گونه های متفاوتی تفسیر و تعریف شده است. خیلی از این گونه تفسیرها پوچ و بی اساس هستند. در میان سمبل های غربی این سمبل علامتی است که برای نشان دادن عدد ۱۰ بکار می رود. (ریشه در علامت X در زبان لاتین دارد.)

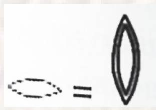
علاوه بر این در قبرستانها و بر روی مزارها این سمبل می تواند نشانگر صلیب باشد، و یا نشانگر یک قبر نیمه باز.

سمبل ۸

 = یکی از اشکالی است که در کلیساها بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از گونه های زیاد سمبلهایی است که تمثیل کنندهٔ حضرت عیسی (ع) می باشند.

همانطور که در سمبل ۱٤ نیز مشابه آن را خواهید دید، این شکل نشانگر دو حرف اول و آخر حروف الفبای یونانی یعنی آلفا و امگا است که صلیبی بر روی آن قرار گرفته است. مفاهیم «از اول تا به آخر (از ازل تا ابد) بر روی هرچیز صلیب قرار دارد» یا «عیسی اولین و آخرین است» را می رساند.

سمبل ۹

 این سمبل را می توان در الفبای هیروگلیف مصری نیز مشاهده کرد. در صورت رسم شدن بصورت عمودی سمبلی است که در زمانهای بعد از تمدن مصر به عنوان سمبل حضرت عیسی (ع) بکار رفته است.

یکی از معانی دیگر این سمبل معصومیت یا بکارت می باشد که بر روی قبرها استفاده شده است. در فرهنگ و فلسفه عبرانی این سمبل برای نشان دادن معصومیت بکار رفته است. در ایران گاهی بر روی سنگ قبرها با این سمبل روبرو می شویم که نشان دهندهٔ این است که در آن مزار بانویی معصوم و (احتمالا) باکره دفن شده است.

سمبل ۱۰

 =  این سمبل نشان دهندهٔ هالهٔ اطراف ماه است. در میان ذهنیت های دوران باستان در مفهوم درختِ اسرار آمیزِ بادام نیز استفاده می شده است.

با اقتباس از سمبل های دوران کثرت پرستی و چند خدایی (Paganism) به داخل اشکال و سمبل های دینی مسیحیت راه یافته است. در مسیحیت این سمبل بیشتر به عنوان نماد حضرت عیسی (ع) بکار رفته است.

همانطور که کسانی که با موضوع در ارتباط هستند می دانند؛ نقاشان وتصویرگران دوران باستان در اغلب تصاویری که در آن خدایان را رسم کرده اند اشکال هاله مانندی مثل این سمبل را در اطراف سر خدایان به تصویر کشیده اند. در این سمبل مفهوم عشق به جنس مخالف، محبت، همراهی و با هم بودن، به وسیلهٔ دو نیم حلقه بیضی شکل که به یک میان آمده‌اند به تصویر کشیده شده است.

در دوران های قدیمی تر زمان مسیحیت مفاهیم جنسی و مشابهات آن به مرور زمان از سمبل خارج شده و فقط برای نشان دادن بکارت و معصومیت استفاده شده است؛ در نتیجه بصورت سمبلی برای نشان دادن یکی از وجوه حضرت مریم در آمده است که در اعتقادات مسیحیت رابطی است بین خداوند و حضرت عیسی (ع) که ارتباط پدر و پسری با هم دارند.

امروزه اگر با چنین سمبلی در اثنای کار جستجوی گنج مواجه شویم، نشان دهندهٔ این موضوع خواهد بود که در آن محل بانویی معصوم و باکره دفن شده است.

در بسیاری موارد این علامت در کار گنج پژوهی به عنوان شکل «چشم» برداشت می شود که اینگونه تفسیر اشتباه است. همانطور که در بالا به آن اشاره کردیم این شکل برای تمثیل خدایان استفاده می شده و در عین حال مفهوم قدرت بسیار را به همراه دارد.

دو نیم هلالی که یک حلقهٔ بیضی شکل را تشکیل می دهند تمثیل گر حضرت مریم؛ و خطوطی که در خارج به آن متصل هستند توصیف کننده حضرت عیسی (ع) می باشند؛ و این مفهوم قدرتی که در سطح جهان انتشار یافته است را می رساند.

به این دلیل که این سمبل در هر جایی و در مورد هر کسی استفاده نمی شود، گاهی پیدا شدن آن در مناطقی مانند محوطهٔ کلیساها ممکن است نشانگر گنجینهٔ پنهان شده ای از طلا نیز باشد.نباید این سمبل را با سمبل مشابه آن یعنی سمبل «قرص خورشید» که به شکل دایره رسم می شود (نه بیضی) اشتباه گرفت.

سمبل ۱۱

 = سمبلی است که هم امروزه و هم در زمانهای گذشته در کلیسا ها استفاده می شده است. این سمبل تمثیل کننده یکی از ارکان و آیین های مسیحیت به نام مراسم تدهین و مسح کردن بیماران با روغن مقدس می باشد.

این سمبل بر روی بعضی از سکه های دوران های مسیحیت نیز به چشم می خورد. این سمبل تمثیل کننده نام حضرت عیسی (ع) می باشد، سه حلقهٔ قسمت پایین سمبل، در علم کیمیا سمبل روغن می باشد؛ از این رو این سه حلقه در این سمبل نمادِ روغن مقدس حضرت عیسی (ع) را تمثیل می کند. در دایرهٔ المعارف های باقی مانده از قرن هجدهم این سمبل با مفهوم روغن حضرت عیسی (ع) تعریف شده است.

هنگامی که به موضوع از دید گنج پژوهی بنگریم، وجود این سمبل بر روی یک مزار یا در یک کلیسا مفهوم یک چیز تقدیس شده یا مفهوم تقدیس کردن را به همراه دارد.

سمبل ۱۲

 = سمبلی است که از ترکیب دو حرف X و P بوجود آمده است. با اینکه در حالت کلی حرف X نشانگر عدد ۱۰ می باشد، اما در اشکال و سمبل های دینی تمثیل کنندهٔ صلیب می باشد. ترکیب X و P در اینجا یکی از سمبل های شناخته شدهٔ حضرت عیسی (ع) را تشکیل داده است.

این شکل در بناها و اماکنی که از آن استفاده شده است، مفهوم نذر حضرت عیسی (ع) یا پناه بردن به آن حضرت را می رساند. این سمبل در قدیم بر روی بسیاری از سکه ها نیز استفاده شده است.

سمبل ۱۳

 = بسیاری از سمبل های استفاده شده در مسیحیت به عنوان نماد حضرت عیسی (ع)، اشکالی شبیه به این سمبل را دارند. این گروه اشکال در حالت کلی از ترکیب حروف اول شکل یونانی نام «عیسی» به وجود آمده‌اند. مطابق گفتهٔ بی اساس بعضی از افراد نا آگاه، علامت X در همه جا مفهوم **«گنج در همینجا است»** یا **«ده قدم به جلو بروید»** را

نمی‌رساند.

حروف X و P در زبان یونانی ارتباط نزدیکی با حروف K و R دارند. در بسیاری از موارد حروفی مانند K، P و R که بر روی سکه های قدیمی به چشم می خورد مرتبط با حضرت عیسی (ع) می باشند. احتمال دارد حروف H، I و S مخفف عبارت Iesus Habemus Socius یعنی «عیسیِ نجات بخش» و یا "عیسی راهنمای ماست» باشد.

سمبل ۱٤

 = این سمبل نیز به همان شکل که در بالا گفته شد بوسیلۀ حرف P و صلیبی که در زیر به آن وصل شده، حضرت عیسی (ع) را نمادینه می کند؛ و اما شکل مثلثی  که در قسمت پایینی سمبل وجود دارد بیانگر مفهوم پادشاهی می باشد، در عین حال خبر دهندۀ منشاء قدرت خطرناکی نیز می تواند باشد.

بدینوسیله این سمبل در بر دارندۀ سه مفهوم اساسی زیر می باشد:

۱. مثلث خداوند، عیسی و روح القدس (پدر، پسر و روح القدس) 

۲. بیانگر پادشاه بودن حضرت عیسی (ع) و همچنین این موضوع که او دارای قدرت مجازات می باشد. 

۳. بیانگر اینکه شخص فوت شده و یا کلیسای معلوم تحت پوشش روحانیت حضرت عیسی (ع) قرار دارد.

سمبل ۱۵

 = این سمبل از نمادِ حضرت عیسی (ع) و حروف اول و آخر الفبای یونانی یعنی آلفا و امگا تشکیل شده است.

این سمبل نمادی است از نمادهای حضرت عیسی (ع) که مفهوم «اول و آخر» یا به بیان دینی «ازل و ابد» را در بر دارد.

حرف P نماد حضرت عیسی (ع) می باشد که بر روی یک صلیب قرار گرفته است، و با نوشته شدن حروف اول و آخر الفبای یونانی نیز خواسته شده است تا مفهوم عیسی (ع) اولین و آخرین است بیان شود. سمبلی است که تنها در قبرستان کلیساها و یا در مکاهایی که روی داد مرگی در آن به وقوع پیوسته است استفاده می شود.

مکانی که این علامت در آن پیدا شود محل دفن افرادی با موقعیت اجتماعی بالا همانند یک پادشاه، یک کشیش یا یک فرمانده می باشد. همچنین آن محل محوطهٔ یک کلیسا نیز می تواند باشد.

سمبل ١٦

 = سمبلی است که بیشتر در خاورمیانه (لبنان) و در موارد کمتری در آناتولی نیز استفاده می شده است. یکی از سمبلهای حضرت عیسی (ع) می باشد. این سمبل مفاهیمی همانند شفقت و مهربانی، رشد کردن، بزرگ شدن و به تندی قد کشیدن، یا مفهوم بلند قدی نیز می تواند داشته باشد؛ درختان گونهٔ سدر و سرو درختان همیشه سبز بوده و عمری بسیار طولانی دارند.

درخت سرو هم در اسلام و هم در مسیحیت بر روی سنگ قبرها به عنوان نماد مرگ یا فانی بودن استفاده می شود. درخت سرو که عطر خاص و منحصر به خودش را دارد و در بهار و زمستان همیشه سبز است، در اسلام و بعضی از عقاید کمتر تحریف شدهٔ مسیحیت وحدانیت خداوند را نمادینه می کند.

به سادگی تکان نخوردنِ شاخه های آن نماد صبر و بردباری می باشد. خم بودن شاخه های سر درختِ سرو نماد گردن خمیده (خضوع و خشوع) در برابر پروردگار، و عجز و ناتوانی در برابر او است. درخت سدر چه در زمان باستان و چه در روزگار خودمان نماد زندگانی ابدی بوده است. این نماد بر روی بسیاری از سنگ قبرهای دوران های شرک و کثرت پرستی و دوران های بعد از آن مشاهده می شود.استفادهٔ این سمبل در مورد اشخاصی در موقعیت های اجتماعی بالا همانند ملکه ها و پادشاهان که زندگانی ابدی برای آنها تمنی می شده است رواج بیشتری داشته است. وجود این سمبل بر روی سنگ قبری نشانگر این است که صاحب مزار شخص مهمی بوده است.

سمبل معادن، عناصر معدنی و سمبل های مختلف دیگر:

سمبل ١٧

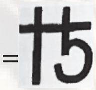
 = سمبل مهمی است. روبرو شدن با آن در هر جایی از کشورمان امکان پذیر نیست،

زیرا در امور مرتبط با عنصر طلا بکار برده می شده است. این سمبل بخصوص در مورد معادن استفاده می شده است، به همین خاطر پیدا شدن آن در جایی می تواند لزوم جستجوی آن محوطه برای یافتن معدن را به دنبال داشته باشد. به عنوان سمبل معدنِ موادی که همراه طلا و در طلا کاری استفاده می شده است نیز شناخته می شود.
شباهت زیاد آن با سمبل هایی  که برای طلا بکار برده می شود مشهود است.

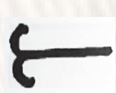
سمبل ۱۸

 = یکی از سمبل های شناخته شدۀ علم کیمیا است. عموما به عنوان سمبل «موم عسل» از آن استفاده می شده است.
در برخی از کاربرد های دوران باستان، از آن برای نشان دادن اشیا یا گنجینه ای که در یک انبار یا اتاق زیر زمینی یا چاه آب و امثال آن مدفون می شده استفاده می کرده اند.
این گونه دفینه ها ممکن است گنجینه ای ارزشمند نباشند؛ ممکن است پس از چال کردن یک شی مقدس و نذر شده در زمین، مرده ای را بر روی آن دفن کرده باشند.

سمبل ۱۹

= این سمبل قبل از هر چیز به عنصر  سرب اشاره می کند. سمبل سولفور نیز در سمت چپ به همراه یک صلیب به آن اضافه شده است، که در کل نشان دهندۀ محوطۀ کاری در داخل یک معدن می باشد.
این گونه علامت ها در بیشتر موارد ماهیت یک تابلو را دارد. نشان دهندۀ این موضوع می باشند که مکان علامت گذاری شده به چه منظوری استفاده می شود و مواد استخراج شده چه عناصری می باشند.
اضافه شدن صلیب به سمبل ممکن است نشان دهنده اعتقادات دینی کارگران آن معدن باشد، و یا نشان دهندۀ اعتقادات دینی حکومت و مردم سرزمینی که معدن در آن قرار دارد.

سمبل ۲۰

 = این سمبل مفهوم «در داخل نگاه داشتن « و یا «قفل است» را می رساند. بیشتر

در کلیساها یا در محل های مشابه آن که گروههای مختلف انسانها در آنجا زندگی می کنند به چشم می خورد.

گاهی این سمبل را در معادن، بر روی در اتاقها و مخازنی نصب می کرده اند که مواد استخراج شده و آمادهٔ استفاده پس از تصفیه و جداسازی غل و غش از آنها، درون آن نگهداری می شده است.

هنگامی که با این منطق به موضوع نگاه کنیم، این سمبل می تواند علامت وجود مکانی باشد که در درون آن فلزات یا مواد معدنی ارزشمندی قرار دارد، و یا اشیای تاریخی یا دفینه ای در آنجا پنهان است.

سمبل ۲۱

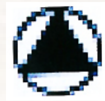
 = این سمبل کاملا مربوط به موضوع رنگها است و نشانگر رنگهای سرخ و زرد می باشد. بخاطر این خصوصیت، در طول تاریخ به عنوان نماد زعفران، مس زرد، و مس آمیخته شده با آهک شناخته شده است.

در حیطهٔ باستان شناسی می بایست در جستجوی ارتباطی با موضوع بیان شده در بالا باشیم؛ در این سمبل مشاهده می کنیم که دو اتاق یا گور جدا از هم بوسیلهٔ علامت صلیبی به هم متصل شده اند. توجه کنید که اتاق ها (یا قبرها) از نظر ساختمانی کاملا از هم جدا می باشند اما از نظر خانوادگی یا بوسیله سلسله مراتب خاصی با هم ارتباط دارند.

مطابق با عقاید مسیحیت دو انسانی که در کنار هم دفن شده اند و احتمالا در یک دوره زمانی مرده اند، بصورت جدا از هم خاک نشده اند. همچنین در مورد کلیساها و اماکنی همانند عبادتگاه ها نیز می توانیم با منطق مشابهی به موضوع نگاه کنیم. در این حالت، دو اتاق موجود در آن محل هر دو از لحاظ دینی مقدس و هر دوی آنها در وضعیتی یکسان قرار دارند.

این سمبل را می توانیم نشانهٔ اشیا و فلزاتی که مطابق آیین های مختلف کفن و دفن در کنارِ شخص دفن می شده است یا هدایایی که به همراهِ مرده دفن می کرده اند نیز به حساب آوریم.

سمبل ۲۲

 = این سمبل نمادِ «اجاق آتش» می باشد که از قرن هفدهم به بعد در اروپا و دنیای مسیحیت بسیار استفاده می شده است و به نوعی در فرهنگ سرزمین آناتولی نیز راه یافته است.

بیشتر از اینکه در مورد اجاق هایی که در خانه ها از آنها استفاده می شده بکار برده شده باشد، سمبلی است که در مورد اجاق ها و کوره هایی استفاده می شود که جنبهٔ حرفه ای تری داشته (همانند کارگاه ها و معادن و غیره) و در کارهایی در ابعاد بزرگ تر از آنها استفاده می شده است.

جستجوی بقایای کارگاهی در محوطهٔ یک معدن، در محلی که این علامت پیدا شده است کاری خلاف منطق نمی باشد.

سمبل ۲۳

 = یکی از سمبل های مهم دوران باستان می باشد. نشان دهندهٔ ظرفی است محکم و مقاوم که در درون آن فلزات را ذوب می کرده اند. پیدا شدن دیگ ها یا ظروف بزرگ ریخته گری در محلی که این سمبل وجود دارد این موضوع را تصدیق می کند.

مطابق با منطق و مطابق با روش کار ریخته گری، این سمبل معمولا در مناطقی یافت می شود که در نزدیکی آن آب موجود باشد؛ بطور مثال رودخانه، چشمه یا دریاچه ای در آن نزدیکی وجود داشته باشد.

این سمبل گاهی بوسیله اشکال دیگری نیز نمایش داده می شود.

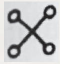
سمبل ۲٤

 = سمبلی است که در کار ذوب فلزات استفاده می شود و هم معنی سمبل قبلی است که در بالا توضیح داده شد. همان موارد ذکر شده در بالا گاهی با این سمبل نشان داده می شود.

این سمبل به اندازهٔ نصف سمبل ظرف مانندی است که برای نشان دادن قبرستان های خانوادگی استفاده می شده است؛ به همین دلیل ممکن است علاوه بر نشان دادن محل

ذوب فلزات در عین حال نشان دهندهٔ محوطه کار خانوادگی نیز باشد.

سمبل ۲۵

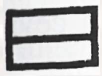
 = سمبلی است که در آناتولی به ندرت به آن بر می خوریم اما بخصوص در اروپای غربی بسیار مورد استفاده شده است. سمبلی که در کار ذوب فلزات از آن استفاده می شده است.

باید توجه کنید که این سمبل به همراه گونه های مختلف آن ممکن است در نزدیکی ضرابخانه ها نیز استفاده شده باشند. همچنین باید توجه داشت که در کار ذوب فلزات عناصر بسیاری مانند آهن، برنز، نقره، مس و برنج استفاد می شده است.

سمبل ۲۶

 = سمبلی است که امروزه نیز در مورد ظروف آزمایشگاهی استفاده می‌شود.
این سمبل توسط کیمیا گران قرن هفدهم بکار برده می شده، و سمبل ظرفی است که در ذوب فلزات از آن استفاده می‌کرده‌اند.

سمبل ۲۷

 = مطابق با چیزی که در دایرهٔ المعارفِ دیدرو (Denis Diderot) نوشته شده است، این شکل سمبلِ آهنگری یا کورهٔ آتش می باشد. در افسانه های یونان Heista (در روم Vesta) خداوند آتش و اجاق خانه می باشد. این سمبل مفهوم اجاق را به تصویر می کشد. این سمبل و جایگاه قرار گرفتن Vesta و سمبل  مثلثی شکل دیگری که بر روی آن به عنوان نماد آتش قرار می شود هر دو در نتیجه طرز فکر مشابهی به وجود آمده‌اند.
در کار گنج پژوهی برای یافتن یک اجاق یا کوره می تواند مورد استفاده قرار گیرد. این سمبل به احتمال زیاد در محوطه ای استفاده شده است که اجاق خانه یا معدنی در آنجا وجود داشته است.

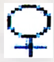
سمبل ۲۸

 = کناره های خارجی این سمبل نشان دهندهٔ یک ظرف محافظ است. این شکل سمبلی است که در موضوعاتی مانند محافظت جسد انسان یا محافظت و نگهداری مواد غذایی و گیاهی استفاده می شده است. قسمت مثلثی شکلِ داخل سمبل با توجه به جهت قرار گیری آن، سمبلی است که به عنوان نمادِ زن بسیار استفاده شده است.
با توجه به مواردی که گفته شد، ممکن است این سمبل نشان دهندهٔ محل نگهداری جسد زنی باشد که در زمان حیات از موقعیت اجتماعی بالایی در اجتماع برخوردار بوده است. بدین ترتیب این سمبل می تواند نشان قبر یک زن باشد، اما در هر صورت برای اینکه این مفهوم را داشته باشد باید به شرایط محیط اطراف نیز توجه داشت، زیرا همین سمبل توسط کیمیاگران برای نشان دادن مفهوم گیاهی بسیار ظریف نیز استفاده شده است.

سمبل ۲۹

XX = این سمبل در حالت کلی در مورد کارهایی از قبیل ذوب کردن، تصفیه، پالایش و یا تقطیر فلزات یا مواد دیگر استفاده می شده است. انجام این قبیل امور در هر جایی امکان پذیر نمی باشد، به همین دلیل برای این منظور مکانهایی مشخص و شرایط ویژه ای باید محیا باشد.
این سمبل یکی از سمبلهایی است که انسانها از زمانهای قدیم تا زمانهای نزدیک عصر خودمان برای این قبیل کارها استفاده می کرده اند.
در سرزمین ایران که میزبان بسیاری از تمدن ها بوده است در بعضی جاها ممکن است با این سمبل روبرو شویم. گاهی این سمبل به اشتباه به مفهوم عدد ۲۰ رومی تفسیر شده و موجب این می شود که در اطراف آن به جستجوی گنج مشغول شوند.
در یکی از کتاب هایی که در زمینه علامت ها چاپ شده بود، این علامت اینگونه تعریف شده بود که در دو قدمی این علامت گنج وجود دارد و در صفحهٔ دیگری از همین کتاب نوشته شده بود که در بیست قدمی این علامت گنج وجود دارد، ما با دیدن این تعاریف بسیار تعجب کردیم.

سمبل ۳۰

 = این سمبل سمبلی است که از ترکیب دو سمبل مختلف، یعنی که یکی از اینها سمبل مس  و دومی  یکی از سمبلهایی که برای طلا بکار برده می شود تشکیل شده است.

در مورد این سمبل در باستان شناسی تا به حال به موردی بر نخورده اند که وجه دیگری غیر از موردی که گفته شد مورد نظر باشد، به همین دلیل به احتمال زیاد این سمبل، سمبل مس جلا داده شده یا مس سرخ می باشد. همچنین امکان دارد به عنوان سمبل یک کارگاه ذوب فلزات و یا سمبل معدن طلا و مس نیز استفاده شده باشد.

سمبل ۳۱

 = سمبلی است که با عمل دیدن و یکی از کارایی های چشم در ارتباط است. در این سمبل سه خصوصیت و بخش مجزا وجود دارد. قبل از هر چیز مثلث تثلیث (پدر، پسر و روح القدس) در آن به تصویر کشیده شده است. خطوط اطراف مثلث نیز سعی در نشان دادن مفهوم مقدس بودن ابدی تثلیث و همچنین انتشار یافتن این عقیده در سطح جهان دارد. و در آخر تصویر چشمی که در داخل مثلث قرار گرفته است، سعی در به تصویر کشیدن یکی از خصوصیات خداوند، یعنی خصوصیت شاهد همه چیز بودن و خصوصیت بینا بودن او را دارد.

از لحاظ باستان شناسی در مکانی که این سمبل قرار گرفته است و در جهت راستای نگاه چشم داخل سمبل، به طور حتم یک مزار یا محلی که اتفاقی مقدس در آنجا به وقوع پیوسته است قرار دارد؛ زیرا هدف این بوده است که آن چشم نگاهش را به آن نقطه خاص متمرکز کرده و آنجا را زیر نظر داشته باشد.

با این گونه طرز فکرها در دوران های باستان بسیار می توان روبرو شد. جستجو گران گنج می دانند که در راستای نگاه این سمبل یک مزار یا چیز مشابهی قرار دارد.

سمبل ۳۲

 = سمبلی است که در زمان های کهن رواج بسیار داشته و در بسیاری از مناطق

استفاده می شده است. دایرهٔ موجود در سمبل تمثیل گر دنیا و مثلث داخل آن تمثیل گر اعتقاد تثلیث می باشد. دنیایی به مرکزیت پدر، پسر و روح القدس را به تصویر می کشد. سمبلی است که برای نشان دادن اعتقاد تثلیث ایجاد شده است.
سمبلی است که بر روی قبرها، در کلیساها و دیگر اماکن مقدس بسیار زیاد استفاده شده است. ممکن است شکل دایره در دوران باستان نشان دهندهٔ طرز فکر دیگری هم بوده باشد، مفهوم آخرتِ بی پایان و ابدیت.
این سمبل بر روی سنگ قبرها و در قبرستان ها نیز استفاده شده است.

سمبل ۳۳

 = در دوران باستان و زمانهای بعد از آن توسط کیمیاگران به عنوان سمبل گِل استفاده شده است. گاهی  به این شکل نیز نشان داده شده است. هنگامی که به همراه سمبل روغن  استفاده شود نشانگر گلی است که در ساختن آن از روغن مقدس استفاده شده است. این سمبل از ترکیب سمبلهای عناصر (خاک ) و (آب )تشکیل شده است.
اگر برای مزار شخصی از گل و روغن مقدس استفاده می شده است این بدین معنا است که شخص مورد نظر شخص محترمی بوده و از نظر اجتماعی مقام و منزلت بالایی داشته است. با این عمل چنین اشخاصی به اقانیم ثلاثه (پدر، پسر و روح القدس) امانت می شده اند و معمولا از این سمبل بر روی سنگ قبر آنها استفاده می شده است.
این گونه قبرها معمولا به شکل گورپشته (یا گورتپه – در زبان انگلیسی: Tumulus) می باشند.

سمبل ۳٤

 = شاید شکل مثلث بعد از شکل دایره از اولین اشکال هندسی باشد که انسان در تصاویرش از آن استفاده کرده است. شکل مثلث در تصاویری که انسان های ماقبل تاریخ بر روی صخره ها از خود به جای گذاشته اند بسیار به چشم می خورد. در تمام دنیا و توسط ملتهای مختلفِ هر دوران معانی گوناگون و بسیاری به این شکل داده شده است.
سمبلی که در اینجا آورده ایم یک مثلث متساوی الساقین می باشد، مثلثی با این خصوصیت

مفاهیم متفاوتی را می رساند. این سمبل در حالت کلی هنگامی که سر آن رو به بالا باشد با مفاهیمی همچون آتش و قدرت الهی در ارتباط است.
علاوه بر این در زمینه باستان شناسی در بسیاری از موارد به عنوان سمبل مرد شناخته می شود.
در اسلام و مسیحیت، در ساخت منارهٔ مساجد یا بام کلیساها طرز فکر تقریبا مشابهی تاثیر داشته و همواره سعی بر این بوده که اینگونه بناها هم از نظر بلندی و هم از نظر راستا، در امتداد رسیدن به قدرت الهی بنا شوند.
در تمامی زمانها حتی دوران ماقبل تاریخ این سمبل کم و بیش در معانی مشابه این بکار رفته است.

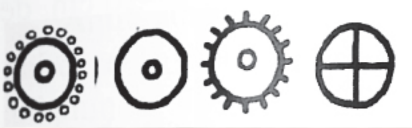
سمبل ۳۵


= این سمبل در کشورمان بیشتر مخصوص نواحی غرب و شمال غرب کشورمانف می باشد. در مناطق اطراف رودهای دجله و فرات این سمبل نشانِ والا ترین خدا یعنی خدای خورشید (Shamash) بوده است. در مسیحیت سمبل صلیب ستاره‌ای (Crux) می باشد. در دوران های قدیم مخصوصا در زمان تمدن روم بر روی سنگها و تابلوهای راهنمایی که در جاده ها قرار داده می شده از این سمبل استفاده می کرده اند.
در ایران به ندرت یافت می شود. در صورت پیدا شدن آن، اولین احتمالی که به ذهن خطور می کند این است که آن مکان بر سر راهی قدیمی قرار داشته و محل تقاطعی در آن جاده بوده است. در کلیساها و بعضی از اماکن متعلق به دوران مسیحیت نیز به عنوان یک صلیب تزئینی ممکن است استفاده شده باشد.

سمبل ٣٦


= سمبلی است متعلق به دوران ماقبل تاریخ. از فرهنگ های دوران کثرت پرستی (پاگانیسم) وارد مسیحیت نیز شده است. بیشتر در زمان تمدن روم و بر روی سنگهایی که در جاده ها و تقاطع ها قرار داده می شده (Milestone) استفاده می شده است.
در میان تصاویر متعلق به ۱۵۰۰۰ سال قبل که در غاری در اروپا کشف شده است دیده می شود. دادن هر گونه مفهومی به آن امکان پذیر نمی باشد.

سمبل ۳۷



= حلقه (دایره) تمثیل کنندۀ کمال، تداوم و گردش طبیعی جهان می باشد.

مطابق تعبیر مسیحیت خورشید مرکز جهان می باشد، منشاء برکت و دشمن بدی و تاریکی است. دایره ای که در درون آن نقطه ای قرار دارد نشان دریافت نور خورشید توسط دنیا و آمدن بهار است. در رسوم مسیحیت این حلقه بخاطر ویژگی کمال آن تمثیل گر خداوند می باشد.

حلقه ای که در داخل آن صلیب قرار دارد نماد یک هزاره می باشد؛ نشان دهندۀ مرکز و چهار گوشۀ دنیا است. این حلقه که به چهار قسمت تقسیم می شود تمثیل کنندۀ چهار عنصر آب، باد، خاک و آتش نیز می تواند باشد. حلقه ای که به دو قسمت تقسیم شده دو قطب مختلف همانند شب و روز، بهار و زمستان، مرگ و زندگی را تمثیل می کند.

دو حلقۀ تو در تو مفهوم دو جنسیتی را تمثیل می کند. این سمبل گاهی بخاطر شباهت، به غلط به معنای چاه تفسیر می شود.

حلقه ای که به شکل گُل می باشد، نماد آرامش خاطر و فراموش کردن و یا نماد خوابیدن می باشد؛ نماد عنکبوت یا پرتو های نور خورشید نیز می تواند باشد.

در حالت کلی، حلقه ها و تمامی انواع سمبل هایی که از آنها ساخته می شوند نماد گردش بی پایان، نشان بی انتهایی و بی پایانی زندگی انسان می باشند.

سمبل ۳۸



= دایره قدیمی ترین شکل شناخته شده در تاریخ بشریت می باشد. در بسیاری از کشفیات زمان ماقبل تاریخ تصویر دایره به چشم می خورد. حتی اگر مقصود و مفهوم کشیدن این شکل ها در آن دوران برایمان نا آشنا باشد، امروزه می دانیم که انسانِ آن زمان با به تصویر کشیدن این شکل بر روی دیوارۀ غارها و صخره ها سعی در رساندن مفهومی داشته است.

دایره در مقبول ترین مفهوم خود در میان تمامی ادوار سرگذشت بشریت، نشان دهندۀ تکۀ کوچکی از یک واحد بزرگ می باشد که به قسمت های کوچکتری تقسیم شده است. این مفهوم کلی هنگامی که از جنبۀ بعضی موضوعات خاص به آن نگاه شود مفاهیم متفاوتی

را می رساند.
از جنبهٔ باستان شناسی با اینکه در تمدن های مختلف مفاهیم بسیار و متفاوتی را در بر دارد، اما بیشتر تمثیل کنندهٔ مفاهیمی همچون دنیا، کره زمین و پادشاه می باشد.
از نظر رسم این سمبل ها علاوه بر تصاویری به شکل دایره، می توانند در قالب های تزئینی دیگری مانند کنده کاری هایی حلقوی شکل به عمق تقریبی یک سانتی متر نیز باشند. اینگونه حلقه ها معمولا اندازه هایی حدود ۲۰-۱۵ سانتی متر الی ۴۰ سانتی متر می توانند داشته باشند.
خیلی از جستجوگران گنج هنگامی که با یکی از این حلقه ها مواجه می شوند گمان می کنند که در اطراف باید دیگی به اندازهٔ دهانهٔ همان حلقه وجود داشته باشد، در صورتی که این تصور اشتباه است. در مورد گنجها چنین علامتی که نشان پول و گنجینه باشد وجود ندارد.
حلقه بطور خلاصه، اشاره دارد به ابدیت، گردش بی پایان و جاودانگی.
اینگونه حلقه های کنده کاری شده در زمان تمدن یونان، روم و بیزانس بسیار استفاده شده است. اغلب در نزدیکیِ اینگونه حلقه های کنده کاری شده در ابعاد بزرگی مانند دهانهٔ دیگ، به علامت های + و یا X نیز می توان برخورد. این علامت ها می توانند مفهوم سوگند یا تایید داشته باشند، همچنین علامتی برای نشان دادن محل یک گور یا محل اشیای پنهان شده نیز می توانند باشد.

سمبل ۳۹


= سمبلی است که استفاده از آن رواج بسیار داشته است. همان طور که می‌دانیم علایمی که مثل ✝ ویا ✖ و ✙ در اشکال صلیب نشان دهندهٔ پایان زندگی دنیوی و سمبل مرگ می‌باشند، اما این سمبل برخلاف صلیب هنگامی که بر روی سنگ قبری باشد مشخص کنندهٔ تاریخ تولد می‌باشد.
این سمبل از زمانی که سیستم های تاریخ گذاری وارد زندگی انسان شده اند، به همراه حروف، ارقام یا علایمی که بتوان تاریخ تولد شخص را با آن نشان داد استفاده می شود.
سمبلی است که هیچگاه به تنهایی مورد استفاده قرار نمی گیرد. علاوه بر اینکه مفهوم واقعهٔ تولد را می رساند، لازم است بر روی سنگ قبر یا کتیبه ای که بکار برده می شود به همراه تاریخ و یا عبارتی که نشان از خرسندی مربوط به آن تاریخ است استفاده شود.

سمبل ٤٠

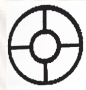


= این سمبل بالا ترین، والا ترین، زیباترین، چیزی که هیچ قدرت و حاکمیتی بالاتر از آن وجود ندارد را تمثیل می کند، به بیان دیگر سمبلی است که به عنوان نماد پادشاه استفاده می شود.

این گونه دوایر تو در تو در فرهنگ و طرز فکر دوران باستان مفهوم در بر گرفتن، تحت نفوذ داشتن یا تحت حمایت گرفتن محوطه، منطقه یا وسعتی خاصی را داشته اند. این سمبل نیز که ساختاری مرکزی دارد یکی از انواع اینگونه اشکال می باشد که در کل مفهومی غیر از مفاهیم گفته شده را نمی رساند.

این سمبل مطابق نظر بسیاری از جستجوگران گنج، علامت سه دیگ یا سه دفینه نمی باشد.

سمبل ٤١



= به احتمال زیاد سمبل قرص خورشید می باشد. سندی مبنی بر اینکه در ایران مشابه آن یافت شده باشد در دست نداریم. بهتر است مفهوم آن با توجه به خصوصیت تقسیم شدن آن به چهار قسمت تعبیر شود.

احتمال می دهیم که سمبلی مربوط به عصر برنز بوده و نماد آیینه باشد.

سمبل ٤٢



= در بعضی از مثالهایی که آوردیم گفته شد که تقسیم شدن یک دایره یا هر شکل هندسی دیگر بصورت عمودی، اشاره به شیئی در قسمت وسط دارد؛ در اینجا با شکلی روبرو هستیم که بصورت افقی تقسیم بندی شده است.

در اینجا دایره تعبیر متفاوتی است از کره زمین؛ نمادی است برای نشان دادن زندگی، که به دو بخش زندگی دنیوی و زندگی پس از مرگ تقسیم شده است. انسانی که دو وجه زندگی یعنی دنیا و آخرت (عالم پس از مرگ) را دیده است، (ابتدا زندگی بر روی زمین و پس از آن مرگ) این دو بخش زندگی را به نوعی تجربه کرده است. این سمبل با این مفهوم بسیار زیاد استفاده شده است.

صلیب بالای سمبل سعی در بیان این مفهوم دینی دارد که در زیر سایهٔ مسیحیت پس از پایان یافتن زندگی دنیوی زندگی اخروی در آرامش و امنیت آغاز می گردد.
در قرن هفدهم و در کیمیاگری به عنوان سمبل اکسید سرب (شنگرف، زنجرف، سولفور جیوه) نیز استفاده می شده است.

سمبل ٤٣


= در این سمبل اگر نقطه ها به این شکل  روی هم قرار گیرند این شکل سمبلِ نمک دریا خواهد بود که در کیمیاگری استفاده می شده است.
در حالتی که نقطه ها بصورت افقی و کنار هم قرار می گیرند در گروه سمبلهایی که در غرب (اروپای غربی) استفاده می شده است مفاهیمی همچون خطر، در اینجا تو را بازداشت خواهند کرد یا تحت نظر هستی را به همراه داشته است.
ممکن است این دو نقطه در بعضی جاها نشان دهندهٔ مفهوم «چشم» نیز باشند، در این صورت ممکن است در راستایی که سمبل به آن نگاه می کند قبری یا نشانه و علامت دیگری وجود داشته باشد.

سمبل ٤٤


= در اینجا دایرهٔ بزرگ نماد دنیا و زندگی می باشد و حلقه های کوچک قرار گرفته در درون آن نشان دهندهٔ بعضی از امور و فعالیتهای مربوط به منطقه، به بیانی، دنیاهای کوچک دیگری می باشند.
ممکن است این سمبل نشان وجود یک معبد که بخشی از عالم معنوی است (دایره بزرگ) و فعالیتهای خاصی مربوط به عالم مادی (دو حلقهٔ کوچک) باشد.
بطور خلاصه می توان گفت دایرهٔ بزرگ در اینجا نشان کلیسا یا عبادتگاهی است که مکانی است مقدس و ثابت؛ و دو حلقهٔ کوچک درون آن نشانِ کارها و امور دنیوی است که در این معبد انجام می شود.
در اینجا لازم است گفته شود که دیده شده بعضی از متقلبان و متخصصان قلابی نمادِ جهالت، این سمبل را به غلط بصورت «در یک قبر دو جسد وجود دارد» تعبیر می کنند.

سمبل ٤٥



= همانطور که در سمبل قبلی نیز نمونهٔ آن را مشاهده کردید، در اینگونه سمبلها دایره بزرگ نشان دهندهٔ دنیایی است که در آن زندگی می کنند و یا نشان دهندهٔ کره زمین می باشد، و اشکالی که در درون این دایره بزرگ قرار داده می شوند معانی متفاوتی داشته و به امور یا خصوصیاتی در دنیا یا در یک منطقهٔ خاص اشاره می کنند.

می توان گفت که بوسیله سمبلی شبیه به این، اطلاعاتی در ارتباط با تعداد خانه ها، قبرها یا کلیساها و اماکن مقدس موجود در آن منطقه ممکن است داده شده باشد. این تعداد به نسبت تعداد اشکال موجود در درون دایرهٔ بزرگ خواهد بود.

بنابر این چون در این سمبل تعداد اشکال داخل دایره کم است و نمی تواند اشاره به تعداد خانه های یک منطقه داشته باشد، امکان دارد اشاره داشته باشد به تعداد اماکن مقدس آن منطقه.

اگر بخواهیم بصورت قطعی تر بیان کنیم، این سمبل می تواند به تعداد قبرهای موجود در منطقه و یا تعداد گنجینه های دفن شده در داخل یک کلیسا در نزدیکی آن سمبل اشاره کند.

سمبل ٤٦



= حالت چرخانده شدهٔ (٤٥ درجه در جهت عقربه های ساعت) سمبلی متعلق به خدای دریاها Posseidon می باشد که به عنوان سمبل آذرخش نیز استفاده می شده است.

این سمبل در دوران باستان به عنوان سمبل خاکستر نیز استفاده می شده است، همچنین در مناطقی همانند معابد، قربانگاه ها و قبرستان ها نیز یافت می شود.

این سمبل به مفهوم سوزاندن نیز می تواند باشد و ممکن است در نزدیکی آن سمبل محلی وجود داشته باشد که عمل سوزاندن چیزی یا چیزهایی در آنجا صورت می گرفته است. شکلی است مرتبط با اجساد و نباید آنرا با مفهوم اجاق اشتباه گرفت.

سمبل ٤٧



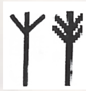
= سمبلی است که از به هم پیوستن دو نیم دایره تشکیل شده است. هنگامی که

بصورت عمودی یعنی همانطور که در این شکل دیده می شود قرار گیرد، مفهوم کلی وادی مرگ را بیان می کند.
هر کدام از نیم دایره ها بصورت مستقل دنیا و آخرت را تمثیل می کنند. بصورت تو در تو قرار گرفتن آنها در اینجا مفهوم اسرار آمیزی غیر از مکان یا منطقهٔ مرگ را بیان نمی کند.
وادی مرگ یا به بیان دیگر وادی مردگان در خیلی جاها با سمبل دیگری (سمبل ۴۸) نیز نشان داده می شود.

سمبل ۴۸


= سمبلی رایجی است برای مفهوم وادی مرگ. از به هم پیوستن دنیایی (حلقه ای) که بر روی محور بی نهایت در حال گردش است (سمبل دایره) و زندگی ای که پایان یافته است (ابطال شده است) (سمبل X) بوجود آمده.
طبق گفتهٔ بعضی از افراد نا آگاه با مفهومی همچون «دیگ یا ظرفی وجود دارد که روی آن علامت گذاری شده است» هیچ گونه ارتباطی ندارد. جایی که این سمبل در آنجا پیدا شود به احتمال زیاد محل یک قبر (یا قبرستان) می باشد.

سمبل ۴۹

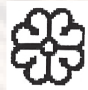

= این سمبل و موارد مشابه آن در اصطلاح رایج بین جستجوگران گنج به نام «پای غاز» شناخته می شود. این گونه سمبل ها سمبل هایی هستند که در امتداد رود های دجله و فرات و همچنین در اروپا بسیار استفاده شده و به تعداد زیادی یافت می شوند. گاهی به عنوان سمبل گوزن شمالی (Moose) نیز استفاده می شود.
از نظر باستان شناسی، در قبرستان ها بسیار با آن رو برو می شویم، سمبلی است که در مورد گورستان های خانوادگی بکار برده می شده است، در حالت خاص گاهی نیز نشانگر قبر یک مرد می باشد.

سمبل ۵۰


= سمبلی است که در دوران باستان در برخی از مناطق به عنوان سمبل روز اطلاع

رسانی (اعلان، دعوت) استفاده می شده است. همانطور که در تصویر ملاحظه می کنید مفهوم انتشار از پایین به سمت بالا از شکل فهمیده می شود.
با توجه به این خصوصیت که در شکل مشهود است، سمبل مفهوم اعلان و دعوتی از جانب یک فرد به جمع را می رساند. علاوه بر این، شکل کاسه مانندی که در سمبل وجود دارد نماد جشن و شادی است. در نتیجه این سمبل به بیانی، سمبل اعلان شادی و سرور می باشد.
این سمبل بیشتر در میادین تجمع مردم در خرابه هایی باقی مانده از شهرهای قدیمی، اماکن تجمع دینی، قربانگاه ها و اماکن مختلف گِرد هم آیی یافت می شود.

سمبل ۵۱


= از سمبلهای دوران باستان و یکی از سمبل هایی است که مفهوم جمع کردن (جمع شدن) را می رساند. شکل سمبل حرکتی (تجمع) از محیط اطراف به سمت یک مرکز را تداعی می کند. به این دلیل که این سمبل سمبلی در ارتباط با یک مکان مقدس می باشد، دایرۀ واقع در وسط آن تمثیل گر یک مقام اداره کننده همانند کشیش یا پادشاه است. خطوط عمود شده به مرکز نیز تمثیل گر گرایشی است از مناطق اطراف به سمت مکان مقدس.
اینگونه اماکن می تواند یک معبد، کلیسا یا میادین تجمعی باشد که در آنها اطلاع رسانی های برای خلق انجام می شده است.
به سمبل های مشابه این از جهت ساختار چهار تایی آن نیز می توان نگاه کرد، این سمبل می تواند تمثیل کنندۀ چهار عنصر از یک کلیت خاص باشد که در یک جا جمع می شوند. بطور مثال چهار مذهب مسیحیت (کاتولیک، پروتستان، ارتدکس و ایوانجلیسم) یا چهار عنصر طبیعت. (آب، باد، خاک و آتش)
ارتباط اینگونه سمبل ها که ساختار چهار تایی دارند با اشکال هندسی مانند مستطیل و مربع را نیز مد نظر داشته باشید.

سمبل ۵۲


= سمبل دیگری است برای روزهای اطلاع رسانی. در مقایسه با سمبل قبلی که

به این منظور بکار می رفت (سمبل ۵۰) در جاهایی از آن استفاده می شده که ساختار اجتماعی یا فرهنگ عمومی ضعیف تر داشته اند.
یکی از موارد دیگری که از این سمبل استفاده می شده، میادین تجمع و خوش گذرانی بوده است. در اینگونه میادین با روشن کردن مشعل هایی مکان (و زمان) تجمع را مشخص می کرده اند.
در کار جستجوی گنج نیز اگر بررسی ها با دقت لازم انجام شود، به راحتی می توان فهمید که از این سمبل برای علامت گذاری میادین استفاده می شده است.

سمبل ۵۳

 = می تواند مفاهیمی همچون دیوارهای چرخان یا پیچ در پیچ و ساختارهای پر پیچ و خم زیر زمینی را در بر داشته باشد. یکی از اشکال الفبای هیروگلیف مصری می باشد. در آناتولی و از لحاظ باستان شناسی می تواند نشان یک تونل زیر زمینی، یک مخزن یا انبار زیر زمینی، یک جان پناه، یک مخفی گاه، یک پناهگاه پر پیچ و خم (هزارتو) و یا کوره، اجاق و امثال این ها باشد.
امروزه در جاهایی که از این قبیل علایم در آن پیدا می شود، از سطح زمین دری یا مدخلی به داخل تونل های زیر زمینی وجود دارد، مدخلی همانند یک چاه، یک صخرهٔ جاسازی شده با ظاهری طبیعی یا یک درخت قدیمی.
نکتهٔ مهمی که در اینجا وجود دارد این است که، اگر این علامت نشان دهندهٔ یک محل سکونت زیر زمینی باشد، این مکان به طور حتم دو نقطهٔ متفاوت برای ورود و خروج دارد. (دو در مجزا دارد) مواردی که در بالا آوردیم، همانند یک چاه یا یک صخره با ظاهری طبیعی می تواند نقطهٔ ورود و یا خروج به این این محل باشد.
انسان های دوران های قدیمی امکانات ساختن خانه یا پناهگاه بر روی زمین را نداشتند و یا در مناطقی زندگی می کردند که ساختن یک محل زندگی یا پناهگاه زیر زمینی برای آنها یک مجبوریت به حساب می آمد به همین دلیل می دانیم که ساختن مساکن و پناهگاه های زیر زمینی در آن دوران رایج بوده است و امروزه نیز به موارد زیادی از آنها برخورد می کنیم. هنگامی که ضرورت ساخت چنین محلی به وجود بیاید، اتخاذ تدابیر لازم برای پنهان نگاه داشتن آن محل و به راحتی دیده نشدن آن از محیط اطراف نیز یکی از شرایط اساسی این کار محسوب می شود.

برای پیدا کردن چنین محل های ساخته شده در زیر زمین می بایست محیط اطراف و پوشش گیاهی منطقه را به دقت تحت مشاهده و بررسی قرار داد. برای این کار اگر شخص وارد و متخصصی که در این زمینه از آگاهی، تجربه و استعداد برخوردار است کار مشاهده و بررسی محیط را انجام دهد، شاهد آن خواهیم بود که حتی گیاهان رشد کرده بر سطح زمینی که تونل در زیر آن قرار دارد با پوشش گیاهی دیگر قسمتهای آن منطقه متفاوت می باشد.

پستی و بلندی های موجود در طول مسیر تونل ها نیز از موارد مطلوب و مهم اینگونه بناهای زیر زمینی محسوب می شوند. با این توضیح می توان گفت پیدا شدن این سمبل در دامنه یک کوه امری است کاملا طبیعی که با منطق این علامت نیز هماهنگی دارد.

سمبل ٥٤



= این سمبل که در نگاه اول نسبت دادن مفهومی به آن بسیار مشکل می باشد، در واقع سمبلی است برای بیان مفهوم «به خودم اصلا اطمینان ندارم، درست در مرکز بهم ریختگی و پریشان حالی قرار دارم، بندهٔ خداوندی بزرگ هستم، با تمام حس هایم و تمام اعضاء و جوارحم به او متصلم.»

این سمبل در عین حال یک سمبل خورشید است. اما بیشتر به عنوان سمبلی که بعضی از ستارگان خاص (شش ستاره در مدت زمانی خاص در دوران قدیم) را نمادینه می کند شناخته شده است.

اگر از نظر باستان شناسی به موضوع نگاه کنیم، خواهیم دید که اغلب در نقشه ها، و در نقشه ها نیز بیشتر برای نشان دادن مکان آسیابها از آن استفاده شده است.

اگر شکل سمبل را با شکل چرخ دنده های یک دستگاه یا آسیاب امروزی مقایسه کنیم، خواهیم دید که در اینجا با منطقی بسیار واقع گرایانه روبرو هستیم. در صورت روبرو شدن با این سمبل باید توجه داشته باشیم که احتمالا سمبلی است که در طول چند قرن اخیر تاریخ ایران مورد استفاده قرار گرفته شده، و باید با توجه به این خصوصیت به دنبال کشف مفهوم آن باشیم.

سمبل ۵۵



= سمبلی است برای نشان دادن لزوم زمان گذشته. بخصوص در جاهایی استفاده شده که دنبال کردن ردی در آن نقاط لازم بوده است. شخصی که علامت ها را بجا می گذاشته است بوسیلهٔ این سمبل سعی داشته که مانع ارتکاب اشتباه در تعقیب رد شود و در صورت ارتکاب اشتباه با این علامت تعقیب کننده را از خطایش آگاه سازد.
می دانیم که در ایران گاهی این سمبل و نظایر آن به عنوان سمبل «مار» تعبیر می شود، در اینجا نظر ما این است که لازم است دقت بیشتری در مورد اینگونه علایم داشته باشند.
شکل این سمبل از داخل به سمت خارج امتداد داشته و رفته رفته باز تر می شود، (دور شدن از هدف) در نتیجه سمبل در نقطهٔ پایانی مفهوم به انتها رسیدن را بیان می کند و سعی در بیان این مفهوم دارد که در این نقطه می بایست به عقب بازگشت.

سمبل ٥٦



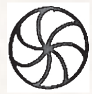
= سمبلی است که مفهوم گرفتن (به چنگ انداختن) را می رساند. منظور از گرفتن در اینجا گرفتن حیوانِ در حال فراری مانند یک گربه یا سگ یا یک پرنده می باشد. مقصود این است که به هدفِ معلوم بسیار نزدیک شده اید، هدف آشکار شده است و تنها کاری که باید انجام دهید گرفتن آن می باشد.
اگر با دقت به شکل سمبل نگاه کنید، متوجه شباهت آن با عملِ در آغوش گرفتن و یا نحوهٔ کارکرد یک شیء انبر مانند خواهید شد.

سمبل ۵۷



= چیزی که در اینجا نشان داده می شود شکل بدن یک انسان می باشد. شکلی است به فرم یک لباس، نه چیز دیگر. شکل آن از ترکیب دو سمبل قبلی (سمبل ۵۵ و سمبل ٥٦) بوجود آمده است
وقتی بصورت کلی به سمبل نگاه کنیم، مشخص کنندهٔ شادی ناشی از رسیدن به هدف می باشد، در حال بیان این مفهوم می باشد که «به نقطهٔ نهایی رسیده ای و تنها کاری که باقی مانده گرفتن هدف است.»

سمبل ۵۸

 = سمبلی است که در ایران بر روی چارچوب درها یا بر روی سنگ قبرها با آن زیاد برخورد می کنیم، همچنین از اشکالی است که در کلیساها نیز زیاد با آن روبرو می شویم.
بیانگر مفهوم دوران یا مفهوم حرکت مستقل می باشد.
بیشتر به همراه اشکال دیگری مورد استفاده قرار گرفته و به عنوان «تغییرات زندگی» تعبیر می شود، سمبل جدا شدن از این دنیا و ادامه دادن به زندگی در دنیای دیگر می باشد.

سمبل ۵۹

 = سمبلی است که استفاده از آن در علم کیمیا برای نشان دادن مرحلهٔ یکی مانده به آخر کارها رایج بوده است.
طرز فکر به تصویر کشیده شده در تصویر چیزی غیر از شکل پله نمی باشد و قدم یکی مانده به آخر را نشان می دهد.
در حیطهٔ باستان شناسی بیشتر در محل راه پله ها یا جاهایی که در آنجا نیاز به بالا رفتن وجود داشته است، همانند قلعه ها و صخره های نزدیکی کلیساها استفاده شده است.
در رسیدن به یک مکان مخفی یا اسرار آمیز، قدم یکی مانده به آخر را نشان می دهد.
در ایران گنج پژوهان آن را به عنوان راه پله تعبیر می کنند که این درست نمی باشد، این نشانه ممکن است در هر جایی از قبیل اراضی مسطح پیدا شود، و این مفهوم را بیان می کند که در نقطهٔ یکی مانده به آخرین قدم قرار دارید.

سمبل ٦٠

 = این دو نقش شبیه هم در این سمبل هر کدام شکل یک موج می باشند.
مفهوم انتقال و گذر را بیان می کنند، در کتیبه ها و سنگ نوشته ها برای ثبت تغییر و تحولات انجام شده در دولت استفاده شده است. به همراه دیگر سمبلها در زمینه های مختلفی مانند امور اداره مملکت، هنر و اقتصاد، تغییرات و نوسان (مواج بودن) قبل و بعد از یک وضعیت خاص را بیان می کنند.
در ایران با این سمبل خیلی روبرو می شویم، اما در هر جایی ممکن است درست همان

معانی که در بالا گفته شد را نرسانند. این سمبل ها در ریاضیات، موسیقی و هوا شناسی، هم امروزه و هم در گذشته کاربردهایی داشته اند و در هر زمینه مفاهیم متفاوتی می رسانند. علاوه بر تمامی اینها گاه در حالت کلی مفهوم مطلق خود یعنی موجدار شدن را نیز به همراه دارد.

در زمینهٔ باستان شناسی هنگامی که بر روی سنگ قبر ها یا در کلیساها با آن روبرو می شویم با مفهوم کاملا متفاوتی مواجه خواهیم بود، در اینجا مفهوم آن غسل تعمید کردن یا غسل تعمید شدن می باشد.

با قسمت سمت چپ این سمبل نیز در موضاعات مختلف و در معانی متفاوت می توانیم روبرو شویم. به همراه بعضی از سمبل های دیگر در مورد حضرت عیسی (ع) بکار رفته و برای نشان دادن غسل تعمید مقدس استفاده می شود.

سمبل ٦١

 = این شکل یکی از سمبل هایی است که امروزه در دنیای مدرن نیز از آن استفاده می شود. هم در زمان باستان و هم در زمان خودمان در بسیاری از سیستمهای علامت گذاری به مفهوم هم شکل بودن و تساوی بکار می رود.

در مفهوم باستان شناسی هنگامی که با این سمبل روبرو شویم این مفهوم را می رساند که دو چیز هم نوع اما مجزا در فاصله ای مساوی از محل این سمبل قرار گرفته اند. به بیان دیگر اگر سمبل را نقطهٔ شروع در نظر بگیریم، از دو نقطهٔ دیگری که بحث آن شد فاصله ای یکسان خواهد داشت.

سمبل ٦٢

 = استفاده از این سمبل در قدیم بسیار رایج بوده است. شکل کلی سمبل مفهوم شیئی که از یک کلیت یا چیز کاملتری جدا و یا کنده شده است را نشان می دهد.

بطور مثال اگر بر روی یک سنگ قبر استفاده شده باشد، ممکن است به معنای زنی که بچه اش را سقط کرده است یا بچه ای که سقط شده است باشد. یکی از موارد استفادهٔ دیگری که بسیار با آن مواجه می شویم در مورد قبر خالی یکی از اعضای جدا شده از خانواده می باشد، بطور مثال قبر خالی فردی که به جنگ رفته و بازنگشته است.

سمبل ۶۳

 = این سمبل در قرون وسطی در مفهوم طول جغرافیایی استفاده شده است.

ممکن است مفهوم قبرهای موجود در یک ردیف یا بناهای موجود در یک ردیف، در محلی که سمبل در آنجا پیدا شده است را به همراه داشته باشد. این گونه تعبیر با توجه به منطق این علامت تعبیر نادرستی نخواهد بود.

سمبل ۶۴

 = در مکان هایی مانند گورپشته ها (تل خاکی) پس از اینکه مراحل ساخت و به خاک سپاری به پایان رسید، تدابیری اتخاذ می شد تا سارقین و بیگانگان به آن منطقه نزدیک نشوند. اگر با وجود این تدابیر باز هم کسی به آن محوطه نزدیک می شد؛ معمولا سر آن شخص را بریده و برای عبرت دیگران او را بدون سر دفن می کردند.

گاه در نتیجه حفاری ها یا شخم خوردن زمینهای کشاورزی در دامنه و نواحی اطراف این گورپشته ها چنین اجساد بدون سری پیدا می شوند، این نوع مجازات جزای توجه نکردن به این سمبل هشدار دهنده بوده است.

سمبل هایی وجود داشته اند که به عنوان علامت هشدار دهنده یا بازدارنده از آنها استفاده می شده است، و این سمبل نیز سمبلی است که در بسیاری از دوران ها و بسیاری از مناطق دنیا به مفهوم اعلام خطر استفاده شده است.

همین سمبل حتی امروزه نیز در بسیاری از زمینه ها معنایی مشابه دارد و برای اعلان خطر یا هشدار دادن از آن استفاده می شود.

سمبل ۶۵

 = پیش از این گفتیم که دایره نماد دنیا، آخرت یا هرگونه دنیای فردی یا گروهی دیگر می تواند باشد. شکل چشم که در این سمبل وجود دارد در دنیای سمبلها همیشه با مفهوم «دیدن» بکار برده می شود.

اگر می خواستند در منطقه ای مشخص، نقطه یا نقاط مشخصی را نشان دهند، سمبل چشم لزوم مشاهده و توجه به محیط اطراف را نشان می داده است.

نقش مردمک چشم بیانگر این موضوع می باشد که جستجوگر در این نقطه روبروی چیزی که جستجو می کرده است قرار گرفته، و به آخرین مرحله از جستجو رسیده است. یعنی جستجو به پایان رسیده است.

شکل چشم در حالت معمولی تنها بیانگر مفهوم دیدن نمی باشد. گاهی پلک های بالایی و پایینی تمثیل گر دو دنیای متفاوت می باشند و گاهی نیز در پناه خدایان زمین و آسمان بودن را به تصویر می کشند. گاهی هر کدام از پلک های بالا و پایین را با شکل یک مار نیز به تصویر می کشند. تمامی اجزای یک چشم از پلک ها گرفته تا شکل ابروها، بخشی از یک مفهوم کلی را تشکیل می دهند.

در حالت کلی شکل یک چشم مفهوم بررسی و مشاهدهٔ اطراف را بیان می کند. چیزهایی که می بایست جستجو شده و پیدا شوند نیز در اجزا و خطوطی که چشم را به تصویر می کشند پنهان است. بطور مثال در سمبلی که در اینجا مشاهده می کنید، همانگونه که در خصوصیات اشکال دایره و حلقه نیز بیان کردیم، دایرهٔ اطراف چشم نشان حیات ابدی و گردش بی پایان می باشد و این سمبل در ارتباط با قبری استفاده شده که به چشمان ناظر خداوند و محافظت و مراقبت او سپرده شده است.

گاهی اشکالی که در اطراف سمبل چشم بکار برده می شود بیانگر چیستی عناصری است که چشم به آنها می نگرد.

سمبل ٦٦



= می‌توان اینطور تصور کرد که از نظر باستان شناسی این سمبل نشانِ زنی است که به خاک سپرده شده است. زنی که حیات او به دو بخش حیات دنیوی و آخرت تقسیم شده و به بعد دیگری از حیات قدم گذاشته است.

زنی که بوسیلهٔ این سمبل تعریف شده است، در قبر اتاقی شکل یا زیر صخره ها و سنگها مدفون نشده، بلکه مستقیما در زیر خاک دفن شده است.

این سمبل در علم کیمیاگری قدیم به عنوان سمبل عنصر خاک استفاده می شده است.

سمبل ٦٧



= سمبل شیء یا اشیاء مدفون شده ای است که بوسیله یک روش و سیستم

مشخص مدفون نشده اند بلکه روش متداول تری در پنهان کردن و دفن آنها استفاده شده است. در حقیقت این سمبل شکلی کاملا منطقی دارد.
امروزه نیز مشاهده می کنیم که هنگامی که افراد ناشی در جستجوی چیزی زمین را حفر می‌کنند، این چاله رفته رفته به سمت پایین تنگ تر می شود تا حدی که جای قدم گذاشتن در آن نیز باقی نمی ماند. این سمبل نیز دفینه ای را نشان می دهد که بوسیله یک حفاری غیر سیستماتیک همانند مثالی که زدیم در زیر زمین قرار داده شده است.
این سمبل بیانگر موضوعی مانند «زمین حفر شده و دفینهٔ مورد نظر بلافاصله در آنجا دفن شده است» می باشد، و همانند تعبیر بسیاری از افراد نا آگاه نشان دهندهٔ یک دیگ و یا ظرف پر از طلا نمی باشد.

سمبل ٦٨

 = این سمبل از نظر ساختاری از دو قسمت مختلف تشکیل شده است. یکی از آنها شکل مربع می باشد که بیانگر یک گور اتاقی می باشد.
شکل مربع چهار عنصر آب، خاک، باد و آتش را تمثیل می کند و این نیز تمام معانی بوجود آمدن و از بین رفتن را در بر دارد.
مثلثی که سر آن به سمت بالا قرار گرفته است نشانگر امتدادی است در جهت خداوند. در مسیحیت نیز مثلث به عنوان سمبل اقانیم ثلاثه (پدر، پسر و روح القدس) شناخته شده است. با این وجود این سمبل تنها متعلق به دنیای مسیحیت نیست و در زمان قبل از مسیحیت مثلا در زمان کثرت پرستی (پاگانیسم) نیز یکی از اشکال و سمبل های رایج بوده است.
با این توضیحات، مفهوم این سمبل تشکیل شده از این دو شکل هندسی واضح و آشکار می باشد؛ این سمبل اشاره کننده به مرده ای است که در داخل قبرِ اتاقی قرار گرفته است.
در اینجا قرار گرفتن شکل مثلث که نشانگر مرگ است در داخل شکل مربع بیانگر مفهوم دیگری نیز می باشد، این مفهوم را بیان می کند که مرده به منظور محافظت شدن در میان یک قبر سنگی قرار داده شده است. این سمبل را باید به عنوان سمبل یک قبر اتاقی که از سنگ ساخته شده است تعبیر کرد.
اگر به سمبل از دید باستان شناسی نگاه کنیم خواهیم فهمید که جسمی که در داخل این قبر قرار گرفته است متعلق به یک مرد می باشد. علاوه بر این می توان گفت این مرد رئیس

خانواده نیز بوده است.

اگر به خصوصیات کلی اشکال هندسی مربع و مثلث و ترکیب شدن آنها در این سمبل توجه کنیم، می توانیم به مفهوم دقیق تری دربارهٔ این سمبل برسیم.

سمبل ٦٩

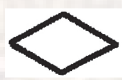
 = این شکل به عنوان سمبل یک مکان مخفی در داخل یک مکان دیگر بوده و بسیار استفاده شده است.

می توان گفت که این سمبل اشاره دارد به اشیائی پنهان شده در داخل یک گور اتاقی. اگر این سمبل در اراضی مسطح پیدا شود بیانگر این موضوع خواهد بود که اشیائی که سمبل به آن اشاره دارد در آن منطقه نمی باشند بلکه در داخل یک مکان سرپوشیده موجود در همان اطراف قرار گرفته اند. این مکان می تواند یک غار، یک بنا یا مسکنی بر روی زمین، یا یک اتاق زیر زمینی باشد. در اینجا وجود علامت های دیگری برای نشان دادن محل مورد نظر لازم می باشد.

اینگونه سمبل ها برای مشخص کردن یک مکان خاص نمی باشند؛ برای آگاه ساختن از یک وضعیت موجود قرار داده می شوند. برای راهنمایی و مشخص کردن مکان مورد نظر وجود سمبل دیگری لازم می باشد.

از نظر ما این سمبل به مکانی اشاره دارد که از دو بخش تشکیل شده است. در یک بخش جسدی قرار گرفته است و در قسمت دیگر، همانطور که در دوران باستا رایج بوده است، به همراه جسد اشیاء و هدایایی قرار داده اند.

سمبل ۷۰

 = از لحاظ ساختاری این سمبل تنها نشانگر یک لوزی می باشد. در بسیاری از موارد به تنهایی استفاده نمی شود. اغلب در کنار آن خطوطی (یک یا چند خط) کنده کاری شده وجود دارد.

این سمبل نشانگر تعداد مراحلی است که در رسیدن به هدف باید طی شود. تعداد خطوط اطراف این سمبل نشان دهندهٔ تعداد علامت هایی است که در طول مسیر جستجو باید آنها را پیدا کرد.

گاهی این سمبل نشان قبر سنگی یک زن نیز می تواند باشد، همچنین در بعضی موارد برای بیان مفهوم «در اینجا کسی زندگی نمی کند» نیز استفاده شده است. اگر این دو مفهوم را در کنار هم در نظر بگیریم می تواند نشان یک گور خالی نیز باشد.

سمبل ۷۱



= این شکل که ظاهری رقم مانند دارد در حقیقت بیان کنندهٔ هیچگونه خصوصیت رقمی نمی باشد. (البته این در حالی است این سمبل به تنهایی استفاده شده باشد.) این سمبل به تنهایی هیچ مفهوم خاصی ندارد.

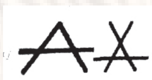
کسانی که در ایران در کار جستجوی گنج فعالیت دارند گاهی این علامت را به عنوان رقم یک (۱) زبان لاتین تعبیر می کنند و با این تعبیر سعی می کنند مفهوم رقم یک را در آن محل پیدا کنند، در حالی که این علامت به تنهایی هیچ چیز خاصی را بیان نمی کند و طبق علایم غربی در ۱۰ ترکیب متفاوت می تواند مورد استفاده قرار گیرد. بخصوص تعبیراتی همانند یک قدم در جلو یا یک قدم در اطراف این علامت چیزی وجود دارد، به کلی تعبیراتی بی اساس و اشتباه می باشند.

از دید باستان شناسی، در صورتی که خطوط افقی سمبل وجود نداشته و تنها بصورت یک خط عمودی نشان داده شود هم نشان پیامبر و هم نشان پادشاه می باشد و این هم به این معنا است که در مورد حضرت عیسی (ع) استفاده شده است.

با این توضیح، اگر این سمبل بر روی سنگ قبری به تصویر کشیده شده باشد، شاید نشان قبر یک پادشاه یا یک مقام دولتی (همانند والی یک ناحیه) باشد که پس از مرگ به حضرت عیسی (ع) سپرده شده است.

همانطور که در بعضی از سمبل ها نیز بیان کردیم اشاره به زندگی زمینی و زیر زمینی، یعنی دنیا و آخرت دارد، با این حال بر روی سنگ قبر افراد معمولی استفاده نمی شده است و بیشتر درمورد افرادی بکار رفته است که مقام بالا یا ثروت زیادی داشته اند.

سمبل ۷۲



= از سمبل هایی است که گفته می شود برای گمراه ساختن یا منحرف کردن ذهن استفاده می شده است. این سمبل ها بخشی از یکی از سیستم های علامت گذاری

است که ریشهٔ آن ناشناخته و نامعلوم است.
امکان دارد سمبلی باشد برای به شک انداختن و گمراه ساختن شخصی که به دنبال چیزی می گردد. شخص در هنگام مواجه شدن به این سمبل به شک می افتد که چه کاری باید انجام دهد.

سمبل ۷۳

 = اشکال و سمبل هایی که از دوایر کوچک و توپر دو تایی، سه تایی و بیشتر تشکیل شده اند از نظر تاریخی بسیار قدیمی هستند و قدمت آنها به زمان ماقبل تاریخ باز می گردد.
اینگونه اشکال در بسیاری از محوطه های باستانی مناطق مختلف دنیا دیده می شوند.
در مورد مفاهیم این قبیل علامت ها بصورت قطعی نمی توان سخن گفت. این اشکال در هر تمدنی ممکن است مفاهیم مختلفی داشته باشند، به عنوان مثال می دانیم که در تمدن مصر از این دوایر کوچک برای مشخص کردن مکان ستارگان و سیارات استفاده می شده است.
برخی از اشکال شبیه به این سمبل، همانند ●●●● دو یا چند دایرهٔ توپر که بصورت افقی در یک ردیف قرار گرفته اند، گاهی برای بیان مسافت ها در مقیاس قدم استفاده شده اند.
در بعضی از فرهنگها از این علامت ها برای مشخص کردن برخی از خصوصیات خرابه های باستانی و تاریخی استفاده شده است.
در بعضی از کاربردها نیز گونه های مثلثی  این اشکال در مفهوم «اعتماد، عشق و امید» و یا در مفهوم «پدر، پسر و روح القدس» بکار رفته اند. تنها کاربرد اینگونه اشکال که می توانیم بطور قطعی در بارهٔ آن صحبت کنیم این است که طبق بعضی از اعتقادات، بخاطر خصوصیت «محافظت کننده» بودن از آنها استفاده می شده است.

سمبل ۷٤

 = از سمبل هایی است که استفاده از آن بسیار رایج بوده است. در زمینه های مختلفی از آن استفاده می شده است، به همین دلیل مفهوم آن با توجه به زمینه ای که در آن استفاده شده است باید تعبیر گردد:
- سمبلی است که برای سیاره زهره (ونوس) استفاده شده است.

– سمبلی است که برای معدن مس بکار می رفته است.

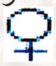
– به عنوان سمبل آفرودیت (الههٔ زیبایی در نزد یونانیان باستان) استفاده شده است.

اگر این سمبل در محل یک کوره قدیمی پیدا شود احتمال دارد که در آنجا ذخایر مس وجود داشته یا محلی بوده باشد که در کار با عنصر مس از آنجا استفاده می شده است.

اگر بر روی مزاری استفاده شده باشد، به این معنا است که آن قبر برای محافظت به آفرودیت سپرده شده است، و در اینصورت آن مزار به احتمال زیاد قبر یک زن خواهد بود.

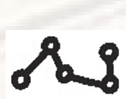
سمبل ۷۵

 = سمبلی است بسیار قدیمی. در فرهنگ یونان باستان همانند بعضی از سمبل‌های دیگر به عنوان نماد آفرودیت استفاده شده است. هنگامی که در سرزمین ایران با آن روبرو می شویم بسیاری از جستجوگران گنج آن را به عنوان یک «قاشق» و یا «فنجان» تعبیر می کنند که این تعبیر با مفهوم واقعی آن هیچ ارتباطی ندارد.

در عصر یونان باستان این سمبل که نماد آفرودیت بوده است، به عنوان نماد زیبایی و عشق نیز شناخته می شده است. در زمانهای بعدی سمبل این الهه را با شکل  نیز نشان می داده اند.

این سمبل در برخی از مناطق و کاربردها به عنوان سمبل معدن یا عناصر معدنی نیز استفاده شده است. اگر در منطقه ای که این سمبل در آنجا پیدا شده ذخایر مس یا معدن مس وجود دارد، احتمالا سمبل با همین موضوع در ارتباط است.

سمبل ۷۶

 = این سمبل و مشابهات آن که گاهی در کشورمان با آن مواجه می شویم، بوسیلهٔ گنج پژوهان و دیگر انسانهای کنجکاو در این زمینه به اشتباه به عنوان اتاقهایی که با هم مرتبط هستند تعبیر می شود؛ در صورتی که غیر ممکن است این سمبل بیان کنندهٔ چنین تعبیری باشد.

این سمبل در بسیاری از فرهنگ ها و تمدن ها برای نشان دادن ستارگان و صورتهای فلکی استفاده می شده است. با این حال حلقه هایی که با یک خط به هم متصل می شوند در همه جا با ستاره شناسی در ارتباط نمی باشند، بطور مثال دو حلقه ای که با یک خط

به هم وصل شده اند ارتباطی به موضوع ستارگان نداشته و نشان دهندۀ دو ساختار یا دو ساختمان مرتبط به هم می باشد.
فهمیدن مفهوم واقعی اینگونه علامت ها باید نسبت به مکانی که در آن پیده شده اند و پس از بررسی های دقیقی انجام گیرد. اینگونه اشکال می توانند نشان دهنده مکان بعضی از نقاط مرتبط با هم باشند، به عنوان مثال ممکن است نقشۀ چشمه ها، تپه ها، گورپشته ها (تل خاکی) و یا قصرهای موجود در یک منطقه باشد.

سمبل ۷۷

 = این سمبل که بجای علامت پیکان مستقیم استفاده می شود، بخاطر ساختار متفاوتش مفهوم متفاوتی نیز دارد.
پیکان مورب نشان دهندۀ محلی است که درست در روبرو قرار نداشته و در جای دیگری واقع است، همچنین به مفهوم «پس از برطرف شدن مانعی که بر سر راه قرار دارد» نیز ممکن است استفاده شده باشد.
سمبل ممکن است با دیوار یا صخره ای که در اطراف آن محل قرار دارد و باید پشت سر گذاشته شود در ارتباط باشد.
از لحاظ زمانی، این سمبل در دوران باستان بسیار مورد استفاده قرار می گرفته است، همچنین در دوران های ماقبل تاریخ نیز استفاده می شده است.

سمبل ۷۸

 = این سمبل از لحاظ ساختاری مثلث متساوی الاضلاعی است که یک خط افقی در قسمت بالا آن را قطع کرده است، کناره های خط افقی نیز در خارج مثلث قرار گرفته اند. خط افقی با قطع مثلث اصلی مثلث کوچک تر دیگری را در قسمت بالای شکل پدید آورده است.
این شکل در سیستمهای علامت گذاری مختلف سمبل چیزهای متفاوتی همانند آتش، گرما و یا نم می باشد. از نظر باستان شناسی سمبل از رئیس خانواده ای بحث می کند که به تازگی فوت کرده است.
مثلث بزرگ را یک خانواده فرض کنید. رئیس خانواده بوسیلۀ مرگ از خانواده جدا شده،

در نتیجه در قسمت بالا فقط یک مثلث کوچک که سمبل مرد است باقی مانده است. خانواده رئیس خود را از دست داده و بدون سر باقی مانده است، رئیس خانواده نیز در نتیجهٔ مرگ از خانوادهٔ خود جدا شده و تنها مانده است.

سمبل ۷۹



= سمبلی است که در مورد نزدیک شدن به منطقه هشدار می دهد. همانطور که پیش از این در مورد سمبلی دیگر صحبت آن شد (سمبل ٦٤) برای محافظت از یک منطقهٔ خاص، بخصوص گورپشته ها از سرقت بیگانگان و سارقین، سمبلهایی با هدف اخطار دادن در اطراف این مناطق قرار می داده اند.
این سمبل نیز به همین منظور استفاده شده و در اطراف معادن یا در نقاط ورود به اماکن مقدس قرار داده می شده و پیام «در اینجا انسانها را می کشند، نزدیک نشوید» را می رسانده است.

سمبل ۸۰



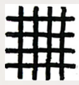
= سمبلی است مشابه سمبل بالا. مفهوم «به این محل نزدیک نشو» را می رساند. به دلیل اینکه از لحاظ ظاهری شبیه به حصار چوبی اطراف یک باغچه یا مزرعه می باشد اینگونه تعبیر از این سمبل را منطقی می دانیم.

سمبل ۸۱



= این سمبل نیز مفهموم «در جلوی محلی محصور و محافظت شده قرار داری، مراقب باش» را می رساند.
چه در دوران باستان چه در اعصار نزدیک تر، مفهوم محافظت شدن توسط یک جسم مادی و فیزیکی (همانند حصار) یا توسط یک طلسم را بیان می کند.

سمبل ۸۲

 = در اعصار نزدیک در مورد محلهایی استفاده می شده که در آنجا امنیت وجود نداشته است. از نظر علایم دوران باستان به عنوان نوعی بازی (Dama – Turkish Draughts) نیز می توانیم از آن نام ببریم. در این حالت ممکن است نشان یک تونل یا دالان زیر زمینی باشد که شکلی تو در تو و مار پیچ دارد.

سمبل ۸۳

 = سمبل رایجی است که به آن صلیب دعا نیز گفته می شود. به عنوان سمبلی شناخته می شود که در هنگام خطر و در روزهای بسیار سخت (همانند جنگها، بیماری ها، بلایای طبیعی و غیره) در نزدیکی خانه ها یا پناهگاه ها استفاده می شده است.

اعتقاد بر این بوده است که اگر این صلیب به عنوان یک شیء در دست گرفته شود یا تصویر آن بر روی دیوار ها و صخره ها کشیده شود، هرگونه بلا و مصیبت به پایان رسیده و زندگی بر پایه های استوارتری قرار خواهد گرفت. به همین سبب این سمبل برای در امان ماندن از هرگونه خطرات و بلایای احتمالی در نقاط ورودی و بر روی در خانه ها به تصویر کشیده می شده.

سمبل ۸٤

 = این سمبل که یکی از چهار شکل موجود در ورق های بازی است که «پیک» یا خال سیاه نامیده می شود. سمبلی در ارتباط با مرگ است. مطابق علایم زمان باستان، سمبلی است در ارتباط با عمل سوزاندن مردگان.

سوزاندن مردگان در بسیاری فرهنگ های دوران باستان و در بسیاری از مناطق زمین رواج داشته است. سمبلی است که در محل هایی که در آنجا عمل سوزاندن مردگان انجام می گرفته ممکن است استفاده شده باشد. این محل ها اماکنی هستند مانند قربانگاه ها یا محل هایی که آیین های و مراسم مختلف دینی در آنجا انجام می شده است.

سمبل ۸۵



= این سمبل که در نگاه اول بسیاری از گنج پژوهان مفهوم دیگ یا سطل به آن می دهند، در حقیقت از نظر منطق دوران باستان سمبل سریک انسان است. اگر با دقت به آن نگاه کنیم شکل بیضی مانند قسمت چانه نمایانگر درستی این مطلب می باشد.
گاه گاهی در گورستان ها یا بر روی سنگ قبر ها استفاده شده است اما در کل سمبلی است که استفاده از آن زیاد رواج نداشته است.

سمبل ۸۶



= شکل کاسه مانندی که در این سمبل در زیر شکل صلیب قرار گرفته است شکل دستهایی باز شده به سمت بالا است، شکل دستها در هنگام دعا و التماس به عالم ملکوت است، و به بیانی نماد انتظار و امید داشتن از عالم بالا می باشد.
در دوران امپراتوری روم (قبل از پذیرش مسیحیت به عنوان دین رسمی دولت) مسیحیان در مقابل فشارها، اذیت ها و شکنجه هایی که به آنان می شد سمبل هایی را ابداع کرده و به وسیلهٔ آنها با هم ارتباط برقرار می کردند.
این سمبل در زمان امپراتوری روم و در میان مسیحیان مفاهیمی همچون محافظت شدن، امیدوار بودن و انتظار داشتن از خداوند را در بر داشته است.
در ورودی خانه ها و در معابد مخفی آن دوران می توان این سمبل را پیدا کرد.

سمبل ۸۷



= در این سمبل که به شکل برگ گیاه شبدر می باشد، اندیشهٔ حاکم نمادینه کردن صلیب می باشد. در دوران های قدیم به عنوان سمبل یک نوع ترکیب شیمیایی نیز استفاده می شده است. از نظر باستان شناسی آرم و علامت کلیسا ها و اماکن مقدس می باشد.
بیشتر توسط مبلغان مذهبی و در اماکن معنوی استفاده می شده است. در این حالت باید فرض کنید که قسمت پایین صلیب توسط دستان فرد مبلغ گرفته می شده است.

سمبل ۸۸



= این سمبل از نظر علایم باستان شناسی به مفهوم یک غارِ پنهان می باشد، اما در جاهای مختلف امکان دارد در معانی متفاوت دیگری نیز بکار رفته باشد.

سمبل ۸۹



= سمبلی است که از دوران های باستان به زمان ما راه یافته است. این سمبل که از دو خط موازی و خط سومی که آن دو خط موازی را به هم وصل می کند تشکیل شده، بیان کنندهٔ این موضوع است که مکانی که سمبل در آن قرار گرفته مملو از خطرات بسیار می باشد. این سمبل بصورت کنده کاری بر روی دیوارها تصویر شده است نه بصورت برجسته کاری.

سمبل ۹۰



= سمبلی است که در مورد افراد معمولی استفاده نمی شود. در مورد افرادی که در اداره حکومت دست دارند همانند والی و فرماندار یک منطقه یا در مورد پادشاه استفاده می شود. هنگامی که این افراد کشته می شوند یا بوسیله دشمن ها و رقیبانشان از قدرت ساقط می گردند این سمبل مفهوم «پادشاه مرد» را می رساند.
اگر پادشاه به قتل رسیده باشد احتمال دارد این نشان در نزدیکی مزار او نیز به تصویر کشیده شده باشد.
در تمدن های مختلف این سمبل را برای پادشاهان خود استفاده نمی کردند، به همین خاطر ممکن است کسانی که بعدها روی کار آمده‌اند بر روی قبر پادشاه قبلی این سمبل را قرار داده باشند.

سمبل ۹۱



= مانند سمبل قبل سمبل مرگی است برای یک پادشاه، فرمانروا یا حکمران از قدرت ساقط شدهٔ یک منطقه همانند یک والی.

سمبل ۹۲

 = همانطور که گفته شد دایره نماد دنیا و حیاتی می باشد که در حال چرخش دائمی است. مثلثی که بر روی آن قرار گرفته است در اینجا نماد قدرت و اقتدار است.

یک مثلث هنگامی که بر روی یک شکل دیگر قرار می گیرد علاوه بر اینکه نشان قدرت می باشد، نماد صاحب قدرتی است که مقتدر به دادن جزا می باشد.

به این ترتیب در اینجا می توانیم اینطور فرض کنیم که این سمبل نشان دهندهٔ منزل یا مکان صاحب قدرتی است که می تواند حکم صادر کرده و مجازات کند.

سمبل ۹۳

 = یک مثلث وارونه (مثلثی که سر آن رو به پایین است) همانطور که در علایم باستان شناسی در حالت کلی به مفهوم زن یا اندام جنسی زن بکار می رود، در برخی از دوره های دوران باستان در مفهوم آب نیز استفاده شده است.

سمبلی که تنها برای اندام جنسی زن استفاده می شده علامت فلشی رو به پایین است () که در دوران ماقبل تاریخ به این منظور بسیار استفاده شده است. اما در این سمبل با شکلی روبرو هستیم که قسمت بالای آن بسته شده و شکل یک مثلث به خود گرفته است.

در اینجا باید به این موضوع توجه کنیم که مکانی که سمبل در آن پیدا شده محوطهٔ یک مزار می باشد یا نه. اگر احتمالا اینطور باشد این سمبل ممکن است بیانگر این مفهوم باشد که در اینجا مقبرهٔ زنی قرار دارد و نزدیک شدن به این مقبره خطر ناک است. در این حالت محل مذکور محوطهٔ یک گورپشته یا مکانی محافظت شده می باشد.

سمبل ۹٤

 = همانطور که قبلا نیز گفته شد، یکی از معانی سمبل دایره مرکز زندگی و مکان زندگی می باشد. در شکل این سمبل دو پیکان برروی دایره ای قرار گرفته اند. ابتدا و انتهای پیکان ها در خارج از دایره قرار دارند. بدین ترتیب بوسیلهٔ این سمبل به افراد غریبه پیام «در اینجا توقف نکن، گذر کن و برو» داده می شود.

علایم و سمبل هایی نظیر این که از ترکیب اشکال دایره و پیکان تشکیل شده اند به وفور یافت می شوند. برای فهمیدن مفهوم این علامت ها باید بسیار دقت کرد تا منجر به تعابیر اشتباه نشود، زیرا همانطور که در مورد این سمبل مشاهده می کنید درست تعبیر کردن و درست فهمیدن مفهوم یک سمبل، جستجوگر را از یک جستجو و تلاش بیهوده نجات می دهد.

سمبل ۹۵

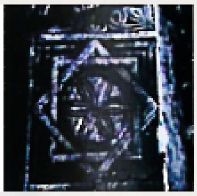
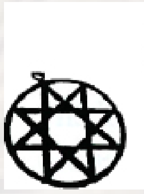
 = این سمبل به نام Ichtys شناخته می شود که در زبان یونانی به مفهوم ماهی است. سمبلی است که از دو کمان که همدیگر را قطع می کنند تشکیل شده است.
این سمبل که شکل آن شبیه یک ماهی است، یکی از اشکال دینی مسیحیت می باشد که بسیار زیاد استفاده شده است.
فرضیه های زیادی وجود دارد دربارهٔ اینکه چگونه و چرا مسیحیان شروع به استفاده از سمبلی کردند که شکل ماهی دارد، اما قطعیت هیچکدام از این فرضیه ها به اثبات نرسیده است.
از میان این فرضیه ها آنکه قوی ترین احتمال را در خود جای داده است، داستانی است که در متون مقدس آمده و در آن ماجرا حضرت عیسی (ع) بشکلی معجزه وار پنج هزار نفر را با نان و ماهی سیر کرده است.
این سمبل که در نگاه اول شکل یک ماهی را خاطر نشان می کند، سمبلی رمز گونه و سرّی بوده که در دوران امپراتوری روم توسط مسیحیان اولیه استفاده می شده است. اولین مسیحیان که بخاطر اعتقادات دینی که داشتند خوار و حقیر شمرده می شدند، حتی در معرض آزارها و شکنجه ها قرار می گرفتند، از این سمبل در میان خودشان به عنوان یک وسیلهٔ آشنایی استفاده می کرده اند.
برای اینکه از طرف غریبه ها مورد آزار و اذیت قرار نگیرند و از طرف دوستانشان شناخته شوند این شکل را به عنوان نوعی رمز ایجاد کرده و بکار می بردند.
یکی از خصوصیات این سمبل این است که اولین استفادهٔ آن در مسیحیت به عنوان نوعی کلمهٔ رمز بوده است. از خصوصیات مهم دیگر این سمبل این است که مستقیما حضرت عیسی (ع) را تمثیل می کند.
این سمبل سمبل ماهی نیست بلکه سمبلی است که تنها به شکل یک ماهی می باشد. درباره

سمبل ماهی بعدها در زیر عنوانی با نام خودش توضیحات بیشتری خواهیم داد.

سمبل ۹۶

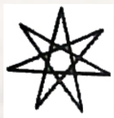
 = در ایران با اشکال و گونه های مختلف این سمبل ممکن است روبرو شویم.
در مسیحیت نان و ماهی از اهمیت ویژه ای برخوردارند. گویی حدود پنج هزار نفر انسان که به حضرت عیسی (ع) ایمان آورده بودند در دورانی سخت با آغوشی باز پذیرای آن حضرت شدند در حالیکه خودشان نیز در وضعیت بدی به سر می بردند. اینان به نزد حضرت عیسی (ع) آمده و او را برای غذا دعوت می کنند در حالی که خوراک زیادی نیز نداشته اند. گفته می شود تنها پنج تکه نان و دو ماهی داشته اند.
حضرت عیسی (ع) دعوت آنها را پاسخ گفته و از آنها می خواهد تا تکه نان ها را نزد او بیاورند. عیسی (ع) آن پنج تکه نان را شکسته و در دوازده سبد بین تمام انسانها پخش می کند. پنج عدد نان تمام آن انسانها که غیر از زنان و کودکان تعداد آنها به پنج هزار نفر می رسیده است را سیر می کند و هیچ کس گشنه نمی ماند.
در آنجا حضرت عیسی (ع) خطاب به تمام جمعیت اعلان می کند که او نان زندگی است. کسانی که به این سفره بیایند را به بهشت مژده می دهد. می گوید کسانی که با وجود گشنگی نمی خورند و کسانی که با وجود تشنگی نمی نوشند و خوردن و آشامیدن در این سفره را رد می کنند از بهشت دور خواهند ماند.
در اینجا اشارهٔ کوتاهی نیز داشته باشیم به سمبل «سفرهٔ سنگی» که در مناطق مختلف ایران نیز با آن بسیار روبرو می شویم. در سفرهٔ سنگی تصاویر نان و ماهی که غذای حضرت عیسی (ع) و حواریون بوده است، به همراه لوازم دیگری همانند قاشق و چنگال به چشم می خورد. این شکل در همه جا حتی بر رروی صخره ها، بصورت دایره (سینی بزرگ) به تصویر کشیده می شود. همانگونه که گفته شد دایره نماد گردش بی پایان یعنی نماد ازل و ابد می باشد. هر شکل داخل سفره نیز مفهوم متفاوتی را می رساند.
اینگونه اشکال سمبلهایی هستند که هم در محلهای سکونت و هم در معابد مسیحیت بکار برده شده اند. در اینجا درست برخلاف بیان بعضی افراد نا آگاه، به تعداد نان ها و ماهی ها دفینه وجود ندارد. بوسیله تعابیر بی اساسی همچون در جهت ماهی ها و به تعداد آنها باید قدم برداشت؛ نمی توان به گنج رسید. اینگونه سمبل ها هیچگونه ارتباطی با دفینه ها و گنجینه ها ندارند.

سمبل ۹۷

= ستارهٔ هفت گوشِ (Heptagram) باز سمبلی است که در ادیان کثرت پرستی (پاگانیسم) در زمینه های بسیار زیادی استفاده می شده است.
معمولا در ورودی گورستان ها و بصورت دفن شده در زیر خاک با آنها مواجه می شویم.
اینگونه سمبل ها که همانند یک شاه اثر هنری بسیار زیبا، بر روی سنگ مرمر و بصورت برجسته کاری ساخته می شده اند، نشانگر این موضوع نیز می باشند که فرمانروا و پادشاهی در آن قبرستان دفن شده است.
ستاره های هشت گوش (Octagram) در بسیاری از تمدن ها به عنوان نماد عالم دوم استفاده شده اند. با گنجها و دفینه ها هیچگونه ارتباطی ندارند.

سمبل ۹۸



= سمبلی است که به نام ستارهٔ هفت گوشِ تنگ شناخته می شود. در برخی از تمدن های دوران باستان مقدس شمرده شده است.
در فرهنگ Otherkin برخی از اعضا آن را به عنوان نشان هویت و نوعی رمز عبور استفاده می کرده اند.
در مفاهیم باستان شناسی و با توجه به وجهی که به آناتولی نیز مربوط می شود، این سمبل در ادیان کثرت پرستی (پاگانیسم) نماد قدرت جادو بوده است. در فرهنگ های پاگانیسم جادوگری آنقدر پر اهمیت بوده که نمی توان آنرا نادیده گرفت.
این سمبلِ هفت گوش در کشورمان بسیار استفاده شده و احتمال پیدا شدن آن در محلهای متعلق به جادوگران در مناطق مسکونی قدیمی و در جاهایی همانند قربانگاه ها وجود دارد.
از آنجایی که به پول و گنج اشاره نمی کند ارتباطی با گنج پژوهی ندارد.

سمبل ۹۹



= سمبلی است که به سبب شکل خاصی که دارد جلب توجه می کند. از دو مثلث که یکی رو به پایین و یکی رو به بالا و بر روی هم قرار گرفته اند تشکیل شده است.

همانطور که گفته شد، گاهی مثلثی که سر آن رو به بالا △ قرار گرفته است به عنوان نماد آتش و مثلثی که رو به پایین ▽ است به عنوان نماد آب بکار می روند، هنگامی که این دو سمبل در یک شکل بر روی هم قرار می گیرند مفهوم جوشیدن به ذهن خطور می کند.
در همان سیستم مشابه دایره ای ⊙ که در وسط آن نقطه ای قرار گرفته است نماد خورشید است. برای اینکه بین این سمبل و سمبل های دیگر خورشید تفاوتی وجود داشته باشد، به این شکل به تصویر کشیده شده است.
سمبلی که با آن روبرو هستیم بوسیلهٔ اشکال دو مثلث رو به پایین و رو به بالایی که بر روی هم قرار گرفته اند و نقطه ای که در وسط آنها قرار داده شده است مفهوم سوزندگی، خطر و یا مفهوم ممنوع کردن را بیان می کند، بوسیله مفاهیم آب و آتش نیز نماد مکانی خاص و اسرار آمیز را به تصویر می کشد .
اگر از نظر مفهوم خورشید به آن نگاه کنیم، سمبل ممکن است نشان دهندهٔ مکانی واقع بر نقطهٔ ای استراتژیک باشد که متعلق به حکومت می باشد.
از نظر باستان شناسی سمبل مهمی می باشد. خصوصیات جهت و مسافت را به همراه خود ندارد به همین دلیل نواحی اطراف آن لزوما می بایست تحت مشاهده و بررسی دقیقی قرار گیرند.
نظر شخصی ما در ارتباط با این سمبل این است که ممکن است در محلهایی همانند ضرابخانه که وجود آب و آتش در آنجا لازم است، استفاده شده باشد.

سمبل ۱۰۰

☆ = همانطور که می دانیم حضرت عیسی (ع) پیامبری است که بعد از حضرت موسی (ع) آمده است. قبل از مبعوث شدن حضرت مسیح (ع) بزرگان و عالمان فهمیدهٔ یهود که دینشان در معرض تحریفات بسیار قرار گرفته بود در انتظار پیامبر جدید و دین جدید او بودند. محل تولد و دعوت حضرت عیسی (ع) نیز در حوالی شهر قدس امروزی می باشد.
سه نفر از عالمان مجوسی و یهودی ساکن آن منطقه در یک شب خاص و هر سه بطور همزمان ستاره ای هشت گوش را می بینند و از روی آن تولد حضرت عیسی (ع) را مژده می دهند.
این ستاره در دوران های قبل از حضرت عیسی (ع) به عنوان ستارهٔ ونوس شناخته می

شده، و در دوران های بعد به عنوان سمبل کریسمس (جشن تولد حضرت مسیح) و سمبل حضرت عیسی (ع) نیز شناخته شده است.

ستارهٔ پنج گوشی که در داخل آن خطوط متقاطع رسم نمی شود یکی از سمبل های مهم در بین علایم و سمبل های غربی می باشد.

این سمبل در بسیاری از سیستم های علامت گذاری استفاده می شود، مهم ترین و متداول ترین معانی آن را در زیر مشاهده می کنید.

- سمبل سیاره ونوس (زهره – ناهید)
- ستاره زهره (گاه به عنوان ستاره از آن نام می برند چون بعد از ماه نورانی ترین جسم آسمان می باشد.)
- سمبل خدای جنگ
- ستارهٔ بیت لحم (ستاره کریسمس)

گونهٔ دیگری از سمبل ستاره را () به عنوان مشخص کردن تاریخ تولد بر روی سنگ قبرها استفاده می کنند.

این ستارهٔ شش گوش را امروزه در بسیاری از جاها بخصوص در ورودی خانه های قدیمی می توان دید، این سمبل معمولا به عنوان ستاره یهود (یا ستارهٔ داوود) نیز شناخته می شود.

موضوع مهم در اینجا این است که در محلی که این سمبل در آنجا پیدا می شود باید منطقه را خوب و دقیق بررسی کنیم زیرا این سمبل به تنهایی هیچ مکان یا جهت خاصی را نشان نمی دهد.

سمبل ۱۰۱



= این سمبل بیشتر بر روی سنگ قبرهای دوران پاگانیسم استفاده می شده است.

این سمبل و اشکال شبیه به آن همانند ستاره های شش گوش و هشت گوش و غیره به منظور بیان مفاهیمی چون زندگی ابدی، تولد و مرگ، بر روی سنگ قبرها استفاه می شده اند.

تعداد برگ ها یا گوشه های اینگونه سمبل ها که بر روی سنگ قبر به تصویر کشیده می شده اند با مقام و منزلت شخص ارتباط نزدیک داشته اند.

گاه برخی افراد تعداد گوشه های این سمبل ها را مرتبط با جهت یا مسافت یا حتی تعدادِ گنجینه ها می دانند، این گونه تعبیرات کاملا اشتباه و بی اساس می باشند. همین موضوع در

مورد تعداد حبه های انگور تصویر یک خوشه انگور نیز صادق است. نه تعداد گوشه های اشکال ستاره ها و نه تعداد دانه های انگور هیچ گونه ارتباطی به موضوع گنجها ندارند.

سمبل ۱۰۲

 = همانطور که مسیحیت با صلیب، و اسلام با هلال تمثیل می شوند، این سمبل نیز نماد بودیسم است. به نام چرخ زندگی یا چرخ آموزش نیز شناخته می شود.

این چرخ معمولا تمثیل کنندهٔ راه اصیل هشت مرحله ای در بودیسم می باشد. هر یک از دندانه های این چرخ نشان دهندهٔ یک مرحله در این راه است. این مراحل عبارتند از:

۱. نگرش درست

۲. نیت درست

۳. گفتار درست

٤. کردار درست

۵. معیشت درست

٦. تلاش درست

۷. توجه درست

۸. تمرکز درست

اگر این سمبل در ایران پیدا شود (که وجود هم دارد) نباید به دنبال ارتباط آن با بودیسم بود، ما این مطالب را فقط برای اطلاع در اینجا آوردیم. پیشنهاد می کنیم در صورت مواجه شدن با چنین سمبلی، آن را با موارد مشابهی که در مسیحیت کاربرد دارد مقایسه کنید.

سمبل ۱۰۳

 = سمبلی است که در نزدیکی گورها از آن استفاده می شود. این سمبل که در دوران های کثرت پرستی، دوران امپراتوری روم و بیزانس و دوران های بعد از آن بسیار زیاد استفاده شده است.

سمبل قبر افرادی است که از نظر شخصیت و اعتبار افراد زیاد مهمی نبوده اند. گاهی جسد را بصورت گذاشتن سنگهایی بر روی آن دفن می کنند. این سمبل در مورد چنین قبری است و بیان کنندهٔ این موضوع نیز هست که قبر متعلق به یک مرد می باشد.

توجه کنید که شکل مثلث در نماد مرد است و دایره نیز نماد متداولی است برای نشان دادن ابدیت.

سمبل ١٠٤

 = سمبل رایج و مهمی است برای قبرستان های مسیحیان کاتولیک. در مورد قبرستان های استفاده می شود که در مرکز آن کلیسایی قرار دارد.
دایرۀ وسط سمبل نشان دهندۀ کلیسا، ابدیت و حضرت عیسی (ع) می باشد، صلیب های کوچک اطرافِ دایره نیز یک صلیب بزرگتر را تشکیل می دهند. این صلیب های کوچک بیانگر این مفهوم هستند که مزار های اطراف کلیسا تحت مراقبت و محافظت حضرت عیسی (ع) قرار دارند.
چهار صلیبی که در اطراف دایره قرار گرفته اند با تعداد قبرها ارتباطی ندارند. ممکن است تعداد قبرهای اطراف کلیسا از چهار عدد بیشتر یا کمتر باشد.

سمبل ١٠٥

 = مربع توپر با چهار ضلعی که دارد (چهار گوشه) در اینجا نماد دنیا می باشد. در علایم و سمبل های غربی □ معمولا به مفهوم کره زمین بکار می رود. با توجه به صلیب های اطراف مربع، این سمبل  بیان کننده این موضوع است که مسیحیت تمام دنیا (چهار گوشه دنیا) را فرا گرفته است. و این سمبل  در کلیسا و اطراف آن خبر دهنده گنج است.

سمبل ١٠٦

 = این سمبل سمبل غار یا تونل می باشد. خطوط کوچک موجود در پایه های شکل غار نشان دهندۀ این موضوع است که این غار به دست انسان ساخته شده است و یک غار طبیعی نیست.
در دوران باستان غارها نماد دروازۀ دنیای مردگان (دنیای زیر زمین) و یا رَحِم مادر خاک (الهه خاک) بوده اند.

خطوط کوچک موجود در پایه های شکل غار در عین حال نشان دهندهٔ عبادتگاه بودن این محل می باشد. در مورد اشکال و نقاط داخل شکل غار نیز می توان گفت که با موارد مشابه آن در تمدن های فریگی، لیدیه، و دوران های اولیه مسیحیت بسیار روبرو می شویم، این اشکال نشان دهندهٔ قبرهای داخل غار می باشند. در فرهنگ ها و تمدن هایی که نام برده شده در غارهایی که انسانها در آن سکونت داشتند مردگان نیز دفن می شدند، اما در اینجا این موضوع بیان نمی شود بلکه این نقاط فقط نشان دهندهٔ قبرهایی است که در داخل عبادتگاه قرار داده شده اند.

سمبل ۱۰۷

 = این سمبل نشان دهندهٔ دو گورپشته است که در کنار هم قرار گرفته اند. دو قبر با دو حلقه در شکل نشان داده شده اند. صلیبی که قسمت پایین آن بلندتر است صلیب مذهب کاتولیک است و در اینجا دربارهٔ مذهب دو نفری که دفن شده اند اطلاع می دهد.
چسپیده بودن صلیب به دو دایره ممکن است بیانگر یکی از موضوعات زیر باشد:
– قبرها ممکن است متعلق به دو کشیش باشند که شغل هر دو یکی بوده است.
– ممکن است قبرها متعلق به دو نفر زن و شوهر باشند.
– ممکن است قبر دو نفر (که به هم نزدیک بوده اند، مثلا دوست یا اقوام هم بوده اند) باشد که به سبب جنگ، بیماری مسری یا بلایای طبیعی هر دو در یک زمان مرده اند.
هر کدام از این موارد که باشد، این سمبل بیان می کند که این دو قبر از لحاظ مکانی نیز نزدیک هم قرار دارند. در ضمن قبرها بصورت جدا از هم ساخته شده اند.
در سیستم علامت گذاری دیگری این سمبل اشاره کننده به قبر یک زن می باشد.

سمبل ۱۰۸

 = معمولا مشخص کنندهٔ مکان گور انسانی است که در داخل یک غار دفن شده است.
اگر توجه کنید شکل بصورت معکوس انسانی را نشان می دهد (سر با دایره و بدن با یک خط نشان داده شده) که فرصت او برای زندگی به پایان رسیده و در حال مسافرت به زیر خاک (به طرف پایین) می باشد، و به این ترتیب سمبل بیان کنندهٔ اتفاق مرگ می باشد.

سمبل ۱۰۹

 = مفهوم این سمبل با مفهوم سمبل قبلی بسیار متفاوت است. گاهی با آن اشتباه گرفته می شود. این سمبل در مکتب کابالا (قبالا) سمبل روحی است که بعد از خداوند، عیسی (ع) و عشق به زندگی، در ردیف چهارم قرار می گیرد.

هنگامی که از این وجه به سمبل نگاه کنیم، دنیا و تمامی عناصر آن را تمثیل می کند. درباره چهار عنصر اصلی قبلا صحبت کردیم.برخی از اندیشه های دوران های باستان در این سمبل تاثیرگذار بوده است به همین دلیل اشاره به بعضی از این موارد را در اینجا مفید می دانیم؛ چه در زمینه پنهان کردن گنجینه ها و چه در زمینه باستان شناسی، لازم است برای فهمیدن مفهوم برخی از انواع سمبلهایی که بر روی سنگ قبرها یا بر روی درها و غیره به تصویر کشیده شده اند طور دیگری یا بصورت برعکس به آنها نگاه کنیم.شاید این سمبل نیز همانند سمبل بالا نیاز به چنین بررسی ای داشته باشد. فرق این سمبل و سمبل قبل فقط در این است که در اینجا از شکلی مستطیلی استفاده شده است.این تصویر در حالت کلی یک زندگی سر و ته شده (مرگ) را به تصویر می کشد. اگر این سمبل در ارتباط با موضوع گنج یا مرگ باشد این تفسیر دوم دربارهٔ آن درست تر است.

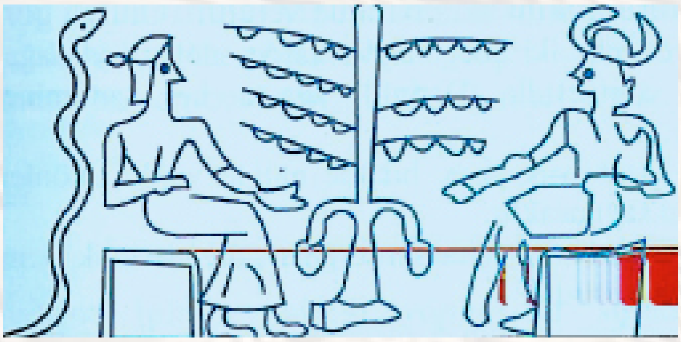
سمبل ۱۱۰

 = تصویر ماه در بسیاری از دوران های زندگی انسان، شامل دورانهای قبل و بد از میلاد مسیح (ع)، یکی از تصاویر مهم در نمادینه کردن رب النوع های مختلف بوده است.

در مصر:	khons (Chons)
در میان اساطیر روم:	Luna – Diana
لاتین ها:	Diana
یونانیان:	Artemis
در بین النهرین :	Sin – Ninurta
در میان اساطیر تراکیان:	Bianna
در دوران هلنی:	Selene
در زمان فریگی ها:	Men
در تمدن سومر:	Nanna

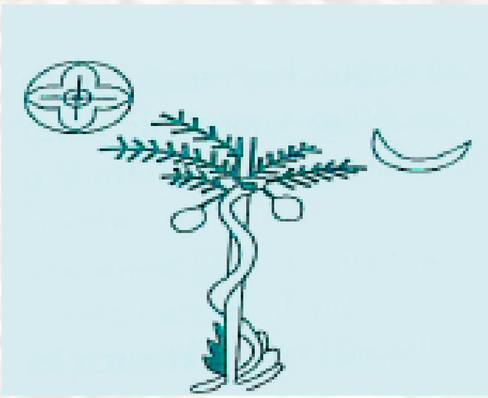
رب النوع هایی که در بالا مشاهده می کنید تنها متعلق به یک تمدن خاص نبوده اند، هنگامی که یک تمدن رب النوعی را به وجود می آورد در تمدن های بعدی نیز گاه گاهی از آنها استفاده می شده است.

مفهوم و معنای سمبل های ماه که در جاهای مختلف پیدا می شوند را باید در چارچوب مطالبی که در بالا بیان کردیم جستجو کرد. (تصویر ۱)



تصویر ۱

در این تصویر از اشکالی و سمبل هایی که تمثیل کنندهٔ قدرت باروری زن و نماد باردار شدن هستند استفاده شده است و زنی که می توان گفت رب النوع ماه است با نقش هلال گونه ای که بر روی سر آن دیده می شود، به تصویر کشیده شده است.



تصویر ۲

در این تصویر نیز (تصویر ۲) شکل ماه که در سمت راست دیده می شود توسط کسانی که در کار گنج هستند به عنوان هلال ارمنی تعبیر می شود و در اطراف آن به دنبال پول و طلا می گردند، در صورتی که نه شکل سمت چپ یک صلیب می باشد و نه شکل ماه سمت راست یک هلال ارمنی.

در برخی از کتاب های موجود در بازار اطلاعات اشتباه زیادی دربارهٔ اینگونه اشکال وجود دارد، این کتابها در حال منتقل کردن افکار و معلومات بسیار اشتباهی به دیگران می باشند. کسانی که در زمینه جستجوی گنج فعالیت دارند نیز با استناد به مطالب این گونه کتابها

برخی از تصاویر و اشکالی که ارزش تاریخی بسیار بالایی دارند را تخریب کرده و در زیر و اطراف آنها به دنبال پول و گنجینه می گردند. مطالب بی اصل و اساس موجود در اینگونه کتابها به استعمار کردن زمان، پول، تلاش و امیدهای انسانها مشغولند.

هنگامی که ما این تصویر (تصویر ۲) را به چند نفر از افرادی که اینگونه اطلاعات نادرست را در بین مردم پخش می کنند نشان دادیم چیزهایی به ما گفتند که بطور خلاصه بعضی از آنها را در اینجا می آوریم. به گفته آنها؛

۱. در این تصویر دو میوه بر روی درخت دیده می شود، این دو میوه نشان دهندۀ دو ظرف پر از پول می باشند. طول درخت نیز نشان دهندۀ عمق گنج پهان شده می باشد، این عمق به ازای هر سانتی متر از طول درخت یک قدم می باشد.

۲. شکل هلال مژده دهندۀ پول زیادی است که صلیب نشانگر آن است. جهت این گنج نیز از روی شکل معلوم است. باید هفت قدم در آن جهت پیش بروید.

۳. در زیر تصویر، در عمق سه متری دو ظرف پر از پول وجود دارد، زیرا مار سه دور بر روی درخت چرخیده است.

٤. پنج برگ درخت نشان دهندۀ پنج متر است. دو ظرف پر از پول وجود دارد. علاوه بر آن دو ظرف پول یک مژدۀ دیگری هم وجود دارد که برگ کوچک موجود در پای درخت نشانگر آن است.

۵. دهانه هلال نشان دهندۀ جهت گنج می باشد، صلیب نیز نشان سوگند است ...

تعبیرات این افراد از این تصویر چیزهایی شبیه به همین موارد می باشد. ما این کار را برای اینکه معیاری در این موضوع باشد انجام دادیم و در اینجا هم جهت اطلاع شما آوردیم. همین کار را را شما هم می توانید انجام دهید؛ یک کپی از این تصویر برداشته و درباره آن نظر افرادی که در این زمینه فعالیت دارند را بپرسید.

این در حالی است که این تصویر متعلق به منطقه بِرنبورگ آلمان می باشد و قدمت آن نیز به زمان نئولیتیک (آخرین دورۀ عصر حجر) باز می گردد. در آن زمان نه مسیحیت وجود داشت و نه نقش هلال روی پرچم ارمنی. در آن زمان هنوز پول هم ابداع نشده بود.

همانطور که دیدید، کسانی که در این زمینه متخصص (!) لقب گرفته اند همانند مطالب بی اصل و اساس بعضی از کتابهای موجود در بازار با جنبۀ علمی این کار هیچگونه ارتباطی ندارند.

در شبهای تاریک تنها چیزی که می تواند به زمین روشنایی دهد ماه است. هرچقدر که ماه کامل تر باشد همانقدر نیز روشنایی آن بیشتر خواهد بود و هدف را برای ما روشن تر

خواهد کرد. اگر ماه نیمه یا بصورت هلال باشد نور آن به نسبت کمتر بوده و به همین دلیل وسعت دید ما نیز محدودتر خواهد بود.
مشخص شدن و پیدا کردن هدف در حالی که ماه کامل باشد راحت تر است، اما پیدا کردن هدفی نامشخص در زیر نور هلال باریک ماه (هلال یکی یا دو روزه) آنقدرها هم کار آسانی نخواهد بود.
در زمینه گنجینه ها، یک ماه نیمه نشانه و راهنمایی است که اهداف را به وضوح کامل مشخص نمی کند. یافتن این سمبل به مفهوم پی بردن به وجود یک گنجینهٔ پنهان است. این موضوع نیز نیازمند دانش و تجربه می باشد.

سمبل ۱۱۱


= این سمبل یعنی تصویر ماهی که در کنار آن دایره یا شکلی دیگر وجود دارد اطلاعاتی در مورد یک دفینه یا یک شیء پنهان را به ما می دهد. بطور مثال در اینجا دایرهٔ کوچکی که وسط ماه به تصویر کشیده شده است نشان دهندهٔ وجود یک گورپشته (Tumulus) می باشد در جهتی که هلال به آن سمت قرار گرفته.
در بسیاری از موارد بعضی از سمبل ها ممکن است هیچ ارتباطی به گنج نداشته باشند اما در اینجا این سمبل علاوه بر اینکه می تواند نشان یک گورپشته باشد، ممکن است نشان دهندهٔ گنجینه ای نیز باشد که در فاصله ای نزدیک به سمبل پنهان شده است. به همین دلیل این سمبل در زمینه گنجینه ها سمبل مهمی است.

سمبل ۱۱۲


= سمبلی است که به یک عبادتگاه مربوط به مذهب ارمنی گریگوری (لوساوُریچ) (شاخه ای از ارتدکس) اشاره می کند. باز هم مانند سمبل قبلی محل معبد در جهت دهانهٔ هلال قرار دارد.هلال ماه در صورتی که دهانهٔ آن به سمت بالا قرار گرفته باشد ممکن است نماد رب النوع ماه نیز باشد. در صورت مواجه شدن با چنین شکلی اگر این سمبل به یک عبادتگاه اشاره داشته باشد آن عبادتگاه با رب النوع ماه ارتباط دارد و اگر این سمبل به یک قبر مربوط می شود، کسی که در آن قبر خوابیده است برای محافظت شدن به رب النوع ماه سپرده شده است.

سمبل ۱۱۳

 = مستطیل توپری که بر پشت یک هلال ماه وصل شده باشد نشان دهندۀ یک اتاق مخفی در داخل یک گورپشته می باشد. (این اتاق یک گور نیست.) این سمبل با همین شکل که در اینجا می بینید ممکن است نشان دهندۀ قبری نیز باشد که بر روی تپه ای در آن حوالی ساخته شده است.

باز هم از سمبل مهمی است در زمینۀ گنج ها.

سمبل ۱۱٤

 = این سمبل در اروپا در داخل بسیاری از غارها و بصورت استثنا در ایران نیز در داخل بعضی از غارها پیدا شده است. مربوط به دوران ماقبل تاریخ می باشد. این سمبل و سمبل قبل  تقریبا دارای یک شکل و منشاء مشترک می باشند.

سمبل ۱۱۵

 = این سمبل در مناطق اطراف رودهای دجله و فرات ممکن است پیدا شود. سمبلی است که برای رب النوع ماه استفاده می شده است.

سمبلی است بسیار قدیمی که به احتمال زیاد از زمان ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد به بعد استفاده می شده است.

سمبل ۱۱٦

 = انسان در دنیای اسرار آمیز رقم ها همیشه سعی داشته است معانی مختلفی به هر رقم ۹-۰ بدهد. هر رقم را به یک اتفاق خاصی در طبیعت نسبت داده و سپس سمبل های مختلفی برای آنها ایجاد کرده است.

شاهد آن هستیم که این سمبل ها در طول تاریخ ابتدا نسبت به تمدن ها و مناطق مختلف و سپس نسبت به دوره های زمانی مختلف تاریخی دچار تغییر و تحولاتی در زمینه اشکال و معانی شده اند.

در طول دوره های بلند تاریخی در بسیاری از سیستم های علامت گذاری مربع ها، دایره ها و مستطیل ها در نماد چیزهای مختلفی همانند دنیاهایی که در آن زندگی می شده یا نماد قدرت و اقتدار و غیره استفاده شده اند.

در طول تاریخ اندیشه ها و سمبل های زیادی در ارتباط با رقم «چهار» به وجود آمده است که در اینجا با موضوع ما نیز در ارتباط است. یکی از موارد مهمی که در این زمینه می توان از آن نام برد اندیشه های مرتبط با چهار عنصر آب، باد، خاک و آتش می باشد. این چهار عنصر علاوه بر اینکه عناصر اصلی تشکیل دهندهٔ جهان و آفرینش آن را تمثیل می کنند، نمادِ منشاء اصلی تمامی ماده ها و انرژی های موجود در بدن انسان نیز می باشند.

شکل مستطیل (یا مربع) با چهار گوشه ای که دارد در طول تاریخ چیزهای متفاوتی را نمادینه کرده است که یکی از موارد اصلی آن نیز شکل یک قبر می باشد.

مطابق افکار و اعتقادات دوران قبل از مسیحیت (پاگانیسم) اندیشه های مربوط به چهار عنصر اصلی طبیعت با اشکال چهارگوش (همانند مربع) نمادینه می شد، بعد از تغییراتی که در زمان مسیحیت انجام شد این اشکال جای خود را به صلیب دادند و از آن پس علامت صلیب بود که بخاطر شکل خاص چهار تکه اش این عناصر را تمثیل می کرد.

در مورد انسانهایی که عمر دنیوی آنها به پایان می رسید، این طرز فکر وجود داشت که بعدها دوباره زنده خواهند شد. (دوباره بوجود خواهند آمد) این انسانها هنگامی که در آرامگاه ابدی (قبر) قرار می گرفتند وظیفه بوجود آوردن دوباره آنها (دوباره زنده شدن) به قدرت و انرژی عناصر چهار گانه سپرده می شد، بدین ترتیب میان سمبل های چهار گوشی که این عناصر را تمثیل می کردند و مکانی که انسانها پس از مرگ در آن قرار داده می شدند این ارتباط به وجود آمده است.

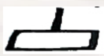
نمادینه شدن شکل قبر بوسیله یک مستطیل، همانطور که در تصویر این سمبل مشاهده می کنید، تمثیل کنندهٔ ضخامت می باشد، و این موضوع نیز چیزی نیست غیر از این مفهوم که این قبر یک قبر سنگی است. نقطه ای که در درون شکل مستطیل قرار دارد نیز نشان خطرناک بودن این محل می باشد.

سمبل ۱۱۷



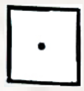
= این سمبل که در جاهای زیادی با آن روبرو می شویم نشان دهندهٔ یک قبر سنگی و تونل مربوط به آن است. همچنین سمبل از یک خطر نیز بحث می کند. در

کیمیاگری به عنوان نماد کورهٔ بادی یا آهنگری نیز استفاده شده است.

خطوط کوچک متصل به شکل مستطیل  نشان دهندهٔ سمبل یا علامت دیگری در همان جهت می باشند. می توانیم این خطوط را به عنوان یک فلش فرض کنیم، و یا نشان دهندهٔ یک ورودی (تونل) نیز می توانند باشند.

یک منشور افقی نیز بیان کنندهٔ مفهوم «در اینجا کسی زندگی نمی کند» می باشد. این سمبل نیز به یک قبر سنگی اشاره دارد.

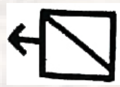
سمبل ۱۱۸

 = کنده کاری های مربع شکل برخلاف کنده کاری های مستطیل شکل نشان قبر سنگی نمی باشند. این اشکال در بیشتر مواقع سمبل یک پناهگاه زیر زمینی، یک عبادتگاه و یا یک قبر اتاقی می باشند.

 از زمانهای بسیار قدیم یک عبادتگاه ساخته شده به دست بشر (نه به حالت موجود در طبیعت، مانند یک غار) را تمثیل کرده است.

یک نقطه در داخل مربع نشانگر شیء خاصی نمی باشد بلکه از وجود یک خطر (تله) خبر می دهد.

سمبل ۱۱۹



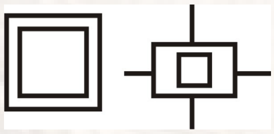
علامت فلش موجود در این سمبل برخلاف نظر برخی از گنج پژوهان اشاره کننده به گنجی در جهت فلش نیست، بلکه نشان دهندهٔ سنگ نوشته ای که رویداد مرگی در آن نوشته شده است می باشد که در جهت فلش و در نزدیکی سمبل (احتمالا در سه قدمی) قرار دارد.

این سنگ نوشته ها معمولا در ورودی قبرستانها قرار دارند. بطور متوسط ارتفاعی به طول یک متر دارند، معمولا صاف و یکنواخت نبوده و بصورتی عمود در زمین قرار داده شده اند.

شکل مربعی در داخل دایره  باز هم نشان دهندهٔ یک قبر اتاقی یا یک پناهگاه می باشد. سمبل مکانی است که نزدیک شدن و یا سرقت کردن از آن جزای مرگ را به همراه دارد و در اغلب موارد این کشتن برای عبرت دیگران و به شکل جدا کردن سر از بدن صورت

می گرفته است. پیدا شدن اجساد بدون سر در اطراف گورپشته ها به همین دلیل است.

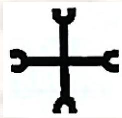
سمبل ۱۲۰

 = مفهوم شکل دو مربع تو در تو با مفهوم دیگر سمبل های مربعی شکل متفاوت است. بیشتر در مفهوم مواظبت، در دست داشتن (نگهداری)، محافظت کردن (یا شدن) در داخل چیزی، یا محبوس کردن در داخل چیزی بکار می رود.
این شکل در برخی از سیستم های نقشه برداری به عنوان نشان قلعه استفاده می شود.

سمبل ۱۲۱

 = یکی از سمبل های موجود در سیستم های علامت گذاری اروپایی/مسیحی می باشد. به این خاطر که از زمانهای قدیم استفاده می شده است در ایران نیز می توان به آن برخورد. بخصوص در اراضی اطراف محل های سکونت قدیمی و خرابه ها می توان با آن مواجه شد. پیدا شدن آن در کنارهٔ راه های قدیمی نیز ممکن است.
این سمبل سمبلی است متعلق به راهزنان یا قاچاقچیان. در محل سمبل قبری وجود دارد که متعلق به انسانی از طبقهٔ متوسط بوده است.

سمبل ۱۲۲

 = یکی از گونه های صلیب است که در مسیحیت بر روی چوب دستی ها و عصاها استفاده می شوند. این سمبل در کیمیاگری به عنوان سمبل سرکه نیز استفاده می شود.
در زمینه های دیگر معانی متفاوت دیگری نیز می تواند داشته باشد. یکی از سمبل هایی است که در کشورمان به آن اهمیت زیادی می دهند. در زمینه گنجینه ها به عنوان سمبل طلا کاربرد دارد به همین دلیل ما آنرا در میان سمبل های کتاب مطرح نمودیم.
لازم به توضیح است که این سمبل حتی اگر به طلا اشاره کند نشان یک گنج نمی باشد بلکه نشان محل تولید طلا (ضرابخانه) یا معادن طلا و سنگهای قیمتی می باشد.

سمبل ۱۲۳



= سمبلی است که تقریبا در تمام دوره های تاریخ به عنوان سمبل تونلها و غارها از آن استفاده شده است. این سمبل بیانگر مسدود بودن یا نبودن غارها نمی باشد اما در بیشتر موارد در ارتباط با غارهای مسدود شده استفاده شده است.

سمبل ۱۲٤



= سمبل رایجی است به نام چشم خدا. اضلاع مثلث پدر، پسر و روح القدس را تمثیل می کنند.

علاوه بر این، در بعضی محلها به عنوان علامت قبر یک مرد نیز ممکن است با آن روبرو شویم. از روی نقطه ای که در درون یا اطراف این سمبل قرار داده می شود نیز می توانیم به وجود خطر یا تله ای پی ببریم.

اینگونه سمبل ها در محلی دور از قبر قرار داده نمی شوند بلکه درست بر روی قبر یا بر روی سنگها و صخره های کنار قبر، و برای مشخص کردن مکان قبر به تصویر کشیده می شوند.

اگر در این محلها کار حفاری می خواهد انجام شود قبل از آن بهتر است محل مورد نظر بوسیله تجهیزاتی که تثبیت خلاء می کنند به خوبی بررسی شود و کار حفاری نیز با دقت تمام انجام گیرد.

در ضمن یادآوری می کنیم که محوطه قبرها جزئی از مناطق حفاظت شده می باشند.

سمبل ۱۲۵



= این شکل در اصل یک سمبل سامی است. با عنوان صلیب تائو نیز شناخته می شود. در عین حال به نامهای صلیب سنت آنتونی، صلیب دزدان و Crux Comissa نیز شناخته می شود. گاهی در ارتباط با موضوع زندگی و امنیت استفاده شده است.

این سمبل بشکل صلیب لاتین می باشد، اعتقاد بر این است که حضرت عیسی (ع) نیز بر

صلیبی مانند این به صلیب کشیده شد. از آنجایی که دزدان را بر صلیب T شکلی مانند این به صلیب می کشیدند این صلیب صلیب دزدان نیز نامیده شده است.
مطابق با طرز فکری در دوران باستان این سمبل یک صلیب ناتمام و ناقص می باشد. بوسیله اندازهٔ بخش پایینیِ صلیب اندازه ای بدست می آید و این اندازه بدست آمده ما را در رسیدن به هدف راهنمایی می کند.
اندازه گیری به این صورت است که می بایست نصف درازای قسمت پایین صلیب را در ۱۲۰ سانتی متر ضرب کنیم تا رقم مورد نظر بدست می آید. (این روش اندازه گیری متعلق به ما نیست، یک روش اندازه گیری ناشناخته می باشد.)

سمبل ۱۲۶

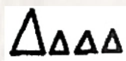

= کتاب در اغلب اوقات مفهوم کلام خداوند (انجیل) را می رساند. هنگامی که این سمبل در کلیسا یا دیگر مکانهای مقدس قرار داشته باشد باید این وجه آن نیز در نظر گرفته شود.
یک کتابِ باز نشان دهنده این است که حقیقت بیان شده است. مفهومش این است که چیزی که قبلاً مخفی بوده، در حال حاضر عیان و آشکار است. یک کتاب بسته نیز نشانِ میراث مخفی کشیشان مسیحی می باشد.
تصویر کتابی که در دست یک کشیش قرار گرفته است به وصیت نامهٔ پنهان شدهٔ یک کشیش در آن محل اشاره دارد. اینگونه وصیت نامه ها به شکل طومار بوده و بسیاری از فعالیت های انجام شده در کلیسا در آن قید می شوند. این کلیساها نیز معمولاً کلیساهای مربوط به مذهب پروتستان هستند. اگر بر روی نشان این کشیشها (نشانی که بر روی نامه آنها قرار گرفته) نوشته ای وجود داشته باشد در صورت خواندن آن خواهیم دید که نام کشیش بصورت یکی از نامهای استفان(Stephan)، بارتلومئو(Bartholomew)، ماتیاس(Matthias)، یا سایمون(Simon) نوشته شده است.
تصویر کتاب گاهی نیز ممکن است سمبل اسناد و مدارکی باشد که کشیشها در جوامع ارمنی از فعالیت های منطقه تهیه می کردند. این کار بخصوص در شهرهای بزرگ انجام می شده است و کشیشان اطلاعاتی درباره زمینهای کشاورزی منطقه، انواع و تعداد حیوانات اهلی موجود در منطقه، تعداد، زمینه فعالیت و درآمد هر کدام از تاجران و اربابان منطقه، و امثال اینها را نوشته و آنها را در مکانهای مخصوصی در کلیسا نگهداری می کردند.

علاوه بر این موارد همانطور که اشاره شد تصویر کتاب ممکن است به عنوان سمبل انجیل نیز بکار رفته باشد.

سمبل ۱۲۷

 = قبلا به ارزش رقمی سمبل های مختلف اشاره کردیم. یکی از این ارقام نیز عدد سه می باشد که مثلث با سه ضلعش شکل نمادین این رقم است.
دایره ای که در این سمبل مشاهده می کنید نشان حتمی وجود یک شیء پنهان شده یا دفن شده است. اما هنگامی که از یک شیء دفن شده بحث می کنیم این شیء حتما یک گنج نخواهد بود. این سمبل نشانگر یک قبر است، زیرا مثلث موجود در این سمبل نماد پدر، پسر و روح القدس می باشد. از روی جهت قرار گرفتن شکلِ مثلث نیز پیداست که این قبر مزار یک زن است.
تقسیم شدن دایره به دو قسمت توسط ضلع بالای مثلث سمبل تقسیم شدن زندگی شخص خاک شده به دو قسمتِ دنیا و آخرت می باشد. اینگونه قبرها و دفن شدن ها معمولا در زمین (خاک) انجام شده است.

سمبل ۱۲۸

 = در این سمبل نیز با اشکال مثلث روبرو هستیم. یکی از مفاهیم مختلف شکلِ مثلث مفهوم جنسیت (مرد و زن) می باشد. در این سمبل ساده ترین و قوی ترین احتمالی که به ذهن می رسد این است که سمبل مربوط به قبر چند مرد است که در کنار هم به خاک سپرده شده اند.
با در نظر گرفتن منطق کلی شکل می توان گفت که این قبرها ممکن است مربوط به یکی از موارد زیر باشد؛
- اگر محل مورد نظر یک عبادتگاه یا کلیسا باشد، یک روحانی و دیگر انسانهایی که در کنار او خاک شده اند،
- یک پدر یا بزرگ خانواده و نزدیکان وی که در کنار او به خاک سپرده شده اند،
- یک فرمانده و سربازانی با رتبه کمتر که در کنار او خاک شده اند.
اما با توجه به علایم و نشانه های نَسَب شناسی اینجا محلی است که یک زن در کنار

فرزندانش به خاک سپرده شده است، و این مفهوم قوی ترین مفهومی است که این سمبل آن را بیان می کند.
در مکانی نظیر این بجای اندیشیدن در مورد احتمالات مختلف بهتر است که دیگر علایم و یافته های موجود در منطقه و شرایط محل را بررسی کنیم.
بطور مثال اگر آن محل محوطۀ یک کلیسا باشد می توانیم اطلاعات مربوط به آن را جمع آوری و بررسی نماییم. کلیسا حتما یک اداره کننده (کشیش) دارد، می توان خانه و محل سکونت آن کشیش را یافت و و بررسی های لازم را در آنجا انجام داد، یا اگر مکان مربوط به یک گورستان خانوادگی باشد که یک پدر یا مادر به همراه فرزندانش در آنجا دفن شده اند می توانیم قبر این افراد را پیدا کرده و بررسی نماییم.
ورای تمام این نظرات و حدسیات، هنگامی که از نظر منطق کلی موجود در زمینۀ جستجوی گنج به سمبل نگاه کنیم، در این محل قبری وجود دارد.
مطابق علایم و سمبل های بریتانیا این سمبل به مفهوم زنی که برای بچه ها داستانهای هیجان انگیز و جالبی در مورد بچه دار شدن تعریف می کند نیز می تواند باشد، و مطابق سیستمهای علامت گذاری آمریکا سمبل زنی خوش قلب و مهربان است که داستانهای جالب و تاثیرگذاری تعریف می کند. در بعضی از سسیستم های اروپا نیز سمبل زنی است که با خواهران کوچکترش یا دخترهای جوان دیگری در خانه مانده است.

سمبل ۱۲۹


= سمبلی است که در ایران زیاد با آن روبرو نمی شویم، اما امکان دارد گاهی در محلهای سکونت مسیحی قدیمی مانند شهرهای بزرگ (کلان شهر) با آن مواجه شویم به همین دلیل در اینجا به توضیح آن می پردازیم.
به نام صلیب پطرس یا صلیب پطرس قدیس (Saint Peter) (به لاتین: Petrus) شناخته می شود. یک صلیب لاتین معکوس است. اصل و مبداء این صلیب به ماجرای به صلیب کشیده شدن پطرس باز می گردد، او بصورت معکوس به صلیب کشیده شده بود؛ خودش را پایین تر و بی اهمیت تر از آن می دانسته که همانند عیسی (ع) به صلیب کشیده شود به همین دلیل درخواست می کند که بصورت معکوس به صلیب کشیده شود.
اولین کسی که دربارۀ ماجرای وارونه به صلیب کشیده شدن پطرس سخن گفته است عالمی اهل اسکندریه به نام اوریجن (Origen) می باشد. برخی از کاتولیک ها این صلیب

را نشان بی ارزشی و بی اهمیتی در برابر عیسی (ع) می دانند.
کسانی که خود را پایین تر از عیسی (ع) می دانند در مفهوم تصوف در زندگی دنیوی نیز ملک و ثروتی زیادی نخواهند داشت. در تصوف اسلامی نیز کسانی که زندگی خودشان را صرف طاعات و عبادات می کنند اهمیت زیادی به دنیا نمی دهند، از این لحاظ شباهتی بین این دو گروه وجود دارد.
در زمینه گنج پژوهی نیز بهتر است با این دید به موضوع نگاه کنیم.

سمبل ۱۳۰

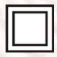

= گونهٔ دیگری است از صلیبی که در بالا به آن اشاره شد. اما در اینجا مفهومی که بیان می شود کمی متفاوت است. از لحاظ سمبولیک همان صلیب پطرس می باشد اما بخاطر ظاهر متفاوتی که دارد مفهوم متفاوت تری نیز می رساند.
جایی که این صلیب در آن پیدا شود به احتمال زیاد محل یک صومعه یا کلیسا می باشد.
شکل قسمت بالای این صلیب یک مثلث معکوس را تداعی می کند. هنگامی که با این دید نگاه کنیم سمبل مفهوم یک ساختار مونث را با خود دارد. این طرز نگرش مفهوم مطلق این سمبل نیست بلکه مفهومی است که از شکل آن برداشت می شود.
سه حلقهٔ قسمت پایین صلیب نشان دهندهٔ سه اتاق یا سه قبر نمی باشد بلکه بیانگر وجود بیش از یک اتاق یا قبر می باشند. به این حلقه ها به عنوان تکمیل کننده های شکل یک صلیب نیز می توان نگاه کرد.
در محل هایی همانند کلیساها و عبادتگاه ها باید شناخت کافی از فرهنگهای مرتبط با آن مکان داشته باشیم و محل را با توجه به آن مورد بررسی های لازم قرار دهیم.

سمبل ۱۳۱

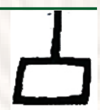

= دایره ها در حالت معمول نشان قبرهای خاصی همانند گورپشته(تل خاکی)ها هستند. در این سمبل نیز علامت دو قبر کنار هم را مشاهده می کنیم.
یکی از این دایره ها شکلی معمولی دارد (دایره سمت چپ) و مربوط به قبری است که پس از اینکه بصورت معمولی ساخته شده، بعدها به حال خویش رها شده و بصورت مکانی متروک در آمده است. در مورد گورپشته دوم نقطه ای که در داخل دایره قرار گرفته است

خبر از یک خطر حتمی می دهد.
یک دایره که نقطه ای در داخل آن قرار گرفته است با دایره ای که مربعی در داخل آن قرار دارد نباید اشتباه گرفته شود. دایره ای که در داخل آن نقطه ای قرار گرفته از یک خطر خبر می دهد. دایره ای که در داخل آن مربعی قرار دارد را در زیر توضیح خواهیم داد.
این گونه سمبل ها در مورد دفن شدن در خاک (در زمین) بحث می کنند نه قبرهای سنگی و اناقی.

سمبل ۱۳۲

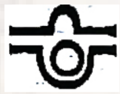
 = معانی مختلف حلقه ها (دایره ها) را در حد امکان و در جاهای مربوطه بیان کردیم، در اینجا نیز شکل این سمبل نشانگر یک گورپشته(تل خاکی)می باشد اما مربع ها یا مستطیل های قرار گرفته در داخل دایره از وجود حتمی یک اتاقک در داخل این گونه قبرها خبر می دهد. همانطور که در بالا نیز گفتیم دایره در مورد دفن شدن در خاک بحث می کنند نه قبرهای سنگی، اگر همین مربع در سمبل دیگری در داخل مربع قرار گرفته باشد  در آن صورت سمبل از یک محل صخره ای بحث می کند و اشاره به یک قبر اتاقی شکل دارد که در داخل صخره ها ساخته شده (کنده شده) است.
این سمبل که در اینجا می بینید نشان یک گورپشته (Tumulus) می باشد که ساختار آن بصورت پشته ای از خاک است. قرار گرفتن سمبل قبر (مربع) در داخل دایره ای که سمبل کره زمین و ابدیت می باشد در اینجا این را بیان می کند که شخص خاک شده در این محل زندگی ابدی خواهد داشت.
در طول تاریخ، تمدن ها همیشه با موضوع غارت شدن گورپشته ها مواجه بوده اند، به همین دایل به منظور پیشگیری از این سرقت ها و غارت ها بعد از دفن اجساد اشیاء و هدایای قیمتی را در جای دیگری دور از آنجا دفن می کردند.
توضیح: تمامی انواع قبرها و گورپشته ها جزئی از مناطق حفاظت شده محسوب می شوند، این موضوع را مد نظر داشته باشید.

سمبل ۱۳۳

 = این سمبل نشان دهندهٔ محل یک قبرستان می باشد، اما در عین حال با توجه به

شکل مستطیل ممکن است مربوط به یک قبر سنگی نیز باشد. در اینجا مهم این است که منطقه ای که سمبل در آن قرار دارد بطور دقیق و درست بررسی شود..
اگر سمبل نشان یک قبرستان باشد باید یک سنگ عمود در زمین را جستجو کنیم که در ورودی قبرستان ها قرار می داده اند. این سنگ ها سمبل قبرستان های دوران باستان هستند، طول متوسط آنها یک متر بوده و معمولا صاف و یکنواخت نیستند. معمولا درست در زیر این سنگ ها یا در نزدیکی آنها قبر شخصی مهم و صاحب مقام و منزلت بالا قرار دارد.
اگر حالتی را در نظر بگیریم که این سمبل نشانگر یک گورستان است، شکل  مستطیل موجود در سمبل نشانگر محل قبرستان بوده و خط وصل شده به مستطیل نیز نشان دهنده سنگی است که در بالا به آن اشاره کردیم.
اگر این سمبل در یک محل صخره ای قرار داشته باشد که احتمال وجود قبرستان در آن ناحیه وجود ندارد، در اینصورت به احتمال زیاد یک قبر اتاقی سنگی در نزدیک ترین نقطه به علامت وجود خواهد داشت. در این حالت خط موجود بر روی مستطیل نشانگر یک تونل یا یک نقطه ورودی به محل قبر خواهد بود.

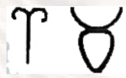
سمبل ۱۳٤



= یک وجه از این سمبل بیانگر مفاهیم خود، اصل و روح است. به عنوان مثال الکل به عنوان روح شراب محسوب می شود. یا یک رئیس قبیله با قدرت و اختیاری که در آن قبیله دارد اصل و خود قبیله را تمثیل می کند.
یک وجه دیگر سمبل نیز با توجه به سیستم علامت گذاری دیگری بیان کننده تونلی است که دو سر دارد. در این حالت سمبل تمامی مفاهیمی که با خود دارد را به وضوح بیان می کند. اگر فرض کنیم که تونلی دو سره به عمق فرضی ٤-۲ متر در زیر زمین قرار داشته باشد، در داخل تونل نیز در مکانی با عمق بیشتر یک قبر یا شیئی پنهان شده وجود دارد.
با توجه به شکلِ سمبل محل شیء پنهان شده درست در زیر یک برآمدگی یا تپه ای واقع در منطقه می باشد. اما در بسیاری از مواقع شیء پنهان شده درست در زیر تپه یا بر آمدگی نبوده و در جای دیگری قرار داده شده است. در این حالت بعضی از مسیرها یا اتاقک های داخل تونل بوسیله افرادی که آن را ساخته اند با خاک یا سنگ پوشانیده شده یا بوسیله ملاط دیواری در جلوی آن ساخته شده و مسدود می شوند. بدین ترتیب مانعی برای

رسیدن به هدف اصلی قرار داده می شود.
در اینگونه مکانها حتی اگر بتوان به طریقی داخل تونل شد، علایمِ بی معنی یا گمراه کنندهٔ داخل تونل ذهن افرادی که توانسته اند به آنجا راه یابند را به هم میَ ریزند، حتی آنها را به محلی دور از هدف راهنمایی می کنند.
در اینجا افرادی که علایم و نشانه ها را دنبال می کنند باید محل را بصورت دقیق وارسی کرده و علایمی که با آن روبرو می شوند را با دقت بررسی نمایند و به جزئیات موجود در آنها توجه کنند. جزئیات موجود در علامت ها مثلا یک خط یا نقطه کوچک بر روی یک تصویر می توانند نقش مهمی در رسیدن به هدف ایفا نماید.

سمبل ۱۳۵

 = در قسمت سمبل حیوانات دربارهٔ اشکال گاو نر بیشتر بحث خواهیم کرد، این سمبل در محل پنهان شدن گنج ها بکار نمی رفته است بلکه مطابق اعتقادات قدیمی بیشتر در عبادتگاه ها و معابد بر روی سنگ قبر افرادی که صاحب قدرت یا مقام و منزلت بالایی بوده اند استفاده می شده است.
این سمبل در جاهای مختلف دنیا نماد اصالت، دانایی و پیروزی نیز بوده، همچنین مفاهیمی چون رهبری، دلاوری و پهلوانی را نیز می رساند.

سمبل ۱۳۶

 = شاخ قوچ. نماد عزم و اعتبار است، در عین حال مقاومت و پایداری در برابر قدرت های بزرگ با این شکل بیان می شود. این سمبل رشد و تعالی در فاصله میان زندگی دنیای فانی و زندگی عالم ابدی را بوسیله شکل مثلثی خود که از سمت پایین به بالا گسترش می یابد نشان می دهد. شکل این مثلث همچنین مفهوم رهبری و ریاست بر یک جمع را بیان می کند. (در منشور (مثلث) با ساختاری سلسله مراتبی مواجه هستیم که در بالای همه این سلسله مراتب یک نقطه خاص (رهبر) قرار می گیرد.)
کسانی که به کار جستجوی گنجها مشغول هستند نه تنها در مورد این سمبل بلکه در تمامی شکل هایی که شاخ در آن وجود دارد تصور می کنند که سمبل نشان دهندهٔ پول و گنج می باشد.

این سمبل نشان قبر یک فرد قدرتمند، یک رئیس و رهبر می باشد. در این رابطه ما چیز بیشتری برای گفتن نداریم. ممکن است به همراه جسد فرد ذکر شده اشیاء و هدایای ارزشمندی هم دفن شده باشد.
در اینجا باز هم یاد آور می شویم که قبرها جزئی از مناطق حفاظت شده توسط قانون می باشند.

سمبل ۱۳۷


= در اینجا هم با یکی از سمبل های مطلوب جستجوگران گنج روبرو هستیم.
یک یوغ در حالت کلی سمبل تلاش و کوششی سخت، رنج کشیدن و یا نماد تسلیم شدن در برابر فشار می باشد. در بعضی از مناطق سمبل صداقت انسان بوده و بخصوص به عنوان سمبل ازدواج نیز کاربرد داشته است.
این سمبل در دوران هایی که حضرت عیسی (ع) و مومنان در زیر فشار و ظلم زندگی کرده و نمی توانستند عقایدشان را بیان کنند به عنوان یک سمبل دینی استفاده می شده. حتی در نسخه های انجیل این مفهوم نیز آورده شده است که افراد بی ایمانی که به یوغ حضرت عیسی (ع) تن در نمی دهند (به او ایمان نمی آورند) و کسانی که برای بسته شدن در این یوغ شتاب می کنند با هم برابر نیستند.
مطابق با این عقاید حضرت عیسی (ع) با این جملات به مومنان مژده می دهد: «من مونس و همدم، خوش خلق و خوشرفتارم. من خاضع و فروتنم. بار من برای یوغ گردنم سبک و تحمل آن برای من آسان است. و اما شما به آرامش روحی خواهید رسید. من در محکمه شما را از هرگونه اتهام مبراء کرده و از هرگونه چیز سنگینی که به شما تحمیل شود نجات خواهم داد.»
در اسلام نیز انداختن انگشتر نقره به انگشتان به عنوان یک سمبل دینی و مطابق با سنت پیامبر (ص)، یا نوشتن عبارت «هوالباقی» بر روی سنگ قبر یک انسان فوت شده (از نظر اعتقادی) هیچ فرقی با مفهوم سمبل یوغ ندارد. هر دو یک طرز فکر را نمادینه می کنند و آن طرز فکر نیز همان تسلیم بودن در برابر خداوند و پیامبر خداوند است.
در نهایت دین مسیحیت نیز (از جهاتی که تحریف نشده است) یک دین آسمانی است و در بعضی از جنبه ها بین آن و دین اسلام که دین حق است شباهت وجود دارد. این موضوع درباره دین یهودیت نیز صادق است.

مطابق اعتقاد مسیحیت اگر بر روی سنگ قبری شکل برجسته یک یوغ دیده شود این شکل از نظر اعتقاد شخصی که در آنجا دفن شده است هیچ مفهومی جز تسلیم بودن در برابر خداوند و عیسی (ع) را در بر ندارد.
یوغ کاملا یک سمبل دینی می باشد، تعابیر بی اساسی چون در نزدیکی یا در کنار آن گنجی وجود دارد هیچ وجه منطقی و هیچ ارزش و اهمیتی ندارد. اثبات هیچ کدام از اینگونه تفاسیر نیز ممکن نبوده و در نتیجه هیچکدام از آنها درست نمی باشند.

سمبل ۱۳۸

 = در شیمی قدیم (کیمیا) به عنوان سمبل سرب سفید از آن استفاده می شده است. ممکن است برای مواد رنگی که از کربن سرب ساخته می شود و در زمان قدیم نیز شناخته می شده است استفاده شده باشد. سرب سفید را با سمبل های دیگری نیز نشان می داده‌اند. این  و  این سمبل ارتباطی با موضوع گنج ها ندارد. گاهی برای موادی که از ترکیبات سرب می باشند بکار رفته است. برای اینکه سرب فلزی نرم است در زمان باستان از سرب و ترکیبات آن برای ساختن سرِ تیر، ظروف غذا، مجسمه ها و موارد مشابه دیگر بسیار زیاد استفاده می شده است. در مهر و موم لحدها و گورها نیز از این فلز استفاده می کرده اند، به همین دلیل در هر جایی که این علامت دیده می شود نباید آن را به موضوع گنج ها ارتباط دهیم.
در محل کوره ها روبرو شدن با این سمبل امکان پذیر است. این کوره ممکن است کوره ای باشد که در حرارت های بالا برای ذوب فلزات از آن استفاده می شده است.

سمبل ۱۳۹

 = سمبلی است که در ایران زیاد با آن روبرو می شویم و نماد مرد می باشد. اگر در محل یک قبر با این سمبل روبرو شویم به مفهوم آن است که در اینجا مردی دفن شده است.
این شکل سمبل پای غاز نیست.

سمبل ۱۴۰

 = در مناطق زیادی در دوران باستان از آن استفاده می شده و نماد زن می باشد. در محل گورها همانند سمبل های دیگر زن  و  نشان آن است که زنی در آنجا دفن شده است. این شکل بدون خط بالای مثلث  سمبل مرد است پس باید ارتباطی بین آنها وجود داشته باشد.

این سمبل با شکل متفاوتی که دارد در موضوعات مربوط به زندگی اجتماعی بیشتر استفاده شده است تا در محل قبرها.

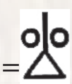
زن بیشتر با شکل مثلث وارونه  نشان داده می شود، در مقایسه با آن این سمبل از یک شکل مثلث رو به بالا و وصل شدن یک خط عمودی به آن تشکیل شده است و بدین ترتیب به صورت یک سمبل کلاسیک زن در آمده است.

سمبل ۱۴۱

 = شکل این سمبل همان شکل سمبل قبل است با این تفاوت که در داخل مثلث نقطه ای قرار گرفته است. این نقطه با بیان اندیشه «دقت کنید، وضعیت خطرناک» مفهوم متفاوتی نسبت به سمبل قبل پیدا کرده و یک زن حامله را تمثیل می کند.

به یاد بیاورید که نقطه ای در داخل شکل از یک خطر خبر می داد. این سمبل با این خصوصیت بیشتر تداعی کننده علامت قبر یک زن نیز می باشد.

سمبل ۱۴۲

= این تصویر از شکل سمبل زن  تشکیل شده است و تمثیل کنندهٔ یک زن بچه دار است. این شکل در دنیای سمبلها بخشی از نظام خانواده است.

دو دایره ای که در طرفین شکل قرار گرفته است سینه های یک زن را تمثیل کرده و این مفهوم را بیان می کند که این زن یک مادر می باشد. همانطور که ممکن است بر روی قبرها با این سمبل روبرو شویم، گاه بر روی در خانهٔ زنی که به تازگی صاحب فرزند شده است نیز به تصویر کشیده می شده و مفاهیمی همچون تناسل و خوشبختی را به همراه داشته است، به همین دلیل می توانیم آن را به عنوان سمبل برکت نیز بشناسیم.

سمبل ۱۴۳


= سمبلی است برای نشان دادن نظام خانواده. با شکلی که دارد و مفهوم وسیعی که در خود جای داده است برای نشان دادن تمام اعضای یک خانواده کامل ساخته شده است.
عناصر به تصویر کشیده شده در سمبل شامل پدر، مادر و فرزندان آنها می باشند.
در صورت درک اشکال و مفاهیم سه سمبل بالا، این سمبل نیز بصورت آشکارا مفاهیم موجود در خودش را بیان می کند.

سمبل ۱۴۴


= سمبلی است که در مفهوم مسیحی ساختن دنیا استفاده شده است. در بسیاری از مناطق کشورمان ممکن است با این شکل روبرو شویم. بیشتر در کلیسا ها استفاده شده و در شهرها نیز گاهی در محل خانه کشیش ها ممکن است با آن مواجه شویم.
از نظر شکلی، صلیبی است که بر روی دایره ای که دنیا را تمثیل می کند قرار گرفته است.
با این شکل این مفهوم بیان می شود که مسیحیت بالا تر از تمام ارزش های دنیا می باشد.
اگر در محل یک قبر با آن روبرو شویم ممکن است قبر متعلق به یک مبلغ مذهبی باشد.
اگر در غار یا محل سکونتی با آن روبرو شویم آن مکان ممکن است محل زندگی یا محل ملاقات مبلغان مذهبی باشد.

سمبل ۱۴۵


= یکی از اشکالی است که در هر جایی که استفاده شده است مفهوم یکسانی ندارد.
بیشتر در محل زندگی اقوام هیتی می توان با آن مواجه شد. در فرهنگ و خط هیتی این شکل برای فرمانروایان استفاده می شده است.
در جاهای مختلف و سیستم های مختلف به عنوان سمبل مرد یا پادشاه نیز از آن استفاده شده است. ممکن است مفاهیمی همچون خود شخص فرمانروا یا دولت فرمانروا را در بر داشته باشد و یا برای نشان دادن قبر فرمانروا نیز استفاده شده باشد.

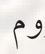
سمبل ۱٤٦

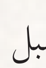
 = معمولا سمبل زن است که با آن زیاد روبرو می شویم. تصویر مثلث وارونه در دوران باستان به عنوان سمبل زن بر روی اشیای خانگی و تزئینی استفاده می شده است.
در فرهنگ سومری به عنوان سمبل زن استفاده می شده و در بسیاری از تمدن ها نیز بدلیل تاثیرات تمدن سومریان در فرهنگ آنها همین مفهوم را در بر داشته است. در ایران در مناطق غربی و شمال غربی می توان با آن روبرو شد.
از زمان هزاره سوم قبل از میلاد به بعد استفاده می شده است. مفهوم «منفی» را در بر دارد.
در مجسمه ها یا تصاویر برجسته ای که برای یک زنِ مرده ای ساخته می شده مفهوم مرگ را منعکس می کند.

سمبل ۱٤۷

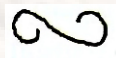
 = یکی از علایم چین باستان می باشد. تا به امروز هیچ دلیل قطعی مبنی بر اینکه این سمبل چه مفاهیمی را می رساند بدست نیامده است. هر سمبلی یک معنای مخصوص به خودش دارد اما تا به امروز نسبت دادن هیچ مفهوم و معنای مشخصی به این سمبل امکان پذیر نشده است.
به بیان همین مطلب کفایت می کنیم که در علایم چینی به عنوان سمبل «بام» استفاده شده است. به عقیده شخصی خود ما در صورت پیدا شدن آن در محل کلیسا ها ممکن است (به احتمال ضعیف) سمبل «ناقوس» نیز باشد.

سمبل ۱٤۸

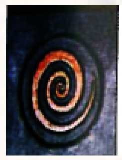
 = این شکل طبق افسانه های رومی به عنوان عصای ژوپیتر شناخته می شود. ژوپیتر در تمدن روم معادل با زئوس در تمدن یونان می باشد. این شکل  نیز نماد نیزه شکار ماهی یا عصای پزیدون و نپتون می باشد.
این شکل  در عصر نئولیتیک (آخرین دورهٔ عصر حجر) نماد شکاف ها و کنده کاری های بر روی صخره ها بوده است.
عصاهای خدایان هرچقدر هم که با هم تفاوت داشته باشند معمولا تمثیل کننده ظرافت

می باشد. مواجه شدن با این سمبل بر روی مزارها یا محل هایی که آیین های پس از مرگ در آن اجرا می شده محتمل است. فرض بر این است که در اینگونه موارد شخص پس از مرگ برای مراقبت و محافظت به رب النوع مربوطه سپرده می شده.
این سمبل  در عین حال نماد قدرت تلاطم آب نیز می باشد.

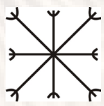
سمبل ۱۴۹

 = این شکل مفهوم دفاع کردن را به تصویر می کشد. سمبلی است که معمولا در تونل ها، دالانها و ساختارهای مشابه زیرزمینی با آن روبرو می شویم. همچنین در اتاق های درون گورپشته(تل خاکی)ها نیز می توان با این شکل روبرو شد. در اینجا دفاع کردن فقط در مفهوم تله ها بکار رفته است. بدلیل استفاده شدن این شکل در گورپشته هایی که نباید به آنها نزدیک می شدند، می توان به مفهوم وجود یک مجازات نیز به آن نگاه کرد.
به عنوان یک شکل تزئینی استفاده شده بر روی سنگ قبرها نیز زیاد با آن روبرو می شویم.

سمبل ۱۵۰

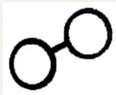
  = اسرار مرگ و زندگی بوسیله این شکل حلزونی به تصویر کشده شده است. این پیچش ها مفاهیم خدای گونه بودن و جاودانگی را بیان می کنند.
در زمینه گنج ها برخی آن را به عنوان سمبل «مار» تعبیر می کنند که این طرز برداشت بسیار اشتباه است. در اینجا وارد موضوع سمبل مار نمی شویم زیرا این سمبل در جای دیگر و در زیر مطلبی با عنوان خودش با جزئیات بیشتری بیان خواهد شد.
این سمبل مفاهیم جاودانگی و گردش بی پایان را در بر دارد.

سمبل ۱۵۱

 = مفهوم احساسی خاص را می رساند، احساس ترسی آمیخته با احترام. گاهی در کنار تصاویر و اشکال کشیده شده از جنگجویان با آن روبرو می شویم. در اروپای شمالی و در زمینه جادوگری سمبل مهمی به شمار می رود.

در صورتی که در ایران با این سمبل روبرو شویم، سمبل معادل با شاه خدایان، زئوس می باشد. طبق یک باور قدیمی هنگامی که بر روی پیشانی زئوس چین خوردگی دیده شود می تواند ترس های خود را به دشمنانش انتقال دهد.
نباید این سمبل را با سمبل برخی از عناصر معدنی اشتباه گرفت.

سمبل ۱۵۲


= سمبلی است که در علم نجوم و ستاره شناسی مفهوم تضاد یا تقابل را به همراه دارد. تا به امروز دیده نشده که در مفاهیم دیگری غیر از این استفاده شده باشد. در شیمی و کیمیا نیز کاربرد دارد.
در زمینه گنج ها و اشیای پنهان شده نیز مفهوم دیگری را بیان می کند. بسیاری از افراد سمبل هایی نظیر این سمبل و اشکال و دوایر متصل به هم را علامت ارتباط بین اتاق های مخفی می دانند.

سمبل ۱۵۳


= در علم نجوم نشان دهندهٔ خسوف (ماه گرفتگی) می باشد. این اتفاق (خسوف) به مفهوم تقابل میان ماه و خورشید می باشد، که تمام سطح ماه در زیر سایه زمین قرار می گیرد.
در زمینه باستان شناسی می توان آن را سمبل قبر دو انسانی دانست که در زندگی آنها با هم در ارتباط بوده و یا در زندگی به هم وابسته بوده اند. (مانند زن و شوهر و غیره)
در اینجا سیاه بودن سطح دایره ها بیانگر مرگ یا سیاهی، به بیان دیگر خاموش شدن چراغ زندگی آن افراد می باشد

سمبل ۱۵٤


= به عنوان سمبل «منبع علم و دانش» شناخته می شود. سمبلی است که در فعالیت های مربوط با جستجوی گنج زیاد با آن روبرو می شویم.
در اینجا کلید را به عنوان گشایش نباید دید، بلکه باید به عنوان کلید گشایش به آن نگاه

کرد؛ بیان کننده این است که به کسی که می فهمد یا می داند نیاز است. به بیان دیگر سمبل کلید بیان می کند که «در اینجا موردی وجود دارد که با دانش گشوده می گردد.»
علاوه بر چیزهای گفته شده، در مسیحیت نیز مفهوم دیگری دارد که دانستن آن می تواند مفید واقع گردد. مطابق بیان انجیل متی (انجیل متی: ۱۶,۱۹) حضرت عیسی (ع) به پطرس حواری چنین گفته است: «من به شما کلید پادشاهی بهشت را خواهم داد.» به همین دلیل سمبل کلید در کلیسا مفهوم «خوش آمدگویی» به انسانها را به همراه دارد.

سمبل ۱۵۵

 = در معماری گوتیک کلیساها سمبلی است که برای چهار واعظ استفاده شده است. منظور از چهار واعظ چهار نماینده از هر مذهب مسیحیت می باشد. این مذاهب شامل کاتولیک، پروتستان، ارتدکس و ایوانجلیسم می باشند و کتابهای این مذاهب نیز انجیل های متی، مرقس، لوقا و یوحنا می باشند.
جایی که این سمبل در آن قرار دارد یک کلیسا است و معنای سمبل هم این است که ورود به کلیسا برای پیروان هر چهار مذهب آزاد است.

سمبل ۱۵۶

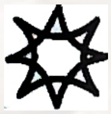
 = سمبلی است که برای ایشتار (Ischtar) (از الهه های آشوری) استفاده می شده است. این خصوصیات را برای ایشتار برشمرده اند:
- الهه بهشت ها
- مادر هر کسی که از زن متولد می شود
- خواهر خدای خدایان بابلیان
- شمس (Shamash) خدای خورشید
- الهه لذت جنسی
- تنها الهه (رب النوع مونث) در میان خدایان آسیایی و بابلیان
- الهه جنگ و شکار

سمبل ۱۵۷

 = در زمان حکمرانی بابلیان به منطقه دجله و فرات در ایران، این سمبل به عنوان ستاره رب النوع ونوس استفاده می شده است به بیان دیگر ستاره ایشتار است. معادل سمبل بالا می باشد.

این سمبل که در مناطق مختلف عراق امروزی استفاده می شده است، گاهی در اشکال متفاوت دیگر به سرزمین ایران راه یافته است.

سمبل ۱۵۸

 = ستاره ایشتار همان سیاره ونوس (ناهید) می باشد. این سیاره قبل از میلاد مسیح (ع) الهه جنگ، جنسیت و برکت بوده است. همین اعتقادات در فرهنگ دوران پاگانیسم هم وجود دارد.

اطلاعات بیشتر درباره این سمبل را در زیر عنوان سمبل ستاره هشت گوش آورده شده. (سمبل ۱۰۰)

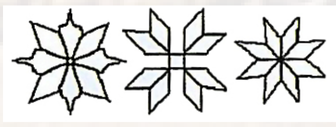
سمبل ۱۵۹

 = سمبلی است در مفهوم تعادل در وزن، اما در زمینه گنج ها و در زمینه باستان شناسی نشان دهنده زمین مسطحی است که در زیر آن شیئی پنهان وجود دارد.

در اینجا شیء دفن شده همانطور که می تواند یک گنجینه باشد، ممکن است به یک گور هم اشاره کند.

خط افقی سمبل پایه و اساس، سطح زمین، دنیا و در مفهوم کلی سمبل دولت و حکومت می باشد.

سمبل ۱۶۰

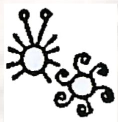
 = این سمبل ها معمولا در اشکال هشت تکه دیده می شوند. از زیباترین و ظریف ترین اشکال هندسی می باشند. نشان سادگی، زیبایی، ظرافت و کمال

همچنین نماد داشتن وجوه بسیار، زندگی، منبع نور، و مرکز تمامی دانش ها می باشد. از دید مسیحیت ستاره یا گل رز، همچنین مژده دهنده تولد حضرت عیسی (ع) می باشد.
همچنین مقایسه ای داشته باشید با سمبل های ستاره هشت گوش، ستاره ایشتار، و سمبل های مشابه آن در فرهنگهای پاگانیسم.
در مقایسه با سمبل های گفته شده این سمبل ها بصورت برجسته کاری بر روی مرمر نبوده بلکه بشکل کنده کاری بر روی سنگ ها و صخره ها و بصورت اشکال ساده تری دیده می شوند.

سمبل ۱۶۱


= سمبل هایی نظیر این نشانِ کلیسا می باشند و برای نشان دادن زمانهای پذیرش مسیحیت بکار می روند. این اشکال تصاویر کلیساهای زیبای چوبی ساخته شده در کوههای کارپات می باشند. این اشکال را فقط در غرب اوکراین می توان دید.
این اشکال برای نشان دادن توانایی کلیسا در جدا کردن خوب از بد بکار رفته اند. از این اشکال در طبیعت برای تشکیل صلیب یا بجای اشکال مثلث و چهار ضلعی استفاده می شده است. گاهی به صورت نادر نیز دیده شده که به منظور نشان دادن برج ناقوس هم از آنها استفاده شده است.
در میان جستجو گران گنج حرف رایجی وجود دارد؛ گفته می شود که شکل کشتی رد پول را نشان می دهد. این اشکال بسیار شبیه به کشتی هستند، اما سمبل کشتی نمی باشند، به همین دلیل این مطلب را در اینجا یاد آور شدیم.

سمبل ۱۶۲


= عنکبوت: این اشکال در نگاه اول به عنوان خورشید و تابش اشعه های نور آفتاب برداشت می شوند. این شکل نماد صبر، هنر و سخت کوشی است.
در نظر باستان شناسی مفهوم مشخصی در بر ندارد اما در زمینه گنج ها از روی تجربیات بدست آمده در این زمینه اینطور بیان می شود که در جاهایی که این سمبل پیدا شده است گنج نیز پیدا کرده اند. اینطور بیان می شود که اینگونه گنجینه ها بسیار ارزشمند و در مبالغ

بسیار بالایی هستند اما خطرات و تله هایی نیز وجود دارد.

سمبل ۱۶۳



= در میان جستجو گران گنج سخنان زیادی در مورد این سمبل وجود دارد.
گفته می شود که محل وجود شکل تار عنکبوت طلسم شده یا خطرناک است.
گفته می شود این سمبل در مورد گنجینه های مهم و ارزشمند استفاده می شود که در پنهان کردن آنها توجه زیادی به خرج می دهند. گفته می شود که قبل از جستجوی محل اینگونه گنجها باید ابتدا یک سری اطلاعات لازم درباره آن جمع آوری کرده و منطقه مورد نظر با دقت و به درستی بررسی گردد.

سمبل حیوانات

چه در زمینه باستان شناسی و چه در زمینه جستجوی گنج که موضوع اصلی کتاب ما را تشکیل می دهد بیشتر از هرگونه اشکال و سمبل های دیگر با سمبل حیوانات و سمبل هایی که از اجزاء و اشکال حیوانات در ساختن آنها استفاده شده است مواجه هستیم.

شاید یکی از مفید ترین وجوه این کتاب همین بخش از کتاب می باشد که در آن به بیان مفاهیم این سمبل ها خواهیم پرداخت. بخصوص می دانیم که جستجوگران گنج با دیدن هر شکل حیوان به وجود پول و گنج مشکوک شده و به جستجوی آن می پردازند.

از اشکال حیوانات اغلب به عنوان سمبل خدایان استفاده شده است. مفاهیم این سمبل ها گاهی با ادراکات و احساسات جستجوگران گنج درباره آنها مطابقت می کنند. اما برای فهمیدن مفاهیم برخی از این اشکال و سمبل ها لازم است که معلومات عمیقی در مورد آنها داشته باشیم.

ما در این کتاب سعی نمودیم در مورد اشکال حیواناتی مانند سمور، مار، لاک پشت و حیوانات دیگری نظیر آنها و مفاهیمی که هر کدام از این سمبل ها می رسانند توضیحاتی کافی بیاوریم. سعی نمودیم مفاهیم پنهان شده در پس این سمبل ها را برای شما آشکار ساخته و به بررسی جزئیات آنها بپردازیم.

در مورد بت های حیوانات بدون شک مهم ترین آنها بت گاو نر می باشد. بت گاو نر در بسیاری از افسانه های یونان باستان آورده شده است. این فرضیه وجود دارد که منشاء بت گاو نر از آناتولی می باشد. در فرهنگ تمدن مصر که به فرهنگ کرت نیز بسیار نزدیک است نیز بت هایی به شکل گاو نر همانند آپیس (Apis) و Hather وجود داشته است.

در اشکال و تصاویر دینی نیز اشکال سر حیوانات و و بدن انسان دیده می شود. احتمالا این تصاویر مرتبط با آیین های دینی می باشند که در هنگام اجرای آنها ماسک به صورت می زدند. در زمانهای گذشته برخی از حیوانات همانند خدایان پرستش می شدند، همانطور که شاهد نمونه های آن در تمدن مصر هستیم. به آپار اینگونه بتها در قرن هشتم قبل از میلاد بر می خوریم. در آرکادیا که یکی از گوشه های دور افتاده از دنیا می باشد رب النوع دیمیتری (Demetr) که سر اسب داشته و رب النوع زئوسی (Zeus) که سر گرگ داشته را می پرستیده اند.

بسیاری از حیوانات از لحاظ دینی حرمت و احترام زیادی می دیدند. بسیاری از حیوانات بخاطر جنبه مقدسی که صاحب بودند به عنوان علامت خدایان استفاده می شده اند، یا در

بسیاری از مناطق این حیوانات برای خدایان قربانی می شدند. بطور مثال گوسفندها برای خدای خورشید Helius، اسب و خرگوش برای Hera و لاک پشت برای Pan قربانی می شدند. مطابق عقاید موجود در آن زمان پرندگان گوشتخوار رساننده پیام های خدایان بوده اند. به همین دلیل است که عقاب در تمامی فرهنگها تقدیس خود را حفظ کرده و تا زمان حال نیز ادامه یافته است. پرندگانی همچون بلبل و کلاغ نیز بخاطر آوازشان به عنوان خبر دهنده و راوی برخی سخنان و وقایع روزهای آینده شناخته می شده اند.

سگ دوستی محبوب است. در مورد گربه تقریبا هیچ چیزی نوشته نشده و هیچ تاکیدی نیز بر آن نشده است. اسب با دقت و توج زیا تزئین می شده و موضوع تصاویر و نقاشی ها بوده است. اسبها به دلیل اینکه بر آنها سوار می شده اند، یکی از ارکان اصلی و جزء جدایی ناپذیر جنگها بوده اند یا به دلیل نقش مهمی که در مسابقات داشته اند آنقدر پر اهمیت و با ارزش به حساب می آمدند که به همراه نام ثروتمندان از آنها یاد می شده است.

در فرهنگ های یونان، روم و بیزانس قربانی کردن حیوانات بسیار خوشایند خدایان بوده است. مطابق با اعتقادات، در هر تمدنی حیوانی مناسب به منظور قربانی کردن برای هر رب النوعی وجود داشته است، همچنین باز هم مطابق با اعتقادات هر رب النوعی از حیوانی خاص خوشش می آمده است. چوپانان جوان کوههای Pindos این حیوانات خاص را هنگامی که هنوز کوچک بوده اند گرفته و آنها را با شیر گوسفند پرورش می دادند تا بعدها آنرا قربانی رب النوع آفرودیت نمایند.

اشکال آهو و گوزن از اشکالی هستند که در تزئینات دیوارها و گورها از آنها بسیار زیاد استفاده می شده است. در جزیره Delos مجسمه های شیری وجود دارد که برای تقدیم شدن به رب النوع بزرگی همانند Apollon ساخته شده اند. اشکال عقابها در کاخها، اتاقها و بر روی عصای شاهان و فرمانروایان بکار گرفته می شده است. استفاده کردن از اشکال و کنده کاری های شیرها و عقابها بر روی شمشیرها و خنجرها نشان هیبت و قدرت زیاد این حیوانات است که نظیر آن فقط در فرماندهان و فرمانروایان وجود دارد.

در دوره های قبل از تمدن یونان به موارد استفاده از اشکال و نمادهای گاو زیاد بر نمی خوریم. در تمدن های بعدی همانند روم و بیزانس گاو یکی از اشکالی است که بسیار از آن استفاده شده است. خوک با تمام زشتی اش حیوانی است که از نام آن برای توهین و تحقیر به دیگران استفاده شده است، اما به دلیل خصوصیات آن در تغذیه و تولید مثل بالا در بسیاری از مناطق دنیا جای مهمی در دامپروری داشته است.

اشکال حیواناتی همانند کبوتر، جوجه تیغی، شاهین، باز، شتر، خرس، اسب، فیل و نظایر

آن را در میان اشکال و تصاویر کشیده شده بر روی مرمرها و سنگها و صخره ها می توان دید. در کاخها، خانه ها، گورها و غیره از اشکال حیوانات استفاده می شده است. این اشکال گاهی منعکس کننده طرز زندگی یا مقام و منزلت فردی خاص بوده اند، مانند اشکالی که بر روی برخی سنگ قبره کشیده می شده، گاهی نیز به عنوان سمبل خدایان از آنها استفاده می شده است، و گاهی نیز برای علامت گذاری و نشان دادن مکان قبرها یا گنجها از آنها استفاده شده است.

اما در ارتباط با موضوع این کتاب، اشکال حیواناتی که برای نشان دادن محل گنجها استفاده شده اند خصوصیات ویژه ای دارند. برخی از اشکالی که در محل گنجها قرار داده می شوند از یک مژدگانی (پول کم یا گنجینه ای کوچک) خبر می دهند، برخی از آنها نیز نشان دهنده محل اصلی گنج هستند. در اینگونه علامت هایی که محل گنج را نشان می دهند اشکال حیواناتی انتخاب می شوند که از لحاظ خصوصیاتشان با ارزش و بزرگی گنج پنهان شده تناسب داشته باشند. بطور مثال یک حیوان در کنار یک، سه، پنج و یا هفت بچه اش اگر به تصویر کشیده شده است این تعداد بچه ها به هیچ وجه نشانگر یک پول زیاد یا گنج بزرگ نمی باشد. اینگونه اشکال حیوانات کوچک حتی اگر نشان دهندهٔ محل یک گنج باشند نشان یگ گنج پراکنده می تواند باشد، و یا یک مژدگانی فریب دهنده است، که پنهان کننده گنج به وسیله آن سعی کرده است که ذهن جستجو کننده گنج را از هدف اصلی منحرف کند.

مطابق برخی گفته ها اشکال شماره دار (فرزند دار) حیوانات، نشانگر شماره منطقه هستند. مثلا یک مرغ با پنج جوجه منطقه شماره پنج را نشان می دهد. در این رابطه بیشتر اشکال حیواناتی همچون مرغ با جوجه هایش، خوک با بچه هایش، خرس با توله هایش، شتر های پشت سرهم قرار گرفته در یک صف و نظایر آن استفاده می شود. هر کدام از این موارد را در زیر عنوان خودش به ترتیب توضیح خواهیم داد.

خصوصیت دیگر اشکال حیوانات، کنده کاری یا برجسته کاری بودن آنها است یا به تصویر کشیده شدن آنها بر روی صخره ها یا سنگ های مرمر. این اشکال اگر نشان یک دفینه می باشند از سویی نیز بیان کننده اهمیت دفینه یا اهمیت شخصی که آن دفینه را پنهان کرده یا اهمیت شخص مرده ای که اشیاء به عنوان هدیه در قبر او قرار داده شده است می باشند، در نتیجه در اغلب موارد اینگونه اشکال حیوانات اطلاعاتی درباره ارزش، مقدار و خصوصیات دفینه به ما می دهند.

نکته مهم در اینجا این است که گنج هایی که با اشکال کنده کاری شده حیوانات نشان داده

شده اند هیچ گاه به بزرگی گنج هایی نیستند که مجسمه ها یا اشکال برجسته کاری شده حیوانات به آن اشاره دارند. به همین دلیل بسیاری از جستجوگران گنج بخصوص به اشکال برجسته کاری شده حیوانات اهمیت می دهند.
تصاویر کنده کاری شده حیوانات متعلق به افراد فقیر یا طبقه متوسط می باشند و یا متعلق به دزدان و غارتگران هستند که از امکانات کافی برای ساختن آنها بهره مند نبوده اند. اما اشکالی که بصورت برجسته کاری بر روی سنگهای مرمر تصویر شده اند یک کار پر زحمت و با ارزش هستند و دفینه ای که به آن اشاره می کنند نیز به تناسب این اشکال بزرگ تر خواهند بود. در این موارد بجای کلمه دفینه بکار بردن کلمه گنجینه صحیح تر می باشد.
در این چارچوب قسمتی از اشکال حیوانات که بر روی سنگها و صخره ها و یا در مناطق مسکونی قدیمی با آنها روبرو می شویم را تا حد امکان در اینجا آورده و توضیح خواهیم داد. با این حال به یاد داشته باشید که همیشه به نتایج قطعی اشاره نخواهند داشت. ما تا حد امکان چه از نظر وجه علمی این کار و چه از نظر تجربیاتی که در این زمینه بدست آورده ایم شما را در این زمینه راهنمایی خواهیم کرد. اشکال حیوانات همانطور که در دوران های مختلف مفاهیم مختلفی داشته اند، گاهی در یک دوران خاص بخاطر تمدن های متفاوتی که از آنها استفاده می شده است مفاهیم متفاوتی را می رسانده اند. همچنین باید این موضوع را نیز در نظر داشته باشیم که این اشکال ممکن است در نتیجه نگاه شخصی یک فرد یا بر اساس منطق متفاوت دزدان و راهزنان و یا فقط برای گمراه کردن ایجاد شده باشند.

ماهی



یکی از سمبل های مسیحیت می باشد و مفاهیمی همچون فراوانی، برکت، غسل تعمید، قدرت تازه و نو شدن، و یا قربانی را به تصویر می کشد. گاهی شاهد مواردی از این شکل هستیم که با دقت و توجه زیادی بر روی سنگ ها و لوحه ها به تصویر کشیده شده اند.

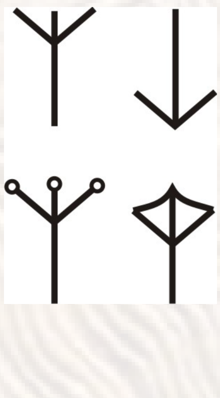
فرضیه های زیادی دربارهٔ اینکه چگونه و چرا مسیحیان شروع به استفاده از سمبل ماهی کردند وجود دارد اما قطعیت هیچکدام از این فرضیه ها به اثبات نرسیده است. از میان این فرضیه ها آنکه قوی ترین احتمال را در خود جای داده است، داستانی است که در متون مقدس آمده و در آن ماجرا حضرت عیسی (ع) بشکلی معجزه وار ۵۰۰۰ نفر را با نان و ماهی سیر کرده است. این سمبل که در نگاه اول شکل یک ماهی را خاطر نشان می کند، سمبلی رمز گونه و سرّی بوده که در دوران امپراتوری روم توسط مسیحیان اولیه استفاده می شده است. اولین مسیحیان که بخاطر اعتقادات دینی که داشتند خوار و حقیر شمرده می شدند، حتی در معرض آزارها و شکنجه ها قرار می گرفتند، از این سمبل در میان خودشان به عنوان یک وسیلهٔ آشنایی استفاده می کرده اند. قبل از دوران مسیحیت نیز سمبل ماهی در مفاهیم متفاوتی استفاده می شده است، یکی از این موارد استفاده از آن به عنوان سمبل برکت بوده است. اما مطابق یافته ها و معلوماتی که امروزه داریم می توان گفت کسانی که از این سمبل زیاد استفاده کرده اند مسیحیان اولیه بوده اند.

مطابق ادعای یک ریاضیدان به نام پیساگور (Pisagor) رقم اسرار آمیز ماهی عدد ۱۵۳ می باشد. طبق روایتی که در انجیل آمده است نیز هنگامی که حضرت عیسی (ع) در گرفتن ماهی به حواریون خود کمک می کرده، ۱۵۳ ماهی گرفته است.

بر این اساس روایاتی وجود دارد که اگر سمبل ماهی در جایی دیده شده یا با گنجینه ای در ارتباط باشد به تناسب محل نشانگر اندازه هایی همانند ۱۵۳ سانتی متر یا ۱۵۳ متر می باشد.

همچنین اگر از نظر موضوع گنج پژوهی به این سمبل نگاه کنیم، ممکن است گاهی نشان دهنده آب یا مکانی مرتبط با آب باشد، (مانند آب جاری، رودخانه یا دریاچه و امثال این) در هر صورت جایی که سمبل ماهی در آنجا پیدا شود به احتمال زیاد محلی است که قبری در آنجا وجود دارد.

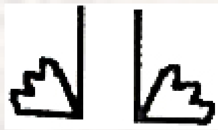
پای غاز و پای مرغ



پای مرغ یکی از علایمی است که بسیاری از محققان آن را در مفهوم خودش تعبیر می کنند. با توجه به علم نسب شناسی شکلی است علی رغم جوانی تاکید بر محافظت دنیا می کند. مفهوم یک انسان جوان اما عاقل و فهمیده را در بر دارد.

پای غاز علاوه بر این که بر هوشیاری و بیداری اشاره دارد، مفهوم جان و روح را نیز به تصویر می کشد.
شکل پای غاز از روی پرده میان انگشتان به راحتی شناخته می شود اما پای مرغ اینطور نمی باشد. شکل پاها همانند راه رفتن این حیوانات باید به ترتیب و پشت سر هم باشد.
در این ارتباط این سمبل ها را با سمبل های شبیه اینها که به تنهایی آورده می شوند و قبلا از آنها بحث کردیم مقایسه کنید.
شکل پای غاز اغلب اوقات با سمبل دیگری که سمبل گور خانوادگی می باشد (شکل در کتاب) اشتباه گرفته می شود. همچنین مطابق برخی از تجربیات می توان گفت پای غاز گاهی علامت و نشان برخی از دفینه ها و اشیای پنهان شده می باشد..
همچنین می توان گفت که پای غاز در بعضی موارد بخصوص در در دوران های آخر حکومت قاجاریان به عنوان علامت راهنمایی کننده به برخی مکانهای سری استفاده می شده است.

پنجه خرس



احتمالا به علت طرز فکرهای تاثیر پذیرفته از زندگی حیوانات، پنجه خرس با مفاهیمی چون محافظ جنگل، ناظر و مراقب جنگل در ارتباط است. این شکل سمبل شجاعت، دانایی، قدرت و برکت نیز می باشد.
مطابق با برخی از روایات گفته شده توسط جستجو گران گنج، هنگامی که این نقش به تنهایی و بر روی دیواره غاری یا در نزدیکی غاری و یا بر روی صخره ای پیدا شود، لازم است که در اطراف آن ناحیه به دنبال سمبل خرسی بگردیم که یک پای آن ناقص کشیده شده است. این نوع سمبل در زمینه گنج ها به عنوان سمبل «خرس لنگ» شناخته می شود که در جای دیگر و در زیر همین عنوان به بیان آن خواهیم پرداخت.

اسب



سمبل اسب به عنوان نشان تاریخی خورشید شناخته می شود.
باستان شناسان مدعی هستند که اسبها توسط انسان برای اولین بار در اوکراین اهلی شده اند.
این شکل سمبل ثروت، آسایش، فراوانی و سرعت می باشد.

سمبلی است که در ایران گاهگاهی با آن روبرو می شویم. در اینجا می خواهیم اهمیت خصوصیت وفاداری اسب را بیان کنیم که در بسیاری از موارد دلیل اصلی بکارگیری این سمبل نیز می باشد. همانطور که در مورد سمبل سگ نیز این موضوع صادق است، گاهی وجود اشکال سگ یا اسب بر روی سنگ قبر برخی افراد نشان دهنده ارتباط و دوستی بلند مدتی است که آن انسان با حیواناتی مانند اینها داشته است. این موضوع را در زیر عنوان خودش بیشتر توضیح خواهیم داد.

قوچ



این سمبل مخصوص مرد است و رهبریت و قدرت را نشان می دهد. این شکل که در بسیاری از سیستم های علامت گذاری اسفاده می شود سمبل اعتبار و عزم نیز می باشد.
اغلب در نزدیکی گور یا بر روی سنگ قبر مردانی استفاده می شود که در زمان حیات مقام ریاست داشته اند.

کبوتر



در زمینه باستان شناسی و در زمینه گنج پژوهی درباره کبوتر دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. همانطور که با حروف ابجد ارزش رقمی کلمات محاسبه می شود، مطابق ارزش رقمی حروف الفبای یونانی نیز کبوتر بیان کننده برخی مفاهیم مشخص می باشد.
کلمه Peristera در زبان یونان معادل کبوتر می باشد. مجموع ارزش رقمی حروف این کلمه برابر با رقم ۸۰۱ است. همچنین مجموع ارزش رقمی دو حرف آلفا و امگا که حروف اول و آخر الفبای قدیمی یونانی هستند برابر با ۸۰۱ است. در این وضعیت ارزش رقمی کلمه کبوتر و ارزش رقمی مجموع دو حرف آلفا و امگا با هم برابر می باشند.
وجود سمبل کبوتر بر روی یک سنگ قبر می تواند بیان کننده یکی از مفاهیم زیر باشد.
مطابق اعتقادات مسیحیت روح القدس در ظاهر یک کبوتر در حضور حضرت عیسی (ع)

ظاهر شده و مسئولیت پیامبری را به او سپرده است. در اینجا پاکی و تقدس کبوتر نمادینه شده است و برای جاودانه ساختن اعتقاد پیامبری حضرت عیسی (ع) نقش کبوتر بر روی سنگ قبر به تصویر کشیده شده است.
اما اگر از دید گنج پژوهی به این مطلب نگاه کنیم، تنها می توان این مطلب را بیان کرد که اگر تصویر یک کبوتر بر روی سنگ قبر شخصی بصورت زیبا و برجسته کاری شده بر روی مرمر به تصویر کشیده شده باشد بشکلی که این تصویر ارزش هنر نیز داشته باشد، می توان گفت که شخص دفن شده در آنجا از مقام و منزلت اجتماعی بالایی برخوردار بوده است و به همین دلیل نیز ممکن است در درون مزار او یا در همان نزدیکی هدایایی نیز به همراه او دفن کرده باشند.

عقاب



عقاب در تمام دوران ها نماد قدرت بوده است. در طول تاریخ و در بسیاری از تمدنها این حیوان را به عنوان سمبل قدرت، آزادی و اقتدار شناخته شده است. در زمان تمدن های روم، بیزانس و سلجوقیان عقاب در اشکال متفاوتی نشان داده می شده است، به عنوان مثال می توان عقاب دو سر، عقاب با بالهای باز یا با بالهای بسته و اشکال متفاوتی دیگری نظیر این. با تصاویر عقاب اغلب در مناطق مسکونی مربوط به تمدن روم و سلجوقیان بیشتر روبرو می شویم.
همانطور که عقاب سمبل قدرت و آزادی تمدن ها بوده است، ممکن است در زمینه گنجها نیز از تصاویر این پرنده استفاده شده باشد، در این حالت باید به برخی از نکات توجه داشته باشیم. تصویر عقاب باید در محل های مرتفع و صخره ای قرار گرفته باشد. این گونه سمبل ها گاه بصورت مجسمه این پرنده و گاه بصورت برجسته کاری بر روی سنگها هستند. در هر دو حالت محل پنهان شدن گنجینه در چشمان عقاب پنهان شده است. اینگونه دفینه ها را می بایست در اراضی خاکی و محل های باز جستجو کرد.
عقاب در تمام دوران ها نماد قدرت و اقتدار بوده است؛ در زمینه پول نیز این مطلب صادق است. این سمبل همیشه نشانگر پول زیاد می باشد. این گنجینه به احتمال زیاد اموال یک جنگجو یا فرمانروایی است که طرز استفاده از شمشیر را می دانسته است. اگر بر بالای تصویر عقاب نقش صلیب نیز وجود داشته باشد، به احتمال بسیار این گنجینه متعلق به زمان روم یا بیزانس می باشد. اگر عقاب با بالهای باز به تصویر کشیده شده باشد، این

ثروت پس از مرگ شخص و به منظور یاد بود او دفن شده است. آن محل مزار شخص مورد نظر نیست اما با این حال اشیایی همانند شمشیر، نقاب قبر، کلاه خود جنگی، و غیره متعلق به او همراه پولهای او دفن شده است.

بوسیله این تصاویر نمی توان تعیین مسافت نمود اما به احتمال زیاد یک علامت صلیب یا یک غار در جهت نگاه چشمان عقاب وجود دارد. در جهت نگاه عقاب یک دشت مسطح یا بقایای شهری قدیمی وجود ندارد، حتما باید منطقه ای صخره ای باشد. در باره این موضوع سخنان و روایاتی نیز وجود دارد که نمی توان از صحت آنها مطمئن بود با این حال ما این سخنان را در اینجا می آوریم:

• اگر بر بالای سر عقاب صلیب قرار داشته باشد آنجا مزار یک پادشاه یا شخصی صاحب قدرت می باشد.

• اگر بالهای عقاب باز باشد آن محل یک مزار نیست بلکه مکان یا لوحه یادبودی است که برای شخص مورد نظر ساخته شده است.

• اگر در نزدیکی تصویر عقاب قبر شخص مورد نظر قرار گرفته باشد، به همراه پیکر او اشیای شخصی اش (همانند شمشیر، زره و کلاه خود) نیز دفن شده است.

• اگر تصویر عقاب بشکل کنده کار شده باشد، در اینجا باید به دنبال علایم کنده کاری شده دیگری بگردیم که آ«ها نیز ما را به مکان گنج راهنمایی خواهند کرد.

در مورد عقاب توجه کردن به این موارد نیز می تواند مفید واقع گردد:

الف) اگر در تصویر عقاب شی گوی مانندی در میان پنجه های او قرار گرفته باشد، امکان دارد که آن تصویر نشان یک گورپشته باشد.

ب) اگر منقار بالایی عقاب بلند تر باشد، گنج پنهان شده را باید در طرف جلوی تصویر جستجو کرد، و در حالت عکس یعنی زمانی که نوک پایینی عقاب بلند باشد باید در پشت تصویر به دنبال گنجینه گشت.

ج) اگر چشمان عقاب بیش از حد معمول برجسته شده باشد در این حالت نز باید احتمال وجود گورپشته را در نظر گرفت.

تصویر عقابی که سر آن خمیده و رو به پایین باشد، تصاویری برجسته هستند که در اجتماع های ارمنی-رومی و بخصوص در کلیساها و میادین شهرهای آنان قرار داده می شده است و مفهوم «سر سلجوقیان را خم کردیم» را به همراه داشته است.

شتر



شکل شتر در فرهنگ های زمان قدیم استفاده می شده است. این حیوان بیشتر در مناطقی همانند آفریقا و خاور میانه نقش مهمی در زندگی روزانه مردم ایفا می کرده است و به همین دلیل در میان اشکال و سمبل های غربی زیاد استفاده نشده است. سرزمین ایران که از لحاظ جغرافیایی مابین شرق و غرب قرار گرفته است انسانها اهمیت زیادی برای این حیوان قائل شده و در زندگی روزانه خود جایی برای او در نظر گرفته است.

در حالی که در بعضی از مناطق کشورمان این حیوان نقش زیادی در زندگی انسانها ایفا نمی کرده است اما در بعضی از مناطق کشور به عنوان یک وسیله باربری یا سواری مشهور بوده و زیاد مورد استفاده قرار می گرفته است.

این حیوان که از لحاظ شکل فیزیکی و طرز نشستن و خوابیدن با بسیاری از حیوانات تفاوت های زیادی دارد، در طول زمان در میان انسان های کشورمان در علایم و تصاویر گنجینه ها نیز مورد استفاده قرار گرفته است و به علت شکل متفاوت جسمی اش در سمبل های زیادی از آن استفاده شده است. دلایل اصلی استفاده شدن تصویر شتر در زمینه گنجها را می توان در سه خصوصیت این حیوان خلاصه کرد.

۱. همانطور که می دانیم شتر جز جدایی ناپذیر کاروانها بوده است. بارها بر پشت شتر قرار داده می شده و توسط ساربان بوسیله زنجیرهایی هدایت می شده اند

۲. شاخص ترین خصوصیت شترها کوهان های آنهاست که به تعداد یک یا دو عدد بر پشت آنها قرار گرفته است.

۳. یک خصوصیت کمتر شناخته شده شتر نیز این است که رفتاری که با او می شود را فراموش نمی کند، بر همین اساس هم می تواند بسیار وفادار باشد و هم می تواند کینه توز باشد.

در اینجا هم می خواهیم به مواردی اشاره کنیم که چرا شتر در سمبل هایی که در زمینه گنجها از اهمیت بالایی بر خوردار بوده است.

۱-به دلایلی که گفتیم از تصاویر شتر در تمدنهایی همانند روم و بیزانس و غیره استفاده نمی شده است. در میان سمبلهای مسیحیت نیز جای قابل ملاحظه ای اشغال نکرده است. در سمبل های غیر دینی غربی نیز به آن بر نمی خوریم، سمبلی است که خاص مناطق ایران و اطراف آن می باشد و با زندگی انسانهای این مناطق در ارتباط است.

خصوصیت بار بری شتر باعث شده است تا بصورت نماد حیوانی شناخته شود که بارهایی ارزشمند بر پشتش حمل می کند. در این خصوص پنهان کنندگان گنجینه ها در جزئیات مختلف سمبل این حیوان معانی مختلفی قرار داده اند.

الف) اگر شتر در حال راه رفتن به تصویر کشیده شده باشد این بدان معنی است که برای رسیدن به هدف باید مسافت بیشتری طی شود، مسیر این مسافت نیز در جهتی که شتر راه می رود خواهد بود.

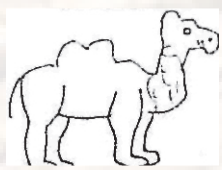
ب) در مسیری که در جهت حرکت شتر طی می شود باید حتما علامت دیگری به عنوان علامت آخر وجود داشته باشد. این علامت ممکن است تصویر شتری باشد که نشسته است، یا علامت یک صلیب، کنده کاری خاصی بر روی یک صخره یا سنگ، یک علامت ضربدر، یا علایم مشخص دیگری نظیر اینها.

ج) این علامت نهایی به تناسب شرایط محیط و اراضی اطراف ممکن است در فاصله ۱۱، ۲۱ الی ۴۰ قدمی قرار گرفته باشد.

د) اگر تصویر چوپان یا ساربانی که شترها را می کشد در شکل وجود داشته باشد، در این حالت احتمالا زنجیری نیز در شکل وجود خواهد داشت. ممکن است تعداد حلقه های زنجیر نشان دهنده تعداد قدمهایی باشد که باید برای رسیدن به علامت نهایی طی شود.

ه) اگر زنجیر وجود ندارد هرگونه اشکال موجود بر روی شتر یا ساربان مانند تعداد خطوط یا نقاط جزئیات روی آنها ممکن است بیان کننده مسافت باشد، به همین دلیل جزئیات تصویر باید به خوبی بررسی گردد.

و) اگر شتر در حال نشسته تصویر شده باشد، این بدان معنا است که گنجینه در همان نزدیکی پنهان شده است.

۲-  همانطور که می دانیم شتر یک حیوان کوهان دار است، برخی از حیوانات به دلیل ساختار کلی و برخی نیز به دلیل اعضاء و خصوصیات خاصی که دارند اندیشه خاصی را منعکس کرده و به شکل سمبل در می آیند.

کوهان شتر ممکن است به پشته ای(تل خاکی)اشاره کند. این پشته یک مزار نبوده و تنها برای مشخص کردن محل اشیاء پنهان شده ساخته شده است. این پشته می تواند پشته ای از سنگها باشد یا هرگونه ساختاری که در آن محل جلب توجه نماید

۳- به موضوع وفاداری و کینه توزی شتر اشاره ای کردیم. این خصوصیت شتر را در این

سمبل اینطور می توان توضیح داد که، سمبل برای کسی که آن را می شناسد چیزهای زیادی را بصورت آشکارا بیان می کند. او هم می تواند اسرار شما را به مدت های طولانی حفظ نماید و در عین حال چیزهایی را که در خود مخفی نگه داشته است در عین بی زبانی آشکار سازد، اما هنگامی که آن را نشناخته و زبانش را ندانید، در اینجا خاموش و رازدار بوده و هیچ چیزی بیان نمی کند.

بخاطر همین خصوصیت وفا و رازداری است که شتر در سمبل گنجینه ها استفاده شده است. در محلی که شتر قرار دارد گنجینه ای نیز ممکن است وجود داشته باشد، اما برای یافتن آن گنجینه باید آن شتر را بشناسید و بتوانید با او ارتباط برقرار کنید.

از سمبل شتر اقلیت های مختلف همچنین دزدان و راهزنان نیز استفاده می کرده اند. اگر شتر بار داشته باشد احتمالا در نزدیکی گنجینه ای وجود دارد، (اموال غارت شده ممکن است در جایی همانند چاه، چشمه یا کاروانسرایی در آن نزدیکی پنهان شده باشد.) اگر باری نداشته باشد ممکن است هیچ چیزی در آن اطراف وجود نداشته باشد و تنها نشان دهنده مسیر کاروان باشد. در سمبل شتر تصویر شتر نشسته اهمیت ویژه ای دارد. بار شتر احتمالا در آن حوالی پنهان شده است. ممکن است در چاه، غار، شکاف صخره و نظایر آن پنهان شده باشد.

اگر تصویر شتر در داخل غاری قرار داشته باشد، فرقی نمی کند که ایستاده باشد یا نشسته، اشیاء پنهان شده در داخل غار قرار دارد.

در مورد شتر این موارد را به خاطر داشته باشید:

– اگر باری بر روی آن باشد به معنای پر بودن و وجود چیزی است.

– اگر شتر باری نداشته باشد به معنای خالی بودن است، یعنی بر روی مسیر کاروان قرار دارید.

– اگر در داخل غار باشد، اشیاء پنهان شده در غار پنهان است.

– اگر شتر نشسته باشد اشیاء در آن نزدیکی پنهان شده است.

–اگر در حال راه رفتن است، شما نیز در همان مسیر به راه رفتن ادامه دهید.

سگ

یکی از سمبل ها و اشکال یونانی است. معمولا بر روی سنگ قبرها به چشم می خورد. بر روی دیوارها یا سنگ های مرمر به ندرت دیده می شود. بیشتر بر روی سنگها و صخره های روی زمین بصورت نقوش برجسته یا کنده کاری شده به چشم می خورد. بیشتر

بصورت کنده کاری شده با آن مواجه می شویم. از زمان تمدن یونان استفاده شده و به بیزانس راه یافته است.
جهت نگاهش یا جهت قرار گرفتن سر آن محل قبر را نشان می دهد. مسافت بین آن و قبر مورد نظر معمولا بین ۳ الی ۷ قدم می باشد. اگر سگ بر روی زمین دراز کشیده باشد مزار در همانجا قرار دارد. ممکن است در داخل مزار هدایایی نیز باشد اما از روی این سمبل نمی توان آن را فهمید زیرا این سمبل تنها بخاطر اعتقادات دینی استفاده می شده است. در مورد قبر انسانهای سالخورده ای که مورد احترام و محبوب انسانها بوده اند استفاده می شده است.
شاید تصویر سگی که در وضعیت آماده باش و نگهبانی به تصویر کشیده شده باشد نگهبان اشیائی پنهان شده باشد. احتمالا شیء مورد نظر در زیر تصویر سگ یا در یکی دو قدمی آن قرار دارد. اینگونه اشیاء حتما در زیر خاک پنهان شده اند.
سگ بخاطر وفا و صداقتش در یونان باستان و به دنبال آن در بیزانس دوست بسیار محبوبی بوده است. در آن زمانها گربه تقریبا شناخته نمی شده و از آن در تصاویر استفاده نمی کرده اند.

خروس



خروس به عنوان طلسم آینده خوب و بخت خوش شناخته می شود. در زمانهای ماقبل تاریخ آنرا مرتبط با طلوع آفتاب می دانسته اند.
در برخی سیستمها بیانگر دقت، توجه و بیداری است. به عنوان سمبل مردانگی است که تنها و بدون جفت نیز نمی ماند، به همین دلیل ممکن است در اطراف سمبل آن سنگها یا صخره هایی بصورت ردیفی وجود داشته باشد که تمثیل کننده مرغ ها (جفت های او) می باشند.
همچنین در محل یک قبرستان خانوادگی برای نشان دادن قبر پدر خانواده یا اعضای خانواده نیز ممکن است بکار رفته باشد.

اسب

در دوران باستان حیوانات زیادی از جنبه دینی مورد احترام قرار می گرفته اند. بسیاری از حیوانات بخاطر تقدیس خاصی که داشته اند برای نشان دادن خدایان مورد استفاده قرار گرفته اند، و یا همانطور که در بسیاری از جاها رایج بوده است برای خدایان قربانی می شده اند. بطور مثال اسب حیوانی بوده است که برای رب النوع Hera قربانی می شده است.

اسب حیوانی است که با وفا و صداقتش شناخته شده و خدمتگذار انسان بوده است. اما چیزی که موضوع ما را تشکیل می دهد تجلی خصوصیات وفا و خدمتگذاری آن در زمینه دیگری می باشد.

همانطور که می دانیم در افسانه ها از اسب تروا (Troy) بحث می شود. آنطور که روایت می شود سربازان یونانی در داخل اسبی چوبی پنهان شده و بدین طریق شهر تروا را فتح کرده اند. اگر سمبل اسب در زمینه گنجینه ها مفهومی دارد باید برای فهمیدن آن مفهوم از این زاویه به موضوع نگاه کرد.

تصاویر اسب بصورت کنده کاری شده یا برجسته کاری می تواند باشد. تا به امروز تمام تصاویر دیده شده از اسبها در ابعاد بزرگ بوده اند. موضوع مهم در اینجا این است که آیا اسب نشان محل گنج می باشد یا نمی باشد.

اگر بر روی سنگی کی بصورت افقی بر سطح زمین قرار گرفته است به تصویر کشیده شده باشد و هیچ شکل دیگری نیز در کنارش نباشد، در اینجا نشان قبری است که در آن نزدیکی قرار دارد. به عنوان پول و گنج هم هر چیزی که در داخل قبر گذاشته باشند همان است.

اگر بر روی صخره ای بصورت کنده کاری یا برجسته کاری به تصویر کشیده شده باشد، به شکلی که خطی افقی نیز در زیر پاهای آن کشیده شده باشد یا پاهای اسب بصورت چرخ هایی گرد تصویر شده باشد در اینصورت این تصویر همان اسب تروا می باشد که داخل شکم آن نیز خالی نیست. شاید به گنج کوچکی و یا به احتمال زیاد به یک نقشه اشاره دارد.

گفته می شود اگر اسب به گونه ای تصویر شده باشد که یکی از پاهای آن (پای جلو) در هوا باشد، کار حفاری باید درست در همان جا انجام گیرد. این تصویر بیانگر این است که اسب در آنجا ایستاده و به چیزی در آن نقطه اشاره می کند.

شاید اگر اسب در حال راه رفتن کشیده شده باشد، در آن صورت شیء پنهان شده در نقطه ای جلوتر و در همان مسیری که اسب راه می رود قرار داشته باشد.

مرغ



سمبل مرغ در زمینه گنج مستقیما با پول و طلا در ارتباط است. این حیوان مطابق علایم باستان سمبل باروری و بسیار زایی نیز می باشد.مرغ در قبالا (کابالا) و در برخی از متون مذهبی حمل کننده تخم مرغ طلسم شده است.

در میان جستجو گران گنج گفته می شود که در جایی که سمبل مرغ قرار دارد باید به دنبال یک سنگی گشت که تمثیل گر تخم مرغ می باشد. گفته می شود سمبل مرغ و سنگی که به عنوان تخم مرغ آن مرغ است به گنجینه ای متعلق به دزدان اشاره دارد یا مکان متروکه ای متعلق به ارمنی ها را نشان می دهد. گفته می شود در زیر آن پول و جواهرات وجود دارد. همچنین گفته می شود که «سمبل مرغ بصورت تنها یا به همراه جوجه هایش یکی از آن سمبلهایی است که بیشترین استفاده را در زمینه گنجینه ها دارند. چه به تنهایی و چه در کنار جوجه هایش نشان حتمی یک گنجینه می باشد. در فرهنگهای بیزانس و ارمنی بسیار زیاد از آن استفاده شده است. مفاهیم این سمبل نسبت به اقوام و تمدن هایی که از آن استفاده کرده اند متفاوت است اما در حالت کلی بدون گمراه کردن جستجو کننده او را به گنجینه می رساند. کافی است که محل مورد نظر قبلا توسط کس دیگری پیدا نشده و اشیاء پنهان در آنجا برداشته نشده باشد.

در مورد مفاهیم سمبل مرغ و جوجه هایش می توان گفت:

معمولا گروه هایی در تعداد فرد بر روی دیوارها یا دیواره صخره های (ضخره های عمودی) و گروه هایی در تعداد زوج بر روی زمین یا بر روی صخره های روی زمین (افقی) به تصویر کشیده شده اند. بطور مثال یک مرغ به همراه ۵ جوجه اش یک گروح زوج را تشکیل می دهند و بر روی زمین رسم می شوند، یا یک مرغ به همراه ٦ جوجه اش تعداد ۷ را تشکیل داده و یک گروه فرد هستند که بر روی دیواره صخره ها کشیده می شوند.

اگر بر روی زمین تنها سر یک مرغ تصویر شده باشد و هیچ نقش دیگری هم غیر از آن وجود نداشته باشد، آن تصویر به طور حتم یک اتاق زیر زمینی را نشان می دهد. در صورتی که تصویر گفته شده بر روی زمین باشد اتاق درست در زیر تصویر قرار دارد.

اگر یک مرغ بصورت کامل و بر روی یک صخره افقی تصویر شده باشد، هنگامی که از

دور به آن صخره نگاه کنیم خود صخره نیز شباهت به مرغ خواهد داشت. در این حالت قسمتی از صخره که نشان دهنده منقار مرغ است را مشخص کرده و در جهت همان منقار بر روی زمین باید سنگی را جستجو کنیم که احتمالاً گنجینه در زیر آن قرار دارد. این سنگ ممکن است کوچک یا بزرگ باشد.

یک مرغ تنها گاهی نیز همانند تصویر گاوی که زنگوله ای بر گردن دارد نشان دهنده مقدار پول کمی است که به آن مژدگانی گویند. گاهی نیز از داخل تصویر یک مرغ ممکن است یک نقشه بیرون آید.

گاه در تصاویر مرغ به همراه جوجه هایش، در اطراف تصویر مرغ یا اطراف صخره ای که به شکل مرغ است به تعداد جوجه ها ممکن است سنگ کوچک یا بزرگ بر روی زمین قرار گرفته باشد که در زیر آن سنگ ها یعنی به تعداد جوجه ها در آنجا گنجینه وجود دارد. در اینگونه موارد دفینه ها در عمق زیادی نبوده و درست در زیر سنگ ها قرار دارند. تصویر مرغ به همراه جوجه هایش به عنوان نشان قبرستان های خانوادگی نیز ممکن است استفاده شده باشد، در اینصورت در آن ناحیه به تعداد جوجه ها باید قبر وجود داشته باشد. اگر در تصویر تنها یک جوجه وجود داشته و آن جوجه نیز در زیر بال چپ مرغ باشد، درست در زیر همان صخره ای که تصویر بر روی آن کشیده شده است قبری وجود دارد. اینگونه قبرها خالی نمی باشند.

اگر در تصویر جوجه بر پشت مرغ سوار شده باشد، این تصویر به احتمال زیاد نشان دهنده یک دفینه است. در اینجا باید به جهت سر جوجه دقت شود. در جهت نوک جوجه و در فاصله حداکثر ۵۰ متری باید به دنبال صخره ای باشیم که به شکل مرغ یا منقار مرغ باشد. اگر تصویر نوک بالایی مرغ بلند تر از نوک پایینی باشد، گنجینه در در جهت سر مرغ و در فاصله حداکثر ۵۰ متری قرار دارد، اگر نوک پایینی دراز تر باشد، گنجینه را در جهت خلاف سر مرغ باید جستجو کرد.»

گوزن



سمبل دیندار بودن است و سمبلی است که مفهوم وابستگی را می رساند. این سمبل بیان می کند که شخصی که شکل گوزن برای او به تصویر کشیده شده است، اعتماد خدا را به خودش جلب کرده است. این دیدگاه وجه دینی این سمبل می باشد.

این سمبل همچنین شکلی است تاریخی در فرهنگی که Trypilljan نامیده می شود. این سمبل در این فرهنگ نماد ریاست، پیروزی، شادی و سرور و مردانگی است.
می گویند هنگامی که می خواستند دختری را برای آرتمیس قربانی کنند، آرتمیس دلش به رحم آمده و بجای آن دختر گوزنی قرار داده است و بدین ترتیب دختر نجات پیدا کرده و آرتمیس او را به عنوان راهبه به همراه خود به Tauris برده است.
بخاطر همین افسانه بر روی سنگ قبر زن ها تصویر سر گوزن یا آهو می کشیده اند تا آرتمیس او را گرفته و نزدیکش باشد. تصاویر گوزن اغلب بر روی سنگ قبرها به تصویر کشیده شده اند.
از دید باستان شناسی و نظرات و گفته های گنج پژوهان نیز (هرچند علمی نباشد) می توانیم اینگونه به موضوع نگاه کنیم: شاخهای گسترده شده و شاخه شاخه شدهٔ گوزن بخاطر شکلی که دارد مطابق طرز فکر مردم دوران باستان بیانگر یک دالان و تونل زیر زمینی می باشد.
این سمبل سمبلی نیست که به گنج اشاره کند. یعنی اگر تصویر گوزن وجود داشته باشد نمی توانیم بگوییم که حتما گنج هم وجود دارد. اما از آنجایی که این شکل ممکن است نشان قبر زن مهمی باشد؛ محل ارزش بررسی را خواهد داشت. حداقل ممکن است در درون قبر یا در کنار آن اشیاء و هدایای ارزشمندی دفن شده باشد.
توضیح: برای اینکه اجازه حفاری در محل قبرها داده نمی شود، در اینگونه مکانها ابتدا می توان محل را بوسیله تجهیزات بررسی کرده و در صورت وجود چنین اشیائی اقدام به گرفتن مجوز نمود.

پرنده



سمبلی است که در ایران زیاد با آن روبرو نمی شویم. اینطور فرض می کنیم که گاهی با سمبل مرغ نیز ممکن است اشتباه گرفته شود.
در سمبلیسم گونه های مختلف پرنده مژده دهنده بهار شناخته می شوند. در میان مردم چلچله شناخته شده ترین پرنده خبر دهنده بهار می باشد، لک لک تمثیل کننده از راه

رسیدن کودکی تازه متولد شده می باشد، چکاوک بهر را به مزارع می آورد، بلبل آمدن بهار را در باغ و بستان اعلان می کند، و اردک ها و غازها آمدن بهار را به دریاچه ها و رودخانه ها خبر می دهند.
در اینجا هم روایتی ضعیف و غیر قطعی را می خواهیم بیان کنیم: بخاطر خصوصیت تخمگذاری که در تمامی پرندگان وجود دارد در مورد سمبل پرنده نیز همانند موضوعی که درباره سمبل مرغ بیان کردیم گاهی گفته می شود که در محل وجود این سمبل باید یک صخره یا سنگ تنها که تمثیل کننده تخم پرنده می باشد را در منطقه جستجو کرد.
منظور از تخم پرنده در اینجا زرده داخل آن است و این زرده هم بخاطر رنگی که دارد معادل مفهوم طلا می باشد.

حلزون



حلزون در تمام دوران ها نماد تغییر و تجدد فصلها، یعنی نماد تولد دوباره بوده است. مطابق داستانی در افسانه ها یونان، شاه یونان مینوس (Minos) به کسی که بتواند نخی را از داخل پوسته حلزونی رد کند وعده پاداش می دهد. صنعتگری به نام دائیدالوس (Daidalos) موفق به انجام این کار می شود. اتفاق در افسانه به این صورت تعریف می شود: «از پوسته یک حلزون چطور می توان نخی را رد کرد؟ کافی است نخ را به پای یک مورچه ببندیم، مورچه راه خروج را پیدا خواهد کرد.
دائیدالوس شخصی است که طرح اولین کاخ حلزونی شکل که ساختاری پیچ در پیچ داشته است را کشیده و آن را به شاه هدیه کرده است. شاه این طرح را بسیار می پسندد و دستور ساختن آن را می دهد.
بعدها در میان کسانی که زندگی های اسرار آمیز داشتند یا در میان کسانی که با امور دفاع از حکومت در ارتباط بودند ساختن اینگونه بناهای تو در تو (هزارتو) رواج زیادی پیدا کرد. این بناها گاه در زیر زمین بصورت تونل هایی تو در تو و گاه بر روی زمین بصورت دیوارها و اتاقهایی حلزونی ساخته می شدند.
با سمبل حلزونی شکل در خانه ها یا شهرهای قدیمی زیاد روبرو نمی شویم، بیشتر در اراضی طبیعی به چشم می خورند و نشان دهنده تونل ها و ساختارهای زیر زمینی می باشند. در نزدیکی اینگونه سمبل ها، یک صخره با ظاهری طبیعی، یک چاه آب، یا یک برآمدگی یا فرو رفتگی وجود دارد که محل ورود به داخل آن تونلها می باشد. این ورودی

می بایست پیدا شود.

همانطور که در سمبل ۵۳ نیز بیان کردیم اینگونه ساختارهای زیر زمینی قطعا دو نقطه ورودی دارند. این تونل های زیر زمینی بخاطر امنیت یا نقل و انتقال جز جدایی ناپذیر زندگی انسانها در دوران باستان بوده اند.

طبق طرز فکر انسانهای تمدن های قدیم در داخل محلی مانند این تونل ها ممکن است اشیایی مانند جواهرات و مروارید پنهان شده باشد.

سمبل ها و اشکال حیواناتی که در مناطق و اراضی مختلف با آنها روبرو می شویم ممکن است درست همانند خود حیوان تصویر نشده باشند اما طوری رسم می شوند که تمثیل کننده خصوصیات نسبت داده شده به آن حیوانات باشند. این سمبل (شکل در کتاب – ص ۱۳۷) که از نظر علم کیمیا سمبل آهن می باشد، هنگامی که در طبیعت پیدا شود در نگاه اول انسان را به یاد حلزون و در نتیجه آن به یاد طلا می اندازد.

گاو نر



ثور یا گاو نر یکی از صورت های فلکی (برج) منطقه البروج (Zodiac) است. هیتی ها برای زن ها سمبل گاو نر را بکار می برده اند. گاو نر در عین حال سمبل زیاد شدن (ازدیاد – تولید) می باشد، در میان هیتی ها زن تمثیل گر ازدیاد بوده است، آنها برای نشان دادن مفهوم ازدیاد از سمبل گاو نر استفاده می کرده اند. همانند شیر، گاو نر نیز نماد قدرت است.

در جستجوی گنج با این سمبل زیاد روبرو می شویم اما پیدا کردن گنج از روی این سمبل چیزی جز خیال پوچ نمی باشد. تصویر گاو نر بیشتر در معابد و عبادتخانه ها و بر روی سنگ قبر افراد قدرتمند و صاحب مقام و منزلت بالا استفاده می شده است نه در محل گنج ها.

این شکل در مناطق مختلف نماد اصالت، دانایی و پیروزی نیز می باشد، همچنین نشان دهنده قهرمانی و ریاست نیز می باشد.

طبق افسانه ها روموس و رومولوس دو برادر بوده اند. از میان این دو نفر، رومولوس به کمک گاو آهنی که به دو گاو نر سفید بسته شده بود محل دیوارها و مرزهای شهر را

بر روی زمین می کشد. جزای کسی که از این خط مقدس عبور کند مرگ خواهد بود. روموس که قبلا نیز از برادر خود شکست خورده بود، از این دیوار نمادین عبور می کند و برادر بزرگترش رومولوس او را می کشد. بدین ترتیب رومولوس تنها فرد صاحب اقتدار می شود.

بعدها خطی که رومولوس به کمک گاو آهن به دور شهر (رم) کشیده بود به عنوان یک محافظ جادویی برای شهر شناخته می شود. مطابق باورها خدایان زیر زمین از این جا به سطح زمین می آمده اند. این داستان از طرف رومیان در طول سالیان دراز و تا زمان سرنگونی امپراتوری روم برای محافظت از شهرها تعریف می شده است. این باور در طول اعصار طولانی دچار تغییر و تحولاتی شده و منشاء اعتقادات دیگری نیز می شود.

این سمبل در محل پنهان کردن اشیاء مختلف و دفینه ها نیز استفاده شده است. منشاء این شکل که در زمان یونان باستان با آن بسیاز زیاد روبرو می شویم از اتروریا می باشد. در زمان رومی ها نیز در اشکال متفاوت بسیار استفاده شده است.

باور بر این بوده است که گاو نر چشم میترا و اهورا مزدا بوده و دنیا بوسیله او اداره می شده است. مطابق عقاید، میترا جانشین خدای خدایان شده و در مجادله بزرگ میان خوبی و بدی شرکت کرده و پیروز شده است. میترا پس از پیروزی، گاو نر بزرگی که نمونه نخستین طبیعت شناخته می شود را قربانی کرده است. بخاطر قربانی شدن این گاو نر طبیعت حاصلخیزی خود را بدست آورده است.

اشکال گاو نر بیشتر بر روی سنگ قبرها و یا در ها و دروازه ها به چشم می خورد از این رو در محل این اشکال به احتمال زیاد با قبر انسان یافت خواهد شد.

گاو نر



نشان رسمی Nova Nordisk، گاو مقدس تمدن مصر یعنی آپیس (Apis) می باشد. آپیس در تمدن مصر خالق کائنات، محافظ شهر ممفیس بوده است و به عنوان شکل دوباره به دنیا آمده خدای صنعتگران Ptah شناخته می شده است.در طراحی نشان از یک مجسمه مصری مربوط به سالهای ۳۲۳-٦٤٤ قبل از میلاد استفاده شده است. تزئینات بر روی مجسمه نماد دو نیمه مساوی زندگی، شب و روز، مرگ و زندگی می باشد.

سمبل و نقش برجسته گاو نر در بسیاری از مناطق کشورمان به چشم می خورد. این سمبل ها و تصاویر را باید به عنوان یک فرهنگ دینی انتقال یافته از مصر به ایران در نظر گفت، در غیر اینصورت جستجوی گنج بر مبنای اینگونه سمبل ها چیزی جز خیال باطل نمی باشد.

خرچنگ



از اشکال خرچنگ در بسیاری از تمدن ها و در مقاصد مختلف استفاده شده است. در تمام مقاصدی که از این سمبل استفاده شده است یه وجه مشترک وجود دارد و آن وجه مشترک خبر دادن از مفاهیمی همچون «خطر» و «دقت کنید» می باشد.

محل هایی که از سمبل خرچنگ و یا عقرب در آنجا استفاده شده است مکان هایی هستند که در تمدن های گذشته نوعی طلسم و جادو بر روی آنها وجود داشته است. در بسیاری از جادوگری ها و امور ماوراء الطبیعه قدیمی می توان این موضوع را بصورت آشکار مشاهده کرد.

وجود آب در اطراف محلی جادو شده مطابق با طبیعت این حیوان می باشد. به همین دلیل همانند مطلبی که در مورد سمبل ماهی نیز صادق است، در محلی که سمبل خرچنگ وجود دارد یک دریاچه، باتلاق یا آبگیر وجود دارد.

در مورد خرچنگ مطلبی قطعی وجود دارد و آن مطلب نیز این است: در نزدیکی (خیلی نزدیک) خطری وجود دارد. این محل ها مناطقی مسطح نمی باشند به همین دلیل در هنگام بررسی و جستجوی محل می بایست خیلی با دقت عمل کرد.

مطابق تحقیقاتی که داشتیم و اطلاعاتی که در این موضوع بدست آوردیم، پول های پنهان شده ای که از سمبل خرچنگ برای علامت گذاری آنها استفاده شده است ممکن است در محل آسیاب ها نیز مخفی شده باشند. اگر تصویر خرچنگ بزرگ بوده و بر روی آن صلیب وجود داشته باشد، منظور این تصویر خود خرچنگ می باشد. ممکن است جایی که تصویر بر روی آن قرار دارد یک دریچه باشد.

خوک و بچه هایش

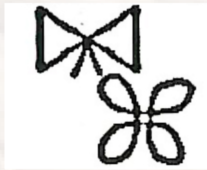


یکی از مهم ترین سمبل های موضوع گنجها نیز این است. مواجه شدن با اشکال و تصاویر برجسته یا کنده کاری شده خوک در بسیاری از مناطق کشورمان امکان پذیر است. همانطور که می دانیم خوک حیوانی است که با خصوصیت تولید مثل بالا و بسیار زایی شناخته می شود. در طول تاریخ بسیاری از الهه ها یا زن های مقدس با همین خصوصیت بسیار زایی شناخته شده اند.

جد رومی ها Aineias بعد از پایه گذاری روم به منظور ایجاد شدن روم بزرگ یک ماده خوک سفید را برای خدایان قربانی می کند. درست در هنگام قربانی کردن سی بچه خوک متولد می شوند که نشانه آسایش روم تلقی می شود. این یک افسانه است، اما طرز فکر موجود در این داستان در طول اعصار طولانی زنده مانده و به فرهنگ ها و تمدن های بعدی سرایت کرده است. در زمینه جستجوی گنج، گفته می شود که تصویر ماده خوک سفید به همراه بچه هایش به پولی از جنس نقره اشاره می کند. اگر بچه خوک ها به دنبال هم صف کشیده باشند و یکی از آنها به سمت مخالف برگشته باشد، در اینصورت پول در زیر صخره ای که در جهت خلاف ایستادن بچه خوکها و در فاصله حدودا سی الی چهل متری قرار دارد پنهان شده است. این پول در عمق زیاد پنهان شده است. اگر بچه ها در اطراف خوک مادر قرار گرفته باشند، پول در همان فاصله گفته شده اما در جهت ایستادن مادر قرار دارد. این پول معمولا پول میراث است و جنس آن از طلا می باشد.

اگر سمبل خوک به پول اشاره کند، پیدا کردن این پول خیلی سخت می باشد. اغلب در خاک و در عمق زیاد دفن شده است. بین موضوع سمبل خوک و بچه هایش و سمبل مرغ و جوجه هایش به نوعی ارتباط وجود دارد، به مطالبی که درباره مرغ و جوجه هایش بیان کردیم مراجعه کنید.از دوران باستان تا زمان های اخیر، از تصویر خوک بر روی اجسام و وزنه هایی که در وزن کردن بکار گرفته می شده اند نیز استفاده می شده است. امروزه گاهی اینگونه اجسام که اغلب از جنس برنج می باشند توسط برخی از جستجوگران گنج پیدا می شود، این افراد به گمان اینکه طلا یافته ان قصد فروش اینها را می کنند، در صورتی که اینها چیزی جز وزنه نیستند. تعداد بچه خوک های موجود بر روی این وزنه ها نیز یک نوع مقیاس اندازه گیری وزن می باشند، مقیاس هایی نظیر گرم و کیلوگرم که ما امروزه از آنها استفاده می کنیم.

پروانه



شکل پروانه شادی و خوشحالی کودکان را به تصویر می کشد. پروانه نماد تعالی روح به سمت جاودانگی و ابدیت می باشد علاوه بر اینها این شکل به ما خاطرنشان می کند که ظرافت و زیبایی مهم تر از محتوا و درون می باشد. از این سمبل ممکن است بر روی سنگ قبر یک کودک استفاده شده باشد.

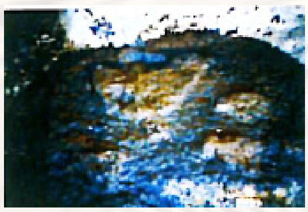
پروانه گاهی نیز سمبل زندگی طولانی پس از مرگ می باشد. تغییر شکل لارو (کرم پروانه) به یک پروانه در بسیاری از ادوار زمان باستان به عنوان یک تغییر قابل توجه شناخته می شده است.

شتر با بار



شکل شتر یکی از اشکال مهم در زمینه گنج ها می باشد. با توجه به موضوع چند نوع شکل مختلف شتر داریم. در این شکل ما تصویر یک شتر که بر روی آن بار قرار دارد را می بینیم. شتری که بار دارد یک نشان یک گنجینه مهم می باشد. برای اطلاعات بیشتر به سمبل شتر (صفحه ۱۳۲ در کتاب) مراجعه نمایید.

مرغ با سه جوجه



در فرهنگ های ارمنی و بیزانی زیاد استفاده شده است. با توجه به اقوامی که از آن استفاده کرده اند مفاهیم متفاوتی را می رساند اما در حالت کلی برای نشان دادن قبرهای خانوادگی و یا پول‌های مخفی استفاده شده است. برای اطلاعات بیشتر از سمبل مرغ (به صفحات قبل کتاب) مراجعه کنید.

نقش برجسته اسب



این شکل نماد ثروت، آسایش، فراوانی و سرعت می باشد. خصوصیت صداقت و وفاداری اسب در بسیاری از موارد دلیل اصلی بکارگیری این سمبل می باشد. گاهی وجود اشکال سگ یا اسب بر روی سنگ قبر برخی افراد نشان دهنده ارتباط و دوستی بلند مدتی است که آن انسان با این حیوانات داشته است.

نقش برجسته ماهی



نقش ماهی علاوه بر اینکه نشان دهنده مبلغ زیاد پول می تواند باشد، به عنوان سمبل در مسیحیت نیز زیاد استفاده شده است. تصویری که در اینجا مشاهده می کنید این موضوع را بیان می کند که مکان پنجره شکل موجود در جهت شکل ماهی به عنوان مکان پنهان کردن اشیائی استفاده می شده است. در مورد تصاویری مانند این در صورت اخذ مجوز های لازم از طرف افراد زیادی می تواند بررسی شود. جزئیات بیشتر در مورد ماهی در زیر عنوان خودش آورده شده است.

لاک پشت



در این صخره که در تصویر مشاهده می کنید با سوراخ کردن قسمت جلوی سنگ و قرار دادن یک تکه استوانه ای شکل در آنجا صخره به شکلی شبیه به یک لاک پشت در آورده شده است. اگر بخواهیم در مورد وضعیت خاص این شکل، یعنی لاک پشتی که دست ها و پاهایش را به درون لاک خود کشیده است نظر دهیم، می توان گفت که در فاصله ۵ الی سی متری در جهت سر لاک پشت یک برآمدگی یا فرو رفتگی یا صخره ای که جلب توجه

می کند قرار دارد. چیز پنهان شده را باید در زیر آن جستجو کرد.

شمشیر و الاغ



نشان دهنده قبر شخصی است که طرز استفاده از شمشیر را می دانسته و همچنین به کار کشاورزی مشغول بوده است. قبر در جهت سر شمشیر و یا در جای دیگری در همان نزدیکی قرار دارد.

ماهی



این تصویر معمولا بر روی صخره های اطراف رودخانه ها یا دریاچه ها کشیده می شود. ممکن است چیزی در ارتباط با آب در آنجا دیده نشود اما این احتمال را در نظر داشته باشید که زمانی در آنجا دریاچه یا رودخانه یا برکه ای وجود داشته و در طول گذشت زمان خشک شده است. اندازه شکل و جهت قرار گرفتن ماهی با موضوع گفته شده در ارتباط است. در باره ماهی در زیر عنوان خودش بیشتر توضیح داده ایم.

مار و گل بابونه



این شکل از وجود یک گورپشته(تل خاکی)در آن حوالی خبر می دهد. اگر به دم مار توجه کنید می بینید که به آن شکل خاصی داده شده و جهتی را نشان می دهد. بکار بردن مار و بابونه در این شکل بیانگر این موضوع است که قبر مورد نظر مزار شخصی است که صاحب مقام و منزلت بالایی بوده است، شخصی همانند پادشاه، ملکه یا حاکم و فرمانروای یک منطقه.

لاک پشت



می توان گفت این لاک پشت عظیمی که در شکل می بینید یکی از نمونه های قابل توجه سمبلیزم بدوی می باشد. توسط بسیاری از تمدن های کشورمان مقدس شمرده شده است. یکی از مهم ترین دلایل مقدس شمرده شدن لاک پشت اشکال شش گوش روی لاک آن است. این شکل در اقوام قدیمی نماد بسیار زایی بوده است و همچنین از نظر رقمی بیانگر یکی از خصوصیات رقم شش، یعنی عمر طولانی می باشد. در شکلی که در اینجا ملاحظه می کنید دو مستطیل کنده کاری شده بر پشت لاک پشت نشان دهنده دو قبر است که در کنار آن قرار گرفته است.

عقرب



نشان دهنده گنجینه ای است که دستیابی به آن بسیار مشکل خواهد بود. اینگونه محل ها نیازمند بررسی های دقیق و طولانی می باشد. عقرب نشان خطر نیز می باشد. اینگونه گنجینه ها اغلب در زیر حوضچه ها و مخازن آب، در چاه های آب و یا در یک انبار یا اتاق زیر زمینی پنهان شده اند. در جاهایی که آب آسیاب های آبی از آنجا خارج می شود می توان به با اشکال عقرب روبرو شد. اگر تصویر عقرب در داخل غار باشد، گنجینه در دالانی که در اعماق غار ساخته شده است قرار دارد و باید با دقت بسیار به آن نزدیک شد.

خرس



همانند برخی حیوانات خرس نیز اغلب سمبل پول می باشد، اما در این رابطه نظرات متفاوت زیادی وجود دارد. اگر بر روی بینی خرس تصویر حلقه ای دیده شود علامت

دومی می بایست جستجو شود. سمبلی شناخته شده به نام «خرس لنگ» نیز وجود دارد که یک پا ندارد، در مورد این سمبل باید در مناطق اطراف به دنبال تصویر پای بریده شده آن بگردیم. پای سالم کنار پای لنگ را اندازه گیری کنید، به همان اندازه و در جهت سر خرس به جلو بروید (قدم؟). در آنجا علایمی نظیر +، C، \، و یا Ω خواهید دید. این علامت ها نیز دنباله داشته و به علایم دیگر راهنمایی می کنند. توسط شخص آگاهی باید خوانده شده و تفسیر گردد. خاکی بودن یا صخره ای بودن محل نیز مهم است. دفینه از جنس طلا یا نقره می باشد.

اژدها



در مورد اینگونه موجوداتی که نوعی ترس را بیان می کنند، گنجینه اغلب در درون خود آنها قرار گرفته است. در اشکالی شبیه دایناسور، سوسمار و اژدها، شیء پنهان شده به احتمال زیاد در زیر قسمت شانه قرار دارد؛ ممکن است در زیر گوش یا قسمتهای پایین گردن نیز قرار داشته باشد. اگر جاهای گفته شده شکسته شده باشند، شیء توسط کس دیگری برداشته شده است.

اسب با سوار



این شکل در صورتی که بیانگر مفهوم و معنای خاصی نباشد و فقط به عنوان یک علامت بکار رفته باشد، در جهت سوار یا اسب باید سنگ دیگری جستجو شود. شیء پنهان شده درست در زیر یا در کنار آن سنگ قرار دارد. اگر دم اسب بلند شده باشد در جت دم اسب و در جایی که پیدا کردن آن آسان است گنجینه کوچک یا پول کمی (مژدگانی) قرار دارد. شیئی که در دست سوارکار قرار دارد یا اشکالی بر روی لباس او می تواند نشان دهنده جنس گنجینه و فاصله محل پنهان شدن آن باشد. بر روی سوارکار حتما نشانه و علامتی که جهت پنهان شدن گنج را نشان می دهد وجود دارد، مهم ترین علامت نیز دست سوارکار است یا شیئی که سوارکار در دست گرفته است. بررسی شدن

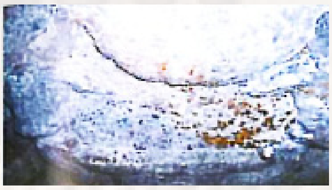
شکل از طرف یک فرد متخصص یا یک باستان شناس نتایج بهتری در بر خواهد داشت.

شاهین – طغان



نشان پول جنگجویان یا راهزنان می باشد. معمولاً در اماکن سربسته (مسقف) قرار دارد. جهت نگاه شاهین و طغان مهم می باشد.
شاهین پرنده ای است که غذایش را خودش شکار می کند و می خورد. گوشت یا حیوان جانداری که با دست به آن داده شود را قبول ندارد و نمی خورد. در مورد گنجینه ها نیز باید اینطور اندیشید که ممکن است روی گنجینه بسته شده باشد یا تله هایی در محل وجود داشته باشد. گنجینه ای شاهین و طغان به آن اشاره می کنند بزرگ و سنگین است. در همان منطقه علاوه بر گنجینه اصلی گنجینه کوچکتری (مژدگانی) نیز وجود دارد. اگر این اشکال در داخل غاری قرار گرفته باشند، در آن غار باید محلی تنور مانند را جستجو کرد، گنجینه در زیر آن محل تنور پنهان شده است.

دو گوساله روبروی هم



جستجوگران گنج تصویر دو گساله که به همدیگر نگاه می کنند را با نام «دو گاو نر» می‌شناسند. این شکل به پول اشاره می کند. کمتر از ۵۰ درصد جنس این پول را نقره تشکیل می دهد و به نام «نقرهٔ پست» شناخته می شود. این پول از نوع سکه هایی است که در قرن پنجم قبل از میلاد استفاده می شده و به آن Billon می گفته اند. وزن این سکه ها ۱۱/۲۰ گرم و قطر آن ۲۰ میلی متر است.

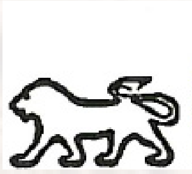
نقش عقاب



اگر با دقت به تصویر نگاه کنید متوجه شکل عقابی که بر روی صخره نقش داده اند خواهید شد. عقاب در تمام زمانها نماد قدرت بوده است. در مورد موضوع پول نیز همین موضوع صادق است. عقاب سمبل رب النوع زمان باستان، زئوس بوده است،

همچنین به عنوان سمبل پادشاه و فرمانروا نیز استفاده شده است. در زیر عنوان خودش مطالب بیشتری در مورد سمبل عقاب بیان شد.

شیر

بخشی از سمبلیسم قرون وسطی می باشد. شیر هم یکی از سمبل های حضرت عیسی (ع) می باشد.

حضرت عیسی (ع) در تصاویر و مجسمه های زیادی به عنوان یک شیر یا انسانی همانند شیر به تصویر کشیده شده است. به این دلیل که حضرت عیسی (ع) را به عنوان پسر خدا می شناسند و بخاطر خصوصیات جسارت، قدرت و فرمانروایی او، تمثیل او بوسیله شکل شیر یک موضوع متداول می باشد.

پیدا شدن مجسمه های شیر در مسیرها یا ورودی های خرابه های باقی مانده از کاخ های دوران باستان امری است که زیاد اتفاق می افتد. در صورت مواجه شدن با یکی از این مجسمه ها باید بدانید که آنجا راه ورود به کاخ می باشد. (راه شیر) این مجسمه ها هیچگاه تک نبوده، بصورت جفت قرار داده می شدن. در صورت پیدا شدن یک مجسمه، مجسمه دیگری نیز باید در همان نزدیکی وجود داشته باشد.

طاووس



هنگامی که طاووس پرهای دم خود را باز می کند گویی چشمان بسیاری به انسان نگاه می کنند. اینها همانند تصاویر چشمی هستند که بر روی سنگ قبرها به تصویر کشیده می شوند.

همانند افسانه ای که پس از مرگ شخص زنده می ماند، طاووس و تصویری که طاووس با باز کردن دم خود ایجاد می کند، به نوعی نمایانگر جاودانگی است. هنگامی که به اشکال دایروی روی دم طاووس به عنوان یک سمبل نگاه کنیم، هر کدام از این دایره ها به عنوان

نماد گردش بی پایان و حیات ابدی در پیش روی ما ظاهر می شوند.
به همین دلیل است که طاووس به عنوان سمبل حیات ابدی شناخته شده و یکی از سمبل های مسیحیت نیز می باشد.
در فسانه های یونان هرا، خواهر و همسر زئوس است. هرا زنی حسود است که معشوقان زمینی شوهر عشقباز خود را زیر نظر دارد و بخاطر این مسئله همیشه با او دعوا می کند. به عنوان حافظ و نگهبان ازدواج و مادری در نزد تمام یونانیان مقدس شمرده می شده است. طاووس نیز بوسیله او تقدیس شده است. طاووس با همین وجه خود در فرهنگ کشورمان جای گرفته است و بر روی مزارها نقش آن دیده می شود.
نقش طاووس ممکن است بر روی یک مزار و یا در ورودی یک قبرستان پیدا شود. یکی از سمبل های رایج آیین های پس از مرگ است.

مار



تصویر ۱

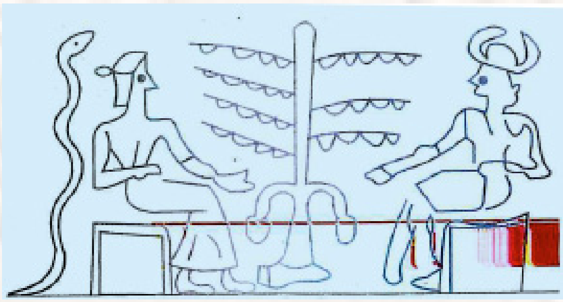
سمبل مار نیز سمبلی ایست که از زمانهای باستان به زمان ما راه یافته است. اطلاعات قطعی در مورد اینکه اولین بار توسط چه کسانی و در چه دوره ای از تاریخ استفاده شده است وجود ندارد، اما در بسیاری از مناطق دنیا و توسط بسیاری از تمدنها و برای نمادینه کردن اندیشه های مختلف استفاده شده است.
این سمبل در بسیاری از دورانهای گذشته در زمینه هایی همانند جادوگری، طب، موضوعات اجتماعی که با مفاهیم تولد و مرگ در ارتباط بوده اند، در شاخه های مختلف علم نسب شناسی، و در زمانهای اخیر در زمینه گنج، در مفاهیم متفاوت استفاده شده است.
در طول دورانهای بلند تاریخ اشکال مار در جاهای مختلفی همانند معابد، بر روی صخره ها و کوهها، در مجسمه ها، در نقاشی ها و بر روی سکه ها استفاده شده و همواره جای مهمی در زندگی انسانها اشغال کرده است. مفاهیم بیان شده توسط مار بسیار زیاد هستند.
اگر تنها به عنوان یک سمبل استفاده شده در زمینه گنج ها به آن نگاه کنیم، این دیدگاه بسیار اشتباه خواهد بود.

به همین دلیل پرداختن به این موضوع که در طول تاریخ این سمبل به چه مقاصدی بر روی صخره ها و دیوارها به تصویر کشیده شده است را مفید می دانیم.
در حدود سه هزار سال قبل از میلاد مسیح و در میان تمدن سومریان نقش مار معادل و هم مفهوم باروری و بسیار زایی بوده است. در تمدن سومریان اگر مفهوم بسیار زایی در جایی، مثلا در مورد یک الهه استفاده می شده است، نقش مار نیز حتما در آنجا وجود دارد. مفهومی که سمبل مار در تمدن سومر بدست آورده است امروزه هنوز در سمبل طب به چشم می خورد، زیرا آنها نیز در متون طبی خود از اشکال مار استفاده می کرده اند.
تمدن های زیاد دیگری نیز همانند سومریان از سمبل مار در مفاهیم طب، باروری و بسیار زایی استفاده کرده اند. اشکال مار در شمال آفریقا، در سرزمینهای شرق دور همانند چین و هندوستان، در میان تمدن های قدیمی قاره آمریکا همچون آزتک ها و اینکاها، در اروپا و در ایران زمین دائما استفاده شده است.
تصویر دو مار نر و ماده بر روی یک قبر آرزوی داشتن یک زندگی منظم پس از مرگ برای کسی که در آنجا خاک شده است را به تصویر می کشد.



تصویر ۲

در تمدن های قدیم مارها به درون اندیشه های آن مردم در مورد خدایان نیز راه یافته اند. ما می توانیم اینگونه طرز تفکر را بر روی نقوش سکه های استفاده شده توسط آن مردم ببنیم. (تصویر ۲)برای اینکه مار یکی از سمبل های اصلی باروری و بسیار زایی می باشد، به همراه الهه های تمثیل کننده باروری و بسیار زایی در تصاویر دیده می شود. تعداد اینگونه تصاویری که از مار به عنوان سمبل در آن استفاده شده است بسیار زیاد می باشد. (تصویر ۳)



تصویر۳

مار با مفاهیم مختلفی که در خود جای داده است در زندگی انسان جای بسیار مهمی را اشغال کرده است، به همین دلیل مار یکی از مهم ترین سمبل های جهانی می باشد. مار در بسیاری از مناطق دنیا محافظ و نگهبان خانه ها و خانواده ها شناخته می شده، هنگامی که این حیوان که خوش یمن نیز به حساب می آمده است در داخل سوراخ دیوار خانه ها دیده می شده است، کاری با آن نداشته اند و آزاری به او نمی رسانده اند.

در بسیاری از فرهنگ های دوران های باستان مار به عنوان موجود بارور کننده زن ها شناخته می شده است. یونانیان کودکانی که غسل تعمید نشده بودند را Drakoi یعنی مارها می نامیدند، این نیز نشات گرفته از مان اعتقاداتی است که در بالا بیان کردیم. در یونان و تمدنهای وابسته به آن کودکان را تا زمانی که غسل تعمید نمی شدند از نسل و ریشه مار می شمردند.

الهه های مصریان و سومریان، همچنین آتنا و الهه کرت همیشه به همراه مارها به تصویر کشیده می شدند.

یکی از باورهای مشترک دیگر در مورد مار این بوده است که مردگان در جسم مار در می آمده و بدین طریق دوباره زنده می شده اند. اندیشه ای که اساس این اعتقاد را تشکیل می داده این است که برای اینکه انسان بتواند دوباره زنده شود مار خود را فدای او می کرده است تا زندگی جدیدی آغاز گردد. هنگامی که به بررسی باورهای موجود در مورد مار بپردازید، در میان باورهای انسانها و جوامع نخستین همیشه این اعتقاد مشترک به چشم می خورد. وجود سمبل مار برروی سنگ قبرها که انتظار تولد دوباره را به تصویر می کشیده است از همین منطق انسانهای اولیه ناشی می شود.

با توجه به تمام چیزهایی که تا به اینجا در مورد مار بیان کردیم، ما نمی گوییم در محلی که تصویر مار دیده شود گنج وجود ندارد، فقط می گوییم که در مورد اینکه آیا در اینگونه محل ها گنج وجود دارد یا نه، باید بسیار با دقت بود.

آن دسته از سمبلهای مار که در دوران باستان استفاده می شده و با موضوع تولد یا مرگ مرتبط بوده اند، هیچ ارتباطی با آن دسته از سمبل های مار که در دوران های بعد به عنوان علامت گنجینه ها از آنها استفاده می شده است ندارند.

پس از آوردن تمام این مطالب، در اینجا قصد داریم به توضیح آن سمبل ماری که در تصویر ۱ می بینید بپردازیم.

همانطور که در شکل دیده می شود نقش دو مار که به همدیگر نگاه می کنند در اینجا به تصویر کشیده شده است. می توان گفت که در اینجا هر کدام از آن دو مار متعلق به یک

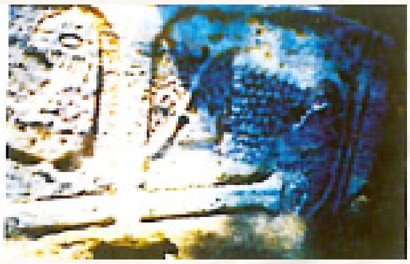
خانواده یا قبیله متفاوت می باشند. چیزی که گفتیم شامل این بیان نیز می شود که مارها نشان دو گورپشته هستند که افرادی که در آنجا خاک شده اند از نسل دو خاندان مختلف می باشند.

ممکن است دو مار متعلق به دو قبیله مختلف نباشند، ممکن است متعلق به دو پادشاه یا حکمران مختلف از یک نسل یکسان باشند. در هر صورت این دو نفر در دو قبر جداگانه دفن شده اند و قبرها نیز از نوع گورپشته (تل خاکی) هستند و این دو مار هم به این دو قبر اشاره می کنند.

وجود دو گورپشته را می توان از قوسی که به بدن این مارها داده شده و شکل کلی بدن آنها را بوجود آورده است فهمید. آن اشکال دایروی که بوسیله انحنای بدن این مارها تشکیل شده اند هم نشان دهنده چالهٔ (قبر) کنده شده در زمین می باشند که به عنوان سمبلی عمومی برای مزارها بکار می روند و هم سمبل هایی هستند که وجود قبر در داخل دو پشته (گورپشته) را نشان می دهند.

مکانی که این دو گورپشته در آن قرار گرفته اند در عین حال یک قبرستان نیز می باشد. وجود قبرهای دیگر در این قبرستان را نیز می توان از روی اشکال برجسته لوزی و مستطیل شکلی که در میان تصویر دو مار قرار دارند فهمید. در آن محل به تعداد چهارضلعی ها قبر وجود دارد.

سمور



تصویر ۱



تصویر ۲

در این تصاویر با یکی از حیوانات موجود در طبیعت روبرو هستیم. ممکن است در نگاه اول این تصاویر هیچ چیز خاصی را بیان نکنند اما در اصل این نقش موضوعات زیادی در ارتباط با انسان های دوران باستان را به تصویر کشیده است.

در تصویر ۱ شکل صلیب جرج قدیس (St. George) را می توان دید، گرچه قسمت پایین صلیب در شکل وجود ندارد اما از روی از شکل دیگر قسمت های آن می توان ساختار کلی آن را فهمید. این صلیب مفاهیمی چون ابدیت و محافظت شدن در برابر

جادوها و بدی ها را در خود دارد، همچنین در امان ماندن از شر انسانهایی با نیات بد نیز از مفاهیمی است که این صلیب بیان می کند.

در مورد تحلیل قسمت های دیگر شکل، اولین چیز وجود شکل حیوانی شبیه به سمور می باشد. این موضوع که تصاویر صلیب و سمور بصورت برجسته هستند، نه بصورت کنده کاری، همانطور که در پایین توضیح خواهیم داد بیانگر این موضوع است که شخص مرتبط با این تصویر صاحب مقام و منزلت اجتماعی بالایی بوده است.

حیوان موجود در تصویر سرش را به سمت عقب برگردانده و به نقطه خاصی نگاه می کند. جهت نگاه در سمت جهت دم می باشد و دم نیز در حالت پیچ خورده به تصویر کشیده شده است. این پیچیدگی دم نشانگر یک دالان و یا ساختاری پیچ در پیچ در زیر زمین می باشد. این بدین مفهوم است که تونلی که به یک مرکز راه دارد وجود دارد و ورودی این تونل را نیز باید در جهت نگاه حیوان جستجو کرد.

اگر یک ورودی به داخل یک تونل وجود داشته باشد باید این سوال را از خودمان بپرسیم که این تونل در نهایت ما را به چه نقطه ای خواهد رساند. جواب این سوال نیز در شکل چشم حیوان که بصورت برجسته به تصویر کشیده شده، نهفته است. اگر با دقت نگاه کنیم این چشم بدون شک نشانگر قبری گورپشته(تل خاکی)مانند می باشد.

آخرین نکته ای که در این تصویر جلب توجه می کند به تصویر کشیده شدن پاهای عقبی حیوان در سطحی بالاتر از پاهای جلویی آن است، به گونه ای که گویی چیزی در میان پاهای خود گرفته و از آن محافظت می کند. این موضوع نیز احتمال دارد نشان یک طلسم یا جادو در آن محل باشد.

اما در طرف راست تصویر؛ در چارچوب سمت راست یک خوشه گندم به همراه شاخه و دو برگ آن به تصویر کشیده شده است. در اینجا فقط این تصاویر گفته شده به چشم نمی خورند، غیر از اینها اشکالی دیگری نیز وجود دارند که در دوران باستان نشان دهنده مفهوم جنسیت بوده اند.

حال این قسمت از تصویر را بررسی می کنیم؛ انتخاب تصویر انگور در اینجا بخاطر ارتباط این میوه با شراب است. شراب نیز در مسیحیت نماد خون مقدس حضرت عیسی (ع) می باشد. انگور در اینجا با حضرت عیسی (ع) در ارتباط است و بیانگر این موضوع می باشد که شخص خاک شده در اینجا به حضرت عیسی (ع) سپرده شده است.

خوشه گندم بیان کننده مفهوم شمارش بی انتها (به دلیل دانه های زیاد آن) می باشد. جاودانگی و ازل و ابد را در ارتباط با حضرت عیسی (ع) بیان می کند. در اینجا خوشه

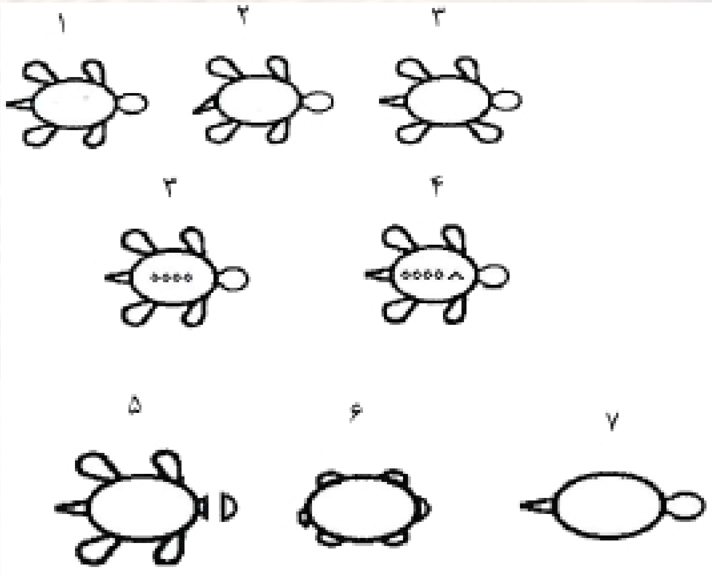
انگور به همراه مفهوم شراب که بیانگر خون حضرت عیسی (ع) است، تمثیل کننده رستگاری در ابدیت می باشد.
دو برگ به تصویر کشیده شده در بالا و پایین شاخه انگور چیزی جز بیان این مطلب نیست که در داخل گورپشته(تل خاکی)دو انسان به خاک سپرده شده اند. در مورد ساختار قبر این انسانها هیچ چیز در این تصاویر وجود ندارد. اما شاید بتوان از روی ظرافت این تصاویر گفت که ممکن است آن دو مزار به شکل لحد باشند.
اما در این تصویر هویت این دو شخص را باید از روی چه چیزی مشخص کنیم؟
در قسمت ابتدایی شاخه گندم سمبل هایی به تصویر کشیده شده اند که امروزه نیز به عنوان سمبل های نشان دهنده جنسیت استفاده می شوند. این سمبل ها ♂⨀ ♁ و مشابهات آنها همیشه و در بسیاری از مناطق دنیا تمثیل کننده زن و مرد بوده اند. در اینجا نیز بر اساس همین مفهوم و طرز فکر احتمال دارد این قبرها متعلق به یک پادشاه و یک ملکه باشند.

لاک پشت



لاک پشت یکی از گونه های جالب سمبلیسم ابتدایی می باشد. لاک پشت توسط بسیاری از تمدن های کشورمان مقدس شمرده شده است. یکی از مهم ترین دلایل مقدس شمرده شدن لاک پشت اشکال شش گوش روی لاک آن است. شکل شش گوش در اقوام قدیمی نماد بسیار زایی بوده است و یکی از مفاهیم بیان شده توسط عدد شش نیز عمر طولانی می باشد. بر اساس چیزهایی که گفته شد لاک پشت هم نماد بسیار زایی و هم نماد عمر طولانی بوده است.
اشکال شش گوش بیان کننده زیاد شدن بی پایان نیز می توانند باشند، بدین ترتیب که هر شکل شش گوش به اشکال شش گوش دیگر تقسیم می شود و این کار همینطور ادامه پیدا می کند، این تعریف چیزی است مشابه تقسیم سلولی.
به لاک پشت می توان از جهات گوناگون نگاه کرد، که اولین آنها اشکال شش گوش روی لاک آن می باشد. اما در زمینه گنج ها این سمبل از جهات دیگری اهمیت پیدا می کند. به

خصوصیات مشخص این حیوان معانی مختلفی نسبت داده شده است. اگر از شکل لاک پشت به عنوان علامت یک گنجینه استفاده شده باشد موضوعی که در اینجا لازم است به آن دقت شود این است که در اینگونه موارد در محل بطور حتم یک تونل، دالان، یا یک غار با مسیری طولانی وجود دارد. اشکال لاک پشتی که در شکل زیر داده شده است هر کدام با هم تفاوت داشته و در نتیجه مفاهیم متفاوتی بیان می کنند. (به سر و، دم و پاهای حیوان دقت کنید) تصویر لاک پشت چه بصورت نقش برجسته باشد و چه بصورت کنده کاری، تصویر از لحظ شکلی که دارد خیلی مهم است. هر شکل و علامتی که در زمینه گنجینه ها از آن استفاده می شود یک سری مفاهیم را بیان می کند. در هنگام بکار گیری اشکال حیوانات نیز خصوصیات مشخص آن حیوانات در نظر گرفته می شود و تصاویر با همین منطق کشیده می شوند.



۱. در جهت سر پیش بروید.

۲. در راستای دم پیش بروید.

۳. در جهت پای راست جلویی یک مانع (سنگ) وجود دارد.

٤. گنجینه در پشت لاک پشت پنهان است.

۵. گنجینه در قسمت جلوی پشت لاک (در محل علامت ۸) پنهان است.

٦. در جهت سر مانعی (تونل) وجود دارد. پس از پشت سر گذاشتن مانع باید دوباره در جهت قبلی حرکت کرد. (جهت درست می بایست دوباره تعیین گردد.)

۷. سر، دم و پاها در داخل لاک قرار گرفته اند. یک مورد خطرناک وجود دارد. (تله)

۸. پاها در داخل لاک قرار گرفته اند. در همینجا بایست و در جهت سر لاک پشت محل را بررسی کن.

معانی سمبل‌ها و نشانه‌ها

جای پا





جای پا شاید پر طالب ترین و شناخته شده ترین سمبل از نظر جستجوکنندگان گنج باشد با توجه به کشف آثار پا در میان اراضی، اگر بگوییم که انسانهای طالب گنج اکثر عمر خود را در این راه سپری کردهاند سخن به گزاف نگفته ایم.

فرورفتگی هایی که به دنبال فرسایش طبیعی، برف، باران و علل مختلف دیگر بعد از مدتها در روی صخرههای آهکی مشاهده شده اند نیز به اشتباه از طرف این گروه به عنوان جای پا تلقی می گردند.

تصاویر پایی که در شکل مشاهده می شود برای یک پا ترسیم شده اند. این علامت در بین جستجوکنندگان گنج به نام «تک پا» معروف است. اگر به تصویر بزرگ دقت کنیم، در پایین یک جای پا و درست در بالای آن علامت فلش نشان دهنده جهت موجود است. آنچه که قصد داریم از این تصویر به جستجوکنندگان گنج بفهمانیم این است: «خوب نگاه کنید، علامت باید چنین باشد».محموله مخفی که با علامت بزرگ بایستی پیدا شود، دقیقا ۱۰ قدم بعد از آن است. دومین «تک پا» نیز علامتی است که با انگشتانش مشخص شده و امانت آن نیز در فاصله ۱۱ قدمی است.

تک پا:



تصویر ۲



تصویر ۱

اثر یک پا یکی نشانه‌هایی است که هم چاره‌ساز بوده و هم گنج پژوه را بیشتر از گذشته مصصم می‌گرداند «تک پا» فقط و فقط با انگشتانش ترسیم می شود. فرورفتگی‌های طبیعی

شبیه به پا (یا مانند اثر کف کفش)بیشتر وقتها با سمبل پا اشتباه گرفته می شود.
در فاصله ۳ الی۷ و یا ۱۰ قدمی جهتی که انگشتان پا نشان می‌دهد، به احتمال زیاد می توان گنجی پیدا کرد.(البته در این خصوص بعضی ها ۱۱۱ قدم نیز گفته اند) اگر بر روی انگشت شصت برآمدگی مثل دانه نخود یا عدس باشد، ٤٠ الی ۷۰ و یا ۱۱۱ قدم رو به جلوی پا، به طور حتم دفینه‌ای موجود است.شکل پای مربوط به احتمال وجود گنج (شکل ۱) هم همانطور که مشاهده می کنید بایستی بر روی یک صخره صاف که روی زمین است، نقش زده باشد. ضمنا یک علامت پا در کنار یک پناهگاه می تواند به عنوان سمبل تمدنهای قدیمی بوده و خبر از وجود یک خانه عمومی باشد.
تصویر پایی که بر روی سنگ قبرهای مرمری به صورت برآمدگی نقش بسته باشد با فرد مرده مرتبط بوده و گوشهای از زندگانی اوست. ارتباطی به گنج ندارد. آنچه در تصویر شماره ۲ مشاهده می کنید نشانگر همین امر است. یکی از گنج یابان معروف قدیمی که اطلاعات زیر را نیز از ایشان اخذ کرده‌ایم، بر اهمیت این اطلاعات تاکید می کند. عبارات ایشان را همانگونه که نقل کرده برایتان می‌آوریم:
«یک پا جهت را نشان می دهد. تک پا اگر بر روی صخره ثابت روی زمین باشد، قابل تامل و بررسی است، با مشاهده دقیق در جهت انگشتان پا به دنبال یک برآمدگی تپه مانند کوچک باشد به سمت چپ نگاه کنید، اگر پای راست باشد طرف راست را بگردید. اگر علامت دوم را که علامت «ثانی» گفته می شود نیابید، اشیای مخفی را نیز نخواهید یافت. مسافت مورد نظر معمولا از ۳ قدم کمتر نیست. در اکثر مواقع تک پا به طرز بسیار حساس و دقیقی اندازه گرفته می شود. هر سانتی مترش ۷۸-۷۲ سانتی متر محاسبه می گردد. یک واحد اندازه گیری دیگر هم در استقامت تک پا؛ ۱۰ قدم و هر قدم به ازای ۱۲۰ سانتیمتر میباشد.اگر رد پا در غار پیدا شود، چنانچه در کف، سقف و یا دیواره‌ها این نقش دیده شود، به احتمال زیاد در فاصله‌ای نزدیک تله‌ای که با فشار پا به کار بیفتد، طراحی شده است. این تله‌ها خطرناک هستند. اصولاً در غارهایی که علامت رد پا، کشف گرددو ماسه در آنجا زیاد است مثل بعضی از تومولوسها «تپه‌های کوچک خاکی». اگر در غاری انگشتان پای کشف شده به صورت باز بوده باشند، تله‌های موجود بیش از یک عدد است. در نشانهٔ جای پا که در کنار هم قرار داشته باشند می‌بایست پاهای خود را بر، جای پاها قرار داده و در جهت دیدتان هر چیز متغیری که دیدید با منطق خود بررسی کنید و دنبال نمایید. به طور حتم چیزی که جلب نظر کند پیدا خواهید کرد. این روش را دنبال کن تا موفق شوی، از مهارت خود استفاده کن.»

کوزه:



هر کسی که با گنج سرو کار دارد یا ندارد، مخصوصا کشاورزان اکثرا در زمینهای زراعی خود گاه و بیگاه به کوزه‌هایی از گل پخته برخورد کردهاند. این کوزه‌ها معمولا خالی هستند. از داخل آنها ممکن است رنگ روناس، ماسه نرم الک شده و یا تکه فلز و یا استخوان خارج شود. وجود یک کوزه خالی در زمین میتواند نشانه‌ای از وجود یک مزار در اطراف باشد. این مزارها بعضا به صورت بلوکی و یا از گل ساخته می شوند. به طور مثال، وجود دو عدد کوزه خالی در اطراف، احتمالا نشانگر وجود دو تل خاکی Tumulus در جهت شرقی- غربی می باشد. اشیای داخل این کوزه‌ها، درباره فرد مدفون در داخل تومولوس و زندگی آنها اطلاعاتی را در اختیارمان میگذارند.

کشف هر نوع کوزه‌ای در زمین، نمی تواند به منزله وجود پول در آنجا تلقی شود. بررسی زمینهای اطراف محل کشف، جستجوکننده گنج را به نقطه مطمئنی سوق خواهد داد.

سنگ نشیمن(سنگ صندلی):





علیرغم قدمت زیاد این نوع سنگها، با در نظر گرفتن انتقادات سیستم Frigya، الهه مورد نظر این اعتقاد که در کوه‌ها و صخره‌ها در حال گردش است، برای نشستن از این سنگهایی که برایش مثل نشیمن یا مبل ساخته شده، استفاده می کند. لکن از همین اثر جستجوکنندگان گنج نیز استفاده کرده اند.

انسانهایی که در اطراف این سنگها زندگی می کردند، با توجه به منطقه احاطه کننده اطراف، از این سنگ به عنوان نوک ثابت پرگار استفاده کرده و بر طبق منطق مشخصی گنجهای خود را دفن می کردند. این امر بسیار طبیعی به نظر می رسد. زیرا وجود نقاط ثابت پرگار به عنوان یکی از مهمترین و اصول اولیه گنج یابی برای دفن کننده و جستجوکننده بوده و

می‌بایستی با دقت خاص مورد زیر نظر گرفته شود.
اگر روایت و تفسیر خاصی در زمینه گنج یابی مورد نظر بوده باشد، و یا این باور وجود داشته باشد که سنگ پیدا شده واقعا همان سنگ نشیمن است، در این صورت موارد ذیل بایستی مورد توجه قرار گیرد:
(موضوعاتی که نتوانیم درستی آنها را ثابت کنیم ارتباطی به ما پیدا نمی کند)
* قبل از هر چیز قسمت جلوی سنگ نشیمن بایستی به سمت پاه‌ها دره مانندی وجود داشته باشد.
* چنانچه پس از نشستن بر روی سنگ نشیمن پاهایتان به زمین برسد، گنج را باید در زیر پاهایتان جستجو کرد.
* اگر دو سنگ نشیمن موجود باشد، دفینه در سمت جلو و در داخل یک چاه پنهان شده است.
* اگر فقط یک جای تکیه گاه است زیر بغل موجود باشد، گنج را در سمت خالی جستجو کنید.
* اگر سنگ نشیمن برای نشستن دو نفر بزرگ باشد، دفینه در قسمت جلویی و در جایی با ملات پوشانده شده است.

چراغ (پی‌سوز):



سمبل چراغ در گنج یابی از اهمیت بالایی برخوردار است، در جایی که یافته شود، به طور یقین به معنای وجود یک دفینه و یا محل اختفای آن است. چراغ که در زمانهای قدیم از روغن و بعدها از گاز و چیزهای مشابه پر می شده است، علامت یک اتاق است که داخل آن را پر کرده اند. شما بایستی راه ورودی این اتاق، تو پر را پیدا نمایید. این کار نیز با نور چراغ مشخص می شود.
نور چراغ هر مسیری را که روشن کند، بایستی در آن سمت جستجو کنید. نوری که به سمت بالا تمایل داشته باشد، به معنی ورود به اتاق از سمت بالاست. روی این ورودی‌ها احتمالا با گل و شاخه‌های درختان پوشیده شده است.
نور چراغ از یک جهت دیگر نیز اهمیت دارد. چنانچه نور چراغ با هدف روشن کردن یک جهت بوده باشد، اشاره به یگانه بودن ورودی اتاق دارد. ولی اگر نور چراغ، به صورت شعبه دار ترسیم شده باشد، به مفهوم دو ورودی مجزا از هم خواهد بود. دستگیره چراغ جایی است که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. اگر دستگیره مانند شکل بالا از یک کمانه توخالی عبارت شده باشد، به معنی یک اتاق بوده و در جایی هموار است. اگر قسمت

میانی دستگیره سوراخ نبوده و تماما به صورت پر شده باشد، در این حالت احتمالا در اطراف یک مورد تل خاکی قرار دارد.
یکی از اشکالی که در این مورد حرف برای گفتن دارد، وجود یا فقدان یک درب بر روی چراغ می باشد که خود نشانگر وجود تل خاکی است. در صورت وجود درب بر روی چراغ وترسیم آن به صورت یک دایره شبیه توپ، آن نیز بسیار قریب به یقین علامت وجود یک تل خاکی می باشد.
علاوه بر این، علایمی هم که بر روی سمبل چراغ پیدا شده مشاهده می شوند، بایستی با دقت مورد بررسی قرار گیرند، اشکال و علایمی که در اینجا آورده شده اند، به طور یقین حاوی اطلاعاتی در مورد فرد آرمیده در تومولوس(تل خاکی)، هویت و هدایایی است که به همراه خود دارد.
ضمنا، تصویرنگاری برآمده و یا کنده کاری شده بر روی سمبل چراغ نیز دارای علایم فراوانی بوده و باید به عنوان سرنخی از گنجینه مخفی ملاحظه و بررسی گردند. علامت چراغ، از آخرین سمبلهایی است که برای دفینه ساخته می شود. علایم دیگری هم در فواصل دورتر منطقه قابل کشف است. از چنین علایمی می توان به سمبلهای آتش و تیر (فلش) اشاره کرد. همراه با این علایم، سمبل چراغ نیز لازم است.

سنگ سوراخ

آنچه که مسلم است، اولین اشیایی که انسانهای اولیه برای برطرف کردن نیازهای خود ساختند، به طور حتم از انواع سنگ بوده است. سلاحهایی که برای شکار حیوانات و سیر کردن شکم خود می ساختند نیز از سنگ درست میشد. در طول عصر سنگهای تراش خورده، سنگهای سفت و متناسب با هدف خود تراش داده شده و با تحمل دستکاری های انسان برای امر مورد نظر آماده می شوند. انسانها در طول زمان دست به تولید سنگهایی زدند که برای زنانشان به منزله آلت تزیینی به شمار می آمد، اولین سنگ سوراخدار نیز دقیقا در همین دوره به وجود آمد. در این زمان سنگهای سوراخ تحت تاثیر اعتقادات مختلف و نیز طبیعت خود سنگ به عنوان اشیایی دارای خیر و برکت محسوب می شوند. رحم موجود مقدس همچون الهه مادر کیبه له Kibele که به شدت مورد احترام جامعه Frigya بوده ، نیز با سنگ سوراخدار ترسیم شده است.
در اینجا بدون اینکه وارد مبحث استخراج نتایج آشکار و واضح از این نکات شویم، به

موضوعی که با صفت گنجیابی مرتبط است میپردازیم.
سنگهای سوراخداری که در جای جای ایران مشاهده شده اند، از نظر اندازه سنگ و وسعت سوراخهایی که بر روی خود دارند، از هم متمایز میشوند. لکن در اکثر این موارد، شکل مخروطی سوراخها به طور رایج به چشم میخورد.
با نگاه کردن از طرف گشاد نقطه دیده شده، در سمت تنگ همان جا گنج می باشد. نگاه کردن به مسئله از این زاویه از یک جهت درست است. نقطه‌ای که در طرف تنگ سوراخ دیده می شود، نقطه هدف گذاری شده می باشد. این امر به احتمال زیاد درست است. فقط از این نوع سنگهای سوراخ دار که از دوره ماقبل اختراع پول به زمان ما رسیده اند آنقدر زیاد است که نمی شود فهمید خزینه در کدام یک از آنهاست.
در این صورت ، همانگونه که مرتبا بیان کردیم، هر علامت و شکل سمبولیزه شده نشانه پول نیست، مناطقی که در این نقاط مشاهده می شوند در اکثر مواقع می تواند منطقه یک مزار بوده باشد. اگرچه زیاد به آن برنمیخوریم، بعضا در این نقاط به نقشه‌ها و یا اشیای کوچک برخورد می شود. به همین دلیل بهتر آن است که این مناطق با دستگاههای مجهز بررسی شوند.
نظریه رایج در ارتباط با سنگهای سوراخ؛ نقطه‌ای است که با نگاه کردن از طرف گشاد در طرف تنگ سوراخ دیده می شود.

آتش:

علامت اجاق معمولا نشانگر ساختار خانواده است. لکن با این وجود، اماکن داخلی که اجاق و یا تندرها در آن کشف شده اند از اهمیت برخوردارند. آتش به معنی «Od» می باشد. کلمه Oda «اتاق» از همین کلمهO d به معنی آتش منشعب می شود. چنانچه در جایی که سمبل آتش وجود دارد، یک یا چند اتاق همراه با یک اتاق اصلی بوده باشد؛ همین اتاق اصلی محل روشن بودن آتش، گرم شدن و محل اصلی جستجوی دفینه است.
برخی معتقدند که بایستی سمبل آتش را در اطراف نیز جستجو کرد. زیرا این سمبل با انسانهایی که اطراف آن مینشستند ترسیم می شد. یک یا چند دفینه به تعداد انسانهای اطراف آتش می تواند وجود داشته باشد.
به روایتی دیگر، محل وجود آتش می توانسته چیزی شبیه به یک کوره و ضرابخانه سکه جات بوده باشد، ولی برای قطعیت یافتن این احتمال بایستی در منطقه نزدیک آتش نهر و رودخانه‌ای نیز جریان داشته باشد تا آب کافی برای ضرب را تامین نماید. علاوه بر این،

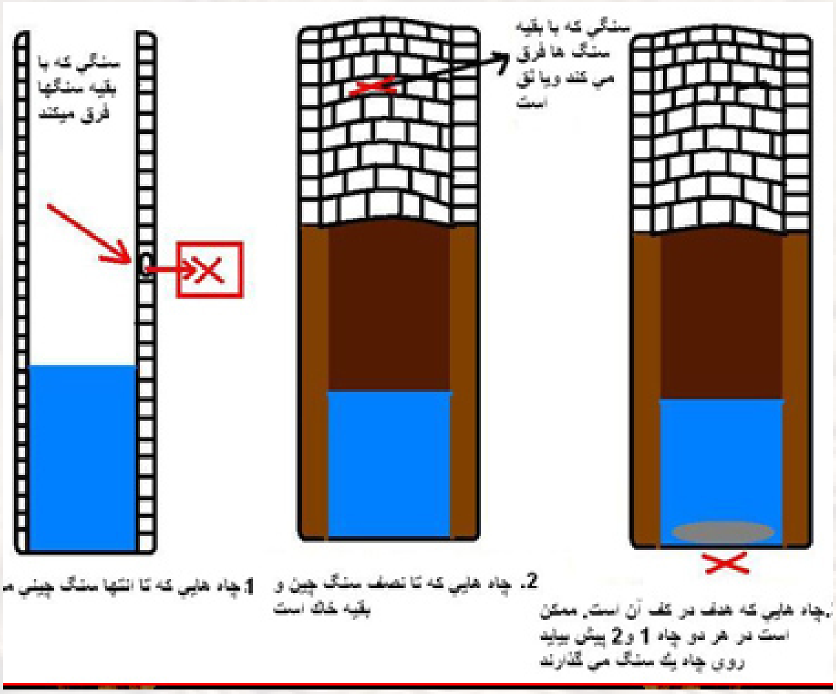
برای اینکه سمبل آتش علامت یک ضرابخانه بوده باشد، بایستی آن منطقه حالت مسکونی داشته و حتی قلعه‌ای نیز در آنجا قرار داشته باشد. همچنین نباید فراموش کرد که این نوع اماکن در آن زمان نیز از اهمیت استراتژیک برخوردار بوده و تحت محافظت قرار داشته اند. «هستیا» که از یک طرف رومی و از طرف دیگر یونانی است، همان الهه آتش می باشد. او خواهر «زئوس» و «هِرا» است. سمبل آتش بوده و در هر خانه و معبدی نشانهای از آن وجود داشت. از این نظر اجاق گوشه‌های از هر خانه و یا مرکز مقدس بود به همین سبب هرگونه سمبل آتش که در صنعت گنج یابی به دست می آید نباید مطلقا به علامت وجود دفینه در نظر گرفته شود.

در مکانهایی که در دوره های نزدیک به ما به منزله محل اقامت مورد استفاده قرار می گرفتند، مخصوصا در خانه‌های رومیان- ارامنه مکان‌های که محل برپا کردن آتش و یا محل اجاق و نیز تنور نان‌پزی حتی همین منطق برای اماکن اسلامی و مسلمان نیز معتبر است. همچنانکه محل سوختن آتش در اجاق مهم است، قسمت بالایی محل خروج دود از خانه نیز از اهمیت زیاد برخوردا بوده و برای اختفای گنج به کار می رفته است.

مثلاً در خانه‌های شبیه به آنچه گفته شد در منطقه‌ی واقعه در یکی از استان‌های کشورمان ، «بیله جیک»، درست در زیر جایی که فرد نانوا می نشست، یعنی در یک قدمی اجاق، کوزهای پر از طلا که با چنین تفکری دفن شده بود، از زیرزمین بیرون آورده شد.

با تمام اهمیت محوطه مربوط به اختفای دفینه در محل وجود اجاق همزمان باید اضافه کنیم که محل اختفا به طور کلی با تفکر و منطق انسانها در ارتباط بوده است.

چاه:



و یکی از محل‌های مورد جستجو و تحریک برانگیز در بین جستجوکنندگان گنج است. با این وجود افرادی که علت حفر چاهها و منطق موجود در آن را نمی دانند، علیرغم تلاش های فراوان اکثر اوقات بدون به دست آوردن نتیجه‌ای کار را رها می کنند.

لکن با توجه به این موضوع اگر قرار است که یک جستجوی واقعی انجام گردد، چاه‌ها یکی از مهمترین مکانها برای اختفای دفینه می باشد. در این موضوع هم که ما گاه و بیگاه برخی علایم را نشانه وجود طلا ندانسته‌ایم، برای خوانندگان بسیار پرفایده بوده است، لیکن این سمبل و حتی خود چاه نیز به طور کامل خارج از این تفکر قرار می گیرد و در صورت پیدا شدن یکی از عناصری است که باید به طور جدی مورد بررسی و کاوش قرار گیرد.

چاهها از نظر ساختار در چند گروه مورد بررسی قرار می گیرند:

A: چاه آب: چاه‌هایی از این قبیل در خانه‌ها و اراضی بوده اند، دیواره‌های داخلی آنها حتما باید مورد بررسی قرار گیرد. زیرا در چاه‌های آبی که از داخل با سنگ فرش شدهاند، در سمت پایین نرسیده به آب باید به دنبال سنگی متفاوت بگردید.

سنگی که دفینه در پشت آن مخفی شده است بعضا به خاطر تغییر ارتفاع آب زیرزمینی در داخل آب هم می تواند باشد. اثبات این موضوع نیز به همت جستجوکننده گنج و یا

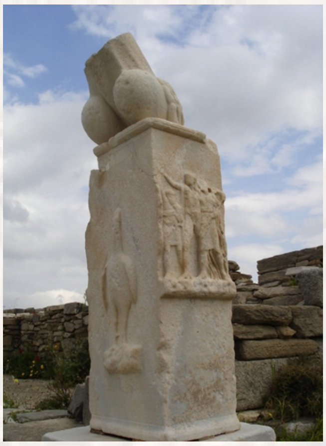
خواندن علایم احتمالی موجود در اطراف را دارد.

B: چاه‌های اراضی: این چاه‌ها همچنان که برای رفع مشکل آب حفر شده‌اند، به همین ترتیب تفکرات دیگری را هم در خود خواهند داشت.

اینگونه که: اگرچه چاه‌هایی که در اراضی پیدا می شوند، در اکثر مواقع و در اولین نگاه مانند چاه آب به نظر می رسند، پس از عمق مشخصی ممکن است دارای حفاریهای تونل مانندی در خود باشند. چاه‌هایی از این دست ، معمولا به دوره های باستانی تعلق داشته، در اطراف آنها سمبل ها و نشانه هایی که این موضوع را در خود حمل کنند وجود دارد. به همین سبب بسیار مفید خواهد بود اگر محوطه اطراف چاه با وسواس خاصی مورد بررسی قرار گیرد.

C: خواه چاه‌های موجود در اراضی و یا خواه اکثر چاههای موجود در منازل به منظور دفن گنج حفر نشده‌اند؛ این چاه‌ها تنها به عنوان یک شاخص ثابت در نظر گرفته می شوند. در این حالت، اگر در اطراف نشانه‌ای باشد در کنار تصویر چاه بایستی به دنبال سمبل دومی بگردید چون که اشیای پنهان شده نه در خود چاه، بلکه در ۵-۳ قدمی جهات اطراف چاه دفن شده اند، به نظر ما، نه فقط داخل چاه‌ها، بلکه منطقه پیرامون آنها نیز بایستی با گنجیابها و فلزیابهای حساس به طور کامل مورد بررسی و کاووش قرار بگیرد.

Phallus (آلت تناسلی مرد):



آلت تناسلی مرد که به نام Phallus آمده، اکثر مواقع در طبیعت به عنوان نماد برکت ساخته شده و در تفکرات انسانهای باستان جای مخصوص به خود داشته است.

بعضی از مردانی که قبل از مسیحیت الهه Atargatis را پرستش می کردند، خود را خادم این الهه ساخته بودند. در مراسم‌های باستانی زیادی که برای نشان دادن تعلق آلت تناسلی تمام مردان به مادر خدایان انجام میشد، ابدیت حیات به سمبل Phallus نشان داده می شد. در همین رابطه، Phallus از طرف برگزارکنندگان مراسم مورد حرمت و احترام زیادی بود. Phallus به عنوان سمبل قدرت، قوت و اقتدار تلقی می شده است. در جوامعی که به تقدس آلت تناسلی مرد اعتقاد داشتند، مراسمات زیادی نیز انجام می شد و تا آنجا که به موضوع ما مربوط می شود، Phallus در کنار مرکز مقدس قرار می گرفت.

با توجه به آنچه در بالا اشاره شد، محل قرارگیری Phallus می توان گفت که انسانی که به دنبال کمک گرفتن از محل مراسم و یا سمبل آن بوده در عین حال از این عنصر که نماد برکت نیز بوده است، طلب استعانت می نموده. این عنصر همزمان در کنار محلهای زندگی و مزار انسانها نیز به طور وسیعی به کار رفته است.

یونجه- حبوبات- گندم:



یکی از سمبل هایی است که از فرهنگ شمال اروپا وارد فرهنگ رم و بیزانس شده است. سمبل و نماد قمار و برد هستند. معمولا بر روی سنگهای قبر و سنگهای روی مزارها به کار می روند.

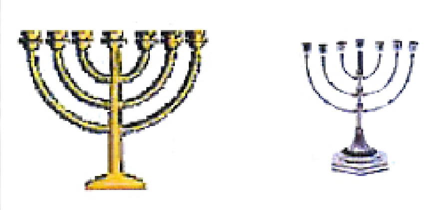
ساختار چهاربرگی سمبولیزه شده در گیاه یونجه نیز ، نمادی از صلیب تفکر مسیحیت می باشد. این سمبول در بسیاری مواقع نمادی از حضرت عیسی نیز می شد.

در یک مزار مربوط به اواخر دوره باستان، این سمبل نشانگر بازی قمار مانند فرد دفن شده است در زندگی خویش، انجام کارهایی که نیازمند جسارت بالایی بودند، غلبه بر سختیهای زندگی و کسب موفقیت بزرگ می باشد. در سنگ قبر انسانهای بزرگی چون اسکندر کبیر فقط به چنین سمبلهایی برخورد می شود. به طور طبیعی این سمبل پول به همراه دارد. لکن همانطور که گفتیم این سمبلها لزوما نشانه وجود پول نیستند.

فقط گندمی که به صورت سمبل ترسیم شود، مفاهیمی همچون حصد و اشیای باارزش را با خود دارد. این سمبل علاوه بر نشان دادن زندگی زراعی افراد دفن شده در مزار، اگر بر روی صخره‌ای سنبل گندم حک شده باشد، علامت ارامنه و یا راه زنان بوده با خود گنجی به همراه دارد.

گیاهان دانه داری مانند گندم در جایی که اشاره شده باشند شروع به محصول دهی می کنند. به همین جهت زیر سمبل این نوع گیاهان و به ویژه گندم بایستی کنده شود. برای کشف عمق این حفاری گفته های زیادی مانند توجه به تارهای نوک خوشه گندم وجود داشته است.گفته می شود که این تارها نیز معمولا بین ۵ الی ۷ عدد می باشند. بنابر همین نظریه، اگر قرار باشد که در این خصوص بررسی به عمل آید، در اینجا می توان گفت که عمق با وجب محاسبه می شود. یعنی اگر خوشه گندم ۵ تار داشته باشد با احتساب ۵×cm۲۵ ، عمق حفاری ما باید ۱/۲۵ متر باشد. این گفته نظر رایج است.

شمعدان:



منورا «Menora» در زبان عبری، شمعدان هفت شاخه‌ای است که در اراضی بیت المقدس و در یک معبد چادری روشن شده بود. یکی از قدیمی ترین سمبل های یهودیان است. نماد درختی است که به روایتی حضرت موسی در کوه سینا دیده که می سوخته است. در مورد هفت شاخه آن ادعاهای متقارن مطرح می شود. گفته می شود که نماد هفت روزی است که خدا در ٦ روز دنیا را خلق کرده و در روز ۷ به استراحت پرداخته است. نشان دهنده ۷ روز هفته بوده و به نقلی نماد هفت هفته ای است که حضرت موسی از مصر خارج شده و در کوه سینا ده فرمان را دریافت کرده است.

گفته می شود فاصله و طول مساوی شاخه های منورا Menora نماد عدالت و برابری انسانهاست. معمولا در کتیبه‌های متعلق به یهودیان و بر روی مزارهای آنها تصویر این شمعدان هفت شاخه را می بینیم که با برآمدگی کم خود بنا بر اکثر منابع با درخت زندگی نیز مرتبط شده است، موضوعی که ما در اینجا روی آن تامل خواهیم کرد، خصوصیتی است که شمعدان یا به عبارت کاملتر شمعدان هفت شاخه در ایران صاحب آن می باشد. با نگاهی به موضوع از زاویه فوق، همان‌گونه که در سطح دنیا نمی توان محل اجتماعی از یهودیان را به سادگی پیدا کرد، اما در جغرافیای ایران نیز به کثرت به چشم می‌خورند. برای آنکه بدانیم این شمعدان سمبل تفکر یهودیت است یا خیر، باید محل استقرار این ملت را به دقت در طول تاریخ آن بررسی کنیم. به همین جهت هر شمعدان هفت شاخهای را در اراضی کشورمان بدان برخورد کردیم، درست نیست به قوم یهود نسبت دهیم. زیرا در تفکر Apokalips مسیحیت نیز چنین شمعدانی را مشاهده می کنیم. گفته شده این شمعدان هفت عدد بوده، لکن هفت شاخه نبوده است. به طور یقین شمعدان هفت شعبه یهودیت و هفت شمعدان متعلق به یکی از شاخه‌های مسیحیت شمعدان واحد نیستند و چیزهایی مجزا از هم دیگرند. این شمعدان با جامعه هفت جماعتی مسیحی که برای اولین بار در ایران تاسیس شد مرتبط بوده و سمبل «هفت کلیسا»یی است که در صنعت گنج یابی همیشه موشوع جستجوی کاوشگران بوده است.

می توانیم بگوییم که هفت شمعدان و یا شمعدان هفت شاخه سمبل و نمادی متعلق به

یک مکان مقدس و یا ساختمان یک مزار بوده است. این امر نیز که بگوییم داخل چنین مکانهایی چه نوع اشیای مخفی نهاده شده عملا غیرممکن است. لکن می توان گفت که این گونه نمادها به هیچ وجه به طور مستقیم نمایانگر پول و گنجی نیستند.
از نظر کاووشگران گنج، اگر روزی به چنین نمادی برخورد شود، این احتمال پیش میآید که این مکان محل زندگی اجتماعی یهودیان بوده است، با توجه به تعلق آن به دوره های باستانی و یا نزدیک ، این مکان احتمالا یک سیناگوگ (معبد یهودی) بوده است. از زاویه گنج یابی هیچ حرف خاصی برای گفتن نداریم.

سنگهای عمود



سنگ عنصری مهم در هنر روم و یونان می باشد. رومیان و یونانی ها بر روی این سنگها که به شکل ستون ها، صخرهها، سنگ قبرها و ... پارهای از سمبل ها و اشکال را که مفاهیم مورد نظرشان را در خود جای می دادند، حک کردهاند. این کار به طور ماهرانه و با اصول زیبایی شناختی انجام شده و هیچ خط و نقطهای بی جا قرار نگرفته است. در هنر مجسمه تراشی هر نقطه از بدن محصول یک تفکر بوده و در هر عضوی از بدن مفهومی گنجانده شده است.
تمام این سنگهایی که همچون ستون از خاک به سمت آسمان نهاده شده اند، در اسطورههای زیادی به عنوان موجودی که طالب احترام است بیان شده و همواره مقدس شمرده شده است. هر یک از این سنگها که به یک شکل حکاکی شده، بر رویش نوشته شده و نقاشی شده اند، گویی رابطهای تنگاتنگ با روح داشته و به طور کلی یکی از اجزای غیرقابل اجتناب اماکن مقدس محسوب میشدند.
سنگهای برافراشته با حالت عمود خود از خاک به آسمان از منظر دینی صعود و نزول و از دیدگاه فلسفی نیز هستی و نیستی را با تمام مفاهیم در سینه خود گنجانده است. زیرا این سنگ های افراشته که نماد تقدس محسوب می شوند، تنها به عنوان سنگ طبیعی موجود در طبیعت نگریسته نمی شوند. به همین ترتیب، سنگ همانگونه که از آسمان به زمین آمده، به همان گونه نیز به سمت آسمان سربرافراشته است. درست به همان شکلی که بنی آدم از خداوند آمده و به او نیز برمیگردد...

علاوه بر این ، سنگهایی هم که در زمان فرود از آسمان در خاک فرو رفته‌اند، مفهوم تولد و تناسل را به همراه دارند. باز از این منظر، آنهایی که به طور مکعب برافراشته شدهاند ماده، و آنهایی که به صورت مخروط هستند نر را تمثیل می کنند. انسانهای دوران باستان محرابهای خود را از سنگ می ساخته اند. به اعتقاد آنها سنگ محراب جایی بود که خدا می ایستاد و منتظر شده، عهد و پیمانها را قبول میکرد. بعدها همین اعتقاد، به شکل مشابهی وارد مسیحیت نیز شده و در ساختمان کلیسا خود را بروز داده است. سنگ قفل که در قبه‌های اصلی کلیسا دیده می شود سمبلی از حضرت عیسی است. سنگهای زیرین دیگر هم که معمولا ۱۲ عدد می باشد، نمادی از دوازده حواریون می باشد.

خاکستر:



خاکستر نماد یک «پایان» است. ماده ای است ماندگار و ابدی. تا ابد می ماند و ساختاری است که تا ابد هیچ نوع ترکیب دیگری به خود نمی گیرد.
خاکستر از این لحاظ، قسمتی است که بعد از سوختن بدن یعنی خاموش شدن خصوصیات حیاتی انسان از آن به جای می ماند. از نظر مادی این عنصر دیگر هیچ ارزشی ندارد. زندگی با رنگ سفید و مرگ با رنگ سیاه تمثیل می شود. در حالی که زندگی انسان با رنگ سفید تمثیل شده، مرگ با رنگ سیاه خود بر روی سفید حیات می نشیند و فرهنگ های باستان خود را در ساختار مزارها نشان داده و به کار گرفته است. در این تفکرات که قصد انعکاس آنها را داریم، بعد از خاکسپاری مستقیم جسد همراه بوده، گاهی نیز با قرار دادن یک سنگ پوشاننده بر روی جسد روی می داد. بعد از آن هم بر روی طبقه فوقانی خاکستر موادی که برای سوزاندن جسد به کار رفته پاشیده می شد. سپس بر روی لایه نازک یک میلی متری شن نرم، لایهای از سیلیس سفید و یا آهک که نماینده زندگی ما بعد بود پخش می شد. در مزار نیز بر روی لایه نزدیک به سطح، سنگ و خاک طبیعی ریخته شده و مزار را شکل می داد.
ثروتمندان و خانواده Frig که در شهر پادشاه زندگی کرده بودند، بعد از مرگ در تومولوس هایی (تل خاکی) که اتاق های مزاری پوشیده با ریشههای درختان سدر و عرعر را در خود جای داده بودند، دفن می شدند. ساختار چوبی این اتاقها حاکی از یک تکنیک پیشرفته می

باشد. در اکثر مواقع، چاله‌های وسیع و درازی در زمین کنده شده، در داخلش اتاقکهایی از چوب ساخته می شود و اطرافش با قلوه سنگ پر می شد. بعد از قرار گرفتن جسد در اتاقک چوبی و قرار دادن هدایای مرده، بر روی اتاقک سقف زده شده و بر روی آن نیز از سنگ پر میشد. بر روی آن نیز خاک و یا خاک رس انباشته شد، تل خاکی Tumulus ساخته می شد.

ارزش و تنوع هدایایی که همراه مرده در تومولوسهایی(تل خاکی) که تعدادشان به ۱۰۰ نزدیک بوده و تا کنون ۲۰ عدد از آنها حفاری شده، نشان از اهمیت فرد مرده دارد.

اجساد در دوره های اولیه بدون سوختن و در دوره های بعدی پس از سوزانده شدن به صورت خاکستر در ظرفهای مخصوص به نام Urne درتل خاکی ها قرار می گرفتند.

خاکستر در بسیاری از مدنیتها نماینده تصویری ابدی از روح است. از این زاویه، در جاهای مختلفی از ایران به ویژه در جاهایی که اجساد سوزانده می شدند، بخشی یا تمام خاکستر مرده در داخل یک سنگ قبر کوچک، یا یک گلدان و یا در مورد انسان فقیر در داخل یک کوزه نگهداری می شد.

جستجوگران گنج و یا به عبارت دیگر انسانهایی که در محیط روستایی زندگی می کنند، زمانی که به هر نحو از زیر خاک کوزهای را بیرون می کشند، با خاکستری در داخل آن مواجه می گردند. این یک اتفاق رایج است و گاهی نیز افراد حکایتهایی را منتسب به پدران و اجداد خود از این کوزه‌ها نقل می کنند. چنین نقل می کنند که خاکستر این کوزه ها را به هوا پخش کرده و بعدها فهمیده اند که این خاکستر گرد طلا بوده است. لکن تمام حادثه غیر از چیزی که در بالا ذکر شد نبوده است.

قبر اتاقی (مخزن):

در خرابه‌ها، مناطق نزدیک آنها و یا هر نقطه‌ای از اراضی، کنده کاری هایی که بزرگی آنها کمتر از ٤-٥ سانتی متر نبوده و یا بزرگتر از آن باشند، دیده می شوند. قطر و عمق آنها نیز به همین اندازه‌هاست.

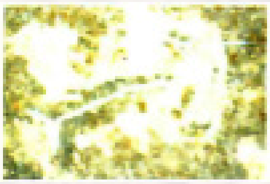


(علامت یک مخزن در یک کانال آب)

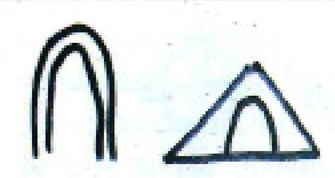
کنده کاری های موجود بر روی یک تخته سنگ اگر به صورت مربع باشد نشان دهنده وجود یک اتاقک در زیرزمین و یا داخل تخته سنگ بوده؛ اگر به شکل دایره باشد هم مزار یک فرد بلندمرتبه و هم وجود یک مخزن زیرزمینی را خبر میدهد.



شکل ۱



شکل ۲



شکل ۳

مخزنها نه تنها به وسیله کنده کاریها، بلکه گاهی با علائم پناهگاه (شکل ۱) گاهی فلش‌های از پشت بسته (شکل ۲) و بعضا نیز با علایم غار نشان داده می شوند.

توجه: در اینجا بار دیگر بارآوری می کنیم؛ هرگونه حفر مزار و اماکن زیرخاکی بر اساس قانون ۲۸۶۳ فیه قانتی بوده و پیگرد دارد.

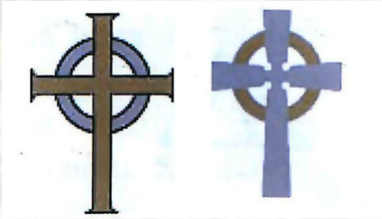
گروه سه تایی:



همانطور که قبلا در توضیحات سمبل های زیادی اشاره کردیم، نمادهای زیادی که از دوران باستان به روزگار ما رسیده اند، عناصر غیرقابل اجتناب و زینتی کلیساها، معابد، خانه ها و مخصوصا لوازم قبور بودهاند. به همین دلیل بیشتر سمبول هایی که قصد توضیح و تفسیرشان را داریم، علایمی هستند که افراد خبره و به اصطلاح «گرگ»های صنعت گنج پژوهان که عمرشان را در این راه گذاشته‌اند، مورد تایید قرار دادهاند. بعضی از این دیدگاهها نیز اشتباه و نادرست هستند. حالا بیایید ببینیم که این نوع علامت گروه سه تایی به چه معناست و در داخل یک سیستم به چه علت از آن استفاده شده است. با اطلاعاتی که از توضیحات روشن کننده این علایم به دست می آورید خودتان به تنهایی و یا در کنار دیگرانی که به صورت بی خودی و بی جهت وقت خود را صرف امور غیرضروری نخواهید کرد. اکنون انسانهایی که به این باورها منسوب باشند، به طور طبیعی همانگونه که از خدا طلب می کنند، به همان ترتیب نیز از به اصطلاح فرزند خدا و حضرت جبرییل در شرایط مختلف طلب استمداد کرده و به آنها تقدس خواهند داد. به همین سبب، با حکاکی

سمبلها و اشکال این سه گانگی در معابد، کلیساها و خانه‌ها و مخصوصا بر روی سنگ قبرها آرزوها خواهند کرد که این ارتباط تا ابد برایش باقی و محفوظ بماند.
مفهوم سه بیضی هم که در بالا آورده ایم، چیزی غیر از این توضیحات که دادیم نمیباشد. در تصدیق تمامی این توضیحات، این علامت سمبل یک گنج نیست؛ به احتمال زیاد سمبل مردی است که در زیر تابوت آرمیده است.

صلیب محصور در دایره:



این سمبل که به نام صلیب ایرلندی نیز معروف است، امروزه از طرف مسیحیان قدیمی سلتیک Celtic که با ریشه بریتانیایی شناخته شده هستند، مورد استفاده قرار می گیرد. معمولا در قبول و بالای کلیساها از آن استفاده می شود. بدینگونه دایره آن سمبل حیات دایمی و ابدیت می باشد.
این نوع از صلیب از سمبل‌هایی است که در ایران زیاد موارد استفاده نداشته است. با این وجود و با توجه به مفهومی که در بر دارد، اگر بر روی یک مزار و به صورت برجسته کار شده باشد می تواند حاکی از انسان بلند مقامی باشد که در آن آرمیده است.

تاج:

تاج همیشه سمبل قدرت و حاکمیت یک حاکم است. این سمبل برای مسیحیان، نشانه حاکمیت و احتشام واپسین بوده و آن را نیز با پسر خدا عیسی توصیف می کنند. به نظر مسیحیان، برای مدت زمانی با تاجی بر سر بازگشته و شاه شاهان و سرور سروران خواهد شد.
در سیستم جستجوی گنج نیز تاج اهمیتی بسزا دارد. هرگز در یک سنگ قبر معمولی به نقشی از تاج برنمیخوریم. در گورستانهای بزرگ تنها یک مورد و آن هم در منطقه‌ای کهب یشتر از جاهای دیگر اهمیت داشته باشد، قابل کشف است. در مزارهای تابوت دار و یا در قبر یک کشیش منصبدار نیز می توان آن را دید. این موضوع نیز اولا بر منصب فرد آرمیده، ثانیا بر درجه دینی آن شخص دلالت می کند.

اگر توجه کرده باشید، تصاویر تاج در هر کجایی که بوده باشند، زمان حکاکی آن بر روی مزار در بالاترین نقطه به یک حلقه دایره ختم می شود. اگر چنین چیزی وجود داشت، آنجا محل یک تومولوس (تل خاکی) است.

افراد زیادی در مراجعات خود این سوال را می پرسند: «فرض کنیم که مفهوم علامت را کامل فهمیدیم، جهت و مسافت آن چگونه معلوم می شود؟» حالا در اینجا با استفاده از شکل تاجی که آورده ایم، جهت و محل اموال مربوط به فرد صاحب تاج را نمیتوان استنباط کرد. این کار تنها با بررسی هایی که در اراضی اطراف انجام می شود قابل فهم است، یا اینکه می توان با لوازم و دستگاههای فلزیاب آن را کشف کرد.

علاوه بر این اگر در کنار این علامت، علامت دومی نیز بوده باشد، باید توسط یک فرد خبره مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. اینگونه سمبلهای حاشیه‌ای از عناصر تعیین کننده جهت و مسافت در عملیات جستجو هستند.

کلید:

کلید سمبل تبدیل حادثه مشخصی به انواع دیگر است، یا اینکه علامتی از وقوع به رموز حادثه و یا جای مخفی شده می باشد. سمبل کلید رمز از بعضی از ناشناخته گشوده، روشن و شفاف میسازد. مانند کلمه عبور و یا کلید جواب....

از آنجا که کلید یک سمبل مذکر به شمار می رود، همیشه نقش فعالی را بازی کرده و سمبل نقطه ورود و یا کاری است که برای اولین بار انجام می شود. در نهایت کلید سمبل اقتدار و تملک است.

کلید مورد نظر ما در صنعت گنج یابی نیز نه برای گشودن در، بلکه بر عکس اشاره و علامتی برای کشف نشانه بعدی گنج است، یعنی کلید علامت ماقبل آخر در این حرفه است.(کلید به طور کلی سمبلی ارمنی است).

چوپان:

چوپان به عنوان جزئی از دنیای سمبل ها، تصویر انسانی است پر از عشق، خلق لطیف که مسیر سیر خود را با دقت طی کرده، همواره هوشیار بوده و با گله خود با محبت رفتار کرده و سرانجام سمبل یک محفاظ است. با خورجینی بر دوش و عصایی در دست از امانتی که به او سپرده شده به معنای واقعی کلمه محافظت و مراقبت می کند. با نگاه کردن از زاویه دید گنجیابی و یا منطق اختفای زمانهای قدیم در سمبل چوپان دو خصوصیت اصلی به

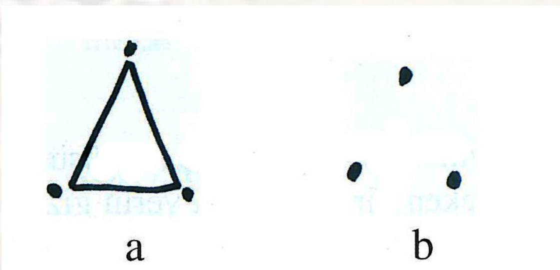
چشم می خورد. یکی از این ویژگیها عصای دست چوپان و دیگری خورجینی است که بر دوش دارد.

از این دوعنصر چنین برمی آید که خورجین چوپان محموله مخفی و عصایش نیز جهت و فاصله آن را به دست می دهد. همچنین بعضا سمبل چوپانی که با خورجین یابی خورجین مواظب گوسفندانش است، در نقاطی که با عصایش نگاه می کند مواظب یک یا چند گوسفند است. از این رو، زاویه دید چوپان، جهت اشاره عصای وی بسیار مهم تلقی می شود.

اگر تعداد حیواناتی که مواظب آنها است یک یا چند عدد باشد، در آن منطقه باید زیر سنگهایی که به شکل گوسفند خوابیده و یا صخره ثابت هستند، به دقت بررسی شود. محموله دفن شده احتمالا در یک یا چند نقطه توسط فرد یا قبیله پنهان شده است. منطق موجود در چوپان و گوسفندان تقریبا همتراز موضوعاتی همچون مرغ و جوجه‌هاو یا خوک و توله‌هایش است.

اگر چوپان در حالت نشسته باشد، امانتش نیز درست در همانجاست، اگر به جایی تکیه زده بود اشاره به وجود امانت در زیر چیزی است که به آن تکیه زده است، تکیه‌گاه او می تواند یک صخره و یا یک درخت باشد. وضعیت بر اساس همین موضوع ارزیابی می شود. در صورتی که با عصایش نقطهای را اشاره کند، در اینجا باید از واحد اندازه گیری ارمنی که معادل متر است بهره بگیرید. در اینکار باید معادل هر سانتی متر از ۷۲-۶۸ سانتی متر محاسبه گردد.

مثلث سه نقطه:



مثلثها به احتمال قوی علامت خدا، جبرییل و حضرت عیسی است و عبارت از امانتی است که محافظت آن بر عهده این سه موجود می باشد. این امانت همچنانکه می تواند یک گنج مخفی بوده باشد، می تواند حاکی از وجود یک مزار نیز باشد. برخلافت تصور ما، مثلث نشانه سه امانت نیست، علامتی از سه مزار است.

اگر علامت مثلث بر روی یک سقف و یا درب تابوتها حک شده باشد، در این مورد قطعا به معنی تثلیث است.

مثلث بعضا نشانه راه زنان و ارامنه می باشد. از همین رو، بیشتر وقت ما با ۳ دقیقه مواجه می شویم که یکی واقعی و دو تای دیگر قلابی است. با دقت در این سمبلها، متوجه می شوید که یکی از این سه مورد از دو تای بعدی متفاوت کار شده است. با بررسی دقیق منطقه، همچنانکه در مزار «سه کولی» بود، سه عدد قبر، سه تل خاک و یا سه برآمدگی خود به خود دیده خواهد شد.

در اینجا به یک نکته اشاره می کنیم، این سه نقطه صرفا نشانه سه مزار نیست، ممکن است علامت وجود سه عدد درخت بلند گلابی وحشی و یا درخت عرعر و یا سه تپه کوچک نیز باشد. خلاصه مطلب اینکه، بایستی در اطراف به دنبال سه نوع موجود گشته و از بین آنها گزینه درست را تشخیص دهید.

چیزی که در اینجا اصل می باشد، مثلثی است با سه نقطه کنده شده (شکل b). این حاکی از سه قبر است. این موضوع که در همه آنها و یا یکی از آنها پول وجود داشته باشد، با بررسی بسیار موشکافانه علامت قابل کشف است. بدون پیدا کردن یک مزار دو تای دیگر به سختی پیدا می شوند. اندازه آنها مهم است. اگر هر طرف مثلث با هم برابر باشند، مزارها از هم به یک فاصله قرار دارند.

همچنانکه مثلث مذکور می تواند با استفاده از چند خط بر روی صخره ها کنده کاری شده باشد، در عین حال ممکن است با سه عدد اسکنه نیز ترسیم شود. در این صورت خبر اسکنه نشانه وجود یک مزار و یا دفینه می باشد.

اکنون به نکته مهمی در ارتباط با کنده کاری های مثلثی می پردازیم؛ اگر در منطقه‌ای که سه عدد کنده کاری شده به دنبال سه مزار گشته و قادر هستید جای این مزارها را به شکلی تثبیت و مشخص نمایید، در این صورت نباید به حفر مزارهایی که از نظر قانونی منع شده اند اقدام کنید.

در مقابل اگر این سه مزار با اسکنه بر روی سنگ یا صخره حکاکی شده و در حال حاضر موجود باشند، به احتمال زیاد در آنجا در کنار سه کنده کاری مورد چهارمی نیز وجود خواهد داشت که آن هم خود سمبل وجود یک اتاق (خانه) می باشد.

خورشید:



خورشیده بیشتر در بین عناصر مدنیتهای باستان قابل مشاهده است؛ افرادی که در حرفه جستجوی گنج فعالیت دارند گاها تمام تصاویر دایره و یا حلقه‌ای را به نشانه خورشید تفسیر می کنند. هلیوس الهه خورشید است. او که پسر هیپریدن و تنیا بود با یکی از پریان دریایی به نام پرسیس ازدواج کرد. در بیشتر دوره‌های عصر باستان،به طور مرتب به تصاویر خورشیدی که فقط به نشانه اعتقادات ترسیم شده است برمی خوریم. نباید فراموش کرد که اغلب دوره‌های خورشیدی که در حالت نقاشی مشاهده می شوند ارقام و اعداد رومی می باشند. جستجوی گنج در آنها کاری عبث است. زیرا جایی که سمبل خورشید را در آنجاست، منطقه‌ای باستانی است. شکل خورشید به صورت برآمدگی اگر یکی از سمبل های مخصوص تمدنهای قدیم نبوده باشد، به احتمال زیاد علامت ارامنه و یا راه زنان است. احتمال اختفای گنج در این مناطق وجود دارد. پس از بررسیهای دقیق باید از انواع مشابه باستان تمیز داده شود. پول هایی که در این مناطق مخفی شده اند نه در یک نقطه بلکه در چند جای مختلف قرار دارند، در اینجا جامعه‌ای ثروتمند میزیسته است.در اینجا آنچه را که از انسانهای فعال در امر گنج یابی به ما رسیده بدون آنکه چیزی از خود بر آن افزوده باشیم عینا نقل می کنیم:

در اینجا باید آبی روان بوده باشد و طبق تصویر خورشید در سمت جریان آب باید به دنبال علامت دومی از خورشید بگردیم. در جایی که شکل پیدا شد کنده ای باید وجود داشته باشد. فقط در آوردن آن کاری تقریبا غیرممکن است، باید آن منطقه با آن خیس شود تا جایی به اندازه یک قابلمه و یا سینی خودش را نشان دهد. (خاک رس دیر خشک میشود) این چهارچوب را باید با اسکنه باز کنید.

در:

در جایی که تصویر گوسفند است(طبق اعتقادات مسیحی) می توانید به دنبال یک در بگردید. زیرا در تصویر کتابی برنزی که در سر در ورودی شاهی ایاصوفیه وجود دارد، این جمله نوشته شده است: «خدا به من گفت که تو دروازه جایی هستی که گوسفندان در آنند، هر کس از طریق من وارد شود، مرتع واقعی را پیدا خواهد کرد و نجات خواهد یافت.» (احتمالا در جایی است که به سمت گنجینه باز می شود.)

تصویر پاشنهٔ پا نیز جستجو برای پیدا کردن در را الزامی می کند. اشاره به در دارد. «اگر کسی بر این در بکوبد و باز کند صدای مرا می شنود» این جمله گفته عیسی است. این می تواند گنج باشد.
در بین مسیحیان قرون وسطی مریم همان در است. دری بسته است. کلید نیز به در مربوط بوده و با آن تفسیر می شود.
در تفکرات یهودی، مسیحی و مسلمان منطقه ایران در به منزل گوش خانه و پنجره به مانند چشم آن قلمداد شده است.
از نظر باستان شناسی، این حادثه تعبیر دیگری نیز دارد؛ مخصوصا اینکه تابوت‌هایی کشف شدهاند که برای افراد مهم ساخته می شدند، همچنین ساختارهای زیاد دیگری هم وجود دارند که به عنوان دستگیره در می شناسیم، افراد فعال در زمینه گنجینه، زمانی که در قبرها و معابد به چنین دستگیره دری برخورد می کنند، آن را مثل خود گنج ارزیابی می کنند. در صورتی که این دستگیره های در جز برای گذر از این دنیا به دنیای بعدی ساخته نشده‌اند. برای همین، بر روی دستگیره مذکور اطلاعاتی درباره فرد، زمینه کاری او در زمان حیات، برکت، رستاخیز وی، جنسیت و ... به صورت سمبل حکاکی شده اند.
به همین ترتیب، در جایی که از نظر باستان شناسی دارای اهمیت خاصی نبوده و مربوط به دوره های نزدیک است، مخصوصا بر روی صخره‌ها اگر تصویر دری را مشاهده کردید، باید در اطراف به دنبال یک ورودی بگردید.
در اینجا تعیین جهت و مسافت امکانپذیر نیست. در شرایط معمولی می توان به دنبال یک غار در پوشیده و یا یک تونل در بسته گشته، با ابزارهای دقیق به جستجو پرداخت.

شمشیر:



شمشیر معمولا به عنوان سمبل قبر یک فرد جنگجو محسوب می شود. منطقه ای که تصویر شمشیر را دارد به طور کلی محل یک مزار است. شمشیر سمبلی است بر روی مزار مرده یا مقتول که حاکی از جوانمردی و قهرمانی‌های او می باشد.
لکن در هر جای دنیا زمانی که یک فاتح سرزمینی را اشغال کرد، حاکمان بعدی بر طبق یک نوع سیاست دولتی به نابود کردن آثار گذشته خصوصا چنین جاهایی اقدام می کنند. به همین دلیل اگر در جایی هم به تصویر یک شمشیر برخورد کردید، احتمالا پیدا کردن

مزار صاحب آن شمشیر بسیار ناچیز خواهد بود
شمشیر در شرایط معمولی به معنی وجود گنج نیست. همانطور که در بالا اشاره کردیم شمشیر سمبل مزاری است که به هیچ وجه معلوم نیست داخل آن چیزی باشد یا نباشد. تصویر یک شمشیر راست به معنی گلادیاتور خواهد بود. علاوه بر آن، باید متذکر شویم که تصاویر زیادی از صلیب نیز اکثرا به عنوان تصویر شمشیر تفسیر شده است.
لکن در حرفه گنج یابی بعضا به تصاویر شمشیرهایی با نوک کج و مورب نیز برخورد می شود. گفته ها حاکی از اهمیت این تصاویر است. این تصویرها مربوط به شمشیرهای سبک برای اثبات دلالت این تصاویر بر وجود دفینه‌ای که تا به امروز یافته و معلوماتی به که دست نیامده است. فقط بعضی حرف و حدیثها وجود دارند که دهان به دهان می گردند. یکی از این حرف و حدیث ها عبارت است از اهمیت قبضه شمشیر برای پیدا کردن گنجینه. گفته می شود در این وضعیت بر حسب اندازه قبضه شمشیر و در خلاف جهت شمشیر قدم شماری می شود. از آنجا که در این خصوص معلومات قطعی نداریم، قصد تفسیر و راهنمایی در این موضوع را نداریم، فقط اگر این گفته صحیح باشد هر سانتی متر از قبضه باید معادل ۷۲-۶۸ سانتی متر محسوب شود. گفتن این مورد به خاطر نادر بودن این شمارش خالی از لطف نیست.

قفل:

در زمان توضیح موضوع کلید، گفتیم که این می تواند به عنوان یک عنصر دانایی تفسیر گردد. قفل و کلید در عنصر نزدیک به هم بوده و در سیستم سمبلیک ما از اهمیت بالایی برخوردارند.
تصویر یک کلید تنها، حاکی از نزدیکی هدف بوده، در عین حال سمبول زمان استفاده از قدرت نبوغ و دانایی برای گشت و کاو محیط اطراف است.
همچنانکه کلید به معنای نزدیکی زیاد هدف به شما و یا حتی قرار داشتن آن دقیقا در محل استقرار شماست، از طرف دیگر نشان دهنده لزوم دقت بالا و بصیرت نیز می باشد. زیرا اگر بر روی قفل کلیدی نباشد نشان از وجود یک مانع داشته و این برای شما به منزله علامت هشدار است.
هشداری که گفتیم لزوما به منزله وجود یک خطر نیست. فقط قصدمان از هشدار وجود یک مانع بر سر راهمان است. برای مثال، احتمالا دفینه در داخل یک صخره و یا سنگی با شکل متفاوت جاگذاری شده و نقطه مورد نظر با استفاده از ملات رس به طور کامل از

چشمان ما دور نگه داشته می شود. قفل اگر به مفهوم وجود امانتی در داخل یک اتاقک بوده باشد، باید آن را با همان کارگردش در ذهن خود متصور شویم. زیرا مکانیزم کار قفل با حرکت کلید به طرفین راست و چپ عملی می شود. معمولا سمت راست برای بستن و چرخش به چپ برای باز کردن به کار میرود. در این صورت پس از ورود به اتاق باید در طرف چپ به دنبال یک اتاقک و یا در سمت چپ اتاق به دنبال یک محل اختفا گشت. اگر بر روی قفل کلیدی نباشد، قطعا مانعی در کار است و این به منزله هشداری برای شماست. همچنانکه در علامت پاها بیان شد، بایستی در محل پیدا شدن قفل ایستاده و در اطراف به دنبال یک مدخل بگردید. شکستن سنگ قفل طبق گفته بعضی ها و یا جستجو در بالا و پایین آن برای پیدا کردن چیزی به طور کامل خلاف منطق این کار است. قفل در عین حال سمبل گذر از این دنیا به دنیای بعدی است. در اطراف چنین سمبلی می توان یکی از علامت های را در آن اطراف پیدا کرد. این سمبل را می توان به عنوان توقف و تامل تفسیر نمود.

به نکته ای در مورد قفل اشاره می کنیم: بر روی سنگی در نزدیکی محل کشف آن تصویر نقشه جغرافیایی منطقه توسط کاوشگران گنج کشف شد. چنین برداشت شد که این نقشه باید بعد از پیدا شدن گنج مورد مطالعه قرار گیرد و حقیقت این امر نیز بعد از تحقیقات انجام شده معلوم شد. این نقشه خبر از یک دست لوازم مخفی می داد. به طور قطع نمی توان گفت که جنس آن از طلا، نقره و ... است، شاید دفینه ارامنه و یا راهزنان بوده باشد. در هر دو صورت نیز به معنی یک دفینه مخفی است.

نردبان (پلکان):

به مفهوم صعود مرحله به مرحله در کسب معلومات و مهارت می باشد. سمبلی از تغییر شکل نیز می باشد. معانی جداگانه خروج و نزول را نیز به همراه دارد. نردبان به همراه پله‌های خود باید بررسی گردد. تعداد پله های موجود بر روی نردبان نشان از بعضی اعتقادات اسطوره ای دارد. اغلب با اعداد مبارک تمثیل می گردد.

نردبانها (پلکانهایی) که در اماکن مقدس ساخته می شود اغلب دارای پله‌هایی با تعداد فرد (...-۷-۵-۳) بوده و دلالت بر لزوم شروع و ورود با پای راست دارند. اگر علامت نردبان-پلکان به سمت بالا اشاره کند مفهوم خدایی داشته و به مکانی از آن فردی مرده مرتبط است. اگر به سمت پایین و زمین اشاره کند، خبر از ناشناخته‌هایی در آنجا و حادثه‌ای در نقطه‌ای جلوتر می دهد. و به معنی وجود چیزهای مخفی است.

علامت پلکان رو به بالا به مفهوم وجود رازی پنهان در نقطه‌ای بالاتر است. در حرکت به سمت آن نقطه تمام سمبل ها و نشانه های مسیر بایستی به دقت بررسی گردد. زیرا در هرگونه صعودی مراحل مشخصی سپری شده و در نهایت به بالاترین مکان می رسید. اشکالی که در این مراحل گذر به آنجا برخورد می شود احتمالا ماهیت فریبنده داشته باشند. نباید فریب هدایای کوچک را خورد. هر پله‌ای مرحله‌ای از سختی و مجادله است، راه رسیدن به پایان باید با علم و تجربه جستجو گردد.

اگر از پنجره گنج یابی به پلکان نگاه کنیم، بایستی به بعضی موارد دقت داشته باشیم: در خانه‌ها، معابد و کلیساهای قدیم مربوط به دوره های نزدیک، جستجوی روابط پلکان با دفینه‌ها تقریبا بر هیچ کسی پوشیده نیست. رایج ترین گفته در اینجا وجود خزینه‌در زیر اولین و یا سومین پله میباشد.

ما به چنین چیزی برخورد نکرده‌ایم، لکن از معلوماتی که بدست آورده‌ایم چنان برمیآید که زیر سنگهای محل شروع پلکان که به نام «آستانه» معروفند از نظر جستجوی گنج از ارزش زیادی برخوردار است.

موضوعی که غیر از موارد فوق ما را به تامل وا می‌دارد، علامت گذاری یکی از پله ها از سمت بغل به وسیله اسکنه می باشد، این علامت اغلب بر روی پلهای با شماره فرد و از کناره‌ها گذاشته می شود. مثل ...- ۷-۵-۳-۱ .

چیزی که در این مقام با آن مواجه می شویم آن است که : هر چه قدر هم که بر روی پله‌های سوم و پنجم علامت گذاری شده باشد، به همان اندازه فریبی است برای انحراف از مقادیر زیادی گنج مخفی. در مواقعی که امانتها در زیر پلکان پنهان شده باشد، بایستی جستجوی جدی و دقیقی در محل اقامت انجام پذیرد. از مهمترین محل هایی که باید بررسی شوند می توان به زیر اجاق و دودکش آن، محل حمامها، طاقچه‌های محل نگهداری کتابها، زیر و داخل پنجرههایی که به سمت خیابان باز شده و دارای نرده می باشند. علاوه بر این، بایستی اتاقهای محل نگهداری خزندگان، مابین تخته‌های استفاده شده در سقف و زیر تخته‌های کف به صورت یکی در میان کنده شده به دقت بررسی گردند. در مواردی که زیر پله‌های پلکان قرار داشته‌اند، احتمالاتی برشمردیم، هرگز خالی از دفینه نبوده اند.

زین:



سمبل زین علامتی است که به طور کامل در حرفه گنج یابی به کار رفته است. گفته می شود که در بسیاری از جاها زین باید با رکاب و سنگ زیر پا همراه باشد. در این صورت باید اولین علامت سنگ زیر پا و علامت دوم رکاب باشد، پس از آن بایستی سنگ زین پیدا شود. امانت اصلی با زین در ارتباط است.

اگر واقعا زین برای این منظور ساخته شده باشد، ابتدا بایستی از طرف یک فرد خبره بررسی شده و بر درستی آن رای داده شود، زیرا ما تا به حال در جاهای مختلف به سنگ زین های قلابی و یا مشابه اصلی زیادی برخورد کرده ایم.

در صورت درست بودن علامت، فرد بر روی زین می رود و با دقت به سمت جلویش نگاه می کند، در فاصله سه و یا یازده قدمی به طور حتم یک سنگ و یا نقطه‌ای همچون تپه سفید وجود خواهد داشت.

در اینجا به یک گفته دیگر نیز اشاره می کنیم: بعضی از افراد در مورد قضیه زین، نشستن بر روی آن را میپذیرند. در این نمی توان شک داشت. لکن بر آنند که امانتی مورد نظر در سمت پشت یعنی سمت عقب فرد نشسته قرار دارد. دلیل آن را هم اهمیت محل افتادن سرگین حیوان در سمت عقب ذکر کرده‌اند. توجه به این نکته نیز در اینجا خالی از لطف نیست.

صخره عسل:

یکی از اشکالی است که در مناطق تحت حاکمیت Frigya به کثرت به آن برخورد می شود به همین شکل، در صخره مزارهای تند، چنین کنده کاری هایی که صخره عسلی نامیده می شوند، وجود دارند.

قسمتی از این صخره‌ها که از طرف فرسنگی خاص برای ایجاد مزارهای مرتفع مورد استفاده قرار گرفته اند، از طرف زنبورها به عنوان کندو استفاده می شوند.برخی تعاریف در خصوص جاری بودن عسل از صخره‌ها در بیشتر مواقع مثالی از این نوع است.

مکانهایی را که صخره عسلی نامیده شده نمی توان به عنوان خزینه گنج توصیف کرد. لکن

همین مزارهای صخرهای Frigya بعدها از طرف راهزنان شاید به عنوان پناهگاه مورد استفاده قرار گرفته باشند، اگر در چنین جاهایی علامت و یا باقی ماندهای از راهزنان کشف شود، دیگر شکی باقی نمی گذارد. لکن اشتباه بزرگی است اگر هر صخره عسلی را به صورت محل یک گنج توصیف کنیم.

اگر این مکان حتی در دورههای بسیار دور نیز محل زندگی انسان بوده باشد، باز این به معنای وجود طلا نیست. می توان اینگونه تصور کرد که مزارهای صخره اماکن ترک شده اند. از آنجا که به مدت طولانی هیچ انسانی وارد آنجا نشده، زنبورهای عسل از آنها به عنوان کندوی خود استفاده کرده اند. از لحاظ کشف گنج اگر نگاه کنیم، در صورت وجود راهزنان در این مکان، زندگی زنبورها موضوع بحث ما نخواهد بود. بماند که در حرف و حدیثهای رد و بدل شده، سخن از جاری شدن عسلهایی است که زنبورها در طی قرنها کار انباشتهاند. ما در مورد صحت روایاتی که در این باره وجود دارد، صاحب هیچگونه نظر و تفسیری نیستیم.

با وجود همه اینها، اگر امانتی در این جاها مخفی شده باشد، ارائه نظریه در مورد مکان و نحوه اختفای آن به هیچ وجه صحیح نیست. باید بگوییم که حرف و حدیث های زیادی که در بین افراد مشغول در این حرفه رد و بدل می شوند، تماما ساختگی و بی معنی هستند. در مناطق مختلف کشورمان مکانهای بسیاری به اسم صخره عسلی وجود دارند. هر راوی در بحث از این مکان ها ، بر انباشته بدون آن از طلا و اختفای گنج توسط راهزنان تاکید می کند. ما در شرایطی نیستیم که بگوییم کدامیک از این صخرههای عسلی واقعی و پر از دفینه می باشد.

ولی در اینجا روایت صخره عسلی شمشیر را با استناد به سخنان مشکوک Voyvod Volfan که زمانی به راهزنی می پرداخته است را نقل می کنیم. این توصیفات را بدون اضافه کردن مطلبی به اسناد و یا کم کردن آنها عینا آورده ایم:

«(اطراف قبیله جیک- سئوگوت توصیف می شود) در داخل گوشه دره که به سمت شرق اینجا می آید، در محلی به نام «بازی جولاتی» در پشت خوک ماده، خوکی با شش توله وجود دارد. از این خوک ها در سه جای دیگر هم هست. در زیر این خوک یک مخزن بزرگ وجود دارد. در صخرههای سمت شرق اینجا، یک چرخ از یک ارابه چهار اسبه تیمورانی شکسته، سوارش شلاق بر دست، اسب ها در حال تاخت، چهار چرخ و در وضعیت ارابهای هست که سنگی پائین، در بین چرخهایش است. در پشت این ارابه شش سوار تصویر شده اند.

در جهت نگاه این اسبها، و در فاصله ۱/۵ ساعتی منطقه به نام صخره عسلی وجود دارد. در این صخره عسلی تصاویر زنبور و کندو وجود دارد. در نقاط ورودی و خروجی زنبورها دو عدد سوراخ چهارچوب مانند موجود است. در این سوراخها الماس و دوازده عدد شمش طلا وجود دارد.

از قسمت عقب صخره عسلی ۱۹ پله بالا می رود. اگر بر روی اولین پله رفته و پشتمان را به دیوار چسبانده و پشت را نگاه کنیم، در نوزده قدم جلوتر بر روی یک تخته سنگ تبر با تصویری برجسته یک مسلخ دیده می شود. اگر از سنگ دارای تصویر مسلخ دربش را جدا کنیم، تونلی ظاهر می شود به طول ۲۵ متر که وارد صخره عسلی می گردد. از آن به میدان وسیعی وارد می شود. در حدود ۱۵ تن اشیایی که در این میدان پشت درهای آهنی نگهداری می شود عبارتند از مجسمه‌های هلنوس، توپ های طلایی، شمشها، جواهرات و سکه های مختلف طلایی و ...

از جلوی صخره عسلی وارد ییلاق روستای مقابل می شوید. بین صخره عسلی و روستای مقابل تپه‌های کوچکی وجود دارند. در این میان ۷ مزار سنگی وجود دارد. ما بدان نام Topkoru را نهادیم. در بین مزارهای سنگی Topkoru در مزارهای وسط از سمت قبله به شمال، دقیقا در میانه مزاری سنگفرش شده وجود دارد. یعنی مخزنی سنگی وجود دارد. در ییلاق اریکلی نزدیک آنجا یک چشمه آب سرد موجود است. در نزدیکی چشمه آب یک درخت کاج وجود دارد. در بین کاج و چشمه قبرهای به نام مزار سه تن وجود دارد. در نزدیک آنجا خرابه های قصبه بوزکایا قرار دارد.

مسیر پایین دست آنجا، ما را به دره تاریک می برد. در راهی که به سمت ییلاق یوروک می رود، در سه راهی که به سمت تربه تپه، وزیر خان و حمام های قدرت می روند، مزار ساری قیز (دختر طلایی) قرار دارد. روستای فاراگوز، سالوان و داناگوز نزدیک آنجا هستند. روستای تکه لی هم باز در همین جا بوده، در آنجا یک تربت زیارتگاه وجود دارد. این تربت از طرف ما غنی شده است. در همین اطراف، در سر راه روستای چالتی دره، تصویر ماهی است که جلویش بر روی صخرهای صاف طوری قرار گرفته که گویی در حال فرو رفتن در دریاست. این صخره دریچه یک مخزن غنی پوشیده است.

تپه‌های ریگی:



بعضا به صورت مزارهای پناهگاه نیز نامیده می شوند. قطرشان از دو متر تا ۲۵-۲۰ متر ممکن است باشد. از نظر موفقیت اجتماعی مقبره انسانهای رده اول جامعه است.
همچنانکه در تل خاکی های بزرگ اتاقکهای قبر کاملا در زیر قرار داشت، در تپه‌های ریگی اتاقک مزار و هدایای آن برای در امان بودن از دست غارتگران در جایی دور از مرکز قرار میگیرند.

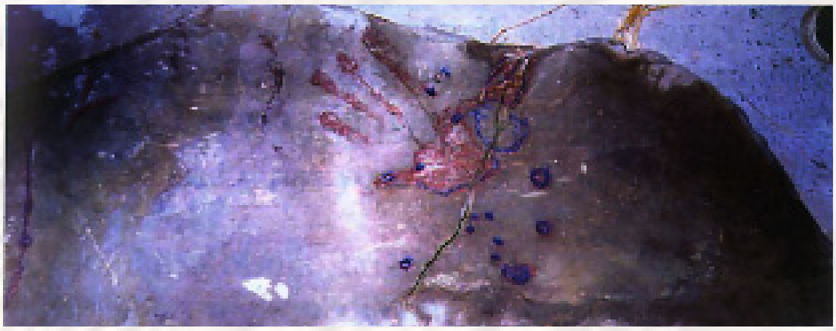
علام دست:



باید یادآوری کنیم که بیشتر علامتهای دستی که در طبیعت کشف میشوند از نظر باستان شناسی به تفکرات دینی مربوط می شوند. همین تفکر معتقد است که علامت دست متعلق به حضرت عیسی می باشد. با اعتقاد به اینکه حضرت عیسی با دست کشیدن بر مرده آن را زنده می کرده، برای آنکه همین تاثیر بر روی فرد مرده نیز وجود داشته باشد در کنار، رو و اطراف مزار فرد فوت شده علامت دست ترسیم می شد، این امر نیز بسیار طبیعی به نظر میرسد.
علاوه بر این در دیواری داخل غارها نیز به طور مرتب به علایم دستی برخورد می شود که در دوره ماقبل تاریخ به دلایل نامعلوم بر روی سنگ نقش بسته‌اند. این نشانه‌ها یا بر روی سنگ حکاکی شده‌اند و یا با رنگهای گیاهی سالهاست که در دامن طبیعت جا خوش کرده‌اند، در مفهوم گنجینه‌یابی نیز، مفاهیم زیادی در قالب سمبل دست نهاده شده‌اند. بعضی از تفکرات معقول و یا نزدیک به معقول مربوط به توصیفات از مفهوم سمبل دست را با وجود آنکه منطبق با تجربه نیافتیم در زیر آورده‌ایم.
علامت دست بر روی صخره طبیعی اشاره به پول دارد با قبول این نکته که دست چپ همیشه از دست راست قویتر است، اشارات بر روی این تفکر بنا شده‌اند. هر دستی که

باشد باید به تعداد انگشتان دست پیدا شده توجه کنید.

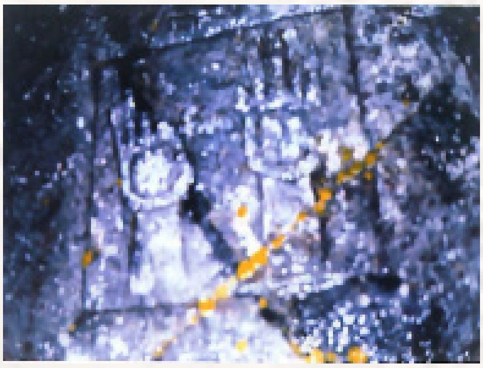
علامت هایی که در اطراف دست وجود دارند نیز به همان اندازه دست و انگشتهای آن مهم هستند. برای مثال در شکل دست راست و مخصوصا در نوک انگشت اشاره یک فرورفتگی برای ما خیلی مهم است. اگر این علامت را مشاهده کردید، بایستی حداکثر ۲۱ قدم در جهت اشاره انگشت به دقت بررسی شده دنبال سنگی بگردید که به طور مرتبی بریده شده باشد. این سنگ طبیعی باید این سکن را بلند کرده زیرش را بکنید. عمق حفاری به سمت پایین یک قدم است. آن هم معادل ۱/۲۰ متر است.



اگر بر روی انگشتان دست علامتی وجود نداشته باشد، در مورد دست راست حداکثر ۲۵ قدم و برای دست چپ نیز ۵ قدم شمرده شود. ممکن است بر روی صخرهها با اشکال متفاوتی از علامت دست برخورد کنیم.

نوشتن و توضیح همه اینها در اینجا امکان پذیر نیست. به همین مورد اکتفا می کنیم که هر یک از انگشتان دست راست و چپ از نظر ارقام دارای اهمیت می باشد.

اگر بر روی یکی از انگشتان سمبل دست علامتی گذاشته شده باشد، با نظر به اهمیت زیاد انگشت مورد نظر اندازه‌گیریها بر حسب آن انجام می شود. این علامت را بیزانسیها و ارامنه به طور مرتب استفاده می کرده اند.



از آنجا که در هر فرهنگی ارزیابی و شماره گذاری متفاوت بوده، بهترین روش بررسی دقیق اراضی خواهد بود. به خاطر آنکه اهانت این نوع علامت ها در فاصله دوری قرار ندارد، یک دستگاه فلزیاب قوی می تواند تمام انتظارات را در مدت کمی برآورده نماید.

در اینجا عدد قابل محاسبه مربوط به هر انگشت دست را در زمان تعیین مسافت برمیشمریم: (رقم سمت راست تعداد قدمها می باشد)

۱= انگشت شست دست چپ

۲= انگشت شست و اشاره چپ

۳= انگشت شست و اشاره و میانی چپ

٤= انگشت شست و اشاره و میانی و انگشت انگشتری چپ

۵= دست چپ کاملا باز

۱۰= انگشت شست و اشاره راست

۱۵= انگشت شست و اشاره و میانی راست

۲۰= انگشت شست و اشاره و میانی و انگشتری راست

۲۵= دست راست کاملا باز

این ارزشهای رقمی برای هر علامت و سمبلی معتبر نیستند. آنچه مسلم است هر فرهنگی طرز فکر و طرز شماره گذاری خاص خود را دارد.

توجه: می دانیم که علایم گروهی از دستها بر روی یک تخته سنگ مربوط به سوگند دسته جمعی ارامنه بوده است. اگر به چنین محلی برخورد کردید، این مژده را باید بدهیم که در کنار یک دفینه غنی ارمنی دفن شده است.

تک دست:

همانگونه در قسمتهای قبل اشاره شد، علامت دست سمبل یک مفهوم عددی است. در دوره زمانی مربوط به غارهای قدیمی نیز ، انسانهای اولیه به طور مرتب از سمبل دست در حکاکی بر روی غارها استفاده می کردند.

معادل بودن دست راست باز با عدد ۲۵ و دست چپ باز با رقم ۵ را نیز در این چهارچوب توضیح داده بودیم.

ولی منطق ترسیم سمبل دست در جاهایی که دفینه راهزنان وجود دارد، هنوز بر ما معلوم نشده است. در منطق بیزانس و ارامنه نیز این سمبل مفهوم خاصی دارد. با توجه به هر دستی که ترسیم شده باشد، معادل آن رقم و یا چند برابرش در آنجا دفینه‌ای مخفی است. اگر تصویب دست بر روی صخره گونه حک شده باشد، به معنای بررسی با دست نیز می باشد. لکن به این نکته باید توجه کرد که اگر صلیبی در داخل دست بود، عملیات در جایی انجام خواهد شد که تصویر پیدا شده است، به عبارتی سنگ برداشته خواهد شد.

اگر بر روی یکی از انگشتها اثر اسکنه دیدید (به جای ناخن،)، اهمیت دیگری دارد. به نظر می رسد حاکی از یک امانت دینی باشد و احتمالا طلسم دارد. انگشت علامت دار در عین حال از خصوصیت راهنمای جهت نیز برخوردار است.

دست صلیب دار:



اگر در داخل یک یا دو پا و یا یک دست صلیبی یافت شد، به معنی قسم است. خزینهای مسلم و معین است. دست راست باز با پنج انگشت (صلیب دار)؛ به معنی ۲۱-۱۹ قدم رو به جلو و انگشت اشاره باز (صلیبدار) معادل ۷۰-۴۰ قدم رو به جلوست. این اعداد را خواه ناخواه متفاوت آورده ایم، زیرا اعداد مورد استفاده اقلیتها و راهزنان نیز متفاوت میباشد.

پارچ:

پارچی که در اراضی و یا محل های مسکونی پیدا می شود بایستی از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

* (به عنوان ظرف آب) نشانه وجود یک چشمه و چاه در نزدیک آنجاست. بر روی فرد پارچ اگر علامتی نبود در محیط اطراف به دنبال نشانه دومی برای تعیین جهت و مسافت بگردید.

* آنچه اهمیت دارد اینکه خود بدنه پارچ به معنی وجود یک تل خاکی و لوله آن نیز نشان دهنده نقطه ورود و یا جهت راهنماست.

در هرصورتی، به روی پارچ باید علامت های دیگری در خصوص توضیح مفهوم آن موجود بوده باشد. با تغییر رمزگشایی این سمبلها و بررس دقیق در اراضی، معلوم می شود که چه چیزی و در کجا باید جستجو شود.

ما با کسانی که می گویند طول لوله پارچ نشانگر فاصله تصویر با اموال مخفی شده است، موافق نیستیم. زیرا در این بار آنقدر تعاریف ساختگی وجود دارد که؛ کاری غیر از ریشخند زدن به آن و ترحم به کسانی که مشغول ان هستند نمی توانیم انجام دهیم.

به کسانی هم که معتقدند مزارهای دوره های باستان پس از بررسی های ظریف فضایی کنده شده اند نیز می گوییم که چنین زاویه دید مفتاوتی قابل قبول نیست.

آبشار

آبشار یکی از عناصری است که در حرفه گنج‌یابی از اهمیت بسزایی برخوردار است. ا نسانها از زمانهای بسیار دور بدین سو، برای مصرف دایمی خود آب و برای حفاظت از خودشان نیز ساختار طبیعی استراتژیک را در صدر کارهایشان قرار می دادند.

آبشارها و مناطق اطرافش برای مخفی کردن دفینه نقاطی ایده آل محسوب می شدند، زیرا علاوه بر آنکه یک محل مسکونی دایمی بوده، در عین حال همیشه زیر نظر فرد مخفی کننده نیز بوده است. مناطق آبشار جایی است که هر کسی نمی تواند برای مدت طولانی اقامت کند، در عوض مناطق اطرافش محل اقامت خوبی است. نهایت اینکه مناطق دارای آبشار به خاطر جو سرسبز و جنگلی محلی مساعد برای اختفاء بوده است.

در ادامه تمام آنچه گفته شد، اگر تفکر تقدس آب را که در قالب یک فرهنگ از زمانهای دور به زمان ما منتقل شده، اضافه نماییم، بهتر متوجه خواهیم شد که چرا در دوره‌های نزدیک تا این حد با آب سر و کار داشته‌اند.

معمولا اموال مخفی شده در بیرون آبشار قرار داده میشوند. علیرغم اینکه افراد زیادی ادعا میکنند که اموال مخفی در پشت آبشار یعنی عقب جایی آب جریان دارد می باشد، این امر به شدت غیرمنطقی است. زیرا این نقطه همان جایی است که به ذهن هر جستجوکننده می رسد. در مقابل، اگر در کنار آبشار غارها و یا پناهگاههایی وجود داشته باشند، برای جستجو در آن اهمیت زیادی باید داد.

بر اساسا تجربه‌های ما، نقاطی که در اطراف آبشار به مسافت ۱۵۰-۳۰ قدم به چشم می خورد بیشتر ترجیح داده می شده اند. خصوصا اگر محموله دفن شده باشد، باید در اطراف به دنبال رد، علامت و نشانه‌ای بگردید. اگر هم به صورت محموله‌ای بر روی صخره دفن شده باشد، باید محلی که امکان اختفای محموله در آن وجود دارد به طور حتم تصویرسازی شده است.

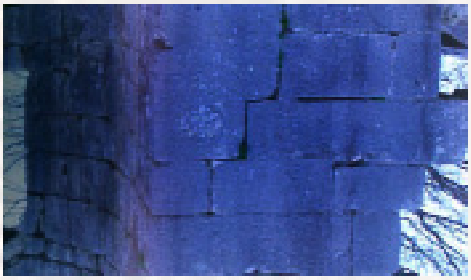
در ظرف منطقه علامت گذاری چنین مکانهایی سمبل ماهی اهمیت زیادی دارد. همچنانکه معلوم است ماهی در عین حالی که تمثیل کننده حضرت عیسی است، اولین سمبلی است که در ارتباط با آب ترسیم می شود. لکن منطقی نیست که به محض مشاهده آب فکر کنیم که امانتی در آب و یا جایی نزدیک آب است. ماهی ترسیم شده و نشانه های مکمل اطراف آن باید به طور صحیحی مورد بررسی قرار گیرد.

در اینجا سمبلی را که در ۱۰۰-۸۰ متری یک آبشار و در دامنه کوهی ترسیم شده است را شرح می دهیم، متاسفانه در حال حاضر عکسی از این شکل در دستمان نبود.

در این شکل با استفاده از چهار علامت مار از همان تعداد مزار بحث شده است. این مزارها همگی برای یک خانواده درست شده بودند یکی از این مزارها در خلاف جهت بقیه است و علامت ماری هم که همین وضعیت را داشت دقیقا سمبل آن مزار بود، علامت مار که در خلاف جهت بقیه است به همین جا اکتفا نکرده، در عین حال بر تومولوس بودن این مزار نیز اشاره دارد. این مطلب را از خمیدگی بدن مار مورد نظر متوجه می شویم.
توجه: اگر چنین خمیدگی هایی به سمت پایین باشند، نشانه وجود یک تل خاکی و در صورتی که رو به سمت بالا بوده باشد، دلیل بر وجود یک غار مخفی یا ورودی یک تونل است.

بت خانوادگی:

در ساختار موجود در عکس، تصویر صلیب شکستهای مشاهده می شود. تصویری است



که برای خانواده های اصیل و با نفوذ به کار می رفته است. چیزی که هست سنگ از بعضی جاها از هم جدا شده و در این ساختار به کار رفته است. باید اضافه کنیم که این شکل ربطی به مزار و یا گنج ندارد، برای اطلاع بیشتر گذاشتیم.

قارچ باقلوا:

نماینده بانویی با منزلت والاست.



صلیب درون دایره:



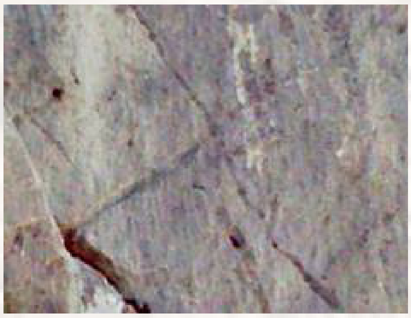
علامت صلیب داخل دایره نشانگر مزار خانوادگی است. می توان گفت که در آن نزدیکی ها یک قبرستان خانوادگی قرار دارد. چنین علایمی در سکونتگاه‌های قدیمی زیاد به چشم می خورد.

صلیب:



شکلی است که در معنای باستان شناسی بر روی بعضی مزارها و یا دستگیره درها نقش بسته است در تفسیری متفاوت، باید به صورت وارونه نیز مورد بررسی قرار گیرد.

علامت برآمدگی ضربدری:



این علامت ها در جاهایی مانند مخزن، غار و یا اتاق بوده، به معنای بسته بودن است، دلالت بر چیزی مخفی در آنجاست. در عین حال، به معنای سمبل مرگ و پایان زندگی نیز بیان شده است.

علامت قبر:



این علامت که در داخل دایره قرار دارد، سمبل یک تل خاکی کوچک و یا یک مزار خانوادگی چیزی شبیه به پناهگاه است. علامت فلشی که دقیقا در وسط شکل مشاهده میکنید، نشان دهنده جهت می باشد. همزمان به معنی عدد هزار در ارقام رومی است. از آنجا که فلش از وسط می گذرد اینگونه استنباط می شود که به معنی ۱۰۰۰ متر جلوتر می باشد.

صلیب مورب (Capali):



نمونه ای از صلیب های مسیحیت می باشد. شکل نیم هلالی همان حالت مورب است. سمبل انتظارات جامعه مسیحی از حضرت عیسی می باشد.

بت خانوادگی:



یکی از نمونه های بت خانوادگی است که از زیر خاک بیرون آورده شده است. متعلق به خانواده‌های اصیل و با نفوذ می باشد. از نوشته‌های رویش مشاهده می شود که به دوره روم تعلق دارد. نوعی کتابت است.

صلیب دو تایی:



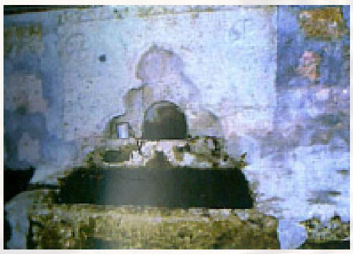
این صلیب ها که در کنار هم و به طور برآمده ساخته شده اند در اماکن مسکونی قدیمی در حد وسیع به عنوان علامت و یا سمبل مزار مورد استفاده قرار می گرفتند. به دوره روم تعلق دارد.

دهلیز یا راهرو:



تصویری که مشاهده می کنید نمونه ای از یک دهلیز مخفی است.

چشمه تاریخی:



در شکل یک چشمه تاریخی و قدیمی را مشاهده می کنید. علائمی از این دست که در سمت چپ و راست فوقانی مشاهده می کنید، می توان گفت که تماما برای زیبایی بنای مذکور قرار داده شدهاند. از آنجا که این اشکال به مفهوم علامت خاصی نیستند، پس نبایستی متلاشی گردند. لکن به دلیل اینکه چشمه همواره به عنوان نقطه ثابت بسیار مناسبی عمل میکرده، بایستی محیط اطراف به دقت بررسی گردد. از آنجا که چنین جاهایی جزء مناطق حفاظت شده محسوب می شوند، توصیه می کنیم خارج از مقررات عمل نکنید.

سنگ سدر:



این سنگ نشیمن که به شکل درخت سدر می باشد، یافته ای است که در دوره های گذشته ساخته می شده و مرتب به چشم میخورد. بایستی اطراف چنین محل‌هایی را با دستگاه فلزیاب به دقت جستجو کنید.

سمبلهای قبور مصفف:



شش فرو رفتنگی که بر روی یک صخره ثابت کنده کاری شده، نشان دهنده قبرهای مصفف جهت مقابل می باشند. اگر در جهت آن صخره غول پیکر دره مانندی وجود داشته باشند، احتمال اینکه مزارهای صخره بوده باشند، زیاد است. در غیر این صورت به طور حتم علامت قبول اتاقکی زیرزمینی می باشد.

توجه: چنین مزارهایی در محدوده مناطق محافظت شده قرار دارند.

کتیبه مزار:



دستگیره قبر موجود در شکل فوق متعلق به دوره روم بوده و از نظر درجه بندی اجتماعی به شخص و یا اشخاصی بلندمرتبه دلالت دارند. چنین مزارهایی معمولا قبول اتاقکی داخل صخره‌ای و یا از نوع قبور مخزنی می باشند. عمقشان بین ۳ و ۵ متر متغیر است. محل های

این مزارها داخل در مناطق حفاظت شده می باشند، دستکاری چنین قبوری جرم محسوب می شود. لطفا تابع قوانین باشید.

نمونه قبور اتاقکی:



تصویری که مشاهده می کنید چیزی نیست جز یک قبر اتاقی که به طور مخفی در زیر زمین ساخته شده است. این واقعیت را نیز از کنده کاری دایره مانندی که در زیر تصویر میبینید می توان استنباط کرد. دو بار تکرار می کنیم که وارد شدن در این گونه اماکن و دستکاری در آنها غیرقانونی و جرم محسوب میگردد.

مخفیگاه:



تصویر بالا محلی است که در زمان‌های خیلی دور ساخته‌اند این مکان محلی مخفی جهت مخفی شدن بوده است خصوصاً در دوران دور و نزدیک در این گونه جاها گنجهای بسیاری کشف گردیده است.

نوعی قبر حفاظت شده:





محوطه اطراف تصاویر بالا یک قبرستان خانوادگی می‌باشد. در این گونه قبرها معمولاً هیچگونه وسایل و هدایایی یافت نمی‌گردد.

بهتر است آن‌ها را تخریب ننمایید، چیزی عایدتان نخواهد شد.

چاه و مکان مخفی دفینه:

در تصاویر بالا چاهی را نشان می‌دهد که مکان مخفی نمودن دفینه می‌باشد. به گوشه بالای تصویر نگاه کنید تقریباً یک متر پایین‌تر از لبه‌ی چاه را با ساروج پوشانده‌اند.
این مکان معمولاً توسط راهزنان ساخته می‌گشته است.

تپه حاکم:



در تصویر فوق تپه‌ای را مشاهده می‌نماییم که وسعت زیادی داشته و این تپه به صورتی که از هر طرف به راحتی قابل رویت است. این محل و امکان مانند آن در دوران اسلامی به عنوان محل مخفی نمودن مال و دفینه‌های راهزنان مورد استفاده قرار می گرفته است.
برای یافتن گنجینه‌ی این نوع مکان‌ها باید از یک ردیاب خوب و مطمئن استفاده نمود.

لنگر کشتی:

چیزی که در تصویر مشاهده می کنید یک صخره مزار است، آنچه هم که در داخل دایره می بینید احتمالا لنگری است متعلق به دزدان دریایی. در کنار آن نمونه واقعی را مشاهده می کنید، از نظر ما علامتی است که در نزدیکی یک محموله گنج بزرگ قرار داده شده است. مخفی بودن علامت در بین صخرهها نیز موید این تفسیر است.

غار دماغه:



با دقت در تصویر فوق، ورودی غاری را مشاهده می کنیم که در سه قسمت دماغه وجود دارد. طبق آنچه می دانیم، این نوع غارها که ورود و خروج از آن بسیار دشوار است، از طرف بیزانسیها،دزدان دریایی و راهزنان به عنوان مکانی برای مخفی شدن و مخفی کردن مورد استفاده قرار می گرفت. چنین جاهایی تنها به وسیله افراد خبره قابل بررسی می باشد.

قسم ارامنه:



با دقت در داخل دایره علامتگذاری شده، یک کنده کاری گرد به چشم می خورد. اگر در اراضی چنین کنده کاری را به تنهایی مشاهده کردید، پس از آنکه از نبودن کنده کاری های دیگر در اطراف آن مطمئن شدید، می توان نتیجه گرفت که سه یا چهار خانواده ارمنی با جمع شدن به دور هم و ترسیم این سمبل، امانات خود را در شعاع ۵۰-۴۰ متری این مکان مخفی کرده اند. شکی در پول بودن آن نیست.

سوراخ کنده شده:



در ارتباط با تصویر فوق چهار تفسیر قابل برداشت است:

۱ سوراخ قسمت پایین به عنوان ورودی ساختمان زیرین مورد استفاده بوده است.

۲ قسم ارمنی است که ار اطراف آن اشیایی پنهان شده اند.

۳ در زیر و یا کنار آن یک مخزن و یا مزار اتاقی قابل کشف است.
٤ در قسمت بالایی سوراخ احتمالا چیزی پنهان شده است.
این موضوع باید از طرف افراد خبره و از نزدیک مورد بررسی قرار گیرد.

ستاره شش گوش:



کنده کاری موجود در تصویر در قالب یک شش ضلعی طبقه بندی شده، به مفهوم شش ضلعی پشت لاک پشت می باشد. با استفاده از این علام خود لاک پشت که همان علامت دوم است به دست می آید.

تخم مرغ:



دو عدد تخم مرغی که در شکل مشاهده می کنید از ترکیب خاص رس درست شده و درون خود مژده‌ای به همراه دارد. چنین تصور کنید که بایستی مرغ صاحب این تخم مرغ ها را که در اطراف قرار دارد، بیابید. اگر بتوانید مرغ را پیدا کنید، شما را به سمت هدف اصلی خواهد برد. در مورد مرغ و جوجه‌ها در بخش مخصوص به خودشان به تفصیل توضیح داده شده است.

شکل L وارونه:



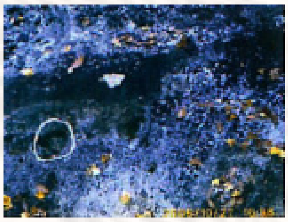
محلی که در عکس مشاهده می کنید قله یک صخره مرتفع می باشد. اگر به علامت داخل دایره توجه کنید، به شکل یک L وارونه است، آنچه درباره آن میدانیم به طور قطع اشاره به یک دفینه طلا دارد. محل کشف آن باید از طرف افراد خبره بررسی شود.

چاه:



اینگونه ساختارها معمولاً یا لعاب رس و پر از آب کشف می شوند. استنباط ما این است که ارامنه و راهزنان در اثنای جنگ، اشیای خود را در حال فرار در این محل‌های ثابت که در عین حال مورد استفاده نداشتند، انبار می کردند.
توجه: چنین محل هایی با استفاده از تجهیزات پیشرفته همراه با دوربینهای زیر آبی از طرف افراد ماهر و مجرب قابل بررسی هستند.

پای اسب:



این علامت نماینده پول است. محل کشف آن باید بررسی شود. معمولا احتمال اینکه امانتی در فاصله ۳ یا ۵ متری آن باشد زیاد است. (اگر علامت وجود تونل نباشد) در کنار این مورد باید به دنبال علامت دومی نیز بگردید.

پناهگاه:



این محل ها که در زمانهای قدیم انسانها برای محافظت خود ساخته بودند، بعدها به طور وسیعی برای اختفای اشیای قیمتی به کار می رفته است. اگر در موقع ورود به آن چیزی به چشمتان نخورد، به احتمال زیاد در داخل دیوارها طاقچه‌های مخفی طراحی شده‌اند. حتی قسمت سقف نیز باید مورد بررسی قرار گیرد. در چنین مکانهایی حتما باید از تجهیزات کافی استفاده کرد.

مزار صخره‌ای:



دو مورد مزار صخرهای در سمت چپ و راست تصویر قابل مشاهده است، احتمالا ساختمان نیمه کاره رها شده است. در مناطق صخره‌ای از این قبیل مرتب به چنین مزارهای صخرهای برخورد می شود.
توجه: مزارهای صخره‌ای جزء مناطق حفاظت شده هستند.

صلیب کاتولیک:



سمبل دو عدد مزار تپه قلوه سنگی است. مفهوم دو عدد مزار تپه قلوه سنگی با دو عدد حلقه نمایش داده شده است. صلیب موجود در اینجا نیز اطلاعاتی در خصوص مذهب فردی که آن را کنده در اختیار ما می گذارد. مجاورت صلیب با دو مزار سر پناهی در اینجا چند مورد را تداعی میکند.
۱ دو فرد مرده احتمالا کشیشهای یک مذهب بوده‌اند.
۲ احتمالا مزار دو زن و شوهر می باشد.
۳ مزار دو نفر خویشاوندی است که در جنگ، قحطی و یا بیماری واگیر مرده‌اند.

کنده کاری:



سنگی که در شکل مشاهده می کنید، در بین خرابه‌های قدیمی جلب نظر می کند. همانگونه که از تصویر هم برمیآید، بر روی آن دو کنده کاری کوچک و بزرگ وجود دارد. در شرایط معمولی می تواند به صورت مخزن (قبر جمعی) و اتاق کناری تفسیر شود. لکن با هدف های

دیگر نیز می تواند ساخته شده باشد. برش دادن این سنگ سخت است. بهترین و معقول ترین کاری که در اینجا می توان انجام داد، تلاش در بررسی منطقه با استفاده از تجهیزات مدرن است.

مزار تل خاکی (تپه مانندی):



محلی که در تصویر مشاهده می کنید، نمونه ای از مزارهای تل خاکی است. یادآوری می کنیم در صورت وجود علامت میراث فرهنگی فعالیت در این محل ها غیرقانونی می باشد.

کنده کاری (حفره) تک:



در صورتی که در اراضی با چنین کنده کاری مواجه شدید، (به شرط آنکه در اطرافش نشانه دیگری یافت نشده باشد) به نظر می آید که یک قسم (سوگند) ارمنی بوده باشد. در مساحتی به اندازه ۳۰۰۰ مترمربع در شعاع اطراف سنگ، اشیای حداقل ۳ و یا ٤ خانواده ارمنی دفن شدهاست. با استفاده از یک دستگاه فلزیاب به صورت دایره شروع به بررسی و جستجوی اطراف سنگ کرده رفته رفته شعاع دایره را افزایش دهید. (از هر طرف به اندازه ۵۰ متر).

توجه: در کتاب در چند مورد تحت عناوین سوگند ارمنی و یا کنده کاری تک به چند نمونه پرداخته شده است. با توجه به یافته های خود اراضی را بررسی کنید.

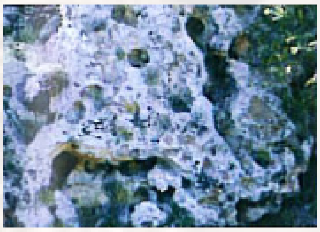
نمونه متفاوتی در خصوص کنده کاری تک و سوگند ارمنی (حفرهای که در سمت چپ تصویر قرار دارد مشاهده شود).

مزار صخره‌ای:



آنچه در تصویر مشاهده می کنید نمونه معظمی از یک مزار صخرهای است. معمولا مزار افرادی با شان و منزلت بالا در چنین جاهای دشوار و صعب العبوری ساخته می شد. ولی متاسفانه به دنبال قتل عام های انجام شده به طور جدی تخریب شده است. ضمنا باید یادآوری کنیم که جزء لیست مناطق حفاظت شده می باشد.

کنده کاری ها (حفره ها):



حفره‌های موجود در اینجا کاملا طبیعی بوده و نباید با کنده کاری های دیگر به یک صورت تفسیر شود. به طور مرتب به چنین اشکالی برخورد می کنیم در طول زمان دچار تخریبات طبیعی شده و به وضع فعلی درآمده اند. این تصویر با هدف هشدار قرار داده شده است. (علامتهای واقعی معمولا بر روی صخره‌ای محکم و ماندگار کنده کاری می شوند.

مزار حلزونی:



این شکل که از خاک پخته درست شده است، حاکی از مزار حلزونی است که در زیرزمین ساخته شده است. از نظر اجتماعی به فرد یا افراد صاحب منصب تعلق دارد.

مخزن:



این اشکال معمولاً به معنی کنده کاری هایی است که بر روی صخره های بی حرکت و ماندگار در اراضی انجام شده اند. در این تصویر نیز مربعی را که نشان دهنده مخزن است مشاهده می کنیم. طبق آنچه می دانیم، کانال و یا فلشهایی که در این گونه تصاویر در کنار مخزن دیده می شوند، نشان دهنده جهت می باشند.

حفره های مزار مصفف:



این کنده کاری ها که بر روی صخره‌ها مشاهده می شوند، نشان دهنده قبرستان خانوادگی در جهت دید خود هستند. استقرار مزارها مطابق کنده کاری های روی سنگ هستند.

مخزن:



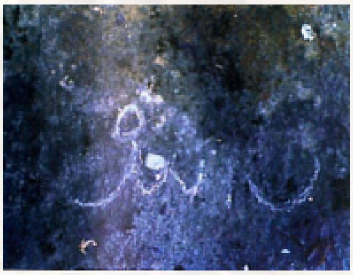
این سنگ چهار ضلعی که به نظرمان متعلق به دوره روم است با صلیب و فلش های رویش اشاره به وجود یک مخزن در جهت فلش را دارد. این علامت باید از طرف افراد خبره بررسی شود.

سنگ قبر:

از هر دو سنگ قبرهایی که در اینجا آورده ایم به طور خیلی واضح استنباط می شود که چنین سمبلهایی به طور گسترده ای برای صاحب منصبان عالی مقام همچون پادشاه و ملکه که در طلب حیات ابدی بوده اند، استفاده می شد. چنین سنگ قبرهایی خصوصا وجود درخت کاج بر روی آنها حاکی از اهمیت افراد صاحب مزار می باشد. این تصاویر هر کدام اتاق یک مزار را نشان می دهد. در هر دوی آنها مزار زن و شوهر وجود دارد، لکن از آنچه معلوم است به نوعی توسط یغماگران کشف شده و به تاراج رفته‌اند. چنین اماکنی منطقه حفاظت شده درجه یک می باشند. از قوانین حفاظت از میراث طبیعی وزارت فرهنگ و توریسم تبعیت نمایید. سنگ قبری با اشکال متفاوت که دلالت بر زن و مرد دارند.

علامت مخفی:



این علامت که در اثر ریزش آب به وجود آمده ، بعدها با نقاشی هایی که بر روی آن انجام شده، شکل خاصی را پیدا کرده است. علامتی رایج در اراضی بوده و نشانه راه حل خاصی نیست. اگر به چنین علامتی برخوردید، بهترین راه حل همان بررسی و جستجوی اطراف به وسیله دستگاه می باشد.

غار:



در این تصویر از دو غار ساخته دست انسان بحث شده است، به نظر می رسد که علامتهای نقطه‌ای قسمت بالا نشانگر مزارهای مصفف داخل غار باشد، چنین مکانهایی معمولا به عنوان

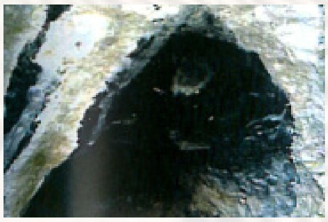
پرستشگاه نیز مورد استفاده قرار می گرفتند. این سمبلهای داخل غار در دوره‌های اولیه مسیحیت زیاد به چشم می خورند، با این وجود مستلزم تحقیق و بررسی است.

صلیبهای مزین:



این علامت ها تجسم بالاترین و بهترین مقام یا به عبارتی نشان دهنده شخص شاه می باشند. به نظر می رسد وسعت آن به معنای احاطه و تسلط بوده باشد. تماما به عنوان سمبل به کار رفته است. این علامت متعلق به دوره بیزانس است.

ورودی غار:



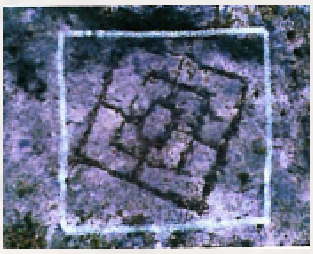
در شکل ورودی یک غار را مشاهده می کنید، چیز جالب توجه در این شگل وجود یک سوراخ کنده کاری شده درست در بالای ورودی است. این هم وجود یک اتاق را درون غار تداعی می کند. در چنین غارهایی، اگر اشیای مخفی بوده باشد وجود دام هم بسیار محتمل است، بایستی از طرف متخصصان بررسی گردد.

صلیب داخل چهار ضلعی:



به معنی مزار اتاقی است. دارای مژده‌ای بوده ولی نباید فریب آن را بخورید. در مزار امانات زیادی پیدا نمی شود، محموله اصلی به طور حتم در علامت کناری مستقر است. اگر علامت دوم را پیدا کردید به هدفتان خواهید رسید. در تصدیق چهارچوب رسمی، پولی است که می توان به راحتی پیدا کرد.

مزار اتاقی:



در بررسی دقیق شکل، اتاقی را مشاهده می کنید که به وسیله علایم همچون چهار عدد (L)وارونه در برگرفته شده اند، به صورت خیلی واضح نمایانگر مزار درون اتاق می باشد. این شکل در بعضی از سیستمهای نقشه کشی در قالب قلعه نیز به کار رفته است. در زمینه باستان شناسی به معنای خاصی از آن برنخوریم. محل کشف علامت بایستی توسط افراد خبره بررسی گردد.

علامت صلیب، فلش و نقطه:



اگر در اراضی با این علامت و یا امثال آن مواجه شدید، اندازه فلش را معین کرده، هر میلی متر و یا سانتی متر آن را معادل یک قدم مفروض نموده در جهت فلش به پیش روید تا به هدف برسید. صلیب موجود در شکل نیز نشانهای از جنس طلای محموله می باشد. نقطه نشانه امانت مخفی بوده، حلقه کنده کاری شده نیز دام می باشد.

گالری:

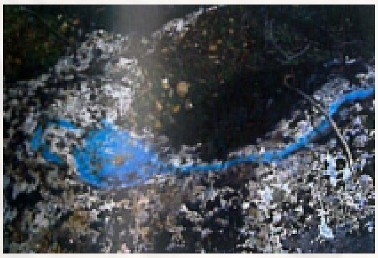


اینجا هر چه قدر هم که شبیه غار بوده باشد، به نظر ما غار نبوده بلکه غار یا جایی برای فلزکاری در دوره بیزانس بوده است. در زمانهای قدیم در چنین جاهایی جواهرات و فلزات

با ارزشی ساخته و پرداخته می شد (از قبیل طلا، نقره،مس و ...). کاری که باید انجام

دهید این است که از اینت اماکن مقداری تکه های معدنی برداشته و برای بررسی به دست متخصصان برسانید.

قفل:



این علامت که با ریختن رنگ روی آن ظاهر شده ، تداعی کننده یک قفل است. اگر در اطراف علامت یک کلید نیز پیدا شد، احتمالا آنجا دری است که به محل اختفای امانت باز شده و یا حتی خود گنج است. کانالی که به سمت راست ادامه می یابد بایستی مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد.

پارچ و شیشه آزمایشگاه:



می دانیم که پارچ بنا بر وصیت فرد مرده در قبر مدفون می شده است. تصویر پشت پارچ هر چه قدر هم که شبیه شیشه اشک چشم بوده باشد، به نظر ما شیشه اشکی نبوده بلکه یک شیشه آزمایشگاهی است. آن هم سمبل و نشانه آن است که فرد فوت شده یک کیمیاگر بوده است. هدف از حکاکی پارچ در این محل نیز به معنای آن است که فرد مرده از خود پولی را وصیت کرده است جهت حرکت در مسیر نوک لوله پارچ به مسافت تقریبی ۷–۳ قدم می باشد.

مدار حفره‌ای داخل صخره:

تصویری که مشاهده می کنید بدون شک علامت یک مزار حفره‌ای داخل سنگ می باشد. در داخل و یا فاصله بسیار نزدیکی از محل سنگی است که روی آن حکاکی شده است.

دو قسم ارمنی در دو جای مختلف:



باز هم در اینجا کنده کاری هایی را مشاهده می کنیم که در میان اراضی بر روی صخره‌های سنگی نقش بسته اند. در اطراف این کنده کاریها (حفره‌ها) که به نظرمان سوگند ارمنی بوده‌اند، به احتمال زیاد اشیای ۳ الی ٤ خانواده ارمنی مخفی شده است. به نمونه های متفاوتی از آن در کتاب می توانید رجوع کنید.

حفره‌های چهار ضعلی:



کنده کاری های چهار ضلعی که مشاهده می کنید، هر کدام علامت یک مخزن بزرگ می باشد. به احتمال زیاد درست در زیر و یا اطراف نزدیک آن خواهد بود.

حفره کنده کاری شده چهار تایی:



استنباطی که از این تصویر به دست می آید ما را به سمت یک قبرستان خانوادگی در اطراف آن سوق میدهد. این علامت می تواند نشانه چهار مزار اتاقی مجزا از هم و یا مزارهای چهار خانواده در یک مخزن واحد بوده باشد.

غار صخره شنی:



تصویری از یک غار صخره شنی مشاهده می کنید با کنده کاری هایی که درونش انجام شده به شکل یک محل زندگی درآمده است. این نوع اماکن در زمانهای بسیار دور به عنوان سنگر و پناهگاهی در مسافرتهای طولانی و جنگها بوده، بعدها به عنوان مکان مناسبی برای پنهان کردن اشیا کاربرد پیدا کرد.

چشمه باستانی:



دو عدد تصویر قلبی که بر روی صلیب کنده کاری شده اند، فرهنگ بیزانس و یا ارمنی را برای ما تداعی می کند. به نظر ما این علامت کاملا حالت یک سمبل را دارد. این عکس و صرفا جهت اطلاع آورده شده است.

سنگ قبری با تصویر طاووس:



علاوه بر اشاره به یک مزار، یکی از نشانه های سمبولیزم مسیحیت نیز می باشد. معمولا بر روی یک مزار و یا در ورودی یک قبرستان در خارج از محل سکونت یافت می شود.

علامت مخزن و اتاق:



چهار ضلعی و دایره‌های را که بر روی شکل فوق مشاهده می کنید، به معنی وجود قبور مخزن و اتاق در اطراف آن می باشد.

ورودی تونل:



در شکل نوعی ورودی تونل را ملاحظه می کنید. چنین ورودی هایی معمولا تنگ بوده و در داخلش تقریبا باید به حالت سینه خیز جلو رفت. پس از ۵-٤ متر سینه خیز رفتن، معمولا به شکل یک اتاق وسیع شده و داخل غار به صورت یک محل زندگی بسیار بزرگ ظاهر می شود. اکثرا با چنین وضعیتی برخورد شده است. محل‌های زندگی از این دست فراوان بوده است. در جنگ ما برای حفاظت از خود قسمت ورودی را تنگ می کردند. در قسمتهای فوقانی نیز به طور حتم هواکشهایی موجود است. این موضوع را فقط افراد خبره می توانند تشخیص دهند.

تونل مخفی:



این تونل ها که با استفاده از صخره های طبیعی ایجاد شده بودند، معمولا با هدف مخفی شدن و جایی برای مخفی کردن ساخته می شدند. خطرناک بودن و وجود دام در آن محتمل است. قبل از انجام هر نوع عملیاتی در آنجا بایستی از افراد خبره کمک بگیرید.

کانال آب تاریخی:



تصویری که در شکل مشاهده می کنید به معنای واقعی یک کانال آب در زمانهای قدیم بوده و نباید با غار، مخزن و اتاق و جاهایی از این قبیل اشتباه گرفته شود.

قبر تابوت دار کودک:



مزار تابوت داری که در شکل مشاهده می کنید به دوره روم باستان تعلق داشته و تابوت مزار یک کودک است. در صورت مواجه شدن به چنین مزارهایی برای اطلاع آورده شده است.

تابوت:



ظاهر این تابوت که در شکل مشاهده می کنید دقیقا به شکل چهره فرد بلند مرتبه‌ای که درونش خوابیده درآمده است. توصیه می کنیم در صورت مواجه شدن با چنین اثری از صدمه زدن به آن اجتناب نمائید تصویر صرفا جهت اطلاع گذاشته شده است.

کنده کاری های مستطیلی:



به هر سمتی که نگاه کنند، نشانگر وجود چهار عدد مزار داخل صخره و یا مزارهای خاکی مصفف می باشد. می توان گفت که به احتمال زیاد قبرستان خانوادگی می باشد.

سنگ سورتمه:



این سنگ که به قایق شباهت دارد، علاوه بر نشان دادن جهت، حاکی از وجود دو عدد مخزن و دو عدد مزار اتاقی در سمت رو به جلوی خود است. کنده کاری درازی هم که در بین دیگر حفره ها مشاهده می شود به نظر می رسد که مسافت بین امانت و سنگ را تعیین کرده است، لکن می تواند بر محموله مخفی دزدان دریایی نیز دلالت داشته باشد. (مانند علامت کشتی).

منطقه محل کشف علامت باید پس از کسب نظر افراد متخصص به دقت بررسی شود.

نمونه قبر تابوتی:



تعلق مزار تابوتی که در شکل مشاهده می کنید به ردی با درجه و مقام اجتماعی بالا از روی اشکالی که بر روی آن ترسیم شده اند. به طور واضح و آشکار معلوم و مبرهن است. چنین آثاری قابل ارزش گذاری نیستند. در صورت مواجه شدن با آن بهتر است به مدیریت نزدیکترین موزه اطلاع دهید. تصویر جهت اطلاع آورده شده است.

مزار سفالی:



به اینگونه مزار سفالی با چهار دستگیره که به دوران بسیار دور (۲۰۰۰ سال قبل از میلاد) تعلق دارد، به ندرت میخوریم. در این نوع مزار، امانت داخل قبر تنها چیزی از جنس مس می باشد. در صورت مواجه شدن با آن صدمه‌ای نزده و مراتب را به مدیریت نزدیکترین موزه اعلام نمایید. این نمونه صرفا جهت اطلاع درج شده است.

تابوت:



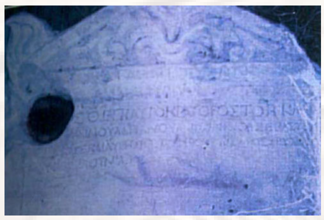
تعلق مزار تابوتی که تصویر مشاهده می کنید به یک شخصیت صاحب اقتدار از اشکال و تصاویر گاو نر روی آن کاملا مشخص است، در صورت مشاهده بدون وارد کردن صدمهای به آن مراتب را به نزدیکترین مدیریت موزه اعلام نمایید. این مورد جهت اطلاع گنجانده شده است.

سنگ درپوش:



دقیقا در خلاف جهت حفره چهار ضلعی موجود در تصویر اگر به مسافت تقریبی ۵۰ متر اثری از مزار صخره‌ای نیافتید، اینجا چیزی نخواهد بود جز دری که به یک مخزن باز می شود. ممکن است با استفاده از گل رس اندود شده و ظاهری طبیعی پیدا کرده باشد.
احتمال اینکه در بالای قسمت ورودی بوده باشد بسیار زیاد است. بررسی نزدیک از طرف متخصصان امر لازمه کار است.

کتیبه:



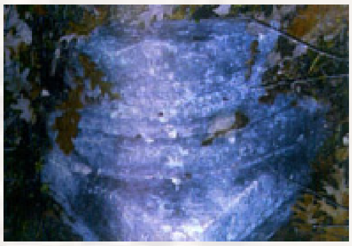
این کتیبه رومی در محلی که پیدا شده شرح مزار فردی صاحب منصب می باشد.

مزار صخره‌ای :



تصویری که ملاحظه می کنید به معنی ورودی رس اندود شده یک مزار صخره‌ای و یا یک ورودی در طرف مقابل می باشد. دیگر احتمال اینکه، ورودی یک مزار صخره‌ای است که بنا به دلایل مختلف نیمه کاره رها شده است. محل پیدا شدن آن و منطقه اطراف باید از نزدیک بررسی شود. چنین اماکنی جز مناطق حفاظت شده می باشند.

مزار پوشیده:



در چنین مزارهایی به نظر مان دوره عباسی یا سلجوقیان تعلق داشته و علنا قابل مشاهده هستند، امانتی قرار داده نمی شود، لطفا به آن صدمه‌ای وارد نکنید.

مزار خانم:



در تصویر فوق یک عدد L وارونه و دو عدد مثلث وارونه وجود دارد. بدان معنی است که دو بانوی بلندمرتبه به همراه زیورآلات خود دفن شده‌اند. این مزارها حفاظت شده می باشند.

چشمه باستانی



این ساختار که در زمانهای قدیم به عنوان چشمه مورد استفاده بوده، بعدها خشک و با سنگ و خاک پر شده است، برای ما یک مزار را تداعی می کند. لکن مزار نیست از تخریب چنین اماکنی که اثر تاریخی قلمداد می شوند پرهیز کنید.

صلیب داخل دایره:



سمبلهایی از این قبیل در دوره های اولیه امپراطوری بیزانس، معمولا برای حفاظت انسانها از طلسم و جادو بر روی دیوارهای محل سکونت نقش زده می شد. ارتباطی به گنج و علامت ها ندارد، چیزی که مبرهن است از جایی کنده و به اینجا انتقال داده شده است. این مورد برای اطلاع درج شده است.

ستون مزار:



در تصویر فوق یک ستون مزار متعلق به دوره روم را مشاهده می کنید. در جایی که پیدا شود به طور یقین حاکی از وجود مزار افراد صاحب منصب در آنجا می باشد(کشیش، اسقف و ...) این مزارها جزء مناطق حفاظت شده می باشند.

مزار کشیش





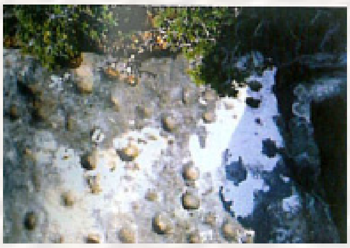
جایی از تصویر را که با فلش مشخص کرده‌ایم، احتمالا صلیب کشیش می باشد. یعنی اینجا مزار یک کشیش است. آنچه مسلم است این فرد از طبقه اجتماعی بالایی بوده است. (سر اسقف، برای مثال) اینگونه مزارها داخل در مناطق حفاظت هستند، موضوع جهت اطلاع درج شده است.

صلیب شکسته(نازی):



با توجه به خوابیده بودن آن بر روی زمین، می توان گفت که سمبل یک قبرستان افراد عالی رتبه بوده است.(مثل مزار اتاقی) تفسیری که بیان شد تنها در ارتباط با موضوع تصویر فوق بوده و نباید با سایر اشکال مقایسه گردد. رجوع کنید به قسمت صلیبها.

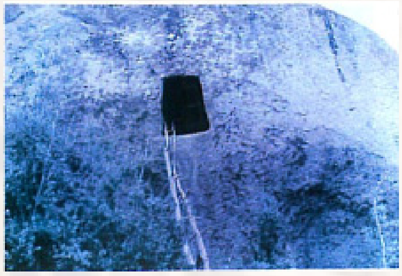
مزار گروهی



شکل فوق به طور قطع به معنی وجود مزارهای پراکنده در اطراف محل پیدا شدن شکل، به تعداد کنده کاری های موجود بر روی صخره می باشد. این اثر چنانچه با استناد به سوگند ارمنی حاکی از امانات یک روستا نباشد، این تردید را در ما به وجود می آورد که گویا مستطیل کنار صخره اشاره به جای مخزن مانندی دارد که در آن امانت هایی مخفی شده

است، بایستی اینگونه بررسی شود.

پنجرهای در صخره:



در چنین ساختاری که ارتفاع ۱۰-۸ متری سطح زمین ساخته شده، توضیح دقیقی نداریم، تنها می توانیم بگوییم که شاید یک مزار صخره ناتمام و یا جایی برای اقامت بوده است.

نقطه مرکز (ثابت):



ساختار طبیعی که در تصویر فوق مشاهده می کنید، از آنجا که در طبیعت به وفور و کثرت یافت نمی شود، همواره از طرف مدنیتهای مختلف به عنوان نقطه ثابت در نظر گرفته می شد. احتمال اینکه در کنار یا اطراف چنین محل هایی امانتی دفن شده باشد زیاد است. اگر در اراضی با چنین جایی مواجه شدید، توصیه می کنیم از دستگاه های پنجه زن استفاده کنید.

مزار صخره‌ای:





در این تصویر یک مزار صخره‌ای بزرگ را مشاهده می کنید که در قله ساخته شده است. لکن تخریب آن نیز کاملا مشخص است. از آنجا که چنین جاهایی داخل در مناطق حفاظت شده می باشند، این تصویر صرفا جهت اطلاع گنجانده شده است.

سنگ قبر:



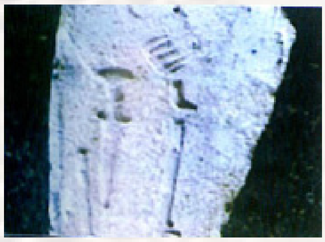
در این سنگ قبر اشاره شده است به وجود مزار دو خانم.

سنگ قبر:



نمونهای از سنگ قبر متعلق به دوره مصر باستان.

سنگ قبر:



سمبل‌های موجود بر روی این سنگ متعلق به فرهنگ بیزانس، نشان دهنده کارهایی هستند فرد صاحب مزار در دوران حیات خود مشغول آنجا بوده است. چیزی که می دانیم، اکثرا بعد از مرگ فرد به عنوان سنگ قبر وی به کار می رفته است. در خرابه ها به کثرت با آن مواجه می شویم.

سنگ قبر:



قبلا اشاره کردیم که از پارچ به عنوان نشانه میراث و یا وصیت پول در مبالغ کم استفاده می شده است. شکل برجسته دایره‌ای که دقیقا در جلوی قسمت لولهای پارچ قرار گرفته، به طور مرتب به عنوان اتاق مزار و یا سمبل چاه مورد استفاده قرار گرفته است. ۳ الی ۷ متر در مسیر لوله پارچ باید جستجو گردد.

شمشیر دوتایی:



بر روی این سنگ قبر که به صورت خوابیده روی زمین قرار دارد، دو عدد شمشیر و یک حفره کنده کاری شده در سمت چپ مشاهده می کنیم. این موضوع حاکی از دفن دو استاد شمشیر زن در یک مزار می باشد. به احتمالی اتاق مزار خواهد بود.

کتیبه:



نمونه کتیبه رومی که از چهار قسمت تشکیل شده، به طور قطع به ساختاری همچون کلیسا، صومعه و یا معبد که در طرف مقابل قرار داشته، دلالت دارد. در مناطق مسکونی قدیمی به چنین کتیبه‌هایی نادر هم که شده باشد، برخورد می کنیم. سمبل گنج، مزار و یا پول نیست. نباید تخریب شود.

مقبره صخره‌ای و یا محل مراسم:



در اینجا یک مقبره صخره‌ای بزرگ و یا یک محل مراسم شرح داده شده است. این ساختار که به یک زن و شوهر تعلق دارد بدون وارد آمدن صدمه‌ای تا زمان ما سالم بر جای مانده است. چنین جاهایی میراث تاریخی ما بوده و نباید تخریب شوند، علاوه بر این جزء مناطق حفاظت شده درجه اول نیز می باشند.

تل خاکی (Tululus) و یا اتاق قبر:



در میان این علامت ها که بر روی سنگ صاف و ثابتی در اراضی نقش بسته‌اند، کشف تصویر صلیب به افعال زیاد نشانه وجود یک تل خاکی کوچک در اطراف و یا یک اتاق مدار می باشد.

گاو نر و سگ:



سمبل گاو نر و سک علاوه بر استفاده به عنوان علامت وجود گنج و یا سایر محموله‌ها در محلی که کشف شده‌اند، بر روی سنگهای قبر زیادی نیز نقش بسته‌اند. این نشانه ها که در دوره یونان باستان با آنها زیاد مواجه نمی شویم، ریشه اتروسکی دارند و از طرف رومی ها به اشکال مختلف و به طور رایج به کار رفته‌اند.

مقبره صخره‌ای و یا محل مراسمات



هر چه قدر هم که در اولین نگاه تداعی کننده مزار صخره‌ای بوده باشد، به احتمال زیاد نشان دهنده محل برگزاری مراسمهای عقد، عروسی و ... در کنار یک معبد، صومعه و یا کلیسا بوده است. مدنیتهای باستانی چنین خاطرات مهمی را مرتبا بر روی دیوارها سمبولیزه می کردند. این امر در روزگار ما بر روی عکس، CD و یا کاست‌ها انجام می شود.

نقطه ثابت:



این شکل که در اراضی مانند یک چشم در مقابلمان ظاهر می شود، در دوره های باستان نمونه خوب و ایده آلی از یک نقطه ثابت برای مخفی کردن و تعیین محل اختفای امانات بوده است. در چنین جاهایی که جلب توجه می کند، می توان از دستگاه‌های پنجه زنی خاک استفاده کرد. (چنانچه در اطراف آن چیزی متعلق به دوره‌های قدیمی موجود باشد).

صلیب شکسته چهارتایی:



شکل کانالی که در این تصویر مشاهده می کنید، اغلب با شکل ما به اشتباه گرفته می شود. حال اینکه ، اشکال مار به صورت مار کامل حکاکی شده و به مار واقعی شباهت زیادی داشته و با چنین کانال‌هایی نباید اشتباه گرفته شوند. کانالی هم که در اینجا مشاهده می

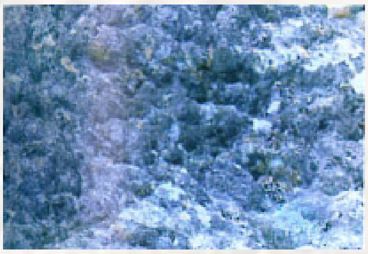
شود می تواند به مفهوم نقشه یک راه میانبر، یک دره و یا نقطه مشخصی از یک رودخانه بوده باشد. (شاید هم با هدف جهت یابی به کار رفته است) در اینگونه موارد شک برانگیز می توان از دستگاههای پنجه زن خاک و بررسی دقیق محیط اطراف سود جست.

کاسه سر (جمجمه):



این سمبل که جستجوگران گنج زیادی در اولین نگاه مفهوم دیگ و یا سطل را به آن می دهند، در اصل سمبل جمجمه سر یک انسان می باشد. یک مشاهده گر دقیق و ریزبین فورا متوجه ساختار بیضی چانه شده و موضوع را از زاویه دیگری تفسیر خواهد کرد. در حرفه گنج یابی هیچ نوع تفسیری درباره کاسه سر انسان در اختیار ما وجود ندارد، بهترین کار در این مواقع کند و کاو و جستجوی دقیق در منطقه پیدا شدن این سمبل می باشد.

صخره اسکنه خورده:



صخره‌ای که به صورت اسکنه خورده در تصویر مشاهده می کنید، در اصل یک صخره کاملا طبیعی می باشد. چنین تصاویری مرتبا از طرح گنج یابها به صخره اسکنه خورده تعبیر می شوند. حال اینکه ساختار طبیعی سنگ چنین است. افراد خبره با بررسی میدانی قادر به اثبات این مطلب می باشند. این تصویر صرفا جهت اطلاع آورده شده است. آن را با سایر سنگ های اسکنه خورده اشتباه نگیرید.

سنگ قبر زن:



این سنگ قبر در محل پیدا شدن آن، سمبل بانویی با مقام و منزلت بالاست. (همچون پرنس، ملکه و ...). چنین مجسمه‌های برای در امان بودن مزار از دست غارتگران در فواصلی دورتر از مزار دفن می شوند.

صلیب های مزین:



صلیبهای مزینی که در این شکل مشاهده می کنید، به کشیشهای بلند مرتبه و یا سر اسقفهای آن منطقه تعلق داشته اند.(در صورت وجود یک کلیسا در نزدیکی آن به عنوان سمبل کلیسا نیز به کار می رفته اند.)

سنگ شکل داده شده:

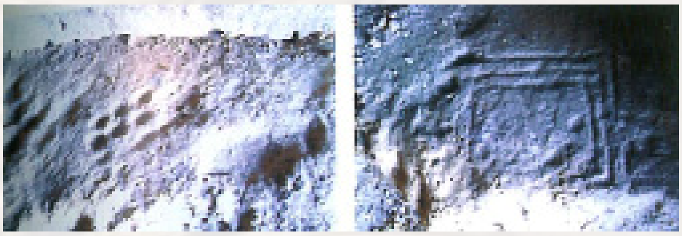
با حکاکی بر روی این سنگ که تا نیمه در زمین فرو رفته، و ایجاد کانال بر روی آن از سمت بالا و کناره‌ها سعی شده تا مفهومی بدان داده شود. ما از این نوع اشکال استنباط خاصی نداریم. هنوز مشخص نشده است که تصویر و تصاویری از این قبیل با چه هدفی ساخته شدند. گنجاندن این تصویر در اینجا به دلیل کثرت چنین اشکالی در اراضی مختلف است. می تواند به یک امانت اشاره داشته باشد. مستلزم بررسی می باشد. بهترین کار جستجوی خاک منطقه با دستگاه‌های پیشرفته می باشد.

صلیب:



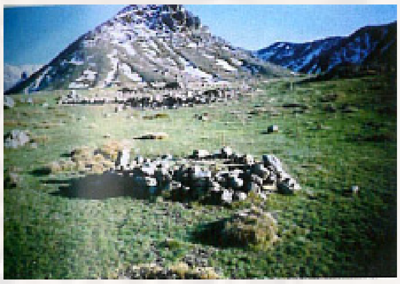
در تصویر صلیبی را مشاهده می کنید شاخه بالایی آن به یک (V) و شاخه پایین آن نیز روی یک خط افقی قرار گرفته است. ترسیم این صلیب به شکلی که گفته شد افعال ساخته شدن آن بنا بر دلایل اعتقادی و یا سمبلیک را حذف می کند. از آنجا که می دانیم تفسیر درست از چنین تصویری بسیار دشوار است، از این رو کار به دست کاردان بسپاریم، بهتر است.

علایم درون غار:



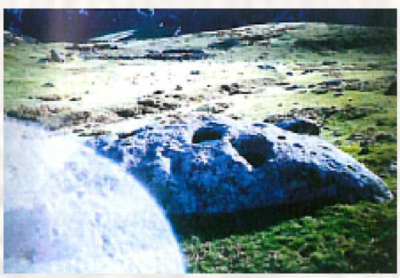
در تصویر سمت چپ شش عدد حکاکی قبر و در سمت راست سه مربع مشاهده می کنید. در داخل همدیگر ترسیم شدهاند. مربعهای داخل هم به معنی حفاظت، تسلط ، مواظبت در داخل هستند. با توجه به کنار هم بودن این تصاویر این مزارها به نوعی تحت حفاظت قرار دارند و در مسیرشان دام پهن شده است.

مزارهای قلوه سنگی:



در تصویر دو نمونه مزار مشاهده می کنیم که در مورد اولی اطرافش با سنگهای ریز و پشت سری آن با قلوه سنگ های بزرگ احاطه شده اند. می توان گفت که در این نوع مزارها هیچ نوع هدایایی مخفی نشده است. قلوه سنگها برای حفاظت از آن و هشدار برای عدم تخریب آنها قرار گرفته اند.

قبرهای اتاقی:



چهار حفره‌ای که بر روی یک صخره ثابت و به صورت منتظم کنده شده اند سمبل وجود چهار عدد قبر اتاقی در اطراف نزدیک به آن می باشد.

سنگ قبر:



در تصویر سنگ قبر متعلق به دوره روم، به مراسمی اشاره شده است که سه نفر با هم برای فرد مرده اجرا کرده‌اند، در قسمت پایینی سنگ قبر این مطلب توضیح داده شده است. به فردی با طبقه اجتماعی بالا تعلق دارد. از نظر ارزش هم روده مزار تابوتی است. چنین مکانهایی جزء مناطق حفاظت شده می باشند.

کشتی:



تصویر کشتی که مشاهده می کنید با عجله و به صورت ناشیانه ترسیم شده است. خمیدگی نوک دکل آن به سمت عقب حاکی از آن است که یک نوده سنگ با حکاکی های انجام شده به شکل یک قلک درآمده که یک مرحله قبل از تبدیل به کشتی می باشد. به احتمال زیاد پس از پر کردن داخل آن با اشیای دزدان دریایی با گل رس لعاب کاری شده است. مسافت آن نیز با امانت با محاسبه هر میلیمتر قیمت گچ دکل به سمت عقب به اندازه یک متر تعیین می گردد. این تفسیر تنها برای این تصویر معتبر است.

کشتی:



سمبل کشتی در هر حالتی حاکی از سیستم پر کردن دفینه از سمت بالا می باشد. به همین جهت بهتر است دنبال یک درپوش بگردید. مسئله اصلی پیدا کردن این درپوش می باشد. اگر در محل کشف کشتی هیچ نوع علامت و یا سمبل

دیگری نبوده و یا تخریب شده باشد، می توان دنبال صخره و یا غاری بگردید که در ذهن تصویر یک کشتی را تداعی می کند. غارهایی از این نوع که قسمت ورودیشان مسدود شده، بوسیله سوراخی که از قسمت فوقانی تعبیه شده بود، پر از اشیای قیمتی شده، سپس به وسیله لعاب رس اندود می گشت.

مزار صخره‌ای دو تایی:



دقیقا در وسط تصویر دو عدد مزار صخره‌ای را مشاهده می کنید. این یک منطقه حفاظت شده بود و صرفا جهت اطلاع درج شده است.

مزاز صخره‌ای:



ساختاری که در تصویر مشاهده می کنید، نمونه ای از مزارهای صخره ای است که برای اطلاع شما آوردهایم. با توجه به محل قرار گرفتن و مصارف بالا در ساخت آن مزاری است که به صورت نادر با آن مواجه می شود. یادآوری می کنیم که جز مناطق حفاظت شده می باشد.

قبرهای اتاقی:



در تصاویری که مشاهده می کنید، یک صخره بسیار بزرگ حفر شده و درون آن چهار اتاق مزار تعبیه گشته است(تصویر سمت چپ). در دو تصویر سمت راست نیز انتهای مزارها را می بینید. همچنانکه مشخص است به یغما رفته اند.
صرف جهت اطلاع درج شده و جزء مناطق حفاظت شده می باشند.

مزار و سکونتگاه داخل صخره‌ای:



دو تصویری که در اینجا مشاهده می کنید، مفاهیم متفاوتی را شامل می شوند. در تصویر سمت چپ تماما مزارهای صخره‌ای وجود دارند، تصویر سمت راست نیز حاکی از یک سکونتگاه صخره‌ای می باشد. بایستی از هم متمایز شوند. جهت اطلاع درج شده اند.

حفره‌های مزارهای صخره‌ای:



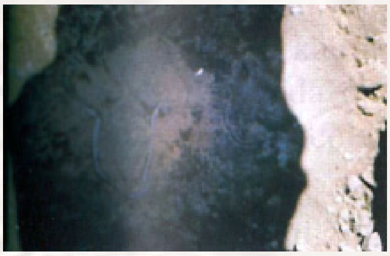
حفره‌هایی را که در سمت راست و چپ صخره زار موجود تصویر مشاهده می کنید، بر مزارهای صخره‌ای طرف مقابلشان و یا مزارهای زیر خاکی پای صخره دلالت دارند. از آنچه که از تصویر به دست می آید، حفره‌های سمت راست سه و حفره‌های سمت چپ به دو مزار اشاره دارند. مزارها جزء مناطق حفاظت شده بود، تصاویر صرفا جهت اطلاع گنجانده شده اند.

سنگ قبر:



در تصویر کنده کاری هایی که نشان دهنده مفهوم اسب دارای سوار، پارچ و مفهوم مزار هستند به چشم می خورد. این اشکال به طور کامل با سبک زندگی فرد مرده ارتباط دارد. طرز زندگی و شغل وی به طور کامل بر روی سنگ قبر سمبولیزه ترسیم شدهاند.

کروکی:



این شکل که در نگاه اول شکل یک مار به نظر می رسد، در اصل کروکی یک راه مال رو، رودخانه و یا دره می باشد. در اطراف آن جایی را که تجسم این کروی باشد پیدا کنید، امانتی در یکی از این سه نقطه است:

۱ نقطه دُم مار

۲ قسمت تحتانی U شکل که برجسته است.

۳ قسمت سر مار

اگر تصویر را به دقت بررسی کنید متوجه علامت کوچکی بر روی یکی از این سه نقطه که نشان دهنده محل گنج است، خواهید شد. مخفیگاه راهزنان و یا ارامنه بوده است.

سنگ طبیعی:



هدف ما از قرار دادن این تصویر در اینجا نشان دادن یک صخره سفرهای طبیعی است. همچنانکه این سنگ در نتیجه اتفاقات طبیعی بدین شکل و ظاهر رسیده است. این سنگ که جستجوگران گنج نام سفره سنگ را به آن داده اند. در طبیعت

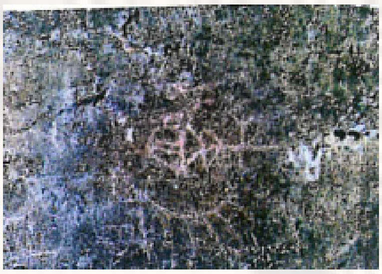
به کثرت به چشم می خورد. بر روی یک سفره سنگ واقعی اشکال قاشق، چنگال، چاقو و نام مشاهده می شود. تصویر صرفا جهت اطلاع درج شده است.

بت خانوادگی:



چیزی که در تصویر این بت جلب توجه می کند، درشت تر بودن قسمت تحتانی مثلث و رو به بالا بود قسمت نوک نیز آن است. به طور قطع به مفهوم وجود مزار یک شخص بلندمرتبه در این محل می باشد.

غار نشان دار:



در داخل غار تصاویر زیادی را مشاهده می کنیم که در کنار هم ترسیم شده اند. به نظر ما این تصاویر مفهومی در بر نداشته، فقط نمایانگر وجود زندگی در داخل آن در دوره های متمادی بوده است. در چنین محلهایی مزارهایی از نوع غار، دام و گنجینه‌های باارزش قابل کشف است.

کنده کاری های مربوط به مزارهای مصفف:



هفت کنده کاری مستطیلی که بر روی این صخره مشاهده می کنید به طور حتم نشانه وجود هفته مزار در اطراف آن می باشد. ترتیب مزارها بر اساس ترتیب حفره‌های روی صخره می باشد. می توان گفت که کنده کاری های روی صخره تقریبا نقشه استقرار مزارها هستند. این نوع مزارها می توانند به صورت پشته های سنگی کوچک و یا مزارهای مصفف درن صخره ای باشند. تمام و کمال داخل در مناطق حفاظت شده اند.

حلقه:

علامت خزینه (گنج) نیست. ممکن است یکی و یا بیش از یکی باشند. هر حلقه نشان دهنده یک تله می باشد. حلقه های مجزا خبر از تله های جدا از هم می رسند. با اندازه گیری مسافت شان تعیین می شود.(دایره های بسته (O) اکثرا سمبل عدد ۱۰ می باشند).
اگر حلقه ها تو در تو باشند،به معنی وجود تله به همان تعداد حلقه ها است. درست در لحظه ای که یکی از تله ها را از کار می اندازید، تله دوم فورا به کار می افتد.
آنچه در اینجا اهمیت ارد، تمایز دادن بین حلقه تک و حلقه‌های کنار هم می باشد. ممکن است به مفهوم اعداد رومی و یونانی که در این کتاب نیز آنها پرداختیم، باشند. (۹-۱۰-۷۰)
. باید بفهمید که زندگی داخل آنها به چه دوره هایی تعلق داشتند.

زن لخت:



اگر در تصویری در هم و برهم و یا برجسته و یا در بین تصاویر مختلف تصویر زن لختی را مشاهده کردید، به مفهوم مزار یک پرنس و یا ملکه می باشد. زن لخت بر روی تصویر برآمده روی مرمر، اکثر در کنار خود علامت دومی را دارد. این علامت می تواند ماری باشد که به کمرش حلقه زده و یا از دوشش آویزان شده است. در این صورت، هم به یک مزار و هم به یک خزینه باارزش دلالت دارد.
در کنارعلامت زنی که مشعل در دست دارد باید علامت دومی وجود داشته باشد. این شکل نشانه وجود یک دهلیز، غار و یا اتاق‌های بزرگ است. دو مشعل علاوه بر اشاره به دو خزینه مجزا از هم از اختفای پول و جواهرات در کنار هم خبر می دهند.
زن مشعل به دست دنبال جهت می گردد. در جایی که امانت وجود دارد به دنبال آن نگردید.
در خصوص سمبل زن دو نکته مهم وجود دارد: اولین نکته جهت نگاه آن و دومی دست یا دستان زن می باشد. برای پیدا کردن امانت کافی است ساختار دست زن را به دقت بررسی کنید.

زن حامله:

برخی از افراد جاهل خیال می کننده که در داخل شکم زن حامله چیزی پنهان شده است. کاملا اشتباه است. نادان‌ترین افراد هم در داخل شکم یک تصویر چیزی مخفی نمی کنند. نتیجه اینکه این تصویر یک اثر بوده و نباید تخریب شود. جهت نگاه زن اهمیت دارد. در یک فاصله مشخص، به اندازه جنین درون شکمش امانتی که برای تمام عمرتان کافی باشد مخفی شده است، شناسایی منطقه لازم است، پیدا کردن این علامت ساده نیست. کار افراد خبره است.

انبردست:



نشان دهنده گروه ابزارسازها می باشد. در کنار آن شکل میخ، سوزن، چکش و امثال آن ترسیم می شود. چیز زیادی به دنبال ندارد، فقط لوازم جالبی ممکن است پیدا کنید. بعضی وقت ها این اموال بیشتر از طلا ارزش دارند. انبردست می تواند از تقاطع دو راه در نزدیکی آن محل خبر داده و یا مربوط به دو دره و یا نقطه اتصال راه باشد. گنج اصلی خود انبردست است. اشیایی که در کنار آن ترسیم شده اند از قبیل میخ، سوزن و ... ساختار منطقه و جای امانت در آن منطقه و در صورت وجود امانت های پراکنده دیگر محل اقتضای آنها را نشان می دهد . در همه جای ایران مشاهده نمی شود.

ترازو یا باسکول:



دو کفه آن بر روی سنگی که نقش بسته باشد، مساوی نخواهد بود. امانت در طرفی است که سنگین تر است. امانت این محل از نوع طلا و نقره می باشد. متعلق به طبقه اصناف و یا تجار می باشد. ترازوها اشکال مختلفی دارند، اشکالی که با خود علامت «گرم» داشته باشند، مهم هستند.

چکش:



جزء جعبه ابزار نیست. امانتی متعلق به یک اوستا و یا فردی است که با این ابزار کار می کرده است. ممکن است به همراه پول اشیای زینتی نیز پیدا شود. با وجود نظریه در خصوص لزوم شکستن محل چکش ، این نظر به طور کلی نادرست است. هیچ کس در مورد دفینه‌اش تصویری به مفهوم «من اینجا دفنش کرده ام تو هم بیا بشکنش» نمی گوید. مطلب صحیح آن که باید دسته چکش را اندازه بگیرید.

اندازه مورد نظر این شکل x×cm۷۲ می باشد.

صخره های اسکنه خورده:





این اشکال سیستمهای شماره گذاری هستند که از دوره فریگ، روم، بیزانس و ارامنه بدین طرف مورد استفاده قرار می گرفتند. از آنجا که مفاهیم زیادی را می توان به آنها نسبت داد، صحیح نیست که بگوییم معنای درستش دقیقا همین است. لکن هر حفره اسکنه خورده ۷۸ سانتی متر بوده، بعضا معادل ۱۲۰ سانتی متر نیز محاسبه می شوند. دوره‌ای که علامت بدان تعلق دارد، مهم است. این اشکال به طور قطع نه برای نشان دادن جهت بلکه برای تعیین فاصله به کار می روند. اگر حفره‌ها بر روی زمین باشند، با توجه به اندازه‌های آن باید به دنبال مجموعه دیگری از حفره‌هایی که بزرگتر و یا کوچکتر می شوند و یا یک علامت دیگر بگردید. اگر حفره‌های اسکنه خورده بر روی پیشانی یک صخره باشند باید در طرف مقابل آن به دنبال مزار و یا جایی که نشان از وجود انبار دارد، بگردید.

تصویر کشیش:



یکی از اشکالی است که جستجوکنندگان گنج به کثرت به آن برخورد می کنند. لکن بعضا این گونه تصاویر به تصویر حضرت عیسی با یک پدر مقدس تشبیه شده و تفاسیری با توجه به آن ابراز می شود. این در صورتی است که یک فرد ریش دار در آن دوره به منزله فرد مقدس بوده است. برای مثال؛ مجسمه‌های زیادی از جنس زئوس و یا اشکال برآمده آن در این شکل به حضرت عیسی و الهه مونث کنار آن به حضرت مریم تفسیر شده است. در صنعت گنج یابی اگر به معنای واقعی به تصویر یک کشیش برخورد شود، بایستی به احتمال زیاد در دست خود یک صلیب نیز داشته باشد. تصویر ریش دار بعضا مربوط به یک راهزن نیز می شود. در این صورت در دست وی به جای صلیب یک شیشه خواهد بود. به خاطر اهمیت این موضوع وضعیت این شکل را در زیر شرح می دهیم:

اگر فردی که احتمال می دهیم کشیش باشد، شیشه‌ای را که در دست دارد به طرف دهان خود برده ولی به لبانش نچسبانده باشد، به طور قطع در اینجا یک انبار زیر زمینی و یا ورودی تونل وجود دارد. در نزدیکترین محل ممکن است به دنبال آن بگردید. لکن در صورتی که شیشه به لبانش در تماس باشد، باز هم انبار و یا تونل مورد نظر درست در زیر محل استقرار تصویر و یا در فاصله ۷–۳ قدمی جهت نگاه فرد خواهد بود.

تصویر شیشه در دوره‌های نزدیک چه از طرف راهزنان و چه از طرف اقلیت‌ها همیشه به مفهوم تونل، انبار زیرزمینی و یا دهلیز(راهرو) استفاده می شده است.

نان سنگی:

ماده بسیار جالب توجهی است که در حفاری های مزارها و یا مکان مقدس و مخصوص عبادت در ایران با آن مواجه می شویم. رنگش ترکیب رنگهای سیاه و سبز بوده، عینا در شکل نان فرانسوی می باشد. با استفاده از لعاب رسی در یک قالب مخصوص قسمت زیر آن دقیقا مثل نان درآورده شده، قسمت روی آن نیز بسیار عالی کار شده است. بعد از بیرون آمدن از قالب کاملا مثل قرص نان تداعی می کند در این شرایط مشاهده شده است که

افراد غیرواقف بر موضوع، از آن به عنوان یک نقشه و یا راهنمای محل پول تعبیر کرده اند. لکن چیزی که در اینجا باید گفت آن است که اینگونه سنگهایی به دور از هرگونه سفسطه، بنا بر اعتقادات مسیحی مبنی بر خلقت حضرت عیسی از سنگ، در کنار قبور دفن می شده است. هدف از این کار وجود یک سنگ نماد حضرت عیسی در کنار فرد مرده تا روز قیامت به مثابه شخص حضرت عیسی بوده است.

به همین صورت سنگ در هر دوره ای سمبل نان بوده است. بر طبق نقشه های انجیل متنی، شیطان از حضرت عیسی خداست تا نان را به سنگ تبدیل کند. از این اعتقاد است که سنگهای دفن شده به عنوان نماد برکت نیز تصور می شدند. چنین سنگهایی با اهداف گنج یابی همخوانی ندارند. احتمالا سمبل حضرت عیسی و یا نماد خیر و برکت بوده اند.

صخره چنگالی:



بافت سنگی است که در بعضی از مناطق ایران مشاهده شده است. این صخره‌ها که به نام صخره‌های چنگالی معروفند، احتمالا سنگهای برخاسته‌ای بودند که در زمان عبادت وسیله انتقال به سمت خدا می شدند. فرسایش داخل آن احتمالا در طول زمان و به دنبال فرسایش صلیبی اتفاق افتاده است.

در مقابل، برخی از تعاریف عمومی همچون بعضی از اندوه ها و یا خون جگر شدن‌ها را نیز برای توصیف آنها نمی توان از نظر دور کرد.

هر وضعیتی که داشته باشد، این محل به طور قطع یک منطقه باستانی است. در اینجا حیات برقرار بوده و عبارت ها انجام می شده است. از این نظر، در زمان تغییر آن به عنوان محل وجود گنج حتما در اطرافش بقایای زندگی انسانها نیز یافت خواهد شد.

چشم:





سمبل چشم معمولا تنها برای نشان دادن نگاه به کار نمی رود. در این رابطه در تصویری که آورده ایم، به دو ماری که پلکهای بالا و پایین را تشکیل داده اند توجه کنید. در اینجا از مردمک چشم گرفته تا ساختار ابروها هر کدام قسمتی از یک مفهوم کلی هستند.

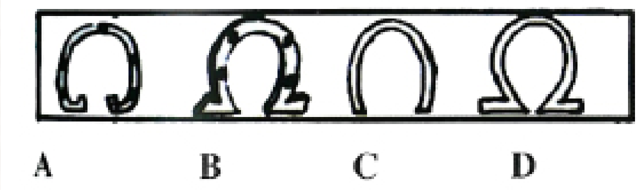
اشکال دیگری از مار که در جای جای این علامت پخش شده اند باز به معنای وجود مزارهای دیگری در اینجا هستند. (چهار عدد مزار) از آنچه که استنباط می شود، این منطقه مقر حکومتی و محل زندگی مقدس و قبرستان خانوادگی آنها به شمار می رود. با توجه به نقاط برجسته دیگر مشخص می شود که در اطراف چهار عدد تل خاکی نیز وجود دارند. قبلا از ٤ عدد مزار بحث کرده بودیم. تومولوس (تل خاکی) بودن آنها را از این اشکال استنباط نمودیم.

در نگاه کلی چشم مظهر نگاه به اطراف و جستجو می باشد. این تعریف تنها از خصوصیت چشم برمی آید اماناتی هم که باید جستجو و پیدا شوند باز در قالب اشکالی که خود چشم را به وجود آورده اند نهفته است. برای مثال دو عدد مار موجود در تصویر نشانه حیات ابدی و به مفهوم دو عدد مزار می باشند.

تصویر ماهی و حض هم که در اطراف چشم ترسیم شده اند، یکی از خصوصیات بارز دوره روم و مسیحیت یعنی یک خوض رومی را در اطراف آنجا نشان می دهد. اگر از این نکته که نام منطقه را برای خود محفوظ نگه می داریم بگذریم، این حوض بزرگ با حالتی ضراب از گذر تاریخ هم اکنون در آن منطقه به حیات خود ادامه می دهد.

علاوه بر آن، با استفاده ازعلایم لاک پشت و خرچنگ در اطراف چشم، می توان فهمید که در اطراف آن تونلی ساخته شده که برای گذر از آن باید به حالت سینه خیز حرکت کرد.

نعل:



علامت نعل معمولا یکی از سمبل هایی است که به طور اشتباه بررسی می شوند. ابتدا به برخی مفاهیم نعل در صنعت گنج یابی می پردازیم: این موضوع که جوامع ارمنی در زمان هجرت خود و نیز گروههای راهزن اموالی را که در تاراج و غارت‌ها به دست آورده بودند، در جاهای معینی پنهان می کردند.

گروههایی که از آنها بحث کردیم برای مشخص کردن محل اختفای اموال خود از اشاراتی استفاده می کردند، یکی از این اشارات علامت نعل بوده است.

همانطور که همیشه هم گفته ایم یکی از اموال فعالیتهای گنج یابی در زمان پیدا شدن چنین علایمی ابراز تعریف و توضیح دقیق و کشف رمز صحیح آنها می باشد. علاوه بر این، هیچ کس در هیچ زمان و مکانی دقیقا بر روی اموالی که مخفی کرده نام نشانی آن را نمی گذارد. این موضوع خصوصا در مورد ارامنه نیز که از معماران صاحب نام آن دوره و استاد بلامنازع استتار بوده اند، صدق می کند. از این رو آنها اموالی را که مخفی کرده بودند، با چندین علامت مجزا و مرموز نشانه گذاری می کردند.

در اینجاست که نعل به عنوان یکی از علامتهای مهم در تعیین نقطه هدف بکار رفته و اهمیت کشف رمز آن نیز آشکارا مشخص می شود.

اول از همه باید پرسید: چرا نعل؟ این سمبل چرا انتخاب می شده و به چه مفهومی بوده است؟ موضوع را از دو زاویه مورد بررسی قرار می دهیم:

۱- نعل به عنوان ماده ای که زیر پای اسب کوبیده می شود به عنوان کفش اسب مطرح است. با توجه به خصوصیتی که دارد، در هر نقطه‌ای که است یا بگذارد اثر آن بر جای خواهد ماند. این اثر به معنی عبور اسب از آنجا و تقریبا به منزله یک مهر عبور می باشد. لکن چیزی که باید بیشتر مورد تامل قرار گیرد، دنبال کردن رد پای اسب است. جای پای اسب حداقل باید دو عدد باشد. به همین خاطر هم باید بر روی صخره‌ها از نعل اسب حداقل دو مورد وجود داشته باشد. در این صورت یکی از دو نعل باید از حد طبیعی بزرگتر باشد، در مقابل رد نعلی که در کنار امانت قرار دارد باید در حد طبیعی و کوچک باشد.

۲-نعل با توجه به ساختار خود، شبیه حرف امگا از حروف الفبای یونانی است. این حرف

در نزد کیمیاگران و افرادی نظیر آنان به عنوان نشانه طلا نیز استفاده شده است. علیرغم مجزا بودن دو عنصر از هم، با توجه به شباهت نعل و امگایی که صنعت کیمیاگری استعمال داشته، از آن برای علامتگذاری مکان طلا و پول ها استفاده می شد.
بعد از چنین توضیحاتی در خصوص نعل به یک تشبیه اشتباه در مورد آن نیز می پردازیم که همواره اتفاق می افتد:
بیشتر افراد جستجوکننده گنج و یا انسانهایی که فقط به عنوان سرگرمی به آن می پردازند، علایم مشابه نعل را فورا و بدون کوچکترین بررسی و تحقیقی به عنوان نعل استخراج کرده و عملیات خود را بر طبق آن برنامه ریزی می کنند.
این در حالی است که همانطور که در شکل نیز مشخص کرده ایم، سمبل های مشابه دیگری نیز وجود داشته و هیچگونه ارتباطی به همدیگر پیدا نمی کنند.
اشکالی که در تصویر A و B مشاهده می کنید تماما سمبل نعل هستند. زیرا آثار میخهایی که بر روی آنها وجود دارند، این نظریه را به طور کامل اثبات می کند.
سمبلی که با C مشخص شده نیز یکی از سمبل‌های مشهور باستان شناسی است و به طور قطع نشانه یک تونل می باشد. این سمبل‌ها می توانند برای غارها، مخازن و دهلیزهای زیرزمینی نیز استفاده شوند.
آخرین تصویر یعنی شکل D نیز چیزی نیست جز حروف الفبای یونانی یعنی همان امگا.
درختان: (گلابی وحشی، درخت عرعر، بلوط، چنگال، سرو، گردو، توت و ...) بر روی صخره‌ها و جاهایی نظیر آن تصویر درخت به عنوان علامت گنج ترسیم نمی شود. استفاده از درختها برای پیدا کردن دفینه آداب و قواعد خاص خود را دارد. درختانی با عمر طولانی به عنوان نقاط ثابت علامت گذاری انتخاب می شوند.

سرو دو شاخه (چنگالی):



مهمترین خصوصیت درخت سرو دو شاخه بودن آن است. **درخت سروی** که حداقل سه نفر با دست به دست دادن بتوانند آن را در آغوش بگیرند، به طور متوسط ۲۵۰-۲۰۰ ساله خواهد بود. در اثنا یا قبل و بعد از جنگ آزادی این درخت به عنوان نقطه ثابت در نظر گرفته می شده است.اگر شکل یک درخت سرو با این مشخصات

پیدا کردید، درست در زیر قسمت دو راهی درخت دنبال شکافی بگردید که سالها پیش ایجاد شده است. شکاف مورد نظر امروزه باید در حد و اندازه‌های یک بشقاب بوده باشد. اگر از پشت علامت چشم و دقیقا از نقطه زیر دو راهی به طرف مقابل نگاه کنید، معمولا در فاصله ۷ و یا ۷۰ قدمی دنبال یک امارت بگردید. زیر دو راهی درخت به معنی حرف (V) می باشد، حرف V در الفبای عربی معادل عدد ۷ می باشد. در این شرایط یکی از دو نقطه به عنوان محل دفینه مشخص می شود. با استفاده از دستگاههای مجهز این منطقه را جستجو و محل گنج را مشخص کنید.

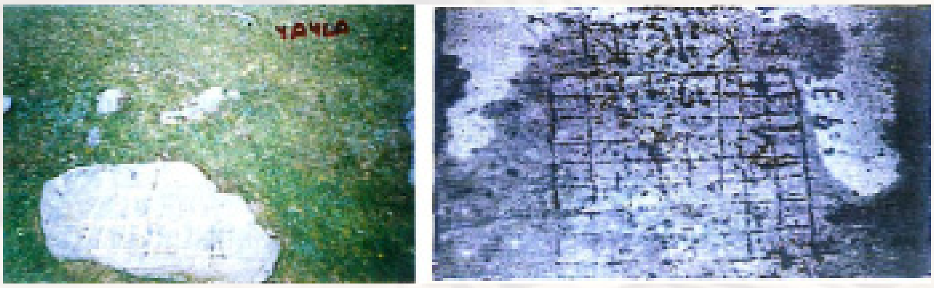
درخت گلابی وحشی، درخت عرعر، درخت بلوط و درخت کاج: اینجا اقوام درختان با عمر طولانی هستند که معمولا در اراضی و مناطق باز و به طور نادر در حیات خانه‌های روستایی وجود دارند. از آنجا که درخت گلابی وحشی و درخت عرعر به صورت وحشی در بیشه زارها می رویند، احتمال دارد که گنجینه‌های راهزنان و نیز پول ثروتمندان روستایی در زیر چنین درختهایی پنهان شده باشد. تا زمانی که خلافش ثابت نشده باشد، اگر دو عدد درخت وجود داشته باشد بین آنها و در صورتی که سه درخت بوده باشد، در زیر درخت بزرگ و یا درخت کوچک می باشد. اگر در نزدیکی درختها رودخانه وجود داشته باشد، بین نزدیکترین درخت و رودخانه، اگر بر جهت جاری شدن آب منطبق نباشد، فاصله بین چشمه و درخت با قدم اندازه گیری شده، سپس در سمت مقابل به همان اندازه پیش بروید طوری که چشمه در وسط این فاصله قرار بگیرد. نقطه‌ای را که بدینگونه بدست آمده بررسی کنید. در مورد مواردی که درختهای دو تایی باشند، در قسمت جلو یا عقب نقطه سوم را اندازه گیری کرده و برای پیدا کردن محل دفن سه ضلعی درست می شود. درخت اصلی و مادر این دو درخت بعضا سالخورده، سوزانده و یا بریده شده باشد. درختی را که از جوانه آن می تواند روییده باشد، بررسی کنید.

درخت توت: معمولا در میان خانه ها یافت می شود. بین درخت توت و نقاط مهم موجود در خانه ارتباط مستقیم وجود دارد. برای مثال فرد دفن کننده همیشه می خواسته امانتی دفن شده را تحت نظر داشته باشد. برای همین امر پنجره محل اقامت و یا خواب وی مشخص می شود. جایی کمی پایین‌تر از درخت بهترین جا برای دفن و مواظبت از امانتی می باشد. این نقطه معمولا با شروع از در و به سمت در ورودی خانه معمولا ۱/۳ یا ۷ قدم می باشد.

درخت گردو: معمولا درخت گردو، درخت باغها و محل های نزدیک مناطق مسکونی است. جهت و فاصله نقطه‌ای که با توجه نقطه درخت معین شده، قابل تشخیص نیست. لکن با توجه حروف ابجد که در فرهنگ ایرانی عنصری غیرقابل اجتناب به شمار می آمد،

عدد ۳ بدست می آید (۳= ج). آنچه مشخص خواهد شد، قرار گرفتن دفینه در سه قدمی درخت بوده، لازم است اطراف آن به دقت مورد بررسی قرار گیرد. (درخت درخت سایه داری است و امانت در زیر سایه حفاظت می‌شود).

سنگ حکاکی شده به شکل جدول چهارخانه (Dama)



به مفهوم یک راه میان‌بر و پرپیچ و خم است. این مورد معمولا سمبل تغییرناپذیر نقاط عبور و یا تونل های زیرزمینی است. سنگ Dama حتماً به عنوان نشانه گنج نیست. با این وجود، علامت بی‌بدیل وجود زندگی زیرزمینی در چنین جاهایی است.
با تثبیت و مشخص کردن چنین مکانهایی که به عنوان تونا و با کانال زیرزمینی از آنها یاد کردیم، می توان به ما ترک تمدن های باستانی و یا مال و اموال گروههای راهزن دوره های بعدی برخورد کرد.
توجه: برای آنکه علامت DAMA نشانه وجود طلا یا پول باشد، در کنار و با نزدیک به اشارات دیگری نیازمندیم.

کشتی:



در ادبیات گنج یابی برای برخی ها علامت بسیار مهمی محسوب می شود. علامت کشتی سمبل یک آب روان، دریا و یا دریاچه می باشد. شکل کشتی، بر اساس یک قانون در ارتفاعات ساخته نمی‌شود. به طور حتم در جاهایی از زمین با ارتفاع پایین ایجاد شده‌اند.
قبلا در قسمتهای مربوطه توضیح دادیم، برخی از آنچه که به عنوان سمبل کشتی تصور می شود، در واقع سمبل کلیسا می باشند. چنین نکته ظریفی مستلزم بررسی و تحقیق است.
علاوه بر این، اگر با شکل یک کشتی شکسته برخورد کردید، در اینجا قطعه شکسته به

معنای زندگی پایان یافته در دوران باستان بوده است. بررسی و تحقیق بر روی آن نیز اجتناب ناپذیر است. اگر در ورای این شرایط، اگر احتمال وجود تصویر یک کشتی مربوط به گنج وجود داشته باشد، در این صورت بررسی‌ها باید در آن چهارچوب انجام شوند.
باید بگوییم که این سمبل اساسا با منطقی که در «خرس لنگ» و امثال آن به کار رفته مرتبط می باشد. یعنی روندی از کل به جزء را بایستی اجرا کنید. همچنانکه در مورد خرس لنگ به دنبال پای بریده و یا کنده شده می گشتیم، در اینجا نیز با این منطق که قطعه‌ای را باید پیدا کنید، قطعات کشتی ترسیم شده است. قطعه ناقض در کشتی‌ها همواره «پنجره شکسته» و یا دکل شکسته می باشند. هر قطعه‌ای از کشتی که مورد نظر بوده باشد، به طور حتم قطعه‌ای از قسمت فوقانی آن پنهان شده است. یعنی پنجره و دکل از بالاترین قطعات کشتی باشند. به همین صورت قطعه شکسته و یا ناقص هم که دنبالش می گردید، در قسمت بالای خط ترسیم کشتی و به احتمالی در سمت پنجره و یا دکل شکسته خواهد بود.
اگر در این مناطق عمارتی هم بوده باشد، به احتمال زیاد سنگ و قسمتی از یک صخره است که به کشتی تشبیه شده است.



شکل ۱

یا احتمالا غاری خواهد بود که ساختار آن دقیقا بر خلاف بافت قسمت پشت ماهی درآورده شده است، این قسمت در داخل آب بوده و از نظر پنهان است. هر سمبلی که بوده باشد، پول و طلای پنهان شده در این جا با استفاده از سیستم پر کردن از بالا قرار داده شده است.
در سطح تحتانی نیز باید سنگ درپوشی را پیدا کنید که برای اکثر سمبل‌ها به منزل نقطه پایان تلقی می شود.(شکل شماره ۱) احتمالا این سنگ به شکل بسیار خوبی با استفاده از گل رس پوشانده و مخفی شده است. مسئله اساسی پیدا کردن این سنگ درپوش می باشد.
در اینجا یک نکته را توضیح می دهیم. سنگی که از آن بحث شد همچنانکه در شکل بالا نیز مشاهده می کنید، گویا شبیه یک سوراخ مخروطی از قبل کنده شده و به شکل صربی تپانچه است که در لوله قرار گرفته است.
این سنگ را نمی توان با شکستن آن از جا کند. لکن پس از آنکه محل دیواره‌های سنگ

با استفاده از حلال رس تشخیص داده شد، سنگ را با استفاده از قلم بیرون بیاورید.(همین وضعیت برای نمونه قرص نان نیز معتبر است). سنگ در پویش که در شکل ۱ مشاهده می کنید، در منطقه ازنیق و در نزدیکی یک تصویر متعلق به کشتی پیدا شده بود.
این سنگ زمانی که به روش بالا بیرون کشیده شود، پول و طلایی که از بالا در خزینه ریخته شده است از پایین به بیرون خواهد ریخت، سیستم آن بدینگونه سوار شده است. با تشخیص مکان چنین پولهایی، ابتدا محل پرشدگی قسمت بالایی صخره را به دقت مشخص نموده با دستگاههای فلزیاب جستجو کنید.

نشانه های مزار:

مزارها بزرگترین دل مشغولی جستجوکنندگان گنج می باشد. فراموش نکنید که: «مزارها جزء مناطق حفاظت شده هستند»
معلومات مختصری را تحت این عنوان در خصوص سمبل‌های قبر ارائه خواهیم کرد. مزارها در بسیاری از دورهای قدیم، مراکز معینی بودند که با حفره‌های کنده کاری شده به اراضی اشاره داشتند. باز همانگونه که در فرهنگ امروز ما نیز وجود دارد، اقسام مزارهایی که با قرار دادن یک عدد سنگ در بالا و پایین مزار تکمیل می شدند، بسیار متداول و رایج بودند. مشخصه دیگری هم که برای نشان دادن محل یک قبرستان عمومی به کار می رفت، قرار دادن یک سنگ بلند به ارتفاع متوسط یک متر در محل ورودی قبرستان بوده است.
یکی دیگر از انواع مزارها، تومولوس (تل خاکی) هایی بودند که با انباشتن خاک بر روی هم درست شده، دارای خصوصیات خاص خود بودند. مزارهای تل قلوه سنگی هم که در ایران بسیار به چشم می خورد، یکی از انواع مزارها بود که برای افراد عوام و معمولی ساخته می شد.
از بین این مزارها، علامت گذاری قبور تل قلوه سنگی و تومولوس (تل خاکی) و مهمتر از همه مزارهای دارای تابوت با حفره های کنده کاری شده ساده عملی متداول نبوده است.
تصاویری که در پایین آورده‌ایم نمونه هایی از دهها نوع مزار در مفهوم باستان شناسی می باشند. لکن مفاهیم مورد نظر همه آنها از هم متفاوت بوده، هیچ کدام برای تعیین جهت و مسافت به کار نرفته اند.



در اینجا به طور مختصر به انواع ساختار مزار خواهیم پرداخت،
انواع مزارها: پشته‌های خاکی، مزارهایی که در اتاق های داخل تپه‌ها جای گرفته اند، تابوت هایی که صاف ، نقش برجسته دار و یا دارای ستون و سنگهای تراشیده به شکل گل هستند، مزارهای اتاقی که روی شان سقف بوده و در درونشان تابوت هایی به شکل U قرار داده شده اند، مزارهای مسقف تک نفره با دیواره های بلوکی، مزارهایی قایق مانند که روی شان با سنگ‌های صاف پوشانده شده است.
بر روی مزارهای تابوت دار صاف و دارای نقش برجسته درپوش‌هایی مزین به نقش و نگار در قسمت سر و گوشه‌ها قرار داده شده است. در مزارهای تابوت دار منقش به ستون نیز درپوش‌ها به شکل تخت خواب ساخته شده و بعضا بر روی آنها مجسمه زن و شوهر به حالت دراز کشیده مشاهده می شود.
برای مثال، در مزارهای یادبود لئودیکیا؛ حاشیه‌های زینتی و یا نوشته‌های روی صلیب یا روی دیوارها به چشم می خورند. در این نوشته‌ها، اسامی زن و شوهرها و سایر اعضای خانواده که قرار است در آنجا دفن شوند مشخص می شود. در مراسم‌هایی که مطابق وصیت در این محل انجام خواهد شد، نام سایر افرادی که اجازه دفن شدن را پیدا کرده اند اعلام می شود. مقدار جریمه برای کسانی غیر از این عده که در آنجا دفن می شوند، مقدار پولی که در عوض دادن اطلاعات دفن غیرمجاز به افراد داده می شود و نگهداری یک رونوشت از این نوشته در آرشیو از معلومات گنجانده شده در نوشته‌های مذکور می باشد. چنین نوشته‌هایی در شهرهای یونانی Dvasi Lycus و مخصوصا در هیراپولیس بسیار رایج است.

مزارهای صخره‌ای:

همانگونه که می دانید یکی از خصوصیات بارز دفن در تمدن های لیکیا، لیدیا، فریگ، بیزانس، روم و سایر تمدن‌های شبیه آنها مزارهایی بودند که بر صخره‌ها ساخته می شدند. همانگونه که در مورد اتاق های صخره ای نیز صدق می کند، دفن مردگان در داخل مزارهای کنده شده در صخره‌های زمینی موردی است در ایران به کثرت به آن برخورد می کنیم.
مزارهای صخره‌ای بیشتر در شرایط فیزیکی مناسب اراضی، با کنده کاری صخره زارهای بزرگ به شکل غار و بعضا هم با درست کردن یک تابوت قایقی در داخل آنها محلی برای قرار دادن اجساد مردگان و یا خاکستر آنها محسوب می شوند. به جای اشکال قایق، اجساد

مرده ها بعضا بر روی تخت های چوبی نیز نهاد می شد.

مزارهای صخره ای موجود در اراضی به طور معمول با کنده کاری های مربع و مستطیل مشخص می شوند. لکن نمی توان گفت که هر نوع کنده کاری چهار ضلعی به معنای وجود یک مزار در کنار و یا اطرافش است. ولی در فواصل کم و زیاد در اطراف حفره‌های چهار ضلعی قابل کشف هستند.

مزارهای صخره در اکثر مواقع برای اعضای یک خانواده ساخته می شدند. برای همین با توجه به ضرورت باز شدن آنها در طول زمان متمادی، با امکان باز شدن دوباره ساخته می شد. ورودی چنین مزارهایی با پله‌ها و نقش برجسته‌ها مشخص شده، با انباشته کردن مقدار کمی خاک بر رویشان به شکل تومولوس یاتل خاکی درمی آمدند.

چنین اتاق مزارهای صخره‌ای غنی و پر احتشام هستندو اصول دفن متفاوتی هم که در آن اجساد مردگان به طور مستقیم در مزارهای خاکی دفن شده یا پس از سوزاندن خاکسترشان در ظروف مخصوص ریخته می شد نیز وجود داشتند.





ورودی مخزن، بسته است.



قسمت جلویی ورودی غار خیلی مهم است. (طلا دارد)



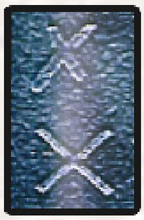
علامت طلاست، در اراضی به تنهایی یافت نمی شود.



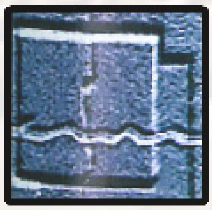
دست چپ باز، انگشت شست عدد ۵ و جهت را نشان می دهد.



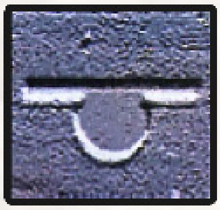
سنگ درپوش وجود دارد، ورودی وجود دارد.



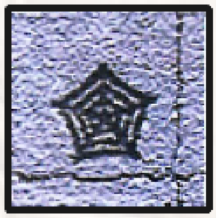
چنین علامت هایی در مکانهایی همچون مخزن، غار و اتاق وجود دارند به معنای بسته بودن است به نحوی باید باز شوند.



اتاق خالی که با سنگ ساخته شده، محل سکونت افراد طبقات بالای جامعه است.



آستانه در ورودی بسیار مهم است. به معنی زیربنا هم می تواند باشد.



جادو شده است. امانت بزرگ و دشواری است. مستلزم راه حل است.



بیش از یک تله دارد. خزینه است. مقدارش بسیار زیاد است. بعضا به معنی رقم ۸ می باشد. این اشکال باید به انواع گوناگون تفسیر شوند.



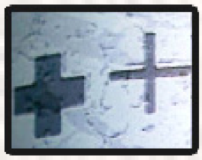
اقامتگاه شخص رییس است. مستلزم بررسی است.



دیوار چیده شده وجود دارد.



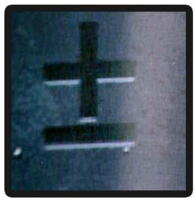
این دو نوع صلیب، به طور حتم مزار کشیش ها می باشند. اولی سمبل مورد استفاده کشیش‌های رده بالا می باشد. (مثال سر اسقف) یا اسقف اعظم.



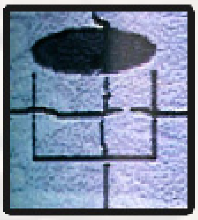
علایم مزار معمولی هستند. ورودی تونل وجود دارد.



به مفهوم پول حکمران درجه ۲ غیر از پادشاه است.



مزار معمولی با درپوش زیرین.



قطعا چاه است. دیوارهای داخلی چاه را نگاه کنید.



بین عقربه‌های ساعت و دقیقه را ببینید.



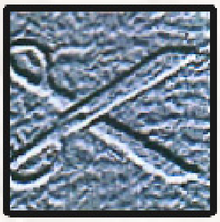
ورودی مخزن و درپوش است.



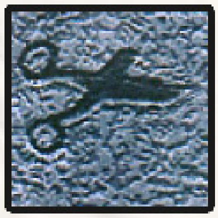
کنده کاری ها مزار هستند. حلقه کنده کاری شده دام است. توضیح داده شد.



امانت داخل آب است، در ظرف در بسته است.



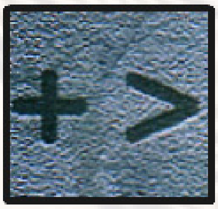
قیچی، راه متقاطع و یا دره هایی هستند که به هم می رسند.



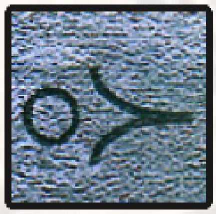
گنج قیچی شکسته در دهانه تقاطع دو راه قرار دارد.



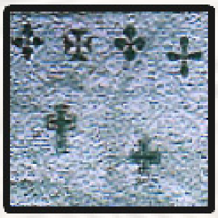
علامت های مختلف فلش نشان دهنده راه هستند. مستلزم اندازه گیری هستند.



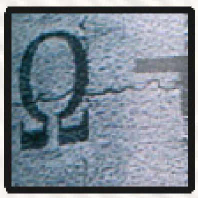
جهت مزار است. به عنوان علامت پول نیست.



به طور حتم جهت مزار بانویی بلندمرتبه است.



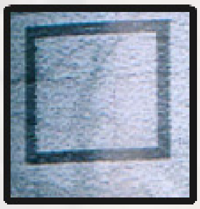
صلیب های مزین، تماما مزار کشیش هستند.



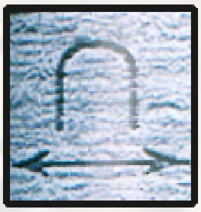
علامت طلا و خزینه است.



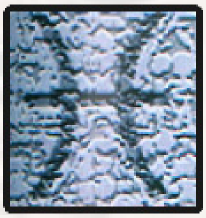
چاهی با جدار داخلی از جنس سنگ است. داخلش پر است.



اتاق خالی، چیزی ندارد. در نزدیکی اتاق پر است.



دهلیز یا غار است، درونش لابیرنت وجود دارد.



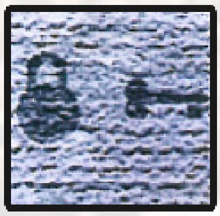
پناهگاه ساختگی است. قطعا امانتی دارد. اموال راهزنان است.



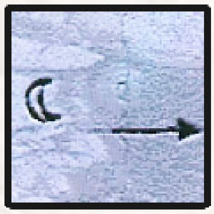
پول و زیور آلات بانوی بلندمرتبه.(به جای محرم)



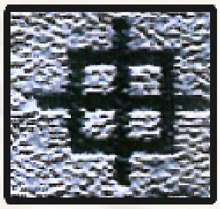
علامت سکونتگاههای قدیمی است.



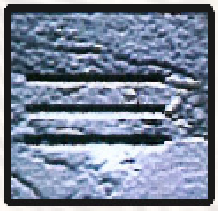
باز کرده و وارد شوید.



در این سمت مزار مخفی وجود دارد.



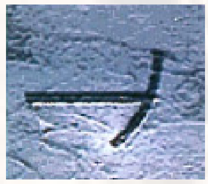
اتاق مزار کشیش است. امانت نه در کنارش، بلکه در نزدیک آن است. در اطراف مربع به دنبال شکاف گشته، اموال را پیدا کنید.



سه پله (سطح کناره ها را ببینید)



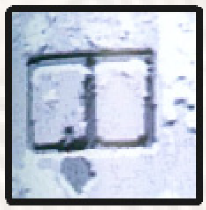
در سمت نگاه پرندگانی همچون عقاب، کبوتر، شاهین و قرقی قرار دارد. توضیح آن در قسمت نوشتار آمده بود.



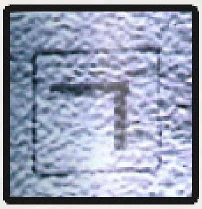
راهی که در دهلیزها ادامه می دهید بسته (بن بست) است.



محل وجود خورشید، مخفیگاه گنج است.



اتاق های تو در تو و یا یک جفت مخزن وجود دارد.



از مخزن وارد اتاق می شود: اتاق پر است.



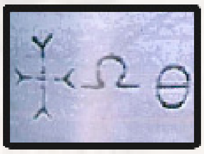
بت خانوادگی: از آن خانواده های اصیل و با نفوذ است.



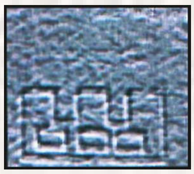
صلیب گلدار: معمولا متعلق به فرمانروایان و کشیش‌هاست.



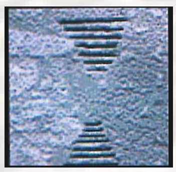
سنگ عمود: از طرف سوراخ اندازه گیری شود. امانت جلوی آن است.



همگی سمبل طلا هستند: جهت دهی آنها متفاوت است. آخرین علایم هستند.



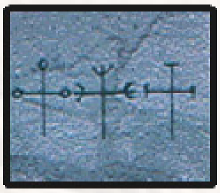
علامت قلعه و باروست: ممکن است تخریب و نابود شده باشد. فرد دفن کننده در زمان دفن امانتی است از اینجا به عنوان نشانگاه استفاده نموده است. تصویر حکاکی شده است. امانت از علامت دور است.



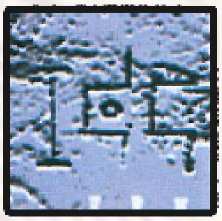
پلکان ... با پله پایین بروید: در کنار پله‌ها به دنبال علامت بگردید. تصویر حیوان با تصویر (+) در کنارش می باشد.



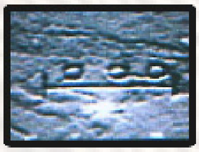
علامت غار: در یک دهلیز طولانی می تواند باشد.



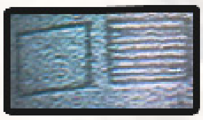
اینها معمولا تصاویر نقش برجسته هستند: نشانه مزارهای خانوادگی‌اند. علایمنوک باید رمزگشایی شوند.



نقره دفن شده است: از آنجا که سمبل‌های مختلفی بکار رفته اند، با بررسی دقیق محل آن در صخره و یافا و عمق آن مشخص گردد.



فلز خاکستری است: احتمالا سرب است. شاید انبار لوازم و یا مواد خام یک قبیله و اجتماع می باشد. احتمالا هم فریب است. چنین موادی را دور نینداخته ، بررسی کنید.



یکی از دو اتاق بسته و دیگری باز است: از این قبیل مکان ها در تل خاکی و غارها زیاد به چشم می خورد. اتاق بسته مهم است. لکن در عین حال احتمال خطر وجود دارد. مواظب باشید.



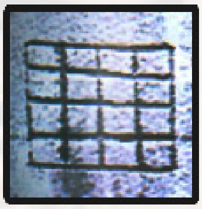
نشانه اتاق و مزار هستند: مژده دارد. نباید فریب خورد. ممکن است هدایای چندانی در مزار نباشد. مقدار اصلی هدایا به طور حتم در علامت کناری مخفی شده است.



سنگ سفره: می تواند در بافت‌های متفاوتی باشد. ممکن است بر رویش سمبل های غذا باشند. پول زیادی است. با توجه به سمبل مورد استفاده دنبال جا و جهت بگردید.



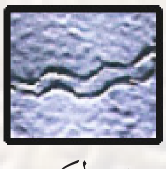
ورودی مخزن، بسته است: این علامت نشان دهنده اتاق اول بوده، دومی را به طور بسته نشان داده است. اتاق دوم بسته ولی پر است.



سنگ DAMA : تعداد مربع ها متفاوت است. یک مثال آورده ایم. نشانه ورودی بسته و ورودی مخزن می باشد.



مار کنده کاری شده: تعداد پیچ و خم ها به اندازه جهت حرکت اهمیت دارد. همانگونه که در بالا اشاره کردیم، مارها با توجه به ساختار خود سمبل هایی مستلزم کار مخصوص هستند. قطعا نمی توان گفت به این یا آن معنی است.

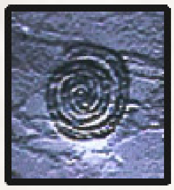


مار نقش برجسته: اگر بر روی سنگ قبر نبوده باشد، به طور قطع خزینه است. لکن در مورد نقش برجسته ها سر آن نیز اندازه گیری می شود. اموال مار باز با محاسبه مخصوص پیدا می شود.

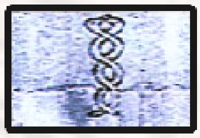


ماری که جمع شده و سرش به بیرون است و تعداد پیچها و جهتی که نگاه

می‌کند خیلی مهم است.



ماری که جمع شده و سر در داخل دارد: امانتش در داخل و یا کنارش می باشد. ساختار دم دارای اهمیت خاصی است. به طور قطع جهت را نشان می دهد. افرادی با استفاده از قسمت سر جهت را پیدا کرده اند.



دو ماری که به هم پیچ خورده و همدیگر را می بوسند: در بین دو مار می تواند صلیبی بوده باشد. نشانه گرانترین امانتی ممکن است. بسیار دشوار است، به طور قطع در کنارش نبوده، در اطرافش می باشد. علامت خزینه را در اطراف آن جستجو کنید.



مار تنهای پیچیده به تیرک: همچنانکه گفتیم در تمامی موارد مربوط به مار باید دقت کافی مبذول نمایید، این هم علامتی است که در آخر باید جستجو کنید. جهت دم بسیار مهم است. امانت را با اندازه گیری آخرین نقطه مشخص کنید.



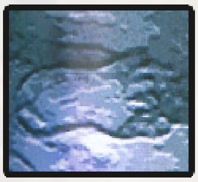
تپانچه شلیک نشده: معادل ٤٠ آستین است. ایناندازه هم معادل ٢٧-٢٦ متر در جهت لوله تفنگ است.



تپانچه شلیک شده: معادل ٧٠ آریشن است. آن هم برابر با ٤٥-٤٤ قدم است. (توجه: اگر درون همان سنگ و یا سنگی در کنار آن جای فشنگ دیدید به معنی تپانچه شلیک شده می باشد).



دو هلال: معمولا بر روی صخره کنده کاری می شود. امانت در زیر آن است. در نزدیکی آن مژده‌ای دارد.



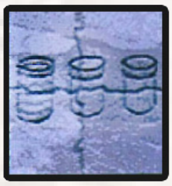
تک پا: دنبال سفید خانه بگردید که بتوان رویش ایستاده و در جهت پا یک امارت جستجو کنید. کمتر از ۱۰ قدم نیست. معمولا دفینه خاکی می باشد.



جفت پا: اگر پیدا کردید آخرین اشارتی است که باید خوانده شود. در همین جا تامل کرده، به دنبال امانت در جهت استقرار پاها بگردید.



حلقه زنجیر: هر حلقه‌ای نشان دهنده یک قدم است. اندازه قدم ها را ۷۸ سانتیمتر محاسبه کنید. جهت امانت در یکی از دو سر زنجیر است که متفاوت می باشد.



چاه سه تایی: از آنها به عنوان چاه آهکی هم یاد می شود. دو تا از چاهها خالی و یکی پر می باشد. مستلزم بررسی است. در ارتفاع یک متری سطح پر شده چاه پر است. چاه کناری هم در جهت دیگری کنده شود. در مورد چاه وسطی طوری قرار گیرید که چاه بزرگ کناری در سمت راستتان باشد.

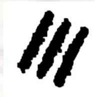


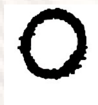
سنگ سوراخ: این مورد سمبلی است که بعد از آن به طور قطع علامت دوم یا علامت های دیگری پیدا خواهند شد. برای پیدا کردن امانت ها با استفاده از خصوصیت این سنگ، یعنی سوراخ آن نگاه کنید. برای انجام این کار نه از هر دو طرف بلکه از طرف بزرگتر سوراخ نگاه کنید. با نگاه از این طرف به طور قطع یک صخره علامت خورده و یا یک نقطه پست یا تل شده را خواهید دید.

بعضی از علایم رایج در گنج یابی

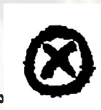

از این طرف نروید


از این طرف بروید

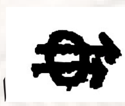

امن نیست

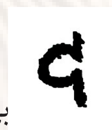

مکان بی فایده (نقطه مرگ)


منطقه غنی


مخزن بسته (مسدود)

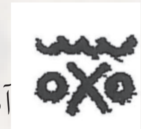

منطقه به تاراج رفته- مزار خانم

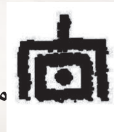

این راه را ادامه دهید

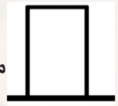

بی صاحب

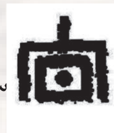

صاحبش اینجاست (هدایای مرده و حافظ آن)


داخلش پر از غار بوده توسط فرمانروایی حافظت می شود.

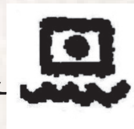

آب پاک، جای امن


مواظب باش- عمر طولانی برای فرد بلندمرتبه


مرد اصیل زندگی می کند


ساختار خطرناک- علامت هشدار


راه مناسب


خطرناک


سکوت (ساکت باش)

ساروج و حلال ملات ساروج:

ملاتی است که از زمانهای قدیم در پر کردن درزها به کار می رفته است. اساس آن از آهک شیرین می باشد. این ماده که از قدرت چسبندگی بالایی برخوردار است، از مواد اصلی بود که قبل از کشف و تولید سیمان به کار می رفته است. بهعنوان ملات نیز استفاده می شود. این ماده، استحکام خود را بهمدت صدها سال اثبات کرده است.

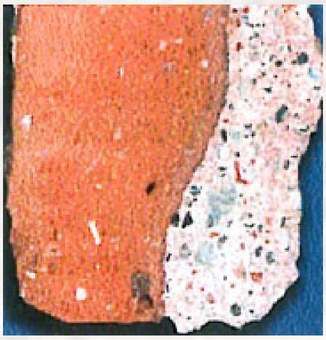
گل رس (ساروج) از ترکیب سیلیس ، شن، آهک، سفیده تخم مرغ و بعضی مواد دیگر با مرمر بدست آمده و در بافت بعضی از ساختمانها به کار می رفت، داخل این ترکیب رنگ نیز اضافه شده و بدین ترتیب قطعه های مجزا را به صورت پیوسته در می آورد. کاری را که با استفاده از گل رس و به دست یک استاد خبره و ماهر انجام شده باشد، به سختی می توان از سنگ طبیعی متمایز کرد.

استادکارها در دوره های قدیم، برای افزودن بر مقاومت مواد مورد استفاده شان ، موادی از قبیل سفیده تخم مرغ، خون، پنیر، رزین، سفال به ملات اضافه می کردند. در بعضی موارد نیز از مواردی مانند کاه، الیاف گیاهی، موی انسان و ... به عنوان چسباننده مورد استفاده قرار می گرفت. ملاتی که با نام ساروج شناخته شده، ماده ای است که در آن از محصولات خاکی پخته و سفت شده افزوده اند. در برخی عملیات ها، از موادی چون آهک، ماسه و قلوه سنگ نیز استفاده می شد. این ملات با مقاومت بسیار بالایش، در آثار تاریخی زیادی به کار رفته است. گل رس با ملات ساروج که در آثار تاریخی بیزانس، سلجوقیان و ... به طور وسیعی به کار رفته ، مخصوصا بعد از قرن ۱۵ میلادی بر وسعت استفاده از آن اضافه شده است. ملات های ساروج که با ترکیب تکه های آجر و آهک درست می شدند، یکی از مهمترین لوازم و مواردی بود در آثار تاریخی فراوان به کار رفته است. از این رو، محققان زیادی در طول تاریخ بر روی این ملات ها و خصوصیات آنها کار کرده اند.

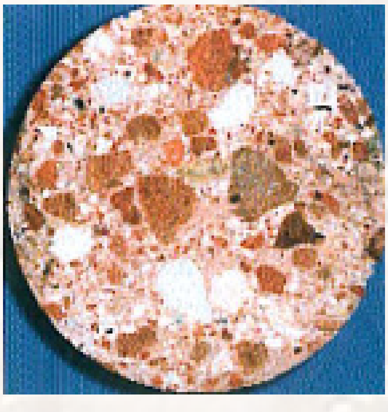
خصوصیات گل ساروج، در نمونه هایی که از آثار تاریخی فراوان گرفته شده، مورد تجزیه و بررسی قرار گرفته است. نسبت آهک به آجر در ترکیبات ملات استفاده شده در رودوس، وندیک، گیریت و بعضی از ساختارهای اواخر دوره بیزانس بین ۱/٤ -۱/۲ متغیر از تجزیه این ملات ها مشاهده می شود که از کربناتیزه شدن مواد چسباننده و آهک بلورهای کلسیت ایجاد شده در اثر واکنش بین گرد آجر بلورهای کلسیت با آهک ترکیباتی همچون هیدرات کلسیم، سیلیکات و آلومینات تشکیل شده اند.

درجه تحمل فشار ملات ساروجی که در یک آب انبار متعلق به دوره بیزانس اندازه گیری

شده و برای تعمیر آن از ملات ساروجی بنیه آن و با همان سختی و ترکیبات استفاده شده است. در تحقیقاتی که بر روی ملات‌های ساروج انجام شده، خصوصیات فیزیکی نمونه های جمع‌آوری شده از برخی آثار تاریخی و نسبت مواد خام استفاده شده در آن مشخص شده در آزمایشگاههای پیشرفته نیز شبیه آن تولید شد.



نسبت آهک و آجر مورد استفاده در ملات ساروجی که تجزیه شده بود، بین ۱/۲-۱/۱ متغیر می باشد. مشاهده می شود که ابعاد تکه های سفالی استفاده شده در ملات های ساروج در طبقات مختلف متغیر بوده است. در تجزیه بافت نمونه ها،مشاهده می کنیم که آهک و تکه های آجر به هم وصل شده اند. این امر نیز نشانگر مخلوط شدن بسیار موثر آهک و تکه های آجری با همدیگر می باشد. به همین صورت بلوک های چیده شده در ساختمان و ملات خراسان نیز به خوبی به هم وصل شده اند. ملات های خراسان به خاطر خصوصیات هیدرولیک خود،در برابر آب مقاوم هستند. ملات های استفاده شده در بافت حمام و یا جاهای مرطوب به طور متوالی در تماس مستقیم با آب و نم هستند.



بافت ملات ساروج مربوط به گرم خانه حمام است

برای جلوگیری از جدا شدن ملات روی دیوار مدت استفاده از آن، کلسیم رسوب کرده در آن به کار می اید. در این صورت ملات از دیوار جدا نمی شود. این بررسی ها نشان می دهد که ملات ساروج تا حد برای مکانهای مرطوب و خیس مناسب بوده است.

حلال ملات ساروج:

بهترین راه برای حل کردن ملات ساروج، فهمیدن ترکیبات به کار رفته در آن است. اگر نوع ترکیب به دست بیاید، راه حل آسان خواهد شد.

لکن ملات ساروجی که جستجوگران گنج در مکان های مختلف با آن سر و کار دارند می تواند بسیار متفاوت تر باشد. برای همین هم به طور قطع نمی توانیم به آنها بگوییم که : «با این کار می توانی ملات ساروج را حل کنی».

به طور معمول با استفاده از مته های مختلف این کار امکان پذیر است. در کنار این روش، دادن حرارت بالا به ملات ساروج و سرد کردن فوری آن نیز از روش دیگر برای این منظور می باشد.

روش حل کردن ملات ساروج در بالا به کل آنها تعمیم دادیم، با یک تعمیم دیگر اینگونه شرح داده می شود:

برای لایه ملاتی به ابعاد ٦٠×٦٠ و ضخامت ١٠-٦ سانتی متر شرح کار چنین است:

۱ کیلو آب لیمو، ۱ کیلو آب سرکه، نیم کیلو الکل خالص، نیم کیلو اسید مورد استفاده خواهد بود.

آب لیمو، سرکه و اسید با هم ترکیب می شوند. این ترکیب بر روی ملات ریخته می شود. ۲ ساعت منتظر شده بعد از آنکه ملات محلول را به خود کشید، الکل را روی آن بریزید و آتش بزنید. در شرایط معمولی این ترکیب برای حل کردن ملات ساروج کافی است. لکن بعد از ریختن محلول اول مواظب چشمها و تنفس خود باشید.

در روش دوم کار، فقط الکل ریخته شده دو ساعت بعد با شعله محدوده مورد نظر گرم می شود. این هم راه دیگری برای حل کردن ملات ساروج می باشد.

لازم به توضیح است که اگر شک کردید که در یک فضای خالی ملات ساروج به کار رفته است یا نه، با استفاده از چکش پلاستیکی و چوبی T را آزمایش کنید و جدا از استفاده از چکش فلزی خودداری کنید.



تپه ها:



تپه ها، محل های مسکنونی هستند که در مدنیت های باستانی مورد استفاده بوده و امروزه به صورت تپه های مصنوعی از جنس قلوه سنگ و خاک به حیات خود ادامه می دهند. ارتفاع آنها تا ٤٠ متر و وسعتشان بین ١٠٠٠ و ١٥٠٠ متر متغیر است.
این تپه ها با توجه به زمان ایجاد آنها تا به امروز، جدیدترین لایه شان در بالاترین سطح قرار دارد با حرکت از سطح بالایی به سطوح پایین تر به زمان تشکیل آنها نزدیک می شویم.

اندازه ها:

تغییر و تفسیر اندازه های مورد محاسبه در کل دنیا به مشکلی برای جستجوکنندگان طلا بدل شده است. برای مثال؛ وارا (٨٣-٣٣ سانتیمتر)، برازا(پنج فوت، ٧ اینچ تا ١٧٠ سانتی متر) ، استادو(٥ فوت و ٧ اینچ تا ١٧٠ سانتیمتر)، پاسس (فدم) لیگو (٣/١٨-٣/٢٧ مایل دریایی/ ٢/١٢-٢/١٨ مایل زمینی) و ... اینها شبیه اصطلاحات ساده ای است که در زندگی روزمره از آنها استفاده می کنیم. معلومات ذیل، نشان دهنده این تغییرات تاریخی می باشد.
«وارا» قبلا بین ٣٥/٩-٣٠ تغییر می کرد، این تفاوت در اندازه کشف امانت را دشوار می کرد. با توجه به اندازه مورد استفاده میان سربازان اسپانیولی، «وارا» تقریبا ٣٣ بوده است. این اندازه در دوره های بعدی به عنوان ٣٣ پذیرفته شد. هر علامت تا علامت بعد از خود، مسافت محاسبه شده را نشان می دهد. هر علامت با توجه به فاصله شان با هدف از جاهای خالی همچون ١٠٠ و ٥٠و ١٠ مورد استفاده قرار می گیرد.
«استادو» کم عمق ترین اندازه برای دفن مواد مهم است. برای اسپانیاییها، کاتولیک ها و مومنان به عیسی نیز این واحد اندازه گیری معتبر است. این اندازه در ٥ فوت و ٧ اینچ محاسبه شده است. این علامت شبیه علمت «وارا» می باشد. لکن بر عکس مسافت، عمق را نشان می دهد.
برازا هم مثل همان ٥ فوت و ٧ اینچ تعیین شده است. اکثرا دزدان دریایی و یا دریانوردان اندازه نقشه های خود را بر اساس آن ترسیم می کنند. روی نقشه واحدهای قدم و «وارا»

استفاده شده اند.

دو نوع لیگو وجود دارد. زمینی و دریایی. اندازه زمینی آن بین ۲/۱۲–۲/۱۸ متغیر است. واحد دریایی آن بین ۳/۱۸ و ۳/۲۷ متغیر می باشد. اگر در مورد مسافت ها با تردید مواجه شدید، در بین این اندازه به دنبال آن بگردید.

در بین گنج یاب های ایران یک سیستم اندازه گیری معتبر وجود دارد که بسیار رایج است. طول هر نوع علامت و سمبلی را اندازه گیری کرده و هر اندازه که بوده باشد به همان اندازه قدم یا متر محاسبه کرده در آن جهت پیشروی کنید.

اگر جهت یک فلش و یا خط بوده باشد در آن جهت و در صرتی که شکل یک موجود زنده باشد، مسیر نگاه آن خواهد بود.

همچنانکه مسیر حرکت بر اساس نگاه و خط در اکثر مواقع درست از آب درمی آید: همیشه محاسبه کردن بر اساس قدم و متر به نتیجه صحیح منتهی نمی شود. واحدهای اندازه گیری طول و وزن مورد استفاده از طرف تمدن های باستانی و افراد دفن کننده گنجینه ها با واحدهای اندازه گیری امروزی بسیار متفاوت می باشد.

واحدهای اندازه گیری طول:

۱- فرسخ	٥/٦٨٥ m
۲- برید	۲۲/۷٤۰ n
۳- مرحله	٤٥/٤٨۰ m
٤- آریشن	٦٥ cm
٥- کولاچ	۱/۳ m

واحدهای وزن:

۱ درهم	۳/۲ g
۱ عقه	۱/۲۸۲ kg
۱ کانتار	٥٦/٤۰۸ kg
۱بانهان	۷/٦۹۲ kg

نقاط دفن در صنعت گنج و دفینه:

در اینجا تلاش خواهیم کرد تا یکی از نقاط مهم برای جستجوگران گنج را به تفصیل شرح دهیم. لکن معلوماتی که در اینجا می آوریم از قطعیت و قانون خاص و ثابتی تبعیت نمی کنند. با این وجود، بعضی از تجربه‌ها و اطلاعات کمم خطا د رخصوص نقاط ثابت علامتگذاری را بر خواهیم شمرد.

به نظر و به نظر کسانی که در این حرفه مشغول فعالیت هستند، در زمانهای قدیم که بانکها و سایر سیستمهای نگهداری از وجوه و فلزات گران قیمت هنوز وجود نداشت، بهترین راه برای مردم جهت نگهداری آنها در جای امن دفن کردن آنها در جایی مطمئن بود.

این نقاط می توانست در نقاط مختلف اراضی و بادی خانه ها، کلیساها و سایر ساختارهای طبیعی موجود در طبیعت باشند. غیر از اینها، هر فرد دفن کننده پول جاهای منحص به خود را نبرداشت.

کاری که ما در اینجا قصد انجامش را داریم، عبارت است از تامل و تفکر در مورد منطقی که بر اساس جای موارد دفن شده قابل بررسی باشد.

ابتدا باید بگوییم که:

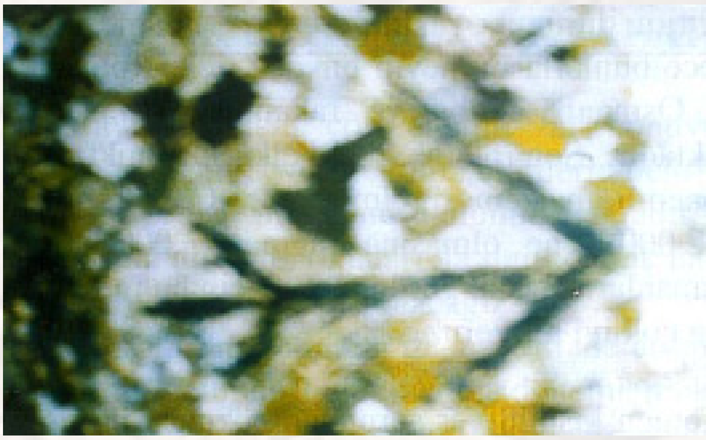
۱- فرد دفن کننده، قبل از پنهان کردن امانتی خود به مدت و اندازه کافی تامل و تفکر کرده، بهترین و امن ترین نقطه برای دفن را در نزدیکترین جای ممکن به خود جستجو می کند. لکن معقول بودن این مکان از نظر خود وی مهم می باشد. این مکان ممکن است برای دیگران به آن اندازه معقول و منطقی نباشد. اصولا خلوت و یا بر رفت و آمد بودن این مکان ها در شرایط آن زمان مهم نبوده است. آنچه مهم است جالب توجه بودن آن نقطه می باشد. فرد دفن کننده می توانسته با انتخاب شلوغ ترین و پر رفت و آمدترین جا برای پنهان کردن اموال خود، از رهگذران نیز بدون آنکه خودشان متوجه شوند، برای حفاظت از امانتی‌اش استفاده کند.

۲- جایی که فرد برای پنهان کردن امانتی خود در نظر می گیرید بایستی در محلی که وی به طور مرتب جلوی چشم دارد انتخاب شود.(این بند برای دزدها و راهزنان معتبر نیست) خصوصا انسانهایی که امانتی را در خانه و باغچه مخفی می کنند، جایی را انتخاب می کنند که در نشست و برخاست‌های روزانه جلوی دیدگانش باشد.

۳- فرد یا افرادی که اموال را دفن می کنند، با توجه به اینکه دوباره به آن محل خواهند آمد، در اطراف دفینه جایی ثابت را برای محاسبه علامتگذاری ها برخواهند گزید. این بند

برای کسانی که در اراضی و جنگلها اقدام دفن کرده اموال می کنند، بسیار حیاتی است.
٤- بالاخره فرد دفن کننده برای گم نکردن محل و یا بعدها برای نشانی دادن به سایرین، در اطراف دفینه نیز اشاراتی گذاشته و به وسیله آنها محل دقیق را پیدا خواهند کرد. دقیقا این نکته جالب‌ترین قسمت ماجراستک لکن با این وجود این قسمت سخت ترین قسمت کار نیز محسوب می شود.زیرا برای کشف رمزهای فرد دفن کننده، ابتدا باید مقررات و قانون این کار را بیاموزد. در اینجا منطق ها با مشکل ماجه می شوند با کمک گیری از تجربه های به دست آمده، سعی خواهیم کرد به یک نتیجه مطلوب برسیم. همچنین، بافت اجتماعی، سویه تحصیلات، دوره ای که در آن زندگی می کرد و زاویه دید فرد دفن کننده به امور دینی باید کشف شوند.
٥- تنها موارد فوق کفایت نکرده، فرد گنج یاب بایستی از الفبای یونانی، رومی، فریگ، بیزانس و ... نیز سررشته داشته باشد. در نهایت اشاید داشتن اطلاعات اندکی در خصوص تاریخ کمک زیادی به فرد بکند. زیرا با وجود اینکه چند سالی از دو هزارمین سالگرد تولد حضرت عیسی نگذشته، کارشناسان تاریخ زیادی را دیده ایم که از وجود انجیل ۳۰۰۰ ساله خبر داده اند. از همین روست که به اهمیت واقعی این مطلب پی می‌بریم.
پس از آنکه اطلاعاتی را در خصوص انتخاب محل دفن گنج از طرف فرد یا افراد دادیم، بر روی مکان های دفن نیز اندکی تامل می کنیم: محل هایی که اشارات و علایم قرار می گیرند حداقل به اندازه خود آن علایم مهم هستند. بعضا هم دفینه هایی را می بینیم که در تصدیق اعتقادات قدیمی، بدون گذاشتن اشاره و علامت دفن شده اند.
از اینرو، محل هایی از ایران را که بیشتر دفن ها را به خود جذب کرده و نیز نقاط ثابتی را که به عنوان مشخصه دفینه ها انتاب می شدند را بررسی می کنیم. هرگز نباید فراموش کنیم که فرد دفن کننده گنج در زمان علامتگذاری محل های دفن برای خود، مکان و محل هایی را ترجیح می دادند که به هیچ وجه تغییر نیافته، جا به جا نشده و یا مکانی در نزدیکی محل دفن باشند. به طور مختصر به این اماکن می پردازیم:
۱- اراضی‌ها: انسانهایی که قادر بودند اراضی با توجه به شرایط آنها بررسی کننده تراکم جمعیت و میزان عبور و مرور از مسیرهای مختلف را مورد بررسی قرار داده و گذرگاههایی با کمترین حالت شک برانگیزی و جلب توجه را انتخاب می کردند. در بسیاری از دفینه‌های اراضی، پیدا کردن علایم مربوط به آن بر روی تکه صخره‌های ثابت روی زمین امکانپذیر است.
اینها قطعه صخره‌های سنگی هستند که بر رویشان اسکنه کاری شده، تصاویری از فلش

قمه، نعل، شکاف، سنگ سفره، زنجیر، تصاویر دست و پا و برخی حیوانات را می توان مشاهده کرد.



شکل ۱

علایمی که در بالا بر شمردیم و سایر علایم شبیه آنها معمولا نه بر روی صخره زارها، بلکه بر روی سنگها و صخره‌های کوچک و ثابت روی زمین ترسیم می شوند.

موردی که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که اشارات و علایم موجود در اراضی به طور یقین بیشتر از یک مورد خواهند بود. حتی تا آنجا که همه می دانند در تصدیق تفکرات داخلی منسوبین جامعه ارامنه، بدون گذاردن چندین علامت در اطراف، هیچ گنجینه ای در زمین دفن نمی‌شده است. یکی از این علامت ها جهت و دیگری فاصله را نشان می دهد. بعضی وقت می توان اشاراتی را پیدا کرد که هم جهت و هم فاصله را به تنهایی نشان می‌دهند، اشاراتی همچون فلش، کمان، تک پا و ... از قبیل هستند. صخره‌های اسکنه خورده نیز از علایمی به شمار می روند که جهت و فاصله مورد نظر آنها با شمارش محاسبه می گردد.(شکل ۱)

بعضی از این اشارات به منظور فریب دادن، جهات مخالف را نشان می دهند. بعضی از انواع علایمی همچون فلش (تیتر) یکی از این موارد است. برخی دیگر از علایم نیز به مفهوم کندن سنگی که بر روی آن حک شده‌اند، می باشند؛ قهوه جوش، سنگ آسیاب، سنگ مصلی، سنگ سفره و گل برگ دار از این نوع هستند. چیزی که در پیشروی در جهت اشارات ترسیم شده با احتساب هنر با فوم مطرح می شود، دانستن واحد اندازه گیری است که فرد دفن کننده در آن زمان با توجه به منطق خود به کار برده است. چندین مورد از این اشارات عبارتند از: برخی از انواع فلش، زنجیرهای ته حلقه‌ای، تک پا، تک دست، تپانچه یا تفنگ و امثال آن هستند. داشتن برخی معلومات همچون واحد طولی استفاده شده توسط اقلیت ها در اینجا از اهمیت زیادی برخوردار است.

همچنین اگر در مورد اشاراتی که از دوره روم و بیزانس بر جای مانده اطلاعاتی در دست نداشته باشید، پیدا کردن امانت های مربوط به آن دوره غیرممکن خواهد بود.

برخی از اشارات ترسیم شده در اراضی و صخره زارها تنها به منظور مژده دادن ترسیم شده‌اند. پیدا کردن امانت اصلی نیز مستلزم یافتن اشارات دوم و سوم می باشند.

یکی از مهمترین علامت هایی که بر روی سنگ های روی زمین ترسیم شده، اشکال قطعه قطعه شده می باشد. اینها خرس لنگ، یک چشم، گل بی برگ، کشیش لنگ و امثال آنها هستند. کشف اعضا و تکه های ناقص این اشکال لازم و ضروری است. امانت در زیر قطعه ناقص نیست. باید در نزدیکی آن جستجو شود. اطلاعات آن در قسمت مربوطه آمده است.

صلیب هایی که به نشانه سوگند بر روی سنگ روی زمین حک شده‌اند نیز بعضا به نشانه مزار، گاهی سروهای دو شاخه، درخت های عرعر کهنسال و گروه بلوط‌ها محل فریب نیستند.

درختهای تنهای موجود در اراضی و یا گروههای دوتایی و سه تایی و درختهای چند تایی دارای چیدمان هندسی از اهمیت برخوردارند.

۲- جنگل ها: جنگلها یکی از جاهایی می باشد که اکثر دفینه ها در آن دفن می شوند. در دفینه های جنگل به جای درختان رایج آنجا، تنها درختانی بالغ که احیانا در کنار مسیر عبور قرار دارند، ترجیح داده می شوند. در جنگلها مناطق پیچ و یا جاهایی که موقع نگاهکردن شبیه یک روستا هستند اهمیت دارند. جستجوکنندگان گنج باید از جای جنگل های قدیمی نیز اطلاعات کافی و خوبی داشته باشند.

در جاهای زیادی از جنگلها محل کلسیا و معبدها را می توان یافت. احتمالا امروزه این اماکن تخریب شده اند. از این رو با در نظر گرفتن حالت قبلی این اماکن شروع به بررسی محیط بکنید. البته همانگونه که اماکن بدون درخت امروزی در زمانهای قدیم جنگل و بیشه زار بوده اند، عکس این مطلب نیز صحیح است. در داخل تعلیمات مسیحیت نیز انزوا دریافت وجود دارد. به همینسبب موضوع ساخت معابد و کلیسا در داخل جنگل امری رایج بوده است. کشیش ها و راهب ها در این محل ها مشغول عبادت می شوند.

باز به همین شکل، مشاهده می شود که برخی از صومعه ها نیز در داخل طبیعت و به دور از جامعه انسانی ساخته می شدند معبد سومه لا در ترابزون نمونه خوبی از آن است.

۳- معابد و کلیساها:

خواه به دلیل اعتقادات و یا خواه به خاطر ایمنی، یکی از ترجیح‌های افراد دفن کننده کلیساها و معابد بودند. به طور کلی ورودی های کلیساها و اطراف آنها جاهایی بودند که انسانها بیشتری رغبت را بدان داشتند. لکن اتاق مخصوص کشیش ها و راهب ها مکانهای اصلی دفن گنج به شمار می روند. زیرا کشیش ها پول هایی را که از مردم و حکمرانان می گرفتند در اتاق های خود در زیر محراب کلیسا و یا داخل دهلیزهای میان خانه و کلیسا که مطمئن ومخحصوص ساخته شده بند، مخفی می کردند.

ترجیح انسانهایی که از بیرون آمده بودند و یا مردم دوره های بعد بیشتر حیاط کلیسا بوده است. لکن امروزه چنین دفینه هایی در حد صفر می باشند. این دفینه ها یا به تاراج رفته اند و یا به خاطر از بین رفتن محل دقیق حیاط دیگر قابل کشف نیستند. در مورد کلیساهایی با شکل و ساختار غار نیز باید گفت که قسمتهای جلویی یعنی جاهایی که در معرض دید هستند از نقاط ترجیح محسوب می شوند.

٤- سواحل رودخانه‌ها و دره ها:

چنین جاهایی که جا به جایی و تغییر محل برایشان به راحتی ممکن نبوده، یکی از مکان های غیرقابل اجتناب برای پنهان کنندگان گنج بوده است، انسانهای قدیم که از نتیجه فلاکت باری چون سیل اطلاع داشتند، بیشتر مناطق سخت صخره زاری کنار رودخانه‌ها را برمی گزیدند، چنین گنجینه‌هایی را به طور قطع در داخل ظرفهای سفالی و یا فلزی قرار می دادند.

نقاط چرخش رودخانه ها و اطراف پل های قدیمی شایان توجه و بررسی هستند.

۵- پایه های پل ها:

برای افراد دفن کننده گنج، پایه های پل ها نیز به اندازه مناطق اطراف آنها مناسب و مهم بودند. مخصوصا در مورد پل های سنگی علایم و نشانه هایی را می یابیم که قسمت پایه آن را نشان می دهند. این علایم گاهی برای ما به منزله نشانه ها و خطوط تزیینی می باشند، لکن در اصل به مفهوم اشیای مخفی شده می باشند. هیچ موردی را نمی توان به همه تعمیم داد؛ ولی از آنجا که ادعاهایمان در اکثر جاها تصدیق شده، بنابراین از مطرح کردن آن نیز عبایی نداریم. در پایه چنین پل هایی علایمی نظیر صلیب، گل، دایره و خورشید مشاهده می شوند. علایم کلی اینها هستند. البته استثناء نیز وجود دارد.

٦- سرچشمه‌ها:

یکی از بهترین نقاط ثابت برای دفن کردن گنجینه، سرچشمه‌ها می باشند. پیدا کردن آنها مستلزم وقت کافی است، زیرا جای بسیاری از آنها ناپدید شده‌اند، لکن خود چشمه‌ها نیز از مکان‌های مهم می باشند. قسمت بالایی آنها به فاصله ٤٠-١١-٧ قدم برای پنهان کردن اشیاء استفاده شده است.



شکل ۲

همچنین در دفینه های مربوط به چشمه، یکی از چهار جهت انتخاب شده و محاسبات از آن طرف بر روی چشمه انجام می شود. یک مشاهده گر زیرک این علامت ها را در مورد چشمه‌هایی که تخریب شده باشند پیدا خواهد کرد. (شکل ۲)

بنا به گفته بعضی از کارشناسان گنج، دفینه های چشمه، نه در جهت جاری بودن آب بلکه دقیقا در خلاف جهت می باشند. لکن معلومات موثری را در این خصوص با شما مطرح می کنیم: فرد دفن کننده ای که چشمه و یک تپه نزدیک به آن را برای مثلث خود در نظر گرفته، مالش را در نقطه‌ای می گذارد که با چشمه و تپه تشکیل مثلث بدهد.

فاصله بین چشمه و قله تپه ۱۱۰ قدم بود و پول نقطه مثلث نیز در زیر صخره ثابتی در فاصله ۱۱۰ قدمی آن بود.

اگر شرایط ساختاری چشمه ها مساعد بوده باشد، در مواردی گنجینه در داخل سنگ‌های به کار رفته در آن و زیر قاعده چشمه پنهان شده بود.

اشارت های عمومی این مکان ها عبارتند از ماهی، مار، لاک پشت و عما،

دلیل دفن پول و طلاجات در کنار چشمه‌ها، ثابت بودن جای آنها برای علامتگذاری و یک باور قدیمی است. آن باور این است، همانگونه که چشم منافذ خروجی آب خود را در اعماق آب از دید مردمان به دور نگه داشته اند، پولهای دفن کننده را نیز مخفی نگه خواهند داشت.

۷- دوراهی ها (محل های قیچی):

کسانی که تصمیم به کار روی چنین محل‌هایی گرفته‌اند، بایستی به نحوی از انحا نقشه های قدیمی این مناطق را به دست آورده و یا با توجه به روایت به محل های آن دوره ای ببرند.

در بین علامت ها، قیچی باز و بعضا نیز ابنردست، چهار راه و قیچی شکسته نیز سه راهی را نشان می دهد (قیچی شکسته بعضا محل تقارن دو کانال آب را نیز نشان می دهد). چنین جاهایی به کثرت برای دفن گنج انتخاب می شده است. فرد دفن کننده، امانت خود را به همراه علامت هایی چون قیچی، انبردست، شمشیر ضربدری و نخ و سوزن دفن می کند.

۸- داخل آسیاب و اطراف آن:

با توجه به یافته های باستان شناسی، انسانها از ۸-۶ هزار سال قبل با گندم آشنا بوده و از آن استفاده می کرده‌اند. فعالیتهایی که روی گندم انجام می شد نیز معمولا به آسیاب محدود می گشت. اولین تاریخ استفاده از این سیستم را نمی دانیم، وی آنچه معلوم است، از زمان ساخته شدن اولین آسیاب تا به امروز، یکی از مکانهای اجتناب ناپذیر انسان همین آسیاب ها شده اند. اطراف آب راه منتهی به آسیاب، قسمت های سفت بارگذاری آسیاب و نقاط دوردست جهت چرخش چرخ آسیاب همواره یکی از محل های دفن و اختفا بوده اند.

بر اساس معلوماتی که بدست آورده ایم ، آسیابان امانتی خود را درست در پشت طاق راست در ورودی به آسیاب قرار می داده است. بر روی دفینه نیز سنگ درپوش گذاشته، بتون ریخته و روی آنها نیز قطعه فلزی کوبیده است. پارچه فلزی اصولا علامت دفینه می باشد، ولی کسانی که از بیرون می‌آیند فکر می کنند برای آنکه در از بیرون به دیوار نخورد به عنوان مانع بدان کوبیده شده است همانطور که می بینید هر کسی برای خود منطقی جهت دفن پول سایش دارد. بنابراین پیدا کردن منطق آنها و دادن حکم قطعی در مورد همه کاری غیرمنطقی خواهد بود.

۹- تومولوس (تل خاکی) و فراز تپه‌های باستانی:

اینها هم یکی از مهمترین جاها برای دفن می باشند. ما در اینجا به شرح و توضیح ساختار داخلی تومولوس‌ها و تپه‌های باستانی نخواهیم پرداخت. برای دفن کنندگان بیرون و اطراف نزدیک این محل ها خیلی مهم هستند.

نه تنها دفن کنندگان گنج، بلکه سازندگان تل خاکی هم زمانی که به فکر پیدا کردن جایی بهتر از تل خاکی برای پنهان کردن اموالشان می افتادند، عقلشان به جایی بند نمی شد، زیرا تل خاکی ها را رومی‌ها نیز مثل بسیاری دیگر از قبایل درست می کردند، بیزانس‌ها به

عنوان بزرگترین غارتگران تاریخ، تل خاکی‌های ساخته شده در زمان قدیم و نیز تل خاکی های ساخته شده در دوره معاصرشان را به سبب تنگناهای اقتصادی غارت و چپاول می کردند به همین خاطر بود که در اواخر دوره بیزانس در داخل تل خاکی ها فقط و فقط جسد مرده قرار داده می شد، هدایای آن نیز در نقطه‌ای مخفی در اطراف نزدیک آن پنهان می شد.

با همین منطق، انسانهای دوره های پایانی بیزانس، با توجه به محل تل خاکی و تپه های باستانی مکانی را در نزدیکی آن برای مخفی کردن پول هایشان در نظر می گرفتند. زیرا این مکان ها هرگز تخریب و جابه جا نمی شدند.

چیز دیگری هم که افراد دنبال گنج باید بدانند این است که نه در دوره‌ای که تل خاکی‌ها ساخته شده‌اند، بلکه سالها بعد از آن ساکنین منطقه برای دفن کردن طلا و پولهای خود به طور یقین با توجه به آن حرکت می کرده اند. در اطراف تومولوس ها معمولا درختانی با عمر دراز همچون بلوط و عرعر وجود دارند، یا در همان منطقه یک رود روان و یا تپه طبیعی که بتوان از آن به عنوان نقطه ثابت استفاده کرد وجود دارد. در چنین اراضی، افراد مصمم به فن طلا و پول به دنبال تشکیل سه ضلعی خود می گردند و مسافت را نیز اکثرا با قدم محاسبه می کنند. چنانچه نقشه و چیزی شبیه آن در دست نباشد، اطراف تل خاکی ها از این نظر باید بررسی شده و مناطق مذکور خارج از شک وشبهه نباشند.

امروزه نیز اگر استان ها به جای خراب کردن تل خاکی (تپه های دست دست ساز) سعی در جستجوی اطراف آنها بکنند، کاری بدون ریسک و دردسر را انجام داده اند. چنین فعالیت هایی با مجوز نیز قابل انجام بوده به آثار تاریخی مان هم صدمه نمی زند.

۱۰- کوهها و تپه ها:

همچنانکه در قسمت تومولوس (تل خاکی) شرح دادیم، این بار نیز تپه ها و کوههای کوچک طبیعی برای دفن کنندگان پول و طلا به منزله نقطه پرگار بوده اند. در صورتی که با یک روایت و یا نقشه در خصوص این مناطق مواجه شدید، تپه و اماکن اطراف آن همچون چشمه ، رود، پل، آسیا و دوراهی‌ها که به منزله نقاط همیشه ثابت هستند باید از نظر دور شده و تحت بررسی قرار گیرند.

۱۱- صخره‌زارها و نوع قلوه سنگی:

صخره زارها برای افرادی که در آنجا زندگی می کردند مهمترین گزینه شمرده می شد. در صخره زارهایی که سابقه تاریخی نیز دارند، اطلاعات مربوط به سنگهای افقی را قبلا و در بالا ارائه کردیم. در مورد سنگهای عمود نیز دفینه‌های و علامت هایی موجود است.

بیشترین دفن گنج در صخره‌زارها مربوط به سنگهای محراب و زیر و روبروی سنگهای نشیمن می‌باشد. همچنین اشکال بعضی از حیوانات بر روی سنگها حک شده و در درونشان پولی به عنوان مژده و در اطراف نیز امانت اصلی قرار می گیرد. اشکال این حیوانات بیشتر از نوع اژدها، لاک‌پشت، فیل و اختاپوس می باشد.

علاوه بر این، بیشتر در سکونتگاههای قدیمی بزرگترین بخش زندگی را مشاهده می کنیم. یکی از اینها مزارهایی هستند که در دامه و اطراف مراکز مسکونی پخش شده‌اند. اگر به قله نزدیکترین تپه کنار این مناطق نگاه کنیم، با تپه قلوه سنگی بزرگتری مواجه خواهیم بود. این مزارهای شاه، ملکه، رییس قبیله و یا فردی است که می توان وی را بزرگ خاندان نامید. می توانند از نوع قلوه سنگی بوده و یا با چنین سنگ هایی پوشانده شده اند.

از آنجا که ثروتمند هیچ وقت در مزار فقیر نمی خوابد، این فرد در بلندترین نقطه دفن شده است. بعضا مزار دومی را در فاصله کمی از آن می بینیم. صاحب این مزار نیز پادشاه دوم و یا فردی در حد و اندازه‌های شاه یا همان همسر وی می باشد.

ما قصد نداریم این مکانها را به عنوان مزارهای مخصوص معرفی کنیم، زیرا در این نوع مکانهای مقدار آنچنانی از طلا و پول پیدا نمی شود. بت ها، قاشق و بشقاب و لوازم شخصی بیشتر یافت می‌شوند.

از آنجا که این مکان ها با توجه به منظره خارجی به عنوان مزارهای بازشناخته شده اند، برای حفاری در آنجا مجوز صادر نمی شود.

۱۲- مقبره های ساختگی:

یکی از روش های معروف اختفاء مقبره های ساختگی هستند. از آنجا که در قسمت مقبره ها به اندازه کافی به آنجا پرداختیم، در اینجا تنها نظرش را به این نکته جلب می کنیم:

جوامع ارمنی و راهزنان به خاطر اطلاع از ضعف مسلمانان در خصوص قبر و مزارها، پول و اموال خود را در این محل‌ها دفن کرده و بعدا برای باز پس گیری مراجعت می نمودند. به مین خاطر این مزارها را به شکلهای مختلف درست می کردند. همچنین به خاطر وجود فرهنگ بد و آباد در فرهنگ مردمان ما، نامهای افراد مقدس را بر روی مزارها نهاده به حفظ آنها کمک می کردند. در مورد این مزارها نیز باید دقت کنید. امکان دارد قبر یک مسلمان به اشتباه تخریب گردد. بهترین کار این است که پس از تحقیقات لازم در خصوص مزار بودن یا نبودن آن و احتمال وجود خزینه در مزار قلابی اقدام نمایید. برای کار در این محل باید مجوز داشته باشید. مزارهای قلابی معمولا دراز بوده با قبله‌ها هماهنگ نیستند. صندوق‌های ساخته شده برای مزارها با توجه به عظمت فرد آرمیده دراز ساخته شده اند.

نباید این مزارهای دراز با مزارهای قلابی دراز در اراضی اشتباه گرفته شود.

۱۳- غارها:

غارها نیز یکی از مطلوب‌ترین جاها برای دفن توسط افراد بوده‌اند. هنوز نمی دانیم که معانی و مفاهیم غارهایی که با نامهای ایسلی، گازلی و کمرلی نامیده شده‌اند، دقیقا چه می باشد. اما افرادی که از ذکاوت و زیرکی بیش از اندازه لازم برخوردارند به این غارها تقدس داده و تا خواب و رویای مردم نیز وارد کرده اند.

البته غارها اماکن مورد استفاده شان از زمان های بسیار قدیم بوده و این مکان ها را به عنوان خانه، طویله و حتی مدار به کار می برده اند. ولی هرگز برای دفن گنج استفاده نکرده اند. نمی خواهیم بگوییم که در این غارها به هیچ وجه پوی نیست، ولی غارهایی به ا سم ایسلی و گازلی دارای گنج های مخصوص به خود نیز نیستند. فهم این مطلب بسیار پرفایده است. نباید با چنین مزخرفاتی وقت و پول جستجوگران گنج را هدر داد. و این خیلی مهم است که بدانید این دروغ ها باعث از دست رفتن پول و زمان گنج پژوه باهوش خواهد شد. حکاکی در مناسبت های مهم مشخص شده و یا در روزهای مشخص یک سال به صورت دسته جمعی آیین مقدس را انجام می دادند

۱٤- خانه ها :

برای گنجینه های شخصی مکانهای خیلی مهمی بودند . انسانها جواهرات و پول ،اشیاء با ارزش خود را در نزدیکترین محل ممکن به خانه خود دفن می کردنند تا بتوانند به راحتی آن را کنترل کنند ودر جلوی چشم خود مخفی می کردند این یک رفتار طبیعی است. با این حال شخص مخفی کننده گنج سعی خواهد کرد که جاهایی را انتخاب کند تا کسی به آن محل شک نکند . این برای شخص مخفی کننده گنج خیلی مهم بوده است.

وقتی که خانه را می خواهیم جستجو کنیم اول از همه جستجو خودمان را از این نقاط شروع می کنیم . این سئوال مهم را باز هم از خودمان می پرسیم که (اگر من بودم گنج را کجا مخفی می کردم) خیلی وقت ها جواب صحیح دادن به این سئوال ممکن نخواهد بود زیرا بیشتر وقت ها زاویه دید و طرز فکر کردن انسان ها با هم فرق می کند. شاید مکانی که برای شخصی خیلی مهم باشد برای شخص دیگری اصلا مهم نباشد

در این جور مکانها صاحب مال ، مال خود را چه در داخل خانه ویا چه در باغچه حیاط خود بگذارد در هر صورت جایی را انتخاب خواهد کرد که همیشه جلوی چشمش باشد. بخاطر همین پنجره های اتاق خواب را به راحتی خواهد دید . جاها و نقطه هایی که از پنجره اتاق زاویه دید آنجا را داشته باشد می تواند مال خود را مخفی کند.

مکانهای اصلی خانه که می تواند مکان مخفی کردن مال باشد به ترتیب زیر است
مکانهایی که در آنجا غذا و نان می پختند (اجاق ها) . در این جور مکانها همانطور که مال می تواند دقیقا زیر آتش باشد در داخل دودکش نیز می تواند باشد ویا کنار خاکستر اجاق نیز می تواند باشد

زیر پله ها... وقتی که اینجور مکانها را بررسی می کنید همانطور که پله ورودی به خانه را بررسی می کنید در داخل ، پله های طبقات بالایی را هم به دقت بررسی کنید. مهمترین نقطه پله ها آخرین پله ویا از آخر سومین پله است . مخصوصا پله هایی که با سنگ و قلوه سنگ پر شده خیلی مهم هستند

ورودی درها... در ورودی یکی از مکانهایی است که خیلی از انسانها به آنجا شک نمی کنند. دری که به بیرون باز می شود زیر قسمت ورودی داخل را به دقت بررسی نمایید.

درخت های داخل حیاط با عمر طولانی ... این درختان بیشتر ممکن است درخت توت ، گلابی ، و گردو باشد . و بعضی وقت ها درختهایی با عمر طولانی مثل کاج ، سرو کوهی ، گلابی وحشی نیز میتواند باشد . زیرا این درختها و یا مسافتی مشخص شده از این درختها را باید با دقت بررسی نماییم.

اگر به این نوع درختها در مورد گنجینه شک کردیم. از طرف خانه به درخت نگاه می کنیم و در همان جهت حدودا ۳ – ۵ – ۷ قدم و اطرافش را جستجو می کنیم و اگر از یک نوع درخت دو یا سه و یا چند عدد باشد در این حالت سعی خواهیم کرد که در بین درخت ها یک ارتباط هندسی درست کنیم

نسخه‌های گنج

در این قسمت از کتابمان از خوانندگان محترم در جهت هشیاربودن آنها تقاضا می‌شود که فریب افراد کلاه‌بردار و شیاد را نخورند

در ابتدا از هموطنان می‌خواهیم که در برابر کلاهبرداری و فریبکاری هشیار باشند. در مورد نسخه‌هایی که تاجران خیالی می‌آورند صحبت خواهیم کرد. غالباً راهکارهایی که اعمال می‌شود مطمئن و دوست‌داشتنی می‌باشد که به عنوان یک پتانسیل از سوی کلاهبرداران و فریبکاران گنج‌ها به افراد خوش‌نیت انجام می‌گردد.

افراد خوش‌نیت ودوست‌داشتنی منطقه که مورد تأیید مردم می‌باشند هدف اول تاجران دروغی می‌باشند. این تاجران دروغی گاهاً یک دوست زمان سربازی، گاهی یکی از اقوام یکی از دوستان گاهی یکی از دوستان اقوام و گاهی دوست یکی از دوستان در اطرافتان حاضر می‌شوند. این افراد فوق‌العاده ملایم، شنوندگان خوب، هیچ اعتراض نمی‌کنند و استدلال‌های شما را تأیید می‌کنند و اگر تأیید لازم باشد حرف شما را تصدیق می‌کنند. مهمان بسیار خوبی است. از لحاظ اطلاعات صاف یک انسان معمولی اصلاً هیجان ندارد. با وجود اینکه تکلیفی که می‌دهد از لحاظ شما بزرگ است اما مانند یک یخ سرد و سازشکار است. این اولین مرحله یک کار است.

در مرحلۀ دوم از چیزهایی که توسط دوستان، فامیل، و آشنایان پیدا شده است صحبت می‌کنند و به نمایش می‌گذارند. اگر کسانی‌که حضور دارند از عدم آگاهی آنها مطمئن شوند برخورد کارشناسانه انجام می‌دهند و فقط در مورد ارزش نقشه‌ای که آورده‌اند خود را فوق‌العاده بی‌اطلاع نشان می‌دهند.

چه باید کرد؟

در مرحله اول با پیش‌داوری اینکه این نقشه دروغی است باید نزدیک شد. «اگر من کلاهبردار بودم چه‌طور این نقشه را حاضر می‌کردم و چه‌طورانسان‌ها را فریب می‌دادم». با این تصور می‌شود حدس زد نقشه چگونه است. کسانی که نقشه‌های دروغی را تهیه می‌کنند ۲ گروه هستند.

گروه اول افراد آماتور هستند که برای تفریح تمام دارائی خود را صرف راه پیدا کردن گنج می‌کنند و وقتی که تمام دارایی و سرمایۀ آنها تمام می‌شود و بی‌چاره می‌مانند. و نظم اقتصادی زندگیشان به هم می‌خورد و زمانیکه روحیه‌شان از لحاظ روان‌شناسی به هم می‌خورد این افراد با کلاهبرداران شروع به همکاری می‌کنند و به سرقت و کلاهبرداری روی می‌آورند.

قبل از اینکه به بررسی نسخه‌هایی که این افراد می‌آورند؟ پردازید: باید فهمید کسی که این نقشه را آورده در وهلهٔ اول آیا این کار را به عنوان سرگرمی انجام می‌دهد یا گاهاً افرادی که از لحاظ مرتبه خانوادگی، وضعیت‌اقتصادی و اجتماعی باید مورد تحقیق قرار بگیرند.
اگر در هر یک از موارد فوق مورد منفی وجود داشته باشد باید علاوه بر بررسی معمول نقشه به بررسی‌های دیگر هم پرداخت.
قبل از اینکه بخواهیم از الفبای گنج صحبت کنیم از فطرت انسان صحبت کنیم. اول این را بگوئیم که فرزندان ایران‌زمین به دام کلاهبرداران و فریبکاران نیافتند. انسان‌ها اکثراً خوشحالی و تلخی‌های زندگیشان را با نزدیکانشان قسمت می‌کنند (در میان می‌گذارند).
اما وقتی که موارد مادی باشد همگان بسیار در تقسیم موارد مالی خودپسندند. آیا کسی را دیدید که پول مازاد احتیاجش را به دیگری قرض بدهد؟ و از سود بانکی دست بکشد؟ یا یک خانم لباسش را از کجا و به چه قیمتی خریده آیا تا حالا دیده‌اید که به صورت داوطلب عنوان کند؟ چند کشاورز می‌شناسید که به همسایه‌اش بگوید بذر و نهالش را از کجا و به چه قیمتی خریده است؟ چند آدم می‌شناسید که وقتی در محل کارش که سال‌ها در آنجا کار می‌کند هنگامی‌که به کارمند نیاز است؟ همسایه نزدیکان، دوستان بگوید و وسیله‌ای برای حضور او در یک کار شود؟ چند همسایه، دوست یا فامیل دیده‌اید که شانه به شانه در محل کار کنار هم باشند؟ زمانیکه دوست به دوست، همسایه به همسایه نسبت به یکدیگر تا این اندازه خودپسند هستند. امیداورم ناراحت نشوید ولی چطور افرادی که مانند لک‌لک نقشه‌ای را می‌آورند را باور می‌کنید؟
چه‌طور گول ظاهر صاف، قلب ساده و تمیزی این افراد را می‌خورید؟ به شما از همسر، منصوبین و دوستان نزدیک‌تر است؟ یا اینکه این افراد دنیا را گشته‌اندو جیب‌هایشان پر از پول است و زندگیشان را انجام داده‌اند و برای بدست آوردن آخرتشان و بدست آوردن ثواب نزد شما آمده‌اند؟ چرا نقشه را با شما تقسیم نکند؟ فامیل، دوست، خواهر برادر، نزدیکی ندارد؟ که شما را پیدا کرده است؟ قبل از اینکه چیزی را در میان بگذارد از شما طلب هیچ پولی را کرده است؟ آیا در این کشور به این بزرگی فقط شما را پیدا کرده است؟ شاید هم از روی سادگی به شما حفارش مخفیانه هم پیشنهاد داده باشد.
افرادی که نقشه‌های ساختگی را می‌آورند اینگونه فعالیت‌ها را از خود نشان می‌دهند در برابر این افراد هشیار باشند.
گروه دوم: افرادی هستند که به صورت حرفه‌ای نقشه‌های گنج تهیه می‌کنند. این افراد با یک نقشه که در دستانشان دارند نزد شما می‌آیند و مدعی می‌شوند که در منزل و یا اراضی

شما یک گنج وجود دارد و با شما ارتباط برقرار می‌کنند. و در نقشه‌ای که آماده کرده است جوری عنوان می‌شود که بعد از حفر زمین، پول، طلا، اشیاءقیمتی، بیرون خواهید آورد. و چندتا سکه طلا به شما نشان می‌دهد و می‌گوید که مثل اینها بیرون خواهد آمد و از شما می‌خواهد که توسط صراف آنها را کارشناسی کنید و قیمت آنها را بیرون بیاورید و نمونه‌هائی که آورده است توسط صراف قیمت‌گذاری می‌شود و به این وسیله اطمینان ایجاد می‌گردد.

فقط تمامی باقی اشیاء که آورده است ساختگی می‌باشد؟ و حالا نوبت اینست که به شما بگوید که اشیائ را بعد از بدست آوردن به چه قیمتی در کجا و به چه کسی بفروشید.

باید خیلی اطمینان شما را کسب کنند و از این‌رو از شما بخواهند که اشیاء نزد شما بماند. و خودش با خریدار تماس می‌گیرد و باید لوازم را به پول‌نقد تبدیل کند. و اینکه خودش تمام نقدینگی‌اش را جهت گرفتن نقشه و خرج‌های جانبی خرج کرده است و دارای مشکل نقدینگی است.

در عین‌حال صراف هم برای نمونه‌ها قیمتی را مشخص کرده است. و ادعا می‌کند که هزینه‌هائی وجوددارد و پس از فروختن اجناس به شما برمی‌گرداند و با خیال پولدارشدن مبلغ را می‌دهید.

این آخرین ملاقات شما با آنهاست آنها برای فریبکاری از دیگران در جای دیگری به جای دیگری نقل‌مکان کرده‌اند. اگر شما را خیلی صاف و ساده پیدا کنند به بهانه‌های مختلف جهت هزینه‌ها با شما تماس گرفته و پول درخواست می‌کنند. شما هم عقل می‌کنید و اشیاء را که نزد شما رها کرده را نزدیک صراف می‌برید و متوجه می‌شوید که همه ساختگی و بدلی می‌باشد. روکش طلا و نقره شده‌اند را متوجه می‌شوید و اعصابتان به هم می‌ریزد. وتنها یکی ۲ سکهٔ اولی اصل می‌باشند. که آنها را هم یا عوض کرده‌اند یا تقلید شده‌اند. و چون شاهدی ندارید که فریب خورده‌اید و نمی‌خواهید موردتمسخر و حرف دیگران قرار بگیرید و همین‌طور کسی از جرم حفاری غیرقانونی شما با اطلاع نگردد این را به کسی نگوئید و قربانی حرص و طمع خودتان می‌گردید.

تهیه‌کنندگان نقشه‌های دروغین راهکار دیگری هم دارند و از خارج کشور ایران را نشان می‌دهند. ابتدا یک سری مناطق را مورد تحقیق قرار می‌دهند و سپس نقشه‌هائی در این زمینه تهیه می‌کنند و در این نقشه‌ها اسامی قدیمی مناطق را می‌نویسند و در نقشه جاهای مختلفی مانند: چشمه، درخت، تپه را اشاره می‌کنند سپس این طرز نقشه‌ها را به کشورهائی مانند بلغارستان، یونان، سوریه می‌فرستند. در مسافرت‌های خارجی شما را اگر در یونان

باشید به شما می‌گویند پدرانتان قبل از مهاجرت به ایران ثروتشان را در زمین دفن کرده‌اند و در بلغارستان هم می‌گویند پدران راهزنشان که اشیاء را غارت می‌کردند در زمین دفن می‌کردند و از این قبیل داستان‌ها را آنقدر زیبا نقل می‌کنند که تعجب می‌کنید. درسهایشان را خوب خوانده‌اند. حتی اسم موقعیت‌های مکانی را هم می‌گویند و حتی شما را در این مورد که پدربزرگتان در گذشته در آنجا زندگی می‌کرده قانع می‌کنند.

اگر شما را خیلی ساده بیابند. بر روی یک کاغذ با قلم یک نقشه می‌کشند و کلمات ناقص می‌نویسند، گاهاً از خط قدیم استفاده می‌کنند و می‌گویند که این نقشه‌ها را پدربزرگان برای نوه‌هایشان گذاشته‌اند. و شما هم بدون اینکه بپرسید چرا پدربزرگتان این نقشه‌ها را به زبان مادریشان برای نوه‌هایشان گذاشته‌اند، آنها را خریداری می‌کنید.

حتی اگر پدربزرگ شما راهزن فارس هم بود مثلاً یک نقشهٔ ایتالیایی برای شما به جا می‌گذاشت تا هر کسی نتواند از آن سر در بیاورد حتی اگر هم ببیند کمی آگاه هستید و پول خوبی هم پرداخت می‌کنید برای افرادی مثل شما هم نقشه وجود دارد. از صحافی‌ها کتاب‌های کهنه را به قیمت خیلی کمی خریداری می‌کنند و با استفاده از صفحات خالی و با تراشیدن مرکب آنها با تیغ و استفاده از آن برای شما نقشه‌ای آماده می‌کنند.

تابلوهای ساختگی و انجیل‌های بر روی چرم

گاهاً با استفاده از یک پارچهٔ قدیمی یا تراشیدن رنگ از روی یک تابلوی بی‌ارزش قدیمی و استفاده از رنگ‌های تراشیده و بوم قدیم تقلید تابلوها را انجام می‌دهند. هیچوقت عرضه‌کننده با تست کربن در مورد این تابلوها موافقت نمی‌کند ولی این تابلوها باید مورد آزمایش اشعه مادون قرمز و مادون بنفش و همچنین آزمایش اشعه X–RAY قرار بگیرند. امضاء روی تابلو که توسط نقاش هنرمند انجام شده و حتی برگه مالکیت که در پشت تابلو قرار دارد به کرات مورد تقلید قرار می‌گیرد. ترک‌ها و گردوغبارهائی که در طول زمان بر روی رنگ تابلو ایجاد می‌شود از عنصرهای قابل‌تقلید می‌باشد. برای بدست‌آوردن ترک‌های روی تابلو با اضافه‌کردن نوعی رنگ جلا به رنگ اصلی پس از خشک شدن و پریدن الکل از داخل رنگ نوعی ترک به صورت طبیعی ظاهر می‌گردد. وقتی تابلو را در حال حفاظت اگر در معرض گرما قرار دهیم این ترک‌ها به وجود می‌آیند. و خاک‌های به وجود آمده در طول زمان هم به وسیلهٔ جاروی برقی ایجاد می‌گردد.

کسانی‌که این تابلوهای دروغی را می‌فروشند عنوان می‌کنند که این تابلوها در جنگ خلیج‌فارس غارت گردیده است و نباید توسط مراجع دولتی مورد تأیید قرار بگیرد. قیمت این تابلوها خیلی دور از عقل و ناچیز است و مثل یک فرصت برای پولدارشدن می‌باشد. و

قابل چانه‌زدن هم نیست یک نقاش که در طول عمرش ۳۰۰ تا ۵۰۰ تابلو کشیده است و در حوزه‌های دنیا در حدود ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ تابلو دارد نشان‌دهندهٔ مهارت این‌گونه افراد است. در روزگاران تخصص تشخیص اشیاء اُرجینال از تقلبی یک کار بسیار جدی می‌باشد. انجیل‌های تقلبی هم از موارد مورد علاقه کلاهبرداران است چون نوشتن آنها بر روی چرم کار سختی نمی‌باشند و به کلکسیونرها توصیه می‌کنیم که این متن‌ها را قبل از مطابقت‌دادن و مورد تست قراردادن قبول نکنند.

چگونه می‌توانیم هدف را پیدا کنیم.

در این کار کسانی که خودشان را خیلی حرفه‌ای فرض می‌کنند ولی هیچ‌چیز نمی‌دانند وجود ندارد. در قهوه‌خانه‌ها بحث گنج را باز می‌کنند و هموطنان ناآگاه را که هیچ فرقی بین صخره و تپه را نمی‌دانند و از زمین‌شناسی هیچ نمی‌دانند را به خطا انداخته و با آوردن یک سری نقاشی خط‌خطی به راه می‌اندازند و این افراد بدون فکر کردن به تاریخ یا میراث‌فرهنگی با آن نقشه‌ها هرجائی را حفر می‌کنند.

در صورتی‌که یک گنج‌یاب با مراجعه به یک زمین‌شناس و تحقیق در مورد اینکه این منطقه چگونه است بدون هزینه‌کردن و امید بستن و ناراحت شدن می‌تواند نتیجه کار را بفهمد. در هر صورت افرادی که به نتیجه رسیده‌اند هم وجود دارد. اما با جملاتی مانند این شخص اینجوری گفت آن شخص آن‌جوری گفت که در قهوه‌خانه‌ها گفته می‌شود درصد خیلی زیادی از انسان‌ها متضرر می‌گردند.

بله ... اگر به طور مثال در نقشه یک زمینی مورد بحث باشد. این زمین قبلاً از طرف باستان‌شناسان نشانه‌گذاری شده و هیچ‌کس بدون اجازه نمی‌تواند جست‌وجو کند و بدون اجازه وبدون ناظر موزه نمی‌توان به جست‌وجو گنج پرداخت.

حتی در اینگونه زمین‌ها با اجازهٔ موزه هم نباید با بیل به حفر زمین پرداخت و تنها با روش حفر دستی باید انجام شود. در اینگونه زمین‌ها کارکردن بر روی زمین‌های تاریخی موزه‌ها در اکثر زمان‌ها به شما کمک می‌کنند. و هزینه‌های جاری را می‌پردازند و به کمک دانشگاه‌ها به حفر زمین می‌پردازند و چنانچه در زمین موردنظر گنجی هم پیدا گردد باز هم حق شما تحت چارچوب‌های قانونی پرداخت می‌گردد.

یعنی با این روش از جستجوی زمین بعضی از نقاط مهم هدف قرار می‌گیرند و دسترسی به نتیجه راحت‌تر می‌گردد. در ابتدا نوع پوشش‌گیاهی منطقه بسیار موردبحث است که نوع پوشش گواهی وجود گنج می‌باشد. این را هم صراف‌ها یا سمسارها نمی‌دانند و باید توسط افراد حرفه‌ای موردبررسی قرار گیرد.

به طور مثال: علف‌هائی که بر روی تپه‌هائی که بر روی تپه‌ها سبز می‌گردد این علف‌ها گویای این است که این زمین یک زمین قدیمی است و یا پستی‌بلندی‌های یک زمین می‌تواند گواه یک زمین باشد مثلاً نوع رویش گیاهی روی سطح یک اتاق خالی با باقی جاها متفاوت می‌باشد. حتی بعد از بارش برف، برف روی این سطوح زودتر ذوب می‌گردد و یا در بارش باران آب باران روی یک سطح این‌چنینی دیرتر خشک می‌گردد و بر روی سطح باقی می‌ماند.

مکان‌های زندگی در قدیم غالباً جنوبی بوده‌اند برای بهره‌گیری بیشتر از آفتاب که در مناطق کوهستانی انجام می‌پذیرد. وجود حمام‌ها، قبرستان‌ها، کلیساها، و تقاطع‌ها دلیل بر وجود محل زندگی در گذشته می‌باشد. تنها وجود چشمه یا جویبارها دلیلی بر وجود محل زندگی نیست چون در گذشته محل استراحت چوپانان و گذرگاه‌ها در کنار همین چشمه‌ها قرار می‌گرفته است.

در کنار محل‌های مسکونی بزرگ در قدیم میل‌هائی قرار می‌گرفت که نشان‌دهندهٔ مسافت و جهت تا شهر بود این میل‌های سنگی شاید نوشته‌ها و یا عکس‌هایشان پاک شده باشد اما از طریق آنها می‌توان به شهر دسترسی پیدا کرد.

محل‌هائی که دارای تپه نشان‌دهندهٔ محل‌های زندگی می‌باشد اما از لحاظ باستانی دلیلی بر وجود گنج نمی‌باشد. در تابلوئی که در بالا ازش صحبت کردیم سؤالی که باید در وحلهٔ اول از خودمان بپرسیم.

ـ اگر من بودم گنج را کجا دفن می‌کردم؟

آدم‌های قدیمی اشیاء قیمتی، پول و جواهراتشان را با حفر زمین در صخره‌ها پنهان می‌کردند و باید این را قبول کرد که آن انسان‌ها این کار را بهتر از ما می‌دانسته‌اند و چون ما نیاز به همچنین کاری نداشته‌ایم از آنها کمتر می‌دانیم. به طور خاص جمعیت ارمنی در حفر و استتار و پنهان‌کردن در کل دنیا بسیار مشهور هستند.

و همچنین در اشارت گذاری بر روی محل‌های حفر هم بسیار انسان‌های ماهری هستند. بر اساس گفته‌های استادان گنج‌یاب گاهاً آنها بر روی یک گنج مهم تا چند اشارت و نشانه می‌گذارند به‌طور مثال گاهاً تا یک کیلومتر دورتر نشانه‌گذاری می‌کنند و با این شرایط تنها انسان‌های ماهر می‌توانند با خواندن نشانه‌ها محل اصلی را پیدا کنند و حتی در فکر هم کار بسیار سختی است. در مناطق آبهای جاری مهم هستند. در کنار آب‌های جاری و اینکه آب آن را نبرد و اینکه آب تا چه سطحی بالا می‌آید همه را در نظر می‌گیرند. و گاهاً وجود یک پل یا اسکله نشانهٔ آنها می‌باشد.

در آبهای جاری جاهائی وجود دارد که آب به ۲ شاخه تقسیم می‌گردد و بعد از مدتی دوباره به هم می‌رسد این فضای خشکی که بین ۲ شاخه آب می‌ماند و شبیه یک جزیره می‌باشد گاهاً ارتفاع کمی دارد و گاهاً زیرآب می‌ماند ولی گاهی هم این خشکی‌ها دارای ارتفاع بیشتری است که به ندرت به زیر آب می‌روند اینگونه کان‌ها را باید به دقت مورد تحقیق قرار داد.

در کنار آبهای جاری گاهاً گودالی وجود دارد که این‌ها خود سمبل‌هائی بر وجود گنج است گاهاً ماهی، خرچنگ و غیره که رسمشان نصب شده هم دلیلی بر وجود گنج است اما این جهت و اطلاعات را به شما نمی‌دهد و این کار بسیار سختی است که بفهمید و تجربه می‌خواهد.

در زمین‌ها چاه‌ها بسیار مهم هستند اینها مکان‌های خوبی برای پنهان‌کردن هستند. نقطه در زمینه محل پنهان‌کردن باید دارای تجربه بود. فقط گفتن این جمله خیلی مهم است که: در ته‌چاه و یا دیواره‌های داخلی یا زمین‌های اطراف چاه پنهان می‌کنند.

در زمین‌ها یکی دیگر از جاهائی که احتمال وجود گنج وجود دارد آبشارها هستند. در کنار آبشارها نشانه‌ها و سمبل‌هائی وجود دارد. یکی از این سمبل‌ها شیر و یا ماهی می‌باشد.

یکی دیگر از مناطق قابل‌توجه مناطق صخره‌ای می‌باشد، یکی از جملات قدیمی و غیرمنطقی در مناطق مسکونی این بوده است که پولدار در قبر فقیر نمی‌خوابد. یعنی پولدارها در کنار طبقه عوام در قبرستان دفن نمی‌گردند. از این‌رو پادشاه، ملکه، افسران، یا آدم‌های بلندمرتبه در دامنهٔ کوه‌ها یا صخره‌ها دفن می‌گردیده‌اند و این نشانهٔ وجود یک ثروت می‌تواند باشد.

در مکان‌های مزارها از لحاظ زمین‌شناسی حتی اگر اجازه هم داشته باشیم نمی‌توان حفاری کرد و تنها با استفاده از دستگاه‌های پیشرفته هرگاه که تثبیت شد که این‌ها قبرهای ساختگی هستند اجازهٔ حفاری داده می‌شود. پس قبرهای عوام یا مقبره‌های خانوادگی خیلی مهم نیستند و فقط اشاره‌کننده به نزدیکی به محل زندگی در گذشته می‌باشند.

فقط با این دید که مناطق تاریخی گاهاً بعداً هم مورد استفاده قرار گرفته‌اند و از این‌رو نمی‌توان گفت که نباید آنها را حفاری کرد بلکه می‌توان با دقت به حفاری در آنها پرداخت.

در این جا یکی از نقاطی که خیلی دارای اهمیت است صخره‌ها می‌باشند که در این مکان‌ها غالباً سمبل‌هائی گذاشته می‌شوند. با لبهٔ پیکان جهت را مشخص کرده‌اند و نمادگذاری شده‌اند. حتماً چند جوجه و مرغ بر روی گنج وجود ندارد در این‌جاها برخورد با چیزها و سمبل‌های گوناگون بسیار رایج می‌باشد.

در زمان‌های گذشته اکثراً انسان‌ها در اراضی‌ها زندگی می‌کردند و در روزگار ما اکثراً

چوپان‌ها در اراضی ها می‌گردند و این سمبل‌ها را پیدا می‌کنند چونکه در دشت‌ها، تپه‌ها، کوه‌ها این انسان‌های زحمتکش در حال گذر هستند. نزدیک به تمام کشورمان را می‌توانیم بگوئیم که هر منطقه‌اش را حفر کرده‌اند و کشوری که صدها تمدن را صاحب بوده است پی‌درپی در حال حفر می‌باشند و نمادها و سمبل‌ها را از بین می‌برند.

و چوپان‌هائی که این سمبل‌ها را پیدا می‌کنند زمانی‌که از این سبمل‌ها چیزی نمی‌فهمند به نزدیک‌ترین دوست خود این مسئله را باز می‌کند و دنبال چاره می‌گردد و از آنجائی‌که دوستان او هم دارای فرهنگی مانند خود او می‌باشند تا حدودی مسئله را حل می‌کنند و همه جا پول را حس می‌کنند و فوراً در زیر یک صخره براساس اشارت‌ها شروع به حفاری می‌کنند. چوپانی که نشانه‌ها را پیدا کرده با گروه زیادی شروع به حفاری می‌کنند و گفتهٔ همیشگی گنج‌یابان «فنجان» است.

در شهرهایی قدیمی براساس اینها و فرهنگ‌ها مسائل مختلفی را بازگو می‌کند که در صخره‌ها بیشتر پیدا می‌شوند. و گفته همیشگی «فنجان» است که گاهاً در کنار آن‌ها یک ۳ راهی لوله‌های آب هم پیدا می‌شود.

این افراد پس از پیدا کردن این‌گونه اشارت‌ها از اینکه اینجا هیچ‌چیزی نیست مطمئن می‌گردند ولی بعضی‌ها تمام صخره را حفاری می‌کنند و در پایان هم فقط چند تکه استخوان پیدا می‌کنند.

مسئله مهم در این صخره‌ها پیدا کردن منطقه گنج است. در اصل در زمان‌های قدیمی انسان‌ها در صخره‌ها برج‌هائی می‌ساختند که این برج‌ها از ترکیب گچ و آب مخلوطی درست می‌شد که این گنج‌ها را در میان صخره‌ها در لای این مخلوط‌ها قرار می‌دادند پس مهم نیست که این مخلوط‌ها با سنگ‌های رنگی اشتباه گرفته نشوند. در این صخره‌ها به آسانی حفاری صورت نمی‌گیرد. و حتی سمبل و اشارت هم به راحتی نمی‌توان گذاشت پس قبل از حفاری استفاده از دستگاه یکی از شروط غیرقابل انکار می‌باشد.

یکی دیگر از مسائل مهم در این صخره‌ها در نظر گرفتن جهت طلوع و غروب خورشید می‌باشد چون در ساختمان‌های دفن شده در زیرزمین با در نظر گرفتن این جهات می‌توان موقعیت آنها را در نظر گرفت و حدس زد.

یکی از مکان‌های خیلی مهم کنار چشمه‌ها و جویبارها است. برای دفن‌کنندگان پول همیشه جاهائی مثل کنار چشمه‌ها بهترین جا است چون مردم همواره پس از زلزله و فرسایش به دلیل نیاز به چشمه همواره به تعمیر آنها می‌پردازند.

یعنی در کنار چشمه‌ها مناطق خیلی ثروتمندی از لحاظ گنج وجود دارد. اینکه اینجا گنج

را حفظ می‌کند یا خیر ولی در کنار چشمه‌ها با فاصله ۲ متر به حفر گنج‌ها پرداخته‌اند. به‌طوریکه این افراد به این شکل به دیگران جای گنج را می‌گویند: اسبت را به پای چشمه ببر تا او آب بخورد محل پای پاهای عقبش محل گنج است.

در همچنین نقاطی در جائی که در هر لحظه افراد قدم می‌گذارند و بر رویش راه می‌روند در اصل صاحبان گنج‌ها افراد بسیار باهوش و دانائی هستند یعنی انتخاب مکانی که همه هر لحظه از روی آن می‌گذرند و هیچ‌کس فکر نمی‌کند که در زیر خاک چه چیزی پنهان شده است. و این یک فکری بسیار بالا را نشان می‌دهد.

البته که در کنار چشمه‌ها گودال‌ها در فواصل معین حفر می‌گردند مثلاً در فواصل ۷ـ۱۱ـ۴۰ قدمی ـ و مثلاً اینکه در فواصل معین ۱۱ قدم به غرب یا شرق مورد بحث است استفاده از جهت‌های خورشید و یا چشمه بسیار مهم است.

به‌طورمثال در فاصلهٔ معینی مثلاً ۴۰ قدم از چشمه یک درخت سالخورده وجود دارد. در این‌جا فرد باید به نسبت همان ۴۰ قدم از درخت مکان سوم را پیدا کند که این مکان سوم می‌تواند مکان گنج باشد.

در نظر گرفتن چشمه و جویبار و محل خروج آب نشانهٔ‌دیگری است فقط با توجه به اینکه سرچشمه محل تردد افراد می‌باشد و این تردد می‌تواند باعث پیدا شدن گنج گردد پس حفرکنندگان اولیه به راهی که محل خروج آب است می‌روند که این محل‌های خروج آب در اثر زلزله و رانش ممکن است که عوض گردند که برای پیداکردن آنها احتیاج به کمی تحقیق است.

یکی دیگر از مناطق مهم در اراضی درختان هستند. حتی اگر مانند دیگر عنصرها دارای عمرطولانی نباشند باز هم از طرف راهزنان و حفاری‌های شخصی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند. این‌ها اکثراً در پای درختان کاج، سروکوهی، گلابی و گلابی وحشی دفن می‌گردند که دارای عمرطولانی می‌باشد. و در خانه‌ها هم پای درخت شاه‌توت می‌باشد.

برای راهزنان و جنگاوران که حمل و نقل پول سخت است هرکس در محل تلاقی راه‌ها پول‌ها را دفن می‌کنند و این‌ها در این محل‌های تلاقی پول‌ها را می‌گذراند و این از نقاط مهم می‌باشد.

قدرت‌های معنوی

بزرگترین مشکل برای جویندگان گنج «مکان‌های معنوی» می‌باشد. برای این جویندگان مسائل غیرقابل حلی است که در درون خودشان نگه می‌دارند. در ابتدا این را بگوئیم که این روایت‌ها سینه به سینه در بین افراد می‌باشد و این روایات گاهاً افراد کاملاً بی‌اطلاع و

گاهاً هم با اطلاع هستند. اما این روایات کاملاً سینه به سینه نقل شده است. ما این روایات را در قالب این کتاب، درست یا غلط، را برای مخاطبین جمع‌آوری کرده‌ایم.
در زمینهٔ پیدا کردن گنج در نظر گرفتن ۲ مسئله مهم می‌باشد یکی از اینها ابزارآلات مانند پیداکننده‌ها و چوب‌ها می‌باشد و دیگری در نظر مسائل دینی است. در مورد بعضی از اراضی آنقدر روایت وجود دارد که انسان را دچار سرگردانی می‌کند.
گنج‌یابان در مورد مسائل معنوی موجود روی گنج‌ها خیلی قوی فکر می‌کنند به‌طورمثال اگر در پیدا کردن یک گنج با تمام مسائل موفق نشوند در پایان عنوان می‌کنند که حتماً این گنج نگهبان دارد و در این صورت چه می‌توان کرد. مشکلات معنوی که در سر راه گنج‌یابان قرار می‌گیرد بیشتر از هر چیزی ذهن این افراد را مشغول می‌کند به‌طوریکه این افراد باید راه فرار از این مشکلات معنوی را به خوبی یاد بگیرند. بر روی گنج‌ها اسامی مانند «نگهبان» یا «ارباب» گذاشته‌اند که از گنج محافظت می‌کند و می‌گویند که برای رهائی از آن باید به سراغ «استاد» رفت.
در فصل‌های آینده در مورد تعبیر نگهبان و ارباب و افرادی که توسط قدرت‌های مافوق تصور استاد نامیده می‌شوند و اینکه این افراد چگونه آدم‌هایی هستند و چه چیزهایی می‌خواهند به طور کامل بحث خواهیم کرد.
فقط در موارد نیاز مانند مریضی‌ها، اشیاء گمشده‌ها، سحر و جادو و طلسم و در مورد گنج مسئله اساسی جن و جن‌گیری است.
حال این مسائل را به ترتیب ببینیم:
جن چیست؟ نوعی موجود که قابل درک نیست و مانند انسان تحت امر خداوند می‌باشد و احساس ما قابل درک آنها نیست. مؤمن و کافر هستند در گذشته به پدران آنها جان می‌گفتند.
در گذشته در جمع اعراب اعتقاد به عالم ارواح داشتند به قدرت‌های خوب و بد ایمان داشتند بعضی‌ها سنگ بعضی‌ها چوب‌خشک و بعضی هم در غارها در زندگی انسان‌ها تأثیر گذاشتند.
ماهیت جن چیست؟ ماهیت جن‌ها مختلف است در قالب‌های مختلف فرو می‌روند در سایه‌ها در ماهیت‌های انسانی و در دین‌های مختلف تأثیرهای مختلفی می‌گذارند. طبق فرمایش قرآن‌کریم جن‌ها هم مانند انسان‌ها برای بندگی خداوند آفریده شده‌اند. به جن‌ها هم پیغمبر فرستاده شده است. یک دسته ایمان آوردند و یک دسته هم کافر مانده‌اند. جن‌ها نسبت به انسان‌ها دارای قدرت بیشتری هستند. مثلاً مسافت‌های طولانی را در زمان‌های

کوتاه طی می‌کنند. با وجود نامرئی بودنشان آنها می‌توانند انسان‌ها را ببینند. بعضی از مسائل را در مورد انسان‌ها می‌دانند. بعضی از جن‌ها به لشگر حضرت سلیمان وارد شدند و تحت امر او به خدمت پرداختند. و در تولید محراب، مجسمه کاسه‌های بزرگ همراه با انسان‌ها کار کرده‌اند. در مورد حوادث هم گفته شده است در کنار هر انسان یک جن وجود دارد و این جن‌ها مؤمنان را وسوسه می‌کنند که این از گفته حضرت محمد (ص) می‌باشد. جن‌ها به سرعت از عالم غیب خبر می‌آورند و چیزهای بد و خوبی را که فهمیده‌اند به سینه شعبده‌بازان و کاهنان معابد می‌رسانند که این را حضرت محمد قدرت شیطانی جن‌ها نامیده‌اند.

در عوالم اسلامی جن‌ها «قدرت‌مطلق عالم‌غیب» هستند آنها زمان طولانی زندگی می‌کنند. و بین انسان و فرشته هستند. آنها هم مانند انسان‌ها می‌خورند» می‌آشامند، ازدواج می‌کنند و زادوولد می‌کنند. و زیاد می‌شوند و می‌میرند و حتی با انسان‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. فقط در مورد غذا می‌گویند که جن‌ها از بوی غذا و یا حیوان‌ها و یا طرز متفاوتی تغذیه می‌کنند. می‌گوئید جن‌ها مانند شکل انسان و از بین حیوانات مار، گربه، سگ، گاو در می‌آیند و در جاهای پرت دنیا مانند خرابه‌ها، زباله‌دانی‌ها، صحراها و قبرستان‌ها زندگی می‌کنند.

حضرت پیغمبر در مورد تأثیر بر انسان‌ها توسط جن‌ها و خنثی‌کردن آنها چنین فرموده‌اند که برای اینکه از شر جن‌ها در امان باشید سورهٔ فلق و ناس یا قسمتی از سورهٔ بقره و یا آیه‌الکرسی را بخوانید در این حالت جن‌ها بر روی شما تأثیری نخواهند داشت. بعضی‌ها برای عدم تأثیر جن‌ها به سحر و جادو روی می‌آورند در بعضی از سوره‌ها مانند هوس ـ عطائم ـ معانی مانند دعا، دعوت، منادی و غیره وجود دارد که توسط خواندن این دعاها از قدرت شیطان‌ها استفاده می‌کنند. و به این افراد خدام می‌گویند.

فکر نکنید که جن‌ها از همه‌چیز با اطلاع هستند و خداوند به غیر از پیغمبر از عالم غیب هیچ‌کس را مطلع نکرده است. بعد از آمدن قرآن جن‌ها مثل گذشته تأثیرگذار نبودند براساس حکم قرآن و پیغمبر به کسانی که به پیغمبر و خداوند ایمان آورده‌اند ضرر نمی‌رسانند. مسائل دیگری را در مورد جن‌ها به اطلاع شما برسانیم. که جن‌ها ماده نیستند و مکان ندارند.

آتش دارای دو خاصیت است یکی ظلمانی که دیده نمی‌شود و دیگری نورانی که دیده می‌شود که فرشتگان از قسمت نورانی هستند و جن‌ها ظلمانی که جن‌ها یا ایمان دارند که اُلوی و ایمان ندارند که سوفلی نامیده می‌شوند. در فرشتگان نور زیاد است و در جن‌ها آتش و می‌گویند جن‌ها دارای عمر زیادی نزدیک به ۱۰۰۰ سال می‌باشند پس با این

حساب از اتفاقات گذشته با اطلاع هستند.

آیا اعتقاد به جن در اسلام وجود دارد؟ اطلاعات مهم در مورد جن‌ها اکثراً در منابع اسلامی وجود دارد و این برای حفظ ایمانمان خیلی مهم است اما این موردکه زیرش یک خط هم می‌کشیم کسانی که وارد علم جن‌شناسی می‌شوند موضوعی را که این است جن‌شناسی فقط مربوط به دین اسلام و منصوبان آن نیست در تمام دین‌های آسمانی و غیرآسمانی جن و جن‌شناسی جای مهمی را گرفته است. کسانی که دنبال گنج‌یابی هستند به خاطر همین به اذیت می‌افتند و وقتی که تلاش می‌کنند تا مسأله را حل کنند مغزشان به هم می‌ریزد.

برای مثال از زمان‌های خیلی قدیم تا بهامورز در مدنیست‌های ـ آشور ـ بابل ـ سومر ـ آکد ـ ایلام ـ و بعد از آن‌ها در مدنیت‌های چین ـ زرتشت ـ ژاپن ـ ترک‌های آسیا میانه ـ آفریقا و در ادامه در داخل دوران هلنی بیزانس. Licia– Rhrygianها این اعتقاد دیده شده است. مدنیت‌های در یونان هم این اعتقاد و تابوها نیز موجود است. مبارزه با اینها و یاره‌های استفاده از آنها همیشه به شکل‌های مختلف وجود داشته است. در دنیای مدرن امروز هم در این زمینه و در تمام نقاط کره‌زمین دینش هرچی و کشورش هر کجا که باشد خیلی از انسان‌ها و حتی انجمن‌ها و سازمان‌ها همین حالا هم می‌دانیم که مشغول این‌کار هستند. محدوده اطلاعاتی که در مورد جن‌ها می‌دانیم خیلی تنگ و کم است. بنابراین به خاطر علاقه‌ای که به اینها وجود دارد روایت و خرافات آنقدر زیاد هست که به خاطر همین کسانی که عقایدشون ضعیف است دچار سردرگمی می‌شوند.

ما در اینجا در مورد جن‌ها از منابع اسلامی آنهایی را که لازم و کافی دانستیم به اطلاع شما رساندیم.

ارتباط جن با دفینه‌ها

در گنج‌یابی کسانی که به (جن‌ها) اعتقاد دارند و راه تدبیر را می‌روند. گفتنی است در سه مورد با مشکل مواجه خواهند شد.

۱. قبل از حفاری

۲. در حال حفاری

۳. بعد از در آوردن مال و بعد از آن

در مرحله اول گنج‌پژوه در این سه نقطه خیلی زحمت و اذیت خواهد کشید. بعضی از اشخاص می‌خواهند موفقیت و یا عدم‌موفقیت خود را بخاطر فعالیت در این زمینه به این ارتباط دهند. در این زمینه مشکل اصلی خود گنج‌پژوه است بخاطر اینکه اطلاعات کافی ندارد خوبست با این حال منبع و مشکل در این سه نقطه چیست؟

محافظت اجنه از دفینه‌ها

به قول گفتنی ارتباط بین انسان و جن بعضاً به صورت مستقیم و بعضاً به صورت غیرمستقیم از زاویه دینی یک عقیده است. این حقیقت از خیلی زمان‌های قدیم تا به امروز انسان‌های دوره‌های مختلف کم یا زیاد با جن و با کسانی‌که با جن‌ها مشغول بودند می‌خواستند تماس داشته باشند. در این به اندازه موجودیت عقاید گروه‌هایی که داخلش زندگی می‌کردند اثر فرهنگی‌اش هم خیلی زیاد است.

در زمان‌های قدیم از بانک و بانکداری خبری نبوده و کسانی که پول و اشیاء با ارزشی داشتند بهترین جا برای مخفی‌کردن آنها صخره‌ها، جنگل‌ها و یا در برخی از نقاط که با آثار و علائم آنجا را انتخاب کردند.

دین و آداب و رسوم انسان‌ها هر چیزی که باشد اکثراً پول خود را برای حفاظت به جن‌ها می‌سپردند و این آداب و رسوم همیشه ادامه داشته است.

حفاظت و بنام خود زدن دفینه به سه صورت ممکن بوده است.

حفاظت از دفینه‌ها چگونه صورت می‌گیرد؟

۱ـ استفاده از طلسم

همانطور که در بالا هم به این مسأله اشاره کردیم در زمان‌های گذشته چیزی شبیه به بانک وجود نداشت. اگر خودمان را به جای انسان‌های گذشته بگذاریم به آنها حق می‌دادید که پول‌های خود را مخفی کنند. انسان‌های گذشته وقتی می‌خواستند پول و مال خود را مخفی کنند به دو نقطه مهم خیلی توجه می‌کردند.

وقتی که من دارم مخفی می‌کنم کس دیگی نبیند، و بر ندارد باید یک علائمی را بگذارم تا محل را گم نکنم.

انسان‌های قدیم مالی را که مخفی می‌کردند نمی‌توان ۲٤ ساعته نگهبانی بدهند. و برای حفاظت به عالم پنهان سر خواهند زد. این بجز «نگهبانی جن‌ها» چیز دیگری نیست. اگر شخصی خودش راه و روش این کار را بداند خودش و اگر نمی‌دانند از متخصصان جن و دعانویسان دوران خود کمک می‌گرفتند تعداد اینها و نوع طلسمی که از آن استفاده می‌کردند می‌توانست یک و یا بالای یک باشد و این ارتباط بسیار نزدیکی بامهم و زیاد بودن دفینه دارد. از زمان آفرینش طایفه‌های جن می‌توانستند با استفاده از دعاهای مخصوص و تکرار زیاد کلمات تماس پیدا کنند. بخاطر اینکه می‌توانند این نگهبانی را خیلی راحت بدهند و مدت این می‌تواند قرن‌ها ادامه داشته باشد و بعضی‌ها عقیده دارند که جن‌ها برای زنده‌ماندن به انرژی‌های دیگری نیاز دارند که یکی از آنها تابش طلا است. و این هم یکی

دیگر از دلایل حفاظت ونگهبانی جن‌ها است.
این موکل که تحت امر در آمده است تا وقتی که یک نیرویی اینها را آزاد نکند موظف هستند که نگهبانی خود را بدهند و امانت را به هیچ‌کس نخواهند داد حتی اگر بمیرند و یا ناقص بشوند با هم نخواهند داد.
طلسم چیست؟
A) طلسمات استفاده شده برای حفاظت از پول‌های کلیساها: طلسمات در این مکان‌ها در وقع حفاری خیلی وقت‌ها مشکل ایجاد می‌کنند. در این مکان‌ها هنگام حفاری مار ـ انسان‌تیره ـ سگ و ... مخلوقات زنده دیگر ظاهر می‌شوند.
B) طلسمات استفاده شده برای حفاظت از پول‌های دولت: رئیس دولت و یا رهبر گروه‌ها خیلی وقت‌ها بعد از اینکه گنج را مخفی می‌کردند کارگر را کشته و از طلسم استفاده می‌کردند. در این‌جور جاها برای باطل‌کردن طلسم خون انسان لازم است زیرا برای مخفی نگه‌داشتن شدن با خون انسان ارتباط پیدا کرده است. انسان‌های که از این مکان‌ها گنج برداشته‌اند در مدت‌کوتاهی دچار بلا و مصیبت گشته و بعد از آن خبر مرگش هم شنیده شده است.
C) طلسماتی که مورد استفاده دفینه‌های شخصی قرار گرفته است: طلسماتی که در این نوع دفینه‌ها مورد استفاده قرار گرفته معمولاً شخصی که داخل قبر خوابیده است برای محافظت از اموال داخل قبر استفاده شده است.
اجنه معمولاً پس از گذشت مدت زمان زیاد «حدود ۳۰۰ سال» از دفن گنج، آن را بنام خود می‌نمایند. یعنی به نوعی خود را صاحب مال می‌دانند.
۲- گنجهایی که بعداً اجنه صاحب آن می‌شوند
برخی از نظرات مشترک در دنیای گنج‌یابی است در این مورد را در زیر مشاهده می‌نمائیم:
- مرگ فرد مخفی‌کننده گنج
- گذشتن تاریخ مشخصی از مخفی‌کردن
- اختلاف‌نظر در بین افراد مخفی‌کننده گنج
- مخفی شد بدون بسم‌الله گنج مسلمان
- گنج راه زنان و دزدان
- پول‌هایی که هنگام فرار گذاشتند.
- پول مکان‌های مقدس
به علت دلیل‌های بالا در هنگام مخفی‌کردن گنج نیز اگر اجنه به عنوان محافظ و نگهبان

استفاده نشود. خیلی‌ها بر این باورند که بعدها جن‌های محافظ و نگهبانان این دفینه‌ها خواهند شد.

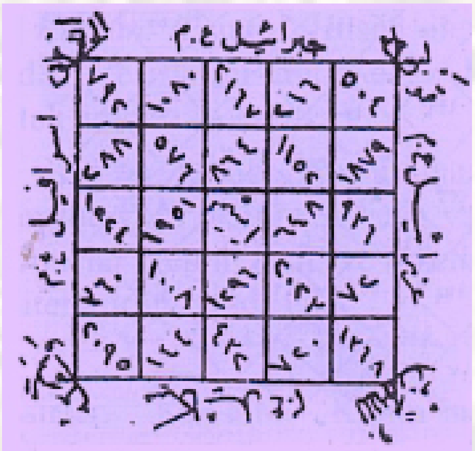
۳ـ گنج‌های بدون صاحب

بسیاری از گنج‌پژوه‌ها این عقیده را دارند مالی که به طور کامل از راه حلال به دست آمده است و مخصوصاً مال‌هایی که با گفتن بسم‌الله مخفی شده‌اند طلسم ندارند در این نوع گنجینه با نگهبان و مسأله جن ندارد.

در یک نظریه دیگری هم گفته می‌شود که گنجینه‌ای دعای بد و نفرین و در عین‌حال اشک‌چشم وجود نداشته باشد آزاد است و نگهبان ندارد. کسی که قسمتش باشد این نوع گنجینه را پیدا می‌کند و با خیال راحت و با آرامش خرج می‌کند.

طلسم

وقتی که حروف یک کلمه و یا جمله را پشت سر هم ارزشش را گرفته و آن‌را تبدیل به عدد می‌کنیم طلسم می‌گویند. برای این کار یهودیان «Gematri» یونانی‌ها «isopsephi» مسلمان‌ها «حساب‌الجمل» می‌گویند.



نمونه طلسم

۱- هر کس هر روز یکبار این شش آیه شریف را قبل و یا بعد از نماز صبح بخواند و بر این اساس مداومت نماید چنانچه دنیا را بلا گرفته باشد و جمله کاهنات بر علیه او اقدام نمایند بقدرت این آیات هیچ صدمه‌ای به او نخواهد رسید و جمله آنها دفع و رفع گردد.
۲- دارنده این آیات همیشه در پناه خدا و موکلین این آیات خواهد بود و مهرش در قلوب آدمیان و موجودات خواهد افتاد و عاقبت بخیر باشد و رستگار از دنیا بیرون رود .
۳-اگر کسی این آیات شریف را به مشک و زعفران نوشته همراه خود نگهدارد و یا هر روز صبح شش آیه را یکبار بخواند زبان دشمنانش بسته گردد و هیچ آزاری به او نتوانند برسانند.
٤-اگر دختری را بخت بسته باشد و به شوهر نرود با مشک و زعفران نوشته در گوشهٔ چادر خود بیاویزد و یا در زیر گیسوان خود مخفی سازد و نیز آن نوشته را در آب انداخته و از آبش بنوشد و قدری به سر و صورتش بمالد به اذن خدا در مدت ٦۰ روز به خانه بخت برود.
٥- اگر بیماری همراه خود نگهدارذ و یا بشوید و از آبش بنوشد به اذن خدا شفاء بگیرد.
٦-اگر زنی همسر بد خلق و بد زبانی داشته باشد و یا اگر مردی زنی سلیطه داشته باشد این آیات به مشک و زعفران نوشته سپس در آب بشوید و از آن آب قدری به او بخوراند و روزها آن آیات را همراه خود نگهدارد و شبها در زیر بالین خود بگذارد به اذن خدا چنان بهم محبت نمایند که انگشت نمای دیگران گردند.
۷- اگر در مکانی شیاطین و ارواح پلید تجمع کرده باشند و یا خانه‌ای را تصرف نموده باشند و ساکنین آنرا آزار رسانده و یا بترسانند این آیات را نوشته در آن مکان بیاویزند و نیز شسته آبش را در آن مکان و یا خانه بپاشند به اذن خدا آن محل و خانه را ترک کرده و تا ابد برنگردند.
۸-اگر بر روی دفین طلسم مار موکل باشد هنگام کاویدن در محل ٦۰ قاف را ۲٤۰ مرتبه بخوانند آن طلسم ظاهر نگردد و اگر هم ظهور نماید هیچ آسیبی نتواند برساند.
۹-اگر بر روی دفین طلسم رعد باشد هنگام کار ٦۰ قاف را ۲۷۰ الی ۳۰۰ مرتبه بخوان باطل شود.
۱۰-اگر بر روی دفین طلسم ماهی باشد هنگام کار دفین ٦۰ قاف را ۱۸۰ مرتبه بخوان باطل شود.
۱۱-اگر بر روی دفین طلسم آب باشد هنگام کاویدن آن ٦۰ قاف را ۷۰ مرتبه بخوانند باطل شود.
۱۲-اگر بر روی دفین طلسم افعی باشد هنگام عمل ٦۰ قاف را ۳٤۱ مرتبه بخوانند باطل شود.
۱۳-اگر بر روی دفین طلسم پرندگان باشد هنگام کار ٦۰ قاف را ۲۰۰ مرتبه خوانده باطل شود.
۱٤-اگر بر روی دفین طلسم آتش باشد هنگام کاویدن ٦۰ قاف را ۷۰ مرتبه بخوانند باطل شود.
۱٥-اگر بر روی دفین طلسم گاو باشد هنگام کاویدن ٦۰ قاف را ۳۱۰ مرتبه بخوانند باطل شود.
۱٦-اگر بر روی دفین طلسم سگ باشد هنگام کاویدن ٦۰ قاف را ٥۲ مرتبه بخوانند باطل شود.
۱۷-اگر بر روی دفین طلسم شیر باشد هنگام کاویدن ٦۰ قاف را ۲٤۰ مرتبه بخوانند باطل شود.

۱۸-اگر بر روی دفین طلسم اسب باشد هنگام کاویدن ۶۰ قاف را ۸۳ مرتبه بخوانند باطل شود.

۱۹-اگر بر روی دفین طلسم گاو باشد هنگام کاویدن ۶۰ قاف را ۳۱۰ مرتبه بخوانند باطل شود.

۲۰-اگر بر روی دفین طلسم اژدها باشد هنگام کاویدن ۶۰ قاف را ۸ مرتبه بخوانند باطل شود.

۲۱-اگر بر روی دفین طلسم جن و پری و شیاطین موکل باشند هنگام کاویدن ۶۰ قاف را ۱۰۰ مرتبه بخوانند محل را ترک کرده و خواهند رفت.

۲۲-اگر بر روی دفین هر گونه طلسمی باشد هنگام کار ۶۰ قاف را ۱۰ مرتبه بخوانند باطل شود.

خواندن و داشتن و بیان کردن خواص آیات شصت قاف برای مومنین موجب برکت و ثبت ثواب بسیار در اعمال او خواهد بود و جهت رفع تمام بستگیها و دفع جمله دشمنان و بدیها بسیار بسیار موثر و مجرب است و آیات کریمه این است.

((سورهٔ مبارکهٔ بقره آیهٔ شریفهٔ ۲۴۶))

بِسم اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیم اَلَمْ تَرَ اِلیَ الْمَلاَءِ مِنْ بَنیَ اِسْرآئیلَ مِنْ بَعْدِ مُوسی اِذْ قالوُا لِنَبیٍّ لَّهُمُ ابْعَثْ لَنا مَلِکاً نُّقَاتِلْ فی سَبیلِ الله قالَ هَلْ عَسَیْتُمْ اِنْ کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِتالُ اَلَّا تُقاتِلوُا قالوُا وَ ما لَنا اَلَّا نُقاتِلَ فی سَبیلِ اللهِ وَ قَدْ اُخْرِجْنا مِنْ دِیارِنا وَ اَبْنآئنا فَلَمّا کُتِبَ عَلَیْهِمُ الْقِتالُ تَوَلّوْا اِلَّا قَلیلاً مِنْهُمْ وَاللهُ عَلیمُ بِالظّالِمینَ.

((سورهٔ مبارکهٔ آل عمران آیهٔ شریفهٔ ۱۸۱))

بِسم اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیم لَقَدْ سَمِعَ اللهُ قَوْلَ الَّذینَ قالوُآ اِنَّ اللهَ فَقیرُ وَ نَحْنُ اَغْنِیآءُ سَنَکْتُبُ ما قالوُا وَ قَتْلَهُمُ الاَنبِیآءَ بِغَیْرِ حَقّ وَ نَقوُلُ ذُوقُوا عَذابَ الْحَریقِ.

((سورهٔ مبارکهٔ نسآء آیهٔ شریفهٔ ۷۷))

بِسم اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیم اَلَمْ تَرَ اِلیَ الَّذینَ قیلَ لَهُمْ کُفّوُآ اَیْدِیَکُمْ وَ اَقیمُوا الصَّلواهَ وَ آتُوا الزَّکَواهَ فَلَمّا کُتِبَ عَلَیْهِمُ الْقِتالُ اِذا فَریقُ مِنْهُمْ یَخْشَوْنَ النّاسَ کَخَشْیَه الله اَوْ اَشَدَّ خَشْیَهً وَ قالوُا رَبَّنا لِمَ کَتَبْتَ عَلَیْنَا الْقِتالَ لَوْ لآ اَخّرْتَناَ اِلی اجَلٍ قَریبٍ قُلْ مَتاعُ الدُّنیا قَلیلُ وَالْآخِرَهُ خَیْرُ لِمَنِ اتَّقی وَ لا تُظلَمُونَ فَتیلاً.

((سورهٔ مبارکهٔ المآئده آیهٔ شریفهٔ ۲۷))

بِسم اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیم وَ اتْلُ عَلَیهِمْ نَبَاَابْنَیْ آدَمَ بِالْحَقّ اِذْ قَرَّبا قُرْباناً فَتقَبَّلُ مِنْ اَحَدِهِما وَ لَمْ یَتَقَبَّلَ مَنَ الْآخَرِ قالَ لَاَقْتُلَنَّکَ قالَ اِنَّما یَتَقَبَّلُ اللهُ مِنَ الْمُتَّقینَ.

((سورهٔ مبارکهٔ الرّعد آیهٔ شریفهٔ ۱٦))

بسم اللهُ الرَّحمنِ الرَّحیم قُلْ مَنْ رَّبُّ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ قُلِ اللهُ قُلْ اَفَاَتَّخَذْتُمْ مِّن دوُنه اَوُلیآءَ لا یَمْلکوُنَ لِاَنْفُسِهِمْ نَفْعاً وَ لا ضَرّاً قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الْاَعْمی وَالْبَصیرُ اَمْ هَلْ تَسْتَوِی الظُّلُماتُ وَالنّوُرُ اَمْ جَعَلوُا لله شُرَکآءَ خَلَقوُا کَخَلْقِهِ فَتَشابَهَ الْخَلْقُ عَلَیْهِمْ قُلِ اللهُ خالِقُ کُلِّ شَیُ وَ هُوَ الْواحِدُ الْقَهّارُ.

((سورهٔ مبارکهٔ المزمّل آیهٔ شریفهٔ ۲۰))

بسم اللهُ الرَّحْمنِ الرَّحیم اِنَّ رَبَّکَ یَعْلَمُ اَنَّکَ تَقُومْ اَدْنی مِنْ ثُلُثَیِ اللَّیْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طآئفه مِّنَ الّذینَ مَعَکَ وَاللهُ یُقَدِّرُ اللَّیْلَ وَالنَّهارَ عَلِمَ اَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتابَ عَلَیْکُمْ فَاقْرَؤُا ما تَیَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ اَنْ سَیَکُونُ مِنْکُمْ مَّرْضی وَ آخَروُنَ یَضْرِبُونَ فیا الاَرْضِ یَبْتَغوُنَ مِنْ فَضْلِ اللهِ وَ آخَروُنَ یُقاتلوُنَ فی سَبیلِ الله فَاقْرَؤا ما تَیَسَّرَ مِنْهُ وَ اَقیموُا الصَّلواهَ وَ آتوُا الزَّکوهَ وَ اَقْرِضوُا الله قَرْضاً حَسَناً وَ ما تُقَدِّموُا لاَنْفُسِکُمْ مِّنْ خَیْرٍ تَجِدُوُه عِنْدَاللهِ هُوَ خَیْراً وَ اَعْظَمَ اَجْراً وَ اسْتَغْفِروُا اللهَ اِنَّ اللهَ غَفُورُرَحیمُ .

خط میخی

فارسی باستان

فارسی باستان :

فارسی باستان به الفبایی نوشته شده است که میخی نامیده می شود ظاهراً داریوش بزرگ دستور داده است که الفبایی برای فارسی باستان ساخته و این زبان بدان نوشته شود . الفبای فارسی باستان از الفبای اکدی و الفبای اکدی از الفبای سومری گرفته شده است . این الفبا ۳۶ حرف ، ۲ واژه جدا کن، ۸ اندیشه نگار و نشانه هایی هم برای نشان دادن اعداد داشته است که تنها برخی از آنها به جای مانده است . هریک از حرفهای الفبای میخی به جز سه حرفی که برای نشان دادن مصوتها به کار می رود مصوتی هم همراه دارد به همین علت الفبایی هجایی است .الفبای فارسی باستان از چپ به راست نوشته می شود و پس از هر حرف یک واژه جدا کن گذاشته می شود.

نحوه رمز گشایی خط میخی فارسی باستان

خط میخی فارسی باستان پس از انقراض دولت هخامنشی از رواج افتاد و خواندن آن فراموش شد؛ تا اینکه ، اخبار و گزارش هایی که جهانگردان و سیاحان اروپایی از اوایل قرن هفدهم میلادی به این سوی، به هنگام سیر و سیاحت در شرق و بازدید از ویرانه های تخت جمشید ، فراهم کرده بودند، توجه دانشمندان اروپایی را به آن جلب نمود. در قرن هجدهم میلادی ،چندین کتیبه به خط میخی فارسی باستان در اروپا منتشر شد ، از آن جمله است رونوشت کامل یکی از کتیبه های داریوش در تخت جمشید (DPC) که ، شاردن Chardin جهانگرد معروف فرانسوی ، در سال ۱۷۱۱ ، آن را منتشر کرد ؛ همچنین کتیبه ای از خشایارشا بر روی گلدانی از سنگ مرمر که کنت کایلوس Caylus Count ، در سال ۱۷۶۲ ، گزارشی درباره آن به محافل علمی آن روزگار ارائه نمود .

در سال ۱۷۶۵ ، کارستن نیبور Carsten Niebuhr رونوشتهای دقیقتری از کتیبه سه زبانی تخت جمشید تهیه کرد و پس از بازگشت از شیراز ، در سال ۱۷۷۸ ، به انتشار آن پرداخت . نیبور از بررسی این اسناد به خوبی دریافت که ، کتیبه ها از چپ به راست و به سه گونه نظام خطی کاملا متفاوت از هم نوشته شده اند . چند صباحی بعد ؛ در سال ۱۷۹۸ م ؛ اولاف گرهارد تیخسن Olav Gerhard Tychsen پی برد که این سه نظام خطی متفاوت در کتیبه ها ، در حقیقت ، مبین سه زبان مختلف هستند و نشانه میخ مانند موربی که در ساده ترین نوع این سه شیوه کتابت به طور منظم پس از چند علامت تکرار می شود ، ظاهرا نشانه مقسم کلمات بوده است . اما او ، به اشتباه ، این کتیبه ها را متعلق به دوره اشکانیان دانست . در سال ۱۸۰۲ م ؛ فردریش مونتر Friedrich Munter مستقل از تیخسن ، علامت واژه جداکن را در این کتیبه ها تشخیص داد و تصور کرد که ، گروهی از

نشانه هایی که در این سنگ نبشته ها بیشتر از نشانه های دیگر دلالت می کند . او از روی برخی از قراین احتمال داد که « شاه شاهان » و « شاه » تکرار می شود ، احتمالا بر مفهوم کتیبها متعلق به دوره هخامنشی هستند . علیرغم مساعی مستمر این دانشمندان و چند تن دیگر ، هنوز پیشرفت واقعی در گشودن رموز خط میخی فارسی باستان حاصل نشده بود ، تا اینکه گئورگ فردریش گروتفند Georg Friedrich Grotefend آلمانی ، در سال ۱۸۰۲ ، به این کار همت گماشت.

گروتفند کار خود را با تطبیق و مقابله دو کتیبه از تخت جمشید (کتیبه های DPA و XPE) شروع کرد و دیری نگذشت که به موفقیتی چشمگیر دست یافت . او نیز ، تصور کرد که کتیبه ها به سه شیوه خطی متفاوت نوشته شده اند ، میخ مورب در آنها علامت یا نشانه واژه جداکن است ؛ کتیبه ها به پادشاهان هخامنشی تعلق دارند و اساسا حاوی اسامی و القاب این پادشاهان اند ، و زبان ساده ترین نوع این نبشته ها – که در اصل به فارسی باستان بود – شبیه و همانند زبان اوستایی است . او همچنین ، احتمال داد که القاب و عناوین پادشاهان هخامنشی مشابه القاب پادشاهان ساسانی است و القاب پادشاهان اخیر در آن زمان ، توسط سیلوستر دوساسی sacy Silvestre de به این صورت معلوم شده بود: « X شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه ایران و انیران ، پسر Y شاه بزرگ» پیش از ذکر جزئیات مربوط به نحوه کار گروتفند ، برای سهولت مقایسه ، آوانوشت دو کتیبه ای که اساس کار او در رمز گشایی خط میخی فارسی باستان بود ، در ذیل ارائه می شود :

* کتیبه خشایارشا XPa
کتیبه داریوش+ DPa
x shayArshA *
DArayavaush+
xShAya»iya vazarka *
xShAya»iya vazarka+
xShAya»iya xShAya»iyAnAm*
xShAya»iya xSAya»iyAnAm+
DArayavauSh xShAya»iyahyA *
viShtAspahyA+
Puca HaxAmaniShiya *
Puca HaxAmaniShiya +
(haya imAm tacaram akuanush)+

گروتفند به روشنی دریافت که در این دو کتیبه گروهی از نمادها عینا تکرار می شود و گروهی دیگر با هم تفاوت دارد . بنابراین ؛ نتیجه گرفت که کتیبه ها متعلق به دو پادشاه هستند ؛ گروهی از نشانه است و گروهی که با هم تفاوت « شاه» هایی که عینا یا با جزئی اختلاف تکرار می شود ، معرف کلمه دارد، بر اسامی این دو شاه دلالت می کند . بر پایه این استدلال و نیز ، بر اساس الگوی یاد شده کتیبه های ساسانی ، او از این دو نبشته ، کتیبه

دوم ، یعنی کتیبه خشایارشا را ، موقتا ، به صورت زیر ترجمه کرد :
« شاه را پسر ، هخامنشی Y ، شاه بزرگ ، شاه شاهان X »
در سنگ نوشته اول ، نخستین کلمه ای Y بر اساس این تصور بود که واژه « شاه را پسر Y » ترجمه بود که کتیبه با آن شروع می شد و به نظر می رسید نام پادشاهی باشد که کتیبه به نام او نوشته با یک لاحقه اضافی « شاه شاهان » شده است ، اما همین نام در کتیبه دوم در جایگاهی پس از عنوان به کار رفته بود . به همین دلیل ، او تصور کرد که این واژه از طریق همین لاحقه اضافی با واژه بعدی ، داشت ، ارتباط یافته است . علاوه بر این ، گروتفند متوجه شد نامی که کتیبه اول «پسر» که مفهوم قرار گرفته است . از سوی دیگر ، در « شاه X » با آن آغاز می شود ، در کتیبه دوم در جایگاه نام پدرکتیبه دوم پس از نام پدر کلمه شاه به کار رفته ، در حالی که در کتیبه اول پس از نام پدر ، این کلمه استعمال نشده بود . از این امر او نتیجه گرفت که ، این دو کتیبه متعلق به پدر و پسری است که هر دو شاه بودند ، اما پدربزرگ پسر، شاه نبود. بنابراین، او در فهرست شاهان هخامنشی که از روی منابع یونانی به دست آمده بود، به دنبال نام پدر و پسری گشت که دارای مشخصات فوق باشند. در میان پادشاهان هخامنشی، نام کوروش و کمبوجیه از یک سو، و نام داریوش و خشایارشا از دیگر سو، می توانست مشمول این احتمال باشد. از این اسامی، گروتفند نام کوروش و کمبوجیه را کنار گذاشت؛ چون تصور می کرد این دو نام باید با حروف یکسانی شروع شوند ، در حالی که اسامی مذکور در کتیبه ها با دو حرف مختلف شروع شده بودند. البته، در اینجا یک تصادف محض به یاری او شتافت؛ چون نام کوروش و کمبوجیه در خط فارسی باستان بنا به پاره ای از دلایل کتابتی با دو حرف مختلف شروع می شوند . به هر حال ، مجموع این دلایل گروتفند را به این عقیده رهنمون گشت که نویسنده کتیبه دوم باید خشایارشا باشد و نویسنده کتیبه اول پدرش، داریوش، که پدر او گشتاسب (ویشتاسپ) عنوان شاه نداشت . مرحله بعدی ، تعیین ارزش آوایی این علایم به عبارت دیگر تلفظ پارسی باستان این اسامی بود . در این مورد ، گروتفند به صورت این اسامی در متون متاخر ایرانی توجه کرد و ارزش آوایی کلمات مورد بحث را به صورت زیر مشخص نمود :

گونه صحیح اسامی در کتیبه ها	تلفظ پیش نهادی گروتفند
g–o–sch–t–a–s–p	V – i – sh– T – a – S – p
d–a–r–h–e–u–sch	D – A – R – Y – V – U – sh
Kh–sch–h–a–r–sch–a	X – sh– Y – A – R – Sh – A

بدین ترتیب، گروتفند توانست ارزش آوایی ۱۵ نشانه از حروف خط میخی فارسی باستان را معین کند . البته، بعدها، « بزرگ » معلوم شد که از این ۱۵ حرف ، فقط ارزش آوایی ۱۰

حرف صحیح بوده است . علاوه بر سه نام یاد شده، لغات تنها کلماتی بودند که گرتفند به درستی آنها را تشخیص داد و بعدها، در سال ۱۸۱۵ ، نام کوروش را در کتیبه « شاه » و شناسایی کرد . CMA مرغاب پس از تلاش های گروتفند ، به دنبال یک وقفه نسبتا طولانی ، در امر رمز گشایی، خط میخی فارسی باستان، دانشمندان « شاه شاهان » دانمارکی در عبارت R. Rask دگرباره ، به این کار اهتمام ورزیدند . در سال ۱۸۲۶ م؛ راسموس راسک اوستا شناس فرانسوی توانست ارزش O. Burnouf لاحقه اضافی جمع را شناسایی کرد. در سال ۱۸۳۶ م؛ اوژن بورنوف آوایی تعداد زیادی از حروف فارسی باستان را در یکی از کتیبه ها مشخص کند. او در سال ۱۸۳۹ ، پی برد که تعدادی از i را شناسایی کرد. او در سال ۱۸۳۹ ، پی برد که تعدادی از صامت ها فقط پیش از مصوت a صامت های متصل به مصوت در ؛ Hinks و هینکس H. Rawlinson به کار می روند؛ در سال ۱۸٤٦ ، راولینسون u و تعدادی دیگر پیش از مصوت به همراه u یا i هر یک مستقل از دیگری دریافتند که این صامتها هر کدام یک مصوت Oppert سال ۱۸٤۷ ، اوپرت دارند.
را در کتیبه های فارسی باستان روشن کرد و ، یادآوری نمود که صامت au و ai اوپرت همچنین، ساخت آواگروه های در خط فارسی باستان پیش از واج های انسدادی به کتابت در نمی آیند. بدین تریتیب ، رمز خواندن n و m های غنه خط میخی فارسی باستان گشوده شد و نهایتا، راه برای خواندن خطوط میخی دیگر و به تبع آن دستیابی به ادبیات غنی بین النهرین هموار گشت.

نشانه‌های الفبای میخی فارسی باستان

شکل میخی حرف	حرف با تلفظ لاتین	حرف با تلفظ فارسی
𐎠	a-ā	آ – ا
𐎡	i	ای
𐎢	u	او

شکل میخی حرف	حرف با تلفظ لاتین	حرف با تلفظ فارسی
𐎲	ba	بَ
𐎱	pa	پَ
𐎫	ta	تَ
𐎰	sa	ثَ
𐎪	ja	جَ

حرف با تلفظ فارسي	حرف با تلفظ لاتين	شكل ميخي حرف
خَ	xa	𐎧
دَ	da	𐎭
رَ	ra	𐎼
زَ	za	𐏀
سَ	sa	𐎿
شَ	Š	𐏁
فَ	fa	𐎳
کَ	ka	𐎣
گَ	ga	𐎥
لَ	la	𐎾
مَ	ma	𐎶
نَ	na	𐎴
وَ	va	𐎺
هَ	ha	𐏃
یَ	ya	𐎹
ثرَ	Ç	𐏂
چَ	č	𐎨

حرف با تلفظ فارسي	حرف با تلفظ لاتين	شكل ميخي حرف
جی	ji	𐎪
دی	di	𐎮
وی	vi	𐎻
می	mi	𐎸

حرف با تلفظ فارسي	حرف با تلفظ لاتين	شكل ميخي حرف
تو	tu	𐎬
دو	du	𐎯
رو	ru	𐎽
کو	ku	𐎤
گو	gu	𐎦
مو	mu	𐎷
نو	nu	𐎵
واژه جدا کن	-	𐏐



اندیشه نگارها

حرف با تلفظ فارسی	حرف با تلفظ لاتین	شکل میخی حرف
شاه	xšāyasiya	𐏈
سرزمین	dahyāuš	𐏌,𐏍
اهورامزدا	auramazdā	𐏉/𐏊
خدا	baga	𐏎
زمین	bumiš	𐏏

نکات:

۱- نشانه a در آغاز واژه، هم بیانگر صوت a بوده و هم بر صوت $\bar{a}$ دلالت می‌کند

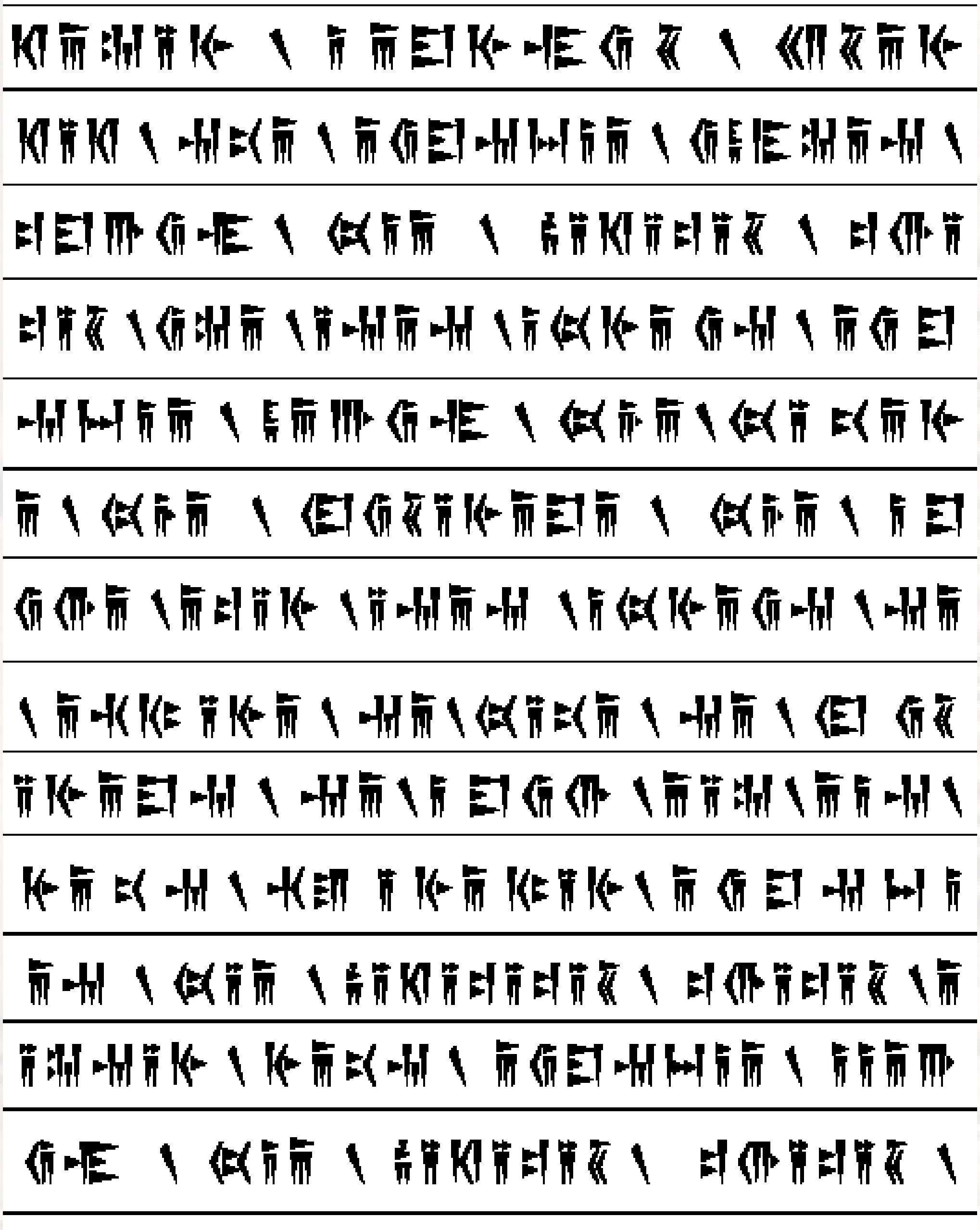
۲- نشانه a در میان و پایان واژه، پس از صامت a دار نشان دهنده صوت $\bar{a}$ است

۳- مصوت i در پایان به صورت i-ya و مصوت u به صورت u-va نوشته می‌شود.

٤- در فارسی باستان هرگاه h پیش از u قرار می‌گرفت نوشته نمی‌شد.

٥- نشانه‌های a دار در بیشتر موارد در آخر واژه به صورت ساکن خوانده می‌شوند

کتیبه داریوش تخت جمشید سطر ۱۲ الی آخر

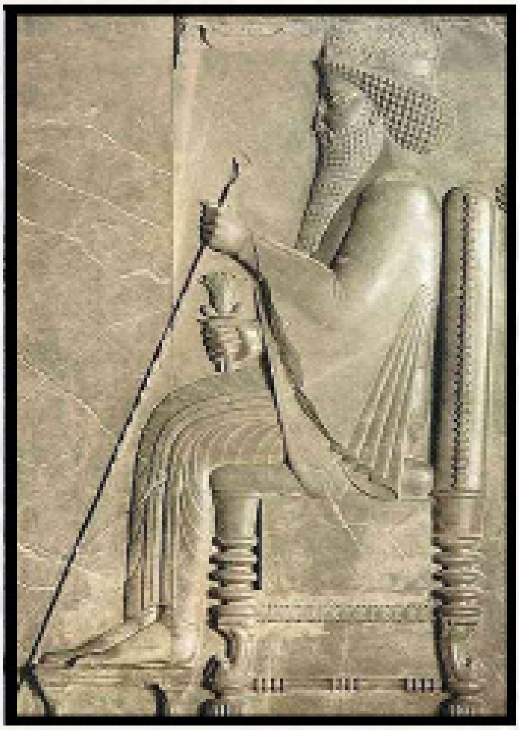


𐎰 𐎠 𐎫 𐎡 𐎹	sātiy	گوید
𐎭 𐎠 𐎼 𐎹 𐎺 𐎢 𐏁	dārayavhauš	داریوش
𐎧 𐏁 𐎠 𐎹 𐎰 𐎡 𐎹	xšāyaslya	شاه
𐎶 𐎴 𐎠	manā	مرا
𐎠 𐎢 𐎼 𐎶 𐏀 𐎭 𐎠	auramazdā	اهورامزدا
𐎢 𐎱 𐎿 𐎫 𐎠 𐎶	upastām	یاوری
𐎲 𐎼 𐎬 𐎢 𐎺	baratuv	برد
𐏃 𐎭 𐎠	hadā	با
𐎻 𐎡 𐎿 𐎡 𐎲 𐎡 𐏁	visaibiš	همه
𐎲 𐎥 𐎡 𐎲 𐎡 𐏁	bagaibiš	خدایان
𐎢 𐎫 𐎠	utā	و
𐎡 𐎶 𐎠 𐎶	imām	این
𐎭 𐏃 𐎹 𐎠 𐎢 𐎶	dahyāum	سرزمین
𐎱 𐎠 𐎬 𐎢 𐎺	pātuv	بپاید
𐏃 𐎨 𐎠	hacā	از
𐏃 𐎡 𐎴 𐎠 𐎹 𐎠	haināyā	دشمن
𐎯 𐎢 𐏁 𐎡 𐎹 𐎠 𐎼 𐎠	dušiyārā	خشکسالی
𐎭 𐎼 𐎢 𐎥 𐎠	draugā	دروغ
𐎠 𐎲 𐎡 𐎹	abiy	به – به سوی
𐎶 𐎠	mā	نه
𐎠 𐎩 𐎷 𐎡 𐎹 𐎠	ājamiyā	آید (نفی = نیاید)

𐎠𐎡𐎫	aita	این را
𐎠𐎭𐎶	adam	من
𐎹𐎠𐎴𐎶	yānam	بخششی
𐎪𐎭𐎡𐎹𐎠𐎶𐎡𐎹	jadiyāmiy	درخواست می کنم
𐎠𐎡𐎫𐎶𐎡𐎹	aitamaiy	این مرا
𐎭𐎭𐎠𐎫𐎢𐎺	dadātuv	بدهد

ترجمه:

داریوش شاه گوید : مرا اهورامزدا یاوری برد با همه خدایان و این سرزمین را اهورامزدا بپاید از سپاه دشمن ، از خشکسالی ، از دروغ به این سرزمین میاید ، نه سپاه دشمن ، نه خشکسالی ، نه دروغ. این را من بخششی از اهورامزدا با همه خدایان در خواست می کنم . مرا دهد این بخشش اهورامزدا با همه خدایان.



معنی وآوانویسی چند واژه مهم در فارسی باستان:

𐎠𐎤𐎢𐎴𐎺𐎶	akunavam	کردم—ساختم
𐎠𐎥𐎼𐎡𐎹	agariya	باوفا
𐎠𐎥𐎼𐎲𐎠𐎹𐎶	agarbāyam	گرفتم
𐎠𐎺𐎠𐎒𐎴𐎶	avājanam	کشتم
𐎠𐎭𐎠	adā	آفرید
𐎠𐎲𐎺	abava	شدند
𐎠𐎿𐎶𐎠𐎴𐎶	asmānam	آسمان
𐎤𐎢𐎽𐎢𐏁	kuruš	کوروش
𐎫𐎢𐎶𐎠	taumā	خاندان
𐎭𐎠𐎼𐎹𐎠𐎷𐎡𐎹	dārayāmiy	دارم
𐎴𐎡𐎲𐎠	naibā	زیبا
𐎱𐎽𐎢𐎴𐎠𐎶	parunām	بسیار
𐎶𐎰𐎡𐏁𐎫	masišta	بزرگترین
𐎶𐎼𐎫𐎡𐎹𐎠	martiyā	مرد
𐎴𐎡𐎹	naiy	نه
𐏃𐎹	haya	که
𐎺𐏁𐎴𐎠	vašnā	لطف
𐎹𐎢𐎭𐎫𐎡𐎶	yaudatim	آشوب

𐎹𐎭𐎡𐎹	yadiy	اگر – هنگامی که
𐎼𐎢𐎨	Raucah	روز
𐎯𐎢𐎻𐎡𐎫𐎡𐎹𐎶	Duvitiyam	دوم
𐎮𐎡𐎭𐎠	didā	دژ
𐎠𐏃	āha	بود
𐎠𐎺𐎿𐎠	avasā	آنگاه
𐎠𐎱𐎫𐎼𐎶	apataram	دورتر از
𐏁𐎡𐎹𐎠𐎫𐎡𐎶	šiyātim	شادی
𐎧𐏁𐎹𐎠𐎼𐏁𐎠	xšayāršā	خشایار شا
𐎺𐏀𐎼𐎣	vazarka	بزرگ
𐎠𐎡𐎺𐎶	aivam	یک
𐎠𐏁𐎡𐎹𐎺	ašiyava	رفت
𐎱𐎿𐎡𐎶	pasim	راه—مسیر
𐎠𐎺𐎶	avam	آن
𐎱𐎿𐎠𐎺	pasāva	پس از آن
𐎹𐎿𐎠	yasā	هنگامیکه
𐎣𐎠𐎼	kāra	سپاه
𐎧𐏁𐎱	xšap	شب
𐎥𐎢𐎲𐎫𐎠	gaubatā	گفت
𐎠𐎺𐎡𐎴	avaina	دید
𐎥𐎿𐎫𐎠	gastā	بدی
𐎠𐎺𐎼𐎭	avarda	رها کن
𐎺𐎼𐎭𐎴𐎶	vardanam	شهر
𐎻𐎡𐎹𐎧𐎴	viyaxna	نام ماه دوازدهم هخامنشی
𐏃𐎶𐎼𐎴𐎶	hamaranam	جنگ — نبرد
𐎠𐎴𐎡𐎹	aniya	دیگری
𐎠𐏀𐎭𐎠	azdā	آشکار
𐎿𐎣𐎫𐎠	sakatā	سپری شده بود
𐎠𐎫𐎼𐎿	atarsa	ترسید
𐎠𐎯𐎢𐎣𐎴𐎡𐏁	adukanaiša	نام ماه نخست هخامنشی
𐎠𐎿𐏃𐎶	asaham	گفتم
𐎶𐎴𐎡𐎹𐎠𐏃𐎡𐎹	Maniyāhaiy	بیاندیشی

خط پهلوی

ادبیات پهلوی :

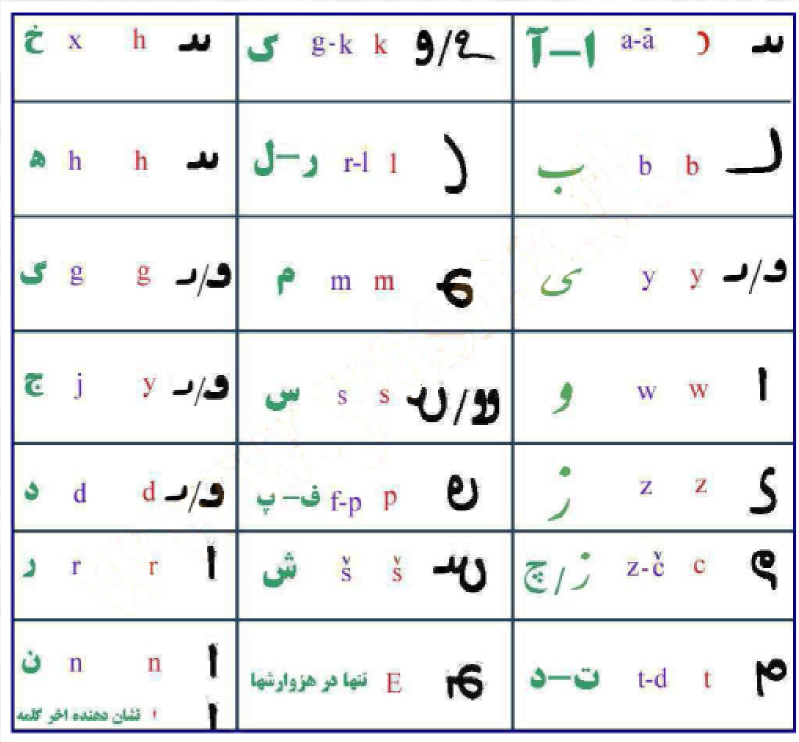
رساله ها و متن هایی که به زبان پهلوی در دست است بیشتر در سده های نخست اسلامی تدوین شده است. همه این آثار مبتنی بر روایات و سنتهای دینی و ادبی و کتبی و شفاهی زرتشتیان در دوران ساسانی است.

این آثار را میتوان از حیث موضوع به چند دسته تقسیم کرد: ۱. ترجمهٔ کتاب اوستا همراه با تفسیر به زبان پهلوی (زند و پازند). زند همهٔ اوستا که در دورهٔ ساسانی به شکل کامل وجود داشته است، امروزه در دست نیست. ۲. متون دینی فارسی میانه) رساله‌ها وکتابهایی که بر اساس اوستا و ترجمهٔ آن به زبان پهلوی (زند) در موضوعات گوناگون تألیف شده است، مانند دینکرد، بندهشن (به دو روایت هندی و ایرانی(، گزیدههای زادسپرم، آثار منوچهر شامل سه نامه و کتابی به نام دادستان دینی، نامهها، دادستان دینی، روایات پهلوی، پرسشنیها، و جرکرد دینی. ۳. متون فلسفی و کلامی، مانند شکندگمانیک ویچار یا(وزار) پسدانش کامگ، گجستگ اَبالیش. ٤. کشف و شهود و پیشگویی (متنهایی که به شرح پیشگویی بویژه حوادث پایان جهان می‌پردازد)، مانند ارداویرافنامه، زند وهمن یسن، پیشگویی‌های جاماسب، جاماسب نامه، یادگار جاماسبی، ظهور شاه بهرام ورجاوند. ۵. افسون و تعویذ، مانند نوشته‌هایی که در کتابهای پهلوی آمده و دربارهٔ تفأل، تعبیر خواب و افسون و طلسم است. ٦. اخلاقیات (اندرز و حِکَم) که مهمترین آنها عبارتاند از: اندرز آذرباد مهر اسپندان، اندرزهایی که در کتاب ششم دینکرد آمده ، اندرز اوشنردانا، اندرزدانایان به مزدیسنان، اندرز خسروقبادان، اندرز پوریوتکشان، اندرز دستوران به بهدینان، اندرز بهزاد فرخ پیروز، خیم و خرد فرخ مرد، پنج خیم روحانیان؛ داروی خرسندی؛ خویشکاری ریدگان؛ رسالهٔ روزها؛ اندرز خوبی کنم به شما کودکان؛ اندرزنامههای کوچک؛ آرای دین به مزدیسنان و دادستان مینوی خرد. ۷. رساله‌هایی در آیین کشورداری؛ اصل پهلوی آنهابر جای نمانده و فقط ترجمهٔ عربی که فرمانهای شاهان و وصیتنامههای سیاسی را « عهود و وصایا » : و گاه فارسی آنها در دست است، این نوشتهها را میتوان به چند دسته تقسیم کرد دربرمی‌گیرد و وصایای سیاسی شاهان است به جانشینان خود و نیز شیوه‌های کشورداری مانند: عهد اردشیر؛ عهد اردشیر به پسرش شاپور؛ رسالهٔ اردشیر نامه‌هایی از شاهان ساسانی که «نامه‌های سیاسی» در آیین کشورداری عهد اردشیر و پسرش هرمز؛ عهد قباد؛ عهد انوشیروان؛ کارنامهٔ انوشیروان و شاهینی. دربارهٔ سیاست و دستورالعملهای کشورداری است، مانند نامهٔ اردشیر، نامهٔ تنسر، نامه‌های انوشیروان، نامهٔ منسوب به خسرو پرویز در

پاسخ شیرویه. ۸
گفته‌های کوتاه ؛« توقیعات » . خطبه‌های هنگام جلوس بر تخت، شامل گفته‌های شاهان ساسانی که هنگام جلوس بر تخت سلطنت ایراد میکردند. ۹ حکمتآمیز که از قول شاهان نقل شده است، مانند توقیع نرسی، توقیع بهرام گور، توقیع هرمزد پسر انوشیروان، توقیع خسرو پرویز، توقیع قباد پسر خسرو پرویز و توقیعات انوشیروان. ۱۰ . آیین‌نامه‌ها؛ رسالههایی به زبان پهلوی دربارهٔ آداب جنگ، سرگرمیها و رسوم درباری، آیین برگزاری جشنها. ۱۱ . تاجنامه (دربارهٔ آیین کشورداری و رسوم درباری) ۱۲ . چیستان (از ادبیات اندرزی به شمار میرود) مانند رسالهٔ یوشت فریان و اَخت. ۱۳ . مناظره و مفاخره، مانند منظومهٔ مفاخره آمیز در اثری به نام درخت آسوری ۱۴ . تاریخ وجغرافیا تنها اثر تاریخی کارنامهٔ اردشیر بابکان است و همچنین یک اثر جغرافیایی به نام شهرستانهای ایران در دست است. ۱۵ .حماسه؛ تنها متن موجود دراینباره یادگار زریران نام دارد (این اثر دربارهٔ نبردهای ایرانیان با خیونان پس از گرویدن گشتاسب، شاه ایران، به آیین زردشتی است)؛ خداینامه (اثر تاریخی بزرگِ دورهٔ ساسانی است که به نظر برخی محققان به صورت غیرمستقیم در شاهنامه . مانده است)؛ داستان شَروین دشتبی، کتاب بهرام نرسی، کتاب بهرام چوبین، و کتاب انوشیروان از کتابهای تاریخی و رمان این دوره محسوب میشوند. ۱۶ فقه و حقوق، مانند شایست نه شایست، روایت امیداشووهیشتان، روایات آذر فرنبغ فرخزادان، روایات فرنبغ سروش، مادیان هزار دادستان (مجموعهٔ هزار فتوی)، پرسشهای هیربد اسفندیار فرخ برزین، پیمان‌نامهٔ زناشویی. ۱۷ . رساله‌های کوتاه دربارهٔ تعلیم، مانند خسرو وریدک، شگفتیها و برجستگی‌های سیستان، گزارش شطرنج و وضع نرد، ماه فروردین روزخرداد، سورس خن، آیین نامه‌نویسی. ۱۸ . داستانهای منثور؛ در زمان انوشیروان بسیاری از افسانه‌ها به کتابت درآمد یا به زبان پهلوی ترجمه شد که برخی از مهمترین آنها که در کتابهای اسلامی نام برده شده‌اند عبارتاند از هزار افسان، سندبادنامه، بلوهر
و بوذاسف، کلیله و دمنه؛ طوطینامه و اسکندرنامه از کتابهایی به شمار میروند که اصل پهلوی آنها موجود بوده و اکنون نسخه‌ای فارسی آنها در دست است. ۱۹ . شعر؛ اشعار نسبتاً کمی به زبان پهلوی در دست است. سه منظومهٔ کوتاه اندرزی به نامه‌ای اندرز دانایان (در رسالهٔ اندرز دانایان به مزدیسنان)،آمدن شاه » مدح خرد (در رسالهٔ خیم و خرد فرخ مرد)، وصف خرد (در رسالهٔ اندرز بهزاد فرخ پیروز) در دست است؛ قطعهٔ شعری با مضمون دینی به نام نیز در دست است، سرود آتشکدهٔ کرکوی) قطعهٔ دینی دیگری که به خط فارسی نوشته شده است اما به لحاظ ساختار زبانی آن را شعر « بهرام ورجاوند پهلوی

محسوب میکنند). ۲۰ . بلاغت؛ در نوشته‌های عربی به کتاب کاروند اشاره شده است. از کتابهای علمی به زبان پهلوی هم اکنون نوشته‌ای در دست نیست. اما ایرانیان بویژه از زمان شاپور اول ساسانی با علوم یونانی، هندی و بابلی آشنا بوده‌اند و در علوم گوناگون دست به ترجمه میزدهاند. اطلاعاتی از زیج شهریاران ورزیدک، تنگلوش یا تنگلوشا و کتاب اندرزگر. ۲۱ . فرهنگ؛ دو فرهنگ به » برخی کتابهایی که دربارهٔ علم نجوم بوده در دست است مانند زبان پهلوی در دست است به نامهای فرهنگ اویمایوک)واژهنامهٔ کوچک اوستایی با معادلهای پهلوی(و فرهنگ پهلوی)فرهنگ املایی که برای دبیران و کاتبان دشوار بوده است، مانند هزوارش‌ها

خط پهلوی کتابی دارای ۱۴ حرف است که از راست به چپ نوشته می شود:



نکته: حروفی که با رنگ قرمز نوشته شده است برای حرف نویسی بکار میرود و درهزوارشها با حرف بزرگ نوشته میشود و حروف آبی رنگ در آوانویسی استفاده می شود.

یکی از مشکلات یادگیری خط پهلوی استفاده از یک نشانه برای چند آوا مختلف است مثل: د – ی –گ که از یک نشانه استفاده می شود و در هنگام نوشتن متصل خواندن آن سخت تر نیز میشود که باید متنها ی زیادی برای سهولت در خواندن استفاده شود و تمرین زیادی نمایید. در جدول زیر طرز نوشتن حروف پهلوی به صورت متصل آورده شده است.

جدول نگارش حروف پهلوی به صورت متصل

برای آموزش خط پهلوی یادگیری کامل و تمرین جدول زیر ضروریست



هُزوارِش ها :

یکی از ویژگی های نگارشی زبان پهلوی و بیشتر زبانهای ایرانی میانه وجود هزوارش در آنهاست.
هزوارشها کلمات آرامی الاصلی هستند که به خط پهلوی نوشته می شدند ولی معادل پهلوی آنها به تلفظ در می آمد. مثلا حرف اضافه – از – بصورت پهلوی  نوشته می شود و MN حرف نویسی میشود که نشان دهنده تلفظ men آرامی می باشد. ودر هنگام خواندن az تلفظ می گردد.

علل وجود هزوارش در زبان پهلوی:

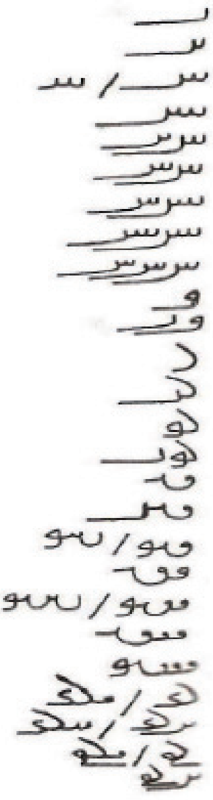
در زمان هخامنشیان مکاتبات دولتی به زبان و خط آرامی انجام می گرفت . بدین گونه که کاتبان آرامی زبان مراکز حکومتی مضمون نامه ها را که به زبان هر ناحیه به آنها شفا ها گفته می شد ،به آرامی ترجمه می کردند و می نوشتند و در مقصد نیز نامه ها را دبیران آرامی زبان همان ناحیه به زبان همان ناحیه بر می گرداندند پس از آن بتدریج از حدود قرن سوم قبل از میلاد که زبانهای ایرانی در نوشتن به کار گرفته شدند و این زبانها به خط آرامی و سپس به خطوط تحول یافته از آرامی همانند پهلوی نوشته شدند. حفظ سنت آرامی نویسی موجب شد که برخی از کلمات این زبان همچنان در نگارش بر جای بماند .اما همانگونه که روش دبیران آرامی زبان دوره هخامنشی در هنگام ترجمه نامه ها بود هرگز این کلمات به صورت اصلی خود تلفظ نمی شدند بلکه معادل ایرانی آنها در هر زبان به تلفظ در می‌آمد . بعدها که دبیران و کاتبان ایرانی تلفظ اصلی این هزوارش ها را نمی دانستند فقط شکل این کلمات را به خاطر می سپردند.و به صورت پهلوی تلفظ می کردند.

اکنون به برخی از هزوارش‌های پهلوی نگاه کنید

هزوارش	حرف نویسی	آوانویسی	معنی
[illegible]	BYN	andar	در-اندر
[illegible]	OL	ō	به
[illegible]	QDM	abar	بر
[illegible]	MN	az	از
[illegible]	MNW	kē	که
[illegible]	AMT	ka	اگر-چون-وقتی که
[illegible]	AYK	kū	که-کجا
[illegible]	W	ud	و
[illegible]	PWN	pad	به
[illegible]	AYŠ	kas	کس
[illegible]	KRA	har	هر
[illegible]	ZNE	ēn	این
[illegible]	YDE	dast	دست
[illegible]	ZK	ān	آن
[illegible]	LA	nē	نه
[illegible]	L	man	من
[illegible]	lk	t ō	تو
[illegible]	OLE	awē	او
[illegible]	LNE	amā	ما
[illegible]	LKWM	šmā	شما
[illegible]	OLE-šān	awē-šān	آنها

اعداد در زبان پهلوی

برای نگارش اعداد، نشانه‌های زیر به‌کار می‌رود :



ēk	1
dō	2
sē	3
čahār	4
panǰ	5
šaš	6
haft	7
hašt	8
nō(h)	9
dah	10
yāzdah	11
wīst	20
wīst ud ēk	21
sīh	30
sīh ud ēk	31
čehel	40
čehel ud ēk	41
panǰāh	50
šast	60
haftād	70
haštād	80
nawad	90
ē sad / sad	1 × 100 و 100
dō sad	(2 × 100) 200
ē hazār/hazār	1 × 1000 و 1000
dō hazār	2000

به عبارت زیر توجه کنید.



PWN ŠM Y yz̲d'n

pad nām ī yazdān

بنام یزدان

همانطور که مشاهده می کنید سطر اول حرف نویسی متن است که باتوجه به اینکه ۳ کلمه نخست هزوارش می باشد با حروف بزرگ نوشته شده است و در آوانویسی بصورت پهاوی ترجمه شده است.علامت خط تیر ه زیر کلمه z بدین سبب استکه در پهلوی گاهی اوقات بجای استفاده از حرف ز از حرف ی استفاده میشود این موضوع در برخی حروف دیگر مثل ی بجای ب نیز دیده می شود.

نکته: نوع حرف نویسی و آوا نویسی در این کتاب بر گرفته از روش مکنزی می باشد.

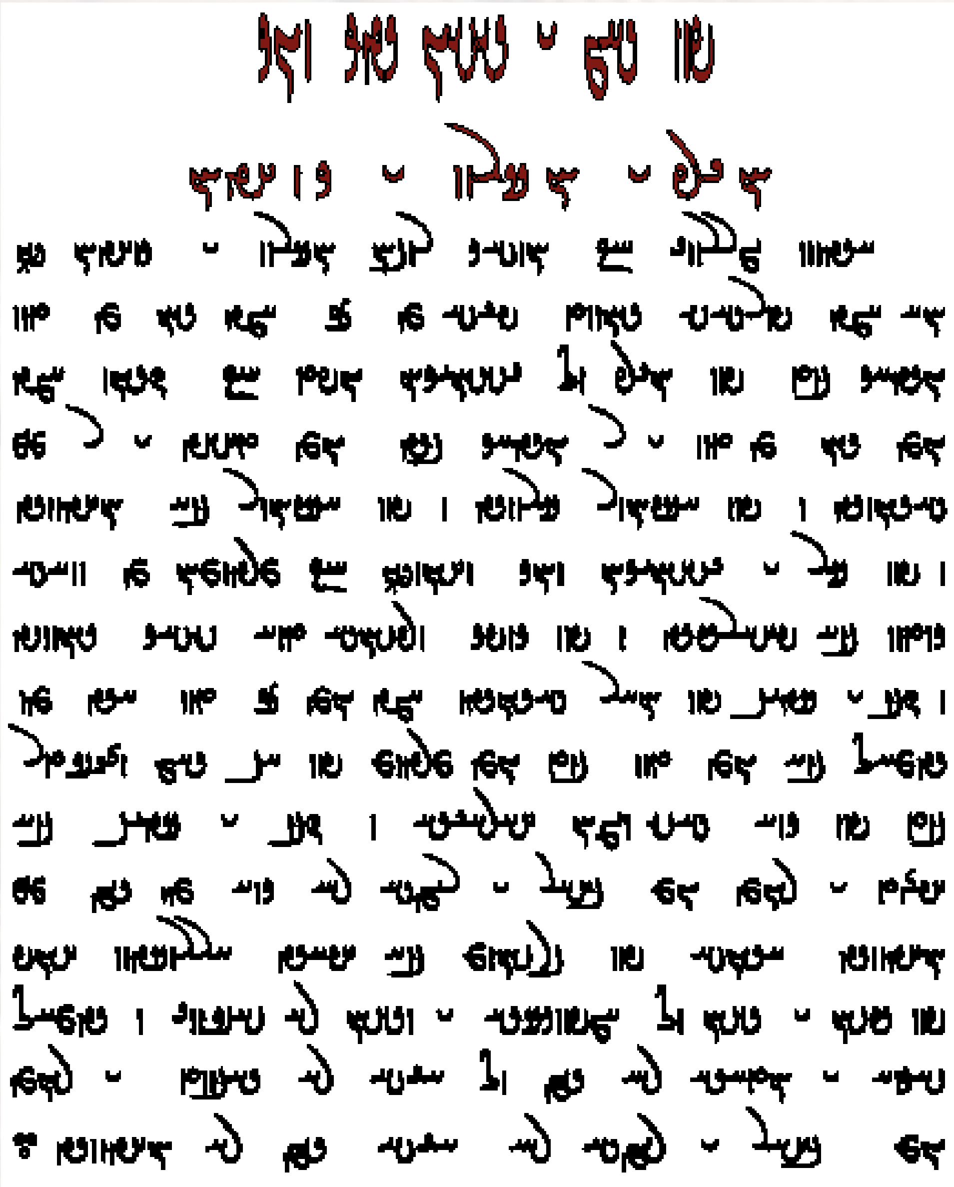
املای تاریخی:

اگر به حرف نویسی و آوا نویسی کلمات پهلوی توجه کنید متوجه می شوید در برخی مواقع حرف نوشته شده در پهلوی به صورت دیگرآوا نویسی می شود مثل (wināh) به معنی گناه که املای آن در پهلوی بصورت wnas می باشد.این امر بعلت وجود املای تاریخی است یعنی این کلمه در گذشته وناس بوده که تلفظ آن بهویناه تبدیل شده است ولی نوع نوشتن مانند گذشته است در فارسی نیز این چنین مواردی وجود دارد مانند کلمه خواهر که xwāhar نوشته می شود ولی xāhar خوانده می شود .

حرف نویسی و آوا نویسی چند واژه پهلوی

حرف نویسی	آوا نویسی	فارسی	حرف نویسی	آوا نویسی	فارسی
AHL	pas	پس	dtykl	dudigar	دوم
'hlwb'	ahlaw	پارسا	stykl	sidigar	سوم
'hlmn'	ahreman	اهریمن	kt'm	kadām	کدام
'whrmzd	ohrmazd'	اورمزد	mhyst'	mahist	بزرگ
bwltn'	burdan	بردن	mynšn'	menišn	اندیشه
YMLLWN-tn	guftan	گفتن	pwrsyt	pursid	پرسید
YHMTWN-tn	rasidan	رسیدن	pshw'	passox	پاسخ
OBYDWN-yt	kuned	کند	Čygwn	Čiyon	چگونه
wn's	winah	گناه	ŠPYL	weh	نیک
zyd'n'	zy ān	زبان	YHWN'-tn	budan	بودن
dyn'	den	دین	hwt'y	xwadāy	خدا

اکنون برای تمرین پند نخست متن پهلوی اندرز خسرو انوشیروان که آنرا حروف نویسی، آوانویسی و معنی نموده‌ام را در اختیار شما قرار می‌دهم.



حرف نویسی:

PWN ŠM Y yazdan ytk nywk

[an d l c' Y hwslw' Y kwatan']

1. zytwn' YMLLWN d AYK anwšk lwban hwslw' Y kwatan' BYN
2. HNA AMT pwlgas YHWN'd pyš MN ZK AMT yan MN tn'
3. ywdtak bwt PWN a n d l c OL gyhanykan gwpt AYK cygwn AMT
4. ZNE yan MN tn' Y L ywdtak byd ZNE takt Y L QDM
5. YAHSNNyt W PWN aspanwl YBLWNyt W PWN aspanwl BRA HNHTWN'yd
6. W PWN sl Y gyhanykan wang OBYDWN-x AYK mltwman MN wnas
7. krtn' BRA pahlycyd W PWN krpk wlcšnyh twhšak YHWN'yt
8. W CBW Y gytyk PWN kwal YAHSNNyt' AMT ZNE ZK tn' AYT MNW
9. Yt-MHL BRA ZNE tn' bwt ZNE mltwm PWN 3 gam nzdyktl
10. bwt PWN KRA gas W zman ahlay yh W CBW Y gytyk BRA
11. apzwt Y LZNE YWM bahl Y lymn yh lad KRA MNW YDE QMD
12. HNHTWN'yt ADYN-š PWN blhwn BRA apayt HLLWN'stn' aywp
13. PWN ycšn Y yazdan OL hmpwrsgyh Y wyhan LA ŠBKWN'd yt-MHL
14. škwh Y hwtayh lad YDE OL AYš LA YHBWNd Y LZNE
15. YWM bahl Y lymn yh lad AYš YDE QDM LA HNHTWN'YT.

آوانویسی:

Pad nām ī yazdān jadag ī nēk

[handarz ī husraw ī kawādān]

1-ēdōn gōwēnd kū anōšag ruwān husraw ī kawādān andar
2-ēd ka purrgāh būd pēš az ān ka gyān az tan
3-judāg būd pad handarz ō gēhānīgān guft kū čiyōn ka
4-ēn gyān az tan ī man judāg bid ēn taxt ī man abar
5-dārēd ud pad aspānūr barēd ud pad aspānūr be nihēd
6-ud pad sar ī gēhānīgān wāng kunēd kū mardōmān az wināh
7-kardan be pahrēzēd ud pad kirbag warzišnīh tuxšāg bawēd
8-ud xīr gētīg pad xwār dārēd kū ēn ān tan ast kē
9-yad fradāg be ēn tan būd ēn mardōm pad sē gām nazdīktar
10-būd pad har gāh ud zamān ahlāyīh ud xīr ī gētīg be
11-abzūd ī im rōz bahr ī rēmanīh rāy har kē dast abar
12-nihēd ōg-iš pad barēšnūm be abāyēd šustan ayāb
13-pad yazišn ī yazdān ō ham pursagīh ī wehān nē hilēnd ud yad fradāg
14-škōh ī xwadāyīh rāy dast ō kas nē dād ī im
15-rōz bahr ī rēmanīh rāy kas dast abar nē nihēd

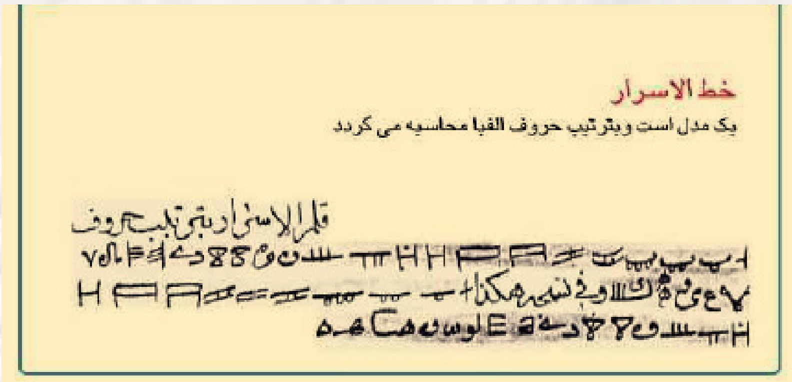
ترجمه فارسی:

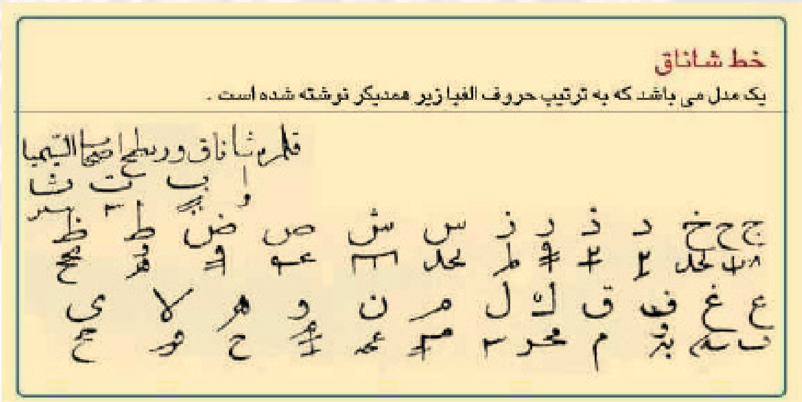
به نام یزدان نیک بخت

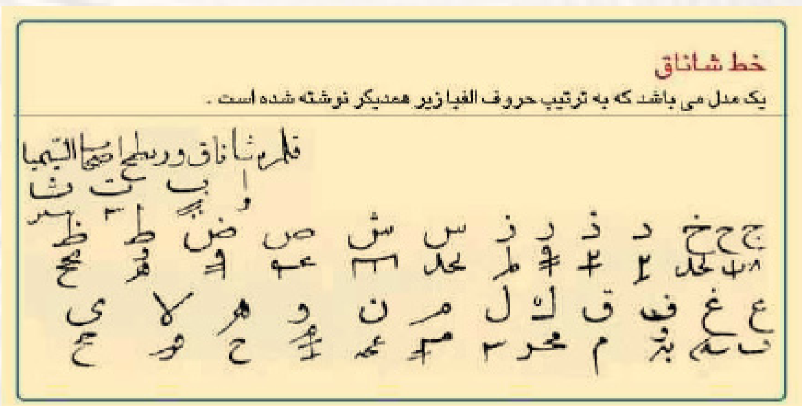
اندرز خسرو قبادان

چنین گویند که انوشه روان خسرو قبادان(خسرو پسر قباد) هنگامی که در حال مرگ بود پیش از آنکه جان از تن جدا شود به اندرز به گیهانیان (مردمان گیتی) گفت که زمانی که این جان از تن من جدا شود این تخت مرا بردارید و به آرامگاه ببرید و به آرامگاه بگذارید و در حضور گیهانیان (مردمان گیتی) بانگ زنیدکه ای مردم از گناه کردن بپرهیزید و به کار ثواب کوشا باشید و امور دنیوی را خوار دارید که این آن تن است که تا دیروز به مردم از سه گام نزدیکتر بود و همه گاه و همه زمان پارسا و به امور دنیوی بیافزود واکنون بخاطر نجاست هر کس دست (برآن) بزند آنگاه اورا به برشنوم باید شستن(باید در مراسم تطهیرمخصوص زرتشتیان پاکیزه شود) و به نیایش یزدان ومعاشرت با نیکان نگذارند و تا دیروز به سبب شکوه فرمانروایی دست به کسی نداد که امروز به سبب نجاست کسی دست بر او نمی گذارد.

کلید الفبای باستانی

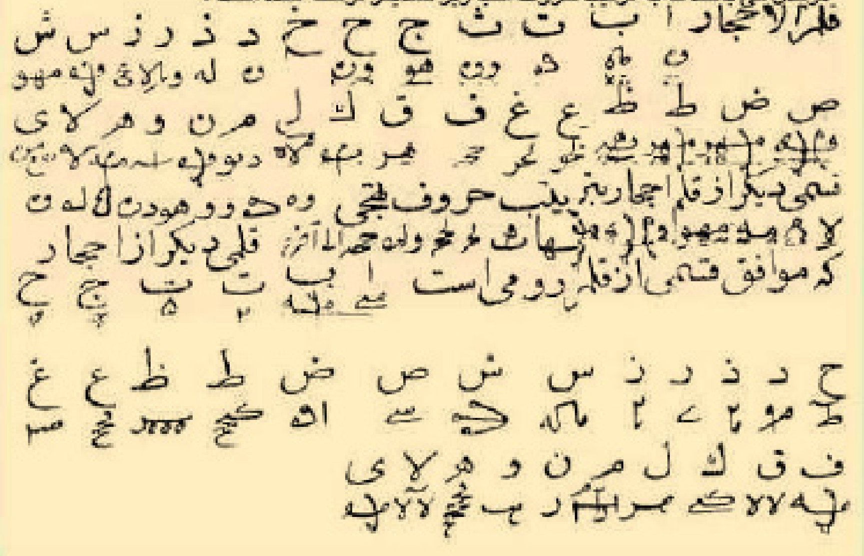





خط شاناق
یک مدل می باشد که به ترتیب حروف الفبا زیر همدیگر نوشته شده است .

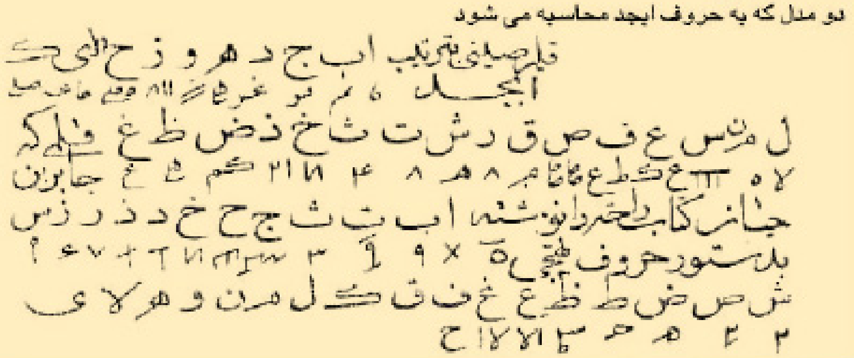
خط الاحجار

دومدل می باشد که به ترتیب حروف الفبا زیر همدیگر نوشته شده است .



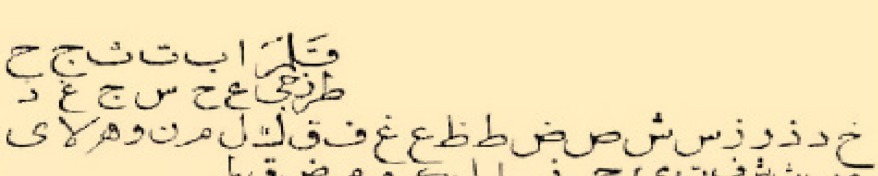
خط صینی

دو مدل که به حروف ابجد محاسبه می شود



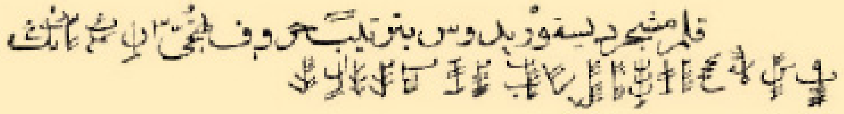
خط طرزجی

یک مدل است که به ترتیب حروف الفبا محاسبه می شود



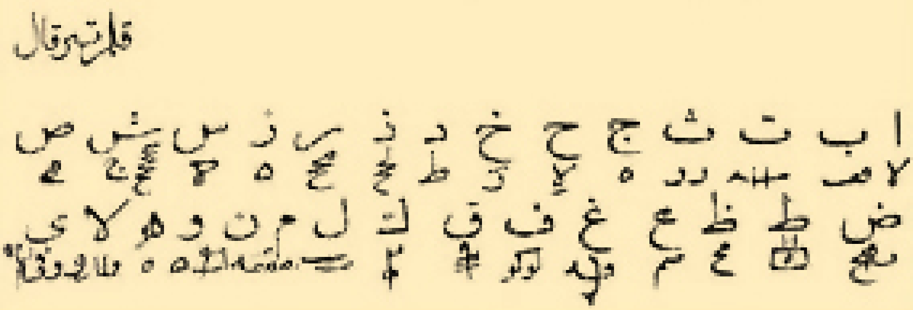
خط مشجر دیسقوریدوس

یک مدل است وبترتیب حروف تهجی محاسبه می گردد



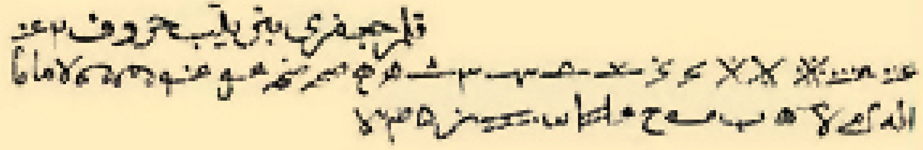
خط ترتال

یک مدل است که به ترتیب حروف الفبا محاسبه می شود



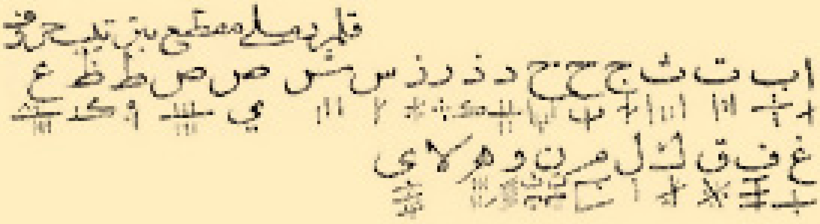
خط جعفری

یک مدل است وبترتیب حروف الفبا محاسبه می گردد



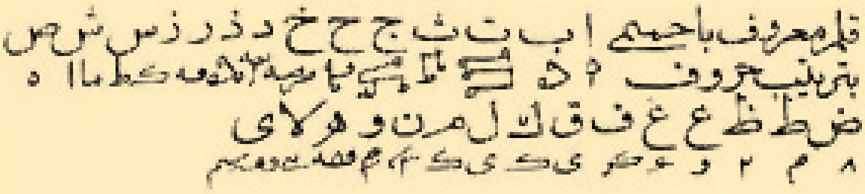
خط رملی مقطع

یک مدل است وبترتیب حروف الفبا محاسبه می گردد



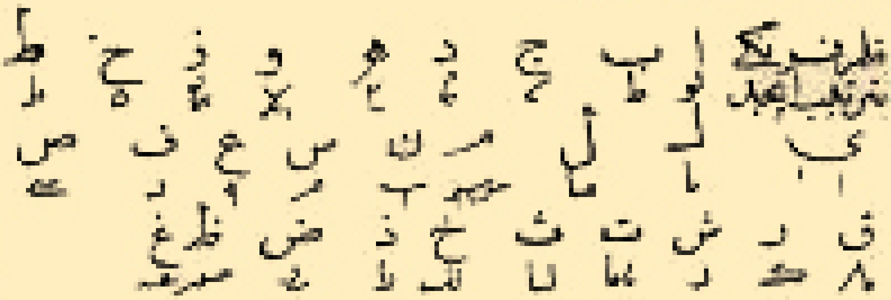
خط باجمی

یک مدل که به ترتیب حروف الفبا محاسبه می شود



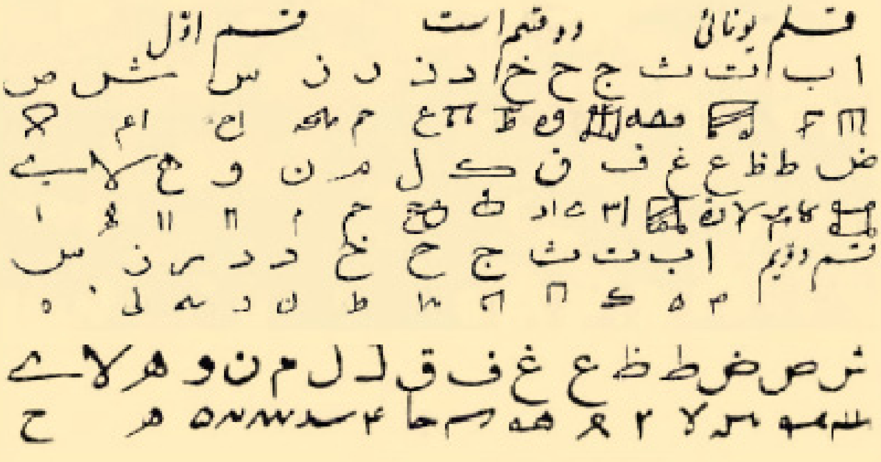
خط فرنگی

که بترتیب ابجد محاسبه می گردد



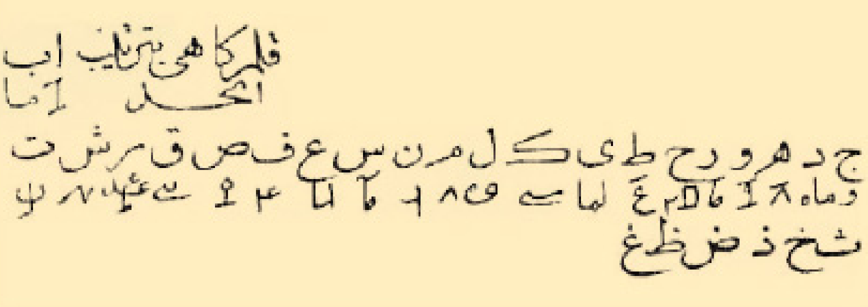
خط یونانی

دو مدل است وبترتیب حروف الفبا محاسبه می گردد



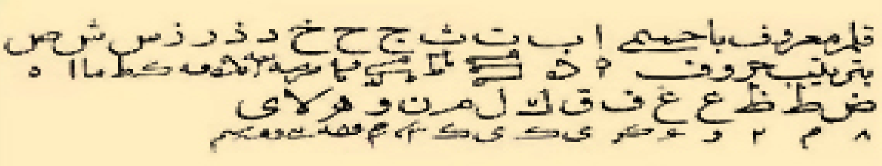
خط کاهی

یک مدل که به حروف ابجد محاسبه می شود



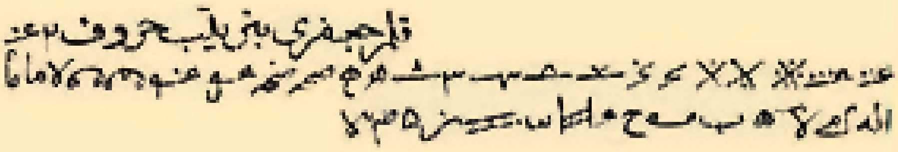
خط باحممی

یک مدل که به ترتیب حروف الفبا محاسبه می شود



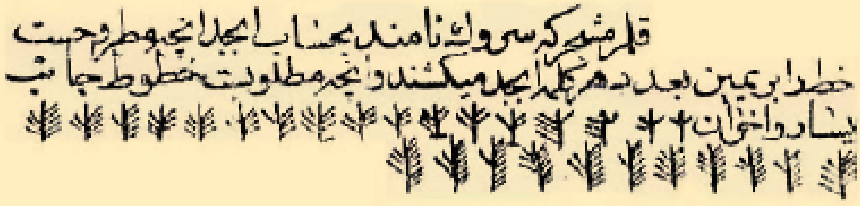
خط جعفری

یک مدل است و بترتیب حروف الفبا محاسبه می گردد



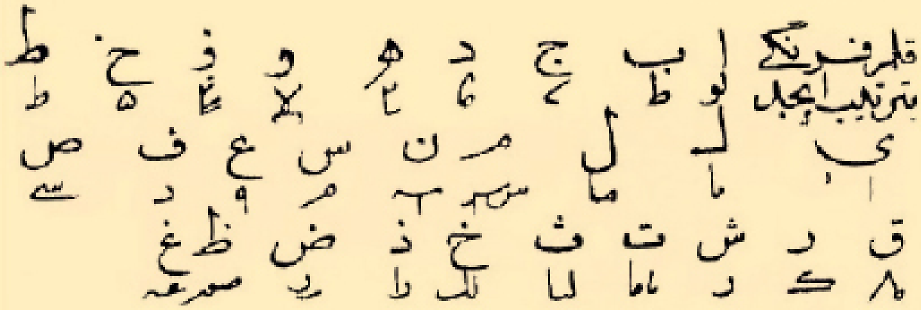
خط مشجر (سروک)

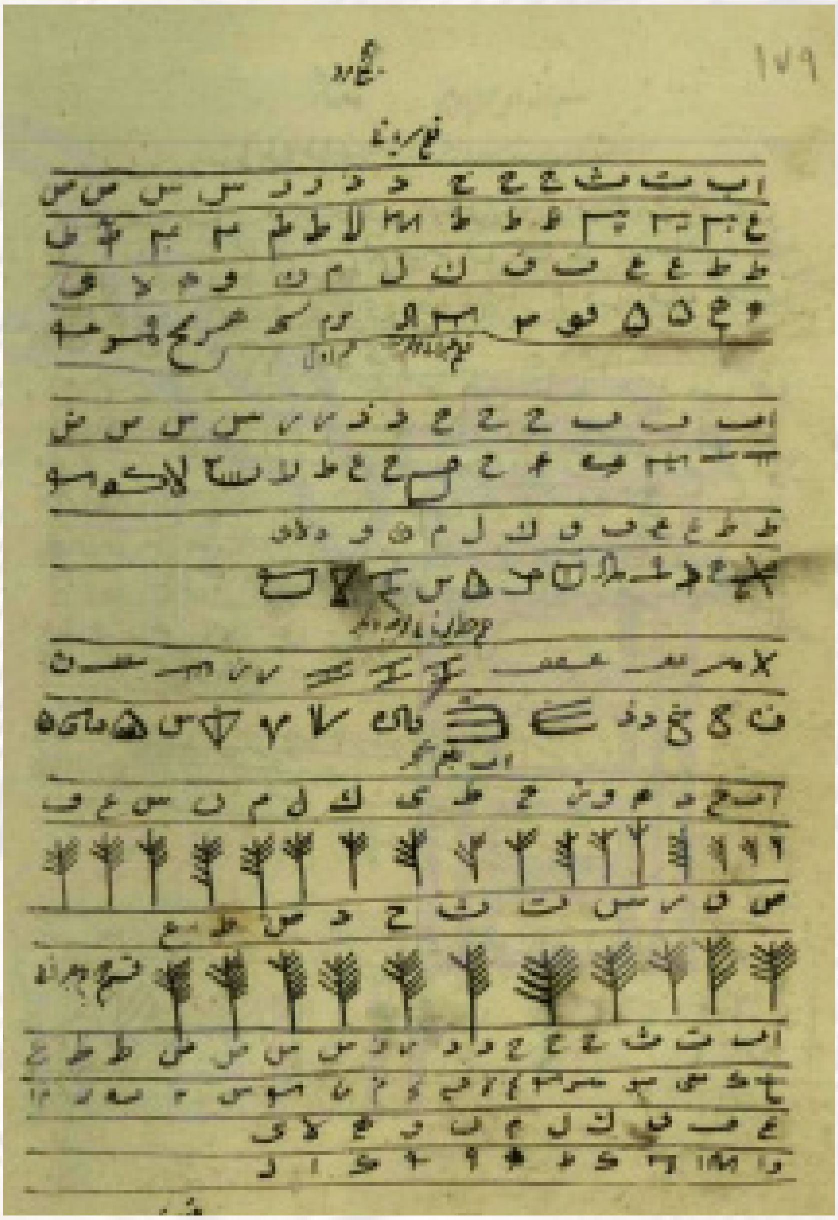
یک مدل است و بترتیب حروف ابجد محاسبه می گردد.

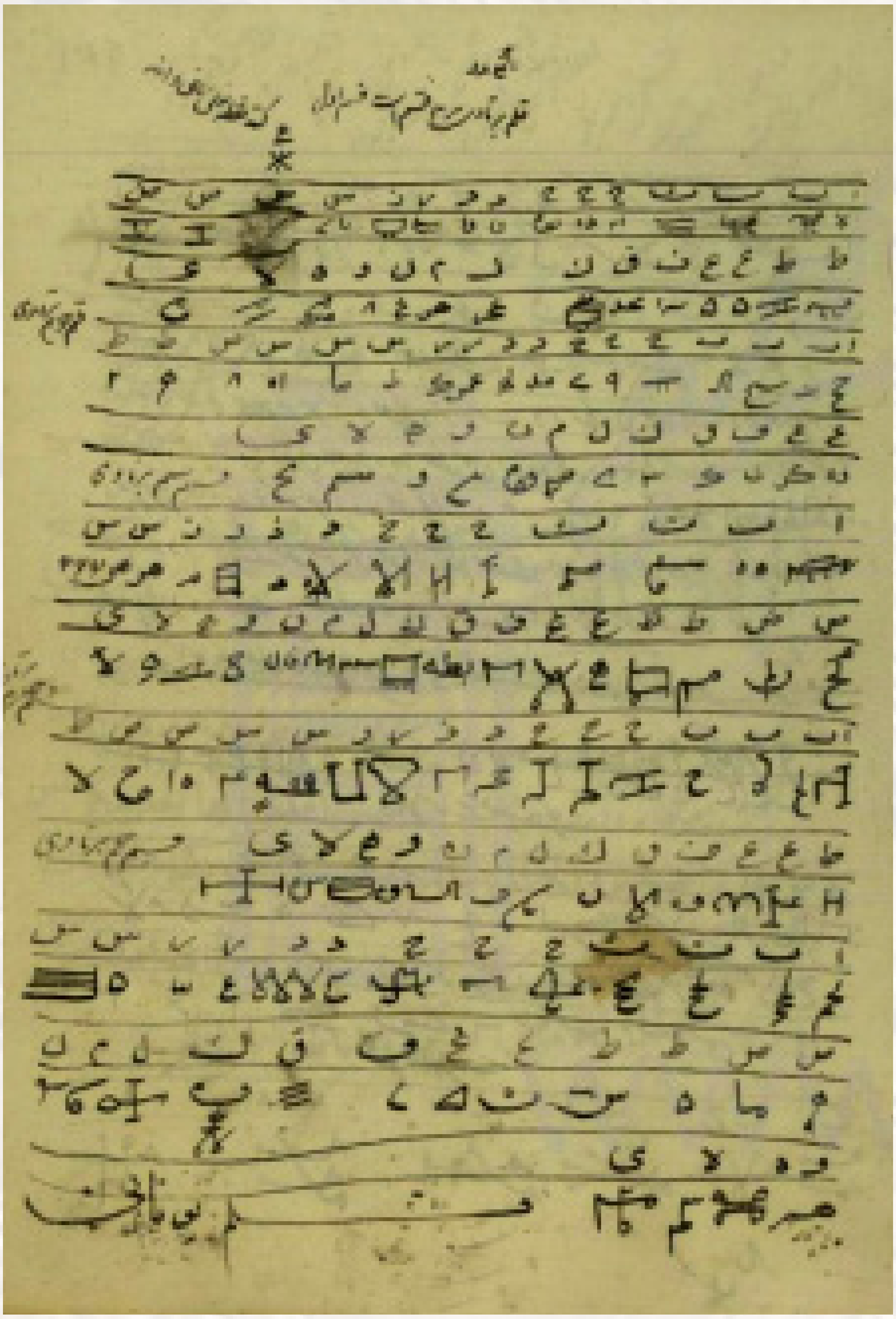


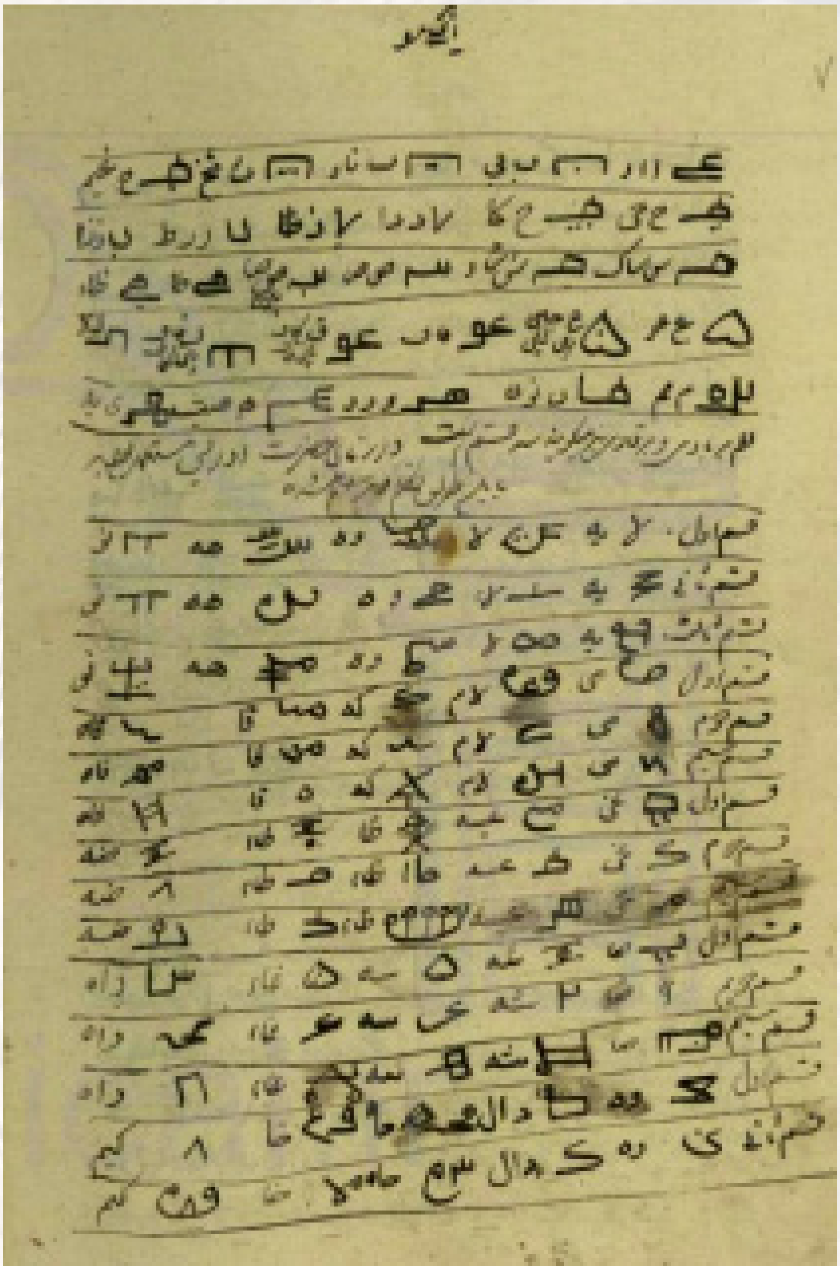
خط فرنگی

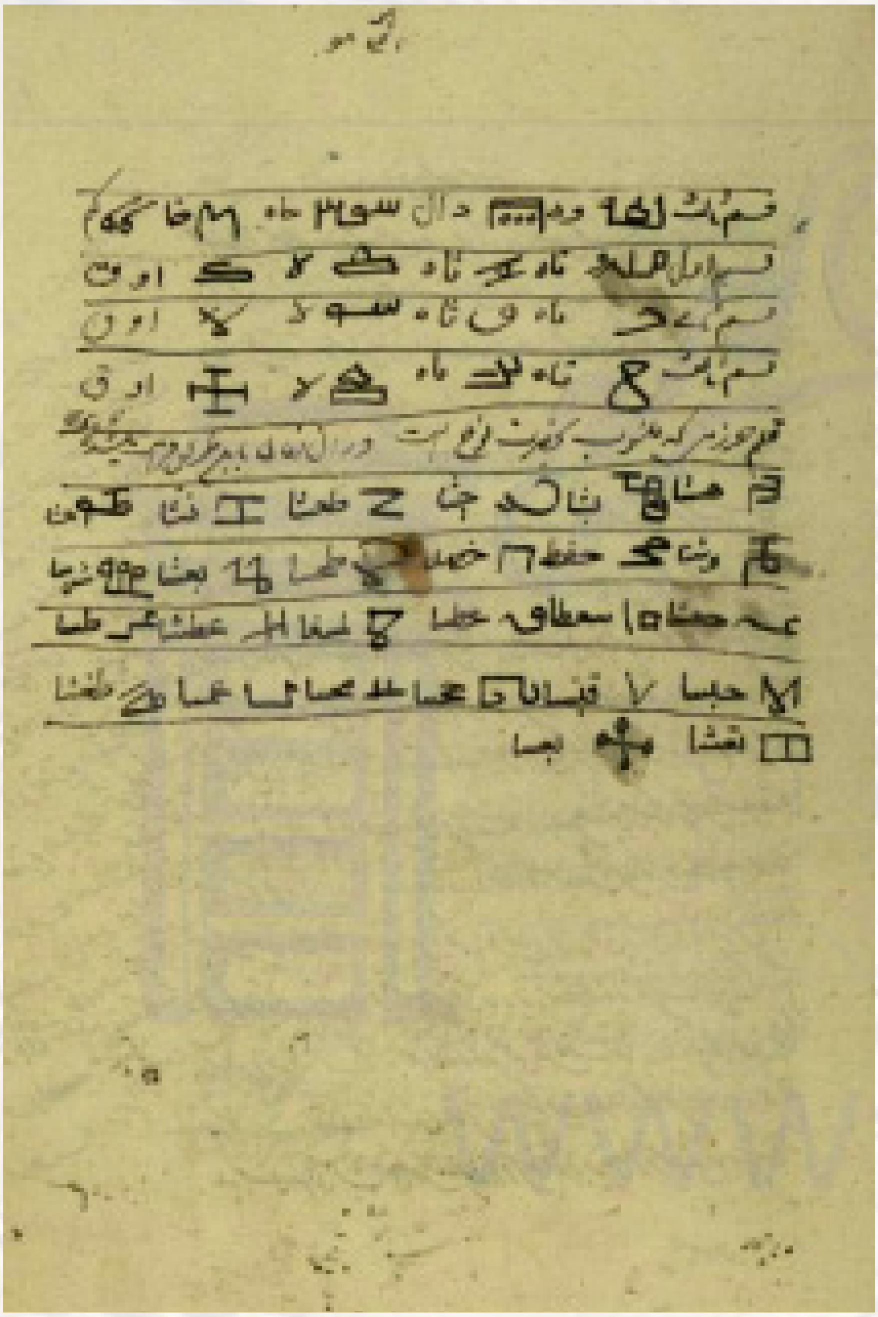
که بترتیب ابجد محاسبه می گردد.

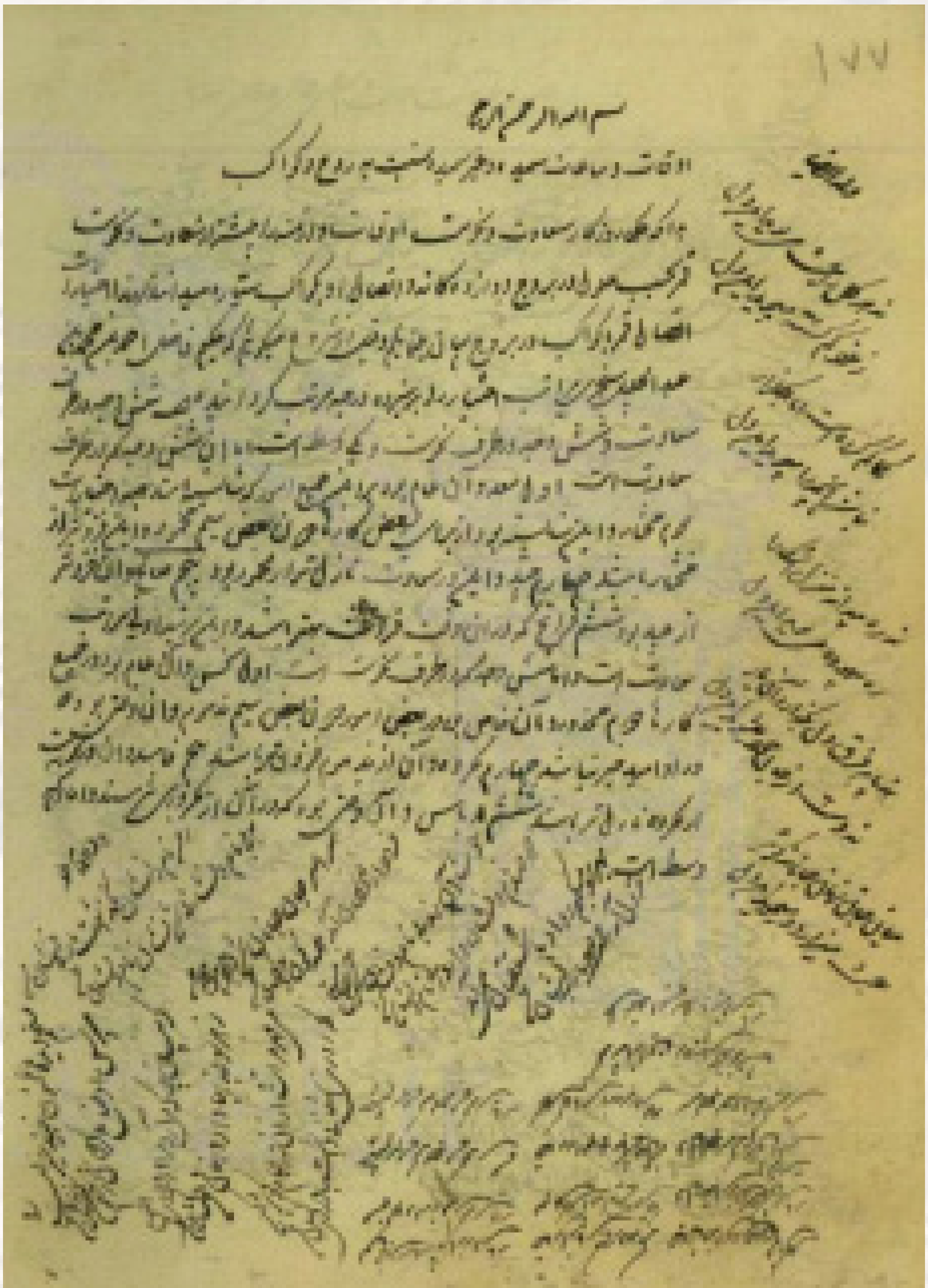






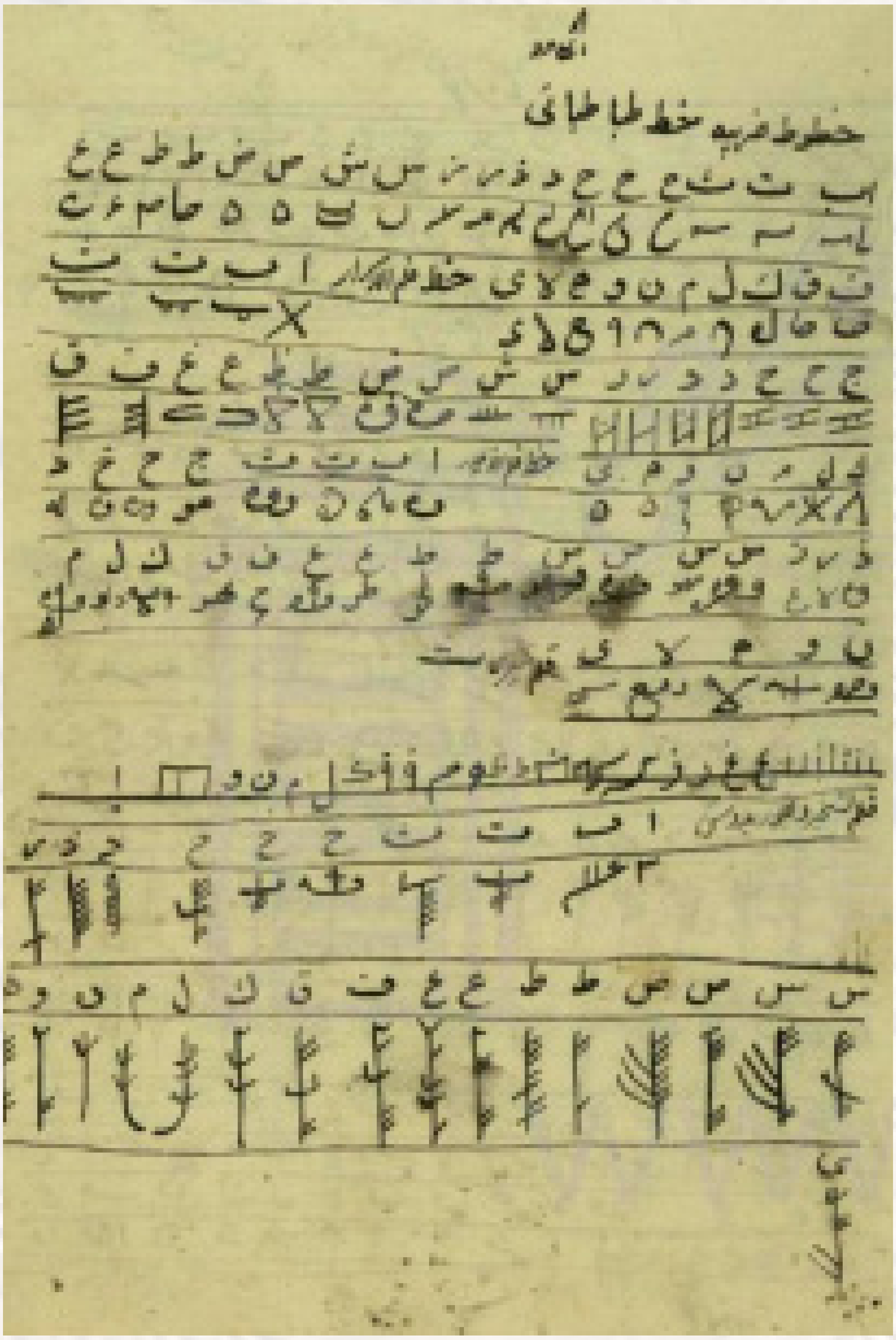


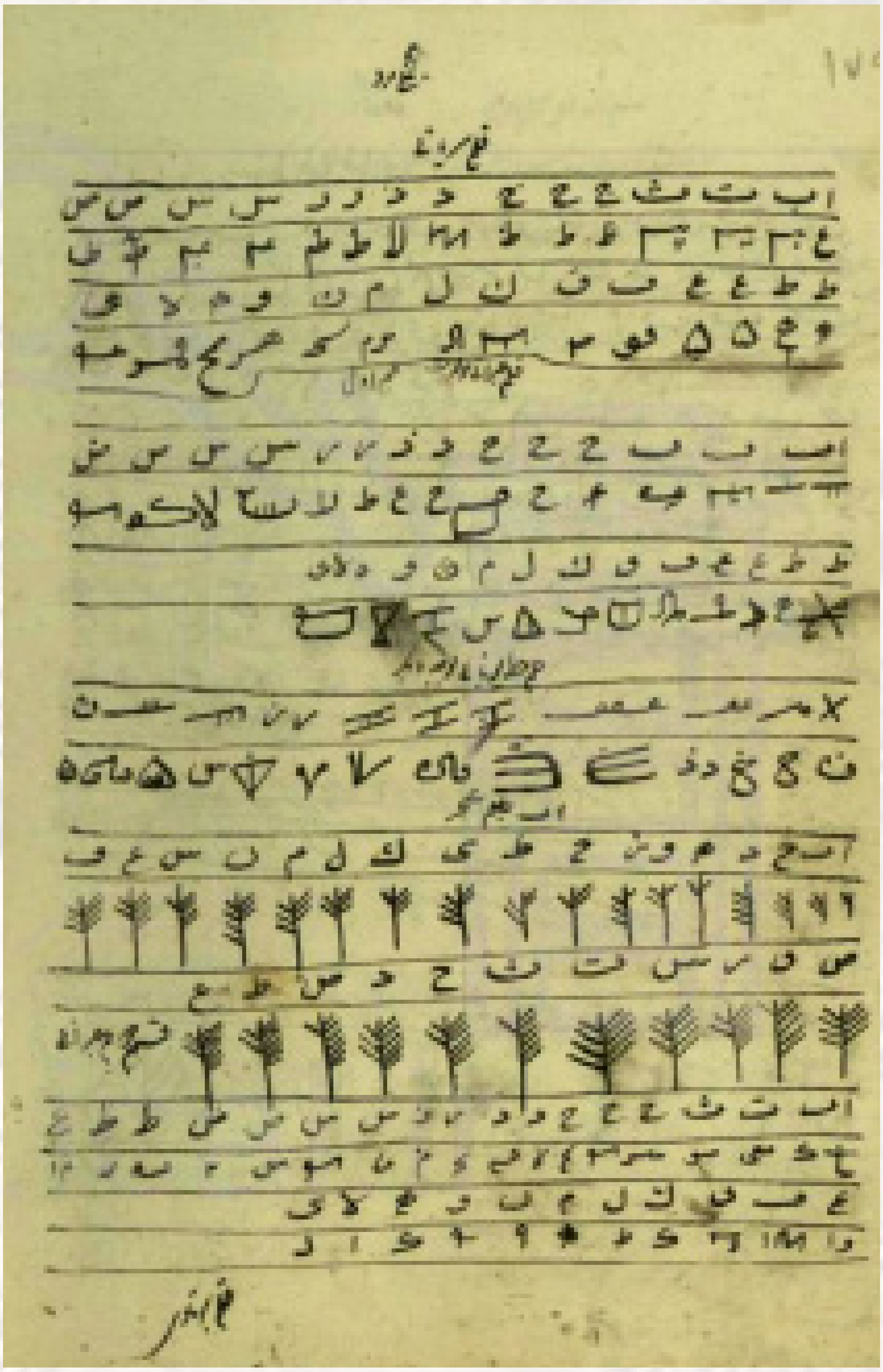


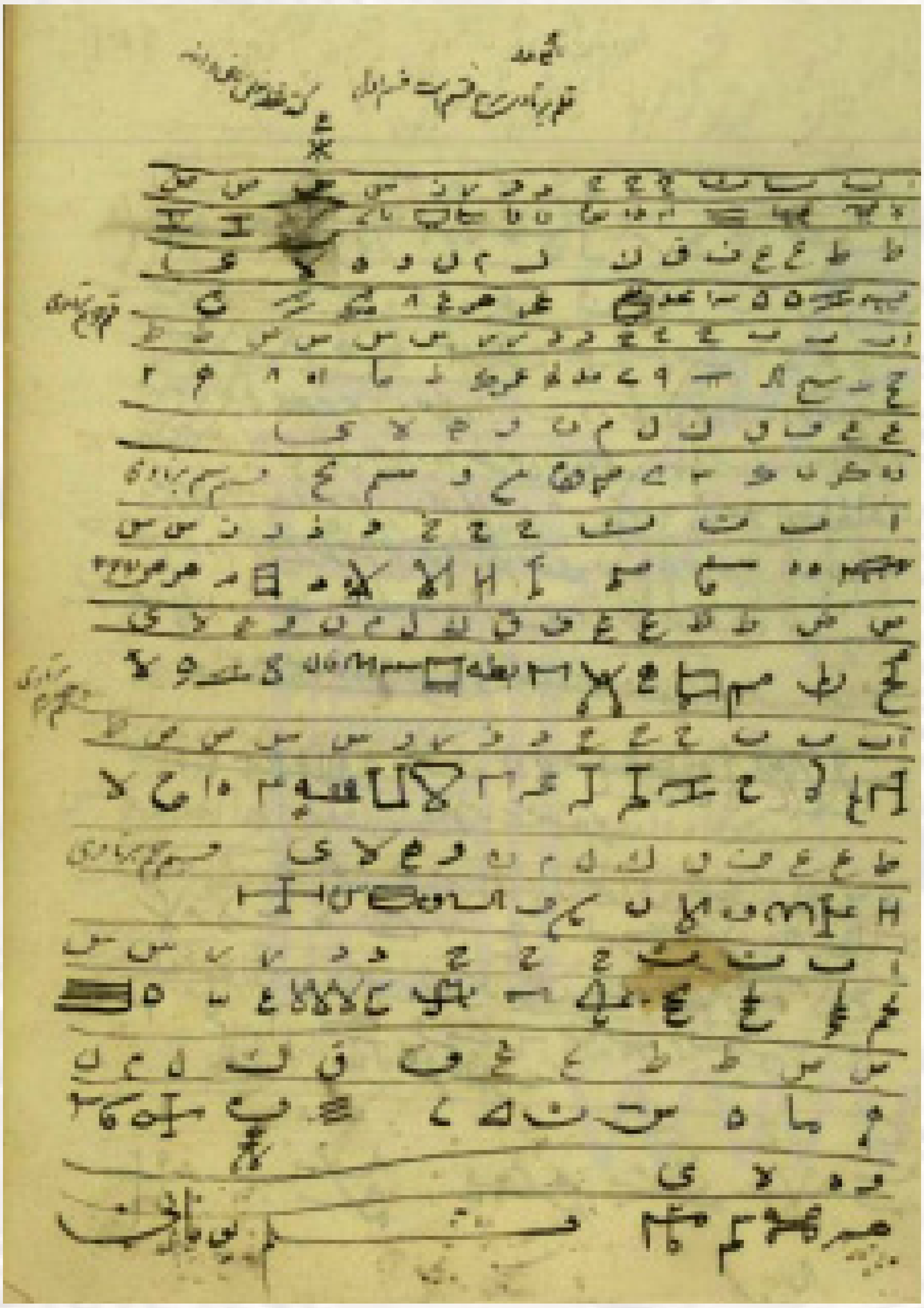


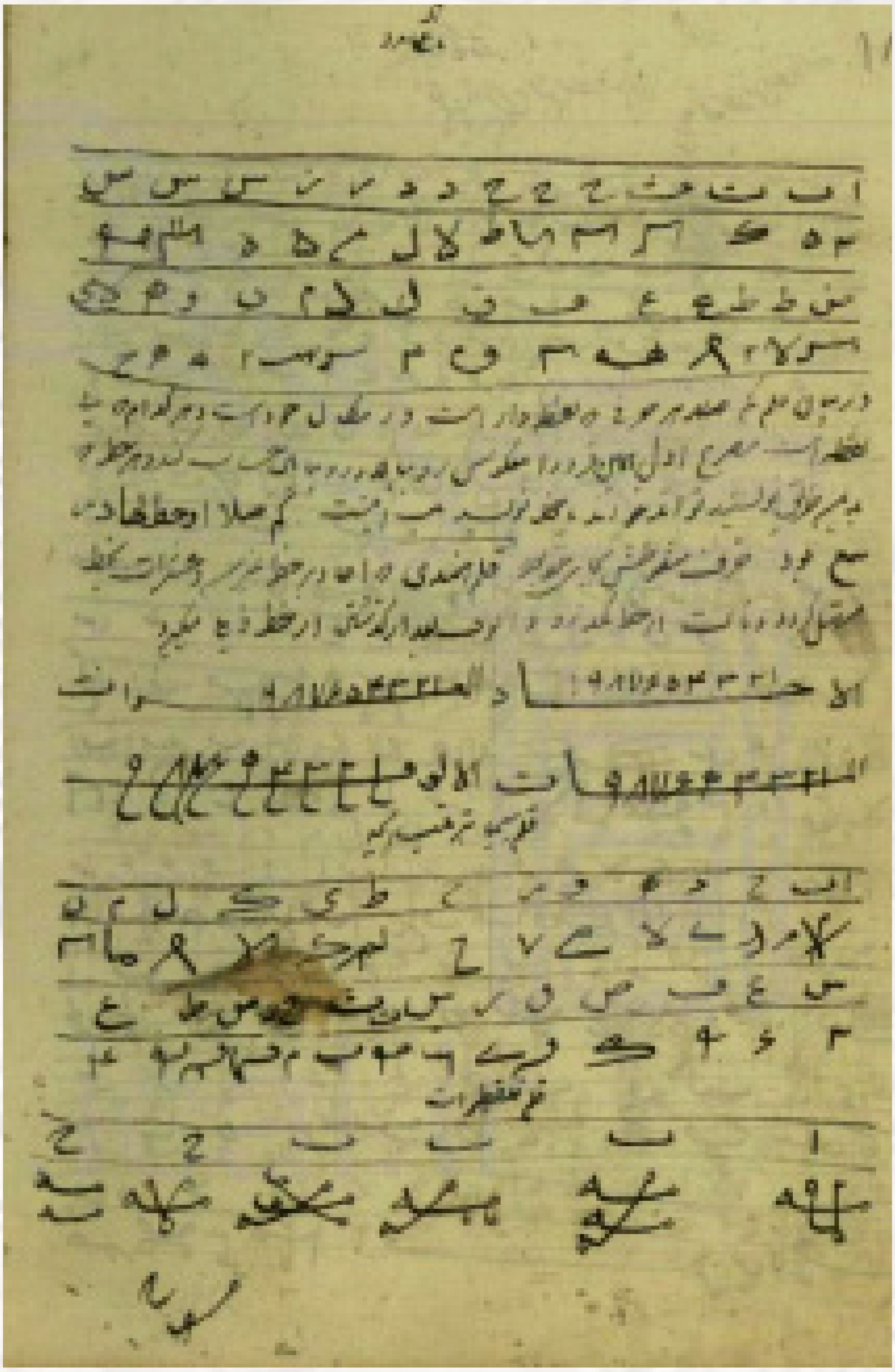
۱۷۷

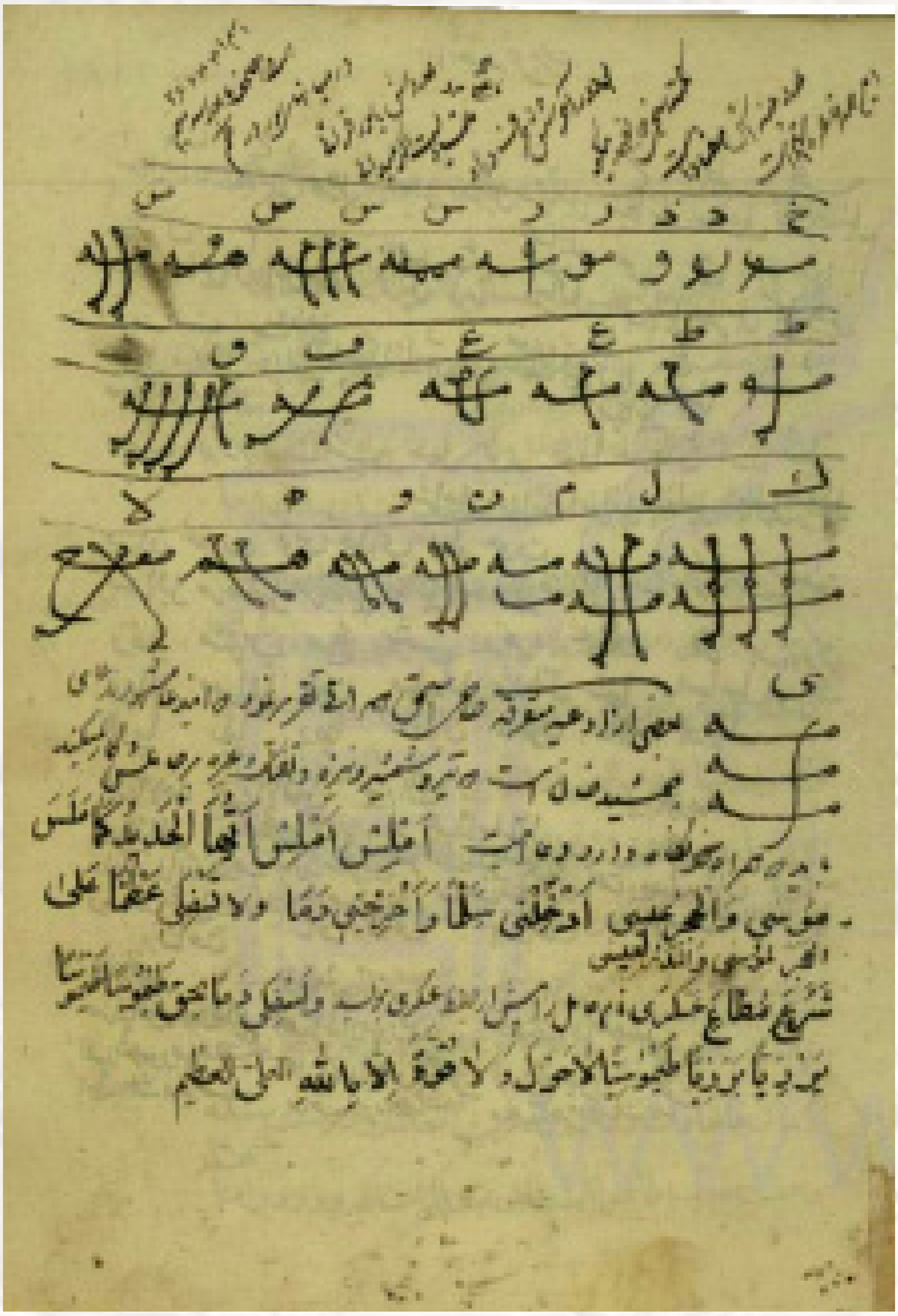
بسم الله الرحمن الرحیم











سکه‌های ایران زمین

لیدیه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱	۴۳	نقره	لیدی ـ کرزوس	۵۵۰ ق.م	۱/۷	۱/۶	۵
۲	۳ عدد				۱/۸	۱/۷	۵
۳					۱/۷	۱/۶	۵

روی سکه: تصویر نیم تنه شیر و گاو روبروی هم

پشت سکه: فرورفتگی هایی به صورت دو مربع در کنار هم



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۴	۲۱۱۹	الکتروم	لیدی ـ کرزوس	۵۵۰ ق.م	۴/۶۰	۱/۴	۴/۵

روی سکه: نیم تنه شیری غران به سمت راست

پشت سکه: فرورفتگی هایی به صورت دو مربع در کنار هم



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۵	۲۱۲۱	طلا	لیدی ـ کرزوس	۵۵۰ ق.م	۸	۱/۶	۴/۵

روی سکه: تصویر نیم تنه شیر و گاو روبروی هم

پشت سکه: فرورفتگی هایی به صورت دو مربع کنار هم



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۶	۲۱۲۴	طلا	لیدی ـ کرزوس	۵۵۰ق.م	۲/۷۰	۱/۱	۳

روی سکه: تصویر نیم تنه شیر و گاو روبروی هم

پشت سکه: فرورفتگی هایی به صورت دو مربع کنار هم

امپراطوری هخامنشی



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۷	۳۶۳	نقره	هخامنشی ـ داریوش اول	۵۲۱-۴۸۵ ق.م	۱۰/۳۰	۱/۵۰	۳/۱

روی سکه: تصویر تمام قد داریوش اول با نیزه‌ای به دست راست و کمانی دردست چپ که زانو زده

پشت سکه: چهارگوش، فرورفتگی ناهموار دارد



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۸	۲۱۳۵	طلا	هخامنشی-داریوش اول	۵۲۱_۴۸۵ق.م	۸/۳۰	۱/۵	۴

روی سکه: تصویر داریوش اول به صورت کماندار پارسی با تاجی پنج دندانه بر سر که زانو زده

پشت سکه: چهارگوش، فرورفتگی ناهموار دارد



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۹	۴۶۴	نقره	هخامنشی ـ خشایار اول	۴۸۵-۴۶۵ ق.م	۱۰/۳۰	۱/۴	۴/۵

روی سکه: تصویر خشایار به سمت راست به وضع کماندار پارسی که به زمین زانو زده و کمانی در دست چپ دارد.

پشت سکه: چهارگوش، فرورفتگی ناهموار دارد



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۰	۲۱۲۲	طلا	هخامنشی ـ اردشیر اول	۴۶۵_۴۲۵ق.م	۸/۵	۱/۵۵	۳

روی سکه: تصویر اردشیر به صورت کماندار پارسی به سمت راست که کمانی در دست و تیردانی در پشت دارد.

پشت سکه: چهارگوش، فرورفتگی ناهموار دارد



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۱	۲۱۲۰	طلا	هخامنشی–اردشیردوم	۴۰۵_۳۵۹ق.م	۸/۴۰	۱/۸	۴

روی سکه: تصویر اردشیر به صورت کماندار پارسی که نیزه به دست راست و کمان به دست چپ دارد.
پشت سکه: نقش فرورفته نامتظم



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۲	۱۵۵	طلا	هخامنشی ـاردشیر سوم	۳۵۹–۳۳۷ ق.م	۱۶/۸۰	۲	۰/۵

روی سکه: تصویر شاه زانوزده به سمت راست که کمان به دست چپ و نیزه به دست راست دارد.
پشت سکه: فرورفتگی دارد.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۳	۲۱۲۶	طلا	هخامنشی–اردشیرسوم	۳۵۹_۳۳۷ق.م	۸/۲۰	۱/۴	۳/۵

روی سکه: تصویر اردشیر به صورت کماندار پارسی کمان در دست چپ و نیزه در دست راست با تاجی بر سر
پشت سکه: نقش فرورفته نامتظم



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۴	۲۱۲۳	طلا	هخامنشی–داریوش سوم	۳۳۷_۳۳۰ق.م	۱۶/۸	۱/۷	۶

روی سکه: تصویر داریوش به صورت کماندار پارسی زانو زده با کمان در دست چپ و نیزه در دست راست.
پشت سکه: نقش فرورفته نامنظم



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۵	۲۱۱۸	طلا	هخامنشی–داریوش سوم	۳۳۷_۳۳۰ق.م	۱۶/۵	۱/۶۵	۷

روی سکه: تصویر داریوش به صورت کماندار پارسی با نیزه ای به دست راست و کمانی در دست چپ .
پشت سکه: نقش فرورفتگی نامتظم



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۶	۴۵ ۳ عدد	نقره	هخامنشی	۴۰۵-۳۳۰ ق.م	۵/۶	۱/۵۵	۳/۵
۱۷					۵/۳	۱/۵	۴/۵
۱۸					۵/۴	۱/۴۵	۴/۵

روی سکه: شکل های هخامنشی که توسط ساتراپ های مناطق مختلف سورشار شده و از نو به جریان گذاشته افتاده است.

پشت سکه: فرورفتگی نامنظم همراه با سورشارژ های مختلف.

ساتراپ های هخامنشی



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۹	۳۷۲	نقره	شاهان صور	۳۳۲–۴۵۰ ق.م	۱۳/۴۰	۲۲/۲	۴/۸

روی سکه: تصویر ماهی که روی امواج دریا شنا می کند و در پایین ، تصویر صدف نقر است.
پشت سکه: تصویر سمت راست ایستاده جغد / پشت پرنده عصای سلطنت و چنگک خرمن کوبی قرارداد.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۰	۳۱۴	نقره	منطقه پافلاگونیا ساتراپ سینوپ	۳۵۰–۴۱۰ ق.م	۵/۶	۱/۹۴	۳/۳

روی سکه: تصویر الهه سینوپ به سمت چپ با گوشواره ای یک آویزه با موهای در هم پیچیده
پشت سکه: پرنده ای در حال صید ماهی که هر دو به سمت چپ نگاه می کنند / زیر شکم ماهی کلمه ΠΟΣΙ (پوسی) نوشته شده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۱	۱-۴۶۱	نقره	ساتراپ داسیلون– فرناباز	۴۱۰ ق.م	۲۱	۲/۳۲ ۲/۳	۴/۵ ۴/۵

روی سکه: نیم رخ فرناباز به سمت چپ با کلاه خود (روبه رویش با خط آرامی اسم فرناباز نقر شده است)
پشت سکه: تصویر تمام رخ فردی با موهای مجعد (احتمالاً آتنا)



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۲	۲-۴۶۲	نقره	ساتراپ داسیلون فرناباز	۴۱۰ ق.م	۲۱	۲۲/۳۲	۴/۵

روی سکه: نیم رخ فرناباز به سمت چپ با کلاه خود (روبرویش به خط آرامی اسم فرناباز نقر شده است)
پشت سکه: تصویر تمام رخ فردی با موهای مجعد (احتمالاً آتنا)



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۳	۵۰۱	نقره	ساتراپ داسیلون - فرناباز	۴۱۰ق.م	۱۰/۲۰	۲/۵۵	۴/۵

روی سکه: نیم رخ راست فرناباز با کلاه خود که روبرویش به خط آرامی نوشته (کلیکون) نقر شده است.(پشت سر فرناباز سورشارژ شده است)

پشت سکه: تصویر تمام رخ فردی با موهای مجعد (احتمالاً آتنا)



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۴	۳۲۳	نقره	ساتراپ آماتونت-روئیکوس	۳۹۰ ق.م	۲/۵۰	۱/۱۱	۳/۱

روی سکه: نیم تنه شیری نشسته در حال نعره کشیدن

پشت سکه: ضربدر و علامت اختصاری ضرابخانه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۵	۴۸۰	نقره	ساتراپ کلیکیه — داتام	۳۸۶ ق.م	۱۰/۵	۲/۵۵	۳

روی سکه: تصویر آتنا با کلاه خود مخصوص آتنی ها

پشت سکه:بعل(یا بقولی زئوس) که به سمت چپ روی تخت نشسته و روبروی آن یک خوشه انگور قرار دارد ، در حالی که به عصایش تکه زده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۶	۳۶۶	نقره	ساتراپ صیدا –استراتون اول	۳۶۲-۳۷۴ق.م	۷/۱۰	۱/۷۹	۴

روی سکه: نقش اردشیر به صورت کماندار پارسی به سوی راست ایستاده با تاج و لباس پارسی

پشت سکه: ناو جنگی فنیقی با چهاربادبان و پاروزنان برروی امواج دریا



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۷	۴۶۰	نقره	ساتراپ مازه –مازایوس	۳۶۰ ق.م	۱۶/۸۰	۲/۳۵	۵/۲

روی سکه: تصویر بعل به سمت چپ نشسته بر روی صندلی (به قولی زئوس)

پشت سکه: تصویر ایستاده یک شیر که به سمت چپ در حال حرکت است؛ علامت اختصاری ضرابخانه بربالای شیر و علامت اختصاری تاریخ زیر پای شیر

امپراطوری یونان



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۸	۲۹۹	نقره	یونانی	۳۶۴ ق.م	۱۷/۳	۲/۳	۶/۵

روی سکه: نیم رخ راست آتنا با گوشواره و تاجی مزین به برگ درختان
پشت سکه: تصویر جغد و به خط یونانی نوشته آتن



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۹	۲۹۵	نقره	یونانی	۱۶۸–۵۰ ق.م	۱۶/۸	۳/۲۵	۴

روی سکه: تصویر نیم رخ راست آتنا با کلاه خود آتنی
پشت سکه: تصویر جغد ایستاده بر روی سبویی (به سمت راست)/ خوشه گندم در پایین جغد / طرفین تصویر علامت اختصاری ضرابخانه و کلماتی ناخوانا به خط یونانی/ حاشیه سکه تاج گل

سلسله بطالسه

(جانشینان بطلمیوس سردار اسکندر در مصر)



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۳۰	۳۷۳	نقره	بطالسه –پتولمی دوم	۲۴۶–۲۸۵ق.م	۱۴/۲۰	۲/۵۵	۴/۵

روی سکه: نیم رخ شاه به سمت راست

پشت سکه: تصویر عقابی ایستاده که در اطرافش به خط یونانی کلمه : شاه کبیر درج شده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۳۱	۳۵۷	نقره	بطالسه – ؟؟؟	۷۶ ق.م	۱۴/۳۰	۲/۹۴	۴

روی سکه: تصویر نیم رخ راست ملکارت یا سربند

پشت سکه: تصویر عقابی ایستاده بر دماغه کشتی که تصویر تنه نخلی روبرویش نقش شده/ اطراف تصویر علامت اختصاری ضرابخانه و همچنین کلماتی به خط یونانی

امپراطوری مقدونی



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۳۲	۲۹۳	نقره	مقدونی ـ اسکندر	۳۳۶-۳۲۳ ق.م	۱۷/۱	۲/۸۲	۵/۱
۳۳	۲ عدد				۱۷/۲	۲/۸۳	۵/۱

روی سکه: نیم رخ راست اسکندر با تاج مخصوص پوشیده شده از جمجمه شیر

پشت سکه: زئوس خدای یونانی با عقابی در دست/ پشت سر آن به خط یونانی نام اسکندر / زیر پای آن به خط یونانی کلمه شاه / جلوی پای زئوس نماد اختصاری ضرابخانه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۳۴	۳۲۴	نقره	مقدونی ـ اسکندر	۳۳۶-۳۲۳ ق.م	۱۶/۳	۳/۵۵	۳/۱

روی سکه: نیم رخ راست اسکندر با تاج مخصوص

پشت سکه: تصویر زئوس نشسته با عقابی بر دست/ پشت سر زئوس به خط یونانی نام اسکندر/ جلوی پای زئوس نماد اختصاری ضرابخانه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۳۵	۲۱۳۰	طلا	مقدونی ـ اسکندر	۳۳۶-۳۲۳ ق.م	۸/۶۰	۱/۸	۳/۵

روی سکه: نیم رخ راست شاه با کلاه خود مقدونی

پشت سکه: الهه پیروزی با دو بال باز که در دست چپش چنگک خرمن کوبی و در دست راستش تاجی از شاخه های زیتون / سمت راست زیر بال الهه داخل شاخه های زیتون به خط یونانی (TIA) و سمت چپ زیر بال الهه نیم رخ چپ شاهی که به دست الهه می نگرد / در اطراف الهه کلماتی به خط یونانی به معنی(اسکندر شاه) دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۳۶	۱۵۶	طلا	سلوکی – اسکندر	۳۲۳ـ۳۳۶ق.م	۱۴/۱۰	۲/۳	۴

روی سکه: نیم رخ چپ اسکندر با کلاه خود مقدونی / پشت کلاه خود : حروف I

پشت سکه: اسب بالدار در حال تاخت / روبروی اسب بالدار : ΑΛΕΞΑΝΔΡΟΥ به معنای : اسکندر / زیر شکم اسب : N/ زیر پای اسب : شاخه گندم و یک علامت اختصاری مشاهده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۳۷	۳۱۲	نقره	سلوکی – لیزیماخوس	۲۸۱-۳۰۵ ق.م	۴/۲۰	۱/۶۳	۲/۳

روی سکه: نیم رخ راست لیزیماخوس با سربند

پشت سکه: تصویر آتنا نشسته رو به چپ در صورتی که به سپر و نیزه ای تکیه کرده و بر روی دست راستش الهه نیکه در حالی که علامت شهریاری را در دست دارد ایستاده است/ اطراف آتنا کلماتی به خط یونانی به معنای شاه لیزیماخوس



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۳۸	۳۰۰	نقره	سلوکی ـ لیزیماخوس	۲۸۱-۳۰۵ ق.م	۱۲	۳/۱۶	۴/۱

روی سکه: نیم رخ راست لیزیماخوس با سربند

پشت سکه: تصویر آتنا نشسته رو به چپ در صورتی که به سپر و نیزه ای تکیه کرده و بر روی دست راستش الهه نیکه در حالی که علامت شهریاری را در دست دارد ایستاده است/ اطراف آتنا کلماتی به خط یونانی به معنای شاه لیزیماخوس/ زیر پای آتنا و نیکه علامات اختصاری یونانی دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۳۹	۲۹۷	نقره	سلوکی ـ لیزیماخوس	۲۸۱-۳۰۵ ق.م	۱۷	۳/۲	۵

روی سکه: نیم رخ راست لیزیماخوس با سربند

پشت سکه: تصویر آتنا نشسته رو به چپ در صورتی که به سپر و نیزه ای تکیه کرده و بر روی دست راستش الهه نیکه در حالی که علامت شهریاری را در دست دارد ایستاده است/ اطراف آتنا کلماتی به خط یونانی به معنای شاه لیزیماخوس / زیر پای نیکه علامت اختصاری ضرابخانه به شکل (K)



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۴۰	۱۶۳	طلا	سلوکی ـ لیزیماخوس	۲۸۱-۳۰۵ ق.م	۸	۱/۹	۳

روی سکه: نیم رخ راست لیزیما خوس با سربند

پشت سکه: تصویر آتنا نشسته رو به چپ در صورتی که به سپر و نیزه ای تکیه کرده و برروی دست راستش الهه نیکه در حالی که علامت شهریاری را در دست دارد ایستاده است.

پشت آتنا : ΒΑΣΙΛΕΩΣ / روبروی آتنا : ΛΥΣΙΜΑΧΟΥ به معنای شاه لیزیماخوس/ زیر پای آتنا : XOI / زیر پای نیکه علامت اختصاری ضرابخانه

سلسله سلوکیان



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۴۱	۳۳۰	مس	سلوکی ـ سلوکوس	۲۸۱ـ۳۱۲ق.م	۱۶/۵	۲/۹	۴/۱

روی سکه: تصویر نیم تنه اسب شاخداری که در حال شیهه زدن است و روبه راست نگاه می کند.
پشت سکه: تصویر لنگر/ سمت راست : ΒΑΣΙΛΕΩΣ / سمت چپ : ΣΕΛΕΥΚΟΥ به معنای سلوکوس شاه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۴۲	۴۱	نقره	سلوکی ـ آنتیوخوس چهارم	۱۶۴ـ۱۷۵ق.م	۱۷/۲۰	۳/۱	۴

روی سکه: نیم رخ راست آنتیوخوس با سربند
پشت سکه: پیکره نیمه عریان آپولون، نشسته بر روی سکو با پیکانی در دست راست و کمانی در دست چپ پشت سر آپولون به خط یونانی ΑΝΤΙΟΧΟΥ و جلوی آپولون به یونانی ΦΕΟΥ ΕΘΙΦ ΑΝΟΥΣ ΝΙΚΗΦΟΡΟΥ به معنای : آنتیوخوس، خدا،مشهورو پیروز



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۴۳	۲۴۹	نقره	سلوکی ـ آنتیوخوس چهارم	۱۶۴ـ۱۷۵ق.م	۱۶/۲۰	۳/۰۹	۴

روی سکه: تصویر نیم رخ راست آنتیوخوس با سربند
پشت سکه: زئوس نشسته در حالی برروی دست راستش الهه نیکه قرار دارد وبادست چپ بر عصای قدرت تکیه زده است/ پشت تصویر زئوس به خط یونانی نوشته ΑΝΤΙΟΧΟΥ ΒΑΣΙΛΕΩΣ وجلوی تصویر زئوس به خط یونانی ΦΕΟΥ ΕΘΙΦ ΑΝΟΥΣ به معنای شاه آنتیوخوس خدا مشهور



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۴۴	۳۷۴	مس	سلوکی ـ آنتیوخوس چهارم	۱۷۵ـ۱۶۴ق.م	۱۷/۲۰	۲/۸	۵/۲

روی سکه: نیم رخ راست آنتیو خوس با سربند

پشت سکه: تصویر فیل که زیر شکمش علامت اختصاری ضرابخانه وپشت فیل علامت لنگر نماد مردم بابل ودر اطرافش به خط یونانی ANTIOXOY ΒΑΣΙΛΕΩΣ به معنای شاه انتیوخوس امده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۴۵	۴۴	نقره	سلوکی ـ دیمتریوس اول	۱۵۰ـ۱۶۲ق.م	۱۶/۲۰	۲/۵	۵

روی سکه: نیم رخ راست دمیتریوس با سربند

پشت سکه: تصویر الهه آتنا که برتخت نشسته وبا دست چپ جامی ازمیوه را دربر گرفته و پایین تختش الهه نیکه قرار دارد/ در اطراف الهه آتنا به خط یونانی ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΔΗΜΗΤΡΙΟΥ ΣΩΤΗΡΟΣ به معنای شاه دمیتریوس ؟ / زیر پای الهه آتنا HNP تاریخ ۱۵۸سلوکی برابر با سال ۱۵۴ قبل از میلادی دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۴۶	۳۰۵	نقره	سلوکی ـ دیمتریوس اول	۱۵۰ـ۱۶۲ق.م	۳/۷۰	۱/۶	۳

روی سکه: تصویر نیم رخ راست دمیتریوس با سربند

پشت سکه: پیکره نیمه عریان اپولون نشسته بر سکو با پیکانی دردست راست و کمانی در دست چپ/ اطراف تصویر اپولو به خط یونانی ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΔΗΜΗΤΡΙΟΥ به معنای شاه دمیتریوس



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۴۷	۳۶۰	نقره	سلوکی ـ دیمتریوس دوم	۱۴۶–۱۳۸ ق.م	۱۰/۵	۲/۵	۴/۵

روی سکه: نیم رخ راست دمیتریوس با سربند

پشت سکه: تصویر شاخه های فراوانی در میان دو خوشه گندم و زیتون/ در اطراف تصویر به خط یونانی ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΔΗΜΗΤΡΙΟΥ به معنای شاه دمیتریوس



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۴۸	۳۴۲	نقره	سلوکی ـ آنتیوخوس ششم	۱۴۴ـ۱۴۲ق.م	۱۶/۷	۳/۱	۴/۵

روی سکه: نیم رخ راست انتیوخوس با سربند
پشت سکه: پیکره نیمه عریان اپولون نشسته بر سکو با پیکانی دردست راست و کمانی در دست چپ/ زیر پای اپولون و روبرویش علامت اختصاری ضرابخانه و در اطراف تصویر اپولون به خط یونانی
ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΑΝΤΙΟΧΟΥ به معنای شاه انتیوخوس امده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۴۹	۳۴۸	نقره	سلوکی ـ آنتیوخوس هفتم	۱۳۷ـ۱۲۸ق.م	۱۶/۷	۳	۴

روی سکه: نیم رخ راست آنتیوخوس با سربند
پشت سکه: تصویر الهه اتنا ایستاده رو به سوی چپ که بر دست راستش الهه نیکه قرار دارد وبا دست چپ به سپر و نیزه جنگی تکیه کرده است و در زیر پای الهه نیکه علامات اختصاری ضرابخانه نوشته شده و در اطراف تصویر به خط یونانی ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΑΝΤΙΟΧΟΥ ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ به معنای شاه انتیوخوس نیکوکار امده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۵۰	۲۹۸	نقره	سلوکی ـ آنتیوخوس هفتم	۱۳۷ـ۱۲۸ق.م	۱۶/۵	۳/۲	۵

روی سکه: تصویر نیم رخ راست آنتیوخوس با سربند
پشت سکه: تصویر الهه اتنا ایستاده رو به سوی چپ که بر دست راستش الهه نیکه قرار دارد وبا دست چپ به سپر و نیزه جنگی تکیه کرده است و در زیر پای الهه نیکه علامات اختصاری ضرابخانه نوشته شده و در اطراف تصویر به خط یونانی ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΑΝΤΙΟΧΟΥ ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ به معنای شاه انتیوخوس نیکوکار امده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۵۱	۳۶۲	نقره	سلوکی ـ کلئوپاترا و آنتیوخوس هشتم	۹۶–۱۲۵ ق.م	۱۹/۹۰	۱/۷۵	۶/۲

روی سکه: نیم رخ چپ کلئوپاترا و آنتیوخوس هشتم در کنار هم
پشت سکه: زئوس نشسته در حالی به دست چپش کمانی را گرفته وبادست راست بر عصای قدرت تکیه زده است/ پشت تصویر زئوس به خط یونانی نوشته ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΑΝΤΙΟΧΟΥ وجلوی تصویر زئوس به خط یونانی ΦΕΟΥ ΕΘΙΦ ΑΝΟΥΣ به معنای شاه انتیوخوس خدا مشهور



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۵۲	۳۳۷	نقره	سلوکی ـ آنتیوخوس هشتم	۹۶ـ۱۲۵ق.م	۱۶/۵	۲/۹۵	۳/۵

روی سکه: نیم رخ راست آنتیوخوس با سربند
پشت سکه: تصویر زئوس با خورشید در دست راست و نیزه ای در دست چپ و هلال ماه بر بالای سر / سمت چپ تصویر به خط یونانی ΕΘΙΦ ΑΝΟΥΣ و در پایین آن M / سمت راست تصویر به خط یونانی ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΑΝΤΙΟΧΟΥ به معنای شاه انتیوخوس مشهور امده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۵۳	۳۴۰	نقره	سلوکی ـ آنتیوخوس نهم	۹۶ـ۱۱۲ق.م	۱۶/۳	۲/۸۵	۵

روی سکه: نیم رخ راست آنتیوخوس با سربند
پشت سکه: الهه آتنا به صورت ایستاده که با دست چپ به یک نیزه و سپر جنگی تکیه داده است و در دست راستش الهه نیکه در حالی که حلقه شهریاری را در دست دارد قراردارد/ زیر پای نیکه علامت اختصاری ضرابخانه/ سمت راست تصویر به خط یونانی نوشته ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΑΝΤΙΟΧΟΥ و سمت چپ تصویر به خط یونانی نوشته ΜΑΟ ΑΤΟΡΟΣ به معنی شاه انتیوخوس فرمانروا امده است.

شاهان کاپادوکیه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۵۴	۳۱۳	نقره	کاپادوکیه-آریوبرزن اول	۹۵-۶۲ق.م	۴/۲۰	۱/۸	۲/۲

روی سکه: تصویر نیم رخ راست اریوبرزن

پشت سکه: الهه آتنا به صورت ایستاده که با دست چپ به یک نیزه و سپر جنگی تکیه داده است و در دست راستش الهه نیکه در حالی که حلقه شهریاری را در دست دارد قراردارد/ زیر پای نیکه علامت اختصاری ضرابخانه کاپادوکیه نقر است/ **در اطراف تصویر به خط یونانی** ΒΑΣΙΛΓΩΣ ΑΡΙΟΒΑΡΖΑΝ ΜΙΚΟΦΡΟΥ به معنای شاه اریوبرزن ؟ آمده است.

امپراطوری روم



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۵۵	۳۹	نقره	روم- سپتیمیوس سیوروس	۱۹۳-۲۱۱م	۳/۳	۱/۹	۲
۵۶	۲ عدد				۳/۲	۲	۲

روی سکه: نیم رخ راست قیصر

پشت سکه: تصویر الهه پیروزی و خطوط لاتین در اطراف سکه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۵۷	۲۷۸	طلا	روم- لئو اول	۴۵۷_۴۷۴م	۲/۵۰	۱/۷	۱/۱

روی سکه: تصویر نیم تنه امپراطور و کلماتی در اطرافش به خط لاتین

پشت سکه: الهه پیروزی ایستاده و به صلیبی تکیه کرده ودر اطرافش کلماتی به خط لاتین

امپراطوری بیزانس



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۵۸	۱۶۸	طلا	بیزانس- جاستینیان اول	۵۲۷_۵۶۵م	۱/۵۰	۱/۵۸	۰/۹

روی سکه: نیم رخ راست شاه با خطوط لاتین در اطرافش

پشت سکه: الهه پیروزی ایستاده و در دست راستش حلقه پیروزی و در دست چپش صلیبی را دارد و کلماتی به خط لاتین در اطراف تصویر دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۵۹	۱۶۹	طلا	بیزانس- انونیموس ایسوس	۵۶۵_۵۸۳م	۱/۵۰	۱/۶	۱

روی سکه: نیم رخ راست شاه با تاجی زیبا و کلماتی به خط لاتین در اطراف تصویر دیده می شود.

پشت سکه: نقش یک صلیب و کلماتی به خط لاتین در اطراف تصویر دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۶۰	۱۶۷	طلا	بیزانس- فوکاس	۶۰۲_۶۱۰م	۴/۵۰	۲/۱۵	۱/۱

روی سکه: تصویر تمام رخ شاه با خطوط لاتین در اطراف تصویر

پشت سکه: تصویر تمام رخ الهه پیروزی با عصایی در دست راست و صلیب وگویی در دست چپ و کلماتی به خط لاتین در اطراف تصویر دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال .	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۶۱	۲۷۷	طلا	بیزانس- فوکاس	۶۱۰_۶۰۲م	۴/۵۰	۲/۱	۱/۱

روی سکه: تصویر تمام رخ از نیم تنه امپراطور و کلماتی به خط لاتین در اطراف تصویر دیده می شود.
پشت سکه: تصویر تمام رخ الهه پیروزی با عصایی در دست راست و صلیب وگویی در دست چپ و کلماتی به خط لاتین در اطراف تصویر دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۶۲	۲۷۴	طلا	بیزانس- هراکلیوس	۶۴۱_۶۱۰م	۴/۲۰	۲	۱/۱

روی سکه: تصویر تمام قد از چند شخصیت مذهبی که با دستان خود صلیب وگویی را گرفته اند.
پشت سکه: تصویر صلیب بزرگی که برروی پلکانی قرار دارد و کلماتی به خط لاتین در اطراف تصویر دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۶۳	۲۷۶	طلا	بیزانس- رومانوس دوم	۹۵۹_۹۶۳م	۴/۵۰	۲/۱	۱/۵

روی سکه: نیم تنه یک شخصیت مذهبی (احتمالا عیسی مسیح) و نوشته های لاتین در اطراف تصویرش
پشت سکه: دو نفر ایستاده با صلیبی در دست و کلماتی به خط لاتین در اطراف تصویر دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۶۴	۲۸۰	طلا	بیزانس- رومانوس دوم	۹۵۹_۹۶۳م	۴/۴	۲	۱/۵
۶۵	۲ عدد				۴/۴	۲	۱/۵

روی سکه: تصویر شخص مذهبی نشسته بر روی تخت / احتمالا حضرت عیسی مسیح/ کلماتی به خط لاتین در اطراف تصویر دیده می شود
پشت سکه: دو نفر ایستاده صلیب به دست و کلماتی به خط لاتین در اطراف تصویر دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۶۶	۲۷۵	طلا	بیزانس- میشل چهارم	۱۰۴۱-۱۰۳۴م	۴	۱/۹	۱/۱

روی سکه: تصویر یک شخص (احتمالاً عیسی مسیح) با نوشته های لاتین در اطرافش
پشت سکه: یک نفر ایستاده در کنار صلیب بزرگی که برروی پلکانی قرار دارد و کلماتی به خط لاتین در اطراف تصویر دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۶۷	۶۳	نقره	بیزانس- تئودور اول	۱۲۲۲-۱۲۰۸م	۳/۹	۲/۱	۱
۶۸	۳ عدد				۴	۲/۲	۱
۶۹					۳/۸	۲/۱	۱

روی سکه: تصویر حضرت عیسی مسیح نشسته بر تخت و در اطراف تصویرش کلماتی به خط لاتین
پشت سکه: تصویر دو شخصیت مذهبی ایستاده عصا به دست با خطوط لاتین در اطرافشان



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۷۰	۳۸۴	نقره	بیزانس- آندرونیکوس دوم	۱۳۲۸-۱۲۸۲م	۵/۱	۲/۲۹	۱/۱
۷۱	۲ عدد				۵/۱	۲/۱	۱

روی سکه: تصویر فردی ایستاده و عصایی در دست دارد با خطوط لاتین در اطرافش
پشت سکه: تصویر حضرت مسیح با عصا و ایستاده با خطوط لاتین در اطراف تصویرش

سکه‌های اشکانیان



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۷۲	۳۹۸ ۳ عدد	نقره	اشکانی ـ فرهاد اول	۱۷۱-۱۷۶ق.م	۳/۸	۱/۸۲	۲/۶
۷۳					۳/۸	۱/۹۵	۲/۲
۷۴					۳/۹	۲/۲	۲/۳

روی سکه: نیم رخ چپ فرهاد اول با کلاه باشلقی که جلوی کلاهش با تعدادی مروارید مزین شده و دونوار بلند در پشت آن گره خورده و آویزان شده است.

پشت سکه: تصویر اشک اول نشسته بر روی سکو که بر دستانش تیرو کمانی قراردارد و در اطرافش به خط یونانی نوشته: ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ به معنای : شاه بزرگ ارشک



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۷۵	۵۲۷	نقره	اشکانی ـ مهرداد اول	۱۷۱-۱۳۸ ق.م	۴/۷۰	۲/۱	۳

روی سکه: نیم رخ چپ مهرداد اول با سربند

پشت سکه: تصویر اشک اول نشسته بر روی سکو که بر دستانش تیرو کمانی قراردارد و در اطراف آن به خط یونانی نوشته: ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ به معنای : شاه بزرگ ارشک.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۷۶	۳۹۹	نقره	اشکانی ـ فرهاد دوم	۱۳۸–۱۲۷ ق.م	۳/۷	۱/۹۵	۳
۷۷	۳ عدد				۳/۹	۱/۹۵	۲
۷۸					۳/۹	۱/۹۰	۲/۵

روی سکه: نیم رخ چپ فرهاد دوم با سربند که پشت سرش واژه (تام) دیده می شود.
پشت سکه: تصویر اشک اول نشسته بر روی سکو که بر دستانش تیرو کمانی قراردارد و در اطرافش به خط یونانی نوشته: ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΦΕΟΠΑΤΟΡΟΣ به معنای : شاه ارشک بزرگ فرزند خدا



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۷۹	۴۰۰	نقره	اشکانی ـ اردوان اول	۱۲۷–۱۲۳ ق.م	۴/۱۰	۱/۸۸	۳

روی سکه: نیم رخ چپ اردوان اول با سربند
پشت سکه: تصویر اشک اول نشسته بر روی سکو که بر دستانش تیرو کمانی قراردارد و در اطرافش به خط یونانی نوشته: ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΦΕΟΠΑΤΟΡΟΣ به معنای : شاه ارشک بزرگ فرزند خدا



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۸۰	۵۰	مس	اشکانی ـ مهرداد دوم	۱۲۳–۸۸ق.م	۱/۸۰	۱/۴۱	۲

روی سکه: نیم رخ چپ مهرداد دوم با سربند
پشت سکه: تصویر تیردان و کمان ودر اطراف تصویر به خط یونانی نوشته: ΦΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ به معنای : شاه ارشک بزرگ فرزند خدا



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۸۱	۳۸۷	مسی	اشکانی ـ مهرداد دوم	۱۲۳–۸۸ق.م	۳/۴	۲/۲۹	۱/۱
۸۲	۲ عدد				۳/۵	۲/۱	۱

روی سکه: نیم رخ چپ مهرداد دوم با سربند

پشت سکه: تصویر یک اسب ودر اطراف تصویر به خط یونانی نوشته: ΦΕΟΠΑΤΟΡΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ به معنای : شاه ارشک بزرگ فرزند خدا



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۸۳	۴۲۳	مس	اشکانی ـ مهرداد دوم	۱۲۳–۸۸ ق.م	۳/۴	۲/۲۵	۴
۸۴	۲ عدد				۳/۵	۲/۳	۴

روی سکه: نیم رخ مهرداد دوم به سمت چپ با ریش بلند و سربند

پشت سکه: تصویر یک اسب ودر اطراف تصویر به خط یونانی نوشته: ΦΕΟΠΑΤΟΡΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ به معنای : شاه ارشک بزرگ فرزند خدا



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۸۵	۴۰۳	نقره	اشکانی ـ مهرداد دوم	۱۲۳–۸۸ ق.م	۳/۹	۲/۱	۳
۸۶	۳ عدد				۳/۸	۲/۲۵	۳
۸۷					۳/۹	۲/۱	۲/۵

روی سکه: نیم رخ چپ مهرداد دوم با سربند و ریش بلند

پشت سکه: ارشک نشسته بر تخت با کمانی در دست ودر اطراف تصویر به خط یونانی نوشته:

ΦΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ به معنای : شاه ارشک بزرگ فرزند خدا



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۸۸	۴۳۰	نقره	اشکانی ـ مهرداد دوم	۸۸ ـ ۱۲۳ق.م	۴	۱/۹۲	۲/۵

روی سکه: نیم رخ چپ مهرداد دوم با سربند و ریش بلند

پشت سکه: ارشک نشسته بر تخت با کمانی در دست ودر اطراف تصویر به خط یونانی نوشته:

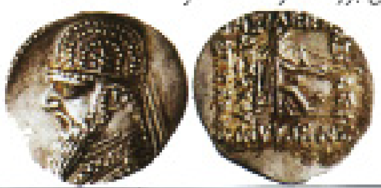
ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΦΕΟΠΑΤΟΡΟΣ به معنای : شاه ارشک بزرگ فرزند خدا



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۸۹	۴۳۲	نقره	اشکانی ـ مهرداد دوم	۸۸ ـ ۱۲۳ق.م	۲/۷۰	۲	۲/۲

روی سکه: نیم رخ چپ شاه با سربند

پشت سکه: تصویر ارشک نشسته بر روی تخت در حالی که تیروکمان به دست دارد. اطراف تصویر نوشته به خط یونانی به معنای : شاه شاهان بزرگ ، ارشک نامدار



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۹۰	۴۳۴	نقره	اشکانی ـ مهرداد دوم	۱۲۳–۸۸ ق.م	۴/۱	۲	۲/۲

روی سکه: تصویر نیم رخ چپ مهرداد دوم با تاج پارتی (وسط تاج گل زیبای گوهر نشانی به شکل ستاره که به مروارید و سایر گوهر ها مزین است)

پشت سکه: ارشک نشسته بر تخت با کمانی در دست ودر اطراف تصویر به خط یونانی نوشته:

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΦΕΟΠΑΤΟΡΟΣ به معنای : شاه ارشک بزرگ فرزند خدا



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۹۱	۴۳۵ ۷ عدد	نقره	اشکانی ـ مهرداد دوم	۱۲۳–۸۸ ق.م	۳/۹	۲/۰۸	۲/۲
۹۲					۴	۲/۰۸	۲/۸
۹۳					۴	۱/۹۸	۲/۸
۹۴					۴/۱	۲	۳
۹۵					۴/۲	۲	۲/۵
۹۶					۳/۸	۲/۲۲	۲/۵
۹۷					۳/۸	۱/۹۸	۲/۸

روی سکه: تصویر نیم رخ چپ مهرداد دوم با تاج پارتی (وسط تاج گل زیبای گوهر نشانی به شکل ستاره که به مروارید و سایر گوهر ها مزین است)

پشت سکه: ارشک نشسته بر تخت با کمانی در دست ودر اطراف تصویر به خط یونانی نوشته: ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΦΕΟΠΑΤΟΡΟΣ به معنای : شاه ارشک بزرگ فرزند خدا



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۹۸	۳۴۷	نقره	اشکانی ـ اردوان دوم	۷۷–۸۸ ق.م	۱۵/۸	۳/۰۵	۳/۵

روی سکه: نیم رخ چپ ارادوان دوم با سربند

پشت سکه: ارشک موسس سلسله نشسته بر تخت با تیر و کمانی در دست وکلماتی به خط یونانی اطراف تصویر به معنای شاه بزرگ ارشک پسر خدا نیکوکار یونان دوست و نامدار/ روی کمان ارشک علامت اختصاری ضرابخانه دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۹۹	۴۵۷ ۳ عدد	نقره	اشکانی ـ اردوان دوم	۷۷-۸۸ ق.م	۱۵/۸	۳/۰۸	۴/۱
۱۰۰					۱۵/۷	۳/۰۲	۴
۱۰۱					۱۵/۸	۳/۰۵	۴

روی سکه: نیم رخ چپ اردوان دوم با سربند

پشت سکه: ارشک موسس سلسله نشسته بر تخت با تیر و کمانی در دست وکلماتی به خط یونانی اطراف تصویر به معنای شاه بزرگ ارشک پسر خدا نیکوکار یونان دوست و نامدار/ روی کمان ارشک علامت اختصاری ضرابخانه دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۰۲	۳۳۹	نقره	اشکانی ـ سنتروک	۷۰-۷۷ق.م	۱۶	۳	۴

روی سکه: نیم رخ چپ سنتروک با تاج پارتی (وسط تاج گل زیبای گوهر نشانی به شکل ستاره که به مروارید و سایر گوهر ها مزین است)

پشت سکه: ارشک موسس سلسله نشسته بر تخت با تیر و کمان و روبرویش شاخه گندمی قرار دارد وکلماتی به خط یونانی اطراف تصویر به معنای شاه بزرگ ارشک مطلق العنان دوستدار پدر نامدار دوستدار یونان دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۰۳	۳۵۵	نقره	اشکانی ـ سنتروک	۷۰-۷۷ق.م	۱۵/۸۰	۳	۴

روی سکه: نیم رخ چپ سنتروک با تاج پارتی (وسط تاج گل زیبای گوهر نشانی به شکل ستاره که به مروارید و سایر گوهر ها مزین است)

پشت سکه: ارشک موسس سلسله نشسته بر تخت با تیر و کمانی در دست وکلماتی به خط یونانی اطراف تصویر به معنای شاه بزرگ ارشک مطلق العنان دوستدار پدر نامدار دوستدار یونان دیده می شود.



ضخامت (m.m.)	قطر (cm.)	وزن (gr.)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۲	۲/۱۵	۳/۷	۵۷_۵۴ ق م	اشکانی ـ مهرداد سوم	نقره	۴۰۷	۱۰۴

روی سکه: نیم رخ چپ مهرداد سوم با سربند
پشت سکه: ارشک با تیرو کمانی در دست نشسته بر روی تخت و کلماتی به خط یونانی در اطراف تصویر به معنای: شاه بزرگ ارشک خداپدر نیکوکار نامدار و دوستدار یونان به چشم می خورد.



ضخامت (m.m.)	قطر (cm.)	وزن (gr.)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۲/۵	۲	۳/۹۰	۵۷–۵۴ ق.م	اشکانی ـ مهرداد سوم	نقره	۴۰۹	۱۰۵

روی سکه: نیم رخ چپ مهرداد سوم با سربند
پشت سکه: ارشک با تیرو کمانی در دست نشسته بر روی تخت و کلماتی به خط یونانی در اطراف تصویر به معنای: شاه بزرگ ارشک خداپدر نیکوکار نامدار و دوستدار یونان به چشم می خورد.



ضخامت (m.m.)	قطر (cm.)	وزن (gr.)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۲/۸	۲/۰۵	۳/۸۰	۵۷_۳۸ ق.م	اشکانی ـ ارد دوم	نقره	۴۴۶	۱۰۶

روی سکه: نیم رخ چپ ارد دوم با سربند اشکانی و نقش یک ستاره در پشت سر شاه
پشت سکه: ارشک نشسته برتخت با تیرو کمان در دست، اطراف سکه کلماتی به خط یونانی به معنای : شاه شاهان ارشک نیکوکار دادگستر نامدار و دوستدار یونان به چشم می خورد.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۰۷	۵۰۵	نقره	اشکانی – ارد دوم	۳۸_ ۵۷ق.م	۱۵/۲۰	۲/۹	۴

روی سکه: نیم رخ چپ ارد با سربند اشکانی و گردنبندی زیبا به شکل اسب بالدار

پشت سکه: تصویر الهه دمیتر [۲] در حال اهدا خوشه گندم به شاه اشکانی که برتخت نشسته/ در اطراف تصویر کلماتی به خط یونانی به معنای شاه شاهان ارشک نیکوکار دادگستر نامدار و دوستدار یونان/ در پایین نوشته ها تاریخ ضرب سکه مطابق سال سلوکی به چشم می خورد.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۰۸	۴۴۳	نقره	اشکانی ـ فرهاد چهارم	۲–۳۸ ق.م	۴	۲	۲/۰۸

روی سکه: نیم رخ سمت چپ فرهاد چهارم با تصویر هلال ماه و ستاره روبرو صورت و تصویر پرنده ای که حلقه ی قدرت بر دهن دارد در پشت سر شاه دیده می شود.

پشت سکه: ارشک نشسته بر تخت با تیرو کمان در دست و علامت اختصاری ضرابخانه هگمتانه و اطراف سکه کلماتی به خط یونانی به معنای : شاه شاهان ارشک نیکوکار دادگستر نامدار و دوستدار یونان به چشم می خورد.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۰۹	۴۱۷	نقره	اشکانی ـ فرهاد چهارم	۲ –۲۸ ق.م	۲/۸۰	۱/۹	۳

روی سکه: نیم رخ چپ فرهاد چهارم با تصویر هلال ماه و ستاره روبرو صورت و تصویر پرنده ای که حلقه ی قدرت بر دهن دارد در پشت سر شاه دیده می شود.

پشت سکه: ارشک نشسته بر تخت با تیرو کمان در دست و علامت اختصاری ضرابخانه هگمتانه و اطراف سکه کلماتی به خط یونانی به معنای : شاه شاهان ارشک نیکوکار دادگستر نامدار و دوستدار یونان به چشم می خورد.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۱۰	۳۱۸	نقره	اشکانی ـ فرهاد پنجم	۴م-۲ ق.م	۳/۸	۲/۳	۲/۵

روی سکه: نیم رخ چپ فرهاد پنجم با تصویر دو فرشته در اطرافش که حلقه قدرت را بدست دارند.
پشت سکه: ارشک نشسته بر تخت با تیرو کمان در دست و علامت اختصاری ضرابخانه هگمتانه و اطراف سکه کلماتی به خط یونانی به معنای : شاه شاهان ارشک نیکوکار دادگستر نامدار و دوستدار یونان به چشم می خورد.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۱۱	۵۱۴	نقره	اشکانی ـ فرهاد پنجم	۴م-۲ق.م	۳/۶۰	۲/۴	۲

روی سکه: نیم رخ چپ فرهاد پنجم با تصویر دو فرشته در اطرافش که حلقه قدرت را بدست دارند.
پشت سکه: نیم رخ چپ ملکه موزا با تاجی زیبا و مجلل که از سه طبقه تشکیل و مزین به انواع گوهر و مروارید است و علامت اختصاری ضرابخانه هگمتانه و کلماتی به خط یونانی در مقابل تصویربه معنای



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۱۲	۵۲۹	نقره	اشکانی ـ فرهاد پنجم	۴م-۲ق.م	۳/۸۰	۲/۱	۲/۵

روی سکه: نیم رخ چپ فرهاد پنجم با تصویر دو فرشته در اطرافش که حلقه قدرت را بدست دارند.
پشت سکه: نیم رخ چپ ملکه موزا با تاجی زیبا و مجلل که از سه طبقه تشکیل و مزین به انواع گوهر و مروارید است و علامت اختصاری ضرابخانه هگمتانه و کلماتی به خط یونانی در مقابل تصویربه معنای



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۱۳	۳۴۵	نقره	اشکانی ـ فرهاد پنجم	۴م-۲ق.م	۱۴/۳	۳	۳/۵

روی سکه: نیم رخ چپ فرهادک با سربندو گردنبند زیبایی به شکل اسب بالدار

پشت سکه: تصویر الهه دمیتر [۴] در حال اهدا خوشه گندم به شاه اشکانی که برتخت نشسته/ در اطراف تصویر کلماتی به خط یونانی به معنای شاه شاهان ارشک نیکوکار دادگستر نامدار و دوستدار یونان/ در پایین نوشته ها تاریخ ضرب سکه مطابق سال ۳۱۶سلوکی و برابرباسال ۳م به چشم می خورد.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶	۴۲۷ ۳عدد	نقره	اشکانی ـ گودرز	۴۰-۵۱م	۳/۴ ۳/۶ ۳/۵	۲ ۲/۳ ۱/۹۰	۲/۱ ۲/۲ ۲/۲

روی سکه: نیم رخ چپ گودرز دوم با سربند

پشت سکه: ارشک با تیروکمانی به دست نشسته و علامت اختصاری ضرابخانه هگمتانه وکلماتی به خط یونانی در اطراف تصویر به معنای : شاه شاهان ارشک نیکوکار دادگستر نامدار و دوستدار یونان



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹	۴۲۱ ۳عدد	نقره	اشکانی–ونون دوم	۵۱ م	۳/۶ ۳/۴ ۳/۵	۲/۲۵ ۲/۱۵ ۲/۲	۲/۵ ۲ ۲/۵

روی سکه: تصویر تمام رخ ونون دوم با تاج پارتی و دو ستاره در اطراف تصویر

پشت سکه: ارشک با تیروکمانی به دست نشسته و علامت اختصاری ضرابخانه هگمتانه وکلماتی به خط یونانی در اطراف تصویر به معنای : شاه شاهان ارشک نیکوکار دادگستر نامدار و دوستدار یونان به چشم می خورد.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۲۰	۴۲۸	نقره	اشکانی ـ وردان دوم	۵۸–۵۵م	۳/۷۰	۲/۲	۲/۲

روی سکه: نیم رخ چپ وردان دوم با سربند

پشت سکه: ارشک با تیروکمانی به دست نشسته و علامت اختصاری ضرابخانه هگمتانه وکلماتی به خط یونانی در اطراف تصویر به معنای : شاه شاهان ارشک نیکوکار دادگستر نامدار و دوستدار یونان به چشم می خورد.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۲۱	۴۱۹	نقره	اشکانی ـ پاکر دوم	۷۸–۱۰۵م	۳/۵۰	۲/۱	۲/۱

روی سکه: تصویر نیم رخ چپ پاکر بدون ریش با سربندی ساده

پشت سکه: ارشک با تیروکمانی به دست نشسته و علامت اختصاری ضرابخانه هگمتانه وکلماتی به خط یونانی در اطراف تصویر به معنای : شاه شاهان ارشک نیکوکار دادگستر نامدار و دوستدار یونان به چشم می خورد.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۲۲	۵۲۶	نقره	اشکانی ـ پاکر دوم	۷۸_۱۰۵م	۳/۶۰	۲/۰۲	۲/۲

روی سکه: تصویر نیم رخ چپ پاکر بدون ریش با سربندی ساده

پشت سکه: ارشک با تیروکمانی به دست نشسته و علامت اختصاری ضرابخانه هگمتانه وکلماتی به خط یونانی در اطراف تصویر به معنای : شاه شاهان ارشک نیکوکار دادگستر نامدار و دوستدار یونان به چشم می خورد.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۲۳	۴۴۲	نقره	اشکانی ـ پاکر دوم	۷۸–۱۰۵ م	۳/۸۰	۲/۲	۲

روی سکه: نیم رخ چپ پاکردوم با تاج پارتی مزین شده به جواهرات

پشت سکه: ارشک با تیروکمانی به دست نشسته و علامت اختصاری ضرابخانه هگمتانه وکلماتی به خط یونانی در اطراف تصویر به معنای : شاه شاهان ارشک نیکوکار دادگستر نامدار و دوستدار یونان به چشم می خورد.



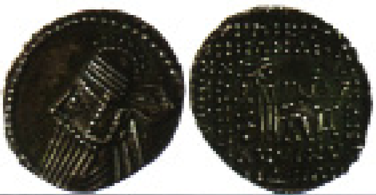
شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۲۴	۴۲۰	نقره	اشکانی – پارتاماسپاتس	۱۱۶ م	۳/۵۰	۲	۲/۵

روی سکه: نیم رخ چپ پارتاماسپاتس با تاج پارتی مزین به گوهر و جواهرات
پشت سکه: ارشک با تیروکمانی به دست نشسته و علامت اختصاری ضرابخانه هگمتانه وکلماتی به خط یونانی در اطراف تصویر به معنای : شاه شاهان ارشک نیکوکار دادگستر نامدار و دوستدار یونان به چشم می خورد.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۲۵	۴۲۵	نقره	اشکانی ـ مهرداد چهارم	۱۴۰–۱۲۹م	۳/۷	۲/۲۵	۲
۱۲۶	۲ عدد				۳/۸	۲/۱	۲/۵

روی سکه: نیم رخ چپ مهرداد چهارم با سربند
پشت سکه: ارشک با تیروکمانی به دست نشسته و علامت اختصاری ضرابخانه هگمتانه وکلماتی به خط یونانی در اطراف تصویر به معنای : شاه شاهان ارشک نیکوکار دادگستر نامدار و دوستدار یونان به چشم می خورد.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۲۷	۴۳۹	نقره	اشکانی ـ بلاش چهارم	۱۹۱–۱۴۷م	۳/۹۰	۲/۱	۲/۵

روی سکه: نیم رخ چپ بلاش چهارم با تاج اشکانی مزین به جواهرات
پشت سکه: ارشک با تیروکمانی به دست نشسته و علامت اختصاری ضرابخانه هگمتانه وکلماتی به خط یونانی در اطراف تصویر به معنای ؛ شاه شاهان ارشک نیکوکار دادگستر نامدار و دوستدار یونان به چشم می خورد.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۲۸	۳۴۰	نقره	اشکانی ـ بلاش چهارم	۱۹۱-۱۴۷م	۳/۷	۲/۱۱	۲/۱
۱۲۹	۲عدد				۳/۷	۲/۱	۲/۲

روی سکه: نیم رخ چپ بلاش چهارم با تاج اشکانی مزین به جواهرات

پشت سکه: ارشک با تیروکمانی به دست نشسته و علامت اختصاری ضرابخانه هگمتانه وکلماتی به خط یونانی در اطراف تصویر به معنای : شاه شاهان ارشک نیکوکار دادگستر نامدار و دوستدار یونان به چشم می خورد.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۳۰	۳۳۶	نقره	اشکانی ـ بلاش چهارم	۱۹۱-۱۴۷ م	۱۳/۷	۲/۷۲	۴

روی سکه: نیم رخ چپ بلاش چهارم با تاج پارتی و پشت سرش حرف B

پشت سکه: تصویر الهه تی شه در حالی که حلقه شهریاری را به شاه اشکانی که بر تخت نشسته تقدیم میکند و در اطراف تصویر کلماتی به خط یونانی به معنای : شاه شاهان ارشک بلاش عادل نامدار و دوستدار یونان/ ضرب شهر سلوکیه و به حروف یونانی سال ضرب سکه مطابق سال ۴۸۹ سلوکی و برابر سال ۱۷۸م



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۳۱	۵۰۸	نقره	اشکانی ـ بلاش پنجم	۲۰۸-۱۹۱م	۳/۶۰	۱/۹	۳

روی سکه: تصویر تمام رخ نز نیم تنه بلاش پنجم با آرایش مخصوص مو در سه قسمت و ریش مثلث شکل بلند

پشت سکه: : ارشک با تیروکمانی به دست نشسته و علامت اختصاری ضرابخانه هگمتانه وکلماتی به خط یونانی در اطراف تصویر به معنای : شاه شاهان ارشک/ نام بلاش به خط آرامی (پهلوی اشکانی) به عنوان ولگشی ملکا به معنی بلاش شاه به چشم می خورد.

شاهان الیمایی



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۳۲	۴۹	نقره	الیمایی – کامناسکیرس یازدهم	۲۸-۴۴ق.م	۳/۵	۱/۷	۳

روی سکه: نیم رخ چپ کامناسکیرس یازدهم که پشت سرش تصویر ستاره و لنگر الیمایی قراردارد.
پشت سکه: نقش سرو دیسه شاه پیشین و در اطراف آن کلماتی ناخوانا به خط یونانی



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۳۳	۴۸	مس	الیمایی – کامناسکیرس سیزدهم	۱۰-۲۰ق.م	۱۵/۵	۳/۲	۴

روی سکه: نیم رخ چپ کامناسکیرس سیزدهم و تصویر ماه و ستاره و لنگر الیمایی در پشت سراو
پشت سکه: نقش سرو دیسه شاه پیشین و در اطراف آن کلماتی ناخوانا به خط یونانی

مترجم: علی عزیزیان

شاهان پارس



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۲۳	۴۶	نقره	شاهان پارس- هوبرز	۲۵۰ق.م	۱۶/۷	۲/۷۵	۵/۵
۱۳۵	۲عدد				۱۶/۸	۳/۳	۴

روی سکه: نیم رخ راست هوبرز با کلاه باشلقی و دهان پوش

پشت سکه: تصویر آتشدان زرتشت و در کنار آن فرمانروا باردایی بلند شبیه مغان با باشلق و دهان پوش در حالی که به نشان احترام دست راست خود را بلند کرده است ایستاده است و در اطراف آن کلمات به خط آرامی آمده به معنای : هوبرز فرمانروا از ایزدان



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۳۶	۳۵۴	نقره	شاهان پارس-اتوفرادات اول	۲۳۰ق.م	۱۶/۸	۳	۷

روی سکه: تصویر نیمرخ راست اتوفرادات اول با کلاه باشلقی و دهان پوش

پشت سکه: تصویر آتشدان زرتشت و در کنار آن فرمانروا با ردایی بلند شبیه مغان با باشلق و دهان پوش در حالی که به نشان احترام دست راست خود را بلند کرده است دیده می شود و در اطراف آن کلماتی به خط آرامی آمده به معنای : اتوفرادات فرمانروا از ایزدان / در بالای آتشدان تصویر فروهر دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۳۷	۳۸۲	نقره	شاهان پارس-داریوش دوم	۹۰ ق.م	۳/۶۰	۲/۲	۱/۵

روی سکه: نقش نیمرخ چپ داریوش دوم با تاج پارتی

پشت سکه: تصویر فرمانروا در حال عبادت در برابر آتشدان در حالی که برسمی در دست دارد و در اطراف تصویر کلماتی ناخوانا به خط آرامی دیده می شود.

سلسله کوشانی



ضخامت (m.m)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۳	۲/۶	۸/۸۰	۶۰_۷۵ق.م	کوشانی-ونون	نقره	۴۷	۱۳۸

روی سکه: تصویر سوارکاری روی اسب با نیزه در دست و خطوط یونانی در اطراف تصویر

پشت سکه: تصویر الهه با خوشه خرما در دست و خطوط یونانی در اطراف



ضخامت (m.m)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۲	۲	۷/۲۰	۱۲۷_۱۵۲م	کوشانی-کانیشکا اول	طلا	۱۶۵	۱۳۹

روی سکه: کانیشکا با آتشدان کوچک در مقابلش

پشت سکه: فردی ایستاده و عصای قدرت را در دست داردو در اطرافش کلماتی به خط یونانی



ضخامت (m.m)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۲/۵	۳/۱	۷/۹۰	۱۹۲_۲۲۵م	کوشانی-واسودوا اول	طلا	۱۶۴	۱۴۰

روی سکه: پادشاه ایستاده با نیزه ای به دست و در اطرافش کلماتی ناخوانا

پشت سکه: پادشاه سواربر حیوانی مثل گاو و کلماتی ناخوانا در اطرافش

امپراطوری ساسانیان



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱/۱۴	۱/۸	۱/۶۰	۲۲۴-۲۴۰م	ساسانی- اردشیر اول	نقره	۲۰۳۳	۱۴۱

روی سکه: نقش نیم رخ راست اردشیر اول با تاج پارتی و اطرافش کلماتی بـه خـط پهلوی بـه معنـای (مزداپرست خدایگان اردشیر شاهنشاه ایران)
پشت سکه: تصویر آتشدان که شعله های آتش برروی پایه اصلی و ستونی بلند به زبانه می کشد و پایه ی جانبی آتشدان در دو طرف به شکل دست های شیر برروی دو مجسمه قرار گرفته است. اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنای (آتش اردشیر) نقر شده است.



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱/۵	۲/۵	۴/۲۰	۲۲۴-۲۴۰م	ساسانی- اردشیر اول	نقره	۳۸۳	۱۴۲

روی سکه: نیم رخ اردشیر به سمت راست با تاج کروی مزین که اطرافش کلماتی به خط پهلوانی به معنـای (مزداپرست خدایگان اردشیر شاهنشاه ایران که چهره از ایزدان دارد) نوشته شده است.
پشت سکه: تصویر آتشدان که شعله های آتش برروی پایه اصلی و ستونی بلند به زبانه می کشد و پایه ی جانبی آتشدان در دو طرف به شکل دست های شیر برروی دو مجسمه قرار گرفته است. اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنای (آتش اردشیر) نقر شده است.



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۲	۲/۵	۴/۱۰	۲۲۴-۲۴۰م	ساسانی- اردشیر اول	نقره	۲۰۰۷	۱۴۳

روی سکه: نیم رخ اردشیر به سمت راست با تاج کروی مزین با موهای باز کـه اطـرافش کلمـاتی بـه خـط پهلوی به معنای (مزداپرست خدایگان اردشیر شاهنشاه ایران که چهره از ایزدان دارد) نوشته شده است.
پشت سکه: تصویر آتشدان که شعله های آتش برروی پایه اصلی و ستونی بلند به زبانه می کشد و پایه ی جانبی آتشدان در دو طرف به شکل دست های شیر برروی دو مجسمه قرار گرفته است. اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنای (آتش اردشیر) نقر شده است.



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱/۵	۲/۸	۴/۳۰	۲۴۰-۲۲۴م	ساسانی- اردشیر اول	نقره	۲۰۹۳	۱۴۴

روی سکه: نیم رخ اردشیر به سمت راست با تاج کروی مزین با موهای باز که اطرافش کلماتی به خط پهلوی به معنای (مزداپرست خدایگان اردشیر شاهنشاه ایران که چهره از ایزدان دارد) نوشته شده است.
پشت سکه: تصویر آتشدان که شعله های آتش برروی پایه اصلی و ستونی بلند به زبانه می کشد و پایه ی جانبی آتشدان در دو طرف به شکل دست های شیر برروی دو مجسمه قرار گرفته است. اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنای (آتش اردشیر) نقر شده است.



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۲	۲/۵	۴/۲۰	۲۴۰-۲۲۴م	ساسانی- اردشیر اول	نقره	۵۳۳	۱۴۵

روی سکه: نیم رخ اردشیر به سمت راست با تاج کنگره دار و اطرافش کلماتی به خط پهلوی به معنای (مزداپرست خدایگان اردشیر شاهنشاه ایران که چهره از ایزدان دارد) نوشته شده است.
پشت سکه: تصویر آتشدان که شعله های آتش برروی پایه اصلی و ستونی بلند به زبانه می کشد و پایه ی جانبی آتشدان در دو طرف به شکل دست های شیر برروی دو مجسمه قرار گرفته است. اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنای (آتش اردشیر) نقر شده است.



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۴/۵	۲/۸۵	۴/۹۰	۲۴۰-۲۲۴م	ساسانی- اردشیر اول	طلا	۲۱۳۴	۱۴۶

روی سکه: نیم رخ اردشیر به سمت راست با تاج کروی مزین به جواهرات با موهای باز که اطرافش کلماتی به خط پهلوی به معنای (مزداپرست خدایگان اردشیر شاهنشاه ایران که چهره از ایزدان دارد) نوشته شده است.
پشت سکه: تصویر آتشدان که شعله های آتش برروی پایه اصلی و ستونی بلند به زبانه می کشد و پایه ی جانبی آتشدان در دو طرف به شکل دست های شیر برروی دو مجسمه قرار گرفته است. اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنای (آتش اردشیر) نقر شده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۳۷	۲۱۰۲	نقره	ساسانی- شاپور اول	۲۷۱-۲۴۰م	۴/۱۰	۲/۴۵	۲

روی سکه: نیم رخ راست شاپور اول با تاج کنگره دار و گویی بر روی آن، خطوط پهلوی در اطراف سکه به معنای : مزداپرست ، خدایگان، شاپور شاهنشاه ایران که چهره از ایزدانی دارد.
پشت سکه: تصویر آتشدان و در کنار آن دو شخصیت ایستاده با عصا (سمت راست، پیکره شاه و سمت چپ ، پیکره اهدا کننده حلقه قدرت) و اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای : آتش شاپور ، نقره شده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۴۸	۲۰۰۳	نقره	ساسانی- شاپور اول	۲۷۱-۲۴۰م	۴/۴۰	۲/۳	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست شاپور اول با تاج کنگره دار و گویی بر روی آن، خطوط پهلوی در اطراف سکه به معنای : مزداپرست ، خدایگان، شاپور شاهنشاه ایران که چهره از ایزدانی دارد.
پشت سکه: تصویر آتشدان و در کنار آن دو شخصیت ایستاده با عصا (سمت راست، پیکره شاه و سمت چپ ، پیکره اهدا کننده حلقه قدرت) و اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای : آتش شاپور ، نقره شده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۴۹	۱۱۸	نقره	ساسانی- شاپور اول	۲۷۱-۲۴۰م	۴	۲/۳۵	۲

روی سکه: نیم رخ راست شاپور اول با تاج کنگره دار و گویی بر روی آن، خطوط پهلوی در اطراف سکه به معنای : مزداپرست ، خدایگان، شاپور شاهنشاه ایران که چهره از ایزدانی دارد.
پشت سکه: تصویر آتشدان و در کنار آن دو شخصیت ایستاده با عصا (سمت راست، پیکره شاه و سمت چپ ، پیکره اهدا کننده حلقه قدرت) و اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای : آتش شاپور ، نقره شده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۵۰	۱۲۹	نقره	ساسانی- شاپور اول	۲۷۱-۲۴۰م	۳/۷۰	۲/۶	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست شاپور اول با تاج کنگره دار و گویی بر روی آن، خطوط پهلوی در اطراف سکه به معنای : مزداپرست ، خدایگان، شاپور شاهنشاه ایران که چهره از ایزدانی دارد.

پشت سکه: تصویر آتشدان و در کنار آن دو شخصیت ایستاده با عصا (سمت راست، پیکره شاه و سمت چپ ، پیکره اهدا کننده حلقه قدرت و در طرفین آتشدان حلقه قدرت و حلقه روباندار) و اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای : آتش شاپور ، نقره شده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۵۱	۲۰۰۴	نقره	ساسانی- شاپور اول	۲۷۱-۲۴۰م	۴/۱۰	۲/۶	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست شاپور اول با تاج کنگره دار و گویی بر روی آن، خطوط پهلوی در اطراف سکه به معنای : مزداپرست ، خدایگان، شاپور شاهنشاه ایران که چهره از ایزدانی دارد.

پشت سکه: تصویر آتشدان و در کنار آن دو شخصیت ایستاده با عصا (سمت راست، پیکره شاه و سمت چپ ، پیکره اهدا کننده حلقه قدرت) و اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای : آتش شاپور ، نقره شده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۵۲	۲۰۱۲	نقره	ساسانی- شاپور اول	۲۷۱-۲۴۰م	۴/۱۰	۲/۵	۱

روی سکه: نیم رخ راست شاپور اول با تاج کنگره دار و گویی بر روی آن، خطوط پهلوی در اطراف سکه به معنای : مزداپرست ، خدایگان، شاپور شاهنشاه ایران که چهره از ایزدانی دارد.

پشت سکه: تصویر آتشدان و در کنار آن دو شخصیت ایستاده با عصا (سمت راست، پیکره شاه و سمت چپ ، پیکره اهدا کننده حلقه قدرت) و اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای : آتش شاپور ، نقره شده است.



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۲/۶۵	۴/۱۰	۲۷۱-۲۴۰م	ساسانی- شاپور اول	نقره	۲۰۰۵	۱۵۳

روی سکه: نیم رخ راست شاپور اول با تاج کنگره دار و گویی بر روی آن، خطوط پهلوی در اطراف سکه به معنای : مزداپرست ، خدایگان، شاپور شاهنشاه ایران که چهره از ایزدانی دارد.
پشت سکه: تصویر آتشدان و در کنار آن دو شخصیت ایستاده با عصا (سمت راست، پیکره شاه و سمت چپ ، پیکره اهدا کننده حلقه قدرت) و اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای : آتش شاپور ، نقره شده است.



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۲	۲/۱	۷/۵۰	۲۷۱-۲۴۰م	ساسانی- شاپور اول	طلا	۲۱۳۳	۱۵۴

روی سکه: نیم رخ راست شاپور اول با تاج کنگره دار و گویی بر روی آن، خطوط پهلوی در اطراف سکه به معنای : مزداپرست ، خدایگان، شاپور شاهنشاه ایران که چهره از ایزدانی دارد.
پشت سکه: تصویر آتشدان و در کنار آن دو شخصیت ایستاده با عصا (سمت راست، پیکره شاه و سمت چپ ، پیکره اهدا کننده حلقه قدرت و سمت چپ شعله آتش تصویر حلقه روباندار) و اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای : آتش شاپور ، نقره شده است.



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱/۵	۲/۵	۳/۸۰	۲۷۶-۲۷۳ م	ساسانی- بهرام اول	نقره	۱۲۰	۱۵۵

روی سکه: نیم رخ راست بهرام اول که بر سرش تاجی با شعاع خورشید گون که گوی کروی شکلی برروی آن قرار دارد دیده می شود و در اطراف تصویرش کلماتی به خطوط پهلوی به معنای (مزداپرست خدایگان بهرام شاهنشاه ایران که چهره از ایزدان دارد) دیده می شود.
پشت سکه:تصویرآتشدان در وسط و دونفر ایستاده در کنارآن با عصایی در دست(اهورا مزدا و شاهنشاه) و اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنای: آتش بهرام ، نقر شده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۵۶	۱۲۳	نقره	ساسانی- بهرام اول	۲۷۶-۲۷۳ م	۰/۶۰	۱/۴	۱

روی سکه: نیم رخ راست بهرام اول که بر سرش تاجی با شعاع خورشید گون که گوی کروی شکلی برروی آن قرار دارد دیده می شود و در اطراف تصویرش کلماتی به خطوط پهلوی به معنای (مزداپرست خدایگان بهرام شاهنشاه ایران که چهره از ایزدان دارد) دیده می شود.

پشت سکه:تصویرآتشدان در وسط و دونفر ایستاده در کنارآن با عصایی در دست(اهورا مزدا و شاهنشاه) و اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنای: آتش بهرام ، نقر شده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۵۷	۱۵۹	طلا	ساسانی- بهرام اول	۲۷۶-۲۷۳م	۷/۱۰	۲/۳	۲

روی سکه: نیم رخ راست بهرام اول که بر سرش تاجی با شعاع خورشید گون که گوی کروی شکلی برروی آن قرار دارد دیده می شود و در اطراف تصویرش کلماتی به خطوط پهلوی به معنای (مزداپرست خدایگان بهرام شاهنشاه ایران و انیران که چهره از ایزدان دارد) دیده می شود.

پشت سکه:تصویرآتشدان در وسط و دونفر ایستاده در کنارآن با عصایی در دست(اهورا مزدا و شاهنشاه) و اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنای: آتش بهرام ، نقر شده است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۵۸	۱۲۸	نقره	ساسانی- بهرام دوم	۲۹۳-۲۷۶م	۴/۱۰	۲/۶	۲

روی سکه: نیم رخ راست بهرام دوم با تاج بالدار که گوی کروی شکل برروی آن قرار دارد و موهای باز در پشت سر و کلماتی به خط پهلوی در اطراف تصویر به معنای (مزداپرست خدایگان بهرام شاهنشاه ایران و انیران که چهره از ایزدان دارد.)

پشت سکه:نقش آتشدان و دو نفر ایستاده با عصا در کنار آن (اهورامزدا و شاهنشاه) و کلماتی به خط پهلوی به معنای : آتش بهرام



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۵۹	۶۲	نقره	ساسانی- بهرام دوم	۲۹۳-۲۷۶ م	۳/۵	۲/۵۵	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست بهرام دوم با تاج بالدار که گوی کروی شکل برروی آن قرار دارد و موهای باز در پشت سر و کلماتی به خط پهلوی در اطراف تصویر به معنای (مزداپرست خدایگان بهرام شاهنشاه ایران و انیران که چهره از ایزدان دارد.)

پشت سکه: نقش آتشدان و دو نفر ایستاده با عصا در کنار آن (اهورامزدا و شاهنشاه) و کلماتی به خط پهلوی به معنای : آتش بهرام



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۶۰	۲۰۳۸	نقره	ساسانی- بهرام دوم	۲۹۳-۲۷۶م	۴	۲/۵۱	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست بهرام دوم با تاج بالدار که گوی کروی شکل برروی آن قرار دارد و موهای باز در پشت سر و کلماتی به خط پهلوی در اطراف تصویر به معنای (مزداپرست خدایگان بهرام شاهنشاه ایران و انیران که چهره از ایزدان دارد.)

پشت سکه: نقش آتشدان و دو نفر ایستاده با عصا در کنار آن (اهورامزدا و شاهنشاه) و کلماتی به خط پهلوی به معنای : آتش بهرام



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۶۱	۲۰۳۶	نقره	ساسانی- بهرام دوم	۲۹۳-۲۷۶ م	۴/۲۰	۲/۷	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست بهرام دوم با تاج بالدار که گوی کروی شکل برروی آن قرار دارد و موهای باز در پشت سر که روبرویش ولیعهد قرار داردو کلماتی به خط پهلوی در اطراف تصویر به معنای (مزداپرست خدایگان بهرام شاهنشاه ایران و انیران که چهره از ایزدان دارد.)

پشت سکه: نقش آتشدان و دو نفر ایستاده با عصا در کنار آن (اهورامزدا و شاهنشاه) و کلماتی به خط پهلوی به معنای : آتش بهرام



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱/۵	۲/۶	۴/۱	۲۹۳-۲۷۶م	ساسانی- بهرام دوم	نقره	۲۱۴۹	۱۶۲

روی سکه: نیم رخ راست بهرام دوم و ملکه که در مقابل آن ها نیم رخ چپ ولیعهده قراردارد (تاج ملکه و ولیعهد مزین به سرحیوان می باشد و تاج بهرام دوم بالدار که گویی کروی بر روی آن قرارداد) در اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای : مزداپرست خدایگان بهرام شاهنشاه ایران و انیران که چهره از ایزدان دارد.

پشت سکه: نقش آتشدان با دو نفر ایستاده در کنار آن ، سمت راست ملکه در حال اهداء حلقه قدرت / سمت چپ : بهرام دوم در حال دریافت حلقه قدرت (سمت چپ شعله های آتش تصویر حلقه روباندار و در سمت راست نقش هلال ماه مشهود است) در اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنای : آتش بهرام ، دیده می شود.



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۲/۸	۳/۸۰	۲۹۳-۲۷۶ م	ساسانی- بهرام دوم	نقره	۳۴۱	۱۶۳

روی سکه: نیم رخ راست بهرام دوم و ملکه که در مقابل آن ها نیم رخ چپ ولیعهده قراردارد (تاج ملکه و ولیعهد مزین به سرحیوان می باشد و تاج بهرام دوم بالدار که گویی کروی بر روی آن قرارداد) در اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای : مزداپرست خدایگان بهرام شاهنشاه ایران و انیران که چهره از ایزدان دارد.

پشت سکه: نقش آتشدان با دو نفر ایستاده در کنار آن ، سمت راست ملکه در حال اهداء حلقه قدرت / سمت چپ : بهرام دوم در حال دریافت حلقه قدرت (سمت چپ شعله های آتش تصویر حلقه روباندار دیده می شود) در اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنای : آتش بهرام ، دیده می شود.



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۲/۸	۳/۹۰	۲۹۳-۲۷۶ م	ساسانی- بهرام دوم	نقره	۲۰۳۲	۱۶۴

روی سکه: نیم رخ راست بهرام دوم و ملکه که در مقابل آن ها نیم رخ چپ ولیعهده قراردارد (تاج ملکه و ولیعهد مزین به سرحیوان می باشد و تاج بهرام دوم بالدار که گویی کروی بر روی آن قرارداد) در اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای : مزداپرست خدایگان بهرام شاهنشاه ایران و انیران که چهره از ایزدان دارد.

پشت سکه: آتشدان و دونفر ایستاده در کنار آن عصا به دست (اهورا مزدا و شاهنشاه) (در کنار شعله های آتش ، حلقه روباندار نقش دارد) در اطراف کلماتی به خط پهلوی به معنای : آتش بهرام



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۲	۲	۷/۲۰	۲۹۳-۲۷۶م	ساسانی- بهرام دوم	طلا	۱۶۰	۱۶۵

روی سکه: نیم رخ راست بهرام دوم با تاج بالدار که گوی کروی شکل برروی آن قرار دارد و موهای باز در پشت سر و کلماتی به خط پهلوی در اطراف تصویر به معنای (مزداپرست خدایگان بهرام شاهنشاه ایران و انیران که چهره از ایزدان دارد.)

پشت سکه: نقش آتشدان و دو نفر ایستاده با عصا در کنار آن (اهورامزدا و شاهنشاه) که بر روی تنه آتشدان تصویر حلقه روباندار نقش شده است و کلماتی به خط پهلوی به معنای : آتش بهرام مشاهده می شود.



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱/۵	۲/۲	۷/۲۰	۳۰۳-۲۹۳م	ساسانی- نرسی	طلا	۲۱۳۸	۱۶۶

روی سکه: نیم رخ نرسی به سمت راست با موهای بلند و مرتب در پشت سر و تاجی گوی دار مزین به برگ زیتون، خطوط پهلوی دراطراف سکه به معنای : مزداپرست خدایگان نرسی شاهنشاه ایران و انیران که چهره از ایزدان دارد.

پشت سکه: تصویر آتشدان در وسط و دو نفر ایستاده در کنار آن در حال عبادت که برسمی در دست دارند (شاهنشاه و موبد) سمت چپ شعله آتش حلقه روباندار و در اطراف تصاویر کلماتی به خط پهلوی به معنای: آتش نرسی، مشهود است.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۶۷	۵۱	نقره	ساسانی- هرمز دوم	۳۰۹-۳۰۳ م	۳/۸۰	۲/۸	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست هرمز دوم با تاج بالدار که بر آن سر عقابی که مرواریدی به دهان دارد و گوی کروی شکل نقش شده است و در اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنای : مزداپرست خدایگان اهورمزد شاهنشاه ایران و انیران که چهره از ایزدان دارد.

پشت سکه: نقش آتشدان در وسط با دو نفر در کنار آن ایستاده در حال عبادت که برسمی در دست دارند (شاهنشاه و موبد) در وسط شعله های آتش تصویر ایزد بهرام دیده می شود؛ در اطراف تصاویر کلماتی به خط پهلوی به معنای (آتش هرمزد) دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۶۸	۲۰۳۷	نقره	ساسانی- هرمز دوم	۳۰۹-۳۰۳ م	۴	۲/۶۱	۱/۲

روی سکه: نیم رخ راست هرمز دوم با تاج بالدار که بر آن سر عقابی که مرواریدی به دهان دارد و گوی کروی شکل نقش شده است و در اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنای : مزداپرست خدایگان اهورمزد شاهنشاه ایران و انیران که چهره از ایزدان دارد.

پشت سکه: نقش آتشدان در وسط با دو نفر در کنار آن ایستاده در حال عبادت که برسمی در دست دارند (شاهنشاه و موبد) در وسط شعله های آتش تصویر ایزد بهرام دیده می شود؛ در اطراف تصاویر کلماتی به خط پهلوی به معنای (آتش هرمزد) دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۶۹	۲۱۲۸	طلا	ساسانی- هرمز دوم	۳۰۹-۳۰۳م	۷/۰۸	۲/۲	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست هرمز دوم با تاج بالدار که بر آن سر عقابی که مرواریدی به دهان دارد و گوی کروی شکل نقش شده است و در اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنای : مزداپرست خدایگان اهورمزد شاهنشاه ایران و انیران که چهره از ایزدان دارد.

پشت سکه: نقش آتشدان در وسط با دو نفر در کنار آن ایستاده در حال عبادت که برسمی در دست دارند (شاهنشاه و موبد) در وسط شعله های آتش تصویر ایزد بهرام دیده می شود؛ در اطراف تصاویر کلماتی به خط پهلوی به معنای (آتش هرمزد) دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۷۱	۱۲۲	نقره	ساسانی- شاپور دوم	۳۷۹-۳۰۹ م	۴/۱۰	۲/۳	۲

روی سکه: نیم رخ راست شاپور دوم با تاج کنگره دار که گویی کروی برروی آن قرار دارد و در اطرافش کلماتی به خط پهلوی به معنای : (خدایگان شاپور شاهنشاه ایران)

پشت سکه: تصویر آتشدان با دو نفر در کنارآن در حال عبادت که برسمی در دست دارند و تصویر ایزد مهر در شعله آتش دیده می شود



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۷۲	۲۰۴۳	نقره	ساسانی- شاپور دوم	۳۷۹-۳۰۹	۴	۲/۲۸	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست شاپور دوم با تاج کنگره دار که گویی کروی برروی آن قرار دارد و در اطراف کلماتی به خط پهلوی به معنای : (خدایگان شاپور شاهنشاه ایران)

پشت سکه: تصویر آتشدان با دو نفر در کنارآن در حال عبادت که برسمی در دست دارند و تصویر ایزد مهر در شعله آتش دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۷۳	۲۱۴۴	نقره	ساسانی- شاپور دوم	۳۷۹-۳۰۹م	۴	۲/۴	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست شاپور دوم با تاج کنگره دار که گویی کروی برروی آن قرار دارد و در اطراف کلماتی به خط پهلوی به معنای : (خدایگان شاپور شاهنشاه ایران)

پشت سکه: تصویر آتشدان با دو نفر در کنارآن در حال عبادت که برسمی در دست دارند و تصویر ایزد مهر در شعله آتش دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۷۴	۲۱۴۶-۱	نقره	ساسانی- شاپور دوم	۳۷۹-۳۰۹م	۳/۸۰	۲/۵	۱/۵
۱۷۵	۲عدد				۳/۸۰	۲/۱	۲/۲

روی سکه: نیم رخ راست شاپور دوم با تاج کنگره دار که گویی کروی برروی آن قرار دارد و در اطراف کلماتی به خط پهلوی به معنای : (خدایگان شاپور شاهنشاه ایران)

پشت سکه: تصویر آتشدان با دو نفر در کنارآن در حال عبادت که برسمی در دست دارند و تصویر ایزد مهر در شعله آتش دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۷۶	۱۴۹	طلا	ساسانی- شاپور دوم	۳۷۹-۳۰۹م	۷/۲۰	۱/۹	۲/۵

روی سکه: نیم رخ راست شاپور دوم با تاج کنگره دار که گوی کروی بر روی آن قرار دارد و در اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای (مزدا پرست خدایگان شاپور شاهنشاه ایران و انیران) مشاهده می شود.

پشت سکه: تصویر آتشدان سه پایه اردشیر اول



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۷۷	۲۱۳۹	طلا	ساسانی- شاپور دوم	ـ	۷/۲۰	۲/۰۱	۲/۵

روی سکه: نیم رخ راست شاپور دوم با تاج کنگره دار که گوی کروی بر روی آن قرار دارد و در اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای (مزدا پرست خدایگان شاپور شاهنشاه ایران و انیران) مشاهده می شود.

پشت سکه: تصویر آتشدان سه پایه اردشیر اول



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۷۸	۲۱۴۱	طلا	ساسانی- شاپور دوم	۳۷۹-۳۰۹م	۷/۱۰	۱/۹۲	۲/۵

روی سکه: نیم رخ راست شاپور دوم با تاج کنگره دار که گوی کروی بر روی آن قرار دارد و در اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای (مزدا پرست خدایگان شاپور شاهنشاه ایران و انیران) مشاهده می شود.

پشت سکه: تصویر آتشدان سه پایه اردشیر اول



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۷۹	۱۵۸	طلا	ساسانی- شاپور دوم	۳۷۹-۳۰۹م	۶/۲۰	۲/۴۵	۱/۲

روی سکه: نیم رخ راست شاپور دوم با تاج کنگره دار که گوی کروی بر روی آن قرار دارد و در اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای (مزدا پرست خدایگان شاپور شاهنشاه ایران و انیران) مشاهده می شود.

پشت سکه: آتشدان روشن با دونفرکنار آن ایستاده در حال عبادت که برسمی در دست دارند و در اطراف کلماتی به خط پهلوی به معنای : (آتش شاپور) مشاهده می شود



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۸۰	۲۱۲۹	طلا	ساسانی- شاپور دوم	۳۷۹-۳۰۹م	۷/۳۰	۲/۳۵	۳/۵

روی سکه: نیم رخ راست شاپور دوم با تاج کنگره دار که گوی کروی بر روی آن قرار دارد و در اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای (مزدا پرست خدایگان شاپور شاهنشاه ایران و انیران) مشاهده می شود.

پشت سکه: آتشدان روشن با دونفر کنار آن ایستاده در حال عبادت که برسمی در دست دارند و در اطراف کلماتی به خط پهلوی به معنای : (آتش شاپور) و برروی تنه آتشدان حلقه روباندار نقش دارد.



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۲	۱/۸۲	۴/۲۰	۳۷۹-۳۰۹م	ساسانی- شاپور دوم	طلا	۲۱۳۶	۱۸۱

روی سکه: نیم رخ راست شاپور دوم با دیهیم شاهی(سرپوشه ساده یانمدی) و اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنای : مزداپرست خدایگان شاپور شاهنشاه ایران دیده می شود.
پشت سکه: تصویر آتشدان با دو نفر در کنارآن در حال عبادت که برسمی در دست دارند و تصویر ایزد مهر در شعله آتش دیده می شود.



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱/۵	۲/۶	۴/۲۰	۳۷۹-۳۸۳م	ساسانی- اردشیر دوم	نقره	۲۰۴۸	۱۸۲

روی سکه: نیم رخ راست اردشیر دوم که اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنـی : مزداپرسـت خـدایگان اردشیر شاهنشاه ایران و انیران ، دیده می شود.
پشت سکه: تصویرآتشدان و دو نفر ایستاده در اطراف آن در حال عبادت که برسمی در دست دارند .



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۲	۲/۶	۴/۲۰	۳۸۳_۳۸۸م	ساسانی- شاپور سوم	نقره	۱۲۴	۱۸۳

روی سکه: نیم رخ راست شاپور سوم با تاج مشبک که گویی مدور برروی آن قرار دارد اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنی(شاپور شاهنشاه) دیده می شود.
پشت سکه: تصویر آتشدان با دو نفر در کنارآن در حال عبادت که برسمی در دست دارند و تصویر ایزد مهر در شعله آتش دیده می شود



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۸۴	۱۲۵	نقره	ساسانی- شاپور سوم	۳۸۸-۳۸۳م	۴/۲۰	۲/۶	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست شاپور سوم با تاج مشبک که گویی مدور برروی آن قرار دارد اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنی(مزدا پرست خدایگان شاپور شاهنشاه ایران) دیده می شود.

پشت سکه: تصویر آتشدان با دو نفر در کنارآن در حال عبادت که برسمی در دست دارند و تصویر ایزد مهر در شعله آتش دیده می شود



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۸۵	۲۰۹۶	نقره	ساسانی- شاپور سوم	۳۸۳-۳۸۸ م	۴	۲/۵	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست شاپور سوم با تاج مشبک که گویی مدور برروی آن قرار دارد اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنی(شاپور شاه) دیده می شود.

پشت سکه: تصویر آتشدان با دو نفر در کنارآن در حال عبادت که برسمی در دست دارند و تصویر ایزد مهر در شعله آتش دیده می شود



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۸۶	۱۱۹	نقره	ساسانی- بهرام چهارم	۳۸۸-۳۹۹	۳/۸۰	۲/۵	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست بهارم چهارم با تاج بالدار که گویی مدور برروی آن قراردارد در اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنی (مزدا پرست خدایگان بهرام شاهنشاه) دیده می شود.

پشت سکه: تصویر آتشدان و دو نفر ایستاده در اطراف آن در حال عبادت که برسمی در دست دارند .



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۸۷	۱۱۳	نقره	ساسانی- یزدگرد اول	۴۲۰-۳۹۹م	۳/۵۰	۲/۶۵	۱

روی سکه: نیم رخ راست یزدگرد اول با تاج مزین به هلال ماه و گوی کروی شکل، در اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنی (مزداپرست خدایگان یزدگرد شاه شاهان) دیده می شود.

پشت سکه: وسط ،آتشدان و دو نفر ایستاده در اطراف آن در حال عبادت که برسمی در دست دارند و در طرفین شعله های آتش هلال ماه مشاهده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۸۸	۲۰۹۸	نقره	ساسانی- یزدگرد اول	۴۲۰-۳۹۹م	۳/۹۰	۲/۵	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست یزدگرد اول با تاج مزین به هلال ماه و گوی کروی شکل، در اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنی (مزداپرست خدایگان یزدگرد شاه شاهان) دیده می شود.
پشت سکه: وسط :آتشدان و دو نفر ایستاده در اطراف آن در حال عبادت که برسمی در دست دارند .



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۸۹	۲۱۱۳	نقره	ساسانی- یزدگرد اول	۴۲۰-۳۹۹ م	۳	۲/۶	۱

روی سکه: نیم رخ راست یزدگرد اول با تاج مزین به هلال ماه و گوی کروی شکل، در اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنی (مزداپرست خدایگان یزدگرد شاه شاهان) دیده می شود.
پشت سکه: وسط :آتشدان و دو نفر ایستاده در اطراف آن در حال عبادت که برسمی در دست دارند و در طرفین شعله های آتش هلال ماه مشاهده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۹۰	۲۰۴۹	نقره	ساسانی- بهرام پنجم	۴۳۸-۴۲۰ م	۴	۳/۱۱	۱

روی سکه: نیم رخ راست بهرام گور با تاج کنگره دار مزین به هلال ماه و گوی کروی شکل ، در اطراف تصویر کلماتی به خط پهلوی به معنی (مزداپرست خدایگان ، آرامش بخش کشور ، بهرام شاهنشاه) دیده می شود.
پشت سکه: وسط :آتشدان و دو نفر ایستاده در اطراف آن در حال عبادت که برسمی در دست دارند و تصویر ایزد بهرام داخل شعله های آتش به چشم می خورد.



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۳	۳/۶۰	۴۳۸-۲۴۵ م	ساسانی- یزدگرد دوم	نقره	۱۳۲	۱۹۱

روی سکه: نیم رخ راست یزدگرد دوم با تاج کنگره دار مزین به هلال ماه و گوی کروی در اطـراف تصـویر کلماتی به خط پهلوی به معنی (مزداپرست بزرگ ، یزدگرد) دیده می شود.
پشت سکه: تصویرآتشدان با دو نفر ایستاده در کنار آن در حال عبادت که برسمی در دست دارند و سمت راست به خط پهلوی کلمه آتش نقر شده است.



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۲/۳۰	۳/۷۰	۴۳۸-۴۵۷ م	ساسانی- یزدگرد دوم	طلا	۱۵۱	۱۹۲

روی سکه: نیم رخ راست یزدگرد دوم با تاج کنگره دار مزین به هلال ماه و گوی کروی، در اطـراف تصـویر کلماتی به خط پهلوی به معنی (مزداپرست بزرگ ، یزدگرد) دیده می شود.
پشت سکه: تصویرآتشدان با دو نفر ایستاده در کنار آن در حال عبادت که برسمی در دست دارند و سمت راست به خط پهلوی کلمه آتش نقر شده است.



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱/۸	۲/۸۱	۴	۴۵۹-۴۸۴ م	ساسانی- پیروز	نقره	۲۰۴۲	۱۹۳

روی سکه: نیم رخ راست پیروز با تاجی دو پر و هلال ماه و گویی بر روی آن و در اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنای : مزداپرست بزرگ پیروز
پشت سکه: تصویرآتشدان و دونفر ایستاده در اطراف آن و نقش ماه و ستاره/ سمت راست : علامت اختصاری ضرابخانه / سمت چپ : به خط پهلوی : پیروز



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (m.m)
۱۹۴	۲۰۵۰	نقره	ساسانی- بلاش	۴۸۴-۴۸۸ م	۴	۲/۷۵	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست بلاش با تاج کنگره دار وهلال ماه و گویی بر روی‌آن، کلماتی به خط پهلوی در اطراف به معنای (خوش اقبال) دیده می شود.

پشت سکه: تصویرآتشدان که داخل آن تصویر ایزد بهرام دیده می شود و دو نفر ایستاده در کنار آن در حال عبادت، سمت چپ به خط پهلوی کلمه : بلاش / طرفین شعله های آتش تصویر هلال ماه و ستاره دیده می شود.



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (m.m)
۱۹۵	۵۲	نقره	ساسانی- قباد اول	۴۸۸-۵۳۱ م	۴	۲/۸۵	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست قباداول با تاج کنگره دار مزین به هلال ماه / روبروی صورتش کلمه ای به خط پهلوی به معنای : افزون

پشت سکه: تصویرآتشدان با دو نفر ایستاده در کنار آن و اطراف آتشدان تصویر هلال ماه و ستاره / ضرب جی ، سال ؟



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (m.m)
۱۹۶	۱۳۰	نقره	ساسانی- قباد اول	۴۸۸-۵۳۱ م	۷/۳۰	۲/۸	۲

روی سکه: نیم رخ راست قباداول با تاج کنگره دار مزین به هلال ماه / روبروی صورتش کلمه ای به خط پهلوی به معنای : افزون

پشت سکه: تصویرآتشدان بادو نفر ایستاده در کنار آن و نقش هلال ماه و ستاره در اطراف / ضرب کرمان، سال ۲۴



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۹۷	۱۱۷	نقره	ساسانی- قباد اول	۴۸۸-۵۳۱ م	۴	۲/۷	۱

روی سکه: نیم رخ راست قباداول با تاج کنگره دار مزین به هلال ماه / روبروی صورتش کلمه ای به خط پهلوی به معنای : افزون

پشت سکه: تصویرآتشدان با دو نفر ایستاده در کنار آن و اطراف آتشدان نقش هلال ماه و ستاره / ضرب جی، سال ۳۴



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۹۸	۱۳۱	نقره	ساسانی- خسرو اول	۵۳۱-۵۷۹م	۴	۲/۹۵	۱

روی سکه: نیم رخ راست خسرو اول با تاج کنگره دار مزین به گوی کروی و هلال ماه و ستاره /تصویر هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه / روبروی صورت خسرو نامش به خط پهلوی ذکر شده است.

پشت سکه: تصویرآتشدان و دو نفر ایستاده در کنار آن و اطراف آتشدان نقش هلال ماه و ستاره / ضرب آتورپاذگان، سال ؟



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۱۹۹	۲۰۵۶	نقره	ساسانی- خسرو اول	۵۳۱-۵۷۹م	۴/۱۰	۳/۰۵	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست خسرو اول با تاج کنگره دار مزین به گوی کروی و هلال ماه و ستاره /تصویر هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه / روبروی صورت خسرو نامش به خط پهلوی ذکر شده است.

پشت سکه: تصویرآتشدان و دو نفر ایستاده در کنار آن و اطراف آتشدان نقش هلال ماه و ستاره / ضرب ایرانشهر شاپور، سال ؟



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۰۰	۲۰۶۲	نقره	ساسانی- خسرو اول	۵۷۹-۵۳۱م	۴	۱/۹۵	۱میلی‌متر

روی سکه: نیم رخ راست خسرو اول با تاج کنگره دار مزین به گوی کروی و هلال ماه و ستاره /تصویر هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه / روبروی صورت خسرو نامش به خط پهلوی ذکر شده است.
پشت سکه: تصویرآتشدان و دو نفر ایستاده در کنار آن و اطراف آتشدان نقش هلال ماه و ستاره / ضرب اهواز، سال ۱۲



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۰۱	۲۰۵۷	نقره	ساسانی- خسرو اول	۵۷۹-۵۳۱ م	۴	۳/۰۵	۱

روی سکه: نیم رخ راست خسرو اول با تاج کنگره دار مزین به گوی کروی و هلال ماه و ستاره /تصویر هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه / روبروی صورت خسرو نامش به خط پهلوی ذکر شده است.
پشت سکه: تصویرآتشدان و دو نفر ایستاده در کنار آن و اطراف آتشدان نقش هلال ماه و ستاره / ضرب وه اردشیر، سال ۲۹



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۰۲	۲۰۵۳	نقره	ساسانی- خسرو اول	۵۷۹-۵۳۱ م	۳/۳۰	۲/۸۵	۱

روی سکه: نیم رخ راست خسرو اول با تاج کنگره دار مزین به گوی کروی و هلال ماه و ستاره /تصویر هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه / روبروی صورت خسرو نامش به خط پهلوی ذکر شده است.
پشت سکه: تصویرآتشدان و دو نفر ایستاده در کنار آن و اطراف آتشدان نقش هلال ماه و ستاره / ضرب ایرانشهرشاپور، سال ۴۰



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۰۳	۲۰۷۵	نقره	ساسانی- هرمز چهارم	۵۹۰-۵۷۹ م	۳	۳/۱	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست هرمز چهارم با تاج کنگره دار مزین به گوی کروی و هلال ماه و ستاره و همچنین تصویر ماه و ستاره در چهار طرف حاشیه سکه و روبروی صورت هرمز به خط پهلوی نامش نقر شده است.
پشت سکه: آتشدان و دو نفرایستاده در کنار آن با نقش هلال ماه و ستاره / ضرب جی،سال ۴



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۰۴	۱۲۷	نقره	ساسانی- هرمز چهارم	۵۹۰-۵۷۹ م	۳/۵۰	۲/۹	۱

روی سکه: نیم رخ راست هرمز چهارم با تاج کنگره دار مزین به گوی کروی و هلال ماه و ستاره و همچنین تصویر ماه و ستاره در چهار طرف حاشیه سکه و روبروی صورت هرمز به خط پهلوی نامش نقر شده است.
پشت سکه: آتشدان و دو نفرایستاده در کنار آن با نقش هلال ماه و ستاره / ضرب جی،سال ۶



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۰۵	۲۰۶۸	نقره	ساسانی- هرمز چهارم	۵۹۰-۵۷۹م	۳	۲/۱	۱

روی سکه: نیم رخ راست هرمز چهارم با تاج کنگره دار مزین به گوی کروی و هلال ماه و ستاره و همچنین تصویر ماه و ستاره در چهار طرف حاشیه سکه و روبروی صورت هرمز به خط پهلوی نامش نقر شده است.
پشت سکه: آتشدان و دو نفرایستاده در کنار آن با نقش هلال ماه و ستاره / ضرب جی،سال ۹



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۰۶	۲۰۷۰	نقره	ساسانی- هرمز چهارم	۵۹۰-۵۷۹م	۴	۳/۲	۱

روی سکه: نیم رخ راست هرمز چهارم با تاج کنگره دار مزین به گوی کروی و هلال ماه و ستاره و همچنین تصویر ماه و ستاره در چهار طرف حاشیه سکه و روبروی صورت هرمز به خط پهلوی نامش نقر شده است.
پشت سکه: آتشدان و دو نفرایستاده در کنار آن با نقش هلال ماه و ستاره / ضرب ایرشهر،سال ۱۱



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۰۷	۲۰۶۹	نقره	ساسانی- خسرو دوم	۶۲۸-۵۹۰م	۴	۳/۲	۱

روی سکه: نیم رخ راست خسرو پرویز با تاج بالدار و نقش هلال ماه و ستاره در ۴ طرف حاشیه سکه/ روبروی صورت خسرو نامش به خط پهلوی درج شده است.
پشت سکه: نقش آتشدان با دونفر ایستاده در کنار به همراه هلال ماه و ستاره وهمچنین تصویر ماه و ستاره در چهار طرف سکه/ ضرب ایرانشهرشاپور ، سال ۶



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۳	۳/۳۰	۶۲۸-۵۹۰م	ساسانی- خسرو دوم	نقره	۱۱۲	۲۰۸

روی سکه: نیم رخ راست خسرو پرویز با تاج بالدار و نقش هلال ماه و ستاره در ۴ طرف حاشیه سکه/ روبروی صورت خسرو نامش به خط پهلوی درج شده است.
پشت سکه: نقش آتشدان با دونفر ایستاده در کنار به همراه هلال ماه و ستاره وهمچنین تصویر ماه و ستاره در چهار طرف سکه/ ضرب همدان ، سال ۶



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۳	۳/۳۰	۶۲۸-۵۹۰م	ساسانی- خسرودوم	نقره	۲۰۶۷	۲۰۹

روی سکه: نیم رخ راست خسرو پرویز با تاج بالدار و نقش هلال ماه و ستاره در ۴ طرف حاشیه سکه/ روبروی صورت خسرو نامش به خط پهلوی درج شده است. در حاشیه سکه به خط پهلوی واژه (آپد) به معنی آبادانی درج شده است.
پشت سکه: نقش آتشدان با دونفر ایستاده در کنار به همراه هلال ماه و ستاره وهمچنین تصویر ماه و ستاره در چهار طرف سکه/ ضرب شیراز ، سال ۲۵



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۳/۳	۳/۸۰	۶۲۸-۵۹۰م	ساسانی- خسرو دوم	نقره	۲۰۶۶	۲۱۰

روی سکه: نیم رخ راست خسرو پرویز با تاج بالدار و نقش هلال ماه و ستاره در ۴ طرف حاشیه سکه/ روبروی صورت خسرو نامش به خط پهلوی درج شده است. در حاشیه سکه به خط پهلوی واژه (اپد) به معنی آبادانی درج شده است.
پشت سکه: نقش آتشدان با دونفر ایستاده در کنار به همراه هلال ماه و ستاره وهمچنین تصویر ماه و ستاره در چهار طرف سکه/ ضرب پیروزگرد ، سال ۳۵



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۱۱	۲۰۷۱	نقره	ساسانی- خسرو دوم	۵۹۰-۶۲۸م	۴/۱۰	۳/۲۵	۱

روی سکه: نیم رخ راست خسرو پرویز با تاج بالدار و نقش هلال ماه و ستاره در ۴ طرف حاشیه سکه/ روبروی صورت خسرو نامش به خط پهلوی درج شده است.

پشت سکه: نقش آتشدان با دونفر ایستاده در کنار به همراه هلال ماه و ستاره وهمچنین تصویر ماه و ستاره در چهار طرف سکه/ ضرب بلخ ، سال ۳۶



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۱۲	۲۱۰۷	نقره	ساسانی- اردشیر سوم	۶۳۱-۶۳۲م	۴/۲۰	۳/۲	۱

روی سکه: نیم رخ راست اردشیر سوم با تاجی زیبا و ساده(کنگره دار مزین به گوی کروی و هلال ماه و ستاره) که پشت سرش به پهلوی واژه (افزون) و روبرویش نامش به خط پهلوی درج شده است. در حاشیه سکه سه طرف نقش هلال ماه و ستاره نقر شده است.

پشت سکه: تصویر آتشدان در وسط و دو نفر ایستاده در کنار آن به همراه هلال ماه و ستاره و در چهارطرف حاشیه سکه نیز نقش هلال ماه و ستاره دیده می شود/ ضرب آموی / سال ۱



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۱۳	۲۰۶۱	نقره	ساسانی- اردشیر سوم	۶۳۱-۶۳۲م	۴	۳/۰۴	۱میلی‌متر

روی سکه: نیم رخ راست اردشیر سوم با تاجی زیبا و ساده(کنگره دار مزین به گوی کروی و هلال ماه و ستاره) که پشت سرش به پهلوی واژه (افزون) و روبرویش نامش به خط پهلوی درج شده است. در حاشیه سکه سه طرف نقش هلال ماه و ستاره نقر شده است.

پشت سکه: تصویر آتشدان در وسط و دو نفر ایستاده در کنار آن به همراه هلال ماه و ستاره و در چهارطرف حاشیه سکه نیز نقش هلال ماه و ستاره دیده می شود/ ضرب هرت / سال ۱



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۱۴	۶۰	نقره	ساسانی- اردشیر سوم	۶۳۲-۶۳۱م	۴/۲۰	۳/۵	۱

روی سکه: نیم رخ راست اردشیر سوم با تاجی زیبا و ساده(کنگره دار مزین به گوی کروی و هلال ماه و ستاره) که پشت سرش به پهلوی واژه (افزون) و روبرویش نامش به خط پهلوی درج شده است. در حاشیه سکه سه طرف نقش هلال ماه و ستاره نقر شده است.

پشت سکه: تصویر آتشدان در وسط و دو نفر ایستاده در کنار آن به همراه هلال ماه و ستاره و در چهارطرف حاشیه سکه نیز نقش هلال ماه و ستاره دیده می شود/ ضرب هرت / سال ۱



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۱۵	۲۰۷۲	نقره	ساسانی- اردشیر سوم	۶۳۲-۶۳۱م	۴/۱۰	۳/۴	۱

روی سکه: نیم رخ راست اردشیر سوم با تاجی زیبا و ساده(کنگره دار مزین به گوی کروی و هلال ماه و ستاره) که پشت سرش به پهلوی واژه (افزون) و روبرویش نامش به خط پهلوی درج شده است. در حاشیه سکه سه طرف نقش هلال ماه و ستاره نقر شده است.

پشت سکه: تصویر آتشدان در وسط و دو نفر ایستاده در کنار آن به همراه هلال ماه و ستاره و در چهارطرف حاشیه سکه نیز نقش هلال ماه و ستاره دیده می شود/ ضرب آتورپاذگان / سال ۲



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (m.m)
۲۱۶	۱۱۴	نقره	ساسانی- اردشیر سوم	۶۳۲-۶۳۱م	۴/۲۰	۳/۵	۱

روی سکه: نیم رخ راست اردشیر سوم با تاجی زیبا و ساده(کنگره دار مزین به گوی کروی و هلال ماه و ستاره) که پشت سرش به پهلوی واژه (افزون) و روبرویش نامش به خط پهلوی درج شده است. در حاشیه سکه سه طرف نقش هلال ماه و ستاره نقر شده است.

پشت سکه: تصویر آتشدان در وسط و دو نفر ایستاده در کنار آن به همراه هلال ماه و ستاره و در چهارطرف حاشیه سکه نیز نقش هلال ماه و ستاره دیده می شود/ ضرب شیراز / سال ۲



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (m.m)
۲۱۷	۱۱۵	نقره	ساسانی- اردشیر سوم	۶۳۲-۶۳۱م	۴/۲۰	۳/۲۵	۱

روی سکه: نیم رخ راست اردشیر سوم با تاج کنگره دار بالدار که پشت سرش به پهلوی واژه (افزون) و روبرویش نامش به خط پهلوی درج شده است، در حاشیه سکه سه طرف نقش هلال ماه و ستاره نقر شده است.

پشت سکه: تصویر آتشدان در وسط و دو نفر ایستاده در کنار آن به همراه هلال ماه و ستاره و در چهارطرف حاشیه سکه نیز نقش هلال ماه و ستاره دیده می شود/ ضرب ایران(دربار) / سال ۲



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۱۸	۱۱۵	نقره	ساسانی- اردشیر سوم	۶۳۲-۶۳۱م	۴/۲۰	۳/۳۲	۱

روی سکه: نیم رخ راست اردشیر سوم با تاج کنگره دار بالدار که پشت سرش به پهلوی واژه (افزون) و روبرویش نامش به خط پهلوی درج شده است، در حاشیه سکه سه طرف نقش هلال ماه و ستاره نقر شده است.

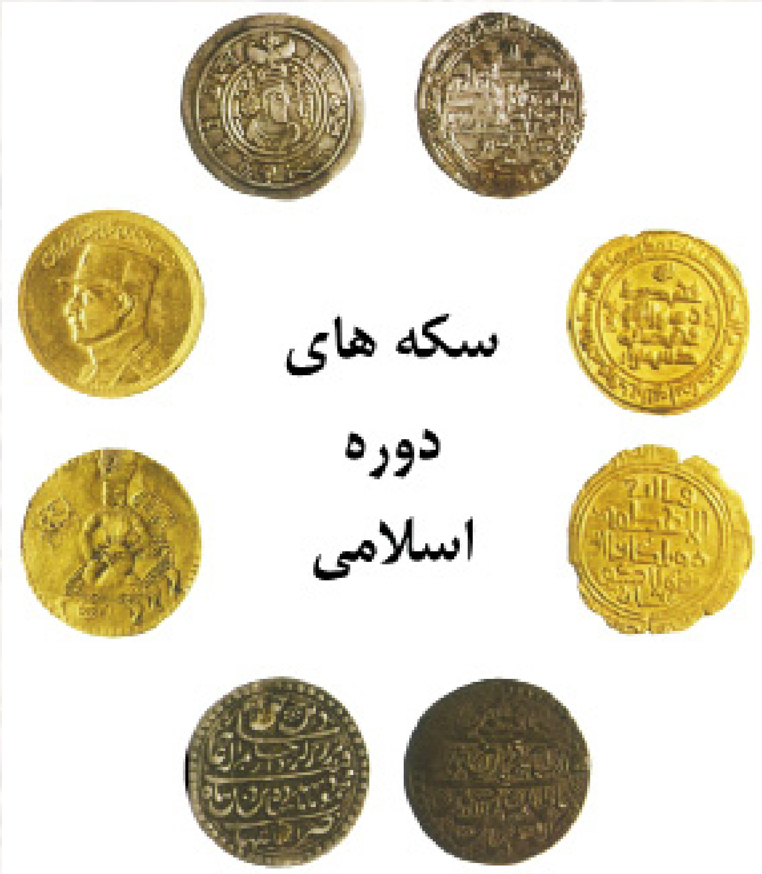
پشت سکه: تصویر آتشدان در وسط و دو نفر ایستاده در کنار آن به همراه هلال ماه و ستاره و در چهارطرف حاشیه سکه نیز نقش هلال ماه و ستاره دیده می شود/ ضرب بیشاپور / سال ۲



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۱۹	۲۱۱۰	مس	ساسانی- فرخزاد	۶۵۸-۶۵۱ م	۴	۲/۶	۱/۵

روی سکه: نیم رخ راست شاه که روبرویش به خط پهلوی نامش درج شده و در سه طرف حاشیه سکه نقش هلال ماه و ستاره نقر است.

پشت سکه: تصویر آتشدان و دو نفر ایستاده در کنار آن و در چهار طرف حاشیه سکه نقش هلال ماه و ستاره/ ضرب دودر(دربار دوم) ، سال ۸


سکه های
دوره
اسلامی

عرب ساسانی



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۲۰	۱۳۷	نقره	عرب ساسانی- عمر بن عبیدالله	۷۰-۶۵ هـ	۴	۲/۹	۱

روی سکه: نیم رخ راست شاه ساسانی و نام عمر بن عبیدالله به خط پهلوی روبروی صورت شاه، حاشیه به خط پهلوی واژه (دوگان) و پایین آن به خط کوفی(لله الحمد) درج شده است/هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه

پشت سکه: تصویر آتشدان در وسط و دو نفر ایستاده ، هلال ماه و ستاره در چهار طرف حاشیه خارجی سکه / ضرب استخر ، سال ۷۰ هـ



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۲۱	۱۳۶	نقره	عرب ساسانی- عبدالملک بن مروان	۸۶-۶۵ هـ	۴	۳	۱

روی سکه: نیم رخ راست شاه ساسانی با تاج بالدار و به خط پهلوی نام خلیفه اموی : عبدلملیک امیری(عبدالملک امیری) و حاشیه خارجی به خط کوفی: بسم الله / هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه

پشت سکه: آتشدان در وسط و دو نفر ایستاده در کنار آن، هلال ماه و ستاره در چهار طرف حاشیه سکه/ضرب دارابگرد، سال ۶۰ (یزدگردی)=۷۲ هـ



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (m.m)
۲۲۲	۲۰۲۸	نقره	عرب ساسانی- حمران بن آبان	۷۲هـ	۴	۳/۱	۱

روی سکه: نیم رخ راست شاه ساسانی با تاج بالدار و نام حاکم به خط پهلوی روبروی صورت شاه : حمران آبانان، در حاشیه به خط کوفی : بسم الله * حمرن بن ابان

پشت سکه: آتشدان با دو نفر ایستاده در کنار آن و چهار طرف حاشیه سکه هلال ماه و ستاره / ضرب اردشیر خوره، سال ۷۲



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۲۳	۲۰۳۱	نقره	عرب ساسانی- المهلب بن ابی صفره	۷۹-۷۵ هـ	۴/۱۰	۳/۱	۱

روی سکه: نیم رخ شاه ساسانی به راست، نام حاکم به خط پهلوی روبروی صورت شاه، حاشیه بسم الله، هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه

پشت سکه: آتشدان با دو نفر ایستاده در کنار آن ،نقش هلال ماه و ستاره در چهار سوی سکه/ ضرب دارابگرد، سال ۷۶ هـ



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۲۴	۲۱۱۵	نقره	عرب ساسانی- حجاج بن یوسف	۹۴-۷۵هـ	۴/۳۰	۳/۲	۱

روی سکه: نیم رخ راست شاه ساسانی با تاج بالدار، نام الحجاج بن یوسف روبروی صورت شاه به خط کوفی، حاشیه : بسم الله * لااله الا الله وحده * محمد رسول الله / تصویر هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه

پشت سکه: نقش آتشدان و دو نفر ایستاده در کنار آن با هلال ماه و ستاره / هلال ماه و ستاره در چهار طرف حاشیه سکه / ضرب بالمدئن ، ست و سبعین (ضرب مداین- سال ۷۶)



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۲۵	۱۳۸	نقره	عرب ساسانی- حجاج بن یوسف	۹۴-۷۵هـ	۴	۳/۴	۱

روی سکه: نیم رخ راست شاه ساسانی با تاج بالدار، نام الحجاج بن یوسف روبروی صورت شاه به خط کوفی، حاشیه : بسم الله * لااله الا الله وحده * محمد رسول الله / تصویر هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه

پشت سکه: نقش آتشدان و دو نفر ایستاده در کنار آن با هلال ماه و ستاره / هلال ماه و ستاره در چهار طرف حاشیه سکه / ضرب بیشاپور، سال ۷۷



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۲۶	۱۳۹	نقره	عرب ساسانی- حجاج بن یوسف	۹۴-۷۵هـ	۴	۳/۲	۱

روی سکه: نیم رخ راست شاه ساسانی با تاج بالدار، نام الحجاج بن یوسف روبروی صورت شاه به خط کوفی، حاشیه: بسم الله * لااله الا الله وحده * محمد رسول الله / تصویر هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه
پشت سکه: نقش آتشدان و دو نفر ایستاده در کنار آن با هلال ماه و ستاره/ هلال ماه و ستاره در چهار طرف حاشیه سکه / ضرب بیشاپور، سال ۷۷



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۲۷	۲۰۲۹	نقره	عرب ساسانی- حجاج بن یوسف	۹۴-۷۵هـ	۴	۳/۲۵	۱

روی سکه: نیم رخ راست شاه ساسانی با تاج بالدار، نام الحجاج بن یوسف روبروی صورت شاه به خط کوفی، حاشیه: بسم الله * لااله الا الله وحده * محمد رسول الله / تصویر هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه
پشت سکه: نقش آتشدان و دو نفر ایستاده در کنار آن با هلال ماه و ستاره / هلال ماه و ستاره در چهار طرف حاشیه سکه / ضرب بیشاپور، سال ۷۷



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۲۸	۱۴۱	نقره	عرب ساسانی- حجاج بن یوسف	۹۴-۷۵هـ	۴	۳/۲	۱

روی سکه: نیم رخ راست شاه ساسانی با تاج بالدار، نام الحجاج بن یوسف روبروی صورت شاه به خط کوفی، حاشیه: بسم الله * لااله الا الله وحده * محمد رسول الله / تصویر هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه
پشت سکه: نقش آتشدان و دو نفر ایستاده در کنار آن با هلال ماه و ستاره / هلال ماه و ستاره در چهار طرف حاشیه سکه / ضرب بیشاپور، سال ۷۹



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۳/۳	۴	۸۴-۸۱هـ	عرب ساسانی- عبدالرحمن بن محمد	نقره	۲۱۱۴	۲۲۹

روی سکه: نیم رخ راست شاه ساسانی با تاج بالدار؛ به خط کوفی نام عبدالرحمن بن محمد روبروی صورت شاه، حاشیه به خط کوفی: الحمدلله * به خط پهلوی : منصور / هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه
پشت سکه: آتشدان در وسط و دو نفر ایستاده در کنار آن، حاشیه به خط کوفی : منصور، هلال ماه و ستاره در چهار جهت سکه / ضرب بیشاپور، سال ۸۱



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۳/۲	۴	۸۴-۸۱هـ	عرب ساسانی-عبدالرحمن بن محمد	نقره	۱۴۰	۲۳۰

روی سکه: نیم رخ راست شاه ساسانی با تاج بالدار ،روبروی شاه به خط پهلوی نام : عبدرمانی محمتان (عبدالرحمن بن محمد) حاشیه بیرونی به خط کوفی: بسم الله * ربی
پشت سکه: آتشدان در وسط و دو نفر ایستاده در اطراف آن/ هلال ماه و ستاره در چهار طرف حاشیه سکه /ضرب سیستان ،سال ۸۳

امرای طبرستانی



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۳۱	۵۷	نقره	عرب طبرستانی ـ عمربن العلاء	۱۴۷-۱۵۸هـ	۵	۲/۴	۱

روی سکه: نیم رخ راست شاه ساسانی و روبروی تصویر نام عمر به خط پهلوی ،پشت سر شاه به خط پهلوی واژه (ایزوت) دیده می شود/ حاشیه بیرونی سکه به خط پهلوی واژه (اید) به معنـای آبـادانی نقـر شـده و در چهار طرف سکه هلال ماه و ستاره دیده می شود.

پشت سـکه: نقـش آتشـدان بـا دو نفـر در کنـار آن / هـلال مـاه و سـتاره در چهـار طـرف سـکه/ضـرب تپورستان(تبرستان) ، سال ۱۲۱ اسپهبدی = ۱۴۸ هجری



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۳۲	۲۰۸۷	نقره	عرب طبرستانی ـ سعید بن دعلج	۱۴۸-۱۵۷هـ	۱/۸۰	۲/۳۰	۱

روی سکه: نیم رخ راست شاه ساسانی با تاج بالدار و نام سعید روبروی صورت شاه به خط کوفی،هلال ماه و ستاره در چهار طرف کنار سکه/ پشت سر شاه به پهلوی واژه ایزوت(افزون)

پشت سکه: آتشدان در وسط و دو نفر ایستاده در اطراف آن / هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه/ضرب تپورستان(تبرستان) ، سال ۱۲۵ اسپهبدی =۱۵۲ هجری



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۳۳	۷۴	نقره	عرب طبرستانی ـ عمربن العلاء	۱۴۷-۱۵۸هـ	۱/۸۰	۲/۴	۱

روی سکه: نیم رخ راست شاه ساسانی ،روبروی تصویر به خط کوفی نام عمر / نقش هلال ماه و سـتاره در سه طرف سکه

پشت سکه: نقش آتشدان با دو نفر در کنار آن / هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه / ضـرب تپورسـتان(تبرستان)، سال ۱۲۹ اسپهبدی = ۱۵۷ هجری



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۲/۳۵	۲/۲	۱۶۶-۱۶۴هـ	عرب طبرستانی ـ سلیمان	نقره	۲۰۸۳	۲۳۴

روی سکه: به جای تصویر شاه ، شکل لوزی با تاجی بالدار (داخل شکل واژه بخ)و نام سلیمن به خط کوفی روبروی شکل ، هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه

پشت سکه: آتشدان و دو نفر ایستاده در اطراف آن/ هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه / ضرب تپورستان (تبرستان) سال ۱۳۷ اسپهبدی=۱۶۵ هجری



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱/۵	۲/۵	۲/۲۰	۱۶۹-۱۵۳هـ	عرب طبرستانی ـ مقاتل	نقره	۵۴	۲۳۵

روی سکه: نیمرخ شاه ساسانی که روبرویش به خط کوفی نام مقاتل درج شده و در حاشیه سکه به خط پهلوی واژه (اپد) به معنی آبادانی / در چهار طرف سکه هلال ماه و ستاره دیده می شود.

پشت سکه: نقش آتشدان با دو نفر ایستاده در اطراف آن / هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه / ضرب تپورستان(تبرستان) ، سال ۱۳۸ اسپهبدی =۱۶۶ هجری



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۲/۳	۱/۹۰	۱۶۸-۱۶۴هـ	عرب طبرستانی ـ هانی	نقره	۲۰۸۹	۲۳۶

روی سکه: نیم رخ راست شاه ساسانی با تاج بالدار ، به خط کوفی نام هانی روبروی صورت شاه، تصویر هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه

پشت سکه: تصویر آتشدان در وسط و دو نفر ایستاده در کنار آن / هلال ماه و ستاره در چهار طرف سکه/ ضرب تپورستان(تبرستان) ، سال ۱۳۸ اسپهبدی=۱۶۶ هجری

امـــویان



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۳۷	۱۱۱	نقره	اموی ـ عبدالملک بن مروان	۷۹ هـ	۲/۹	۲/۸	۱

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بالکوفه سنه تسع و سبعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۳۸	۱۳۱T	نقره	اموی ـ عبدالملک بن مروان	۸۰ هـ	۲/۱۰	۲/۳	۱

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بالبصره فی سنه ثمنین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۳۹	۷۶	نقره	اموی ـ عبدالملک بن مروان	۸۳ هـ	۲/۶۰	۲/۶۲	۰/۸

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بمیسان فی سنه ثلث و ثمنین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۴۰	۳۴	نقره	اموی ـ ولیدبن عبدالملک	۹۰ هـ	۲/۴۰	۲/۴	۱

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بواسط فی سنه تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۴۱	۸۳	نقره	اموی ـ ولید بن عبدالملک	۹۱ هـ	۲/۸۰	۲/۶	۱

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بسابور فی سنه احدی و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۴۲	۱۶۸T	نقره	اموی ـ ولید بن عبدالملک	۹۱ هـ	۲/۵	۲/۶۰	۰/۵

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بماه الکوفه فی سنه احدی و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۴۳	۳۹	نقره	اموی ـ ولید بن عبدالملک	۹۱ هـ	۲/۷۰	۲/۶۵	۰/۷

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بمناذر فی سنه احدی و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۴۴	۷۸	نقره	اموی ـ ولید بن عبدالملک	۹۲ هـ	۲/۵۰	۲/۶۲	۱

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد
حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون
پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له
حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بالاهواز فی سنه اثنتین و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۴۵	۵	نقره	اموی ـ سلیمان بن عبدالملک	۹۲ هـ	۲/۵۰	۲/۶	۰/۷

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد
حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون
پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له
حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بسابور فی سنه تنتین و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۴۶	۷۹	نقره	اموی ـ ولید بن عبدالملک	۹۲ هـ	۲/۸۰	۲/۶۲	۱

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد
حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون
پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له
حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بکرمان فی سنه اثنتین و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۴۷	۱۱۸	نقره	اموی ـ ولید بن عبدالملک	۹۳ هـ	۲/۳۰	۲/۶۵	۰/۷

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بدربجرد فی سنه ثلث و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۴۸	۱۷	نقره	اموی ـ ولید بن عبدالملک	۹۳ هـ	۲/۶۰	۲/۶	۰/۷

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بسرق فی سنه ثلث و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۴۹	۴۳	نقره	اموی ـ ولید بن عبدالملک	۹۴ هـ	۲/۸۰	۲/۶۱	۱

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم باردشیر خوره فی سنه اربع و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۵۰	۳۱	نقره	اموی ـ ولید بن عبدالملک	۹۴ هـ	۲/۶۰	۲/۷	۰/۷

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد
حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون
پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له
حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بالتیمره فی سنه اربع و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۵۱	۷۷	نقره	اموی ـ ولیدبن عبدالملک	۹۵ هـ	۲/۳۰	۲/۸	۱

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد
حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون
پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له
حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بارمینیه سنه خمس و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۵۲	۴	نقره	اموی ـ ولید بن عبدالملک	۹۵ هـ	۲/۷۰	۲/۶	۰/۷

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد
حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون
پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له
حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بمناذر فی سنه خمس و تسعین



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۲/۷	۲/۸۰	۹۵ هـ	اموی ـ ولید بن عبدالملک	نقره	۴۲	۲۵۳

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بنهرتیری فی سنه خمس و تسعین



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۰/۸	۲/۷۵	۲/۷۰	۹۶ هـ	اموی ـ سلیمان بن عبدالملک	نقره	۷۳	۲۵۴

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بارمینیه فی سنه ست و تسعین



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۲/۷	۲/۸۰	۹۶ هـ	اموی ـ سلیمان بن عبدالملک	نقره	۱۱۷	۲۵۶

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بالفرات فی سنه ست و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۵۷	۵۸	نقره	اموی ـ سلیمان بن عبدالملک	۹۶ هـ	۲/۳۰	۲/۶	۰/۹

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بماهی فی سنه ست و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۵۸	۱۹	نقره	اموی ـ سلیمان بن عبدالملک	۹۶ هـ	۲/۱۰	۲/۳	۱

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بواسط فی سنه ست و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۵۹	۳	نقره	اموی ـ سلیمان بن عبدالملک	۹۶ هـ	۲/۷۰	۲/۸	۰/۹

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بهمذن (همدان) فی سنه ست و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۶۰	۲۶	نقره	اموی ـ سلیمان بن عبدالملک	۹۷ هـ	۲/۶۰	۲/۷	۱/۵

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد
حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون
پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له
حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بکرمان فی سنه سبع و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۶۱	۸۲	نقره	اموی ـ سلیمان بن عبدالملک	۹۸ هـ	۲/۹۰	۲/۷۵	۱

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد
حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون
پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له
حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم باصطخر فی سنه ثمان و تسعین



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۶۲	۸۰	نقره	اموی ـ سلیمان بن عبدالملک	۹۸ هـ	۲/۷۰	۲/۷	۱

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد
حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون
پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له
حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بجی فی سنه ثمان و تسعین



ضخامت (m.m)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۰/۹	۲/۶۵	۲/۵۰	۹۸ هـ	اموی ـ سلیمان بن عبدالملک	نقره	۶۰	۲۶۳

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بسابور فی سنه ثمان و تسعین



ضخامت (m.m)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۲/۸	۲/۶۰	۹۹ هـ	اموی ـ عمر بن عبدالعزیز	نقره	۸۱	۲۶۴

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بمرو فی سنه تسع و تسعین



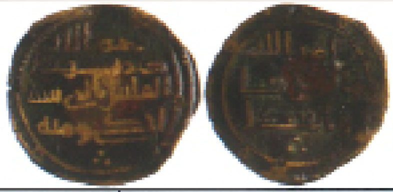
ضخامت (m.m)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۰/۸	۲/۵	۱/۶۰	۱۰۰ هـ	اموی ـ عمر بن عبدالعزیز	نقره	۴۵	۲۶۵

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بسجستان سنه مائه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۶۶	۱۲	مس	اموی ـ عمربن عبدالعزیز	۱۰۱ هـ	۲/۵۰	۲	ـ

روی سکه: بسم الله ضرب هذا الفلس بالری سنه احدی و مائه

پشت سکه: امر الله بالوفا و العدل



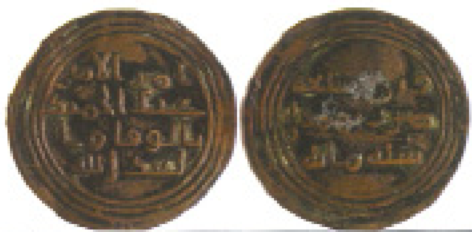
شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۶۷	۵۹	نقره	اموی ـ هشام بن عبدالملک	۱۰۷ هـ	۲/۷۰	۲/۶۱	۱

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بالاندلس سنه سبع و مائه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۶۸	۱۶۹	مس	اموی ـ هشام بن عبدالملک	۱۰۷ هـ	۲/۵۰	۲/۷	۱

روی سکه: امر الامیر عبدالحمید بالوفا و العدل لله

پشت سکه: فی سمه ضرب بهمدان سنه مائه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۶۹	۲۴	نقره	اموی ـ هشام بن عبدالملک	۱۰۹ هـ	۲/۸۰	۲/۷	۰/۵

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بالاندلس سنه تسع و مائه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (m.m)
۲۷۰	۱۶۶T	طلا	اموی ـ هشام بن عبدالملک	۱۰۹ هـ	۴/۲۰	۲/۴	۱

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدنیر سنه تسع و مائه

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (m.m)
۲۷۱	۳۳	نقره	اموی ـ هشام بن عبدالملک	۱۱۰ هـ	۲/۴۰	۲/۶۱	۰/۷

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بمبرکه سنه عشر و مئه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (m.m)
۲۷۲	۱۶۷T	طلا	اموی ـ هشام بن عبدالملک	۱۱۱ هـ	۴/۲۰	۲	۱

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدنیر سته احدی عشره و مائه

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۷۳	۴۴	مس	اموی ـ هشام بن عبدالملک	۱۱۶ هـ	۱/۲۰	۱/۹	۱

روی سکه: امر الله بالوفا والعدل ...؟

پشت سکه: بسم الله ضرب هذا الفلس بالری سنه ست عشره و مائه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۷۴	۴۹	نقره	اموی ـ هشام بن عبدالملک	۱۱۷ هـ	۲/۷۰	۲/۸	۰/۵

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بالمبرکه سنه سبع عشره و مائه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۷۵	۲۹	نقره	اموی ـ هشام بن عبدالملک	۱۲۰ هـ	۲/۷۰	۲/۸	۱

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بالباب سنه عشرین و مائه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۷۶	۱۳۶T	نقره	اموی ـ مروان بن محمد	۱۲۸ هـ	۲/۹۰	۲/۵	۱

روی سکه: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد
حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون
پشت سکه: لااله الا الله وحده لا شریک له
حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بواسط ثمان و عشرین و مائه

عباسیان



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۷۷	۸۱۶	نقره	عباسی ـ المنصور	۱۳۷ هـ	۲/۹۰	۲/۶	۱

روی سکه: محمد رسول الله

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بجندی شاپور سنه سبع و ثلثین و مئه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۷۸	۸۱۵	نقره	عباسی ـ المنصور	۱۳۷ هـ	۲/۹۰	۲/۴۵	۱

روی سکه: محمد رسول الله

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بالکوفه سنه سبع و ثلثین و مائه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۷۹	۸۱۷	نقره	عباسی ـ المنصور	۱۴۴ هـ	۲/۹۰	۲/۵	۱

روی سکه: محمد رسول الله

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا ال رهم بالکوفه سنه اربع و اربعین و مئه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۸۰	۸۱۸	نقره	عباسی ـ المنصور	۱۵۳ هـ	۲/۸۰	۲/۶۲	۱

روی سکه: مما امر به المهدی محمد بن امیر المومنین / بخ

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بالمحمدیه سنه ثلث و خمسین و مئه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۸۱	۸۴۹	مس	عباسی – المنصور	۱۵۸ هـ	۵/۲۰	۲/۲۵	۲

روی سکه: مما امر به المهدی محمد بن امیرالمومنین

حاشیه: بسم الله / محمد رسول الله / ضرب هذا الفلس بالری سنه ثمان وخمسین و مئه

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۸۲	۸۰۷	طلا	عباسی ـ المنصور	۱۵۸ هـ	۳/۹۰	۱/۹	۱

روی سکه: محمد رسول الله

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدینار سنه ثمان و خمسین و مئه

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۲/۵۱	۲/۸۰	۱۶۰ هـ	عباسی ـ المهدی	نقره	۸۱۹	۲۸۳

روی سکه: محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم / الخلیفه المهدی

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بالمحمدیه سنه ستین و مئه



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۲/۶	۲/۹۰	۱۶۲ هـ	عباسی ـ المهدی	نقره	۸۲۰	۲۸۴

روی سکه: محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم / الخلیفه المهدی / یحیی

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بمدینه ؟ سنه اثنتین و ستین و مئه



ضخامت (mm)	قطر (cm)	وزن (gr)	سال ضرب	دوره تاریخی	جنس	شماره اموال	شماره سکه
۱	۱/۹	۴/۱۰	۱۶۸ هـ	عباسی ـ المهدی	طلا	۸۰۸	۲۸۵

روی سکه: محمد رسول الله

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدینار سته ثمان و ستین و مئه

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۸۶	۸۲۱	نقره	عباسی ـ هارون الرشید	۱۷۲ هـ	۲/۸۰	۲/۳۱	۱

روی سکه: بن خزیم / محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم/ الخلیفه هرون / بخ

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بسجستان سنه اثنین و سبعین ومئه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۸۷	۸۰۹	طلا	عباسی ـ هارون الرشید	۱۷۴ هـ	۴/۱۰	۱/۸	۱/۵

روی سکه: محمد رسول الله الخلیفه

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدینار سنه اربع و سبعین ومئه

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۸۸	۸۲۲	نقره	عباسی ـ هارون الرشید	۱۸۲ هـ	۲/۹۰	۲/۵۵	۱

روی سکه: محمد رسول الله / مما امر به الامیرالامین محمد بن امیرالمومنین / جعفر

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بمدینه السلام سنه اثنین و ثمانین مائه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۸۹	۲۱۰	طلا	عباسی ـ هارون الرشید	۱۸۲ هـ	۳/۹۰	۱/۷۵	۱/۱

روی سکه: محمد رسول الله / جعفر

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدینار سنه اثنتین و ثمنین و مئه

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۹۰	۱۹۱	طلا	عباسی – هارون الرشید	۱۸۴ هـ	۳/۸۰	۱/۸	۱/۱

روی سکه: محمد رسول الله / جعفر

حاشیه : بسم الله ضرب هذا الدینار سنه اربع و ثمنین و مئه

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۹۱	۸۲۳	نقره	عباسی ـ هارون الرشید	۱۸۶ هـ	۲/۹۰	۲/۵	۱

روی سکه: محمد رسول الله / مما امر به الامیر المامون عبدالله بن امیرالمومنین ولی ولی عهد المسلمین/بخ

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بمدینه بلخ سنه ست و ثمنین و مئه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۹۲	۸۱۰	طلا	عباسی ـ هارون الرشید	۱۸۷ هـ	۴/۲۰	۱/۸۱	۱/۵

روی سکه: محمد رسول الله / خلد

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدینار سنه سبع و ثمنین ومئه

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۹۳	۸۱۴	نقره	عباسی ـ هارون الرشید	۱۸۹ هـ	۲/۹۰	۲/۵۵	۰/۸

روی سکه: علی/ محمد رسول الله/ مما امربه الامیر المامون عبدالله بن امیرالمومنین ولی ولی عهد المسلمین

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولوکره المشرکون

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بمدینه بلخ سنه تسع وثمنین ومئه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۹۴	۸۱۱	طلا	عباسی ـ هارون الرشید	۱۹۲ هـ	۳/۷۰	۱/۸۵	۱/۴

روی سکه: محمد رسول الله

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدینار سنه اثنتین و تسعین و مئه

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۹۵	۸۳۴	نقره	عباسی ـ هارون الرشید	۱۹۳ هـ	۲/۵۰	۲/۵۱	۰/۸

روی سکه: محمد رسول الله

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم سنه ثلث و تسعین مائه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۹۶	۸۲۵	نقره	عباسی ـ المامون	۱۹۵ هـ	۲/۹۰	۲/۵۵	۱

روی سکه: لله/ محمد رسول الله مما امر به الامام المامون / الفضل[۱۶]

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بمدینه سمرقند سنه خمس و تسعین و مئه



شماره سکه	شماره اموال	جنس	دوره تاریخی	سال ضرب	وزن (gr)	قطر (cm)	ضخامت (mm)
۲۹۷	۸۲۶	نقره	عباسی ـ المأمون	۱۹۶ هـ	۲/۶۰	۲/۳۵	۱

روی سکه: لله / محمد رسول الله مما امر به الامام المامون امیرالمومنین / الفضل

حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

پشت سکه: لااله الاالله وحده لا شریک له

حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بمدینه سمرقند سنه ست و تسعین و مئه

سکه‌های اروتیک رم



قدیمی‌ترین و با ارزش‌ترین سکه‌های کشف شده روم (مورد استفاده شاهان و درباریان)